برآورد استراتژیک ایران

جلد اول

سرزمینی-سیاسی



برآورد استراتژیک ژاپن

(سرزمینی، سیاسی)

سلسله انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۷۵

معین‌زاده، مریم، ۱۳٤٦ -
برآورد استراتژیک ژاپن (سرزمینی، سیاسی) گردآوری مریم معین‌زاده؛ نظارت و تدوین مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. - تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، انتشارات، ۱۳۸۲-.
ج.: جدول (انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۷۵)
ISBN 964-5910-73-0 (دوره). - ISBN
964-5910-72-2 (ج. ۱) ۳٦۰۰۰ ریال:
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
۱. ژاپن. ۲. ژاپن - جنبه‌های استراتژیکی. الف. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. ب. عنوان.
DS۸۰٦/ ٤ب٦م ۹۵۲
کتابخانه ملی ایران ۸۲ـ ۳٦٦۸۵م



انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
تهران: صندوق پستی ۳۸٤۹ ـ ۱۵۸۷۵، تلفکس: ٤ـ۲۸٦۳۲۸۰

برآورد استراتژیک ژاپن (سرزمینی ـ سیاسی)

نظارت و تدوین: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
گردآوری: مریم معین‌زاده
حروفچین: منصوره سعادت، حمیده نام‌آور
نمایه‌سازی: آرزو عبدسلطانی بابایی
صفحه‌آرایی: علی‌اکبر فراهانی
نمونه‌خوانی: محبوبه وهاب
طراح جلد: مریم جعفری نائینی
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
چاپ: بهمن
صحافی: بهمن
چاپ نخست: اسفند ۸۲
قیمت: ۳٦۰۰ تومان
شابک: جلد اول: ۲ ـ ۷۲ ـ ۵۹۱۰ ـ ۹٦٤
دوره: ۰ ـ ۷۳ ـ ۵۹۱۰ ـ ۹٦٤

یاداشت ناشر

با ورود به قرن بیست و یکم، دولت، ملت یا نظام‌های ملی با وجود به چالش کشیده شدن نقش بی‌بدیلشان در نظام بین‌المللی، هنوز مهم‌ترین بازیگران این عرصه هستند و رویدادهای مهم جهان را نظام‌های ملی رقم می‌زنند و به رغم ایجاد و گسترش نهادها و سازمان‌های غیردولتی در سطح ملی، منطقه‌ای و خصوصاً بین‌المللی و تقویت نفوذ و قدرت آنان، هنوز میان قدرت و نفوذ چنین سازمان‌هایی، با وجود قدرت و نفوذ دولت، فاصلهٔ قابل توجهی وجود دارد.

اگرچه در حال حاضر، با توجه به انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، آشنایی با پدیده‌ها و مسائل مختلف از جمله مسائل مرتبط با امنیت (ملی و بین‌المللی) نسبت به گذشته آسان‌تر شده است؛ اما شناخت دقیق که مستلزم تصمیم‌گیری صحیح و به موقع بوده و ضرورت اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها و کشورها در جهان کنونی است، مشکل‌تر و پیچیده‌تر شده‌است. در این خصوص، شناخت دولت‌ها و کشورها و آشنایی مستمر با اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های آنان به همراه توانمندی‌های و آسیب‌پذیری‌هایشان، از ابزار ضروری تصمیم‌گیری و تبیین برنامه‌های آتی هر کشور نسبت به دیگر کشورها یا مناطق مختلف جهان است.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل آن‌که در یکی از مناطق پنج‌گانهٔ استراتژیک جهان واقع شده و هم‌چنین به لحاظ اهداف، علائق و منافع جهانی و نیز چالش‌ها و تهدیدات موجود، جزو کشورهایی است که به شدت نیازمند شناخت کشورهای پیرامونی خویش و دیگر کشورهای مهم بازیگر صحنهٔ نظامی بین‌المللی هستند. در این راستا و برای تأمین این نیاز ضروری، تاکنون برخی سازمان‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، کارهای بسیاری (تحت عنوان‌های مختلف) انجام داده‌اند که هر کدام در جای خود قابل تقدیر است.

مؤسسهٔ تهران با توجه به اهمیت روزافزون تعمیق شناخت سیاستمداران، کارگزاران نظام سیاسی و هم‌چنین محققان و علاقه‌مندان، به منظور ایجاد زمینهٔ مناسب برای تدوین استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی در برابر کشورهای هدف، پروژهٔ **برآورد استراتژیک کشورهای هدف** را در دستور کار خود قرار داده است.

برای اجرای این پروژه، ابتدا به کمک جمعی از متخصصان مسائل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان، الگوی برآورد استراتژیک کشورهای هدف، در هشت بخش و بیش از ۱۲۰۰ محور طراحی و تنظیم شد. این الگو، مبنای گردآوری اطلاعات و تحقیق پیرامون کشور هدف قرار داده شده است و بر این اساس، برخی از مهم‌ترین کشورهای مرتبط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ مانند: آمریکا، روسیه، پاکستان، ترکیه، عراق، عربستان، امارات، آذربایجان، ژاپن، ترکمنستان، مصر و اسرائیل در دستور کار مؤسسه قرار گرفت.

کتاب برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا (جلد اول) که شامل بخش‌های سرزمینی و سیاسی آن کشور بود، در بهار ۱۳۸۱ منتشر گردید. به‌دنبال آن، جلدهای نخست از برآوردهای استراتژیک اسرائیل، مصر، پاکستان و آذربایجان انتشار یافت و هم‌اکنون ششمین کتاب از این مجموعه تحت عنوان برآورد استراتژیک ژاپن (جلد اول) که شامل بخش‌های سرزمینی و سیاسی این کشور است به کارشناسان و محققان این عرصه تقدیم می‌گردد.

بدون شک انجام این کار بدون راهنمایی‌های علمی آقای دکتر ابومحمد عسگرخانی دبیرکل شورای غیردولتی مؤسسه تهران و همکاری خانم مریم مرادی مدیر پروژه‌های این شورا امکان‌پذیر نبود.

انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

فهرست

بخش اول: سرزمینی

بخش دوم: سیاسی

بخش اول

سرزمینی

فصل اول
موقعیت سرزمینی

عنوان کشور

در قدیم، ژاپن را یاماتو[1] می‌گفتند و در بعضی کتب وا[2] نیز آورده‌اند. می‌گویند که اولین‌بار چینی‌ها از ژاپن به نام کشور وا نام بردند. از حدود سال ٦٤٥ میلادی ژاپن را نیپون[3] یا نیهون[4] نامیده‌اند. در دوره میجی وقتی قانون اساسی جدیدی وضع شد، این کشور را دای نیپون[5] به معنای نیپون بزرگ نام نهادند. در جنگ‌ها نیز ژاپنی‌ها سرزمین خود را دای نیپون می‌نامیدند. امروزه ژاپنی‌ها سرزمین خود را نیپون یا نیهون می‌نامند که به معنی سرزمین آفتاب تابان (طالع) است. در زبان ژاپنی، **نی** (Ni) به معنی آفتاب و **پون** (pon) **یا هون** (hon) به معنی اصل، ریشه و منشأ است. چون ژاپن در شرقی‌ترین قسمت قاره آسیا قرار گرفته است، قدما تصور می‌کردند که آفتاب از این کشور منشأ می‌گیرد. بعضی معتقدند که چون ژاپن اولین کشوری

---

1. Yamato
2. Wa
3. Nippon
4. Nihon
5. Dai Nippon

است که طلوع آفتاب را می‌بینند، آنرا «سرزمین آفتاب تابان» نامیده‌اند.

در زبان انگلیسی به این سرزمین جپن (Japan) و در فرانسه ژاپون (Japon) می‌گویند.

پرچم ژاپن که نقش یک دایره بزرگ سرخ رنگ را در پس زمینه‌ای سفید دارد، **هینومارو**[1] نامیده می‌شود. این پرچم که نشانگر خورشید است، حداقل از قرن هفدهم به‌عنوان یک نماد ملی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

سرود ملی ژاپن کیمیگایو[2] نام دارد و در حدود یک قرن پیش شعر آن که تقریباً ۱۰۰۰ سال قدمت دارد، با موسیقی همراه شد.

وضعیت جغرافیایی

از نظر تاریخی گفته می‌شود، ژاپن حدود ۱۰۰,۰۰۰ سال قبل که هنوز بخشی از سرزمین به هم پیوسته آسیا محسوب می‌شد، دارای سکنه بوده است. طبق یک فرضیه علمی، سرزمین ژاپن حدود ۲۰۰۰ سال قبل به وضع کنونی ـ به‌صورت رشته جزایری در امتداد شمال‌شرقی تا جنوب‌غربی در کناره شرق آسیا ـ پدید آمد و دگرگونی‌های عظیم طبیعی، چهار جزیره کوچک را به‌وجود آورده و صدها جزیره کوچک‌تر ژاپن را از سرزمین مادری، یعنی آسیا جدا کرده است. این کمانه در آغاز از جنوب به شبه‌جزیره کره و چین و از شمال به سیبری پیوسته بود و دریای ژاپن را در میان داشت، اما به‌تدریج با بالا آمدن آب دریا نخست باریکه میان ژاپن و کره را در خود فرو برد و سپس پیوند خشکی شمال ناپدید شد و در همین زمان بود که حیات انسان در این سرزمین آغاز شد.(۱)

۱ـ۱ـ موقعیت هندسی

ژاپن مجمع‌الجزایری است که به‌طور تقریبی از جنوب‌غربی تا شمال‌شرقی در طول جغرافیایی ۲۵´°۲۰ جنوبی تا ۳۳´°۴۵ شمالی در اقیانوس آرام که در غرب ساحل شرقی قارهٔ آسیا واقع

---

1. Hinomaru　　2. Kimigayo

شده، به شکل باریکه‌ای قوسی شکل به طول ۳,۸۰۰ کیلومتر امتداد یافته است.

مختصات جغرافیایی: ۳٦° ۰۰´ شمالی[۲]

۳۸° ۰۰´ شرقی

کل مساحت ژاپن ۳۷۷,۸۷۳ کیلومتر مربع است که کمی از فنلاند، ویتنام یا مالزی بزرگ‌تر و یک‌بیست‌وپنجم مساحت ایالات‌متحده و کمتر از یک‌چهارم مساحت جمهوری اسلامی ایران است.

شمالی‌ترین نقطه ژاپن: اتوروفو در جزیره هوکایدو ″۱۹´۳۳°٤٥ شمالی،″۳۰´٤٥°۱٤۸ شرقی

جنوبی‌ترین نقطه ژاپن، اوکینوتوری شیما، استان توکیو

″۱۳´۲٥°۲۰ شمالی″۲۰´٤°۱۳٦ شرقی

غربی‌ترین نقطه ژاپن: یوناگونی جیما در جزیره اوکیناوا

″۳۸´۲٦°۲٤ شمالی″٥۹´٥٥°۱۲۲ شرقی

شرقی‌ترین نقطه ژاپن: مینا میتوری شیما، استان توکیو

″۰۰´۱۷°۲٤ شمالی″۱۲´٥۹°۱٥۳ شرقی[۳]

تقسیمات جغرافیایی ژاپن (شامل جزایر فراساحلی که تحت کنترل اداری دولت هستند) عبارت است از:

هوکایدو (Hokkaido): ۸۳,٤٥۳ کیلومتر مربع

هونشو (Honshu): ۲۳۱,۰۷۸ کیلومتر مربع

شیکوکو (Shikoku): ۱۸,۷۸۸ کیلومتر مربع

کیوشو (Kiyushu): ٤۲,۱٦٥ کیلومتر مربع

استان اوکیناوا (Okinawa): ۲,۲۷۱ کیلومتر مربع

هونشو بزرگ‌ترین جزیره ژاپن به‌شمار آمده که ٦۰ درصد از خاک این کشور را تشکیل داده است.

کشور ژاپن از ٦,۸۰۰ جزیره تشکیل شده که بیشتر این جزایر بسیار کوچک بوده و فقط ۳٤

جزیره بیش از یک کیلومتر مربع مساحت دارند و ۹۸ درصد مساحت کشور را همان چهار جزیره فوق‌الذکر تشکیل می‌دهند.(٤)

نکته قابل ذکر آن که شمالی‌ترین جزایر ژاپن یعنی کوناشی‌ری[1]، اتوروفو[2]، هابومای[3] و شیکوتان[4] بعد از پایان جنگ جهانی دوم توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق اشغال شده و هنوز تحت اشغال فدراسیون روسیه قرار دارد.(٥)

تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع از خاک ژاپن به طور متوسط بیش از ۳۳٦ نفر است اما به دلیل این که قسمت‌های وسیعی از اراضی این کشور برای ساخت خانه و جاده هموار نیست، در برخی مناطق تراکم جمعیت حتی از این تعداد نیز بیشتر است. اغلب مردم ژاپن در ساحل شرقی که بسیار توسعه یافته است یا در نواحی جنوبی که تعداد زیادی از بزرگ‌ترین شهرهای ژاپن در آن واقع شده است، زندگی می‌کنند.

۲ـ۱ـ موقعیت طبیعی و توپوگرافی

ژاپن کشوری است که به‌طور کامل در آب محصور شده است؛ اقیانوس آرام در شرق، دریای ژاپن در غرب، دریای شرق چین در جنوب، دریای اوخوتسوکو در شمال و دریای داخلی ستو که بین جزایر شیکوکو و هونشو قرار گرفته است.

مجمع الجزایر ژاپن شامل؛ چهار جزیره بزرگ و صدها جزیره کوچک‌تر است که عبارتند از:

* هوکایدو: ۸۳,٥۱٥ کیلومتر مربع
* هونشو: ۲۳۰,۹٦٦ کیلومتر مربع
* شیکوکو: ۱۸,۷۹۹ کیلومتر مربع
* کیوشو: ٤٤,۳٦۳ کیلومتر مربع

این کشور از طریق دریای ژاپن به روسیه متصل می‌شود. در مورد موقعیت ژئوپولیتیک و

---

1. Kunashiri
2. Etorofu
3. Habomai
4. Shikotan

استراتژیک ژاپن باید گفت که این کشور در شمال‌غربی اقیانوس آرام به موازات بخشی از مرزهای‌شرقی روسیه، چین و کره قرار گرفته و مانند سدی، تماس مستقیم روسیه را با اقیانوس آرام دشوار می‌سازد و به نوعی دایره نفوذ آمریکا را در اطراف اقیانوس آرام تکمیل می‌کند.

ژاپن از شمال، ۳/۷ کیلومتر و از غرب چندین کیلومتر با روسیه فاصله دارد و جزایر کوریل، کامچاتکا و ساخالین یعنی ۳ مرکز بزرگ و مهم پایگاه‌های هوایی و زیردریایی و قرارگاه ناوگان اقیانوس آرام روسیه ـ در ولادی‌وستوک ـ را با حضور نیروها و تسلیحات آمریکایی در خاک خود مورد تهدید مستقیم قرار داده است. علاوه بر این، ژاپن به عنوان مقر فرماندهی نیروی هوایی و دریایی آمریکا در اقیانوس آرام، به گفتهٔ ژنرال مک آرتور، به یک «ناو هواپیمابر غرق نشدنی» در نزدیک‌ترین فاصله با روسیه مبدل شده و از این بابت برای غرب ارزشی بالاتر از انگلستان داشته و نیز ارزشی همچون ارزش کوبا برای بلوک شرق سابق را داراست.

از نظر اقتصادی نیز موقعیت ژاپن در اقیانوس آرام بسیار مهم است، چون در مسیر بزرگ‌ترین و پر رفت و آمدترین راه تجاری که قاره آسیا را به اقیانوس آرام ـ از طریق دریای اخوتسک و دریای ژاپن و دریای شرقی چین ـ متصل می‌کند واقع شده و همین امر، ژاپن را به نقطه عطف ارتباطات دریایی منطقه مبدل کرده است.

۱ـ۲ـ۱ـ مسیرهای گذرگاهی

از نظر استراتژیک، تنگه مالاکا که بین اندونزی و مالزی واقع شده است، گذرگاه ۶۰ درصد کشتی‌های تجاری و به ویژه تانکرهای نفتکش از خلیج‌فارس و اقیانوس‌هند به اقیانوس‌آرام است. اهمیت حفظ امنیت این تنگه برای ژاپن حیاتی است و به همین دلیل، همواره بخشی از ناوگان نیروهای‌دریایی ژاپن در این منطقه حاضر است.

به علاوه این کشور با انجام تمرینات نظامی مشترک با مالزی و استرالیا در این تنگه و عبور تفنگدارانش از آن، آمادگی خود را برای رفع خطرهای احتمالی افزایش می‌دهد. پس از تشکیل شورای تنگه مالاکا که مقر آن در توکیو است، ژاپن کوشید تا از طریق بین‌المللی کردن این تنگه

نظارت خود را بر آن افزایش دهد، اما مقاومت و مخالفت مالزی، اندونزی و سنگاپور به‌منظور حفظ و کنترل تنگه مالاکا، طرح ژاپن را با شکست مواجه کرد. با این حال چون این کشورها از طرف‌های مهم تجاری ژاپن محسوب می‌شوند و از سرمایه‌ها و کمک‌های این کشور بهره‌مندند، به نظر نمی‌رسد که در حال حاضر در این تنگه خطری متوجه امنیت اقتصادی ژاپن باشد.

تنگه هرمز نیز برای ژاپن دارای اهمیت حیاتی است، چرا که این کشور بیشتر از ۸۰ درصد نفت خام وارداتی مورد نیاز خود را از خاورمیانه تأمین می‌کند و به همین خاطر در صورتی که هرگونه مانعی در مسیر این تنگه در اثر جنگ یا غیره پیش آید، تهدیدی برای حیات اقتصادی ژاپن محسوب می‌شود.

با توجه به اهمیت محیط دریایی ژاپن و تنگه‌هایی که دریای ژاپن را به اقیانوس آرام پیوند می‌دهند و نیز نزدیکی هوکایدو به ساخالین (۲٤ کیلومتر)، زیردریایی‌های مجهز به سیستم بسیار پیشرفته تجسس از طریق صوت، در تنگه مالاکا مستقر شده‌اند؛ البته یادآور می‌شود که دولت ژاپن کلیه این اقدامات را در جهت «حفظ امنیت ژاپن» ضروری می‌داند، اما به نظر می‌رسد که سیاست نظامی آمریکا در ژاپن بیشتر در دفاع از منافع خویش باشد تا در جهت حفظ امنیت ژاپن. همان‌طور که ژنرال مک‌آرتور در سال ۱۹٤۸ روشن ساخت، مرزهای استراتژیک آمریکا در سواحل شرقی آسیا قرار دارد، بنابراین حفظ ژاپن در منتهی‌الیه مرزهای استراتژیک آمریکا و با موقعیت ویژه جغرافیایی که دسترسی نیروهای آمریکایی، به ویژه نیروهای واکنش سریع را به اقیانوس آرام، روسیه، جنوب شرقی آسیا و حتی اقیانوس هند و خلیج‌فارس سریع‌تر و آسان‌تر می‌سازد، در واقع دفاع از خود آمریکا است.

توجه به موقعیت جغرافیایی ژاپن از لحاظ مجمع‌الجزیره‌ای بودن نشان می‌دهد که این کشور در طول تاریخ توانسته از تهاجم قدرت‌های خارجی و بیگانه مصون بماند، در حالی که همسایگان آن یعنی شبه‌جزیره کره و چین مدام در معرض تعارض و تهاجم قدرت‌های بیگانه قرار داشته‌اند. با توجه به مصون بودن از تعارض بیگانگان، ژاپن توانسته به رشد اقتصادی بالایی پس از جنگ جهانی دوم دست یابد.

۲ـ۲ـ۱ـ ارتفاعات و نواحی پست داخلی

چندین رشته کوه آتشفشانی که از میان جزایر ژاپن می‌گذرند، توپوگرافی بی‌همتایی را به‌وجود آورده‌اند و موجب پیدایش چشمه‌های آب گرم فراوان در این کشور شده‌اند. شکل کنونی جزایر ژاپن در اثر برخورد تدریجی قسمت‌های مختلف متحرک قشرزمین و فعالیت‌های آتشفشانی و همچنین در نتیجه تغییرات حاصل از خطوط ساحلی اقیانوس به‌وجود آمده است. این رویداد جغرافیایی جالب را می‌توان در شکل سرزمین ژاپن ملاحظه کرد. بخش بزرگی از ژاپن را کوه‌های مرتفع و دره‌های باریک بین آنها تشکیل می‌دهد. در واقع ٦٨ درصد مساحت کشور ژاپن کوهستانی است.[(٦)]

ژاپن دارای ۵۳۲ کوه با ارتفاع بیشتر از ۲۰۰۰ متر است.

کوه‌های مهم ژاپن[۱]

نام کوه	ارتفاع (متر)
فوجی	۳,۷۷٦
کیتاداکه	۳,۱۹۲
اوکوهوتاکاداکه	۳,۱۹۰
آنیوتاکه	۳,۱۸۹
یاریگاتاکه	۳,۱۸۰
آزومادا که	۳,۱٤۱
آکاشی داکه	۳,۱۲۰
کارازاراداکه	۳,۱۱۰
کیتاهوتاکاداکه	۳,۱۰٦
اویامی داکه	۳,۱۰۱

۱. وزارت زمین، زیر ساخت و حمل‌ونقل ژاپن، ۲۰۰۲

وجه اصلی باریکه قوسی ژاپن، ناپایداری جغرافیایی آن شامل فعالیت‌های آتشفشانی مکرر در اثر وجود ۸۶ آتشفشان فعال و زمین‌لرزه‌های بسیار است. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز آن، تشکیل این باریکه قوسی از کوهستان‌های تیز و دشت‌های کم وسعت است که از سرزمین اصلی آسیا توسط دریایی به طول ۱۶۰ کیلومتر جدا شده است.

اغلب مردم، مناطق مسطح یا تپه‌ای را برای زندگی انتخاب می‌کنند زیرا کشاورزی، دامداری و حمل‌ونقل کالا در آن مناطق بسیار آسان‌تر است. کوه‌های ژاپن یکی از زیباترین مظاهر طبیعی این کشور به شمار می‌روند. رشته کوه آلپ ژاپن در جزیره هونشو شهرت بسیار دارد اما معروف‌ترین کوه ژاپن، کوه فوجی است که با ارتفاع ۳,۷۷۶ متر، بلندترین کوه ژاپن هم محسوب می‌شود. اگرچه کوه فوجی یکی از ۷۷ کوه آتشفشان ژاپن است ولی از سال ۱۷۰۷ میلادی تاکنون فعالیت آتشفشانی نداشته است.

یک دهم کل آتشفشان‌های جهان در ژاپن قرار دارند.[۷]

به علت وجود همین کوه‌ها است که ژاپن دارای چشمه‌های آب گرم معدنی فراوان بوده و با جذب جهانگردان، هر ساله از این بابت درآمد سرشاری نصیب این کشور می‌شود. شاید ژاپن از این لحاظ تنها کشوری باشد که به جهت فراوانی چشمه‌های آب گرم در بین تمام کشورهای دنیا درجه نخست را به خود اختصاص داده است، دلیل آن‌هم آتشفشانی بودن منطقه است. در ژاپن به چشمه‌هایی آب گرم اطلاق می‌شود که حداقل درجه حرارت آنها ۲۵ درجه سانتیگراد باشد. استان‌هایی چون توچی‌گی، کاناگاوا، گوما، شیزواکا و آئوموری از نظر داشتن آب گرم یا Onsen غنی هستند. البته در سایر استان‌های ژاپن نیز چشمه‌های آب گرم وجود دارد.[۸] برخی از معروف‌ترین آتشفشان‌ها در کیوشو قرار دارند که عبارتند از: کوه ساکو راجیما و کوه آسو.

کوه اونزن از جمله کوه‌های آتشفشانی بود که در سال ۱۹۹۰ پس از ۱۹۸ سال دوباره فعال شد.

مساحت سطح ژاپن (سال ۲۰۰۱)

ناحیه	مساحت (کیلومتر مربع)
ژاپن	۳۷۷,۸۸۰
هونشو	۲۳۱,۰۸۱ (غیر از برخی مناطق که مرزهای آن هنوز مشخص نشده)
هوکایدو	۸۳,۴۵۴
کیوشو	۴۲,۱۶۸
شیکوکو	۱۸,۷۸۸
اوکیناوا	۲,۲۷۲
سطح زمین	۳۷۴,۷۴۴

۳ـ۲ـ۱ـ زمین‌لرزه‌ها

کانون بسیاری از زمین‌لرزه‌های ژاپن بسیار عمیق است (بیش از ۱۰۰ کیلومتر که خاص زمین‌لرزه‌هایی است که به دلیل فرورانش به وقوع می‌پیوندند). یعنی زمین‌لرزه‌ها در پوسته به‌وقوع می‌پیوندند و پوسته در چنین اعماقی تنها در مناطق فرورانش یافت می‌شود.

فرورانش صفحه اقیانوس آرام و صفحه فیلیپین تحت صفحه اوراسیا نه تنها آتشفشان‌ها را در ژاپن به‌وجود می‌آورد بلکه این کشور را به صورت یکی از مناطق به‌شدت زلزله‌خیز جهان درآورده است. گدازه‌های بسیاری در ژاپن جریان می‌یابند که در ارتباط با مناطق فرورانش هستند و باعث بسیاری از زمین‌لرزه‌های عمده و تعداد بسیاری از زمین‌لرزه‌های کوچک‌تر می‌شوند.

زمین‌لرزهٔ بزرگ «کانتو» که در اول سپتامبر ۱۹۲۳ اتفاق افتاد، احتمالاً بیش از ۸ درجه در مقیاس ریشتر بوده است. این زمین‌لرزه و آتش‌سوزی بعد از آن، بیش از ۱۴,۰۰۰ کشته به‌جای گذاشت و یک سوم توکیو و بخش اعظم یوکوهاما را تخریب کرد. دومین زمین‌لرزه بزرگ در تاریخ اخیر، زمین‌لرزه بزرگ هانشین در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۵ بود که بیش از ۵,۰۰۰ نفر را در کوبه و شهرهای اطراف به هلاکت رساند.[۹]

زمین‌لرزه‌های بزرگ از زمان زمین‌لرزه بزرگ کانتو

تاریخ	نام زمین‌لرزه	شدت	ساختارهای تخریب شده	کشته‌ها
۱ سپتامبر ۱۹۲۳	زمین‌لرزه بزرگ کانتو	۷/۹	۵۷٦,۲٦۲	۱٤۲,۸۰۷
۱۵ ژانویه ۱۹۲٤	زمین‌لرزه تانزاواسانکایی	۷/۳	۱,۲۹۸	۱۹
۷ مارس ۱۹۲۷	زمین‌لرزه کیتاتانگو	۷/۳	۱٦,۲۹۵	۲,۹۲۵
۲٦ نوامبر ۱۹۳۰	زمین‌لرزه کیتا ایسو	۷/۳	۲,۲٤۰	۲۷۲
۳ مارس ۱۹۳۳	زمین‌لرزه سانریکو	۸/۱	۷,٤۷۹	۳,۰۰۸
۱۰ سپتامبر ۱۹٤۳	زمین‌لرزه توتوری	۷/۲	۷,۷۳٦	۱,۰۸۳
۷ دسامبر ۱۹٤٤	زمین‌لرزه هیگاشی نانکایی	۷/۹	۲۹,۱۸۹	۹۹۸
۲۱ دسامبر ۱۹٤٦	زمین‌لرزه نانکایی	۸/۰	۱۵,٦٤۰	۱,٤۳۲
۲۸ ژوئن ۱۹٤۸	زمین‌لرزه فوکویی	۷/۱	۳۹,۱۱۱	۳,۸۵۸
٤ مارس ۱۹۵۲	زمین‌لرزه توکاچی	۸/۲	۹۰٦	۳۳
۱٦ ژوئن ۱۹٦٤	زمین‌لرزه نیگاتا	۷/۵	۲,۲۵۰	۲٦
۱٦ مه ۱۹٦۸	زمین‌لرزه توکاچی	۷/۹	٦۹۱	۵۲
۱٤ ژوئن ۱۹۷۸	استان میاگی	۷/٤	۱,۳۸۳	۲۸
۲۱ مارس ۱۹۸۲	اوراکاوا	۷/۱	۱۳	-
۲٦ مه ۱۹۸۳	دریای ژاپن	۷/۷	۱,۵۸٤	۱۰٤
۱۵ ژانویه ۱۹۹۳	کوشیرو	۷/۸	۵۳	۲
۱۲ جولای ۱۹۹۳	جنوب‌غربی هوکایدو	۷/۸	٦۰۱	۲۳۰
۱۲ اکتبر ۱۹۹۳	توکایدو	۷/۱	-	۱
٤ اکتبر ۱۹۹٤	هوکایدو شرقی	۸/۱	٦۱	-
۲۸ دسامبر ۱۹۹٤	سانریکو	۷/۵	۷۲	۳
۱۷ ژانویه ۱۹۹۵	هانشین‌آواجی	۷/۲	۱۱۱,۸۸۸	٦,٤۳۵
٦ اکتبر ۲۰۰۰	استان توتوری غربی	۷/۳	٤۳٤	-

منبع: آتش‌نشانی ژاپن، ۲۰۰۱

مناطق کم‌ارتفاع، و دشت‌ها بسیار کوچک و پراکنده‌اند و اغلب در امتداد سواحل قرار دارند که در ارتباط طولانی با مناطق سرزمین بوده و دارای وجوه بسیار متفاوت و گوناگونی هستند. اسکله‌ها و بنادر در کنار مناطق کوهستانی واقع شده‌اند. هیچ نقطه‌ای در ژاپن بیش از ۱۵۰ کیلومتر از دریا فاصله ندارد.[۱۰]

جزایر ژاپن ستیغ کوه‌هایی هستند که در نزدیکی لبۀ بیرونی پوستۀ قاره‌ای قرار دارند. حدود ۷۵ درصد مساحت ژاپن کوهستانی است و دشت‌های پراکنده و حوزه‌های داخلی (مراکز جمعیتی) حدود ۲۵ درصد را تشکیل می‌دهد.

زنجیره طولانی کوهستان‌ها از میان رشتۀ قوسی رد شده و آنرا به دو قسمت تقسیم می‌کند، «رو» که رو به سمت اقیانوس آرام دارد و «پشت» که به طرف دریای ژاپن است. در قسمت اقیانوسی، کوه‌های تیز با ارتفاع ۱،۵۰۰ الی ۳،۰۰۰ متر با دره‌های عمیق قرار دارند. قسمت مرکزی ژاپن از همگرایی سه رشته‌کوه هیدا، کیسو و آکائی‌شی که آلپ ژاپن را تشکیل می‌دهند، ایجاد شده است. این رشته‌کوه‌ها دارای قله‌هایی با ارتفاع ۳،۰۰۰ متر یا بیشتر هستند. در طرف دریای ژاپن، دشت‌ها و مناطق کم‌ارتفاع کوهستانی با ارتفاع بین ۵۰۰ تا ۱،۵۰۰ متر قرار گرفته‌اند.

هیچ‌یک از دشت‌های مسکونی یا حوزه‌های کوهستانی دارای مساحت گسترده‌ای نیستند. بزرگ‌ترین آنها یعنی دشت کانتو، جایی‌که توکیو قرار دارد فقط ۱۳،۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد.

سایر دشت‌های مهم عبارتند از:

دشت نوبی اطراف ناگویا

دشت کینکی در ناحیه اوزاکا ـ کیوتو

دشت سندایی اطراف شهر سندایی در شمال غربی هونشو

دشت ایشی کاری در هوکایدو

بسیاری از این دشت‌ها در امتداد ساحل قرار دارند و وسعت آنها در چرخۀ تاریخ از طریق بازیابی و احیای زمین افزایش یافته است.

نواحی کوچک مسکونی در دشت‌ها، نشان دهنده تغییر شاخص انسانی در این بخش در طول قرن‌هاست. زمین از طریق احیای دریا و دلتاهای رودخانه‌ها با ساختن سدهای خاکی و زهکشی و کشتزارهای برنج بر روی کرت‌بندی‌هایی که در مناطق کوهستانی ایجاد شده، به دست آمده است. این روند در زمان معاصر با امتداد خطوط ساحلی و ساخت جزایر مصنوعی برای توسعه بنادر و صنایع، مانند پورت آیلند در کوبه و فرودگاه بین‌المللی کانزایی جدید در خلیج اوزاکا، ادامه یافته است. تپه‌ها و حتی کوه‌ها تراشیده شده‌اند تا مناطق مسطح برای سکونت به‌وجود آید.

٤ـ۲ـ۱ـ ارتباط ناهمواری‌ها با نفوذپذیری ژاپن

از آنجایی که ژاپن کشوری است جزیره‌ای، بنابراین تاکنون از تعارض سایر کشورها از طریق کوهستان‌های آن کشور مصون بوده، چرا که تنها راه دسترسی به آن از طریق دریا است.

٥ـ۲ـ۱ـ شکل کشور

کشور ژاپن به شکل باریکه‌ای قوسی به طول ۳,۸۰۰ کیلومتر است به صورت مجمع‌الجزایر ژاپن، از جنوب‌غربی تا شمال‌شرقی در طول جغرافیایی ۲۰°۲۵′ جنوبی تا ٤٥°۳۳′ شمالی کشیده شده است.

جزایر ژاپن

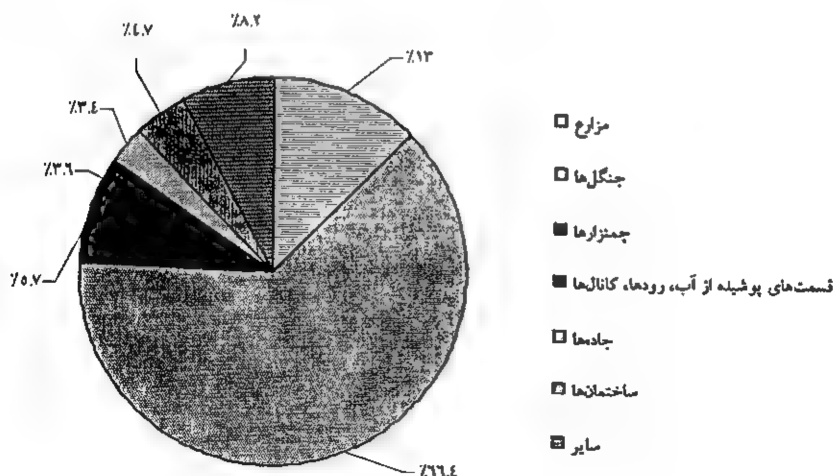
ژاپن از چهار جزیره عمده به نام هوکایدو، هونشو، شیکوکو و کیوشو و بیش از ۳۰۰ جزیره کوچک مشتمل بر اوشیما در زنجیره نامپو و بیش از ۲۰۰ جزیره کوچک دیگر شامل زنجیره آمامی، اوکیناوا و ساکی‌شیما در جزایر ریوکیو تشکیل شده است.

سرزمین ملی شامل جزایر کوچک بوتین که ژاپنی‌ها آنرا اوگاساوارا می‌نامند، ایووجیما و جزایر آتشفشانی (کازان رتو) است که حدود ۱,۱۰۰ کیلومتر از جزایر اصلی فاصله دارند.

چهار جزیره بزرگ که با یک تنگه باریک جدا شده، و نهادی طبیعی را به‌وجود آورده است. قوس جزایر ریوکیو ۹۷۰ کیلومتر به طرف جنوب از کیوشو را دور می‌زند.

فاصله ژاپن و شبه‌جزیره کره، نزدیک‌ترین نقطه روی قاره آسیا حدود ۲۰۰ کیلومتر از طریق تنگه کره است. ژاپن همیشه از طریق مسیرهای تجاری ـ که در شمال به سمت سیبری، در غرب از طریق جزایر تسوشیما تا شبه‌جزیره کره و در جنوب به بنادر سواحل جنوب چین کشیده شده‌اند ـ به قاره آسیا دسترسی پیدا کرده است.

جزیره هونشو با مساحت ۲۲۷,٤۱٤ کیلومتر مربع در رده هفتم جزایر بزرگ جهان قرار دارد. همچنین جزیره هوکایدو نیز با مساحت ۷۸,۰۷۳ کیلومتر مربع در رده بیست و یکم جزایر بزرگ جهان قرار دارد.



۶ـ۲ـ۱ـ جنگل‌های ژاپن

با توجه به میزان بارندگی زیاد سالانه، ژاپن دارای پوشش جنگلی وسیعی است و جنگل‌ها دوسوم مساحت این سرزمین را تشکیل می‌دهند. گرچه به دلیل فعالیت‌های انسانی، تنها در مناطق دورافتاده (کوه‌های بلند، نقطه‌های دور شمالی، برخی جزایر کوچک‌تر) جنگل‌های اولیه وجود دارند. اغلب جنگل‌های ژاپن امروزه رشد ثانوی داشته‌اند. ژاپن را می‌توان به سه منطقه عمده جنگلی تقسیم‌بندی کرد. از شمال به جنوب؛ سردسیری، معتدل و حاره‌ای.

جنگل‌های سردسیری، در شرق هوکایدو و مناطق کوهستانی مرکزی و شمالی هونشو واقع شده‌اند و میانگین حرارت سالانه آنها، ۶ درجه سانتیگراد یا پایین‌تر است. نوع گیاهان آن مخروطی به‌ویژه صنوبر است.

جنگل‌های معتدل، مرز میان مناطق حاره‌ای و معتدل در عرض جغرافیایی سندایی و نی‌ای‌گاتا (۳۸ درجه شمالی) از سطح دریا قرار دارد ولی به سمت جنوب در مناطق کوهستانی عمیق‌تر شده و در کیوشو گسترش می‌یابد. درجه حرارت آنها بین ۶ تا ۱۲/۵ درجه سانتیگراد است. نوع درختان آن پهن‌برگ از جمله؛ افرا، بلوط و ون است.

جنگل‌های حاره‌ای در مناطقی قرار دارند که میانگین درجه حرارت آنها بالاتر از ۱۲/۵ درجه سانتیگراد است. این جنگل‌ها اساساً از درختان چوب سخت همیشه سبز و پهن برگ مانند؛ بلوط، برگ بو، کاملیا و نظایر آن تشکیل شده‌اند، بامبو نیز در این مناطق یافت می‌شود.

۷ـ۲ـ۱ـ آب و هوا و جریانات جوی

نظر به اینکه جزایر ژاپن از شمال به جنوب گسترده شده‌اند، این کشور دارای آب و هوای متنوع و اقیانوسی است. قوس ژاپن دارای درجه حرارت سالانه بین ۱۰ الی ۲۰ درجه سانتیگراد و بارندگی بین ۱،۰۰۰ تا ۲،۵۰۰ میلی‌متر است. این کشور نوعاً دارای تابستان‌های گرم و مرطوب و زمستان‌های خشک و سرد است.[۱۱] سلسله جبالی که در طول

«هونشو»[1] از جنوب به شمال کشیده شده‌اند، آب و هوای ژاپن را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: مناطق واقع در کنار دریای ژاپن و مناطق واقع در کنار اقیانوس آرام. به همین دلیل بادهای شمال غربی در زمستان باعث بارش برف سنگین در سواحل می‌شود ولی هوای سواحل اقیانوس آرام خشک است و زمستان نسبتاً ملایمی دارد. میزان تابش آفتاب در حاشیه اقیانوس آرام به مراتب بیشتر از میزان نواحی واقع در کناره دریای ژاپن است. در تابستان بادها عمدتاً از جنوب شرقی می‌وزند و باعث ایجاد هوای گرم و مرطوب می‌شوند. یکی دیگر از وجوه یکتای آب و هوای ژاپن داشتن ۲ فصل بارندگی طولانی در اوایل تابستان به هنگام وزش بادهای فصلی (موسمی) جنوب شرقی و دریا، نیز هنگامی است که بادها فروکش می‌کنند. مهم‌ترین ایام بارندگی ژاپن در تابستان و در ماه‌های ژوئن و ژوئیه است که اصطلاحاً در زبان ژاپنی به تسویو (Tsuyu) که به معنی فصل بارندگی است، مشهور است. از تابستان تا پاییز فروفشردگی حاره‌ای که در عرض‌های پایین ایجاد شده برخی اوقات به توفان و گردباد مبدل شده و باعث ایجاد خساراتی در اثر سیل و توفان می‌شود. این کشور همه‌ساله هنگام فرا رسیدن پاییز با توفان‌های موسمی مواجه می‌شود.(۱۲)

نمونه‌های زیر نشان دهنده تفاوت دمای هوای نقاط مختلف ژاپن با یکدیگر است.(۱۳)

میانگین دما	هوکایدو	منطقه توکیو	اوکیناوا
زمستان	۵°c ـ	۵°c	۱۷°c
تابستان	۱۸°c	۲٤°c	۲۸°c

در اثر قرارگرفتن در منطقه بادهای موسمی ساحل شرقی قاره آسیا، ویژگی‌های قابل ذکر آب و هوایی باریکه قوسی ژاپن، تنوع درجه حرارت سالانه و میزان بالای بارندگی آن است. اگرچه به خاطر پیچیدگی مشخصات سرزمینی، اختلافات منطقه‌ای بسیاری در سرتاسر فصول وجود دارد.(۱٤)

---

1. Honshu

از هوکایدوی بسیار سرد شمالی تا جزایر کوچک نیمه گرمسیری جنوب در هرجا آب و هوا با دیگر جاها کمی تفاوت دارد. آب و هوا با تغییر فصل نیز تغییر می‌کند.

حرارت و میزان بارندگی (ارزش عادی) (متوسط ۲۰۰۰_۱۹۷۱)

حرارت: سانتیگراد، بارش: میلی‌متر

استان			ژانویه	فوریه	مارس	آوریل	مه	ژوئن	جولای	اوت	سپتامبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر	سالانه
ساپورو Sapporo	حرارت	بالا	-۰/۹	-۰/۳	۳/۵	۱۱/۱	۱۷	۲۱/۱	۲۵	۲۶/۱	۲۲	۱۵/۸	۸/۱	۲/۱	۱۲/۵
		پایین	-۷/۷	-۷/۲	-۳/۵	۲/۷	۷/۸	۱۲/۴	۱۷/۱	۱۸/۵	۱۳/۶	۶/۹	۰/۹	-۴/۴	۴/۸
		میزان بارش	۱۱۱	۹۶	۸۰	۶۱	۵۵	۵۱	۶۷	۱۳۷	۱۳۸	۱۲۴	۱۰۳	۱۰۵	۱/۱۲۸
توکیو Tokyo	حرارت	بالا	۹/۸	۱۰	۱۲/۹	۱۸/۴	۲۲/۷	۲۵/۲	۲۹	۳۰/۸	۲۶/۸	۲۱/۶	۱۶/۷	۱۲/۳	۱۹/۷
		پایین	۲/۱	۲/۴	۵/۱	۱۰/۵	۱۵/۱	۱۸/۹	۲۲/۵	۲۴/۲	۲۰/۷	۱۵	۹/۵	۴/۶	۱۲/۵
		میزان بارش	۴۹	۶۰	۱۱۵	۱۳۰	۱۲۸	۱۶۵	۱۶۲	۱۵۵	۲۰۹	۱۶۳	۹۳	۴۰	۱/۴۶۷
کانازاوا Kanazawa	حرارت	بالا	۶/۸	۶/۷	۱۰/۵	۱۶/۶	۲۱/۴	۲۴/۵	۲۸/۷	۳۰/۴	۲۶	۲۱	۱۵/۳	۱۰	۱۸/۲
		پایین	۰/۸	۰/۶	۲/۷	۷/۹	۱۲/۶	۱۷/۷	۲۲/۲	۲۳/۱	۱۹	۱۳	۷/۴	۳/۲	۱۰/۸
		میزان بارش	۲۶۶	۱۸۴	۱۵۳	۱۴۴	۱۵۴	۱۹۴	۲۲۷	۱۶۴	۲۴۲	۱۸۸	۲۶۷	۲۸۷	۲/۴۷۰
کیوتو Kyoto	حرارت	بالا	۸/۹	۹/۳	۱۳/۱	۱۹/۷	۲۴/۴	۲۷/۴	۳۱/۴	۳۲/۹	۲۸/۳	۲۲/۶	۱۶/۹	۱۱/۵	۲۰/۵
		پایین	۱/۱	۱/۱	۳/۷	۸/۹	۱۳/۷	۱۸/۶	۲۲/۹	۲۳/۹	۱۹/۸	۱۳/۲	۷/۶	۲/۹	۱۱/۵
		میزان بارش	۴۸	۶۵	۱۱۲	۱۳۵	۱۵۵	۲۳۰	۲۱۵	۱۴۴	۲۰۵	۱۲۱	۷۵	۴۲	۱/۵۴۵
تاکاماتسو Takamatsu	حرارت	بالا	۹/۳	۹/۶	۱۲/۹	۱۹	۲۳/۶	۲۶/۷	۳۰/۷	۳۱/۷	۲۷/۶	۲۲/۲	۱۶/۸	۱۱/۹	۲۰/۲
		پایین	۱/۲	۱/۲	۳/۷	۸/۹	۱۳/۷	۱۸/۸	۲۳/۱	۲۳/۶	۱۹/۸	۱۳/۲	۷/۸	۳	۱۱/۵
		میزان بارش	۳۹	۴۸	۷۳	۸۶	۱۰۰	۱۵۹	۱۳۵	۹۲	۱۸۷	۱۰۸	۶۲	۳۴	۱/۱۲۴
کاگوشیما Kagoshima	حرارت	بالا	۱۲/۶	۱۳/۵	۱۶/۵	۲۱/۳	۲۴/۵	۲۷/۲	۳۱/۵	۳۲	۲۹/۷	۲۵/۱	۱۹/۹	۱۵	۲۲/۴
		پایین	۴/۱	۵/۴	۸	۱۲/۶	۱۶/۷	۲۰/۶	۲۴/۹	۲۵/۱	۲۲/۴	۱۶/۹	۱۱/۵	۶/۱	۱۴/۵
		میزان بارش	۷۹	۱۰۵	۱۸۱	۲۲۸	۲۳۲	۴۴۳	۳۱۴	۲۲۴	۲۲۷	۱۰۵	۷۴	۶۸	۲/۲۷۹
ناها Naha	حرارت	بالا	۱۹/۱	۱۹/۲	۲۱/۳	۲۴	۲۶/۴	۲۹/۲	۳۱/۳	۳۰/۹	۲۹/۹	۲۷/۵	۲۴/۲	۲۰/۹	۲۵/۳
		پایین	۱۴/۳	۱۴/۳	۱۶/۲	۱۸/۹	۲۱/۵	۲۴/۶	۲۶/۴	۲۶/۱	۲۵/۱	۲۲/۷	۱۹/۵	۱۶/۱	۲۰/۵
		میزان بارش	۱۱۵	۱۲۵	۱۶۰	۱۸۱	۲۳۴	۲۱۲	۱۷۶	۲۴۷	۲۰۰	۱۶۳	۱۲۴	۱۰۱	۲/۰۳۷

منبع: آژانس زمین‌شناسی

فصول

ـ بهار

بهار یا هارو (haru) در ماه مارس آغاز می‌شود. هنگامی که بادهای کم‌فشار از سواحل

اقیانوسی ژاپن در ماه مارس عبور می‌کنند، درجه حرارت با هر بارندگی افزایش می‌یابد و هنگامی‌که نواحی کم‌فشار بر روی دریای ژاپن گسترده می‌شوند، باد قوسی جنوبی به‌نام Haru ichiban (اولین نشانه‌های بهار) بر روی ژاپن وزیدن می‌گیرد. بهار فصل شکوفه‌هاست. در ابتدا شکوفه‌های درختان آلوی ژاپنی به رنگ‌های مختلف پدیدار می‌شوند و سپس درختان هلو به شکوفه می‌نشینند. تماشای شکوفه‌های گیلاس (Hanami) نوعی وقت‌گذرانی معمول به شمار می‌رود. تقریباً در اواخر ماه مارس یا اوایل ماه آوریل همه مشتاقانه به انتظار پیشگویی هواشناسان تلویزیون درباره روز شکوفایی درختان گیلاس در هر شهر می‌نشینند. سپس جشن‌های تماشای گل‌ریزی درختان گیلاس برپا می‌شود. عمر شکوفه‌های صورتی‌رنگ و ظریف گیلاس فقط یک یا دو هفته است و پس از آن گل‌های دیگر بهاری مثل گلیسین پدیدار می‌شوند.

ـ تابستان

پس از بهار، تابستان یا ناتسو (nutsu) فرا می‌رسد که از ماه مه تا اوایل سپتامبر طول می‌کشد. اوایل تابستان یا شوکا (shoka) دوران کوتاهی با روزهای گرم و آفتابی است. شروع فصل بارندگی Tsuyu یا Kaiu اوایل ماه ژوئن آغاز می‌شود که از جنوب ژاپن آغاز و به سمت شمال حرکت می‌کند. با پایان فصل باران، حدود ۲۰ جولای توده‌های هوایی اوگاساوارا[1] بر ژاپن گسترده می‌شوند و هوا رنگ و بوی تابستانی می‌گیرد. اوج تابستان اواخر جولای است و گرمای تابستان تا ماه اوت ادامه دارد.[۱۵] در طول تابستان به استثنای هوکایدو که کاملاً معتدل است، در سراسر ژاپن هوا گرم و شرجی است. در اواسط تابستان یا ماناتسو (Manatsu) در ماه اوت که هوا گرم اما صاف است، بسیاری از مردم به چادر زدن در دامان طبیعت، پیاده‌روی، گردش و شنا می‌پردازند.[۱۶]

1. Ogasawara

ـ پاییز

پاییز یا آکی (aki) از سپتامبر تا نوامبر به طول می‌انجامد. در این فصل هوا خشک‌تر و سردتر می‌شود. گاه باران و حتی بادها و توفان‌های شدیدی وزیدن می‌گیرد و به دنبال آن برگ‌ها تغییر رنگ می‌دهند. در اواسط اکتبر، پاییز کم‌کم رنگ می‌بازد و اولین نشانه‌های سرما در شمال ژاپن آشکار می‌شود در پاییز جشن‌های متعدد محلی برنج و برداشت سایر محصولات برگزار می‌شود.

ـ زمستان

زمستان یا فویو (Fuyu) از اواخر نوامبر تا فوریه طول می‌کشد. در دسامبر هنگامی که فشارهای اتمسفری به الگوی زمستانی تغییر شکل داده‌اند و بادهای شمال غربی برف را بر سر کوه‌ها می‌نشانند و در دشت‌های کنار دریای ژاپن، باد خشکی به سمت اقیانوس آرام می‌وزد. بادهای سرد سیبریایی و مغولی از سمت سیبری و مغولستان به ژاپن می‌رسند. گرچه دمای هوا در جنوب معتدل است، دمای هوای توکیو در اکثر روزها تنها کمی از صفر درجه بالاتر می‌رود. در مناطق شمال جزیره هونشو که توهوکو (Tohoku) و هوکوریکو (Hokoriku) نامیده می‌شود، برف سنگینی می‌بارد و هوای هوکایدو بسیار سرد می‌شود.

هوای مناطق شمالی مانع از آن نمی‌شود که مردم اقصی نقاط جهان به منظور تماشای مجسمه‌های عظیم برفی و یخی به شهر ساپور و پایتخت هوکایدو سفر نکنند.

۸ـ۲ـ۱ـ شبکه و منابع آبی

ژاپن کاملاً در آب محصور شده است؛ اقیانوس آرام در شرق، دریای ژاپن در غرب، دریای شرق چین در جنوب و دریای اوخوتسوکو در شمال و دریای داخلی ستو بین جزایر شیکوکو و هونشو. پل‌های ستواوهاشی که در مجموع ۷,۰۱۶ متر طول دارند، جزایر هونشو و شیکوکو

را به هم متصل می‌کنند.[۱۷] وجود اقیانوس سبب شده که ماهی در رژیم غذایی و اقتصاد مردم ژاپن نقش مهمی داشته باشد. به‌طور کلی مساحت قسمت پوشیده از آب ۳,۰۹۱ کیلومتر مربع است.

دریای ژاپن با مساحت ۱,۰۱۲,۹٤٥ کیلومتر مربع و حداکثر عمق ٤,۲۲٥ متر در رده نوزدهمین و بزرگ‌ترین دریاهای جهان است.[۱۸]

رشته‌کوه‌های آتشفشانی ژاپن اغلب دارای چشمه‌های آب گرم طبیعی هستند. استحمام در این چشمه‌های آب گرم که از زیر زمین می‌جوشند و بالا می‌آیند، بسیار فرح بخش است. همچنین ژاپن دارای رودخانه‌ها و دریاچه‌های زیبای فراوانی است که به زیبایی این کشور باستانی افزوده‌اند. اما آب نیز مانند زمین می‌تواند مشکل آفرین باشد. در تابستان و پاییز اغلب گردبادهای عظیم و توفان‌های شدید گرمسیری رخ می‌دهد که موجب به راه افتادن سیل و لغزش گل‌ولای و خسارات دیگر می‌شود. زلزله‌های شدید زیرآبی می‌توانند امواج عظیم و جزر و مدی مخرب به نام تسونامی[1] ایجاد کنند.

رودها عموماً تند و تیز هستند و تنها معدودی از آنها، به جز آنها که در مناطق پست قرار دارند برای کشتیرانی مناسب هستند. اغلب رودخانه‌ها کمتر از ۳۰۰ کیلومتر طول دارند ولی جریان سریع آنها از سمت کوهستان منبعی با ارزش و قابل احیا را به‌وجود می‌آورد، یعنی همان نیروی هیدروالکتریکی. تقریباً از تمام ظرفیت توان بالقوه هیدروالکتریک ژاپن استفاده می‌شود.

تغییرات فصلی در جریان آب منجر به توسعه گسترده اقدامات کنترلی برای سیل شده است. اغلب رودخانه‌ها بسیار کوتاه هستند. بلندترین آنها، شینانو که از استان ناگانو به سمت استان نی ای گاتا و در نهایت به سمت دریای ژاپن جریان دارد، تنها ۳٦۷ کیلومتر طول دارد.[۱۹]

1. Tsunami

مهم‌ترین رودخانه‌های ژاپن

نام	طول (کیلومتر)
شینانو (Shinano)	۳٦۷
تنا (Tone)	۳۲۲
ایشی کاری (Ishi kari)	۲٦۸
تشیو (Teshio)	۲۵٦
کیتاکامی (Kita kami)	۲٤۹
آبوکاما (Abu kuma)	۲۳۹
موگامی (Mogami)	۲۲۹
کیسو (Kiso)	۲۲۹
تنریو (Tenryu)	۲۱۳
آگانو (Agano)	۲۱۰

منبع: وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل

دریاچه‌ها

بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین، دریاچه بیوا در شمال شرق کیوتو است.

مهم‌ترین دریاچه‌های ژاپن

نام	مساحت (کیلومتر مربع)
بیوا (Biwa)	٦۷۰/۳
کاسومی‌گا (Kasumiga)	۱٦۷/٦
ساروما (Saruma)	۱۵۱/۹
ایناواشیرو (Inawashiro)	۱۰۳/۳
ناکاائومی (Nakaumi)	۸٦/۲
کوشارو (Kussharo)	۷۹/۳
شینجی (Shinji)	۷۹/۱
شیکوتسو (Shikotsu)	۷۸/٤
تویا (Toya)	۷۰/۷
هامانا (Hamana)	٦۵

کشتیرانی گسترده ساحلی به‌ویژه اطراف دریای داخلی (ستونائی‌کای)[1] کمبود رودخانه‌های قابل کشتیرانی را جبران می‌کند. نوار ساحلی اقیانوسی جنوب توکیو با تورفتگی‌های طولانی و باریک که در اثر رسوب‌گذاری ایجاد شده، بنادر طبیعی بسیاری به‌وجود آورده است. نوار ساحلی اقیانوسی شمال توکیو، ساحل هوکایدو و ساحل دریای ژاپن به‌تدریج از حالت فرورفتگی خارج شده و دارای بنادر معدودی است.

مهم‌ترین بنادر ژاپن، «یوکوهاما» و «کوبه» هستند. بزرگ‌ترین بندر دریایی ژاپن «ناگویا» است که در رده هشتم جهانی قرار دارد. میزان بار جابه‌جا شده در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۱۵۳,۳۷۰,۰۰۰ متر مکعب بوده است.

طبقه‌بندی	تعداد کل	مدیریت بندر					بنادر ماده ۵۶ (متر مکعب)
		استان	شهر، شهرستان روستا	دفتر مدیریت بندر	تعاونی‌ها	کل	
بنادر مهم	۱۳۳	۱۰۰	۲۷	۱	۵	۱۳۳	–
(بنادر مهم ویژه)	(۲۱)	(۱۰)	(۸)	(–)	(۳)	(۲۱)	(–)
(بنادر پناهگاهی)	(۳۵)	(۲۹)	(۶)	(–)	(–)	(–)	(–)
بنادر منطقه‌ای	۹۶۹	۵۲۵	۳۷۶	–		۹۰۱	۶۸
کل	۱,۱۰۲	۶۲۵	۴۰۳	۱	۵	۱,۰۳۴	۶۸

بنادر مهم: آن گروه بنادری هستند که در پیشبرد تجارت خارجی اهمیت دارند.

بنادر مهم: بنادری که در منافع ملی دارای اهمیت هستند.

بنادر منطقه‌ای: بنادری غیر از بنادر مهم.

1. Seto Naikai

بنادر پناهگاهی: بنادری که کشتی‌های کوچک می‌توانند به هنگام باران‌های توفانی در آنجا پناه بگیرند.

بنادر ماده ٥٦: بنادری هستند که فاقد بخش بندری هستند.[۲۰]

تعداد ۹٦۹ بنادر منطقه‌ای شامل ماده ٥٦ می‌شوند.

منابع آبی

منابع آبی ژاپن به‌ویژه در زمان تسویو، توفان‌ها و فصل آب شدن در بهار، بسیار غنی است. گرچه میزان بارندگی سالانه بسیار بیشتر از میانگین جهانی است ولی این به معنای وفور منابع آبی نیست. به دلیل جمعیت متراکم ژاپن، میزان بارندگی سرانه تنها یک‌ششم میانگین جهانی است. به‌علاوه از آنجایی که رودخانه‌ها دارای بستر کوچک و کانال‌های پرشیب هستند، جریان آب آنها بسیار شدید بوده و نسبتاً میزان کمی از آنرا می‌توان استفاده کرد.

در مقایسه با شهرهای سایر کشورها، شهرهای عمده ژاپن دچار کمبود ذخایر آب بوده و هر ساله مشکلات ناشی از کم آبی در بخش‌هایی از این کشور به‌وجود می‌آید.

حجم سالانه آب کشاورزی که از رودخانه‌ها تأمین می‌شود، حدود ۷۸/۲۱ میلیارد مترمکعب برآورد شده و منابع آب‌زمینی حدود ۱۳/۱۵ میلیارد مترمکعب است. از این ارقام مشهود است که آب رودخانه‌ها در ژاپن یکی از منابع مهم هستند و کاربرد مؤثر آنها ضروری است.

مناطق پرجمعیت ژاپن مانند توکیو، اوزاکا، کیوتو، ناگویا، کاوازاکی، کیتاکیوشو، ساپورو، هیروشیما و ناکازاکی از جمله مناطقی به‌شمار می‌روند که دچار کم آبی هستند.

در درون کمربند اقیانوسی، تمرکز بیش از حد جمعیت و کارکردها به‌ویژه در شهرهای بزرگ، مشکلات متعددی شامل؛ تنزل محیط زندگی، گره‌های ترافیکی و تحمیل بارسنگین بر محیط زیست که موجب آلودگی هوا و آب می‌شود، منابع آبی کم‌حجم به همراه می‌آورد. در روند شهرنشینی، کیفیت آب رودخانه‌ها و نواحی ساحلی تنزل کرده و محصورسازی‌هایی ایجاد شده تا مانع دسترسی آسان مردم به آب شود.

استان	آب جمع‌آوری شده سالانه (میلیون متر مکعب)			
	آب‌های سطحی	آب‌های زیرزمینی	سایر	جمع کل
هوکایدو	۷,۱۰۱	۳,۷۲۹	۲,۶۴۸	۱۳,۴۷۸
آئوموری	۷,۵۸۶	۳,۹۷۱	۳,۲۸۴	۱۴,۸۴۱
ایواته	۸,۰۹۷	۴,۲۳۸	۳,۹۹۹	۱۶,۳۳۴
میاگی	۷,۹۴۰	۴,۲۷۶	۴,۵۵۱	۱۶,۷۶۷
آکیتا	۷,۹۳۴	۴,۲۳۸	۴,۶۷۶	۱۶,۸۴۸
یاماگاتا	۷,۹۰۷	۴,۱۹۸	۴,۷۱۹	۱۶,۸۲۵
فوکوشیما	۷,۸۱۹	۴,۱۷۵	۴,۷۷۳	۱۶,۷۶۷
ایباراکی	۵۲۰	۴۶	۸۱	۶۴۶
توچی‌گی	۷۸	۵۵	۳۲	۱۶۶
گوما	۷۴	۵۵	۱۶	۱۴۵
ساتیاما	۱۷۱	۱۹	۱۰۶	۲۹۶
چیبا	۹۰	۱۹	۳/۸	۱۱۳
توکیو	۱۱۵	۸۲	۱۱۵	۱۵۳
کاناگاوا	۱۷۰	۶۰	۲۲	۲۵۲
نی‌گاتا	۱۱۵	۸۲	۱۱۵	۳۱۳
تویاما	۷۷	۱۴۷	۲۷	۲۵۲
ایشی کاوا	۹۵	۱۵۳	۹۱	۳۴۰
فوکوی	۳۱	۲۱۳	۶۷۲	۹۱۵
یاماناشی	۳۱۴	۱۱۵	۲۵۱	۶۸۰
ناگانو	۱,۵۱۰	۱۹۰	۱۰۴	۱,۸۰۴
گیفو	۸۶۴	۸۶	۳۰۸	۱,۲۵۸
شیزاواکا	۲۳۹	۷۰	۵۲	۳۶۱
آیچی	۴۷	۲۳	۵۰	۱۳۱
می‌نه	۵۲	۵۸	۶۳	۱۷۲
شیگا	۱۳	۸۲	۱۷	۱۱۱

استان	آب جمع‌آوری شده سالانه (میلیون متر مکعب)			
	آب‌های سطحی	آب‌های زیرزمینی	سایر	جمع کل
کیوتو	۳۷	۷۵	۹/۳	۱۲۲
اوزاکا	۱۱۶	۱۰۹	۹۸	۳۲۳
هیوگو	۲۰	۱۶۷	۵۲	۲۳۹
نارا	۱۰۴	۳۳۳	۱۵۵	۵۹۳
واکایاما	۳۷۷	۱۶۳	۴۰۶	۹۴۶
تتوری	۳۱	۱۶۸	۸۴	۲۸۳
شیمانه	۹۶	۵۰	۴۳	۱۹۰
اوکایاما	۲۷۸	۹۰	۳۱	۳۹۹
هیروشیما	۶۷۲	۹۴	۶۱۶	۱,۳۸۲
یاماگوچی	۱۷۶	۲۰۸	۳۷۳	۷۵۷
توکوشیما	۶۶	۳۹	۸۶	۱۹۰
کاگاوا	۸۷	۷۴	۲۸	۱۸۹
اهیمه	۰	۷۱	۱/۲	۷۲
کوچی	۱۲	۴۳	۲۲	۷۶
فوکواکا	۱۲	۴۳	۲۲	۷۶
ساگا	۲۰۰	۵۳	۹۰	۳۴۳
ناگازاکی	۷۲	۶۷	۶۶	۲۰۴
کوماموتو	۴۵	۷۰	۳/۰	۱۱۸
اویتا	۳۶	۳۶	۷۳	۱۴۵
میازاکی	۶۶	۸۹	۱۲	۱۶۶
کاگوشیما	۲۴	۷۰	–	۹۴
اوکیناوا	۳۱۴	۷۸	۱۱۵	۵۰۸

منبع: دفتر خدمات بهداشتی، وزارت بهداشت، کار و رفاه

۹ـ۲ـ۱ـ پوشش گیاهی

بخش عمده اراضی ژاپن را مناطق جنگلی دربر گرفته که مساحتی بالغ بر ٦٧ درصد از مساحت کل کشور ژاپن را تشکیل می‌دهد. به این ترتیب جنگلداری بخش بسیار مهمی از اقتصاد ژاپن محسوب می‌شود. از آنجایی که ژاپن سرزمینی است با بافت جزیره‌ای که باید منابع طبیعی خود را با دقت به مصرف برساند، ٤١ درصد از جنگل‌های ژاپن مصنوعی هستند.[۲۱] ۱۳/۱ درصد از اراضی ژاپن به کشاورزی اختصاص دارد. هر مزرعه به‌طور متوسط ۱/٦ هکتار یا ۱٦,۰۰۰ متر مربع وسعت دارد. مزارع ژاپنی نسبتاً کوچک‌اند ولی کشاورزان ژاپنی اراضی خود را با نهایت سعی و تلاش برای حداکثر بهره‌برداری از فضای محدود خود به زیرکشت می‌برند و به همین علت اراضی به نحوی بسیار مؤثر مورد استفاده قرار می‌گیرند. نیمی از زمین‌های کشاورزی به مزارع برنج که غذای اصلی مردم محسوب می‌شود، اختصاص یافته است.

زمین‌ها، جنگل‌ها، مراتع (۲۰۰۰ـ۱۹۸۳)

سال	مزارع	جنگل‌ها	مرغزار	حوزه‌های آبی رودخانه‌ها کانال‌ها	جاده‌ها	زمین برای ساختمان	سایر موارد	جمع
۱۹۸۳	۱٤/۷	٦٦/۹	۰/۸	۳/۱	۲/۸	۳/۸	۷/۹	۱۰۰
۱۹۸٤	۱٤/٦	٦۷/۰	۰/۸	۳/٥	۲/۸	۳/۹	۷/٤	۱۰۰
۱۹۸٥	۱٤/٥	٦۷/۰	۰/۸	۳/٤	۲/۸	٤/۰	۷/٥	۱۰۰
۱۹۸٦	۱٤/٥	٦٦/۹	۰/۸	۳/٥	۲/۹	٤/۰	۷/٤	۱۰۰
۱۹۸۷	۱٤/٤	٦٦/۹	۰/۸	۳/٥	۲/۹	٤/۱	۷/٤	۱۰۰
۱۹۸۸	۱٤/٤	٦٦/۹	۰/۷	۳/٥	۳/۰	٤/۲	۷/٤	۱۰۰
۱۹۸۹	۱٤/۲	٦٦/۹	۰/۷	۳/٥	۳/۰	٤/۲	۷/٤	۱۰۰
۱۹۹۰	۱٤/۱	٦٦/۸	۰/۷	۳/٥	۳/۰	٤/۳	۷/٥	۱۰۰
۱۹۹۱	۱٤/۰	٦٦/۸	۰/۷	۳/٥	۳/۰	٤/۳	۷/٦	۱۰۰
۱۹۹۲	۱۳/۹	٦٦/۷	۰/۷	۳/٥	۳/۱	٤/٤	۷/۷	۱۰۰

سال	مزارع	جنگل‌ها	مرغزار	حوزه‌های آبی رودخانه‌ها کانال‌ها	جاده‌ها	زمین برای ساختمان	سایر موارد	جمع
۱۹۹۳	۱۳/۸	٦٦/٦	۰/۷	۳/۵	۳/۱	٤/٤	۷/۸	۱۰۰
۱۹۹٤	۱۳/۷	٦٦/٦	۰/۷	۳/۵	۳/۱	٤/۵	۷/۹	۱۰۰
۱۹۹۵	۱۳/٦	٦٦/۵	۰/۷	۳/۵	۳/۲	٤/۵	۸/۰	۱۰۰
۱۹۹٦	۱۳/٤	٦٦/۵	۰/۷	۳/۵	۳/۲	٤/٦	۸/۰	۱۰۰
۱۹۹۷	۱۳/۳	٦٦/۵	۰/۷	۳/۵	۳/۳	٤/٦	۸/۱	۱۰۰
۱۹۹۸	۱۳/۲	٦٦/٤	۰/۷	۳/۵	۳/۳	٤/۷	۸/۲	۱۰۰
۱۹۹۹	۱۳/۱	٦٦/٤	۰/۷	۳/۵	۳/۳	٤/۷	۸/۲	۱۰۰
۲۰۰۰	۱۳/۰	٦٦/٤	۰/۷	۳/٦	۳/٤	٤/۷	۸/۲	۱۰۰

منبع: وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل

زمین‌های زیر کشت و خانوارهای کشاورز

واحد: هزار هکتار اول ماه اوت هر سال

نوع زمین	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۱
۱) زمین مناسب	۵,۱۹۹	۵,۱۳۰	۵,۰۱۰	٤,۸۱۷	٤,٦۲۵	٤,۵۹۰
شالیزار	۳,۰۵۵	۲,۹۵۲	۲,۸٤٦	۲,۷٤۵	۲,٦٤۱	۲,٦۲٤
۱) زمین مناسب	۲,۸۵۸	۲,۷٦٦	۲,٦۷۲	۲,۵۷۹	۲,٤۸۵	۲,٤٦۹
۲) زمین بالادستی	۲,٤۰٦	۲,٤۲۷	۲,۳۹۷	۲,۲۹۳	۲,۱۸۹	۲,۱۷۰
۱) زمین مناسب	۲,۳٤۱	۲,۳٦٤	۲,۳۳۸	۲,۲۳۹	۲,۱۳۹	۲,۱۲۱
زمین بالادستی معمولی	۱,۲۳۹	۱,۲۵۷	۱,۲۷۵	۱,۲۲۵	۱,۱۸۸	۱,۱۷۹
زمین زیر کشت یک محصول خاص	۵۸۷	۵٤۹	٤۷۵	٤۰۸	۳۵٦	۳٤۹
۳) علفزارهای موقتی	۵۸۰	٦۲۱	٦٤۷	٦٦۱	٦٤۵	٦٤۱
جمع	۵,٤٦۱	۵,۳۷۹	۵,۲٤۳	۵,۰۳۸	٤,۸۳۰	٤,۷۹٤

یادداشت‌ها: ۱) زمین آماده شده برای کشت محصولات

۲) زمین کشت شده غیر از شالیزار

۳) زمین بالادستی تنها برای کاشت چمن

منبع: آمار زمین‌های کشت شده و نواحی کاشته شده، اداره اطلاعات و آمار، وزارت کشاورزی، جنگلداری و شیلات

تولیدات کشاورزی

(هزارتن)

تولیدات	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
سیب‌زمینی	۳,۵۵۲	۳,۳۶۵	۳,۳۹۵	۳,۰۷۳	۲,۹۶۳
دانه سویا، خشک	۲۲۰	۱۱۹	۱٤۵	۱۵۸	۱۸۷
خیار	۹۳۱	۸۲۷	۷۹۸	۷٤٦	۷٦٦
گوجه‌فرنگی	۷٦۷	۷۵۳	۷۸۰	۷٦٤	۷٦۹
کلم	۱,۵٤٤	۱,۵٤٤	۱,۵۰۲	۱,٤۰۷	۱,٤۷٦
کلم‌چینی	۱,۲۲۰	۱,۱٦۳	۱,۱۳۵	۹۹۰	۱,۰۷۹
پیاز	۱,۳۱۷	۱,۲۷۸	۱,۲۵۷	۱,۳۵۵	۱,۲۰۵
کاهو	۵۱۸	۵۳۷	۵۲۳	۵۰٦	۵٤۱
تربچه ژاپنی	۲,۳۳٦	۲,۱٤۸	۲,۰۲۰	۱,۹۰۲	۱,۹٤۸
هویج	٦۵۵	۷۲۵	۷۱٦	٦٤۸	٦۷۷

میوه‌ها

تولیدات	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
پرتقال ماندارین	۱,۶۵۳	۱,۳۷۸	۱,۵۵۵	۱,۱۹۴	۱,۴۴۷
سیب	۱,۰۵۳	۹۶۳	۹۹۳	۸۷۹	۹۲۸
انگور	۲۷۶	۲۵۰	۲۵۱	۲۳۳	۲۴۲
هلو ژاپنی	۴۳۲	۳۸۳	۴۰۵	۳۸۲	۳۹۰

محصولات صنعتی

تولیدات	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
برگ تنباکو	۸۱	۷۰	۶۹	۶۴	۶۵
چای خام	۹۰	۸۰ الف	۸۷ الف	۷۹ الف	۸۹
نیشکر	۳,۹۹۴	۳,۸۱۳	۳,۶۸۵	۴,۱۶۴	۳,۷۸۷

الف) این ارقام جمع تولیدات عمدهٔ حوزه‌ها هستند.

منبع: وزارت کشاورزی، جنگلداری و شیلات

جنگلداری

بخش عمده سایر اراضی ژاپن را غیر از کشاورزی، مناطق جنگلی دربرگرفته که مساحتی بالغ بر ۷۰ درصد از مساحت کل کشور ژاپن را نیز تشکیل می‌دهد. به این ترتیب جنگلداری بخش بسیار مهمی از اقتصاد ژاپن محسوب می‌شود. از آنجایی‌که ژاپن سرزمینی است با بافت جزیره‌ای که باید منابع طبیعی خود را به دقت به مصرف برساند، ۴۱ درصد از جنگل‌های ژاپن مصنوعی هستند.[۲۲]

ژاپن دارای ۲۵ میلیون هکتار جنگل در ۳۰ سال گذشته بوده است. میزان رشد ذخیره جنگل‌ها ۲/۱۳ میلیون مترمکعب بوده و سالانه ۹۰ میلیون مترمکعب به این ذخایر اضافه

می‌شود که عمدتاً جنگل‌های مصنوعی هستند. اغلب این جنگل‌ها به‌منظور استفاده از الوار در آینده کاشته می‌شوند. بنابراین ژاپن می‌بایست جنگل‌های سالم و پربازده را حفظ کند و این کار بر اساس موقع‌شناسی و بازکاشت میسر است.[۲۳]

به‌خاطر تغییر وضعیت آب و هوا در مسیر زنجیره‌وار جزیره، جنگل‌های ژاپن انواع بسیار مختلفی را دربرمی‌گیرند. بعضی از معمول‌ترین درختانی که در جنگل‌های ژاپن یافت می‌شوند عبارتند از؛ درخت سرو، صنوبر، کاج، شاه بلوط هندی، راش و درخت کافور.

علی‌رغم وفور منابع جنگلی، صنعت جنگلداری ژاپن که حافظ این منابع و متولی توسعه تولیدات چوب کشور است، با کاهش سود مواجه شده که آن هم به‌دلیل نزول قیمت الوار و افزایش هزینه‌های عملیاتی است. در نتیجه بسیاری از مالکان جنگل‌ها تمایل خود را به سرمایه‌گذاری در این رشته از دست داده‌اند. اما به‌هر حال قرن‌هاست که جنگلداری در ژاپن از مشاغل مهم محسوب می‌شود. از قرن هشتم میلادی، کاخ‌ها و معابد چوبی در کیوتو و سایر شهرهای ژاپن بنا شدند. امروزه نه تنها برای احداث بناها بلکه برای ساخت کاغذ، مبلمان، لوازم منزل و محصولات مصرفی مختلف تقاضاهای بالایی برای چوب وجود دارد و ژاپن ۲/۷۹ درصد از چوب مصرفی خود را از سایر کشورها وارد می‌کند.

مجموع تولید الوار در سال ۲۰۰۰، ۱۸/۰۲ میلیون مترمکعب بوده یعنی تنها حدود ۳٤ درصد بالاترین حجم تولید الوار در سال ۱۹٦۷. در سال ۱۹٦٦ ژاپن در زمینه تولید الوار به میزان ٦۷ درصد خودکفا بوده است. تا سال ۲۰۰۰ خودکفایی در این زمینه به‌میزان ۱۸ درصد بوده است. کاهش فعالیت‌های تولید الوار باعث کاهش شدید تعداد کارگران شاغل در این رشته از ۲۲۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۵ به ۷۵,۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ شده است. همچنین از هر چهار نفر کارگر، یک نفر بالای ٦۵ سال دارد که این امر نشان‌دهنده بالا رفتن سن نیروی کار است.

زمین زیر کشت جنگل و منابع جنگلی (۱۹۹۵)

عنوان	ملی	شهرداری	خصوصی	مجموع
زمین جنگلی (۱۰۰۰ هکتار)	۷,۸۴۴	۲,۷۳۰	۱۴,۵۷۲	۲۵,۱۴۶
ذخایر جنگلی (۱۰۰۰ مترمکعب)	۹۱۲,۰۶۸	۳۵۹,۰۶۴	۲,۲۱۲,۱۰۲	۳,۴۸۳,۲۳۴
جنگل‌های کاشته شده	۲۹۲,۲۳۴	۱۹۸,۵۸۶	۱,۴۰۱,۱۷۳	۱,۸۹۱,۹۹۳
مخروطی	۲۷۴,۴۸۷	۱۹۶,۵۳۸	۱,۹۳۹,۰۰۵	۱,۸۶۴,۰۳۰
برگ پهن	۱۷,۷۴۷	۲,۰۴۸	۸,۱۶۸	۲۷,۹۶۳
جنگل‌های طبیعی	۶۱۸,۷۱۰	۱۶۰,۴۱۶	۸۱۰,۸۹۰	۱,۵۹۰,۰۱۶
مخروطی	۲۰۴,۰۵۴	۳۹,۱۸۸	۲۰۳,۸۸۳	۴۴۶,۱۲۵
برگ پهن	۴۱۴,۶۵۶	۱۲۱,۲۲۸	۶۰۸,۰۰۷	۱,۱۴۳,۸۹۱

تولید الوار

(هزار مترمکعب)

تولید داخلی									
سال	مجموع	برحسب گونه			برحسب استفاده				الوار وارداتی
		پهن برگ	مخروطی	مجموع	الوار شده	خمیر چوب	خرده چوب	سایر	
۱۹۹۰	۶۵,۳۹۸	۹,۷۱۵	۱۹,۵۴۹	۲۹,۳۰۰	۱۸,۰۲۳	۱,۵۳۸	۸,۷۶۸	۹۷۱	۳۶,۰۹۸
۱۹۹۵	۵۱,۰۳۰	۴,۸۳	۱۸,۰۶۷	۲۲,۸۹۷	۱۶,۲۵۲	۱,۲۰۹	۴,۷۶۲	۶۷۴	۲۸,۱۳۳
۱۹۹۸	۳۹,۴۰۴	۴,۱۰۲	۱۵,۲۱۴	۱۹,۳۱۶	۱۳,۴۰۰	۹۱۹	۴,۵۰۲	۴۹۵	۲۰,۰۸۸
۱۹۹۹	۳۸,۸۷۶	۳,۷۱۱	۱۵,۰۲۶	۱۸,۷۳۷	۱۳,۲۴۶	۷۹۶	۴,۱۹۸	۴۹۷	۲۰,۱۲۹
۲۰۰۰	۳۷,۴۹۸	۳,۴۶۷	۱۴,۵۲۰	۱۷,۹۸۷	۱۲,۷۹۸	۶۱۹	۴,۰۹۸	۴۷۲	۱۹,۵۱۱

۱۰ـ۲ـ۱ـ منابع معدنی و انرژی

شناسایی منابع کانی

ژاپن از لحاظ ذخایر منابع طبیعی، کشور بسیار فقیری محسوب می‌شود. جزایر ژاپن از ذخایر کانی گوناگونی برخوردار هستند که از میان آنها فقط تعداد اندکی ذخیره کافی برای رفع احتیاجات داخلی را دارا هستند. از حدود ۳۰ معدن موجود که نیاز صنایع داخلی را می‌توانند برآورده کنند، تنها تعداد معدودی کفاف مصرف صنایع را می‌دهند، یعنی معادن سرب، روی و سولفور.[۲٤]

مهم‌ترین معادن ژاپن عبارتند از؛ کرومیت، مس، طلا، منیزیم، نقره و روی.

زغال‌سنگ مهم‌ترین معدن کانی ژاپن است ولی کیفیت آن نازل و به‌دست آوردنش سخت است. سنگ آهک و سولفور برای برآوردن تقاضای داخلی وجود دارد ولی بوکیست، نفت خام، سنگ آهن و سنگ مس وارد می‌شود.[۲٥]

معادن اولیه کشف شده در ژاپن عبارتند از؛ مس با ظرفیت ١٤,٣٠٠ تن در سال ۱۹۹۰، سرب، روی و طلا با ظرفیت ٦,٠٩٧ کیلوگرم در سال ۱۹۸۹ که واضح است این میزان نیاز صنایع آهن و فولاد ژاپن را برآورده نمی‌کند.

ژاپن در رابطه با منابع معدنی، وابستگی شدیدی به واردات این‌گونه منابع از کشورهای خارجی دارد تا بتواند ماشین صنعت خود را تغذیه کند. فلز روی که کمترین وابستگی را به منابع خارجی دارد، رقمی معادل ۷٦/۲ درصد و آلومینیوم و نیکل ۱۰۰ درصد به جهان خارج وابسته هستند.

مس که زمانی یکی از اقلام صادراتی به‌شمار می‌آمد، در سال ۱۹۸۷، وابستگی این کشور به واردات به‌رقم ۹۷/٤ درصد افزایش یافت.

ژاپن یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان مواد معدنی اصلی شامل؛ نفت، زغال‌سنگ، سنگ آهن و فلزات غیر از آهن و مس در جهان است.[۲٦]

البته نفت هم به مقدار بسیار ناچیز موجود است و با تلاش‌هایی که اخیراً در فلات قاره ژاپن برای اکتشاف و استخراج نفت صورت گرفته، میزان تولید به حدود ۰/۲ درصد از

احتیاجات کشور رسیده است. ذخایر نفت در هونشو و هوکایدو و (شمال) در سال ۱۹۸۹ تنها ۳,۷۷٤,۰۰۰ بشکه نفت خام و ۷۰/۹ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی تولید کردند.

به‌طور کلی ژاپن وابستگی شدیدی به واردات دارد. مثلاً برای آلومینیوم و نیکل ۱۰۰ درصد، نفت، سنگ‌آهن و قلع ۹۸ درصد، مس ۹٤ درصد، گاز طبیعی ۸۲/٦ درصد و زغال‌سنگ ۷۵ درصد به خارج متکی است.

شناسایی منابع غیرکانی

همان‌طور که قبلا گفته شد، حدود ۷٦ درصد مساحت ژاپن پوشیده از جنگل است و از لحاظ منابع جنگلی بسیار غنی است. ٤١ درصد جنگل‌های ژاپن مصنوعی هستند و به‌خاطر تغییر وضع آب و هوا در مسیر زنجیره‌وار جزیره، جنگل‌های ژاپن انواع بسیار مختلفی از درختان را در برمی‌گیرند. در ژاپن بین ٤۰۰۰ تا ٦۰۰۰ گونه گیاه می‌روید. بعضی از معمول‌ترین درختانی که در جنگل‌های ژاپن یافت می‌شوند عبارتند از؛ درخت سرو، صنوبر، کاج، شاه بلوط هندی، راش و درخت کافور.[۲۷]

بامبو در سرزمین‌های شمالی هونشو می‌روید و استفاده‌های بسیاری دارد. مردم از بامبو برای کارهای ساختمانی و چوب ماهیگیری استفاده می‌کنند. درختان توت در مساحتی حدود ٤۰۰,۰۰۰ هکتار می‌روید و از برگ آن برای تغذیه کرم ابریشم استفاده می‌شود.[۲۸]

سه منطقه عمده جنگلی در ژاپن وجود دارد که از شمال به جنوب عبارتند از؛

۱ـ سردسیری

۲ـ معتدل

۳ـ حاره‌ای

جنگل‌های سردسیری؛ در شرق هوکایدو و مناطق کوهستانی مرکزی و شمالی هونشو واقع شده‌اند و میانگین حرارت سالانه ٦ درجه سانتیگراد یا پایین‌تر است. نوع گیاهان آن مخروطی به‌ویژه صنوبر است.

جنگل‌های معتدل؛ مرز میان مناطق حاره‌ای و معتدل در عرض جغرافیایی سندایی و نی‌ای‌گاتا (۳۸ درجه شمال) از سطح دریا قرار دارد ولی به سمت جنوب در مناطق کوهستانی عمیق‌تر شده و در کیوشو گسترش می‌یابد. نوع درختان آن پهن‌برگ از جمله افرا، بلوط، ون و نظایر آن است.

جنگل‌های حاره‌ای؛ در مناطقی قرار دارند که درجه حرارت میانگین آنها بالاتر از ۱۲/۵ درجه سانتیگراد است. این جنگل‌ها اساساً از درختان چوب سخت همیشه سبز برگ پهن مانند؛ بلوط، برگ بو، کاملیا و نظایر آن تشکیل شده‌اند، بامبو نیز در این مناطق یافت می‌شود.

حیات‌وحش در ژاپن منحصر به فرد است و برخی از گونه‌های دارکوب، قرقاول، سنجاقک، خرچنگ، کوسه‌ماهی، حلزون، سمندر و پستانداران دریایی ژاپن در هیچ نقطه دیگری از جهان یافت نمی‌شوند. با وجود این تنوع و گوناگونی، تنها ۱۱۸ نوع پستاندار وحشی زمینی در ژاپن زندگی می‌کنند که بیشتر آنها جوندگان کوچک هستند.

حیواناتی مثل؛ خرس، گوزن، گراز، سنجاب‌های پرنده، خفاش، میمون و نوعی راکون به نام سگ‌راکون از جمله وحوش ژاپن هستند.

شناسایی منابع انرژی‌زا

ژاپن از لحاظ منابع انرژی‌زا نیز مانند سایر منابع طبیعی کشور فقیری به‌شمار می‌آید. قبل از جنگ جهانی دوم زغال‌سنگ منبع اصلی تأمین انرژی به‌شمار می‌رفت و نیروگاه‌های آبی در درجه دوم بودند. بعدها زغال‌سنگ جای خود را به نفت خام داد.[۲۹]

منابع انرژی ژاپن علی‌رغم تقاضای بسیار برای انرژی در بخش صنعت بسیار محدود هستند. وابستگی ژاپن به واردات برای تأمین انرژی ۴۳/۴ درصد در سال ۱۹۶۰ و ۸۰ درصد در سال ۱۹۹۸ بوده است.[۳۰] سال ۹۹ حدود ۸۰ درصد کل انرژی مورد نیاز و ۹۹ درصد کل نفت مصرفی از راه واردات تأمین شد. گرچه سهم نفت در تمام منابع انرژی از میزان حداکثر ۷۸ درصد قبل از اولین بحران نفتی در سال ۱۹۷۳ کاهش یافت ولی هنوز بیش از ۵۰ درصد است. در سال ۱۹۹۹ بیش از ۸۵ درصد نفت خام از خاورمیانه وارد شد. بعد از اولین بحران

نفتی، ژاپن ذخیره‌سازی نفت وارداتی را آغاز کرد و تا دسامبر ۲۰۰۱، میزان ذخایر این کشور ۹۰ میلیون کالری بوده که کفاف ١٦٦ روز مصرف را می‌دهد.[۳۱]

گرچه ژاپن بسیار وابسته به واردات نفت است (بعد از ایالات‌متحده دومین واردکننده نفت در جهان محسوب می‌شود) اما در عین حال تلاش‌های گسترده‌ای را برای بسط و توسعه سایر منابع انرژی انجام داده است. سهم نفت از کل انرژی کشور از ۷۳/٤ درصد، در سال ۱۹۷۵ به ۵۲/٤ درصد در سال ۱۹۹۸ کاهش یافت. در همین مدت نیروی هسته‌ای از ۱/۵ درصد به ۱۳/۷ درصد و گاز طبیعی از ۲/۵ درصد به ۱۲/۳ درصد افزایش یافت، درحالی‌که زغال‌سنگ در سطح ١٦/٤ درصد و نیروی هیدروالکتریک از ۵/۳ درصد به ۳/۹ درصد کاهش یافت.

تغییرات فوق منعکس‌کننده تلاش‌های صنعت برق بعد از شوک نفتی سال ۱۹۷۳، برای کاهش وابستگی به نفت از طریق گرایش به سایر منابع گرمایی (گاز طبیعی و زغال‌سنگ) و انرژی هسته‌ای است. در سال ۱۹۹۹ کل نیروی الکتریکی تولید شده به ۱/۰٦٦ میلیون کیلووات ساعت رسید که نیروگاه‌های حرارتی (نفت، گاز طبیعی مایع و زغال‌سنگ) ۰/٦۱ درصد، نیروگاه‌های هسته‌ای ۳۰ درصد و نیروگاه‌های هیدروالکتریک و سایر بدیل‌های منابع انرژی ۹ درصد بودند.

با توجه به آلودگی هوایی و سایر مسائل زیست‌محیطی و بدیل‌های محدود انرژی در دسترس برای تولید برق در سطح بالا، انرژی هسته‌ای نمی‌تواند نقش مهمی به‌عنوان جانشین نفت داشته‌باشد و به‌عنوان منابع انرژی نمی‌تواند دی‌اکسیدکربن تولید کند. تا ژانویه ۲۰۰۲، ژاپن دارای ۵۳ نیروگاه هسته‌ای عملیاتی با ظرفیت کل تولید ٤۵/۰۸ میلیون کیلووات ساعت بود. گرچه ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای بیشتر در دستور کار است، اتفاقات مربوط به انرژی هسته‌ای که طی سال‌های اخیر رخ داده، شدیداً اعتماد عمومی را نسبت به ایمنی انرژی هسته‌ای تکان داده است. تا ژانویه ۲۰۰۲، ٤ نیروگاه هسته‌ای در حال ساخت در ژاپن وجود داشته و بودجه آغازین دولت برای توسعه هسته‌ای در سال ۲۰۰۱ حدود ٤٨٤ میلیارد ین بوده است.

مصرف انرژی در ژاپن به‌خصوص مصارف خانگی و بخش حمل‌ونقل البته به جز در مقاطع بحران‌های نفتی سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ شاهد افزایش رشد بوده است. در سال مالی ۲۰۰۰، میزان مصرف انرژی نهایی در ژاپن رکوردی به‌میزان ۴۰۵ میلیون کالری (برابر نفت) داشت که ۴۹/۳ درصد آن در بخش صنایع و ۲۶/۵ درصد در بخش خانگی و ۲۴/۲ درصد در بخش حمل‌ونقل بوده است.

در سال ۱۹۹۸ کمیته مشورتی انرژی، گزارشی را در مورد چشم‌انداز بلندمدت عرضه و تقاضای انرژی تهیه کرد.

در گزارش توصیه شده بود که مصرف نهایی انرژی در سال مالی ۲۰۱۰ باید به میزان ۴۰۰ میلیون کالری (برابر نفت) یعنی همان سطح سال ۹۶ باقی بماند تا به این ترتیب میزان دفع دی‌اکسیدکربن حاصل از مصرف انرژی در سال ۱۹۹۰ به سطح ۲۸۷ میلیون تن (برابر کربن) برسد و به این طریق هدف پیش‌بینی شده در سومین اجلاس کنفرانس طرف‌های متعاهد را در کیوتو در چارچوب کنوانسیون سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوایی تحقق بخشد.

گرچه در گزارشی که از سوی کمیته مشورتی منابع طبیعی و انرژی در جولای ۲۰۰۱ منتشر شده، آمده است، در صورتی‌که روند جاری ادامه یابد، مصرف نهایی انرژی در سال ۲۰۱۰ به میزان ۴۰۹ میلیون کالری رشد یافته و حجم دی‌اکسیدکربن منتشره به ۳۰۷ میلیون تن می‌رسد. در این گزارش ضمن لزوم صرفه‌جویی، بر مصرف و توسعه انرژی‌های جدید تأکید شده است.

صرفه‌جویی انرژی یکی از ستون‌های اصلی سیاستگذاری‌های انرژی ژاپن است و تلاش‌های بسیاری در جهت افزایش کارآیی استفاده از انرژی انجام شده است. گرچه تلاش‌هایی در جهت صرفه‌جویی در صنایع انجام شده ولی برای اغلب صنایع، افزایش کارآیی مشکل جلوه می‌کند. مصرف انرژی سرانه در ژاپن در سال ۱۹۹۷ در سطح نسبتاً پایینی یعنی ۴/۰۸ تن مکعب برابر نفت، در مقابل ۸/۱۰ تن مکعب برابر نفت در آمریکا بوده است. به‌عنوان بخشی از پروژه جدید نور خورشیدی که در سال ۹۳ آغاز شد، ژاپن در حال کار برای توسعه

منابع انرژی جدید، روش‌های صرفه‌جویی انرژی و فناوری‌های محافظت از محیط‌زیست جهانی است. تا سال ۲۰۳۰، یک‌سوم منابع انرژی ژاپن از منابع جدید تأمین شده و گازهای CO_2 را به میزان ۵۰ درصد کاهش می‌دهد.

شاخص‌های امنیت انرژی ژاپن طی دوره ۲۰۱۰ ـ ۱۹۷۳ (درصد)

سال	۱۹۷۳	۱۹۸۳	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۲۰۰۰	۲۰۱۰
وابستگی به انرژی وارداتی	۸۹/٤	۸۳/۳	۸۳/۲	۸۱/۹	۸۱	۸۰
وابستگی به نفت به عنوان انرژی اولیه	۷۷/٤	٦۱/٥	٥۷/٤	٥٥/۷	٥۳	٥۰
وابستگی به واردات نفت خاورمیانه	۷۸/۱	٦۸/۲	۷۷/۳	۷۸/٦	۸۲	۹۰
سهم نفت در کل واردات	۱۸/۱	۳۷/٦	۱۱/۹	۱۰/٦	۱٤	۱۸

منبع: انستیتو اقتصاد انرژی ژاپن

منابع انرژی مورد استفاده در ژاپن، ۱۹۹۹ (درصد)

نفت: ٥۱/۷ میزان کل انرژی مصرفی: ٥,۱٥۰ (برابر میلیون تن نفت)

زغال‌سنگ: ۱۷

گاز طبیعی: ۱۲/۱

هسته‌ای: ۱٦

سایر: ۳/۲

میزان مصرف انرژی و وابستگی به واردات، ۱۹۹۹

مصرف (میلیون تن برابر نفت)	مصرف سرانه (تن برابر نفت)	وابستگی به واردات (درصد)	
		کل	نفت
٥۰۷	¼	۷۹/۸	۹۸/۷

منبع: آژانس انرژی و منابع طبیعی ـ بررسی‌های آماری جهانی BP Amoco، ۲۰۰۰

تأمین انرژی اولیه بر اساس اولویت‌بندی

سال	نفت[1]	زغال‌سنگ	گازطبیعی[2]	هسته‌ای	هیدرو	ژئوترمال	سایر	کل
۱۹۸۵	۹/۵۴۵	۳/۲۹۹	۱,۵۹۹	۱,۵۰۳	۷۹۹	۱۷	۲۰۴	۱۶/۹۶۷
۱۹۹۰	۱۱/۸۹۶	۳/۳۸۰	۲,۰۶۳	۱,۹۰۵	۸۹۵	۱۹	۲۶۱	۲۰/۳۵۷
۱۹۹۵	۱۲/۷۰۸	۳/۷۶۳	۲,۴۶۷	۲,۷۴۳	۷۹۱	۳۹	۲۵۸	۲۲/۷۶۸
۲۰۰۰	۲۳/۱۰۷	۴/۱۹۵	۳,۰۷۲	۲,۸۹۸	۸۰۶	۴۰۰	۲۶۷	۲۳/۳۸۵

منبع: آژانس انرژی و منابع طبیعی

نیروگاه‌های هسته‌ای ژاپن، نوامبر ۲۰۰۱

	نیروگاه‌ها	ظرفیت (۱۰۰۰ کیلووات)
نیروگاه آبی	۱,۵۸۸	۴۴,۹۰۸
ژئوترمال	۱۲	۴۹۷
ترمال	۲۰۰	۱۴۰,۳۱۴
هسته‌ای	۱۷	۴۵,۰۸۳
کل	۱,۸۱۸	۲۳۰,۸۰۲

منبع: وزارت اقتصاد، تجارت و صنایع

۱. نفت خام، گاز مایع طبیعی و فرآورده‌های نفتی

۲. شامل گاز مایع طبیعی

فصل دوم

بررسی فضاسازی کشور

۱ـ۲ـ الگوی پراکندگی کانون‌های عمده جمعیتی

حدود ٦٨ درصد مساحت ژاپن پوشیده از جنگل و نواحی کوهستانی است. به‌همین دلیل اغلب مردم در ساحل شرقی که بسیار توسعه‌یافته است یا در نواحی جنوبی که تعداد زیادی از بزرگ‌ترین شهرهای ژاپن در آن واقع شده‌اند، زندگی می‌کنند.

توکیو مهم‌ترین شهر ژاپن و پایتخت آن کشور است که مرکز سیاسی، اداری و اقتصادی ژاپن محسوب می‌شود. ناحیه کانتو به استان توکیو و استان‌های اطراف آن گفته می‌شود که عبارتند از؛ ایباراکی، توچی‌گی، گوما، ساتیاما، چیبا و کاناگاوا که در بخش شرقی ژاپن قرار گرفته‌اند. تقریباً از هر چهار ژاپنی یک نفر در منطقه کانتو زندگی می‌کنند که مرزهای شهری آن هنوز هم در حال توسعه است. برای سهولت بررسی توکیو را می‌توان به هفت منطقه تقسیم کرد:

۱ــ توکیوی شرقی: مرکز بازرگانی است و بسیاری از شرکت‌های ژاپنی در این

ناحیه قرار دارند. همچنین قصر سلطنتی نیز در این منطقه واقع شده است.

۲ـ توکیوی مرکزی یا کاسومی گاسکی[1]؛ مرکز سیاسی و اداری ژاپن است. ساختمان مجلس و اکثر ادارات دولتی در این منطقه قرار گرفته است. تورانومون[2] محل ساختمان‌های جدید اداری است.

۳ـ توکیوی غربی یا شینجوکو[3]؛ مرکز تجاری جدید توکیو است.

۴ـ توکیوی شمالی یا ونو[4]؛ مرکز فرهنگی توکیو است. موزه ملی، تالار فستیوال مترو پولیتن در این ناحیه هستند.

دانشگاه توکیو یکی از معتبرترین دانشگاه‌های ژاپن در هونگو (Hongo) قرار گرفته است.

۵ـ آساکوسا[5]؛ به‌دلیل وجود معابر گوناگون مشهور است.

۶ـ توکیوی جنوبی؛ منطقه‌ای است مسکونی و آزابو[6] محل استقرار سفارتخانه‌هاست.

۷ـ اکه بوکورو[7]؛ یکی از بزرگ‌ترین مراکز خرید است.

بعد از توکیو، یوکوهاما دومین شهر بزرگ ژاپن با جمعیت سه میلیونی خود فقط ۲۹ کیلومتر با توکیو فاصله دارد. این شهر بزرگ‌ترین بندر ژاپن به‌شمار می‌آید.

سومین شهر بزرگ ژاپن، اوزاکا با دو میلیون جمعیت است که مرکز حمل‌ونقل منطقه کانسای (اوزاکا + کیوتو) محسوب می‌شود.

توکیو، اوزاکا و ناگویا به‌ترتیب سه شهر مهم تجاری، اقتصادی ژاپن هستند.

---

1. Kasumigaseki
2. Toranomon
3. Shinjuku
4. Veno
5. Asakusa
6. Azabu
7. Ikebukuro

نام ناحیه	نام استان	نام مرکز استان (مرکز شهرستان)	مساحت استان (کیلومترمربع)
هوکایدو (Hokkaido)	هوکایدو	ساپورو(Sapporo)	۸۳,۵۱۵
توهوکو(Tohoku)	آئوموری(Aomori)	آئوموری	۹,۶۰۵
	آکیتا(Akita)	آکیتا	۱۱,۶۱۱
	ایواته(Iwate)	موری آکا(Morioka)	۱۵,۲۷۷
	یاماگاتا(Yamagata)	یاماگاتا	۹,۳۲۳
	میاگی(Miyagi)	سندایی(Sendai)	۷,۲۸٤
	فوکوشیما(Fukushima)	فوکوشیما	۱۳,۷۸۲
کانتو(Kanto)	ایباراکی(Ibaraki)	میتو(Mito)	٦,۰۹۳
	توچی‌گی(Tochigi)	نوتسونومیا(Utsunomiya)	٦,٤۰۸
	گوما(Gumma)	مائباشی(Maebashi)	٦,۳٦۳
	سایتاما(Saitama)	ئوراوا(Urawa)	۳,۷۷۹
	توکیو(Tokyo)	توکیو	۲,۱۸٦
	چیبا(Chiba)	چیبا	۵,۱۵۵
	کاناگاوا(Kanagawa)	یوکوهاما(Yokohama)	۲,٤۱۳
چوبو (Chubu)	یاماناشی(Yamanashi)	کوفو(Kofu)	٤,٤٦۵
	ناگانو(Nagano)	ناگانو	۱۳,۵۸۵
	نی‌گاتا(Niigata)	نی‌گاتا	۱۲,۵۷۱
	تویاما(Toyama)	تویاما	٤,۲٤٦
	ایشی‌کاوا(Ishikawa)	کانازاوا(Kanazawa)	٤,۱۸٤
	فوکوی(Fukui)	فوکوی	٤۱,۸۸۰
	گیفو(Gifu)	گیفو	۱۰,۵۹۸
	آیچی(Aichi)	ناگویا (Nagoya)	۵,۱۵۰
	شیزوواکا(Shizuoka)	شیزوواکا	۷,۷۷۸

نام ناحیه	نام استان	نام مرکز استان (مرکز شهرستان)	مساحت استان (کیلومترمربع)
کینکی(Kinki)	می‌ته(Mie)	تسو(Tsu)	٥,٧٧٣
	نارا(Nara)	نارا	٣,٦٩١
	اوساکا(Osaka)	اوساکا	١,٨٩٢
	واکایاما(Wakayama)	واکایاما	٤,٧٢٤
	شیگا(Shiga)	اوتسو(Otsu)	٤,٠١٧
	کیوتو(Kyoto)	کیوتو	٤,٦١٢
	هیوگو(Hyogo)	کوبه(Kobe)	٨,٣٨٦
چوگوکو(Chugoku)	تتوری(Tottori)	تتوری	٣,٥٠٧
	اکایاما(Okayama)	اکایاما	٧,١١١
	هیروشیما(Hiroshima)	هیروشیما	٨,٤٧٤
	شیمانه(Shimane)	ماتسوئه(Matsue)	٦,٧٠٦
	یاماگوچی(Yamaguchi)	یاماگوچی	٦,١١٠
شیکوکو(Shikoku)	توکوشیما(Tokushima)	توکوشیما	٤,١٤٤
	کاگاوا(Kagawa)	تاکاماتسو(Takamatsu)	١,٨٧٥
	کوچی(Kochi)	کوچی	٧,١٠٤
	اهیمه(Ehime)	ماتسویاما(Matsuyama)	٥,٦٧٥
	فوکواکا (Fukuoka)	فوکواکا	٤,٩٦٧
	ساگا(Saga)	ساگا	٢,٤٣٨
	ناگازاکی(Nagasaki)	ناگازاکی	٤,٠٩٠
	اویتا(Oita)	اویتا	٦,٣٣٧
کیوشو(Kyushu)	میازاکی(Miyazaki)	میازاکی	٧,٧٣٣
	کوماموتو(Kumamoto)	کوماموتو	٧,٤٠٢
	کاگوشیما(Kagoshima)	کاگوشیما	٩,١٨٥
	اوکیناوا(Okinawa)	ناها(Naha)	٢,٢٦٦

۲ـ۲ـ شناسایی مبنای جایابی پایتخت

پایتخت ژاپن، توکیو در دشت کانتو[1] در سواحل اقیانوسی هونشوی مرکزی در ۴۱َ °۳۵ عرض شمالی و ۴۶َ °۱۳۹ طول شرقی قرار گرفته و از این لحاظ هم‌عرض تهران، آتن و لس‌آنجلس است.[۳۲]

این شهر از سال ۱۸۶۸ پایتخت ژاپن بوده است. توکیو مقر کاخ سلطنتی، پارلمان (دایت Diet) و دیوان عالی است. توکیو به‌عنوان مرکز اقتصادی ژاپن، مقر دفاتر مرکزی اغلب شرکت‌های معظم ژاپن و سازمان‌های رسانه‌ای است. مساحت آن ۲,۱۸۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۱۲,۰۶۴,۰۰۰ نفر است (برآورد سال ۲۰۰۰).[۳۳]

این شهر که شاید بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین پایتخت جهان است، در زمره تمیزترین و امن‌ترین شهرها نیز قرار دارد. توکیو از نظر تجاری جاذبه بین‌المللی دارد و از لحاظ تنوع فرهنگی هم غنی است. انواع رستوران‌ها، بازارها، فروشگاه‌ها و سایر امکانات تفریحی که مشخصه مراکز بین‌المللی هستند در این شهر وجود دارند. تأثیر توکیو به‌عنوان قلب سیاسی و اقتصادی ژاپن، در سرتاسر دنیا عمیقاً احساس می‌شود.[۳۴]

در توکیو تابستان‌ها گرم و شرجی است. در سال ۱۹۹۴ میلادی درجه حرارت این شهر به حدود ۴۰ درجه سانتیگراد رسید که ظرف ۷۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده و گرمای بی‌اندازه و بارندگی اندک در سال مذکور باعث خشکسالی و سهمیه‌بندی آب در بسیاری از مناطق ژاپن شد. زمستان توکیو معمولاً ملایم است و برف اندکی می‌بارد. درجه حرارت در این فصل به حدود ۵ درجه سانتیگراد می‌رسد.

تاریخ شهر توکیو

تاریخ این شهر به ۴۰۰ سال قبل برمی‌گردد و در اصل نام این شهر ادو[2] بوده است. از زمانی‌که

---

1. Kanto
2. Edo

توکوگاوا ایاسو[1] امپراتوری توکوگاوا را در سال ۱۶۰۳ تأسیس کرد، ادو رو به رشد گذاشت. ادو به‌عنوان مرکز سیاست و فرهنگ ژاپن، تبدیل به شهری بزرگ با جمعیت بیش از یک میلیون نفر در قرن هجدهم شد. در این زمان امپراتور ساکن کیوتو، یعنی پایتخت رسمی ژاپن بود. دوران ادو برای حدود ۲۶۰ سال تا برقراری حکومت میجی در سال ۱۸۶۸ طول کشید. یعنی زمانی‌که امپراتوری توکوگاوا به پایان رسید و حکومت سلطنتی برقرار شد. امپراتور به ادو نقل مکان کرد و این شهر از آن زمان توکیو نامیده شد و به این ترتیب توکیو، پایتخت ژاپن شد.

در دوران میجی (۱۹۱۲ ـ ۱۸۶۸) ژاپن به سرعت تمدن غرب را جذب کرده و در ساخت‌وساز ساختمان‌ها از سنگ و آجر استفاده شد. این ساختمان‌ها متعلق به اشراف فئودال بود. همچنین جاده‌های شهرهای بزرگ با سنگ گرد، سنگفرش شد. در سال ۱۸۶۹، اولین خط ارتباطی بین توکیو و یوکوهاما ایجاد شد و اولین لوکوموتیو بخار در سال ۱۸۷۲ از شیمباشی[2] به طرف یوکوهاما حرکت کرد.

در سپتامبر ۱۹۲۳، در اثر زمین‌لرزه بزرگ کانتو، توکیو ویران شد. آتش‌سوزی‌های ناشی از زلزله مرکز شهر را با خاک یکسان کرد. ۱۴۰,۰۰۰ نفر کشته و ناپدید شدند و ۳۰۰,۰۰۰ خانه نابود شد. بعد از زلزله طرح بازسازی شهر تدوین شد اما به دلیل هزینه سنگین این طرح که از عهدهٔ بودجه ملی خارج بود، تنها قسمت کوچکی از آن محقق شد. در سال ۱۹۳۱ فرودگاه توکیو در هاندا تکمیل شد و به بهره‌برداری رسید و در سال ۱۹۴۱ بندر توکیو گشایش یافت. در سال ۱۹۳۴ جمعیت توکیو به ۶/۳۶ میلیون نفر رسید. (مشابه جمعیت نیویورک و لندن) در سال ۱۹۴۱ با شروع جنگ در اقیانوس آرام، توکیو که تا آن زمان با نظام اداری دوگانه اداره می‌شد، با یکی شدن هر دو نظام، دارای یک نظام اداری شد و شهر بزرگ توکیو در سال ۱۹۴۳ شکل گرفت. در نظام اداری این شهر بزرگ، یک فرماندار برای اداره شهر تعیین شده بود. در مرحله پایانی جنگ جهانی دوم، توکیو ۱۰۲ بار بمباران شد. سنگین‌ترین بمباران در ۱۰ مارس ۱۹۴۵ به‌وقوع پیوست که تلفات انسانی و مادی بسیاری بر جای گذاشت. قسمت اعظم توکیو

---

1. Tokugawa Ieyasu
2. Shimbashi

ویران شده بود و جمعیت این شهر به ۳/۴۹ میلیون نفر، یعنی نصف آن در سال ۱۹۴۰ رسیده بود. در سال ۱۹۴۹، شهر بزرگ توکیو نظام جدید ۲۳ بخشی (استانی) را تجربه کرد. در سال ۱۹٦۲ و در اثر رشد اقتصادی سریع و عظیم ژاپن، جمعیت توکیو به ۱۰ میلیون نفر رسید. در سال ۱۹٦٤، بازی‌های المپیک در توکیو برگزار شد و شینکانسن[1] یا قرن ساچمه‌ای آغاز به کار کرد و بزرگراه توکیو گشایش یافت که تمامی به شکوفایی کنونی این شهر منجر شد. در سال ۱۹۸۰، توکیو دوباره به رشد اقتصادی بالا ـ که به دلیل وجهه جهانی خود به‌دست آورده بود ـ و جامعه اطلاعاتی دست یافت و به یکی از حیاتی‌ترین شهرهای بزرگ جهان با تکنولوژی پیشرفته اطلاع‌رسانی، فرهنگی و امنیت عمومی در سطحی بالا، تبدیل شد. از سال ۱۹۸٦ زمین و بازار سهام به طرز سرسام‌آوری بالا رفت، اقتصادی که به «اقتصاد حبابی»[2] معروف شد. ژاپن از رشد اقتصادی سرسام‌آوری تحت این اقتصاد حبابی برخوردار شد. اما این حباب در آغاز دهه ۹۰ ترکید. از آن زمان اقتصاد ژاپن دچار رکود شده، درآمدهای مالیاتی کاهش یافته و بودجه شهر بزرگ توکیو با شرایط بحرانی روبه‌رو است. آغاز قرن ۲۱، اثری تاریخی برجای گذاشته و راه‌های گوناگونی برای مبارزه با بحران جاری که رودرروی توکیو قرار گرفته، امتحان شده تا شهری ایجاد شود که بازدیدکنندگان بسیاری را به خود جلب کند.[۳۵]

۳ـ۲ـ بررسی فضای آسیب‌پذیر و غیرآسیب‌پذیر

در دوران جنگ سرد با توجه به اینکه ژاپن از لحاظ جغرافیایی با دو قدرت بزرگ کمونیستی یعنی شوروی سابق و جمهوری خلق چین همجوار بود و در منطقه‌ای از جهان واقع شده بود که پس از جنگ جهانی دوم، شاهد تحولات سیاسی و درگیری‌های متعدد بوده و بنابراین از لحاظ استراتژیک این کشور وجهه خاصی یافته و همواره احتمال می‌رفت که در صورت بروز درگیری عملی بین غرب و شرق، ژاپن اولین کشوری باشد که مورد تهاجم نیروهای کمونیستی قرار خواهد گرفت.

---

1. Shinkansen
2. Bubble Economy

در حال حاضر با وجود پایان یافتن جنگ سرد و بهبود روابط ژاپن با ابرقدرت‌های کمونیستی سابق، چهار جزیره شمالی ژاپن یعنی اتوروفو، کوناشی‌ری، شیکوتان و هابومای هنوز هم در اشغال روسیه است و قرارداد صلح بین دو کشور به امضا نرسیده است و منطقه شمالی ژاپن به‌منظور مقابله با حمله احتمالی روسیه در آمادگی نظامی به سر می‌برد. البته در سال‌های اخیر با توجه به اینکه کره شمالی به موشک‌های با برد هزار کیلومتری مجهز شده، توجه ژاپنی‌ها را به خود جلب کرده است. به همین منظور نیروهای دفاعی ژاپن مانورهایی را در کیوشو انجام داده‌اند که در برد موشک‌های کره شمالی است.[۳۶]

همچنین مناطقی مورد ادعای چین و تایوان است[۳۷] (سنکاکو و سوتو[1])، از سوی دیگر کره جنوبی هم در مورد مناطق صخره‌های لیان‌کورت (تاکه‌شیما، توکه‌دو)[2] ادعاهایی را مطرح ساخته است.

البته با توجه به اینکه خود شهر توکیو بر روی خط زلزله واقع شده، از این‌رو همیشه در معرض خطر وقوع زلزله و آتشفشان و سایر بلایای طبیعی قرار دارد و همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد، این یکی از موارد آسیب‌پذیری جدی ژاپن به حساب می‌آید.

۴ـ۲ـ الگوی ارتباطات زمینی، هوایی و دریایی

تاریخچه

در دوران مسیحی (۱۹۱۲ ـ ۱۸۶۸)، فناوری راه‌آهن از اروپا آورده شد. در همان زمان تلاش برای مدرنیزه کردن جاده‌ها آغاز شد. برخلاف چین و اروپا، ژاپن دارای نظام سنتی حمل‌ونقل با درشکه در قرون وسطی نبود.

دلیل عدم بهبودی وضع جاده‌ها، تصمیم حکومت میجی به قائل شدن اولویت برای حمل‌ونقل ریلی و دریایی بود. این تصمیم به آن دلیل اتخاذ شد که آنها می‌خواستند دسترسی

---

1. Senkako – Soto

2. Lian Court Rocks (Takeshima/ Tokado)

سریع به ملل پیشرفته غربی داشته باشند. بنابراین تنها بعد از جنگ جهانی دوم بود که حقیقتاً جاده‌های ژاپن مدرنیزه شد. هنگامی‌که در سال ۱۹٤٥ ژاپن در جنگ شکست خورد، به منظور تسریع بازسازی کشور و جامعه و نیز بهبودی کامل اوضاع جاده‌ها همراه با بازسازی اقتصادی و بالارفتن استانداردهای زندگی، اتومبیل‌ها جایگاه ویژه‌ای یافتند. در پایان جنگ جهانی دوم تعداد اتومبیل‌ها ۱۳۰,۰۰۰ عدد بود و تا سال ۱۹٥۱ به ٥۰۰,۰۰۰ دستگاه رسید و در سال ۱۹٥۳ دو برابر و در ۱۹٥۷ باز هم دو برابر افزایش یافت. ولی با این‌حال تا سال ۱۹٥٦ بنا به گفتهٔ یکی از کارشناسان غربی، هیچ ملت پیشرفته صنعتی دیگری، غیر از ژاپن تا این حد به وضع جاده‌ها بی‌توجهی نکرده بود. دولت ژاپن پیشنهاد این کارشناس را پذیرفت و سریعاً نسبت به بهبود اوضاع جاده‌ها اهتمام ورزید. اولین بزرگراه در ژاپن بزرگراه می‌شین (Meishin) بود که در سال ۱۹٦۳ افتتاح شد.[۳۸]

سیستم حمل‌ونقل

کشور ژاپن از چهار جزیره بزرگ و تعداد زیادی جزیره کوچک تشکیل شده است. به دلیل این مختصات جغرافیایی، سیستم حمل‌ونقل ژاپن از مجموعه شبکه‌راه‌های فرعی به جاده‌های اصلی[۱] که از شمال به جنوب کشور کشیده شده، تشکیل شده است. سیستم حمل‌ونقل در دوران رشد سریع اقتصادی تحولات شگرفی داشت و طی سال‌های ۱۹٥۰ الی ۱۹۷۰، حجم حمل‌ونقل مسافر و بار، پنج برابر شد. سیاست‌های دولت در زمینه حمل‌ونقل بیشتر به منظور ایجاد سیستم حمل‌ونقل سریع، قطارهای سریع‌السیر (شینکانسن)، بزرگراه و احداث و بهینه‌سازی فرودگاه‌های بزرگ بوده است و استفاده موثر از این سیستم موجب احیای اقتصاد مناطق مختلف این کشور شده است.

در سال‌های اخیر، با تحولاتی که در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی کشور به‌وجود آمده، نیازهای جدیدی برای ایجاد تغییر در ساختار حمل‌ونقل کشور احساس می‌شود. به‌عنوان مثال؛

1. Trunk Roads

حمل‌ونقل مسافر به وسیله قطار در حالت انقباضی است ولی حمل‌ونقل مسافر با اتومبیل و هواپیما در حالت انبساطی باقی مانده است.

سیاست وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل ژاپن در مورد نگهداری و بهبود جاده‌های اصلی کشور همواره در راستای سرعت و امنیت شبکه راه‌های کشور و سرمایه‌گذاری در زمینه ساخت قطارهای سریع‌السیر و سایر وسایل حمل‌ونقل سریع استوار بوده است. در سال‌های اخیر، تقریباً شبکه حمل‌ونقل کشور به بخش خصوصی واگذار شده و شرکت‌های مختلف راه‌آهن، هواپیمایی، اتوبوسرانی و تاکسیرانی توسط این بخش اداره می‌شود.[۳۹]

ژاپن دارای شبکه حمل‌ونقل داخلی و بین‌المللی بسیار پیشرفته است. سیستمی که هم‌اکنون نیز وجود دارد بعد از احیای میجی در سال ۱۸۶۸ توسعه یافت.[۴۰]

بزرگراه‌ها یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی در سیستم حمل‌ونقل ژاپن به‌شمار می‌روند. در ژاپن حدود ۱/۵ میلیون کیلومتر راه جاده‌ای یعنی ۳ کیلومتر جاده به ازای هر کیلومترمربع زمین وجود دارد که این میزان به‌طور تقریبی ۲ برابر فرانسه یا انگلستان و ۴/۵ برابر میزان راه‌ها در ایالات‌متحده آمریکاست.[۴۱]

بزرگراه‌ها: ۱,۱۵۲,۰۷ کیلومتر

جاده آسفالته: ۸۶۳,۰۰۳ کیلومتر (شامل ۶,۱۱۴ کیلومتر بزرگراه)

جاده غیر آسفالته: ۲۸۹,۲۰۴ کیلومتر (برآورد سال ۱۹۹۷)

بر اساس شاخص کیلومتر ـ مسافر، سهم بخش حمل‌ونقل در سال ۱۹۹۹ از این قرار بوده است:

وسایل نقلیه موتوری؛ ۶۷/۱ درصد

خط آهن؛ ۲۷ درصد

خطوط هوایی؛ ۵/۶ درصد

خطوط کشتیرانی؛ ۰/۳ درصد

در سال ۱۹۹۹، میزان حمل‌بار بر اساس تن ـ کیلومتر از این قرار بوده است:

وسال نقلیه موتوری؛ ٥٤/٨ درصد

کشتیرانی ساحلی؛ ٤١ درصد

خطوط آهن؛ ٤ درصد

خطوط هوایی؛ ٠/٢ درصد

از سال ١٩٩٠، دولت برنامهٔ فعال مقررات‌زدایی در رشته حمل‌ونقل را به اجرا درآورده است.

در قرن ١٩ و ٢٠ با توجه به نقش جاده‌ها، سؤالی که مطرح بود، این بود که چگونه می‌توان با تمدن صنعتی که برای ما ثروت و جامعه بزرگ مصرفی که نشانهٔ آن اتومبیل‌ها هستند، به ارمغان آورده می‌توان ارتباط برقرار کرد؟ و اکنون در آغاز قرن ٢١ سؤال این است که چگونه می‌توان پاسخگوی مشروعیت منفی، تصادفات جاده‌ای و آلودگی هوا بود که در اثر پیشرفت حاصله در قرن ٢٠ به‌وجود آمده است؟ ممکن است پاسخ در فناوری ارتباط نهفته باشد که پیشرفت سریعی داشته است. در یک جامعه ارتباطی، جاده‌ها به‌عنوان فضای اجتماعی تعریف شده و ماشین‌ها را می‌توان «فضای مجزا» نامید که همان فضای امن و راحت مانند سایر فضاهای اجتماعی هستند. در اثر چنین تغییراتی در مفاهیم وسیله‌ای را که در قرن ٢٠، «ماشین» نام داشت می‌توان در قرن ٢١ «وسیله‌ای برای حمل‌ونقل» نامید و جاده‌ها از صورت فضایی برای ترافیک به صورت فضایی متشکل از بنیان جدید که به‌عنوان فرا ـ زیرساخت نامیده می‌شود، در می‌آیند. جاده‌های جدید برای حل مشکلات قرن ٢٠، خلق صنایع جدید، اشتغال ـ که مناسب جامعه ارتباطی هستند ـ و برای بهبود محیط زیست و خلق زندگی ایمن‌تری برای مردم مناسب هستند. اینها اهداف برنامه ٥ ساله جدید بهبود جاده‌ای و برنامه مدیریتی است.[٤٢]

خطوط راه‌آهن

هسته اصلی شبکه ریلی ژاپن، گروه راه‌آهن ژاپن است که به هنگام خصوصی‌سازی راه‌آهن ملی ژاپن در سال ١٩٨٧ تأسیس شد. گروه راه‌آهن ژاپن از ٦ شرکت قطارهای مسافری، یک

شرکت حمل بار ریلی و چندین شرکت وابسته دیگر تشکیل شده است. در سال ۱۹۹۸، راه‌آهن مسافری متشکل از ۲۷,۱۸۲ کیلومتر ـ عملیات بود که گروه راه‌آهن ژاپن ۲۰,۰۵۹ کیلومتر ـ عملیات یا ۷٤ درصد کل را انجام داده است. خدمات مسافری راه‌آهن ژاپن شامل خطوط بین شهری، خدمات غذایی شهری و تعداد بسیاری خطوط روستایی است.[٤٣] حرکت قطارها طبق یک برنامه‌ریزی بسیار دقیق و منسجم صورت می‌گیرد و ورود قطارها به ایستگاه‌های مورد نظر دقیقاً در موعد مقرر انجام می‌شود. همچنین سریع‌ترین قطارهای مسافری ژاپن ـ قطارهایی که روی ساچمه حرکت می‌کنند ـ یا شینکانسن (Shinkansen) جزو خدمات گروه راه‌آهن ژاپن است. این قطار بعضی از مهم‌ترین شهرهای اصلی ژاپن از هاکاتا (Hakata) در کیوشو تا موریوکا (Morioka) در نقطه شمالی جزیره هونشو را به‌هم متصل می‌کند. این قطار می‌تواند با سرعت حداکثر ۳۰۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند. سیستم پر سرعت ریلی مسافری شامل ٥ خط معمولی شینکانسن، جایی که قطارها فقط روی خطوط ویژه شینکانسن حرکت می‌کنند و دو خط که معمولاً خطوط «مینی شینکانسن» نامیده می‌شوند، جایی که قطارها هم روی خطوط ویژه شینکانسن و هم خطوط استاندارد محلی حرکت می‌کنند، است. از سال ۱۹۷۳، برنامه اضافه کردن خطوط شینکانسن در دستور کار قرارگرفته و ساخت‌وساز خطوط در برخی بخش‌ها در جریان است.

شینکانسن توکایدو فاصله ٥٠٠ کیلومتری توکیو ـ اوزاکا را به‌عنوان اصلی‌ترین راه ژاپن، به هم وصل می‌کند. این خط با سرعت حداکثر ۲۷۰ کیلومتر در ساعت حرکت می‌کند و حداقل زمان سفر بین توکیو و اوزاکا اکنون دو ساعت و نیم است. یک قطار شینکانسن، توکیو را به مقصد اوزاکا یا نقطه دورتری در غرب هر ٦ دقیقه طبق برنامه روزانه ترک می‌کند. از زمان بهره‌برداری در سال ۱۹٦٤، شینکانسن رکورد قابل ملاحظه‌ای را از لحاظ سرعت، ایمنی، حجم حمل‌ونقل و دقت داشته است.[٤٤] روزانه ٥٥٠ سفر بین‌شهری در خطوط راه‌آهن توکایدو و سانیو شینکانسن صورت می‌گیرد.

علاوه بر شرکت‌های گروه راه‌آهن ژاپن، ١٦ شرکت راه‌آهن بزرگ و بیش از ١٠٠ شرکت

کوچک‌تر امور حمل‌ونقل منطقه‌ای را برعهـده دارنـد. خطـوط راه‌آهـن توهوکـو (Tohoku) و یاماگاتا (Yamagata) به‌طور روزانه ۱۴۹ سفر میان‌شهری را تحت پوشش قـرار مـی‌دهنـد. هـر روز ۹۵ سفر بین شهری از طریق خط آهن جوئتسو (Joetsu) و ۵۴ سفر بین‌شهری با قطارهای خط هوکوریکو (Hokuriku) انجام می‌شود. علاوه بر قطارهای سریع‌السـیر شینکانسـن، شبکه بزرگی از قطارهای برقی و خطوط مترو در داخل و خارج شهرهای بزرگ وجود دارد. در سال ۱۹۹۸ تعداد ۳۷ خط مترو در ۱۰ شهر ژاپن فعال بوده است. هر روز بیش از ۷/۲۶ میلیون نفـر از متروی توکیو استفاده می‌کنند.[۴۵] تقریبا ۲/۶ میلیون مسافر در ۷ خط متروی اوزاکا جابـه‌جـا می‌شوند. خطوط مترو طوری طراحی شده‌اند که مستقیماً با شبکه راه‌آهن زمینی حومه شـهری مرتبط می‌شوند. سکوهای ایستگاه‌های مترو دارای خطوط رنگ‌شده‌ای هستند که هنگام توقـف قطارها محل باز شدن درها را نشان می‌دهند. در ساعات شلوغی رفت‌وآمد، ازدحـام زیـادی در قطارها دیده می‌شود.

وسایل نقلیه موتوری

علی‌رغم فشردگی ترافیک شهری و هزینه بـالای سـوخت، ماشـین‌هـای شخصـی یکـی از اجزای سریعاً در حال رشد بخش حمل‌ونقل مسافری بوده‌اند. تعداد وسایل نقلیه ثبـت شـده از ۳/۴ میلیون در ۱۹۶۰ به ۷۵/۹ میلیون در دسـامبر ۲۰۰۰ یعنـی ۶۹/۴ درصـد کـل ماشـین‌هـای شخصی رسیده است. ۷٫۸۴۳ کیلومتر شاهراه و ۶۱۶ کیلومتر بزرگراه‌های شهری در سال ۲۰۰۰ در حمل‌ونقل مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

حمل‌ونقل دریایی

راه دریایی از اصلی‌ترین راه‌های حمل‌ونقل حجم عظیم واردات مواد اولیه مورد نیـاز ژاپـن و صادرات کالاهای ساخته شده است. از تعداد ۱۳۳ «بندر مهم»، ۲۱ بندر به‌عنوان «بنـادر مهـم ویژه» جهت گسترش تجارت خارجی مشخص شده اسـت کـه شـامل؛ محـدوده بنـدر توکیـو

(توکیو، یوکوهاما، کاواساکی و چیبا)، ناگویا و محدوده بندر اوزاکا (اوزاکا ـ کوبه)، کیتا کیوشو و واکایاما شیموتسو (یک بندر مهم نفتی) است.

طول راه آبی حدود ۱,۷۷۰ کیلومتر است.

بنادر ژاپن عبارتند از: آکیتا، آماگاساکی، چیبا، هاچینوهه، هاکوداته، هیگاشی، هاریما، هیمه‌جی هیروشیما، کاواساکی، کینورا، کوبه، کوشیرو، میزوشیما، موجی، ناگویا، اوزاکا، ساکائی، ساکائی‌وه، شیمی زو، توکیو و توماکومای.[٤٦]

بزرگ‌ترین بندر دریایی ژاپن، ناگویا است که هشتمین بندر بزرگ دنیا نیز به‌شمار می‌آید.

قابلیت بارگیری (متر مکعب)

۱۹۹۹	۲۰۰۰
۱۳۳,۰۳۸,۰۰۰	۱۵۳,۳۷۰,۰۰۰

شرکت‌های حمل‌ونقل ژاپنی به دلیل افزایش دستمزدها و ادامه ارزش بالای ین از سال ۱۹۸۵، قدرت رقابتی خود را در صحنه بین‌المللی از دست داده‌اند. تا سال ۱۹۹۵ تناژ خالص کل کشتی‌هایی که با پرچم ژاپن تردد داشته‌اند، حدود ٤۹ درصد نسبت به ۳۹ میلیون تن در سال ۱۹۸۰، تنزل یافته است. در سال ۱۹۸۸ با اتمام ساخت طولانی‌ترین تونل جهان، جزیره هونشو، به جزیره هوکایدو و با ساخت پلی در امتداد دریای داخلی، ستو به جزیره شیکوکو متصل شد.

تعداد کل کشتی‌های موجود در ناوگان حمل‌ونقل دریایی ژاپن: ٦۳۰ فروند،

DWT: ۱٥,٤٨٤,٨٤٨   GRT: ۱۱,٦۹۱,۱۷٤

نوع کشتی:

فله: ۱۳۷   باری: ٥۱   تانکر مواد شیمیایی: ۱٥

فله‌ترکیبی: ۲۲   حمل سنگ و نفت: ۳   کانتینر: ۲۲

حمل گاز مایع: ٤۹   مسافری: ۹   مسافری و باری: ۲

تانکر نفتی: ۱۹٤ بار سردخانه‌ای: ۱٥ مسافرت‌های کوتاه دریایی: ٦

حمل اتومبیل: ٥٦

طول خطوط لوله:

خط لوله: نفت خام: ۸٤ کیلومتر

فرآورده‌های نفتی: ۳۲۲ کیلومتر

گاز طبیعی: ۱/۸۰۰ کیلومتر

تعداد اتومبیل‌ها

سال ۱۹۹۷	وسایل نقلیه مسافربری		وسایل نقلیه باری		کل اتومبیل‌های ثبت شده	مرجع		
	ماشین‌های شخصی	اتوبوس	ماشین باری	وسایل نقلیه خاص موتوری		ماشین‌های نقلیه اندازه کوچک	تراکتور تریلی کامیونت	موتورسیکلت
	٤٦,٦٨٤,۲۰٦	۲۳۹,۸٦٦	۱۹,۲۷۳,۷۹۱	۱,٥۲۱,۳۲۹	٦۹,۷۱۹,۱۹۲	۲,٤٥٤,٦۹۱	۱۲۸,٤٤٤	۱٤,٥۳٦,٥۱۲

طول جاده‌ها (کیلومتر)

سال	شاهراه‌های ملی	بزرگراه‌های ملی	جاده‌های استانی	جاده‌ها شهرداری‌ها	جاده‌های عمومی	کل
۱۹۹۳	٥,٤۱۰	٥۳/۳۰۳/٦	۱۲۳/٥۳٦/۳	۹٤۸/٦٤۲	۱/۱۲٥/٤۸۱/۹	۱/۱۳۰/۸۹۱/٥
۱۹۹٦	٥,۹۳۲	٥۳/۲۷۸/۲	۱۲٦/۹۱٥/۲	۹٦۱/٤۰٦/۱	۱/۱٤۱/٥۹۹/٥	۱/۱٤۷/٥۳۱/۸
۱۹۹۷	٦,۱۱٤	٥۳/۳٥٥/٥	۱۲۷/٦٦۳/۳	۹٦٥/۰۷۳/٥	۱/۱٤٦/۰۹۲/۳	۱/۱٥۲/۲۰٦/٦

حمل‌ونقل هوایی

تا ژانویه ۲۰۰۱، تعداد ۷٤ خط هوایی در ژاپن فعالیت داشته‌اند. هشت شرکت شامل خطوط هوایی ژاپن JAL.(Japan Airlines) و شرکت خطوط هوایی نیپون ANA، به پروازهای بین‌المللی اشتغال داشته‌اند. بعد از اجرای آزادسازی صنایع هواپیمایی در سال ۱۹۹۸، خطوط هوایی

Skymark و خطوط هوایی بین‌المللی هوکایدو (Airdo) به‌عنوان اولین خطوط هوایی جدید ژاپن طی ۳۵ سال اخیر شروع به کار کردند. سیاست‌های آنها مبنی بر قیمت‌های ارزان باعث ایجاد رقابت در صنایع هواپیمایی شد. در سال ۲۰۰۰ ژاپن دارای ۹۳ فرودگاه تجاری و نیمه‌تجاری بود که ۶۰ فرودگاه دارای تسهیلات برای پرواز هواپیماهای جت مسافری هستند.[٤٧] با داشتن تعداد زیادی فرودگاه بین‌المللی، به‌طور متوسط ۱۹۷۰ پرواز بین‌المللی طی هر هفته بین ژاپن و سایر کشورها برقرار است. از فرودگاه‌های داخلی ژاپن نیز پروازهای زیادی صورت می‌گیرد و روزانه تقریباً ۲,۱٤۲ هواپیما برای فرود به این فرودگاه‌ها وارد می‌شوند.[٤٨]

تعداد فرودگاه‌ها: ۱۷۳ (برآورد سال ۲۰۰۰)

فرودگاه‌هایی که دارای باند آسفالته هستند: ۱٤۲ عدد

بیش از ۳,٤۰۷ متر: ۸ عدد

بین ۲,٤۳۸ متر تا ۳,۰٤۷ متر: ۳٦ عدد

بین ۱,٥۲٤ متر تا ۲,٤۳۷ متر: ۳۸ عدد

بین ۹۱٤ متر تا ۱,٥۲۳ متر: ۳ عدد

زیر ۹۱٤ متر: ۳۰ عدد

فرودگاه‌هایی که فاقد باند آسفالته هستند: ۳۱ عدد

بین ۱,٥۲٤ تا ۲,٤۳۷ متر: ۱ عدد

بین ۹۱٤ تا ۱,٥۲۳ متر: ٤ عدد

هلی‌پورت (فرودگاه‌های مخصوص هلی‌کوپتر): ۱٦ عدد

فرودگاه‌های بین‌المللی ژاپن عبارتند از:

ناریتا (New Tokyo Int'l Airport)

فرودگاه بین‌المللی توکیو (Haneda)

فرودگاه بین‌المللی اوزاکا (Osaka)

فرودگاه بین‌المللی کانزای (Kanzai)

فرودگاه توکیو چهارمین فرودگاه بزرگ جهان به‌شمار می‌آید.

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱
تعداد مسافران	٥٨,٦٩٢,٦٨٨	٦١,٠٧٩,٤٧٨

ـ فرودگاه باری ژاپن چهارمین فرودگاه بزرگ جهان است.

حجم بار جابجا شده توسط حمل و نقل هوایی

سال ۲۰۰۱	سال ۲۰۰۲
١,٦٨٠,٩٣٧ (مترمکعب)	٢,٠٠١,٨٢٤ (مترمکعب)

حمل‌ونقل مسافر **میلیون مسافر ـ کیلومتر**

مسافر	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹
راه‌آهن دولتی	۱۸۹/۷	۱۹۳/۱	۲۳۷/۷	٢٤٠/٨
راه‌آهن خصوصی	۹۹/۱	١٢١/٤	١٤٩/٨	١٤٤/٣
اتومبیل و اتوبوس	٢٨٤/٢	٤٣١/٧	۸۵۳/۱	٩٥٥/٦
هوایی	۹/۳	۲۹/۷	٥١/٦	٧٩/٤
کشتی‌های مسافری	٨/٤	٦/١	٦/٣	٤/٥
جمع	٥٨٧/٢	٧٨٢	١٢٩٨/٤	١٤٢٤/٥

حمل‌ونقل بار **میلیون تن ـ کیلومتر**

بار	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹
بار ریلی	٦٣/٤	۳۷/۷	۲۷/۲	۲۲/۵
اتومبیل	۱۳۵/۹	۱۷۸/۹	٢٧٤/٢	۳۰۷/۲
کشتی باری	١٤٢/٥	۲۲۲/۲	٢٤٤/٦	٢٢٩/٤
هوایی	٠/١	٠/٣	٠/٨	١
جمع	٣٤١/٩	٤٣٩/١	٨/٥٤٦	٥٦٠/٢

فصل سوم

بررسی جمعیت و شاخصه‌های آن

۱ـ۳ـ میزان جمعیت و ساختار آن

جمعیت ژاپن در حال حاضر ۱۲۷,٤۳۵,۰۰۰ نفر است[1]. این تعداد در سال ۲۰۰۰، ۱۲۷,۰۹٦,۳۱٤ نفر بوده و تخمین زده می‌شود با نرخ رشد ۰/۱۵ درصد طبق برآورد سال ۲۰۰۲، جمعیت ژاپن به ۱۰۹,۲۲۰,۲۱۵ در سال ۲۰۵۰ برسد. تراکم جمعیت ۳۳٦ نفردر هر کیلومترمربع است که از این لحاظ نهمین کشور در رده جهانی است. این جمعیت عمدتاً در مناطق شهری کم ارتفاع به‌ویژه در کانتو، چوبو و کینکی در کنار سواحل اقیانوس هونشو متمرکز است. جمعیت ژاپن از لحاظ بالاترین زمان طول عمر در رده اول جهان قرار دارد.

۱۹۹۵ ـ ۲۰۰۰	۲۰۰۰ـ ۲۰۰۵	۲۰۱۰ـ ۲۰۱۵	۲۰۲۰ ـ ۲۰۲۵	۲۰٤۵ ـ ۲۰۵۰
۸۰/۵ سال	۸۱/۵ سال	۸۳/۳ سال	۸٤/۹ سال	۸۸ سال

۱. طبق آخرین برآورد تا اول اکتبر ۲۰۰۲

جمعیت ژاپن سریع‌تر از هر جامعه دیگری در دنیا، در حال پیر شدن است و این وضعیتی است که مشکلات جدی را برای جامعه ژاپن به‌همراه می‌آورد. درصد سنی جمعیت ٦٥ سال به بالا در سال ۱۹۷۰ تنها ۷ درصد بود، ولی تنها ۲۵ سال بعد یعنی در سال ۱۹۹۵ به ١٤/٦ درصد رسید. متوسط طول عمر از ٦٩/۳۰ برای مردان و ٧٤/٦٦ برای زنان در سال ۱۹۷۰ به ۷۷/۱۰ برای مردان و ۸۳/۹۹ برای زنان در سال ۱۹۹۹ رسید و در همین دوران نرخ باروی از ۲/۱۳ به ١/٣٤ کاهش یافت. پیش‌بینی شده که در اثر این روند تا سال ۲۰۵۰ یکی از هر ۳ ژاپنی، بالای ٦٥ سال سن خواهد داشت.

نسبت جمعیت ٦٥ سال به بالا در ژاپن (درصد)

۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۳۰
۷/۹	۱۰/۳	١٤/٦	١٧/٤	۲۲	٢٦/٩	۲۸

انتظار عمر در زمان تولد (سال ۱۹۹۹) برای مردان ۷۷/۱۰ و برای زنان ۸۳/۹۹ است.

جمعیت مسن بار سنگینی را بر نظام بیمه و بازنشستگی تحمیل کرده و در سال‌های پیش رو جمعیت شاغل به‌کار باید هزینه در حال رشد این بار سنگین را بپردازد. دولت در حال حاضر در حال بازسازی نظام تأمین اجتماعی است.[٤٩]

در واقع چهارپنجم مردم در شهرها یا شهرک‌های بزرگ زندگی می‌کنند. تقریباً ۲۳/۸ درصد جمعیت ژاپن در توکیو و استان‌های مجاور زندگی می‌کنند. در حال حاضر ٤٣/٧ درصد کل مردم ژاپن در نواحی اطراف سه شهر بزرگ توکیو، اوزاکا و ناگویا زندگی می‌کنند.[۵۰]

طبق برآوردهای سال ۲۰۰۲

نرخ تولد: ۹/٩٦ (در ۱۰۰۰ نفر)

نرخ مرگ و میر: ۸/۵۳ (در ۱۰۰۰ نفر)

نرخ مرگ و میر نوزادان: ۳/٨٤ (در ۱۰۰۰ نفر)

نرخ کل باروری: ١/٤٢

شیوع ایدز در بین بزرگسالان: ۰/۰۲ درصد (برآورد سال ۱۹۹۹)

کسانی‌که حامل ویروس هستند: ۱۰,۰۰۰

مرگ و میر ناشی از ایدز: ۱,۵۰۰

پیش‌بینی جمعیت ژاپن ۲۰۵۰ ـ ۱۹۹۵

سال	سن ۰ـ۱۴	سهم از کل (درصد)	سن ۱ـ۶۴	سهم از کل (درصد)	سن ۶۵ به بالا	سهم از کل (درصد)	مجموع
۱۹۹۵	۲۰,۳۳۳	۱۵/۹۵	۸۷,۲۶۰	۶۹/۴۹	۱۸,۲۷۷	۱۴/۵۶	۱۲۵,۵۷۰
۲۰۰۰	۱۸,۵۰۵	۱۴/۶	۸۶,۳۸۰	۶۸/۱	۲۲,۰۴۱	۱۷/۴	۱۲۶,۹۲۶
۲۰۱۰	۱۷,۰۷۴	۱۳/۴	۸۱,۶۶۵	۶۴/۱	۲۸,۷۳۵	۲۲/۵	۱۲۷,۴۷۳
۲۰۲۰	۱۵,۰۹۵	۱۲/۲	۷۴,۴۵۳	۶۰	۳۴,۵۵۹	۲۷/۸	۱۲۴,۱۰۷
۲۰۳۰	۱۳,۲۳۳	۱۱/۳	۶۹,۵۷۶	۵۹/۲	۳۴,۷۷۰	۲۹/۶	۱۱۷,۵۸
۲۰۴۰	۱۲,۰۱۷	۱۱/۰	۶۰,۹۹۰	۵۵/۸	۳۶,۳۳۲	۳۳/۲	۱۰۹,۳۳۸
۲۰۵۰	۱۰,۸۴۲	۱۰/۸	۵۳,۸۸۹	۵۳/۶	۳۵,۸۶۳	۳۵/۷	۱۰۰,۵۹۳

منبع: انستیتو ملی پژوهش جمعیت و تأمین اجتماعی

جمعیت شهرنشین[۵۱]: ۱۰۰,۴۹۶,۰۰۰

جمعیت روستانشین: ۲۶,۸۶۵,۰۰۰

درصد شهرنشینی: ۷۸/۹

چرخه زندگی در ژاپن

چرخه زندگی مردم ژاپن در طول زمان متحول شده و در اثر نهادهای جامعه توده‌ای قرن بیستم، دچار تغییری شدید شده است.

در ادامه به مراحل زندگی یک فرد ژاپنی اشاره می‌کنیم.

نوزادی

یک ماه پس از تولد، نوزاد به یکی از معابد شینتو برده می‌شود تا به خدایان نگهبان و به‌طور نمادین به جامعه معرفی شود. این مراسم میامای ری[1] نامیده می‌شود.

برگزاری جشن‌های سالانه برای بچه‌ها، در سوم مارس برای دختران (جشنواره عروسک‌ها) و پنجم مه برای پسران (روز بچه‌ها) و ۱۵ نوامبر برای دختران بین ۳ تا ۷ سال و پسران بین ۳ تا ۵ سال شی چی‌گوسان[2] نامیده می‌شود.

کودکی (۱۳ ـ ۷ سال)

طبق نظام آموزشی جدید در ژاپن، یکی از مهم‌ترین آداب گذر به این مرحله؛ نام‌نویسی در مدرسه و فارغ‌التحصیلی است. ۹ سال تحصیل اجباری شامل ٦ سال ابتدایی و ۳ سال راهنمایی است. بچه‌هایی که تا اول آوریل ٦ ساله می‌شوند، در مدرسه ابتدایی ثبت‌نام شده و زندگی تحصیلی خود را با شرکت در مراسم ثبت‌نام آغاز می‌کنند.

جوانی (۲۵ ـ ۱۳ سال)

بیش از ۹۵ درصد جمعیت جوان ژاپن، دبیرستان را تمام کرده و تقریباً نیمی از آنان وارد کالج یا دانشگاه می‌شوند. امروزه سن قانونی ۲۰ سال است و شهرداری‌ها جشن ۲۰ سالگی[3] را در دومین یکشنبه ماه ژانویه برگزار می‌کنند.

بلوغ (بین ٦۰ ـ ۲٦ سال)

به‌طور متوسط مردان و زنان حدود ۲۷ تا ۲۹ سالگی ازدواج می‌کنند. زندگی مرد بر شغلش متمرکز است، گرچه در سالیان اخیر شمار بیشتری از پدران فعالانه در پرورش فرزند خود کمک کرده‌اند. اغلب زنان بعد از دبیرستان شغل پیدا می‌کنند و شمار فزاینده‌ای از آنان قادرند زندگی حرفه‌ای طولانی داشته باشند. امروزه زنان تنها یک تا ۳ فرزند به‌دنیا آورده و بعد از آنکه تمامی فرزندان به مدرسه می‌روند، برای خود شغل پیدا می‌کنند.

---

1. Miyamairi
2. Shichigosan
3. Seijinrohi

سن پیری (۶۱ سال به بالا)

تولد ۶۰ سالگی به‌طور سنتی آغاز دوران پیری است. بازنشستگی معمولاً در این سن است. تقریباً تمامی ژاپنی‌ها دارای بازنشستگی هستند و در سن ۶۵ سالگی پرداخت حقوق آنان آغاز می‌شود، اما میزان مبلغ ماهیانه بسیار ناچیز است. شاغلان بلندمدت تحت بیمه بازنشستگی کارفرما قرار دارند و سن آغاز پرداخت حقوق بازنشستگی به‌تدریج از ۶۰ به ۶۵ افزایش یافته است.

بعد از مرگ

حدود ۹۰ درصد مراسم تدفین در ژاپن مطابق آیین بودا انجام می‌شود. در این آیین، کشیش معبد خانوادگی به متوفی یک نام پس از مرگ می‌دهد. هفته‌ها و ماه‌های اولیه بعد از مرگ، مراسمی به‌طور منظم برای آرامش روح متوفی برگزار می‌شود. سالگرد فوت تا پنجاه سال گرامی داشته می‌شود.

ترکیب جمعیت (اول اکتبر ۲۰۰۲)

(درصد در هزار نفر)

	جمعیت	(درصد توزیع)	تعداد تغییرات در سال (نرخ)	
مرد	۶۲,۲۵۲	(۴۸/۹)	۹	(۰/۰۱)
زن	۶۵,۱۸۳	(۵۱/۱)	۱۳۶	(۰/۲۱)
کل	۱۲۷,۴۳۵	(۱۰۰)	۱۴۵	(۰/۱۱)
جمعیت ۱۴ ـ ۰ سال	۱۸,۱۰۲	(۱۴/۲)	ـ۱۸۲	(−۰/۹۹)
جمعیت ۶۴ـ ۱۵ سال	۸۵,۷۰۶	(۶۷/۳)	ـ۴۳۳	(−۰/۵۰)
جمعیت ۶۵ سال به بالا	۲۳,۶۲۸	(۱۸۵)	۷۵۹	(۳/۳۲)

منبع: وزارت مدیریت عمومی، کشور، پست و ارتباطات

درصد جمعیت بر حسب سن (سه گروه)

۱٤-۵ سال		٦٤-۱۵ سال		٦۵ سال به بالا	
استان	درصد	استان	درصد	استان	درصد
اوکیناوا	۱۹/۳	سایتاما	۷۱/۳	شیمانه	۲٦/۰
شیگا	۱۵/۹	توکیو	۷۱/۰	آکیتا	۲۵/۰
ساگا	۱۵/۸	کاناگاوا	۷۱/۵	کوچی	۲٤/٦
فوکوشیما	۱۵/٤	چیبا	۷۰/٦	یاماگاتا	۲٤/۱
میازاکی	۱۵/٤	اوزاکا	٦۹/۵	کاگوشیما	۲۳/٦
یاماگاچی	۱۳/٦	کوچی	٦۲/۱	آیچی	۱۵/۷
هوکایدو	۱۳/٤	آکیتا	٦۱/۹	چیبا	۱۵/٦
کوچی	۱۳/۳	یاماگاتا	٦۱/٦	کاناگاوا	۱۵/۱
آکیتا	۱۳/۱	کاگوشیما	٦۱/٤	اوکیناوا	۱۵/۰
توکیو	۱۲/۰	شیمانه	٦۰/۱	سایتاما	۲/۱٤
ژاپن	۱٤/۲	ژاپن	٦۷/۳	ژاپن	۱۸/۵

تعیین مراکز پرجمعیت

تراکم مناطق پرجمعیت براساس استان (۲۰۰۰ ـ ۱۹۷۰)

استان	سال	مناطق پرتراکم		درصد مناطق پرتراکم به کل وسعت (درصد)		تراکم جمعیت (کیلومتر مربع)
		جمعیت (۱۰۰۰)	وسعت (KM^2)	جمعیت	وسعت	
	۱۹۷۰	۵۵/۹۹۷	٦/٤٤٤/۰۱	۵۳/۵	۱/۷۱	۸/٦۹۰
	۱۹۷۵	٦۳/۸۲۳	۸/۲۷۵/٤	۵۷	۲/۱۹	۷/۷۱۲
	۱۹۸۰	٦۹/۹۳۵	۱۰/۰۱٤/۷	۵۹/۷	۲/٦۵	٦/۹۸۳
	۱۹۸۵	۷۳/۳٤٤	۱۰/۵۷۰/۷	٦۰/٦	۲/۸۰	٦/۹۳۸
	۱۹۹۰	۷۸/۱۵۲	۱۱/۷۳۲/۲	٦۳/۲	۳/۱۱	٦/٦٦۱
	۱۹۹۵	۸۱/۲۵۵	۱۲/۲٦۰/۵	٦٤/۷	۳/۲٤	٦/٦۲۷
	۲۰۰۰	۸۲/۸۱۰	۱۲/٤۵۷/٤	٦۵/۲	۳/۳۰	٦/٦٤۷

استان	سال	مناطق پرتراکم		درصد مناطق پرتراکم به کل وسعت (درصد)		تراکم جمعیت (کیلومتر مربع)
		جمعیت (١٠٠٠)	وسعت (KM^2)	جمعیت	وسعت	
هوکایدو		٤/١٢٩	٧٩٨/٦	٧٢/٧	٥/٩٦	٥/١٧١
آئوموری		٦٦٥	١٥٦/١	٤٥/١	١/٦٢	٤/٢٦٢
ایواته		٤١٧	٨٥/٧	٢٩/٥	٠/٥٦	٤/٨٧٠
میاگی		١/٣٥٤	٢٣١/٥	٥٧/٢	٣/١٨	٥/٨٥٠
آکیتا		٣٩٨	٨٦/٧	٢٣/٥	٠/٧٥	٤/٥٩٢
یاماگاتا		٥١٥	١١٢/٩	٤١/٤	١/٢١	٤/٥٦٣
فوکوشیما		٨٠٠	١٧٥/٦	٣٧/٦	١/٢٧	٤/٥٥٥
ایباراکی		١/٠٦٨	٢٣١/٥	٣٥/٨	٣/٨٠	٤/٦١٣
توچی‌گی		٨٢٥	١٧٨/٢	٤١/٢	٢/٧٨	٤/٦٣٠
گوما		٨٠٢	١٩٥	٣٩/٦	٣/٠٦	٤/١١٢
سائیاما		٥/٤٢٦	٦٦٩/٦	٧٨/٢	١٧/٦٣	٨/١٠٣
چیبا		٤/١٩٧	٦١٦/١	٧٠/٨	١١/٩٥	٦/٨١٤
توکیو		١١/٨٢١	١/٠٦٦/٩	٩٨	٤٨/٧٩	١١/٠٨٠
کاناگاوا		٧/٩٤٩	٩٣٦/٥	٩٣/٦	٣٨/٧٧	٨/٤٨٨
نی‌گاتا		١/١٤٨	٢٢٤/٨	٤٦/٤	١/٧٩	٥/١٠٦
تویاما		٤٢٩	١٠٦	٣٨/٣	٢/٤٩	٤/٠٥١
ایشی‌کاوا		٥٧٨	١٠٣	٧٨/٩	٢/٤٦	٥/٦١٢
فوکوی		٣٣٧	٧٢/٨	٤٠/٦	١/٧٤	٤/٦٢٥
یاماناشی		٣٠٩	٦٣/٢	٣٤/٧	١/٤١	٤/٨٨٧
ناگانو		٧٣٦	١٩٨٤/٢	٣٤/٤	١/٢٨	٤/٣٧٨
گیفو		٨٤٥	١٧٩/١	٤٠/١	١/٦٩	٤/٧١٧٠
شیزواکا		٢/١٨٧	٤٠٩/٨	٥٨/١	٥/٢٧	٥/٣٣٧
آی‌چی		٥/٢٦٩	٨٨٦	٧٤/٨	١٧/١٨	٥/٩٤٨
می‌ئه		٧٥١	١٧٦/٨	٤٠/٤	٣/٠٦	٤/٢٤٨
شیگ		٥٦٧	٩٧/٤	٤٢/٢	٢/٤٢	٥/٨١٨

استان	سال	مناطق پرتراکم		درصد مناطق پرتراکم به کل وسعت (درصد)		تراکم جمعیت (کیلومتر مربع)
		جمعیت (١٠٠٠)	وسعت (KM^2)	جمعیت	وسعت	
کیوتو		٢/١٥٥	٢٥٤/٩	٨١/٥	٥/٥٣	٨/٤٥٤
اوساکا		٨/٤٢٤	٨٩٨	٩٥/٧	٤٧/٤٤	٩/٣٨١
هیوگو		٤/١٢٢	٥٥٧/٧	٧٤/٣	٦/٦٥	٧/٣٩١
نارا		٩٠٨	١٣٧	٦٢/٩	٣/٧١	٦/٦٢٧
واکایاما		٤٢٦	٩٠/٥	٣٩/٨	١/٩١	٤/٧٠٧
توتوری		١٩٧	٤٤/٨	٣٢/١	١/٢٨	٤/٣٩٨
شیمانه		١٨٩	٤٤	٢٤/٨	٠/٦٦	٤/٢٩٨
اوکایاما		٨٢٥	١٩٦/٩	٤٢/٣	٢/٧٧	٤/١٩٢
هیروشیما		١/٨٠٧	٣٠٤	٦٢/٨	٣/٥٩	٥/٩٤٥
یاماگوچی		٧٢٥	٢٠٧/٤	٤٧/٥	٣/٣٩	٣/٤٩٧
توکوشیما		٢٦٠	٥٥/٥	٣١/٦	١/٣٤	٣/٦٩٣
کاگاوا		٣٣٥	٧٧/٩	٣٢/٨	٤/١٥	٤/٣٠٢
اهیمه		٧٤٤	١٥٠/٢	٤٩/٨	٢/٦٥	٤/٩٥٢
کوچی		٣٤٣	٥٧/٨	٤٢/١	٠/٨١	٥/٩٣٣
فوکوئوکا		٣/٤٦٩	٥٥٧/٤	٦٩/٢	١١/٢١	٦/٢٢٥
ساگا		٢٤٥	٥١/٩	٢٧/٩	٢/١٣	٤/٧٠٩
ناگازاکی		٧٠٩	١٢٠	٤٦/٨	٢/٩٣	٥/٩١١
کوماموتو		٧٨٧	١٤٣/٨	٤٢/٣	١/٩٤	٥/٤٧٤
اویتا		٥٣٧	١١٣/٤	٤٤	١/٧٩	٤/٧٣٦
میازاکی		٥١١	١١١/١	٤٣/٧	١/٤٤	٤/٦٠٣
کاگوشیما		٦٨٩	١٢٨/٣	٣٨/٦	١/٤٠	٥/٣٧١
اوکیناوا		٨٥٣	١٢١/٣	٦٤/٧	٥/٣٤	٧/٠٢٩

منبع: اداره بررسی‌های آماری ـ دفتر آمار، وزارت مدیریت دولتی، کشور، پست ارتباطات.

ـ ارقام فوق شامل جزایر هابومای، شیکوتان، کونا شیری، اتوروفو و تاکه‌شیما نیست.

۲ـ۳ـ بررسی وضعیت آموزش

اولین نظام آموزشی جدید در ژاپن بر اساس دستور آموزش در سال ۱۸۷۲ ایجاد شد. بر اساس نظام آموزشی اروپای غربی، مدارس ژاپـن در قبـل از جنـگ دوم جهـانی توسـط دولـت اداره می‌شد. نظام آموزشی مدارس ژاپن از آن زمان دچار تحولات زیـادی شـده اسـت. اصـلاحات آموزشی ۱۹٤۷ کنترل متمرکز مدارس را از بین برد. قانون بنیادی آموزش که به‌عنوان بخشی از این اصلاحات تدوین شد، اهداف اساسی نظام آموزشی را کمک به صلح و رفاه انسانی، توسعه کامل شخصیت و ایجاد عشق بـه واقعیـت و عـدالت بـه دانـش‌آمـوزان برشـمرد. ایـن قـانون دربردارنده تعهد به آزادی‌های علمی، فرصت‌های برابر و آموزش در کنار هم بود.

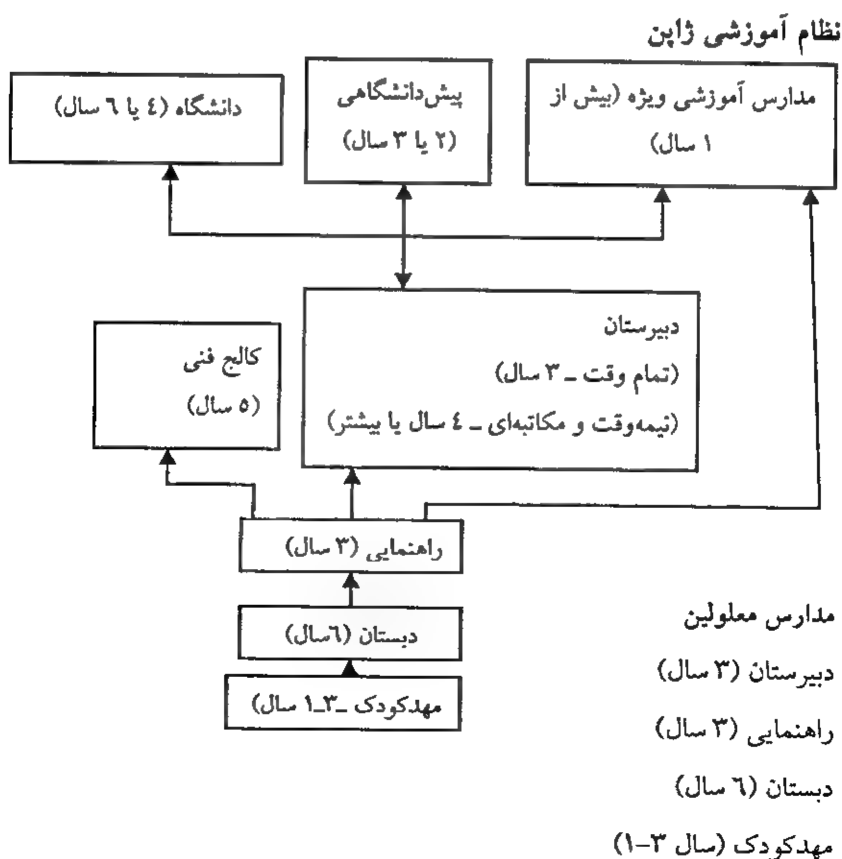
نظام آموزشی

هسته نظام آموزشی مدارس ٤-۳-۳-٦ یعنـی ٦ سـال ابتـدایی، ۳ سـال راهنمـایی، ۳ سـال دبیرستان و ٤ سال دانشگاه است. کودکان در سن ٦ سالگی وارد دبستان شده و در ۱۵ سـالگی از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شـوند. بـه‌عـلاوه مهـدکودک‌هـا، کـالج‌هـای فنـی ۵ سـاله بـرای فارغ‌التحصیلان مدارس راهنمایی و مدارس ویژه معلولان نیـز وجـود دارد. دانشـگاه‌هـا شـامل کالج‌های پیش‌دانشگاهی، دوره لیسـانس و دوره‌هـای بـالاتر هسـتند. جـدای از ایـن مـدارس، مدارس فنی و حرفه‌ای نیز وجود دارد. تحصیل تنها تـا مقطـع راهنمـایی اجبـاری اسـت ولـی گذراندن دوران دبیرستان تقریباً همه‌گیر است.[٥٢]

تعداد دانش‌آموزانی که وارد دبیرستان شده‌اند از اواسط دهه ۹۰ به‌شدت افزایش یافته و بـه ۹٦/۹ درصد در سال ۲۰۰۱ رسید. درصد زنانی که وارد کالج‌های دوساله و چهارساله شدند در سال ۱۹٦۵ تنها ۱۱/۳ درصد بود یعنی تنها نصف مردان، ولی این رقم در سـال ۱۹۸۹ بـه ۳٦/۸ درصد رسید که حتی از نرخ ۳۵/۸ درصد برای مردان برای اولین بـار پیشـی گرفـت. در سـال ۲۰۰۱ نرخ ورود به کالج برای مردان ٤۸/۷ درصد و زنان ٤۸/۵ درصد بوده و رقـم کلـی بـرای هر دو جنس ٤۸/٦ درصد است. به‌علاوه افراد بیشتری وارد مـدارس آمـوزش ویـژه شـده‌انـد.

دختران و پسرانی که از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده و وارد مدارس آموزشی ویـژه شـده و یـا کسانی‌که وارد بازار کار شده‌اند، در سال ۲۰۰۱ بـه ترتیـب ۲۶/۹ درصـد و ۱۸/۱ درصـد بـوده است.[۵۳]

بخش عمده مدارس در تمام سطوح، مختلط است. بیش از ۹۵ درصد مـدارس راهنمـایی و ابتدایی، دولتی هستند. مدارس خصوصی در سطح متوسطه و دانشگاهی نقـش عمـده‌ای ایفـا می‌کنند. (حدود ۳۰ درصد دبیرستان‌هـای ژاپـن و حـدود ۸۰ درصـد دانشـگاه‌هـا و کـالج‌هـا، انستیتوهای خصوصی هستند).



اصلاحات آموزشی

هم‌اکنون در کل نظام آموزشی ژاپن از ابتدایی تا دانشگاه، اصلاحات در جریان است. در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ شورای مرکزی آموزش که یک نهاد تصمیم‌گیر برای سیاست‌های آموزشی دولت است در سه موضوع مختلف گزارش‌هایی منتشر کرد: آموزش در قرن ۲۱، آموزش برای بشریت از ابتدای کودکی، اداره آموزش داخلی.

توصیه‌هایی که در این گزارش‌ها آمده، به گوناگونی بیشتر نظام آموزشی منجر شده است. به‌عنوان مثال ایجاد مدارس راهنمایی و دبیرستان به‌صورت مرتب و اجرای روشی برای پذیرش در کالج بعد از پایان تنها دو سال دبیرستان.

دستورالعمل‌های دوره مدرسه

وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری ژاپن دستورالعمل‌هایی را که حاوی نکات اساسی برای هر یک از مواد درسی که در مدارس ژاپن تدریس می‌شود، صادر کرده و اهداف و محتوای دروس را در هر کلاس تعیین می‌کند. این دستورالعمل‌ها که برای اولین بار در سال ۱۹٤۷ تدوین شده هر ۱۰ سال یکبار مورد بازنگری قرار می‌گیرند. بازنگری‌های سال ۱۹۸۹ بر دانش رایانه و زبان‌های خارجی در عصر نوین اطلاعات و بین‌المللی شدن تأکید داشتند. بازنگری‌های سال ۹۸ حاکی از ٥ روز تحصیلی در هفته است که از آوریل ۲۰۰۲ در سراسر ژاپن اجرا شد. مهم‌ترین تغییرات، کاهش ساعت کلاس‌ها و حجم دروس است.

اداره نظام آموزش

وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری ژاپن به تمام امور اداری مربوط به آموزش در سطح ملی رسیدگی می‌کند. حوزه صلاحیت آن؛ تأسیس و اداره مدارس ملی، دادن مجوز برای تأسیس دانشگاه‌های خصوصی و دولتی و تأیید کتاب‌های درسی مدارس است.

اداره آموزش داخلی، هیأت آموزشی است. این هیأت‌ها در سطوح شهرداری و

فرمانداری فعالیت می‌کنند. اعضای هیأت‌ها توسط رئیس مجمع شهرداری یا فرمانداری تعیین می‌شوند. این هیأت‌ها دارای صلاحیت تأسیس و اداره مدارس دولتی، مدیریت مواد درسی، تعیین کارمندان و برنامه‌ریزی پروژه‌های تحصیلی و تربیتی برای معلمان هستند.

تحصیل بزرگسالان

تحصیل بزرگسالان در ژاپن به‌صورت فراگیر درآمده است. دانشگاه هوایی دوره‌های آموزش راه دور را در سال ۱۹۸۵ آغاز کرد و ۸۹,۷۷۰ نفر در نیمه دوم سال ۲۰۰۱ ثبت‌نام کردند. حدود ۱۱,٤۷۷ کلاس عمومی در دانشگاه‌های خصوصی، دولتی و ملی به ۷۵۰,۰۰۰ نفر، سطح بالایی از آموزش را در سال ۱۹۹۸ ارائه کردند. فراگیری دوره‌های گسترده‌ای که در مراکز جمعیتی ارائه می‌شود، نمونه‌ای از اشتیاق عمومی برای یادگیری است. مدارس زبان خارجه بسیار مشهور هستند. تا ژانویه ۲۰۰۱، در سراسر ژاپن ۲,۹٦۲ مدرسه و ٦۱۳,۳۰۹ دانش‌آموز وجود داشت. تعداد معلمان در ژاپن نیز ۱۲,۱۹۷ نفر است.

دانشجویان خارجی

تعداد دانشجویان خارجی در سال ۲۰۰۱ رکورد شکسته و به ۷۸,۸۱۲ نفر ـ غیر از کسانی‌که در مدارس زبان ژاپنی تحصیل می‌کنند ـ رسید (افزایش ۲۳/۱ درصدی نسبت به سال قبل). گرچه هنوز تعداد دانشجویان خارجی نسبت به کشورهایی مثل فرانسه و آمریکا بسیار پایین است. ۸٦/٦ درصد این دانشجویان با هزینه شخصی تحصیل می‌کنند و ۹۱/٦ درصد از آنان از سایر کشورهای آسیایی آمده‌اند. تعداد ژاپنی‌هایی که برای آموزش حرفه‌ای به خارج می‌روند، در سال ۲۰۰۰ به ۱۹۳,۷۷۹ رسید که ٤۵ درصد آنها به آمریکا رفتند.

دانشجویان خارجی از نگاه آمار (۲۰۰۱)

ملیت دانشجویان	درصد	ملیت دانشجویان	درصد	
چینی	۵۵/۸	اندونزیایی	۱/۸	سایر ۱۰ درصد
کره جنوبی	۱۸/۷	آمریکایی	۱/٤	
تایوانی	٥/٤	ویتنامی	۱/۲	
مالزیایی	۲/۳	بنگلادشی	۱	
تایلندی	۱/۸	فیلیپینی	۰/٦	

تعداد مدارس، دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان (۲۰۰۱)

	مدارس	دانش‌آموزان	تعداد معلمان تمام وقت
مهدکودک و آمادگی	۱٤/۳۷٤ (۸/٤٤۲)	۱/۷۵۳/٤۲۳ (۱/۳۸۵/٦٤۱)	۱۰٦/٦۸٤ (۸۰/۷۸۷)
دبستان	۲۳/۹٦٤ (۱۷۲)	۷/۲۹٦/۹۲۱ (٦۷/۲۲۷)	٤۰۷/۸۲٦ (۳/۲٤۷)
راهنمایی	۱۱/۱۹۱ (٦۸٦)	۳/۹۹۱/۹۱۱ (۲۳۳/۵۵۳)	۲۵۵/٤۸۹ (۱۲/۳۱۷)
دبیرستان	۵/٤۷۹ (۱/۳۱۸)	٤/۰٦۱/۷٦۱ (۱/۱۸۷/۸۷۲)	۲٦٦/٥٤٥ (٦۱/۹۲۹)
مدارس نابینایان	۷۱ (۲)	٤/۰۰۱ (۱۰۰)	۳/٤٤۰ (۳۷)
مدارس ناشنوایان	۱۰۷ (۱)	٦/۸۲۹ (٦٤)	٤/۸۹٦ (۲۷)
مدارس معلولان	۸۱۸ (۱۲)	۸۱/۲٤۲ (٦۷۰)	۵۰/۲۸۱(۱۹۸)
کالج فنی	٦۲ (۳)	۵۷/۰۱۷ (۲/۲۳٦)	٤/٤٦۷ (۱٦۸)
پیش‌دانشگاهی	۵۵۹ (٤۸۹)	۲۸۹/۱۹۹ (۲٦۲/٤۵۰)	۱۵/٦۳٦ (۱۳/۲۵۷)
دانشگاه	٦٦۹(٤۹٦)	۲/۷٦۵/٦۹۷(۲/۰۳۰/٤۹٤)	۱۵۲/۵۸۵ (۸/۸۳۱)
مدارس آموزشی ویژه	۳/٤۹٦(۳/۱٦۳)	۷۵۲/۵۷۸(۷۰٦/۳۵٦)	۳۸/۱۳٤(۳٤/٦۳۹)
مدارس فنی و حرفه‌ای	۲/۱٦۵(۲/۱۲٦)	۲۰۸/۲۰٦(۲۰۵/۹٤۵)	۱۲/۷۸۰(۱۲/٦۱٤)
مجموع	٦۲/۹۵۵(۱٦/۹۱۰)	۲۱/۲٦۸/۷۸۵(٦/۰۸۲/٦۰۸)	۱/۳۱۸/۷٦۳(۳۰۰/۰۵۱)

منبع: وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری

ارقام داخل پرانتز مربوط به مدارس خصوصی است.

رشته‌های دانشگاهی در ژاپن (۲۰۰۱)

رشته تحصیلی	درصد دانشجویان
حقوق و اقتصاد	۳٦/۷ درصد
علوم، تکنولوژی، کشاورزی	۲۳/٦ درصد
هنر	۱۹/٤ درصد
تربیتی	۷ درصد
پزشکی	٦/٤ درصد
سایر	۷ درصد

۳ـ۳ـ زبان کشور

زبان رسمی مردم این کشور زبان ژاپنی است و ۱۰۰ درصد مردم به این زبان تکلم می‌کنند. تا به حال تئوری‌های زیادی راجع به مبدأ زبان ژاپنی ارائه شده، ولی زبان‌شناسان در این مسئله با تضاد عقاید مواجه‌اند. گرچه زبان‌های چینی و ژاپنی کاملاً از لحاظ ژنتیکی نامربوط هستند ولی نظام نوشتاری ژاپنی از چینی مشتق شده است. اگرچه بعضی از کلمات اصلی ژاپنی به زبان‌های جنوب آسیا شباهت دارد، با این وجود، دستور زبان (گرامر) ژاپنی به شدت تحت تأثیر زبان‌های مرسوم در کشورهای شمالی بوده و شباهت‌هایی با زبان‌های کره‌ای، مغولی و ترکی دارد.[٥٤] به‌نظر می‌رسد اجماعی کلی بین اندیشمندان ژاپنی مبنی بر اینکه زبان ژاپنی در بخش قواعد نحوی به گروه زبان‌های اورال آلتاتیک وابستگی دارد و نزدیکی محسوسی با زبان کره‌ای دارد، وجود دارد.[٥٥] یکی از مشخصات بارز زبان ژاپنی TE – NI – HA به‌معنی لفظ الحاقی که تکیه[1] ندارد، است.

زبان ژاپنی که از مشخصات عمده آن سیلاب‌ها[2] هستند، با زبان چینی کاملاً تفاوت دارد.

1. Post Positions
2. Syllables

در اواخر قرن ششم، با رخنه فرهنگ چینی به داخل کشور، حروف چینی (کانجی) به‌عنوان خط در ژاپن مورد استفاده قرار گرفت و به‌تدریج حروف ساده‌تری از بطن «کانجی»های چینی اختراع شد که به حروف «هیراگانا» و «کاتاکانا» نام‌گذاری شده‌اند. حروف کاتاکانا برای نوشتن کلمات خارجی، اسامی بعضی حیوانات و گیاهان، تبلیغ اسم یا کلمه‌ای خاص، بعضی از کلمات تشنیه تقلیدی، عامیانه و تلگراف در رمز به‌کار می‌رود.

زبان ژاپنی واژه‌های قرضی را به‌طور آزادانه از سایر زبان‌ها به‌ویژه چینی از قرن ۸ تا ۱۹ و انگلیسی از قرن ۲۰ به عاریه گرفته است. زبان ژاپنی در دوران ماقبل تاریخ از زبان مالایو ـ پلی‌نزی[1] جنوب در واژگان و حرف‌شناسی تأثیر پذیرفته است.

زبان ژاپنی دو لهجه اصلی «هوندو» (در نواحی شرقی و غربی و جزیره هونشو) و «نانتو» (در برخی نواحی دورافتاده و به‌طور عمده جزیرهٔ اوکیناوا) دارد.[۵۶]

اهل فن می‌گویند، ژاپنی‌ها و دیگر ممالک خاور دور مخرج بسیاری از اصوات زبان‌های دیگر را ندارند و در تلفظ کلمات به اشکال زیادی برمی‌خورند، به‌همین سبب آموزش زبان خارجی را برای آنها مشکل می‌کند. تقریباً صددرصد ژاپنی‌ها به‌زبان واحد حرف می‌زنند و ژاپن تنها کشور پیشرفته دنیاست که در آن زبان واحد حکمفرماست و خطر تجزیه و خلق بازی وجود ندارد.

لهجه‌ها

لهجه دوا[2] وراستان یاماگاتا

گویش رایج در کیوشوی شمالی

گویش رایج در کیوتو

گویش رایج در کوماموتو

گویش رایج در ناگویا ـ بن

---

1. Polynesian

2. Dewa

گویش رایج در توسا ـ بن در کوچی واقع در استان شیکوکو

به‌طور کلی زبان ژاپنی دارای لهجه‌های گوناگونی است. لهجه‌هایی که در سرزمین اصلی تکلم می‌شود، به ۳ یا ٤ گروه لهجه‌های مرتبط تقسیم می‌شوند ولی بیشترین تفاوت لهجه‌ها بین سرزمین اصلی و جزایر ریوکیو وجود دارد. اما زبان نوشتاری مشترک از لهجه منطقه مسکونی توکیو مشتق شده است. تاریخ این زبان به چهار دوره تقسیم می‌شود:

۱ـ ژاپن کهن (تا قرن هشتم)

۲ـ ژاپن قدیم مؤخر (قرن ۱۱–۹)

۳ـ ژاپن میانه (قرن ١٦–١٢)

٤ـ ژاپن جدید از قرن ۱۷

قواعد نحو زبان ژاپنی چندان تغییر نکرده ولی آواشناسی، واج‌شناسی و واژگان دچار تحول شده است.[۵۷]

٤ـ۳ـ مذاهب کشور

طبق اصل بیستم قانون اساسی، آزادی مذهبی برای همه شهروندان تضمین شده است و هیچ سازمان و ارگان مذهبی حق ندارد از دولت امتیازی دریافت کند و قدرت سیاسی اعمال کند. هیچ فردی نباید مجبور به شرکت در مراسم و یا جشن‌های مذهبی شود. حکومت و ارگان‌های حکومتی باید از فعالیت در امر تعلیمات یا هر نوع فعالیت مذهبی اجتناب کنند. بنابراین در ژاپن مذهب رسمی وجود ندارد ولی آیین‌های شینتوئیسم و بودائیسم بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده‌اند.[۵۸]

طبق آخرین آماری که در سال ۲۰۰۰ توسط آژانس امور فرهنگی منتشر شده، پیروان ادیان مختلف در ژاپن به قرار زیر است:

شینتوئیسم: ۱۰۸ میلیون نفر ۵۰/۱ درصد   گروه‌های قومی: ۹۹ درصد ژاپنی

بودائیسم: ۹۵/٤ میلیون نفر ٤٤/۳ درصد   سایر ۱ درصد: ۵۱۱,۲٦۲ کره‌ای ـ ۲٤٤,۲٤۱ چینی

مسیحیت: ۱/۸ میلیون نفر ۰/۸ درصد ۱۸۲,۲۳۲ برزیلی ـ ۸۹,۸۵۱ فیلیپینی
سایر: ۱۰,۲۲۱,۴۵٤ میلیون نفر ٤/۷ درصد ۲۳۷,۹۱٤ سایر
۸۱,۰۰۰ معبد شینتو و ۷۷,۰۰۰ معبد بودایی و ٦,۸۰۰ کلیسا در ژاپن وجود دارد.[۵۹]

به‌هر حال مذاهب در ژاپن غنی و گوناگون است و سرگذشتی است طولانی از تعامل برخی سنن مذهبی شینتو، بودائیسم، کنفسوسیسم و مسیحیت.

شینتوئیسم

پرستش کامی، خدایان شینتو، به آرامی در طلوع تاریخ ژاپن درخشید و به‌عنوان یک نظام مذهبی سلطنتی در دوره نارا (۷۹٤ ـ ۷۱۰) درخشش یافت. شینتو آیین بومی مردم ژاپن است و پیروان آن معتقدند که تمام پدیده‌های طبیعی، روحی مجزا و مستقل از ظاهر فیزیکی خود دارا هستند. این آیین مجموعه‌ای از باورهای ژاپنی‌های عهد باستان است و پیروان آن قهرمانان و رهبران برجسته جامعه را «خدا» تلقی می‌کنند و روح اجداد خانواده خود را نیایش می‌کنند.

در نهایت خانواده سلطنتی در این آیین حالت مقدس به‌خود می‌گیرد و در اوایل قرن نوزدهم، یک نوع وطن‌پرستی بر اساس آیین شینتو در ژاپن حکمفرما می‌شود.

شینتو تنها مذهب عمده بومی ژاپن است که آنرا می‌توان هم به صورت یک سلسله ساختارهای آزاد انجام آیین‌های مذهبی که ریشه در جوامع محلی دارد و هم به‌عنوان یک مذهب به شدت تعریف شده و سازمان‌یافته در سطح امپراتوری و حکومت دید.

بعد از اصلاحات «میجی» سال ۱۸٦۸، به‌خصوص طی جنگ جهانی دوم، آیین شینتو به‌عنوان دین رسمی کشور توسط دولت ترویج شد ولی بعد از جنگ از رسمیت افتاد.

اگرچه طبق قانون اساسی جدید، آیین شینتو هیچ‌گونه امتیاز خاصی ندارد، با این وجود هنوز هم نقش عمده‌ای را در مراسم مهم و بسیاری از جنبه‌های زندگی ژاپنی‌ها ایفا می‌کند. بسیاری از معابد محلی شینتو سالانه جشنواره‌ها و آیین‌هایی چون بازدید از معابد (یا معابد بودایی) در اولین روز سال نو برگزار می‌کنند و نوزادان را به معابد محلی می‌برند.

یکی از معابد بسیار مهم شینتو یعنی ایزومو[1] در شهر تایشا[2] در استان شیمانه[3] قرار دارد. خدای ایزومو به‌طور سنتی به‌عنوان خدای ازدواج، خوشبختی و کشاورزی تلقی می‌شود.(٦٠)

بودائیسم

آیین بودایی در اواسط قرن ششم (رسماً در سال ۵۳۸) از هند و از طریق چین و کره به ژاپن راه یافت و نظر به اینکه مورد پشتیبانی امپراتوری قرار گرفت، در سراسر کشور اشاعه یافت. شاهزاده «شوتوکو» از ساخت معابد عمده از جمله «هوریوجی»[4] در استان نارا کنونی حمایت کرد. در اوایل قرن نهم، بودائیسم در ژاپن وارد مرحله تازه‌ای شد و اشراف و درباریان با توسل به آن در جهت تحکیم و موقعیت خود قدم برداشتند. در عصر «کاماکورا» (۱۳۳۸ ـ ۱۱۹۲) که ژاپن با کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی مواجه بود، فرقه‌های گوناگون بودایی در کشور به‌وجود آمد و به‌تدریج نه تنها به‌عنوان یک مذهب در جامعه ژاپن جای گرفت، بلکه در جهت اغنای دانش در کشور نیز عمل کرد. ذن بودایی که بیشتر در میان نظامیان طرفدار داشت، در قرن ۱۲ از چین وارد شد و در همان زمان شاخه‌های معروفی چون شاخه زمین پاک ظهور کرد. در دوره «ادو» (۱۸٦۸ ـ ۱٦۰۳) که کشور در حالت آرامش نسبی بود، قدرت سیاسی ـ اجتماعی معابد بودایی و جنبه‌های فرهنگی بودائیسم نسبتاً کاهش یافت.

در زمان امپراتور «مسیحی» مخالفت با بودائیسم به اوج خود رسید ولی از این دوره به بعد، با کوشش پاره‌ای از روحانیون این مذهب که به فرقه‌های متعددی تقسیم شده بود، بیشترین پیروان را بعد از آیین شینتو در میان ادیان رایج کشور، به خود اختصاص داده است. همچنین تبلیغات و تشریفات فراوانی به سود این آیین در سرتاسر ژاپن به عمل می‌آید.

امروزه بودائیسم به ۱۳ فرقه اصلی تقسیم شده و دارای ۸۰,۰۰۰ معبد است. سنن بودایی در حدود ۹۰ درصد مراسم تدفین ژاپن اجرا می‌شود.

---

1. Izumo
2. Taisha
3. Shimane
4. Horyuji

آیین بودایی طی قرون و اعصار به فرق و شاخه‌های مختلف تجزیه شده و به‌طور کلی با آنچه در جنوب‌شرقی آسیا معمول است، تفاوت دارد. زیرا در ژاپن به‌جای تبلیغ کامل برای کمال انسان، نجات همگان را در بهشت وعظ می‌کنند.(۶۱)

پیروان آیین بودایی در ژاپن از نوع ماهایانا[۱] که به معنی گردونه بزرگ‌تر است، معتقدند که بشر بدون ترک دنیا و داشتن زندگی عادی هم می‌تواند از طریق ایمان به بودا و تقدس او نجات یابد.

در مقابل آیین بودایی «ماهایانا»، آیین بودایی ابتدایی «هینایانا»[۲] یا «گردونه کوچک‌تر» وجود دارد که براساس آن تنها افرادی که بتوانند از عهده ترک دنیا برآیند، اهل نجات خواهند بود.

در حال حاضر بیش از صد فرقه بودایی در ژاپن وجود دارد که مهم‌ترین آنها جودو[۳]، جودوشین[۴]، نیچی رن[۵] شین‌گن[۶]، تندای[۷] و ذن[۸] هستند.

بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، نهضت‌های مذهبی جدیدی در ژاپن به‌وجود آمد که بعضی از آنها بر پایه «شینتوئیسم» پایه‌گذاری شده بودند و تعداد دیگری ریشه بودایی داشتند. بعضی از این فرق، فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خاص خود را دارا هستند. از لحاظ قدرت سیاسی، در حال حاضر انجمن بودایی «سوکاگاکای» با پشتیبانی از حزب کومه، از مهم‌ترین تشکیلات مذهبی سیاسی ژاپن به‌شمار می‌رود.

مسیحیت

یکی دیگر از ادیان رایج در ژاپن مسیحیت است. این مذهب در سال ۱۵۴۹ میلادی توسط مبلغان ژزوئیت و سن‌فرانسیس‌اکزاویه[۹] به ژاپن راه یافت و در نیمه دوم همین قرن رشد سریعی کرد. دین مسیحیت از طریق کیوشو به ژاپن معرفی شد و در سال‌های اولیه مورد

---

1. Mahayana
2. Hinayana
3. Jodo
4. Jodoshin
5. Nichiren
6. Shingon
7. Tendai
8. Zen
9. Saint Francis Xavier

حمایت حکومت وقت قرار گرفت ولی بعداً دستگاه حکومتی بر اثر رقابت‌های مبلغان متعلق به کشورهای مختلف با یکدیگر به نفوذ عوامل مشکوک و سازمان‌های جاسوسی در آنها پی‌برد و با شک و تردید با آنها برخورد کرد. در سال ۱۶۳۹ تبلیغ مسیحیت در ژاپن ممنوع شد و با مبلغان این آیین به شدت برخورد شد.[۶۲] این دین تا اواسط قرن نوزدهم که ژاپن دروازه‌هایش را به‌سوی خارجیان گشود، ممنوع بود. مسیحیت مجدداً در دوره مسیحی (۱۹۱۲ـ۱۸۶۸) به ژاپن وارد شد.

در قرن ۱۹ مذاهب گوناگون جدیدی به‌وجود آمدند و از پیروان قابل توجهی نیز برخوردار هستند. تعالیم این مذاهب در بسیاری موارد براساس بودا یا شینتو است ولی ارکانی از کنسرلیسم، تائوئیسم و شامانیسم نیز در بین آنها وجود دارد. کنفسوسیسم نیز در اوایل قرن ۶ میلادی به ژاپن راه یافت و ژاپنی‌ها این آیین را بیشتر به صورت یک آداب اخلاقی تلقی می‌کنند. این آیین اثرات زیادی بر نحوه تفکر و رفتار ژاپنی‌ها داشته است ولی این تأثیر از دوران جنگ جهانی دوم کاهش یافته است.

اسلام

در عصر سلطان محمّد دوم و سپس سلطان عبدالحمید دوم (سلاطین عثمانی) کوشش‌های زیادی در اشاعه این دین حنیف در شرق آسیا شده بود که حدود ده باب مسجد در شهرهای عمده ژاپن و حواشی جنوبی چین ساخته شده بود که اغلب آنها در حال حاضر رها شده‌اند. احتمالاً اولین ژاپنی که مسلمان شد، در اوایل قرن نوزدهم زندگی می‌کرده است.[۶۳]

مردم ژاپن از یک قرن پیش با اسلام آشنا شدند. در سال ۱۸۷۷ میلادی کتابی به نام زندگانی حضرت محمد (ص) که توسط یکی از نویسندگان انگلیسی به زبان ژاپنی ترجمه و منتشر شد و این اولین کتابی بود که ژاپنی‌ها در آن مطالبی درباره اسلام می‌خواندند. به‌هر حال اولین ژاپنی که مسلمان شد، در شهر بمبئی هند به کار و کسب مشغول بود و در آنجا به دین اسلام مشرف شد و نام «عبدالخلیل» را انتخاب کرد و با این وجود ورود اسلام به ژاپن پس از

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و استقرار حکومت سوسیالیستی در آن کشور انجام گرفت. طی این دوره تعدادی از مسلمانان ترک که در شوروی زندگی می‌کردند، به ژاپن پناهنده شدند و در شهرهای عمده‌ای چون توکیو، کوبه و ناگویا مستقر شدند و «انجمن اسلامی ژاپن کبیر» را تشکیل دادند و مورد حمایت نظامیان مخالف حکومت کمونیستی قرار گرفتند.(۶۴) این افراد توانستند دوستی و محبت مردم ژاپن را نسب به خود جلب کرده و دین اسلام را بیش از پیش به آنان بشناسانند و توانستند با اتکای به رفتار متناسب و رضایت‌بخش، دولت و مردم ژاپن را به ساختن مساجد و برگزاری مراسم اسلامی راضی کنند. در کنار مهاجران ترک می‌توان از مهاجران سایر کشورها از جمله پاکستان، هند، ایران، کشورهای عربی، مالزی و فیلیپین که به علل گوناگون به ژاپن مسافرت کرده‌اند، نام برد.

طی جنگ‌های ژاپن با کشورهای مجاور آسیایی از قبیل چین، کره، سنگاپور، اندونزی، مالزی، فیلیپین و به دنبال این درگیری‌ها که نظامیان و غیرنظامیان ژاپنی با مسلمانان آن کشورها در تماس بودند و اعمال و رفتارشان را زیرنظر داشتند، آنان شیفته تعالیم اسلام و رفتار مسلمانان کشورهای مزبور شده و به اسلام می‌گرویدند.(۶۵)

پس از جنگ جهانی دوم و اشغال ژاپن توسط نیروهای متفقین، فرمانده نیروهای متفقین، «انجمن اسلامی ژاپن کبیر» را به علت همکاری با نظامیان جنگ‌طلب ژاپنی تعطیل کرد.

با خاتمه اشغال ژاپن، مسلمانان «انجمن اسلامی ژاپن» را با هدف گسترش همکاری بین مسلمانان ژاپن تشکیل دادند. البته تعداد اعضای انجمن در ابتدا حدود ۵۰ نفر بود که اکثر آنان را ژاپنی‌های مسلمان که پس از جنگ سرد به کشورشان بازگشته بودند، تشکیل می‌دادند. چند سال بعد انجمن اسلامی ژاپن، با کمک‌های مالی که از «رابطه العالم الاسلامی» دریافت کرده بود، «مرکز اسلامی ژاپن» را تأسیس کرد.

در سال ۱۹۷۳، آقای القائم ساوادا، تشکیلات «مجمع رفاه اسلامی»[1] را تأسیس کرد و در مدت ۷ سال این مجمع فعالیت‌هایی نظیر آموزش زبان عربی، بحث‌های مذهبی و ارائه

---

1. Islamic Welfare Corps

خدماتی همچون فروش گوشت حلال و رستوران اسلامی را به هواداران خود ارائه می‌داد. این مجمع از چند سال قبل به علت مشکلات مالی کاملاً تعطیل شده است. مسلمانان ژاپن در شهرهای توکیو، یوکوهاما، ناگویا، کیوتو، اوزاکا، کوبه، هیروشیما، کانازاوا و سندایی در جزیره مرکزی (هونشو)، ساپورو در جزیره شمالی (هوکایدو)، توکوشیما و ناروتو در جزیره جنوبی شیکوکو زندگی می‌کنند. تعداد مسلمانان در شهرهای توکیو، کوبه و اوزاکا از شهرهای دیگر بیشتر است.[٦٦]

انجمن‌ها و مؤسسات اسلامی دیگر در ژاپن عبارتند از: انجمن فرهنگی اسلامی ژاپن، کنگره اسلامی ژاپن، انجمن جوانان مسلمان، انجمن اسلامی پاکستانی‌های مقیم ژاپن و غیره.

آمار مربوط به مسلمانان ژاپنی به درستی معلوم نیست و ارقامی از ٥ الی ٥٠ هزار نفر گزارش شده است. به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و فرهنگی، زمینه نفوذ اسلام در ژاپن فوق‌العاده محدود بوده است.

آقای «آکیوموریتا»، رئیس سابق شرکت سونی در کتاب خود تحت عنوان «ساخت ژاپن»[1] در مورد نحوه برخورد ژاپنی‌ها با مذهب چنین می‌گوید: «ما به شوخی می‌گوییم که بیشتر ژاپنی‌ها، شینتو به دنیا می‌آیند، به طریق کنفسیوسی زندگی می‌کنند، به آیین مسیح ازدواج می‌کنند و به رسم بودایی دفن می‌شوند».

٥ـ٣ـ انگاره‌های قومی

انگاره‌های قومی هر ملتی مجموعه‌ای از؛ فرهنگ، نماد، تاریخ و مجموعه اندیشه‌ها و باورهای آن است. ژاپن به‌عنوان یک جامعه پیشرفته، سابقه فرهنگی دوهزار و اندی ساله دارد. طی دورهٔ «ادو» یعنی از سال ١٦٠٠ـ١٨٦٨ میلادی که ژاپن دروازه‌های خود را به روی خارجیان بست و از ورود فرهنگ و رسوم بیگانه به داخل کشور جلوگیری کرد، رهبران ژاپن امر آموزش

1. Made in Japan

همگانی و تعمیم آن را، سرلوحه اقدامات اصلاحی خود قرار دادند. در همین دوره یک فیلسوف ژاپنی به نام «ناکائه توجو» اعلام داشت: «هیچ دولت و ملتی نمی‌تواند بدون اینکه افراد آن کشور سواد و فرهنگ خود را ارتقا دهند، پیشرفت و توسعه داشته باشد».

فرهنگ ژاپن متأثر از فرهنگ باستانی چین و آیین‌های بودایی، شینتوئیسم و کنفسیوئیسم است. البته از دوران «میجی»، همزمان با گشایش دروازه‌های ژاپن بر روی خارجی‌ها، نفوذ فرهنگ غربی در کشور رایج شده است.[۶۷]

اگرچه بعضی از آداب و رسوم و سنن با گذشت زمان رنگ باخته و یا به بوته فراموشی سپرده شده است، ولی مردم این سرزمین تا حد زیادی پایبند آداب و رسوم خود هستند و علی‌رغم سرازیری فرهنگ غرب، سعی در حفظ آنها داشته و دارند و طی سال‌های متمادی، جشن‌ها و آیین‌های متنوعی در سراسر کشور برگزار می‌شود.[۶۸]

از آنجایی‌که تعلیمات بودا و کنفسیوس، اثرات عمیقی بر جامعه ژاپنی برجای گذاشته است، به تعدادی از رهنمودهای آنان پیرامون امور مملکتی، در ذیل اشاره می‌شود؛

رهنمودهای بودا

هفت رهنمود است که کشور را به سعادت می‌رساند؛ نخست اینکه مردم هرچه بیشتر گردهم‌آیند تا در امور سیاسی بحث کنند و نیازهای دفاع ملی را فراهم آورند.

دوم اینکه، مردم از همه رده‌های جامعه، چون پیکری واحد گردآیند و همه در بحث پیرامون امور مملکتی شرکت کنند.

سوم اینکه، مردم رسوم قدیم را محترم شمارند و آنها را بی‌دلیل تغییر ندهند و نیز به آداب تشریفاتی رفتار کنند و حق و عدل را پاس دارند.

چهارم اینکه، مردم میان زن و مرد و بزرگ‌تر و کوچک‌تر، تفاوت و امتیاز بشناسند و نزهت خانواده و اجتماع را نگه دارند.

پنجم اینکه، مردم پدر و مادر خود را فرمانبردار و معلمان و بزرگتران را مرید و وفادار باشند.

ششم اینکه، مردم به گور نیاکان ادای احترام کنند و یادبود سالانه برای آنان برگزار کنند.

هفتم اینکه، مردم به اخلاق عمومی پایبند باشند، فضیلت کردار را ارج نهند، به تعالیم استادان ارجمند گوش فرا دهند و هدایا پیشکش آنان کنند.

رهنمودهای کنفسیوس

کنفسیوس حکومت صالح را دارای سه هدف اساسی می‌داند: تدارکات شایسته، ارتش، جلب اعتماد مردم.

اصولی که باعث جلب اعتماد مردم می‌شود عبارتند از: تأمین رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و تعلیم و تربیت ایشان.

٦ـ۳ـ خصایص ویژه اجتماعی

در کشور ژاپن اشتراک زبان و نژاد در میان مردم توأم با اشتراک در آداب و رسوم و مذهب و شرایط خاص جغرافیایی، همسویی افکار و اعتقادات را فراهم کرده که منجر به رشد روحیه اجتماعی و سخت‌کوشی و عادت به کار دسته‌جمعی، وحدت ملی و هماهنگی در بین همه اقشار مردم شده است.

اعتقادات

اعتقادات اولیه ژاپنی‌ها، مجموعه آیین‌ها، آداب و رسوم و دستورالعمل‌های ترسیم شده توسط ارباب انواع، اساطیر و اجداد اولیه آنها است. جوهر و اساس این اعتقادات است که وسعت فوق‌العاده‌ای داشته و به کلیه امور زندگی اعم از فردی یا جمعی ناظر بوده، بر مبنای نظام و سلسله مراتب طبقاتی استوار و رعایت سختگیرانه سنت‌ها و ارزش‌هایی که رب‌النوع‌ها و اعقاب خدایان، یعنی اجداد طبقات حاکمه آفریده بودند، پایه‌ریزی شده بود. به دلیل بسته بودن جامعه ژاپن و عدم ارتباطش با دنیای خارج که تا زمان میلاد حضرت مسیح (ع) ادامه

داشته، افکار و عقاید مردم این سرزمین بدون تعاطی با معتقدات مردم جوامع دیگر و تأثیرپذیری از آنها باقی مانده و دستخوش تغییرات اساسی نبوده است.

تاریخ

تاریخ مدون ژاپن هم مثل همهٔ کشورها و جوامع، آمیخته به افسانه‌های به‌هم پیچیده، اساطیر و باورهای گوناگون است. با این تفاوت که براساس افسانه‌ها و باورهای قدیمی، این سرزمین مستقیماً به دست خدایان و برای اقامت آنان ساخته شده است و امپراتوران و سایر بزرگان قوم آن هم از نسل همین خدایان برآمده‌اند.

باورها و افسانه‌های آفرینش ژاپن و شجره‌نامه امپراتوران و خاندان‌های حکومتگر این کشور، در قرن هفتم میلادی به دستور امپراتور تمو[1] گردآوری و در دو مجموعه به نام‌های کوجیکی[2] و نیهون شوکی[3] تدوین یافته است.

مطابق اساطیر باستانی ژاپن، مردم این کشور فرزندان دو آفریده نخستین آسمانی به نام‌های «ایزانامی» و «ایزاناگی» هستند که برای اولین‌بار در جزایر ژاپن ساکن شدند.

تاریخ ژاپن از ابتدا، تاریخ جنگ‌های داخلی و به اعتبار وجود خاندان‌های متعدد و متنفذ که سروری همدیگر را بر نمی‌تافتند، بوده است که هر کدام در ظاهر به نام امپراتور، ولی به کام خود در قلمروهای مختلف به حکمرانی مشغول بوده و در دست‌اندازی به قلمروهای دیگر و کشت و کشتار یکدیگر لحظه‌ای غافل نبوده‌اند. تمام تاریخ ژاپن را جنگ‌های داخلی که گاهی به مدت سیصد سال و گاهی کمتر یا بیشتر ادامه پیدا می‌کرد، تشکیل می‌دهد. تاریخ ژاپن شاید از لحاظ تعداد و طول‌مدت جنگ‌های داخلی در دنیا بی‌سابقه باشد. تاریخ ژاپن تا قرن‌های چهار و پنج بعد از میلاد، در هاله‌ای از افسانه‌ها و اسطوره‌های بی‌شمار قرار دارد ولی از این قرن به بعد نشانه‌های مستندی درباره تاریخ ژاپن به‌خصوص در ادبیات چین دیده می‌شود.

---

1. Temmu
2. Kojiki
3. Nihon Shoki

به‌طور کلی تاریخ این کشور را می‌توان به هشت دوره تقسیم کرد:(۶۹)

۱ـ دوره ابتدایی تا قرن هشتم بعد از میلاد

۲ـ دوره هیان[1] (۱۱۹۲ـ۷۹٤)

۳ـ دوره کاماکورا[2] (۱۳۳۳ـ۱۱۹۲)

٤ـ دوره موروماچی (۱۵۷۳ـ۱۳۳۳)

۵ـ دوره آزوچی ـ مومویا (۱۶۰۳ـ۱۵۷۳)

۶ـ دوره ادو (۱۸۶ـ۱۶۰۳)

۷ـ دوره میجی (۱۹۱۲ـ۱۸۶۷)

۸ـ دوره تای‌شو یا دوره جدید از سال ۱۹۱۲

نژاد

صاحبنظران در مورد اصلیت و ریشه نژادی ژاپنی‌ها اختلاف‌نظر دارند. ژاپنی‌ها اساساً قومی مغول‌وار[3] به‌شمار می‌روند که پیوند تنگاتنگ با همسایگان خود یعنی مردم کره و چین دارند. اگرچه بسیاری معتقدند که طوایف بومی و اصلی ژاپن آینوها[4] بودند که از قرن هفتم قبل از میلاد در جزایر ژاپن زندگی می‌کردند. باستان‌شناسان بر این عقیده‌اند که ساکنان اولیه کشور ژاپن مهاجرانی بودند که از نقاط مختلف آسیای خاوری و جزایر جنوب اقیانوس کبیر به این جزایر آمدند و آداب و اصول تمدن را به ساکنان این جزایر آموختند.

قوم آینو (Ainu)

حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل مردمی که در قسمت شمال ژاپن زندگی می‌کردند، از لحاظ قومی از سایر مردم ژاپن مجزا بودند. این مردمان آینو نام دارند، آینو در زبان ژاپنی یعنی انسان. آنها

1. Heian
2. Kama Keura
3. Mongoloid
4. Ainu

اعقاب مردمانی کهن به نام امیشی[1] در تاریخ ژاپن بودند. امروزه اصطلاح آینو در مورد مردمان هوکایدو، شمالی‌ترین جزیره ژاپن به عنوان مردمی واحد و همگرا به‌کار برده می‌شود.

فرهنگ آینو در قرن‌های ۱۳ و ۱٤ میلادی به اوج خود رسید. زندگی سنتی آینوها به‌طور سنتی با شکار و ماهیگیری می‌گذرد، آنها در جوامع روستایی یا کوتان[2] در کنار رودخانه‌ها و نزدیک شکارگاه‌ها به منظور دسترسی به منابع آبی و غذایی زندگی می‌کردند. باورهای مذهبی آنها براساس اعتقاد به‌وجود دنیایی دیگر از جوهره روح است که توسط همان نیروهایی اداره می‌شود که کنترل این جهان را در دست دارند. مردمان به پرستش خدایان حیوانات به ویژه خرس می‌پرداختند و این‌کار همراه با رقص و آوازهای روحانی بود. حتی زبان آینو نیز غیرمعمول بود. گرچه آنها هیچ نظام نوشتاری نداشتند ولی داستان‌ها و شعرها را به طور شفاهی نقل می‌کردند.

فرهنگ آینو در قرن ۱۵ از سوی واجین یا مردمانی که از جزایر جنوبی به هوکایدو مهاجرت کردند، مورد تهدید واقع شد. در دوره ادو (۱۸٦۸ـ۱٦۰۰) و دوران میجی مهاجرت به هوکایدو تشویق شد و جمعیت آن به یک میلیون نفر رسید و به این ترتیب آینوها در اقلیت قرار گرفتند و دولت ملی آنها را مجبور کرد، زبان ژاپنی یاد بگیرند و آنرا تکلم کنند و این امر موجب برخوردهایی بین آینوها و واجین‌ها شد.

به هر حال طی سه دهه گذشته، آینوها و حکومت محلی هوکایدو در کنار یکدیگر برای دستیابی به قانونی مؤثر به مبارزه پرداختند. تا اینکه در ۸ مه ۱۹۹۷ دولت قانون تشویق و حمایت از فرهنگ آینو را به تصویب رساند. این قانون کمک بسیاری به حمایت از فرهنگ، سنن و آداب و رسوم آینوها کرده است.

قومی کهن که امروزه آنها را نژاد یاماتو[3] می‌نامند، اجداد ژاپنی‌ها بوده‌اند. نژاد یاماتو طی قرن‌های سوم و چهارم بعد از میلاد توانست به‌تدریج برتری خود را بر دیگر قبایل و خانواده‌های

1. Emishi
2. Kotan
3. Yamato

جنگجو تحکیم کند و اصولاً به‌عنوان اجداد خانواده سلطنتی ژاپن مطرح شود. هنرها و فنون صنعتی مانند بافندگی، فلزکاری، رنگرزی و کشتی‌سازی از طریق کشور کره به ژاپن راه یافت. در واقع کشورهای چین و کره منابع اصلی اقتباس اطلاعات اولیه برای صنایع دستی، هنر و علوم اولیه گوناگون ژاپن که اساس پایه‌های فرهنگ و تمدن این کشور را تشکیل دادند، بودند.

۷ـ۳ـ نهادهای سنتی ژاپن

گیشاگری

لفظ گیشا[1] به معنای شخصی هنرمند و آراسته به انواع هنرهاست. واژهٔ گیشا را می‌توان به معنای «زن آراسته به هنرها» توصیف کرد. وظیفهٔ گیشا شامل؛ نواختن موسیقی، آوازخوانی، نمایش، شعرخوانی، بدیعه و لطیفه‌گویی، سخنوری و داستان‌سرایی از جمله حماسی و تاریخی و عشقی و پذیرایی با غذا می‌شود. در سنت قدیم ژاپن که آثارش هنوز هم در این کشور به چشم می‌خورد، زن همیشه در خدمت آسایش و نشاط مرد بوده است. تعلیمات اولیه دوران کودکی و نوجوانی زنان بر یادگیری‌های مربوط به انجام چنین وظایفی استوار بوده است.

سامورایی‌گری

سامورایی‌گری یک نهاد معروف ژاپنی بوده و از مظاهر این کشور شناخته شده است. لفظ سامورایی به‌طور خلاصه به معنی محافظ مسلح یا خدمتکار مسلح است که از ابتدای پیدایش نظام قبیله‌ای یا نظام حکومتی در ژاپن در خدمت رؤسا، فرمانروایان و امپراتوران بوده‌اند. در زبان ژاپنی گاهی به جای کلمهٔ سامورایی کلمهٔ بوشی[2] به کار می‌برند. نهاد سامورایی هم مثل بسیاری از نهادها و بنیان‌های فکری و عقیدتی ژاپنی‌ها با تأثیرپذیری از تعالیم کنفسیوس تکامل یافته و هویت و مشخصات ویژه خود را پیدا کرده است.

---

1. Geisha

2. Bushi

اصلاحات ارضی تا اندازه‌ای به خاطر حمایت‌های نیروهای آمریکایی بود و به هر کشاورز بیش از یک هکتار زمین تعلق گرفت.

زارعان که به‌صورت مالکان جدید زمین‌های کشاورزی در آمده بودند، سعی وافری در احیای زمین‌های صدمه دیده از جنگ به خرج دادند و بسیاری از سربازانی که از میدان‌های جنگ برگشته بودند به روستاها رفتند و لذا نیروی شاغل در کشاورزی به اندازه کافی وجود داشت و این عامل خود باعث افزایش تولیدات کشاورزی شد. در اواسط دهه ۵۰ سیاست کشاورزی براساس اهداف بلندمدت پی‌ریزی شد و پروژه‌های بزرگ ملی به مورد اجرا گذاشته شد. پروژه بهبود کیفیت خاک یکی از این پروژه‌ها بود و هدف از آن، بهبود کیفیت خاک جهت بالا بردن بهره‌وری از طریق آبیاری به موقع و سیستم‌های زهکشی و با کاربرد خاک تازه و تقویت خاک بود. همچنین پروژه دیگری در جهت تقسیم‌بندی مجدد زمین (Plot Readjustment) به نحوی که از ماشین‌های کشاورزی حداکثر بهره‌برداری به‌عمل آید، به مورد اجرا گذاشته شد. بسیاری از این پروژه‌ها در حال حاضر نیز ادامه دارد. کشاورزان ژاپنی از تراکتور، ماشین‌های شخم زن و علف‌چین، ماشین‌های برنج‌کاری و کمباین برای بالا بردن سطح بازده استفاده می‌کنند. با به کارگیری شیوه‌های کشت انبوه، کودها، ماشین‌آلات پیچیده و تکنیک‌های بسیار ظریف کشاورزان می‌توانند تا بیش از نیمی از میوه و سبزیجات مصرفی ژاپن را تولید کرده و بخشی از مراتع را به پرورش دام اختصاص دهند. منابع کشاورزی و دامداری ژاپن تا حدود زیادی در ایجاد رژیم غذایی مردم ژاپن مؤثر است. کشاورزان ژاپنی انواع بسیار متنوعی از محصولات کشاورزی و دام را پرورش می‌دهند که از آن جمله می‌توان از غلاتی نظیر برنج و گندم، سبزیجاتی نظیر سیب‌زمینی، ترب سفید و کلم، انواع میوه نظیر نارنگی، هندوانه و گلابی و محصولات دامی از قبیل؛ گوشت گاو و مرغ، خوک، شیر و تخم‌مرغ نام برد.[۸۳]

با این‌حال جهانی شدن، همراه با روندهای اخیر اقتصادی و اجتماعی، کشاورزی ژاپن را با برخی موضوعات اساسی از قبیل؛ روند رو به کاهش جمعیت، سالمندی جمعیت و روند رو به

کاهش تعداد مزارع زیرکشت مواجه کرده است. در جولای ۱۹۹۹، دولت ژاپن مبنای غذا، کشاورزی و مناطق روستایی را تصویب کرد. قانونی که به موجب آن توانایی کشاورزی داخلی برای به‌عهده گرفتن نقشی رضایت‌بخش طی سالیان آتی و ادامهٔ تأمین مواد غذایی مطمئن و گوناگون برای مردم ژاپن را تضمین می‌کند. در سپتامبر ۲۰۰۱، وضعیت بحرانی کشاورزی را تأیید کرده و به‌دنبال آن تقاضا برای ایمنی تولیدات غذایی به طرز چشمگیری افزایش یافته است.

تعدادی از مزارع از سال ۱۹٦۰ با روند رو به کاهش بدون وقفه روبه‌رو بوده است. در سال ۲۰۰۱، تعداد ۳/۰۷ میلیون مزرعه در ژاپن وجود داشت که تقریباً نصف تعداد موجود در سال ۱۹٦۰ یعنی ٦/۰٦ میلیون است. از این تعداد ۲۹/۲ میلیون به فعالیت‌های بازرگانی اشتغال داشته‌اند (بیش از ۳۰ هکتار زمین زیر کشت و درآمد سالانه حداقل ۵۰۰,۰۰۰ ین حاصل از فروش محصولات کشاورزی) از این تعداد مزارع، ۱۸/۹ درصد صرفاً برای گذران زندگی بوده و ۱۳/۹ درصد درآمدی از سایر منابع برای گذران زندگی داشته‌اند و ٦۷/۲ درصد هیچ درآمدی غیر از مزرعه‌داری که بیش از درآمد مزرعه‌داری آنها بوده، نداشته‌اند.

در سال ۲۰۰۱، نیروی کار بخش کشاورزی (زارعان بازرگان) ۳/۸۲ میلیون نفر بوده‌اند که ۱/۸ درصد نسبت سال قبل کاهش داشته است. در سال ۱۹٦۱، ٦/۰۹ میلیون هکتار مزرعه زیر کشت در ژاپن وجود داشته و تا سال ۲۰۰۱، ۲۰ درصد از این میزان کاسته شده و به ٤/۷۹ میلیون هکتار رسیده است. دلیل اصلی این کاهش، از یکسو تعداد کشاورزانی است که این کار را کنار گذاشته‌اند (٥٤ درصد) و از سوی دیگر تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی به‌منظور ساخت کارخانه و مسکن است (۳٦ درصد).

تولیدات کشاورزی و درآمد حاصل از آن

بر حسب حجم، شاخص تولید کل کشاورزی ۹٤/۳ (سال ۱۹۹۵ به‌عنوان سال پایه = ۱۰۰) بوده است. در سال ۲۰۰۰ که ۰/۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان می‌دهد، تولید دام

(شیر گاو، گوشت گاو، گوشت خوک، مرغ و تخم‌مرغ) ۰/۲ درصد کاهش یافته و از طرف دیگر تولیدات غله‌ای مانند؛ برنج، گندم و بنشن و نیز سبزیجات، میوه‌جات و گل‌ها ۰/۵ درصد افزایش داشته و این امر به دلیل افزایش برداشت برنج، گندم، بنشن و سایر محصولات بوده است.

درآمد مزارع (با هدف بازرگانی) ۸/۲۸ میلیون ین بوده که نسبت به سال قبل ۲/۱ درصد کاهش یافته است. از مجموع این درآمدها، ۱/۰۸ میلیون ین برای درآمد مزرعه و ٤/۹۸ میلیون از سایر موارد بوده است.

خودکفایی غذایی

خودکفایی ژاپن در تولید مواد غذایی دارای روند نزولی طولانی مدتی بوده است. خودکفایی بر حسب تأمین کالری از ۷۳ درصد در سال ۱۹٦۵ به ٤۰ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته، در حالی‌که در همین زمان خودکفایی در غلات از ٦۲ به ۲۸ درصد شدیداً کاهش یافته است. امروزه ژاپن دارای پایین‌ترین سطح خودکفایی مواد غذایی نسبت به هر ملت پیشرفته صنعتی دیگری است. یکی از عوامل عمده این روند نزولی بلندمدت در خودکفایی مواد غذایی، کاهش مصرف برنج به دلیل تغییر رژیم و ذائقه غذایی مردم ژاپن است. یک دلیل عمدهٔ دیگر افزایش تدریجی در واردات دانه‌های غذایی و روغنی است که با هدف پاسخ دادن به تقاضای بالای مصرف تولیدات دامی، روغن‌ها و چربی‌ها انجام می‌شود.[۸٤]

البته ذکر این نکته ضروری است که تلاش دولت ژاپن در زمینه خودکفایی غذایی نمی‌تواند با موفقیت چندانی مواجه شود، زیرا شرایط اقلیمی، نوع خاک و سنت‌های حاکم موانع عمده‌ای به‌شمار می‌روند. در مقایسه با ایالات‌متحده آمریکا که یک نفر کارگر برای بهره‌برداری از هر ۱۰۰ هکتار زمین کفایت می‌کند، این رقم در ژاپن ۱٤۲ نفر است. به‌علاوه کشاورزان ژاپنی اکثراً به کارهای دیگری به‌عنوان حرفه اصلی خود اشتغال دارند و در ایام فراغت خود به کشت و زرع می‌پردازند. نگاهی به جدول‌های آماری مؤید این مطلب است.

با توجه به این مشکلات و سایر مسائل که ناشی از بازی‌های سیاسی احزاب و گروه‌های مختلف به‌ویژه سیستم انتخابات پارلمانی است، امید چندانی برای رسیدن به خودکفایی کشاورزی وجود ندارد و دولت ژاپن ناچار از تقبل هزینه‌های بسیار زیاد بسته‌بندی و توزیع مواد غذایی خواهد بود.[۸۵]

صنایع ماهیگیری

از دیرباز، ماهیگیری به‌عنوان تنها صنعتی که ژاپن محصور توسط آب، به‌وسیله آن توانسته منابع غذایی دریایی را بر سر میز شام ژاپنی‌ها بیاورد، شناخته شده است. آبزیان بخش عمده‌ای از رژیم غذایی مردم ژاپن را تشکیل می‌دهند و این امر، خود صنعت شیلات را به یکی از صنایع اصلی ژاپن تبدیل کرده است. شیلات به‌عنوان تأمین‌کننده پروتئین حیوانی، دارای نقشی حیاتی در فراهم آوردن رژیم غذایی سالم و کافی برای مردم ژاپن است. بر حسب تغذیه جمعیت با رشد روزافزون در سراسر جهان، صنایع ماهیگیری دارای اهمیتی فزاینده شده است. در این راستا، ضروری است که ژاپن در جهت توسعهٔ پایدار این صنعت، تلاش کند. همچنین برای این صنعت لازم است که در ساختار تجاری خود، واردات محصولاتی را که تولید داخلی قادر به تأمین نیاز کشور نیست، در برنامه خود بگنجاند.

در ژوئن ۱۹۹۶، ژاپن کنوانسیون سازمان ملل را درباره حقوق دریاها تصویب کرد و راه را برای صنایع ماهیگیری آن کشور به منظور انجام عملیات ماهیگیری در آب‌های با فاصله ۲۰۰ مایل دریایی از ساحل، هموار ساخت. هر چند که این صنایع با شرایط به شدت متحول در ژاپن و خارج از جمله کاهش میزان صید به دلیل از بین رفتن ذخایر دریایی و نیروی کاری که هم در تعداد و هم از لحاظ سنی در حال زوال است، روبه‌رو است.

۱. روند بازده صنایع ماهیگیری

بازده کلی صنایع ماهیگیری ژاپن از سال ۱۹۸۹ کاهش یافته است. در سال ۱۹۹۸ بازده به زیر ۷ میلیون تن که در ۳۳ سال اخیر یعنی از سال ۱۹۶۵ بی‌سابقه بوده، رسید. بر حسب حجم،

بازده در سال ۲۰۰۰، ۶/۳۸ میلیون تن بوده که سالانه ۳/۷ درصد کاهش داشته است. برحسب ارزش، بازده ۱/۹۸۷ میلیارد ین در سال ۹۹ بود که نسبت به سال قبل ۲ درصد کاهش داشته است.

۲. روند اشتغال در بخش ماهیگیری

از زمانی‌که در سال ۱۹۵۳ تعداد شاغلان این بخش به اوج خود یعنی ۸۰۰,۰۰۰ نفر رسیده، این رقم رو به کاهش گذارده است. در سال ۱۹۹۹، ۲۷۰,۰۰۰ نفر در این صنعت مشغول به کار شدند. بخش عملیات ماهیگیری ساحلی ۲۲۹,۰۰۰ نفر استخدام کرد. در حالی‌که بخش‌های ماهیگیری فراساحلی و دریایی حدود ۴۰,۰۰۰ نفر استخدام کردند. مجموع کارگران خوداشتغال و استخدام شده به ترتیب ۱۹۹,۰۰۰ و ۷۱,۰۰۰ نفر بوده است. بالا رفتن سن نیز یکی دیگر از شاخصه‌های نیروی کار شاغل در صنعت ماهیگیری است. در سال ۱۹۹۹، ۴۴ درصد کل کارگران مذکر، حداقل ۶۰ سال سن داشتند و این شاخص (متوسط سنی) نسبت به سال قبل ۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. نسبت کارگران سالمند هر ساله افزایش می‌یابد.

۳. درآمد خانوارهای شاغل در این صنعت

در سال ۱۹۹۹، متوسط درآمد خانوارهای ماهیگیر (شامل کسانی‌که به ماهیگیری ساحلی با کشتی اشتغال داشته‌اند، صیادان آبزیان سطح دریا و صیادانی که به‌وسیله تورهای ماهیگیری کوچک فعالیت می‌کردند) ۶/۵ میلیون ین بوده که نسبت به سال قبل ۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۶ تقریباً ۳۷۸,۴۳۱ قایق ماهیگیری ثبت شده در ژاپن وجود داشته است. علاوه بر صید سالانه حدود ۶/۲۷۳ میلیون تن، هر ساله از مکان‌های پرورش ماهی که در آنها حدود صدگونه مختلف از آبزیان پرورش داده می‌شود، ۱/۳۹ میلیون تن از انواع ماهی و سخت‌پوستان برداشت می‌شود.[1]

افزایش متوسط درآمد خانوارهای ماهیگیر به‌طور کلی به میزان نمایان‌تری در خانوارهای

---

۱. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۲۷

شاغل به عملیات ماهیگیری ساحلی با کشتی و صید آبزیان سطح، نمود یافته است. درآمد حاصل از ماهیگیری به تنهایی به‌طور متوسط ۲/۹۵ میلیون ین بابت هر خانوار بوده که ۳ درصد بیشتر از سال قبل بوده و ٤٥ درصد کل درآمد ماهیگیری خانوارها را به خود اختصاص داده است، یعنی ۱ درجه بیش از سهم آن نسبت به سال قبل.

خانوارهایی که به ماهیگیری با کشتی اشتغال داشته‌اند، دارای درآمد متوسط سالانه ٥/٧٤ میلیون ین بوده‌اند و ۳۸ درصد از کل آنها به درآمد حاصله وابستگی کامل داشته‌اند که نسبت به سال قبل تفاوتی نداشته است. خانوارهایی که به صید آبزیان سطح اشتغال داشته‌اند، دارای درآمد سالانه ۱۰/۰۳ میلیون ین بوده‌اند که ٦٤ درصد آن حاصل از فعالیت‌های ماهیگیری بوده و ۳ درجه نسبت به میزان سال قبل افزایش داشته است.

٤. تجارت، عرضه و تقاضای تولیدات دریایی

تقاضای بازار ژاپن برای مصرف داخلی و صادرات تولیدات دریایی بین ۸ تا ۹ میلیون تن بوده که در سالیان اخیر ثابت مانده است. در سال ۱۹۹۹، تقاضا ۰/۹ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و به ۸/٤٥ میلیون تن رسید.

با روند کنونی در مورد تقاضا، تولید داخلی محصولات دریایی کاهش یافته است. گرچه واردات در سالیان اخیر افزایش داشته و نشان‌دهنده کاهش مداوم خودکفایی در امر استحصال مواد غذایی دریایی است. در سال ۱۹۹۹، ژاپن در این بخش ٥/٥ درصد خودکفایی داشته که پایین‌ترین سطح است.[٨٦]

گرچه تمایل فزاینده مردم به داشتن رژیمی سالم باعث افزایش تقاضای تولیدات دریایی شد، اما خودکفایی در این بخش نیز روند نزولی داشته و به ٦١ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده و آن هم به دلیل رشد نرخ مصرف داخلی بوده که نسبت به واردات کمتر بوده است. علی‌رغم رونق صنعت غذاهای دریایی، ژاپن ٤۲ درصد ماهی مصرفی خود را از سایر کشورها وارد می‌کند. به این ترتیب هر ژاپنی می‌تواند در سال به‌طور متوسط ۳۷/۹ کیلوگرم ماهی مصرف کند.

واردات محصولات دریایی توسط ژاپن، هم در حجم و هم در مقدار، در سطح ۳/٤ میلیون تن و ۱/۷٤۰ میلیارد ین در سال ۹۹ بوده که عمدتاً در نتیجه کاهش تقاضای داخلی همراه با رکود اقتصادی بوده است.

چین بزرگ‌ترین منبع واردات محصولات دریایی به‌شمار آمده و میزان ۲٤۸/۲ میلیارد ین معادل ۱٤ درصد کل واردات ژاپن را در این زمینه به خود اختصاص داده و آمریکا، روسیه، کره جنوبی و تایلند در رده‌های بعدی قرار داشته و در مجموع ٤٦ درصد کل ارزش واردات را به خود اختصاص داده‌اند.(۸۷)

درآمد سرانه

سال	تغییر نسبت به سال قبل (درصد)	سرانه (۱/۰۰۰ ین)	تغییر نسبت به سال قبل (درصد)	کل (میلیارد ین)
۱۹۵۵	-	۷۸	-	٦/۹۷۳
۱۹٦۰	۱٤/۱*	۱٤۵	۱۳/۲*	۱۳/٤۹۷
۱۹٦۵	۱٤/۷*	۲۷۳	۱۳/۵*	۲٦/۸۲۷
۱۹۷۰	۱۷/۹*	۵۸٦	۱٦/۵*	٦۱/۰۳۰
۱۹۷۵	۱۵/۲*	۱/۱۰۹	۱۳/٦*	۱۲۳/۹۹۱
۱۹۸۰	۱۰*	۱/۷۰٦	۹*	۱۹۹/۵۹۰
۱۹۸۵	٦/۸	۲/۱۵۲	٦/۲	۲٦۰/۲۷۸
۱۹۹۰	-	۲/۸٤۱	-	۳۵۰/۹۸۷
۱۹۹۱	۵/۹	۲/۹۹۸	۵/۵	۳۷۱/۸٦۱
۱۹۹۲	-۰/۱	۲/۹۸۳	-۰/۵	۳۷۱/۳۲۹
۱۹۹۳	۰	۲/۹۷۳	-۰/۳	۳۷۱/۱٦۱
۱۹۹٤	۰/۹	۲/۹۹۱	۰/٦	۳۷٤/۵٤٦

سال	تغییر نسبت به سال قبل (درصد)	سرانه (۱/۰۰۰ ین)	تغییر نسبت به سال قبل (درصد)	کل (میلیارد ین)
۱۹۹۵	۱/۱	۳/۰۱۱۸	۰/۹	۳۷۸/۸۰۶
۱۹۹۶	۲/۶	۳/۰۹	۲/٤	۳۸۸/٦۳٦
۱۹۹۷	۰/۸	۳/۱۰۸	۰/٦	۳۹۱/۸۵۸
۱۹۹۸	−۲/۸	۳/۰۱۱	−۳/۱	۳۸۰/۷۱٤
۱۹۹۹	۰/۳	۳/۰۱٤	۰/۱	۳۸۱/۷۰۷
۲۰۰۰	−۰/۳	۲/۹۹۹	−۰/۵	۳۸۰/۵۰۷

منبع: دفتر کابینه، ۲۰۰۱

* تغییر در میانگین ۵ سال گذشته

۹ـ۳ـ بررسی آماری مهاجران و اتباع بیگانه

تاریخ مهاجرت ژاپنی‌ها از سال ۱۸٦۸ که اولین کشتی ژاپنی به مقصد جزایر هاوایی اعزام شد، شروع شد. در دهه ۲۰ آمریکا و جزایر هاوایی مقصدهای عمده و معروف مهاجران ژاپنی بود و آمریکای لاتین در رده دوم قرار داشت. آمار مهاجران ژاپنی در صد سال گذشته ۱,۰۲۹,۰۰۰ نفر است.[۸۸] علی‌رغم پیروزی‌هایی که ژاپن در کنفرانس ورسای در تثبیت متصرفات زمان جنگ جهانی دوم به‌دست آورد، در حل مسئله تمدید مهاجرت ژاپنی‌ها به استرالیا و کالیفرنیا توفیق نیافت. زیرا در این سال‌ها فشار جمعیت در ژاپن بسیاری از مردم را به یافتن فرصت‌های مهاجرت به خارج واداشته بود و سرزمین بکر استرالیا و سواحل غربی آمریکا که سطح زندگی نسبتاً بالایی داشت، بیشتر مورد توجه ژاپنی‌ها قرار گرفت. در نتیجه افکار عمومی ژاپن برای گنجاندن ماده‌ای درباره تساوی نژادی در میثاق جامعه ملل اصرار داشت تا شاید

تبعیضی را که در مهاجرپذیری به نفع اروپایی‌های سفیدپوست می‌شد، کاهش دهد.[۸۹] طی سال‌های اولیه، بیشترین درصد مهاجران را کشاورزان تشکیل می‌دادند ولی در سال‌های اخیر اکثراً افراد متخصص و آموزش‌دیده (فنی و تکنیکی) به خارج از ژاپن مهاجرت می‌کنند.

مهاجران ژاپنی دارای فعالیت‌های گسترده‌ای در کشور میزبان هستند. فعالیت‌های اولیه آنها در زمینه کشاورزی بود که به‌طور مثال معرفی کشت کتان و فلفل شیرین و بهبود فعالیت‌های کشاورزی در نواحی رودخانه‌های آمازون از این نمونه هستند. با ازدیاد جمعیت آنها فعالیت‌های سیاسی، اجرایی، صنعتی، تجاری و فرهنگی ژاپنی‌های مهاجر در کشورهای میزبان افزایش یافت. در سال‌های اخیر با توجه به گسترش فعالیت‌های تجاری بین‌المللی شرکت‌های ژاپنی، تعداد ژاپنی‌های مقیم کشورهای خارج نیز به‌طور موقت افزایش یافته است. البته در مقابل با افزایش فعالیت‌های تجاری بین‌المللی ژاپن، تعداد خارجیانی که در ژاپن مقیم می‌شوند، افزایش یافته است.

با توجه به جمعیت زیاد و مشکلات داخلی در سال‌های اخیر، دولت ژاپن تلاش کرده مهاجرت به خارج از کشور را به‌خصوص در مورد افزایش افراد بازنشسته تشویق کند. به این ترتیب مشخص شد که می‌بایست برای پذیرش مهاجر، مقررات سخت‌تری وضع شده و حتی‌المقدور از این‌کار جلوگیری شود. برنامه‌ریزی دولت ژاپن در زمینه مهاجرت طی سال‌های گذشته، عموماً در جهت حفظ تعادل بین تعداد مهاجران ژاپنی و مهاجران خارجی که قصد اقامت در ژاپن را دارند، بوده است.[۹۰]

تعداد اتباع بیگانه مقیم ژاپن تا سال ۲۰۰۱ به تفکیک کشور مبدأ[۹۱]

کشور مبدأ	تعداد اتباع	درصد
کره جنوبی و کره شمالی	٦٣٢,٤٠٥	٣٥/٦
چین	٣٨١,٢٢٥	٢١/٤
برزیل	٢٦٥,٩٦٢	١٥
فیلیپین	١٥٦,٦٦٧	٨/٨
پرو	٥٠,٠٥٢	٢/٨
آمریکا	٤٦,٢٤٤	٢/٦
سایر	٢٤٥,٩٠٧	١٣/٨
تعداد کل	١,٧٧٨,٤٦٢	

خارجیان مقیم ژاپن

تعداد خارجیان مقیم ژاپن به‌طور مستمر افزایش یافته و در پایان سال ۲۰۰۱ به رقم ١,٧٧٨,٤٦٢ نفر رسید. این رقم تنها شامل خارجیانی می‌شود که طبق قانون اتباع خارجی ثبت‌نام شده‌اند. بزرگ‌ترین گروه ملی که ٣٥/٦ درصد کل خارجیان مقیم ژاپن را تشکیل می‌دهد، دربرگیرنده کره‌ای‌هاست و بعد از آن چینی‌ها و برزیلی‌ها بیشترین نفرات را تشکیل می‌دهند. حدود ۵۰ درصد از اتباع خارجی ثبت شده در ژاپن دارای اقامت دائم هستند.

از ٤٥,٠٠٠ دانشجوی خارجی که با روادید دانشجویی در دانشگاه‌ها ثبت نام کرده‌اند، بیش از ۹۰ درصد آسیایی هستند. چین و کره جنوبی ۷۵ درصد کل این رقم را به خود اختصاص داده‌اند. هدف وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش و علوم و فناوری ژاپن افزایش تعداد دانشجویان خارجی تا ١٠٠,٠٠٠ نفر است

تعداد اتباع غیر ژاپنی مقیم با توجه به نوع کار (٢٠٠١ـ١٩٩٣)

	١٩٩٣	١٩٩٤	١٩٩٥	١٩٩٦	١٩٩٧	١٩٩٨	١٩٩٩	٢٠٠٠	٢٠٠١
اقامت دائم	٦٣١,٨١٢	٦٣١,٥٥٤	٦٢٦,٦٠٦	٦٢٦,٠٤٠	٦٢٥,٤٥٠	٦٢٦,٧٦٠	٦٣٥,٧١٥	٦٥٧,٦٠٥	٦٨٤,٨٥٣
دارای همسر ژاپنی، غیره	٢٢٢,٣٥٣	٢٣١,٥٦١	٢٤٤,٣٨١	٢٥٨,٨٤٧	٢٧٤,٤٧٥	٢٦٤,٨٤٤	٢٧٠,٧٧٥	٢٧٩,٦٢٥	٢٨٠,٤٣٦
مقیم	١٢٩,٥٠٦	١٣٦,٨٣٨	١٥١,١٤٣	١٧٢,٨٨٢	٢٠٢,٩٠٥	٢١١,٢٧٥	٢١٥,٣٤٧	٢٣٧,٦٠٧	٢٤٤,٤٦٠
تحصیل در ژاپن	٦٠,١١٠	٦١,٥١٥	٦٠,٦٨٥	٥٩,٢٢٨	٥٨,٢٧١	٥٩,٦٤٨	٦٤,٦٤٦	٧٦,٩٨٠	٩٣,٦١٤
مقیم با خانواده	٤٨,٣٩٢	٥٣,٢٥٢	٥٦,٦٩٢	٦٠,٧٨٣	٦٤,٢٧٥	٦٥,٦٧٥	٦٨,٦٧٩	٧٢,٨٧٨	٧٨,٨٤٧
هنرمند	٢٨,٥٢٨	٣٤,٨١٩	١٥,٩٦٧	٢٠,١٠٣	٢٢,١٨٥	٢٨,٨٧١	٣٢,٢٩٧	٥٣,٨٤٧	٥٥,٤٦١
ورود به مدرسه	٤٤,٤١٨	٣٧,٦٥٣	٣٤,٤٤١	٣٠,٠٧٩	٢٩,٠٩٥	٣٠,٦٩١	٣٤,٥٤١	٣٧,٧٨١	٤١,٧٦٦
تحت آموزش	٢٣,٤٥٥	٢٤,٧٧٤	٢٥,٠٧٠	٢٧,٣٧٧	٢٩,٩٤١	٣١,٢٨٥	٣١,٧٦٦	٣٤,٧٣٩	٤٠,٨٦١
فرهنگی، مشاغل بین‌المللی	١٧,٤٣١	١٧,٣٠٥	١٧,٧١٣	٢٠,٨٨٣	٢٥,٨٠٦	٢٧,١٠٨	٢٦,٦٣٠	٣٦,١٩٩	٣٨,١٦٩
فناوری	٩,٩٢٢	١٠,١١٩	٩,٨٨٢	١١,٠٥٢	١٢,٨٧٤	١٥,٢٤٢	١٥,٦٦٨	١٦,٥٣١	١٩,٤٣٩
مهارت‌های حرفه‌ای	٥,٩١٣	٦,٧٩٠	٧,٣٥٧	٨,٧٦٧	٩,٦٠٨	١٠,٠٤٨	١٠,٤٥٩	١١,٣٤٩	١١,٩٢٧
انتقالی	٥,٧١٨	٥,٨٤١	٥,٩٠١	٥,٩٤١	٦,٣٧٢	٦,٥٩٩	٧,٣٧٧	٨,٦٥٧	٩,٩١٣
تحصیلی	٦,١٩٥	٦,٧٥٢	٧,١٥٥	٧,٥١٤	٧,٧٦٩	٧,٩٤١	٨,٠٧٩	٨,٣٧٥	٩,٠٦٨
استاد	-	٣,٧٥٧	٤,١٤٩	٤,٥٧٣	٥,٠٨٦	٥,٣٧٤	٥,٨٧٩	٦,٧٤٤	٧,١٩٦
همسر مقیم دائم، غیره	٧,٣٦٠	٧,٠٠٢	٦,٧٧٨	٦,٤٦٠	٦,٣٢٥	٦,٢١٩	٦,٤١٠	٦,٦٨٥	٧,٠٤٧
سایر	٧٣,٩٠٢	٨٤,٤٧٩	٨٨,٤٥١	٩٤,٦٠٧	١٠٢,٢٧٠	١١٤,٥٣٦	١٢١,٨٤٥	١٤٠,٨٤٢	١٥٥,٤٠٥
مجموع	١,٣٢٠,٧٤٨	١,٣٥٤,٠١١	١,٣٦٢,٣٧١	١,٤١٥,١٣٦	٤٨٢,٧٠٧	١,٥١٢,١١٦	١,٥٥٦,١١٣	١,٦٨٦,٤٤٤	١,٧٧٨,٤٦٢

تعداد خارجیانی که از سال ١٩٨٨ تا ٢٠٠١ وارد ژاپن شده‌اند (براساس مبدأ)

	١٩٨٨	١٩٨٩	١٩٩٠	١٩٩١	١٩٩٢	١٩٩٣	١٩٩٤	١٩٩٥	١٩٩٦	١٩٩٧	١٩٩٨	١٩٩٩	٢٠٠٠	٢٠٠١
آسیا	١,٣٨٧,٠٥٠	١,٧٩١,٦٥٢	٢,١٦٤,٣٧٣	٢,٤٧٧,٠٠٦	٢,٥١٩,٠٤٦	٢,٣٨٩,٧١٤	٢,٤٥٤,٥٤١	٢,٣٤٤,٧٤٨	٢,٦٨٤,٧٥١	٢,٨٧٥,٢٠١	٢,٦١٧,٧٧٨	٢,٩٧٨,٩٦٠	٣,٢٢٢,٩٨٢	٣,٢٨٠,٥١٤
اروپا	٣٩٥,٨٤٣	٤٥١,٩٨٦	٥١٦,٤٥٠	٥٢١,٨٦٤	٥٣٥,٢٧٥	٥١٨,٦٢٥	٥٣٠,٤٤٧	٥١٣,٩١٥	٦٢٠,٤٨٠	٧٧٣,٥١٥	٨٧٣,٨٩١	٧٨٦,٧٦٣	٨١٤,٩١٢	٨١٧,٠٣٥
آفریقا	١٠,٠٣٨	١١,٦٥٣	١٢,٠٩٥	١٢,٨٦٧	١٢,٧٢١	١٣,٤٤٥	١٣,٢٢١	١٤,٣٣٢	١٤,٠٦٧	١٥,٤٩٥	١٧,١٨٣	١٨,٤٠٢	٢٠,٦٤٣	٢١,٢٨٩
آمریکای شمالی	٥٣٠,٧٦٧	٦١١,٧٧٩	٦٤٤,٥٢٥	٦٣١,٦٣٧	٦٦٠,١٢٩	٦٣٧,٨٨١	٦٣٧,٦٣٣	٦٤٨,٨٠٠	٧٠٧,٥١٢	٧٥٥,٤٥٣	٨١٣,٨٩١	٨٤٧,١١٥	٨٩٠,٧٧١	٨٦٢,٣٩٢
آمریکای جنوبی	٣١,٢٦٩	٤٨,٧٧٨	٩٢,٨٦٣	١٣٧,٩٣٣	١١٧,١١٦	١٠٢,٤٨٦	١٠٢,٦٦٥	١١٧,٤١٩	١٢٠,٢٥٧	١٣٤,٥٦٠	١٠٥,١٠٦	٩٧,٤٧٨	١٣٥,٧٧٠	١١٤,٠٠٧
اقیانوسیه	٥٦,٥٤٢	٦٧,٣٩٠	٧١,٥٤٧	٧٢,٤٢٠	٨٠,١٨٦	٨٣,١٥٢	٩٠,٩٢٩	٩١,٧٢٣	٩٤,٩٠٧	١١١,٠٣٦	١٢٤,١٠١	١٧٠,٠١٥	١٨٤,٩٧٤	١٨٩,٣٣٦
نامعلوم	٢,٩٣٨	٢,٥٤٤	٢,٦١٧	٢,٢٢٥	١,٨٧٤	١,٨٠٤	١,٩٤١	١,٥١٣	٢,٥٥٥	٤,٢٥٤	٤,٨٩٥	٢,٥٨٤	٢,٠٤٣	١,٧٣٧
جمع	٢,٤١٤,٤٤٧	٢,٩٨٥,٧٦٤	٣,٥٠٤,٤٧٠	٣,٨٥٥,٩٥٢	٣,٦٣٦,٣٤٧	٣,٧٤٧,١٥٧	٣,٨٣١,٣٦٧	٣,٧٣٢,٤٥٠	٤,٢٤٤,٥٢٩	٤,٦٦٩,٥١٤	٤,٥٥٦,٨٤٥	٤,٩٠١,٣١٧	٥,٢٧٢,٠٩٥	٥,٢٨٦,٣١٠

تعداد اتباع خارجی مقیم ژاپن تا سال ۲۰۰۱

کشور مبدأ	تعداد
کره شمالی و جنوبی	٦٣٢,٤٠٥
چین	٣٨١,٢٢٥
برزیل	٢٦٥,٩٦٢
فیلیپین	١٥٦,٦٦٧
پرو	٥٠,٠٥٢
آمریکا	٤٦,٢٤٤
سایر	٢٤٥,٩٠٧
مجموع	١,٧٧٨,٤٦٢

اتباع ژاپنی مقیم خارج (۲۰۰۱)

ردیف	کشور	تعداد
١	ایالات متحده	٣١٢,٩٣٦
٢	برزیل	٧٣,٤٩٢
٣	چین	٥٣,٣٥٧
٤	انگلیس	٥١,٨٩٦
٥	استرالیا	٤١,٣٠٩
٦	کانادا	٣٤,٤٤٦
٧	آلمان	٢٦,٤٠٢
٨	سنگاپور	٢٣,١٧٤
٩	تایلند	٢٢,٧٣١
١٠	فرانسه	٢١,٧٨٥

ده کشور عمده مقصد مهاجران ژاپنی (سال ۲۰۰۱)

ردیف	مقصد	تعداد
۱	ایالات متحده	٥,۰۷۳,٦۷۳
۲	کره جنوبی	۲,۳۸٦,٥٤٤
۳	چین	۱,٤٦۸,٤۹۲
٤	تایلند	۸۸٥,۹۳۸
٥	تایوان	۸٤٤,۹۷۷
٦	هنگ‌کنگ	۸۱۰,٥۲٦
۷	استرالیا	٦۹۹,۸٦۷
۸	سنگاپور	٥۸٥,۱٥۹
۹	ایتالیا	٤٥۱,۸٤٤
۱۰	اندونزی	٤٤٤,۱۱۳

اتباع ژاپنی دارای اقامت دائم در کشورهای مختلف تا اول اکتبر ۲۰۰۱

	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	نرخ (درصد)	افزایش (درصد)
آسیا	۸,۰۱٤	٦,٤۱۰	٦,٦۰۲	٦,٥٦۹	٦,۹۱۱	۲/٤	٥/۲
اقیانوسیه	۱۷,۷۹۷	۱۹,۳٥٦	۲۰,۷۷٦	۲۲,۸۰۲	۲٤,۸٦۸	۸/٥	۹/۱
آمریکای شمالی	۱۱۸,٥٤۱	۱۲۲,۲۲۷	۱۲٥,٥۹٦	۱۳۰,۱۰۲	۱۳٥,۲٤۲	٤٦/۱	٤
آمریکای مرکزی	۲,٤۹۸	۲,٥۳۲	۲,٤۹۰	۲,۳٤۲	۲,٥٦٥	۰/۹	۹/٥
آمریکای جنوبی	۱۰٥,۱٦۸	۱۰۲,۰٦۱	۹۷,۱۱٤	۹۳,۰٦٤	۹۰,۹٥۸	۳۱	-۲/۳
اروپای غربی	۲۱,٤۰٥	۲٤,۷۳۸	۲٦,۲٤۹	۲۸,٤۷٤	۳۰,۹۷٥	۱۰/٦	۸/۸
اروپای شرقی	۲٥٥	۲۹۲	۳۳۱	۳٤۲	۳۸۳	۰/۱	۱۲
خاورمیانه	۷۷۳	۹۲۷	۹۷۲	۸۸٦	۹۸۱	۰/۳	۱۰/۷
آفریقا	۳٦۸	۳٤٦	٤۲۷	٤٤٦	٤۲۷	۰/۱	-٤/۳
جمع	۲۷٤,۸۱۹	۲۷۸,٦۱۹	۲۸۰,٥٥۷	۲۸٥,۰۲۷	۲۹۳,۳۱۰	۱۰۰	۲/۹

وضعیت مهاجرت‌های داخلی، داخل استانی و بین استانی در ژاپن

تعداد کسانی‌که در سال ۲۰۰۲ در ژاپن مهاجرت کردند، ۵,۹۵۳,۰۰۰ نفر یا ۲/۶ درصد بود که در مقایسه با سال قبل و برای هفتمین سال متوالی کاهش نشان می‌دهد. این تعداد از سال ۱۹۶۱، همیشه بالای ٦ میلیون نفر بوده ولی در سال ۲۰۰۲ به زیر ٦ میلیون رسید. نرخ مهاجرت داخلی در جمعیت ژاپن ٤/۷۲ درصد است که هنگام آغاز این آمارگیری یعنی در سال ۱۹٥٤ تاکنون (سال ۲۰۰۲) در پایین‌ترین حد خود بوده است.

۳,۲۱۳,۰۰۰ نفر بین استانی مهاجرت کرده‌اند که ۸۸,۰۰۰ نفر نسبت به سال قبل یعنی برابر ۲/۷ درصد کاهش داشته و به‌طور کلی برای هفتمین سال متوالی کاهش نشان می‌دهد.

۲,۷۳۹,۰۰۰ نفر در داخل استان دست به مهاجرت زده‌اند یعنی ۷۱,۰۰۰ نفر یا ۲/۵ درصد کاهش نسبت به سال قبل و این امر نشان‌دهنده کاهش برای هفتمین سال متوالی است.

هر دو نرخ مهاجرت‌های بین استانی (۲/۵۵ درصد) و داخل استانی (۲/۱۷ درصد) به هنگام آغاز این آمارگیری در سال ۱۹٥٤ تاکنون در پایین‌ترین حد خود بوده است.

وضعیت مهاجرت به داخل و خارج توکیو، اوساکا و ناگویا

مهاجرت خالص برای ناحیه توکیو ۱۱۹,۰۰۰، ناگویا (۱۰۰۰-) و اوساکا (۲۸۰۰۰-) نفر بوده است.

- مهاجرت خالص به ناحیه توکیو از زمان آغاز این بررسی به جز سال‌های ۱۹۹٤ تا ۱۹۹٦ مثبت بوده و برای هفتمین سال متوالی افزایش نشان می‌دهد.

- تا سال ۱۹۷٤ مهاجرت خالص به ناحیه ناگویا از زمان آغاز این بررسی مثبت بوده و در سال ۱۹۷۵ منفی و از زمان ۱۹۷٦ حدود صفر بوده است.

- تا سال ۱۹۷۳ مهاجرت خالص به ناحیه اوساکا از زمان آغاز این بررسی مثبت و از زمان ۱۹۷٤ نیز مثبت بوده است.

مهاجرت برای ۱۳ شهر عمده

توجه به مهاجرت خالص ۱۳ شهر عمده نشان می‌دهد، ۹ شهر آمار مثبت داشته‌اند؛ ۵۳,۰۰۰ نفر مربوط به ناحیه کو در توکیو، ۲۲,۰۰۰ نفر برای ناحیه یوکوهاما، ۹,۰۰۰ نفر برای ساپور و غیره. آمار مهاجرت برای ناحیه کو توکیو از سال ۱۹۹۷ مثبت بوده است.

از سوی دیگر ٤ شهر نرخ منفی داشته‌اند. ۳۰۰۰- برای کیتا کیوسیو، کیوتو و غیره.

توجه به نرخ مهاجرت خالص ناحیه کو در توکیو نشان‌دهنده بالاترین نرخ (۰/٦٦ درصد) و به‌دنبال آن یوکوهاما (۰/٦٤ درصد) و فوکوئوکا (۰/٦۰ درصد) بود. این اولین بار است که ناحیه کو توکیو، بیشترین نرخ مهاجرت را دارد.

از سوی دیگر کیتا کیوسیو پایین‌ترین نرخ یعنی (۰/۳۰- درصد) و به‌دنبال آن کیوتو (۲۱ درصد) و سندایی (۰/۰۲ درصد) را نشان می‌دهند.

مهاجرت استانی

توجه به مهاجرت خالص استان‌ها نشان می‌دهد که ۱۹ استان نرخ مثبت داشته‌اند:

۷۳,۰۰۰ نفر توکیو

۲۹,۰۰۰ نفر کاناگاوا

۱٤,۰۰۰ نفر چیبا

از سوی دیگر ۳۸ استان نرخ منفی داشته‌اند:

۲۰,۰۰۰- نفر اوساکا

۹,۰۰۰- نفر هوکایدو

توکیو بیشترین نرخ یعنی ۰/٦۱ درصد و به‌دنبال آن کاناگاوا ۰/۳٤ درصد، چیبا ۰/۲۳ درصد و شیگا ۰/۱٦ درصد را داراست و از سوی دیگر آکیتا پایین‌ترین نرخ (۰/۳٤- درصد)، ایواته و ناگازاکی هر دو ۰/۳۳ درصد، واکایاما و نارا ۰/۳۱ درصد را دارد.

نرخ مهاجرت خالص هر استان[1] ـ جمعیت کل

استان	اکتبر ۱۹۹۵ تا سپتامبر ۱۹۹۶	اکتبر ۱۹۹۶ تا سپتامبر ۱۹۹۷	اکتبر ۱۹۹۷ تا سپتامبر ۱۹۹۸	اکتبر ۱۹۹۸ تا سپتامبر ۱۹۹۹	اکتبر ۱۹۹۹ تا سپتامبر ۲۰۰۰
هوکایدو	-۰/٤	-۰/۹	-۱/٦	-۱/٤	-۱/۲
آئوموری	-۰/۳	-۲/۲	-۲/۱	-۱/٦	-۱/۱
ایواته	-۰/۷	-۱/٤	-۱/۳	-۱/۱	-۱/۲
میاگی	۱/٤	۱/۷	۰/٤	۰/۱	۰/۳
آکیتا	-۲	-۲	-۲/۱	-۱/۹	-۱/٦
یاماگاتا	-۱/۱	-۰/٦	-۰/۸	-۱/٥	-۰/۳
فوکوشیما	-۰/٦	-۱	-۱/۳	-۱/۳	-۰/۷
ایباراکی	۲/۷	۱/۷	۱/۹	۰/٥	۱/۲
توچی‌گی	۱/۹	۲/۲	۱/۳	۰/۷	۰/۷
گوما	۱/۲	۰/۹	۱/٥	۰/۸	۲
ساتیاما	۲/۷	۱/۷	۱/۸	۱/٤	۱/٦
چیبا	۰/۸	۱/۳	۲/۷	۲/۹	۳/٦
توکیو	-۱/۹	۱/۳	۰/۲	-۰/٦	۲/۳
کاناگاوا	-۰/۱	۱	۳/۸	۲/٤	۳/٤
نی‌گاتا	۰/۷	۰/۱	-۰/۷	-۱/۳	-۱/٥
تویاما	۱/٤	-۰/۱	-۰/۳	-۰/۸	-۰/۱
ایشی‌کاوا	-۰/۲	-۰/۷	-۰/۷	-۰/۹	-۰/۱
فوکوی	۰/۳	-۰/۹	-۰/٦	-۱/۱	۰/۹
یاماناشی	۲/٤	۱/۷	۱/۹	-۰/۱	۱/۳
ناگونو	٤/۲	۲	۱/٦	۰/٦	۲/۹
گیفو	۰/٦	۰/۱	-۰/۲	-۰/٦	-۰/٥
شیزواکا	۰/٥	۰/۱	۰/۲	-۰/۲	۰/۸

استان	اکتبر ۱۹۹۵ تا سپتامبر ۱۹۹۶	اکتبر ۱۹۹۶ تا سپتامبر ۱۹۹۷	اکتبر ۱۹۹۷ تا سپتامبر ۱۹۹۸	اکتبر ۱۹۹۸ تا سپتامبر ۱۹۹۹	اکتبر ۱۹۹۹ تا سپتامبر ۲۰۰۰
آیچی	-۰/۲	۰/۵	۱/۵	۰/۶	۱/۱
می‌ئه	۲/۳	۱/۹	۱/۴	۰/۵	۰/۷
شیگا	۴/۸	۵/۵	۵/۹	۳/۶	۴/۳
کیوتو	-۱/۱	-۱/۶	-۰/۹	-۱/۶	-۲/۶
اوساکا	-۲/۸	-۳/۷	-۳/۲	-۳/۶	-۴/۱
هیوگو	-۰/۹	۱/۷	۲/۵	½	-۰/۱
نارا	۲/۸	۱/۴	-۰/۵	-۰/۲	-۲/۱
واکایاما	-۱/۲	-۱/۴	-۱/۹	-۱/۱	-۳
توتوری	-۰/۶	-۰/۶	۰/۹	-۰/۵	-۰/۶
شیمانه	-۰/۹	-۱/۲	-۱/۸	-۰/۴	۰/۲
اوکایاما	-۰/۴	۰/۱	-۰/۳	-۰/۲	-۰/۹
هیروشیما	-۲	-۱/۷	-۱/۴	-۱/۶	-۱/۸
یاماگوچی	-۲/۶	-۱/۸	-۱/۹	-۱/۶	-۲
توکوشیما	-۰/۳	-۰/۲	۰/۱	-۰/۶	-۱/۷
کاگاوا	۰/۵	-۰/۲	۰/۱	۰/۲	-۰/۹
اهیمه	-۱/۲	-۱/۱	-۱/۵	-۲/۴	-۱/۴
کوچی	-۱/۲	-۰/۴	-۰/۵	-۰/۳	-۰/۶
فوکوئوکا	۱/۵	۱/۴	۱/۶	۱	۱
ساگا	-۰/۱	-۲/۱	-۱/۵	-۱/۶	-۱/۶
ناگازاکی	-۳/۶	-۴/۷	-۴/۸	-۳/۵	-۲/۳
کوماموتو	-۰/۶	-۰/۴	-۰/۴	-۰/۳	-۰/۷
اویتا	-۱/۴	-۱/۲	-۱/۶	-۰/۹	-۱/۶
میازاکی	-۰/۶	-۲/۴	-۲/۲	-۰/۷	-۲

استان	اکتبر ۱۹۹۵ تا سپتامبر ۱۹۹٦	اکتبر ۱۹۹٦ تا سپتامبر ۱۹۹۷	اکتبر ۱۹۹۷ تا سپتامبر ۱۹۹۸	اکتبر ۱۹۹۸ تا سپتامبر ۱۹۹۹	اکتبر ۱۹۹۹ تا سپتامبر ۲۰۰۰
کاگوشیما	-۰/۵	-۰/٦	-۰/۷	-۰/۲	-۰/۱
اوکیناوا	-۰/۵	-۰/۷	۰/٤	۱/۳	۲/۱
کلی ژاپن	-۰/۱	۰/۱	۰/۳	-۰/۱	۰/۳

۱. به‌دست آمده از تقسیم تغییرات خالص جمعیتی در آغاز دوره مورد نظر

۱۰ـ۳ـ مراکز مهم صنعتی

یکی از مراکز مهم صنعتی ژاپن که در راستای سیاست تمرکززدایی و مقررات‌زدایی در ژوئن ۱۹۹۹ از به هم پیوستن نهادهای مختلف در کانزای[1] به‌وجود آمد، «شورای کانزای»[2] نام دارد. این شورا با هدف ارتقای همکاری و هماهنگی بین دولت‌های محلی و مرکزی و سازمان‌های تجاری در رشته‌های جهانگردی، جلوگیری از بروز بلایای طبیعی، احیای اقتصادی، محیط زیست و توسعه منطقه‌ای فعال است.

کانزای مرکز صنایع مهمی چون نساجی، آهن و فولاد، مواد شیمیایی، مواد دارویی و نظایر آن است. تولیدکنندگان لوازم الکتریکی اکنون بر الکترونیک، فناوری اطلاعاتی و نرم‌افزار متمرکز شده‌اند. شرکت‌های داروسازی، نساجی و آهن و فولاد به سوی زمینه‌های جدیدی چون فناوری‌زیستی و مواد جدید کشیده شده‌اند. همچنین ساختمان‌سازی با تمرکز صنایع تولیدکننده ماشین‌آلات و مواد فلزی، پژوهش‌های ابتکاری در نانوتکنولوژی و روبات‌ها در حال پیشرفت است. در این منطقه، تولیدکنندگانی که در سطح جهانی شناخته شده‌اند، مانند پاناسونیک، شارپ و سانیو قرار دارند.

ایجاد شرکت صنایع فلزی سومیتومو که کارخانه ذوب آهن در واکایاما تأسیس

---

1. Kanzai

2. Kanzai, The Industrial Center of Japan

کرد، در شهرهای دیگری نیز مانند کوبه فوجی، نیپون و کاواساکی کارخانه‌های مشابه پیگیری شد.

کارخانجاتی که خارج از کمربند پاسیفیک هستند، اغلب دارای ساختاری ساده و فاقد کارکردهای تحقیقاتی، توسعه‌ای و مدیریتی پیشرفته هستند. این مناطق در معرض رقابت شدید بین‌المللی ناشی از اقتصاد جهانی هستند و تسهیلات تولیدی این مناطق سریعاً در حال انتقال به خارج است. این‌گونه مناطق در تبادلات داخلی و بین‌المللی به‌شدت به تبادلات بین‌المللی و کارکردهای پیشرفته مدنی نواحی بزرگ شهری و نیز به دانش فرهنگی و اطلاعاتی که از طریق رسانه‌ها و از توکیو پخش می‌شود، وابسته هستند. این مناطق هنوز راه زیادی دارند تا بتوانند از تاریخ، فرهنگ و تبادلات منطقه خود استفاده مفیدی ببرند. همچنین مردمانی هم که در این مناطق زندگی می‌کنند، از غنای محیط زیست طبیعی خود بهره نمی‌برند. همراه این مشکلات، مشکلات مربوط به کاهش جمعیت و مسن شدن جامعه، خصوصاً در مناطقی که فاقد رفاه و آسایش زندگی شهری هستند، نمود یافته است. به‌ویژه در مناطق تپه‌ای و کوهستانی که اغلب کشور را در برگرفته و نقش‌های مختلفی در زندگی مردم و جوانان ایفا می‌کنند، جوانانی که عموماً هسته نیروی کار جامعه هستند، از شهرها گریزانند و جمعیت شدیداً در حال کاهش است.

کلاسترها[1] یا گروه‌های بازرگانی در ژاپن از به هم پیوستن شرکت‌های کوچک و متوسط بازرگانی به وجود آمده‌اند. طبق بررسی‌های به عمل آمده در سال ۱۹۹۶، در مجموع ۵۳۷ کلاستر در ژاپن وجود داشته است. تعریف کلی کلاستر، عبارت است از؛ «تمرکز جغرافیایی شرکت‌ها و نهادهای به‌هم مرتبط در یک تجارت خاص» (پورتر ۱۹۹۸/ ۱۹۹۰).

---

1. Clusters

مراکز صنعتی (۱٤ کلاستر مهم)

ناحیه	تولیدات	سال آغاز فعالیت
کیرویو (گونما)[1]	ابریشم، ابریشم دست‌ساز و پارچه‌های مصنوعی	۱٦۰۰
ای‌شی‌کاوا[2]	پارچه‌های مصنوعی	اواسط دهه ٦۰
فوکوئی[3]	پارچه‌های مصنوعی	اوایل ۱۹۰۰
کوماتسو[4]	ابریشم، ماشین‌آلات عمومی برای ماشین‌آلات ساختمانی	۱۹۲۱ ـ ۱٦٤۰
نی‌شی‌واکی (هیوگو)[5]	پارچه پنبه‌ای	۱۷۹۳
گیفو[6]	لباس	اواخر دهه ٤۰
ستو (آیچی)[7]	سرامیک	۱۱۰۰
مورودومی (ساگا)[8]	مبلمان	۱۹۵۵
اوتا (گونما)[9]	قطعات اتومبیل	۱۹۱۸
ایتاباشی (توکیو)[10]	دوربین	اوایل ۱۹۰۰ (دوران میجی)
تسوبامه (نی‌ای‌گاتا)[11]	نقره‌آلات، لوازم آشپزخانه و لوازم خانگی فلزی	۱٦۰۰ (دوران ادو)
سانجو (نی‌ای‌گاتا)[12]	ابزارآلات دستی	اواخر دهه ٤۰
سکی (گیفو)[13]	قاشق و چنگال	۱۱۰۰
سابائه[14]	قاب عینک	۱۹۱۰

1. Kiruyu (Gunma)
2. Ishikawa
3. Fukui
4. Komastu
5. Nishiwaki (Hyogo)
6. Gifu
7. Seto (Aichi)
8. Morodomi (Saga)
9. Ota (Gunma)
10. Itabashi (Tokyo)
11. Tsubame (Niigata)
12. Sanjo (Niigata)
13. Seki (Gifu)
14. Sabae (Fukui)

فصل چهارم

بررسی قرارگیری نهادهای اقتصادی، اجتماعی و نظامی

۱ـ۴ـ جایابی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و نظامی

نیکیرن[1]

انجمن کارفرمایان

بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، امواجی از عقاید سوسیالیستی، قشر کارگری ژاپن را در برگرفته بود و رهبران کمونیست‌های ژاپنی به اختلافات میان کارگران و کارفرمایان دامن می‌زدند. کارفرمایان به هیچ‌وجه آمادگی مقابله با این حملات را نداشتند. بنابراین در سال ۱۹٤۸ انجمن کارفرمایان یا «نیکیرن» را ایجاد کردند. این انجمن تمام سعی خود را در حمایت از مدیران در مقابل کارگران به کار گرفت و اعتصابات کارگری کارخانجات توشیبا، هیتاچی و نیسان را یکی پس از دیگری با شکست روبه‌رو کرد.

---

1. Nikkeiren

یکی دیگر از فعالیت‌های نیکیرن ایفای نقش روابط عمومی بوده است. اما در حال حاضر نیکیرن دیگر جنگجو نیست و علت اصلی آن هم رشد اقتصادی و صنعتی ژاپن و بهبود وضعیت زندگی کارگران است.

شورای عمومی اتحادیه‌های کارگران ژاپنی (سوهیو)

اتحادیه‌های کارگری ژاپن نقش فعالی را در مبارزه با پرولتاریا ایفا می‌کنند. شورای عمومی اتحادیه‌های صنفی، بزرگ‌ترین اتحادیه ژاپن به شمار می‌رود که در راه منافع کارگران و دفاع از اصول دموکراسی و صلح مبارزه می‌کند. این سازمان در دهه ۵۰ تأسیس شد. توریتسورورن، شورای روابط عمومی اتحادیه‌های صنفی نیز در زمینه بسیاری مسائل با آن همکاری دارد.

کیدانرن[1]

فدراسیون سازمان‌های مقتدر صنعتی ژاپن محسوب می‌شود که از فدراسیون آهن و فولاد، انجمن نفت، فدراسیون ریسک‌های تولید برق، سازندگان اتومبیل، انجمن کشتی‌سازی، انجمن صنایع شیمیایی و غیره تشکیل شده است.

علاوه بر ارگان‌های یاد شده، شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، شرکت‌های تجاری عمده، عمده‌فروشان، خرده‌فروشی‌های بزرگ و بنگاه‌های معاملات اوراق بهادار نیز در این فدراسیون عضویت دارند. به‌طور خلاصه، «کیدانرن» مهم‌ترین ارگان اقتصادی ژاپن است و عمده‌ترین فعالیت‌های بخش خصوصی این کشور را برعهده دارد.

رئیس کیدانرن از طرف عموم مردم به عنوان «نخست‌وزیر دنیای مالی و تجارت» لقب گرفته است. این سازمان در سال ۱۹٤٦ تأسیس شد. کیدانرن از لحاظ سیاسی، تا به حال طرفدار حزب محافظه‌کار «لیبرال دموکرات» بوده و با حمایت‌های مالی خود این حزب را در انتخابات یاری کرده است و حزب لیبرال دموکرات نیز در مقابل، در سیاست‌های اقتصادی

---

1. Keidanren

خود منافع اعضای این فدراسیون را مدنظر قرار داده و در امور سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی با کیدانرن مشورت می‌کند.

کیدانرن و نیکیرن روابط بسیار نزدیکی با هم دارند و در مسائل مورد علاقه دو سازمان با یکدیگر همکاری می‌کنند. به یک معنا، کیدانرن به عنوان وزارت امور خارجه اقتصادی ژاپن نیز عمل می‌کند و جلساتی با بازرگانان و صاحبان صنعت خارجی ترتیب می‌دهد و هیأت‌های تخصصی مرکب از رهبران بازرگانی و صنعتی را جهت یافتن راه‌حل‌هایی برای مسائل اقتصادی به کمک کشورهای کلیدی به خارج اعزام می‌دارد.

مؤسسات پژوهشی

مؤسسه صلح جهانی و تحقیقات سیاسی تودا[1]

تاریخ تأسیس: ۱۹۹۶

محل استقرار: ژاپن (توکیو)

فعالیت‌ها: مؤسسه یاد شده، مؤسسه‌ای است مستقل و غیرانتفاعی که در یازدهم فوریه ۱۹۹۶ توسط دایساکو ایکیدا[2]، رئیس انجمن بین‌المللی سوکاگاکایی (انجمن ایجاد ارزش‌ها) و به منظور گرامیداشت نود و ششمین سال تولد جوسی تودا[3] ـ که بیانیه محکم او بر ضد سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۵۷ از شهرت خاصی برخوردار است ـ تأسیس شد. مهم‌ترین اهداف این مؤسسه عبارتند از برقراری صلح از طریق ابزار و شیوه‌های صلح‌آمیز، محو کردن جنگ‌ها و درگیری‌ها، ترویج «شهروندی جهانی»، مبارزه با بی‌عدالتی و تبعیض و رفع مناقشات.

مسئولان:

آتیو سوکی آکیا؛ رئیس

---

1. Toda Institute for Global Peace and Policy Research
2. Daisaku Ikeda
3. Josei Toda

مجید تهرانیان؛ مدیر مؤسسه و مدیر مرکز هونولولو

نشریات: Peace & Policy

آدرس اینترنتی: http://www.Toda.org

مؤسسه پیشبرد تحقیقات[1]

تاریخ تأسیس: ۱۹۷٤

محل استقرار: ژاپن (توکیو)

فعالیت‌ها: هدف از تأسیس این مؤسسه، تحقیق و پژوهش در زمینه موضوعات پیش‌روی جامعه کنونی ژاپن از جمله؛ سیاست، اقتصاد، مسائل بین‌المللی، موضوعات اجتماعی، فناوری و سیستم‌های دولتی است و در این راستا به مبادله اطلاعات با بسیاری از سازمان‌های تحقیقاتی در ژاپن و دیگر کشورها می‌پردازد و از پروژه‌های تحقیقاتی نیز حمایت می‌کند.

مهم‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی این مؤسسه برای قرن ۲۱ عبارتند از؛ فرهنگ و سنن مردم ژاپن و بهره‌برداری آنان از سرزمین‌شان، بررسی استراتژی فعال در زمینه صلح و امنیت، اتحادیه پولی آسیای شرقی، روند سیاستگذاری در ژاپن، ژاپن در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹، بازنگری سیاست و اقتصاد ژاپن پس از جنگ، مسائل حقوقی در رابطه با تولیدمثل مصنوعی و دیگر علوم زیستی، توسعه منطقه‌ای و جامع، نقش شهروندان و موارد دیگر.

مسئولان:

تاکافوزا شیئویا؛ رئیس مؤسسه

یوتارو کوبایاشی؛ مدیر اجرایی

آدرس اینترنتی: http://www.nira.go.jp

1. National Institute for Research Advancement (NIRA)

مراکز دفاعی و نظامی

ویژگی‌های جغرافیایی ژاپن عمدتاً به رشته‌کوه‌ها، رودها و تنگه‌ها تقسیم می‌شود. علاوه بر این موارد با درنظرگرفتن خطوط مرزی، حوزه اداری و از لحاظ سهولت مسئولیت اداری محلی در زمان صلح، کشور ژاپن به ١٤ بخش به شرح ذیل تقسیم شده است:

هوکایدو؛ سه بخش شمالی، شرقی و مرکزی

توهوکو؛ دو بخش شمالی و جنوبی

کانتو، کوشین اتسو[1]، توکای ـ هوکوریکو[2]، کینکی[3]، چوگوکو[4] و شیکوکو[5] هر یک دارای یک بخش و کیوشو دارای دو بخش شمالی و جنوبی و اوکیناوا دارای یک بخش در زمان صلح هستند. این مسئله نیاز به ١٤ واحد برای آرایش منطقه‌ای دارد. تجهیزات و پرسنل نیروی دفاع در سراسر کشور از جمله ریونتو[6] در هوکایدو در منطقه شمال و میاکوجیما[7] و ایووجیما[8] در منطقه جنوب استقرار یافته‌اند.

پایگاه‌های نظامی

تعداد ۳۹ پایگاه نظامی آمریکا در اوکیناوا یعنی ۷۵ درصد پایگاه‌های نظامی آمریکا در ژاپن قرار دارد که بیش از ۲۰ درصد کل مساحت اوکیناوا، ٤٠ درصد کل خاک قابل کشت و ٦١ درصد از کل خاک ژاپن را در بر می‌گیرد.

۱ـ پایگاه نیروی دریایی در ساسبو[9]؛ این پایگاه تسهیلات لازم برای پشتیبانی از شش فروند کشتی مستقر در ساسبو را تأمین می‌کند. این فرماندهی تسلیحات، مواد منفجره، مهمات، وسایل نقلیه و تجهیزات مربوطه را فراهم می‌کند.

1. Koshin – Etsu
2. Tokai - Hukuriku
3. Kinki
4. Chugoku
5. Shikoku
6. Rebunto
7. Miyakojima
8. Iwojima
9. Sasebo

۲ـ پایگاه‌های نیروی دریایی مرکز ذخیره نیروی هوایی ـ دریایی[1]

۳ـ پایگاه نیروی دریایی یوکوسوکا[2]

٤ـ پایگاه هوایی ایواکونی[3]؛ این پایگاه هوایی حدود ٤٥ کیلومتری جنوب هیروشیما واقع شده و پایگاه تجهیزاتی نیروی هوایی یکم ایالات متحده است.

پایگاه‌های هوایی

۱ـ پایگاه هوایی کیدنا[4]؛ این پایگاه در اوکیناوا، دفاع از منافع دوجانبه آمریکا و ژاپن را برعهده دارد.

۲ـ پایگاه هوایی میزاوا[5]؛ این پایگاه در بخش جنوب شرقی استان آئوموری در شمال جزیره هونشو واقع شده و در نوع خود از نظر تأسیسات مشترک خدماتی در اقیانوس غربی بی‌نظیر است. تمامی چهار سرویس ایالات متحده با ۳۵ بال پروازی در این پایگاه مستقر است.

۳ـ پایگاه هوایی یوکوتا؛ محل این پایگاه در جزیره هونشو در دشت کانتو، شمال غربی توکیو در دامنه‌های کوه‌های اوکوتاما است. این پایگاه مرکز بال سیصدوهفتادوچهارم (۳۷٤) هوایی است که در شرق دور تنها پایگاه محسوب می‌شود. این پایگاه برای تمامی آژانس‌های دفاعی در عملیات اقیانوس آرام خدمات ارائه می‌دهد. همچنین وسایل حمل‌ونقل برای مردم و تجهیزات در دشت کانتو و بخش مرکزی توکیو را فراهم می‌کند.

٤ـ مقر بتالیون[6]؛ کمپ فوجی در کوه فوجی واقع شده و تسهیلات آموزشی و نظامی را برای مانورهای انجام شده در حوزه فوجی فراهم می‌کند.

۵ـ پایگاه‌های هوایی تفنگداران دریایی[7] در اوکیناوا

٦ـ پایگاه تفنگداران دریایی در ایواکونی، جزیره هونشو[8]

---

1. Atsugi Naval Air Facility, Sagamino, Honshu
2. Yokosuka Naval Station, Yokohama, Honshu
3. Iwakuni
4. Kidena
5. Mizawa
6. Battalion
7. Futenma marine Corps Air Station
8. Iwakuni marine Corps

اوکیناوا

این جزیره که بخشی از مجمع‌الجزایر ریوکیو محسوب می‌شود، در نزدیک‌ترین فاصله به تایوان، ویتنام، چین، فیلیپین و در مسیر عبور ناوگان‌های جنگی و تجاری اقیانوس آرام به سوی آسیای جنوب شرقی و امتداد آن قرار دارد که از نظر استراتژیک موقعیتی مهم محسوب می‌شود. پس از اشغال اوکیناوا در سال ۱۹۴۵، فرمانداری آمریکا بر این جزیره گماشته شد و در پایان جنگ نیز همچنان در تصرف آمریکا باقی ماند و ۴۴ درصد مساحت آن که اغلب زمین‌های مزروعی بود، برای احداث پایگاه و موارد استفاده دیگر ۴۵,۰۰۰ نظامی آمریکایی مستقر در آن، مصادره شد.

در سال ۱۹۷۱ این جزیره بعد از ۲۶ سال اشغال، به ژاپن بازگردانده شد اما از ۱۴۵ پایگاه آمریکایی، ۳۹ پایگاه همچنان در اختیار آمریکا قرار دارد. از زمین‌های مصادره شده کمتر از ۵ هزار کیلومترمربع باز پس داده شد که ۷۵ درصد آنها زمین‌های غیرنظامی بود.

امروزه اوکیناوا به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های آمریکا در اقیانوس آرام، مقر عمده نیروی دریایی، هوایی و نیروهای واکنش سریع آمریکا محسوب می‌شود.[۹۲]

زیارتگاه‌های مهم

ـ **یاسوکونی جینجا**[1]: محل دفن اجساد ۲/۵ میلیون سربازی است که از زمان اصلاح میجی در جنگ‌ها کشته شده‌اند. این زیارتگاه مدت‌های مدید موضوع بحث‌انگیزی بوده است. گروه‌های سیاسی، احزاب محافظه‌کار را متهم به نادیده گرفتن مصائب همراه با این جنگ‌ها و تحریک روحیه نظامیگری ژاپنی‌ها می‌کنند و معتقدند این محل، میهن‌پرستی افراطی را تشویق می‌کند. علی‌رغم همه اینها، محوطه زیارتگاه یکی از بهترین مکان‌های توکیو برای لذت بردن از زیبایی شکوفه‌های گیلاس در اوایل آوریل است.

---

1. Yasukuni Jinja

ـ **هاراجوکا**[1]: زیارتگاه «میجی جینجو» وقف امپراتور «میجی»، بنیانگذار نوگرایی ژاپن است. ساختمان فعلی در سال ۱۹۵۸ بازسازی شد. محوطه زیارتگاه برای اهالی توکیو و برای فرار از شلوغی و سروصدای شهر پناهی مناسب است.

ـ **جینجا فوتوراسان**[2]: تا زمان ساخت زیارتگاه توشوگو، فوتوراسان وقف خدای کوه‌ها بود. فوتوراسان به مدت ۸۰۰ سال مرکز شیتوئیسم نیک‌کو بود. بناهای اصلی فعلی در سال ۱۶۱۶ توسط دومین شوگان توکاگاوا وقف زیارتگاه شد.

ـ **توشوگو**: این خزانه شامل ۲۵۰ اثر هنری و تاریخی است که تقریباً شصت تا هفتاد اثر به نوبت به نمایش گذارده می‌شوند. ساختمان اصلی زیارتگاه در اثر آتش‌سوزی نابوده شده و پاگودالی فعلی در سال ۱۸۱۸ بنا شد.

ـ **معبد انگاکوجی**[3]: در کاماکورای آن زمان، این معبد از نظر اهمیت در مقام دوم قرار داشت و در محوطه آن بیش از ۵۰ معبد دیگر قرار داشته است.

ـ **معبد توکیجی**[4]: زمانی که زنی به این معبد پناه می‌برد، هیچ‌کس نمی‌توانست او را از آنجا خارج کند.

ـ **معبد جوچیجی**[5]: تمام بنای باشکوه معبد در گذر زمان نابود و ساختمان جدید ۵۰ سال قبل ساخته شد. مجسمه هفت خدای ثروت در انتهای شمالی محوطه قرار دارد.

ـ **معبد کویوکواین**[6]: این معبد شهرت جهانی داشته و سیاحان را از سراسر دنیا جلب می‌کند. مجسمه بوداتای بزرگ از برنز و به ارتفاع ۱۱/۳ متر در سال ۱۲۵۲ تراشیده شد و به این لحاظ، دومین مجسمه بزرگ ژاپن است.

ـ **آتسوکو جینگو**[7]: یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های ژاپن در ناگویا است که در قرن سوم بنا شد. به عنوان جایگاه یکی از سه نماد مقدس امپراتور یعنی کوساناگی ـ نه ـ تسوروگی

---

1. Harajuku
2. Jinja Futurasan
3. Engakuji
4. Tokeji
5. Jochiji
6. Koyokuin
7. Atsuta - Jinga

(شمشیر خوشه‌چینی) مشهور است و مورد احترام مردم ژاپن است و میلیون‌ها نفر در طول تعطیلات سال نو به زیارت این محل می‌آیند.

۲ـ۴ـ شناسایی و نفوذ نهادهای سیاسی و اجتماعی دولتی و غیردولتی

به‌طور کلی در داخل حکومت ژاپن می‌توان دو گروه عمده تصمیم‌گیرنده را تشخیص داد:

- سیاستمداران سطح بالا به انضمام نخست‌وزیر و دیگر اعضای مهم کابینه
- اداریان تراز اول

نخست‌وزیر همانند دیگر دموکراسی‌های پارلمانی به وسیله اعضای «دایت» انتخاب می‌شود، اما از آنجا که حزب محافظه‌کار لیبرال دموکرات از سال ۱۹۵۵ به این سو بر دایت غلبه دارد، در واقع دایت فردی را به نخست‌وزیر انتخاب می‌کند که رهبران حزب حاکم (غالباً اعضای دایت) وی را تأیید کنند. نخست‌وزیر نیز به‌نوبهٔ خود اعضای کابینه را انتخاب می‌کند. همه اینها تقریباً هم عضو دایت هستند و هم سرپرستی وزارتخانه‌ها و دیگر سازمان‌ها را عهده‌دار می‌شوند. طبق سنت، اعضای تراز اول کابینه معمولاً سیاستمداران حزب لیبرال دموکرات هستند که برای خود دسته‌بندی‌های خاصی دارد. تصمیمات مهم سیاسی را سیاستمداران می‌گیرند اما سیاستمداران سطح بالای ژاپن نفوذ کمی بر سازمان اداری کشور دارند. نخست‌وزیر سیاستمداری را به‌عنوان وزیر برای تصدی امور وزارتخانه و دیگری را برای معاونت پارلمانی وزیر انتخاب می‌کند، اما دیگر انتصاب‌های سیاسی وزارتخانه‌ها برعهده وی نیست. کسی که عهده‌دار اداره وزارتخانه است، معاون اداری وزیر است که در واقع عالی‌ترین مقام وزارتخانه به‌شمار می‌آید. تصمیم‌های عمده وزارتخانه را اداریان دائمی می‌گیرند نه سیاستمداران دایت و یا کابینه. تنها سازمان اداری مرکزی ژاپن قوی‌تر از نظام اداری آمریکاست و دیگر بخش‌های حکومت، نظیر قوه قضائیه و حکومت‌های محلی به مراتب ضعیف‌ترند.[۹۳]

جوامع محلی

جوامع محلی طی دهه ۵۰ تأسیس شدند. وظیفهٔ آنها برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و محلی است. به‌طور کل نظام دولت محلی ژاپن بر دو اصل پایه‌ریزی شده است؛ اول اعطای حق ایجاد نهادهای دولت محلی خودمختار براساس تقسیم‌بندی جغرافیایی که تا حدودی مستقل از دولت ملی است و دوم دربرداشتن ایدهٔ «خودمختاری شهروندان» که به این طریق شهروندان مناطق مختلف به درجات متفاوت در فعالیت‌های مربوط به نهادهای محلی شرکت می‌کنند. نظام دولت خودمختار محلی در ژاپن پیش از جنگ جهانی دوم صورت گرفت.

۳ـ۴ـ شناسایی تقسیمات کشوری

بعد از تأسیس نظام میجی (Meiji) کشور از لحاظ اداری دارای نظام حوزه‌ای شد و قلمروهای فئودالی از میان رفت. در حال حاضر ژاپن از لحاظ اداری به ۴۷ حوزه تقسیم شده که شامل:

توکیو (۱ to)

هوکایدو (۱ do)

اوزاکافو و کیوتوفو (۲ fu)

و ۴۳ کن Ken است.[۹۴] هر حوزه به سه واحد سیاسی؛ شهر، بخش و ده تقسیم می‌شود.

این تقسیمات عبارتند از:

بخش	مرکز	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت سال ۱۹۹۹	جمعیت ۲۰۰۰/۱۰/۰۱
هوکایدو (Hokkaido)	ساپورو (Sapporo)	۸۳,۴۵۲	۵,۶۹۵,۰۰۰	۵,۶۸۳,۰۶۲
توهوکو (Tohoku)	——	۶۳,۹۸۳	۹,۸۳۰,۰۰۰	۹,۸۱۷,۵۸۳
آکیتا (کن ken)	آکیتا	۱۱,۴۳۴	۱,۱۹۶,۰۰۰	۱,۱۸۹,۲۷۳
آموری (ken) (Amori)	آموری	۹,۲۳۴	۱,۴۷۵,۰۰۰	۱,۴۷۵,۷۲۸

بخش	مرکز	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت سال ۱۹۹۹	جمعیت ۲۰۰۰/۱۰/۰۱
فوکوشیما (ken) (Fukushima)	فوکوشیما	۱۳,۷۸۲	۲,۱۳٥,۰۰۰	۲,۱۲٦,۹۳٥
ایواته (ken) (Iwate)	موریوکا (Morioka)	۱٥,۲۷۸	۱,٤۱٤,۰۰۰	۱,٤۱٦,۱۸۰
میاگی (ken) (Miyagi)	سندایی (Sendai)	٦,۸٦۱	۲,۳٦۰,۰۰۰	۲,۳٦٥,۳۲۰
یاماگاتا (ken)	یاماگاتا	۷,۳۹٤	۱,۲٥۰,۰۰۰	۱,۲٤٤,۱٤۷
کانتو (Kanto)	——	۳۲,۱٤٥	٤۰,۱۷۳,۰۰۰	٤۰,٤۲۷,۱۱۱
چیبا (ken) (Chiba)	چیبا	٤,۹۹٦	٥,۹۲۰,۰۰۰	٥,۹۲٦,۲۸٥
گاما (ken) (Gumma)	مایباشی (Maobashi)	٦,۳٦۳	۲,۰۳۰,۰۰۰	۲,۰۲٤,۸٥۲
ایباراکی (ken) (Ibaraki)	میتو (Mito)	٦,۰۹٤	۳,۰۰۲,۰۰۰	۲,۹۸٥,٦۷٦
کاناگاوا (ken) (Kanagawa)	یوکوهاما (Yokohoma)	۲,٤۱٥	۸,٤٤۳,۰۰۰	۸,٤۸۳,۳۷٤
سایتاما (ken) (Saitama)	اوراوا (Urawa)	۳,۷٦۷	٦,۹۲۹,۰۰۰	٦,۰۳۸,۰۰٦
توچی‌گی (ken) (Tochigi)	اوتسوتومیا (Utsotomiya)	٦,٤۰۸	۲,۰۱۲,۰۰۰	۲,۰۰٤,۸۱۷
توکیو (to) (Tokyo)	توکیو	۲,۱۰۲	۱۱,۸۳۷,۰۰۰	۱۲,۰٦٤,۱۰۱
چوبو (Chubu)	——	٦۱,٥٦٦	۲۱,٦٥۰,۰۰۰	۲۱,٦۲٦,۹۷۸
آیچی (ken) (Aichi)	ناگویا (Nagoya)	٥,۱۱٦	۷,۰۰۸,۰۰۰	۷,۰٤۳,۳۰۰
فوکوای (ken) (Fukui)	فوکوای	٤,۱۸۹	۸۳۱,۰۰۰	۸۲۸,۳٤٤
گیفو (ken) (Gifu)	گیفو	۱۰,۲۰۹	۲,۱۱۸,۰۰۰	۲,۱۰۷,۷۰۰

بخش	مرکز	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت سال ۱۹۹۹	جمعیت ۲۰۰۰/۱۰/۰۱
ایشی‌کاوا (ken) (Ishikawa)	کانازاوا (Kanazawa)	٤,۱۸٥	۱,۱۸٦,۰۰۰	۱,۱۸۰,۳۳۷
ناگوا (ken) (Nagoua)	ناگانوا	۱۲,٥۹۸	۲,۲۲۳,۰۰۰	۲,۲۱٥,۱٦۸
نیگاتا (Niigata)	نیگاتا	۱۰,۹۳۹	۲,٤۹۰,۰۰۰	۲,٤۷٥,۷۳۳
شیزوکا (ken) (Shizuoka)	شیزوکا	۷,۳۲۸	۳,۷۷٦,۰۰۰	۳,۷٦۷,۳۳۳
تویاما (ken) (Touoma)	تویاما	۲,۸۰۱	۱,۱۲٥,۰۰۰	۱,۱۲۰,۸٥۱
یاماناشی (ken) (Yamanashi)	کوفو (Kotu)	٤,۲۰۱	۸۹۳,۰۰۰	۸۸۸,۱۷۲
کینکی (Kinki)		۳۲,۹۲۹	۲۲,٦۳۸,۰۰۰	۲۲,۷۱۲,۹۲٤
هیوگو (ken) (Hyogo)	کوبه (Kobe)	۸,۳۹۱	٥,٤۸٤,۰۰۰	٥,٥٥۰,٥۷٤
کیوتو (tu)	کیوتو	٤,٦۱۳	۲,٦۳۳,۰۰۰	۲,٦٤٤,۳۹۱
مئی (ken) (Mie)	تسو (tsu)	٥,۷٦۱	۱,۸٦٤,۰۰۰	۱,۸٥۷,۳۳۹
نارا (ken) (Nara)	نارا	۳,٦۹۱	۱,٤٤۹,۰۰۰	۱,٤٤۲,۷۹٥
اوزاکا (fu) (Osaka)	اوزاکا	۱,۸۹۳	۸,۸۰۱,۰۰۰	۸,۸۰٥,۰۸۱
شیگا (ken) (Shiga)	اوتسو (Otsu)	۳,۸٥٥	۱,۳۳۳,۰۰۰	۱,۳٤۲,۸۳۲
واکایاما (ken) (Wakayama)	واکایاما	٤,۷۲٥	۱,۰۷٤,۰۰۰	۱,۰٦۹,۹۱۲
شوگوکو (Chugohu)	—	۳۱,۸۰۸	۷,۷٥۸,۰۰۰	۷,۷۳۲,٤۹۹
هیروشیما (ken) (Hirooshima)	هیروشیما	۸,٤۷٦	۲,۸۸۳,۰۰۰	۲,۸۷۸,۹۱٥

بخش	مرکز	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت سال ۱۹۹۹	جمعیت ۲۰۰۰/۱۰/۰۱
اوکایاما (ken) (Okayama)	اوکایاما	۷,۰۰۸	۱,۹۵۹,۰۰۰	۱,۹۵۰,۸۲۸
شیمانه (ken) (Shimane)	ماتسو (Matsue)	۶,۷۰۷	۷۶۴,۰۰۰	۷۶۱,۵۰۳
توتوری (ken) (Toutori)	توتوری	۳,۵۰۷	۶۱۴,۰۰۰	۶۱۳,۲۸۹
یاماگوچی (ken) (Yamaguchi)	یاماگوچی	۶,۱۱۰	۱,۵۳۸,۰۰۰	۱,۵۲۷,۹۶۴
شیکوکو (Shikoku)	—	۱۸,۷۸۶	۴,۱۶۶,۰۰۰	۴,۱۵۴,۰۳۳
اهیمه کن (ken) (Ehime-kan)	ماتسویاما (Matsuyama)	۵,۶۷۶	۱,۴۹۷,۰۰۰	۱,۴۹۳,۰۹۲
کاگاواکن (ken) (Kagawa-kan)	تاکاماتسو (Takamatsu)	۱,۸۶۱	۱,۰۲۹,۰۰۰	۱,۰۲۳,۸۹۰
کوچی (ken) (Kochi)	کوچی	۷,۱۰۴	۸۱۰,۰۰۰	۸۱۳,۹۴۳
توکوشیما (ken) (Tokushima-kan)	توکوشیما	۴,۱۴۵	۸۳۰,۰۰۰	۸۲۴,۱۰۸
کیوشو (Kyuoshu)	—	۴۲,۱۶۳	۱۴,۷۷۶,۰۰۰	۱۴,۷۶۳,۷۱۵
فوکوئوکا(ken) (Fucuoka-kan)	فوکوئوکا	۴,۸۳۷	۵,۰۰۰,۰۰۰	۵,۰۱۵,۶۳۳
کاگوشیما (ken) (Kagoshima)	کاگوشیما	۹,۱۳۲	۱,۷۸۸,۰۰۰	۱,۷۸۶,۱۹۴
کوماموتو (ken) (Kumamoto)	کوماموتو	۶,۹۰۷	۱,۸۶۵,۰۰۰	۱,۸۵۹,۳۴۴
میازاکی (ken) (Miuozaki)	میازاکی	۶,۶۸۴	۱,۱۷۶,۰۰۰	۱,۱۷۰,۰۰۷
ناگازاکی (ken) (Nagasaki)	ناگازاکی	۴,۰۹۲	۱,۵۲۵,۰۰۰	۱,۵۱۶,۵۲۳
اویتا (ken) (Oita)	اویتا	۵,۸۰۴	۱,۲۲۶,۰۰۰	۱,۲۲۱,۱۴۰

بخش	مرکز	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت سال ۱۹۹۹	جمعیت ۲۰۰۰/۱۰/۰۱
اوکیناوا (ken) (Okinawa)	ناها	۲,۲٦۸	۱,۳۱۲,۰۰۰	۱,۳۱۸,۲۲۰
ساگا (ken) (Saga)	ساگا	۲,٤۳۹	۸۸٤,۰۰۰	۸۷٦,٦٥٤

شهرهای بزرگ ژاپن

نام	جمعیت ۱۹۹٥/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
توکیو[1] (محدوده ken) (Tokyo)	۷,۹٦۷,٦۱٤	۸,۱۳۰,٤۰۸
یوکوهاما (Yokohama)	۳,۳۰۷,۱۳٦	۳,٤۲٦,٥۰٦
اوزاکا (Osaka)	۲,٦۰۲,٤۲۱	۲,٥۹۸,٥۸۹
ناگویا (Nagoya)	۲,۱٥۲,۱۸٤	۲,۱۷۱,۳۷۸
ساپورو (Sapporo)	۱,۷٥۷,۰۲٥	۱,۸۲۲,۳۰۰
کوبه (Kobe)	۱,٤۲۳,۷۹۲	۱,٤۹۳,٥۹٥
کیوتو (Kyoto)	۱,٤٦۳,۸۲۲	۱,٤٦۷,۷۰٥
فوکوئوکا (Fukuoka)	۱,۲۸٤,۷۹٥	۱,۳٤۱,٤۸۹
کاوازاکی (Kowasaki)	۱,۲۰۲,۸۲۰	۱,۲٤۹,۸٥۱
هیروشیما (Hiroshima)	۱,۱۰۸,۸۸۸	۱,۱۲٦,۲۸۲

۱. شهر توکیو مرکز استان توکیو از ۲۳ منطقه یاکو Ku تشکیل شده است.

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
کیتاکیوشو (Kitakyushu)	۱,۰۱۹,۵۹۸	۱,۰۱۱,۴۹۱
سندایی (Sendai)	۹۷۱,۲۹۷	۱,۰۰۸,۰۲۴
چیبا (Chiba)	۸۵۶,۸۷۸	۱۶۳,۸۸۷
ستاگایا-کو (Setagaya-ku)	–	۸۱۴,۸۷۳
ساکایی (Sakai)	۸۰۲,۹۹۳	۷۹۲,۰۳۴
کوماموتو (Kumameto)	۶۵۰,۳۴۱	۶۶۲,۱۲۳
نریما ـ کو (Narima-ku)	–	۶۵۶,۷۱۳
اوتا ـ کو (Ota-ku)	–	۶۵۰,۳۲۷
اوکایاما (Okayama)	۶۱۵,۷۵۷	۶۲۶,۵۳۴
ادوگاوا ـ کو (Edogowa-ku)	–	۶۱۹,۹۲۳
اداچی ـ کو (Adach-ku)	–	۶۱۷,۱۷۸
ساگامی‌هارا (Sagamihara)	۵۷۰,۵۹۷	۶۰۵,۵۵۵
هماموتسو (Hamamutsu)	۵۶۱,۶۰۶	۵۸۲,۱۲۰
کاگوشیما (Kagoshima)	۵۴۶,۲۸۲	۵۵۲,۰۹۹
فوناباشی (Funabashi)	۵۴۰,۸۱۷	۵۵۰,۰۷۹
هاچی یوجی (Hachioji)	۵۰۳,۳۶۳	۵۳۶,۰۰۰

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
سوگونامی ـ کو (Sugunami-ku)	–	٥٢١,٨٨٥
هیگاشیوساکا (Higashiosaka)	٥١٧,٢٣٢	٥١٥,٠٥٥
ایتاباشی ـ کو (Itabashi-ku)	–	٥١٣,٠٥٢
نیگاتا(Niigata)	٤٩٤,٧٦٩	٥٠١,٣٧٨
اوراوا (Orawa)	٤٥٣,٣٠٠	٤٨٤,٨٣٤
هیمه‌جی (Himeji)	٤٧٠,٩٨٦	٤٧٨,٣١٢
ماتسویاما (Matsuyama)	٤٦٠,٩٦٨	٤٧٣,٣٩٧
شیزوکا (Shisuoka)	٤٧٤,٠٩٢	٤٦٩,٦٧٩
آماگاساکی (Amagaśaki)	٤٨٨,٥٨٦	٤٦٦,١٦١
ماتسودو (Matsudo)	٤٦١,٥٠٣	٤٦٤,٨٣٦
کاواگوچی (Kawaguchi)	٤٤٨,٨٥٤	٤٥٩,٩٥٢
کانازاوا (Kanazawa)	٤٥٣,٩٧٥	٤٥٦,٤٣٤
اومیا (Omiya)	٤٣٣,٧٥٥	٤٥٦,١٦٤
ایچی‌کاوا (Ichikawa)	٤٤٠,٥٥٥	٤٤٨,٥٥٣
اوتسونومیا (Utsunomiya)	٤٣٥,٣٥٧	٤٤٣,٧٨٧
نیشی‌نومیا (Nishinomiya)	٣٩٠,٣٨٩	٤٣٨,١٢٩

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
اویتا (Oita)	٤٢٦,٩٧٩	٤٣٦,٤٩٠
کوراشی‌کی (Kurashiki)	٤٢٢,٨٣٦	٤٣٠,٢٣٩
یوکوسوکا (Yokosuka)	٤٣٢,١٩٣	٤٢٨,٨٣٦
ناگازاکی (Nagasaki)	٤٣٨,٦٣٥	٤٢٣,١٦٣
کاتسوشیکا ـ کو (Katsushika-ku)	–	٤٢١,٥٠٤
گیفو (Gifu)	٤٠٧,١٣٤	٤٠٢,٧٤٨
هیراکاتا (Hirakata)	٤٠٠,١٤٤	٤٠٢,٥٨٦
تویوناکا (Toyonaka)	٣٩٨,٩٠٨	٣٩١,٧٣٢
واکایاما (Wakayama)	٣٩٣,٨٨٥	٣٨٦,٥٠١
فوجی ساوا (Fujisawa)	٣٦٨,٦٥١	٣٧٩,١٥١
فوکویاما (Fukuyoma)	٣٧٤,٥١٧	٣٧٨,٧٩٣
ماچی دا (Machida)	٣٦٠,٥٢٥	٣٧٧,٥٤٦
کوتو ـ کو (Koto-ku)	–	٣٧٦,٧٨٩
نارا (Nara)	٣٥٩,٢١٨	٣٦٦,١٩٦
تویوهاشی (Toyohashi)	٣٥٢,٩٨٢	٣٦٤,٨٦٨
ایواکی (Iwaki)	٣٦٠,٥٩٨	٣٦٠,١٤٣

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
ناگانو (Nagano)	۳۵۸,۵۱۶	۳۶۰,۱۱۷
آساهی‌کاوا (Asahikawa)	۳۶۰,۵۶۸	۳۵۹,۵۲۶
تاکاتسوکی (Takatsuki)	۳۶۲,۲۷۰	۳۵۷,۴۴۰
تویوتا (Toyota)	۳۴۱,۰۷۹	۳۵۱,۰۶۸
سوئی‌تا (Suita)	۳۴۲,۷۶۰	۳۴۷,۹۳۸
اوکازاکی (Okazaki)	۳۲۲,۶۲۱	۳۳۶,۵۷۰
کوری‌یاما (Koriyama)	۳۲۶,۸۳۳	۳۳۴,۸۴۵
تاکاماتسو (Takamatsu)	۳۳۱,۰۰۴	۳۳۲,۸۶۶
کاواگوئه (Kawague)	۳۲۳,۳۵۳	۳۳۰,۷۳۷
کوچی (Kochi)	۳۲۱,۹۹۹	۳۳۰,۶۱۳
توکوروزاوا (Tokorozawa)	۳۲۰,۴۰۶	۳۳۰,۱۵۲
کاشی‌وا (Kashiwa)	۳۱۷,۷۵۰	۳۲۷,۸۶۸
کیتا ـ کو (Kita-ku)	-	۳۲۶,۷۲۹
تویاما (Toyama)	۳۲۵,۳۷۵	۳۲۵,۶۹۳
شیناگاوا ـ کو (Shinagawa-ku)	-	۳۲۴,۱۴۲
آکیتا(Akita)	۳۱۱,۹۴۸	۳۱۷,۵۶۳

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
ناکانو ـ کو (Nakano-ku)	–	۳۰۹,٤۹۵
کوشی‌گایا (Koshigaya)	۲۹۸,۲۵۳	۳۰۸,۲۷۷
میازاکی (Miyazaki)	۳۰۰,۰٦۸	۳۰۵,۷۷۷
ناها (Naha)	۳۰۱,۸۹۰	۳۰۱,۱۰۷
آئوموری (Aomori)	۲۹٤,۱٦۷	۲۹۷,۷٦۳
کوهوکو ـ کو (Kohoku-ku)	–	۲۹٤,۲۵۳
آکاشی (Akashi)	۲۸۷,٦۰٦	۲۹۳,۱۲۲
فوکوشیما (Fukushima)	۲۸۵,۷۵٤	۲۹۱,۱۱۷
یوکاای‌چی (Yokkaichi)	۲۸۵,۷۷۹	۲۹۱,۱۰٦
موریوکا (Morioka)	۲۸٦,٤۷۸	۲۸۸,۸٤٤
اوتسو (Otsu)	۲۷٦,۳۳۲	۲۸۸,۲۳۲
فوشی‌می ـ کو (Fushimi-ku)	–	۲۸۷,۹۱۰
هاکوداته (Hakodate)	۲۹۸,۸۸۱	۲۸۷,٦٤۸
کاسوگایی (Kasugai)	۲۷۷,۵۸۹	۲۸۷,٦٤۸
شنیجوکو ـ کو (Shinjuku-ku)	–	۲۸٦,٦۲۱
مائه‌باشی (Maebashi)	۲۸٤,۷۸۸	۲۸٤,۱۵٦

نام	جمعیت 1995/10/01	جمعیت 2001/10/01
ایچی‌هارا (Ichihara)	۲۷۷,۰٦۱	۲۷۸,۲۷۷
آئوبا ـ کو (Aoba-ku)	–	۲۷۷,۷۲۹
یائو (Yao)	۲۷٦,٦٦٤	۲۷٤,۷۷۹
ایچی‌نومی‌یا (Ichinomiya)	۲٦۷,۳٦۲	۲۷۳,۷۰۹
آئوبا ـ Ku (Aoba)	–	۲۷۰,۰٤۸
هیگاشی ـ Ku (Higoshi)	–	۲٦۹,۳۲۱
توکوشیما (Tokushima)	۲٦۸,۷۰٦	۲٦۸,۱۱٦
کاکوگاوا (Kakugowa)	۲٦۰,٥٦۷	۲٦٦,۱۷٥
ایباراکی (Ibaraki)	۲٥۸,۲۳۳	۲٦۰,٦٤٤
یاهاتانی‌شی (Yahatanishi-ku)	–	۲٦۰,٤٥۱
کیتا ـ کو (Kita-ku)	–	۲٦۰,۱۰۰
یاماگاتا (Yamagata)	٤۸۸,۲٥٤	۲٥٥,۳۳۳
هیراتسوکا (Hiratsuka)	۲٥۳,۸۲۲	۲٥٤,٦۳۰
تسورمی ـ کو (Tsurumi-ku)	–	۲٥٤,۱۰۷
آساهی ـ ku (Asahi-ku)	–	۲٥۲,۸۲۸

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
شیمونوسه‌کی (Shimonoseki)	۲۵۹,۷۹۵	۲۵۲,۳۹۰
فوکوای (Fokui)	۲۵۵,۶۰٤	۲۵۲,۲۷٤
توتسوکا ـ کو (Totsuka-ku)	–	۲۵۱,۰۳۷
نیاگاوا (Niyagawa)	٤٤۳,۲۵۸	۲۵۰,۸۳۷
مگورو ـ کو (Meguro-ku)	–	۲۵۰,۱۰۲
هیگاشی ـ کو (Higashi-ku)	–	۲٤۸,۹٦٤
توشیما ـ کو (Toshima-ku)	–	۲٤۸,۹۰٦
میتو (Mito)	۲٤٦,۳٤۷	۲٤٦,۷٤۸
مینامی ـ کو (Minami-ku)	–	۲٤۳,۰٤۲
هاچی‌نوهه (Hachinohe)	۲٤۲,٦٥٤	۲٤۱,۹۲۵
ساسه‌بو (Sasebo)	۲٤٤,۹۰۹	۲٤۰,۸۳۷
تاکاساکی (Takasaki)	۲۳۸,۱۳۳	۲۳۹,۸۸۵
شی‌می‌زو (Shimizu)	۲٤۰,۱۷٤	۲۳٦,۸۲۲
کوورومه (Kurume)	۲۳٤,٤۳۳	۲۳٦,۵۲۹
نی‌شی ـ کو (Nishi-ku)	–	۲۳۵,۷٦۳
فوجی(Fuji)	۲۲۹,۱۸۷	۲۳٤,۱۹۲

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
فوچو (Fuchu)	۲۱٦,۲۱۱	۲۲٦,۷٦۹
تارومی ـ کو (Tarumi-ku)	–	۲۲٦,۳۷۰
کیتا ـ کو (Kita-ku)	–	۲۲۵,۱۸۷
سوکا (Soka)	۹۳۰,۲۱۷	۲۲٤,۹۷۷
کونان ـ کو (Konan-ku)	–	۲۲۲,٦۰۱
تای‌هاکو ـ کو (Taihaku-ku)	–	۲۲۱,٤٤۸
شی‌گاساکی (Chigasaki)	۲۱۲,۸۷٤	۲۲۰,۸۱۰
آتسوگی (Atsugi)	۲۰۸,٦۲۷	۲۱۷,۳٦٦
سومیدا ـ کو (Sumida-ku)	–	۲۱۵,۷۱۳
کوکورامی‌نامی ـ کو (Kokuraminami-ku)	–	۲۱۳,۳۸۷
تاکارازوکا (Takarazuka)	۲۰۲,۵٤٤	۲۱۳,۰۳۳
آجه‌او (Ageo)	۲۰٦,۰۹۰	۲۱۲,۹٤۹
یاماتو (Yamato)	۲۰۳,۹۳۳	۲۱۲,۷۵۲
کاناگوا ـ کو (Kanagawa-ku)	–	۲۱۰,٦۹۱
ناکاگاوا ـ کو (Nakagawa-ku)	–	۲۰۹,۹۲٦
ماتسوموتو (Matsumoto)	۲۰۵,۵۲۳	۲۰۸,۹۷۲

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
نومازو (Numazu)	۲۱۲,۲٤۱	٥٦٥,۲۰۷
میدوری ـ کو (Midori-ku)	–	۲۰٦,۸٥٦
کانازاوا ـ کو (Kanazawa-ku)	–	۲۰٥,٤٤۰
چوفو (Chofu)	۱۹۸,٥۷٤	۲۰٤,۷٥۸
آسامی‌نامی ـ کو (Asaminami-ku)	–	۲۰٤,٦۸٥
تویوهیرا ـ کو (Toyohira-ku)	–	۲۰٤,٦٦٤
ساوارا ـ کو (Sawara-ku)	–	۲۰۳,٦۷۱
کاسوکابه (Kasuka be)	۲۰۰,۱۲۱	۲۰۳,٦٤٦
کورو (Kure)	۲۰۹,٤۸٥	۲۰۳,۱٤۷
هیرانو ـ کو (Hirano-ku)	–	۲۰۱,۷۲۱
هودوگایا ـ کو (Hodogaya-ku)	–	۲۰۱,٦٤۲
ایزومی ـ کو (Izumi-ku)	–	۲۰۰,۱۷۳
اوداوارا (Odauara)	۲۰۰,۱۰۳	۲۰۰,۱۷۳
کی‌شی‌وادا (Kishiwada)	۱۹٤,۸۱۸	۲۰۰,۱۱٥
می‌یاماثه ـ کو (Miyamae-ku)	–	۲۰۰,۰٤۰
نی‌شی ـ کو (Nishi-ku)	–	۱۹۹,۳۸۱

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
ناکاهارا ـ کو (Nakahara-ku)	–	۱۹۸,۲۷۶
شی‌روی‌شی ـ کو (Shiroishi-ku)	–	۱۹۷,۲۲۳
تاما ـ کو (Tama-ku)	–	۱۹۶,٦٤۷
شی‌بویا ـ کو (Shibuya-ku)	–	۱۹٦,٥۹٦
کوفو (Kofu)	۲۰۱,۱۲٤	۱۹٦,۱٥٥
اوکویو ـ کو (Ukyo-ku)	–	۱۹٥,٥۸۷
مینامی ـ کو (Minami-ku)	–	۱۹٥,۲۳۷
کاوازاکی ـ کو (Kawazaki-ku)	–	۱۹٤,۰۷٥
ناگائوکا (Nagaoka)	۱۹۰,٤۷۰	۱۹۳,٤۱٤
هیتاچی (Hitachi)	۱۹۹,۲٤٤	۱۹۳,۳٤٦
ایتامی (Itami)	۱۸۸,٤۳۱	۱۹۲,۱٥۲
کوشیرو (Kushiro)	۱۹۹,۳۲۳	۱۹۱,۷٤۷
هی‌گاشی‌ناوا ـ کو (Higashinada-ku)	–	۱۹۱,۳۰٤
اوجی (Oji)	۱۸٤,۸۳۰	۱۸۹,۱۱۳
کوکوراکیتا ـ کو (Kakurakita-ku)	–	۱۸۷,٦۸٦
سوزوکا(Suzuka)	۱۷۹,۸۰۰	۱۸٦,۱۳۸

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
هی‌گاشیوداوا ـ کو (Higashiyodagawa)	–	۱۸۳,۸۸۷
تاکاتسو ـ کو (Takatsu-ku)	–	۱۸۲,۰۹۵
چواو ـ کو (Chuo-ku)	–	۱۸۱,۳۴۵
هاکاتا ـ کو (Hakata-ku)	–	۱۸۰,۷۲۰
آراکاوا ـ کو (Arakawa-ku)	–	۱۸۰,۵۷۸
هانامی‌گاوا ـ کو (Hanamigawa-ku)	–	۱۷۹,۸۸۷
نی‌شی ـ کو (Nishi-ku)	–	۱۷۹,۵۱۳
می‌یاگینو ـ کو (Miyagino-ku)	–	۱۷۸,۷۸۲
کودای‌را (Kodaira)	۱۷۲,۹۴۶	۱۷۸,۵۶۲
هیروساکی (Hirosaki)	۱۷۷,۹۷۲	۱۷۷/۰۸۶
بونکویو ـ کو (Bunkyo-ku)	–	۱۷۵,۸۵۲
اوبه (Ube)	۱۷۵,۱۱۶	۱۷۴,۴۲۷
سوما ـ کو (Suma-ku)	–	۱۷۴,۰۵۵
اوبی‌هیرو (Obihiro)	۱۷۱,۷۱۵	۱۷۳,۰۲۳
ایزومی (Izumi)	۱۵۷,۳۰۰	۱۷۲,۹۷۵

جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	نام
۱۷۲,۱۷۱	۱۷۳,٦۰۷	تاکااوکا (Takaoka)
۱۷۲,۰۷۷	۱٦۹,۳۲۸	تاماکومای (Tamakomai)
۱۷۱,٦۰۱	۱٦٥,۷۲۱	میتاکا (Mitaka)
۱۷۱,٥٥٦	–	ساکی‌یو ـ کو (Sakyo-ku)
۱۷۰,۹۳۱	۱٦۲,٦۲٤	ساکورا (Sakura)
۱۷۰,۹۰۹	–	چواُو ـ کو (Chuo-ku)
۱٦۸,۹۲۸	۱٥٤,٥۰۹	یاچیو (Yachiyo)
۱٦۸,۱۸٥	۱٦٤,۷۲۲	هادانو (Hadano)
۱٦۷,۹۷۲	۱۷۱,۲۳۱	ساگا (Saga)
۱٦۷,۹۳٤	۱٦٦,٥۳۷	هینو (Hino)
۱٦۷,۷۰۳	–	کیتا ـ کو (Kita-ku)
۱٦۷,٥۸٥	۱۷۰,۳۲۹	کاماکورا (Kamakura)
۱٦٦,٦٦٤	–	نی‌شی ـ کو (Nishi-ku)
۱٦٥,۹٦۸	۱٥٦,۰۱۲	تسوکوبا (Tsukuba)
۱٦٥,۰۱٥	–	ایسوگو ـ کو (Isogo-ku)
۱٦٤,٦۳٤	۱٥۷,۸۸٤	تاچی‌کاوا(Tachikawa)

جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	نام
۱۶۳,۳۶۳	–	یودوگاوا (Yodogawa)
۱۶۳,۲۵۱	۱۶۳,۱۵۶	تسو (Tsu)
۱۶۳,۱۳۶	۱۶۵,۸۲۸	آشی‌کاگا (Ashikaga)
۱۶۱,٤٦۷	۱۶۲,۲٤۰	سایاما (Sayama)
۱۶۱,۰۵۵	–	سومی‌یوشی ـ کو (Sumiyoshi-ku)
۱۵۸,۸۲۶	۱٤۹,٤٦٤	آنجو (Anjo)
۵۸,۵۸۱	–	میناتو ـ کو (Minato-ku)
۱۵۸,۱۵۱	–	میدوری ـ کو (Midori-ku)
۱۵۷,۹۳۳	–	جوتو ـ کو (Joto-ku)
۱۵٦,۷۸۹	–	مینامی ـ کو (Minami-ku)
۱۵٦,۳۷۳	–	آساکیتا ـ کو (Asakita-ku)
۱۵٦,۲۷۱	–	تایتو ـ کو (Taito-ku)
۱۵٦,۱۹۲	۱۵٦,٤۲۹	کوماگایا (Kumagaya)
۱۵۵,۹۳۰	–	نی‌شی‌کیو ـ کو (Nishikyo-ko)
۱۵۵,۱۹۸	۱۵۰,۱۱۵	اویاما(Oyama)
۱۵۵,۱۱٦	–	تسوزوکی ـ کو (Tsuzuki-ku)

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
موری‌یاما ـ کو (Moriyama-ku)	–	۱٥٤,٤٥۲
ناراشینو (Narashino)	۱٥۲,۸۸۷	۱٥٤,۰٤۰
کاوانی‌شی (Kawanishi)	۱٤٤,٥۳۹	۱٥۳,۷٦۲
تمپاکو ـ کو (Tempaku-ku)	–	۱٥۳,۳۷۳
میتو ـ کو (Meito-ku)	–	۱٥۳,۱۰۳
ماتسوئه (Matsue)	۱٤۷,٤۱٦	۱٥۲,٦۱۸
موری‌گوچی (Moriguchi)	۱٥۷,۳۰٦	۱٥۲,۰۳۲
هیتاچی‌ناکا (Hitachinaka)	۱٤٦,۷٥۰	۱٥۱,٦٦٦
میناتو ـ کو (Minato-ku)	–	۱٥۱,٦۱۰
چواوکو (Chuo-ku)	–	۱٥۱,٥۹۷
واکابا ـ کو (Wakaba-ku)	–	۱٥۱,۳٥۳
اوتارو (Otaru)	۱٥۷,۰۲۲	۱٥۰,٦۷۷
ناگاریاما (Nagareyama)	۱٤٦,۲٤٥	۱٥۰,٥۲۰
تتوری (Tottori)	۱٤٦,۳۳۰	۱٥۰,٤۳٦
اوگاکی (Ogaki)	۱٤۹,۷٥۹	۱٥۰,۲۳۸
نی‌زا(Niisa)	۱٤٤,۷۲٦	۱٤۹,٥۱٦

جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	نام
۱۴۸,۴۸۶	-	چی‌کوسا ـ کو (Chikusa_ku)
۱۴۷,۹۰۵	۱۴۴,۴۰۲	ایروما (Iruma)
۱۴۷,۸۹۷	۱۴۳,۰۵۷	اوتا (Ota)
۱۴۷,۸۶۵	-	مینامی ـ کو (Minami-ku)
۱۴۷,۶۷۷	-	ایناگه ـ کو (Inage-ku)
۱۴۷,۳۸۱	-	ایزومی ـ کو (Izumi-ku)
۱۴۵,۸۵۹	۱۴۸,۱۱۳	تاما (Tama)
۱۴۳,۱۱۷	۱۳۷,۱۶۵	کوماکی (Komaki)
۱۴۲,۷۳۴	-	ایکونو ـ کو (Ikuno-ku)
۱۴۲,۳۱۱	۱۳۵,۱۱۲	هی‌گاشی‌مورایاما (Higashimurayama)
۱۴۲,۲۴۸	-	آسائو ـ کو (Asao-ku)
۱۴۱,۳۰۷	۱۳۷,۲۳۴	اومه (Ome)
۱۴۰,۴۵۸	۱۳۵,۵۷۹	یاماگوچی (Yamaguchi)
۱۴۰,۳۵۵	-	نی‌شی ـ کو (Nishi-ku)
۱۳۹,۵۵۸	-	هی‌گاشی‌سومی‌یوشی ـ کو (Higashisumiyoshi)
۱۳۸,۷۰۲	۱۳۴,۷۶۲	یوناگو (Yonago)

جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	نام
۱۳۸,٦۳٥	١٤٥,۰۸٥	اوموتا (Omuta)
۱۳۷,٦۲۸	–	یاماشینا ـ کو (Yamashina-ku)
۱۳٦,۸۱۰	–	نی‌شی‌ناری ـ کو (Nishinari-ku)
۱۳٦,٤۷۰	–	سای‌وای ـ کو (Saiwai-ku)
۱۳٦,۰۰٤	–	تائینه ـ کو (Teine-ku)
۱۳٥,۷۷٥	۱۳٥,۰٥۱	موساشینو (Musashino)
۱۳٥,٦٦۹	١٤۰,٥۰٦	کادوما (Kadoma)
۱۳٥,٥۰۹	–	می‌هاما ـ کو (Mihama-ku)
۱۳٥,٤۷۹	–	مینامی ـ کو (Minami-ku)
۱۳٥,٤۰۱	–	سومینو ـ کو (Suminoe-ku)
۱۳٤,۹٤۹	–	ناکامورا ـ کو (Nakamura-ku)
۱۳٤,۷٦۳	۱۳۲,۲۰٥	جوئتسو (Joetsu)
۱۳٤,۷۱۰	۱۳۲,۲٤۳	تسوچی‌اورا (Tsuchiura)
۱۳۳,۰۱۲	۱۲۳,٦٥٤	اورایاسو (Urayasu)
۱۳۲,٥٦۰	۱۳٤,٤٥۷	ماتسوبارا (Matwubara)
۱۳۲,۰٦۰	۱۲٥,۳۰٥	کاریا(Kariya)

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
کاکامی‌گاهارا (Kakamigahara)	۱۳۱,۹۵۵	۱۳۱,۹۹۰
می‌یاکونوجو (Miyakonojo)	۱۳۲,۷۱٤	۱۳۱,۹۱۸
ستو (Seto)	۱۲۹,۳۹۳	۱۳۱,٦٥۰
می‌ساتو (Misato)	۱۳۳,٦۰۰	۱۳۱,۰٥٦
واکابایاشی ـ کو (Wakabayashi-ku)	–	۱۲۹,٦۹۳
دایتو (Daito)	۱۲۸,۸۳۸	۱۲۹,۰۱۱
فی‌جی‌ای‌دا (Fujieda)	۱۲٤,۸۲۲	۱۲۸,٤۷۷
آتسوبتسو ـ کو (Atsubetsu-ku)	–	۱۲۷,۷۲٦
آبیکو (Abiko)	۱۲٤,۲٥۷	۱۲۷,۷۱۸
سائه‌کی ـ کو (Saeki-ku)	–	۱۲٦,۸۲۷
توندابایاشی (Tondabayashi)	۱۲۱,٦۹۰	۱۲٦,٥٥۱
بپو (Beppu)	۱۲۸,۲٥٥	۱۲۷,٥۱۸
جونان ـ کو (Jonan-ku)	–	۱۲٦,٤۷٤
ایساسه‌کی (Isaseki)	۱۲۰,۲۳٦	۱۲٥,۷٦۲
زاما (Zama)	۱۱۸,۱٥۹	۱۲٥,٦۸۳
نی‌هاما(Niihama)	۱۲۷,۹۱۷	۱۲٥,٥۳۹

نام	جمعیت ۱۹۹۵/۱۰/۰۱	جمعیت ۲۰۰۱/۱۰/۰۱
اونه‌دا (Ueda)	۱۲۳,۲۸٤	۱۲۵,۳٤٤
کاشی‌هارا	۱۲۱,۹۸۸	۱۲۵,۰۱٦
نوبه‌اوکا (Nobeoka)	۱۲٦,٦۲۹	۱۲٤,۷٦۲
کیسارازو (Kisarazu)	۱۲۳,٤۹۹	۱۲۲,۷٦٦
کاواچیناگانو (Kawachinagano)	۱۱۷,۰۸۲	۱۲۱,۰۱۲
اوکیناوا (Okinawa)	۱۱۵,۳۳٦	۱۱۹,٦۹۹
ایمابارای (Imabari)	۱۲۰,۲۱٤	۱۱۷,۹۳۱
کیرویو (Kiryu)	۱۲۰,۳۷۷	۱۱۵,٤۳٥
کیتامی (Kitami)	۱۱۰,٤٥۲	۱۱۲,۰۳۹
هاندا (Handa)	۱۰٦,٤٥۲	۱۱۰,۸۱۹
کووانا (Kuwana)	۱۰۳,۰٤٤	۱۰۸,٤۱۷
هیکونه (Hikone)	۱۰۳,٥۰۸	۱۰۷,۸٦٤
تاجی‌می (Tajimi)	۱۰۱,۲۷۰	۱۰٤,۱۳٤
هویا (Hoya)	۱۰۰,۲٦۰	۱۰۲,۷۱۳

فصل پنجم

بررسی وسعت کشور

۱ـ۵ـ تعیین میزان وسعت

کل مساحت ژاپن ۳۷۷,۸۷۳ کیلومتر مربع است که کمی از فنلاند، ویتنام یا مالزی بزرگ‌تر و یک‌بیست‌وپنجم ایالات‌متحده و کمتر از یک‌چهارم جمهوری اسلامی ایران است. این کشور به صورت سلسله جزایری به طول ۳,۳۰۰ کیلومتر از شمال به جنوب کشیده شده است. شمالی‌ترین نقطه آن (در سرزمین‌های شمالی تحت اشغال روسیه) در ۳۳َ°۴۵ طول شمالی و جنوبی‌ترین نقطه آن در ۲۰َ°۲۵ طول شمالی قرار دارد.[۹۵] ژاپن از نظر وسعت کشور کوچکی به‌شمار می‌رود.

۲ـ۵ـ بررسی تاریخی وسعت ژاپن

دوره آزوچی ـ مومویاما (۱۶۰۳ ـ ۱۵۷۳)

در این دوره حس توسعه‌طلبی پیدا شد و به همین جهت نیروهای نظامی تقویت

و یک سپاه قوی جهت تصرف شبه‌جزیره کره به آنجا اعزام شد، لیکن این حمله موفق نبود.

دوران میجی (۱۹۱۲ ـ ۱۸۶۷)

در این دوران با توجه به پیشرفت‌های حاصله، کم‌کم این احساس قوت یافت که دست‌یافتن به مقاصد اقتصادی و دفاعی کشور، نیازمند گسترش دامنه نفوذ در آن سوی دریاها است و بر این اساس بود که ژاپن با روسیه و چین برخورد منافع پیدا کرد. این برخوردها در وهلهٔ نخست به جنگ با چین و سپس با روسیه منجر شد که همراه با پیروزی ژاپن در هر دو جنگ بود و به‌دنبال آن شبه‌جزیره کره و فرمز به تصرف ژاپن درآمد و در منطقه منچوری نیز امتیازات مهمی کسب شد.[۹۶] البته مداخله سه قدرت روسیه، فرانسه و آلمان فتوحات ژاپن را در کره و چین در سال ۱۸۹۵ باز پس گرفت و طعم این شکست، کینه ژاپن نسبت به روسیه را برانگیخت. همچنین پیروزی روسیه در جنگ‌های بیست‌ماههٔ ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ که به تصرف نیمه‌جنوبی جزیره ساخالین از سوی این کشور انجامید، سبب شد که ژاپنی‌ها در سال ۱۹۱۸ ـ اوج انقلاب بلشویکی ـ با خشونت و کشتار بسیار، شرق سیبری و شمال ساخالین را برای مدتی در اختیار گیرند.[۹۷]

در سال‌های دهه ۲۰ در همان حالی که ژاپن به‌عنوان یک کشور صنعتی مدرن در راه ترقیات خود پیش می‌رفت، مشکلات زیادی نیز در حیات اقتصادی و اجتماعی مردم آن ظاهر شد که در نهایت در سال ۱۹۲۹ بر اثر بحران اقتصادی جهان وخامت بیشتری یافت. با آغاز رکود اقتصادی جهان، زندگی اقتصادی ملت ژاپن بی‌ثبات شد و پس از یک سلسله وقایع نامطلوب، اعتماد عمومی از احزاب سیاسی سلب شد و افراطیون از این وضع استفاده کرده و گروه‌های نظامی نیز فرصت را غنیمت شمرده و به منچوری تجاوز کردند.

در نتیجه پیروزی در جنگ جهانی اول، نفوذ ژاپن در آسیا به‌ویژه در چین تقویت شد و در پیمان ورسای قیمومت جزایر تحت سلطه قبلی آلمان در اقیانوس آرام و حقوق ویژه در چین به این کشور اختصاص یافت. پیروزی‌های جنگ جهانی اول و منافع و غنایم سرشار به‌دست

آمده و اثر مثبت جنگ بر رشد اقتصاد و صنایع داخلی، ضامن موفقیت افکار افراطی و ناسیونالیستی و میلیتاریستی بود. به‌عنوان مثال فقط در طول ۵ سال جنگ جهانی اول، میزان رشد تولیدات صنعتی ژاپن به ۷۲ درصد رسید که سهم صنایع نظامی و سنگین به ۱۵۶ درصد در ۵ سال بالغ می‌شد. چنین پیشرفت‌ها و درآمدهایی، ژاپنی‌ها را به توسعه‌طلبی حریص کرد. آنها جنگ را بیشتر به‌عنوان وسیله کسب قدرت اقتصادی، ضروری می‌دیدند. در ۱۹۳۱ ارتش ژاپن با ایجاد بهانه و صحنه‌سازی‌های قبلی به سرزمین غنی منچوری حمله و به‌طور رسمی آنرا اشغال کرد. این یک پیروزی برای محافل میلیتاریستی فعال بود. جنگ سراسری علیه ژاپن در ژوئیه ۱۹۳۷ که در آن نیروهای چپ به رهبری «مائوتسه‌تونگ» و جناح راست تحت فرماندهی ژنرال «چیان کایچک» به‌طور مشترک با ژاپنی‌ها می‌جنگیدند و حمایت دربست صاحبان صنایع سنگین و دولت از سیاست‌های نظامیان در توسعه‌طلبی را می‌توان نام برد.

نظریه رسالت پیشروی در آسیا که در زمان نخست‌وزیری شاهزاده «کونه‌ئه فوجی‌مارو» (۱۹۳۷) مطرح شد و به‌دنبال آن تشکیل شورای عمران آسیا در سال ۱۹۳۸، از برنامه‌های ژاپن برای توسعه منطقه نفوذ خود حکایت می‌کرد. اما برنامه مدون و مشخص اعمال این اهداف در طرح معروف تشکیل «حوزه وسیع سعادت مشترک در شرق آسیا» پیاده شده بود. در این طرح که در سال ۱۹۴۰ اعلام شد، کشورهای شرق آسیا و جزایر واقع در اقیانوس آرام به صورت مجتمعی درمی‌آمدند که ژاپن، شمال چین و منچوری پایگاه صنعتی آن و سرزمین‌های جنوبی تأمین‌کننده مواد خام بودند و دیگر کشورها، بازار مصرف این مرکز اقتصادی و صنعتی محسوب می‌شدند. این طرح ابتدا به‌طور سری و از سوی «موسسه کل تحقیقات جنگ» ارائه شد و در مجموع ژاپن، چین، منچوری، ایالات ساحل روسیه، سیبری، هندوچین، دریای جنوب استرالیا، هند و مجموع جزایر اقیانوس آرام را شامل می‌شد. به این ترتیب میلیتاریسم ژاپن با برنامه‌های آماده و درازمدت به استقبال جنگ جهانی دوم شتافت و با برپایی یک نظام شکست‌ناپذیرجنگی با پیشرفت در آسیای جنوب شرقی، از طریق هند و چین و تصرف فیلیپین، سنگاپور و اندونزی تهاجم خود را آغاز کرد.[۹۸]

پس از پیوستن شوروی به متفقین در کنفرانس یالتا (فوریه ۱۹٤۵)، استالین قول داد تا ۳ ماه بعد از شکست آلمان به ژاپن حمله کند، اما ژاپنی‌های بی‌خبر و درمانده از جنگ در پی میانجیگری شوروی برای خاتمه جنگ بودند. تا یک هفته قبل از تسلیم ژاپن، شوروی قرارداد بی‌طرفی نسبت به ژاپن را در عمل رعایت کرد و در ۸ اوت ۱۹۲۵ دو روز بعد از بمباران اتمی هیروشیما و یک روز قبل از انفجار ناکازاکی، به‌طور رسمی وارد جنگ با ژاپن شد و به منچوری، ساخالین و مجمع‌الجزایر کوریل و جزایر «هوپوریودو» حمله کرد. این اقدام شوروی که درست در زمان شکست و ضعف ژاپن انجام گرفت، ریشه‌های دشمنی را محکم‌تر کرد. تصرف مجمع‌الجزایر کوریل و جزایر چهارگانه «کوناشی‌ری»، «شیکوتان»، «اتورفو» و «هابومانی» در ۳/۷ کیلومتری هوکایدو و جنوب ساخالین از طرف شوروی براساس توافق‌های کنفرانس یالتا صورت گرفت و در عهدنامه صلح سانفرانسیسکو (۱۹۵۱) ژاپن پذیرفت که هیچ‌گونه ادعایی بر مجمع‌الجزایر کوریل و جنوب ساخالین نداشته باشد، اما از جزایر چهارگانه نامی برده نشد و بدین ترتیب دعوای چهل‌سالهٔ دو کشور بر سر مالکیت این جزایر آغاز شد، مناقشه‌ای که تا امروز نیز ادامه یافته است.[۹۹]

یکی از عللی که ژاپن در طول چند قرن گذشته همواره به کشورگشایی و توسعه قلمرو خویش تمایل داشته، همین عامل محدودیت تولیدات کشاورزی بوده است. پس از جنگ، ژاپن تمامی مستعمرات خود را از دست داد و برای سروسامان دادن به اوضاع کشاورزان داخلی بنا به توصیه ژنرال مک‌آرتور آمریکایی در ۲۱ اکتبر ۱۹٤٦، اصلاحات ارضی انجام شد.

۳ـ۵ـ گاه‌شمار حملات ژاپن

حمله به روسیه در ـ سال‌های ۵ ـ ۱۹۰٤

الحاق کره در ـ سال ۱۹۱۰

کسب سهم منافع آلمان در چین در جریان جنگ جهانی اول ـ سال ۱۹۱۷

لشکرکشی به سیبری ـ سال ۱۹۱۸

حمله به منچوری ـ سال ۱۹۳۱

حمله به چین ـ سال‌های ۳۸ ـ ۱۹۳۷

پیوستن به کشورهای محور در جنگ جهانی دوم و تصرف هنگ‌کنگ، فیلیپین، برمه، مالایا، اندونزی و بمباران سیلان و شمال استرالیا.

آنچه که مانع روحیه نظامیگری در ژاپن و توسعه‌طلبی شده مبتنی بر ماده ۹ قانون اساسی ژاپن است که طی آن حق توسل به جنگ از طرف دولت به کلی ممنوع شده است.

این ماده صراحت دارد:

«مردم ژاپن با دلبستگی کاملی که به صلح‌جهانی بر پایه عدالت و نظم دارند، براساس حق فرمانروایی خویش، جنگ و توسل به تهدید و زور را برای حل اختلافات با دیگر ملت‌ها برای ابد ملغی می‌کنند. برای حصول هدف فوق نیروهای زمینی، دریایی و هوایی و نیز وسایل جنگی هرگز ایجاد نخواهد شد و حق جنگ بالمره از دولت ساقط است».

به هر حال بعد از جنگ جهانی دوم و با توجه به قانون‌اساسی، وظیفه حفظ و حراست و تأمین امنیت ژاپن در برابر حمله خارجیان به نیروهای آمریکایی سپرده شد که آنها هم با ایجاد پایگاه‌هایی در ژاپن ـ البته در قالب پیمان‌های امنیتی دوجانبه بین دو کشور ـ این مهم را اجرا می‌کنند. با توجه به اهمیت محیط دریایی ژاپن و تنگه‌هایی که دریای ژاپن را به اقیانوس آرام پیوند می‌دهد و نیز نزدیکی هوکایدو به ساخالین (۲٤ کیلومتر)، زیردریایی‌های مجهز به سیستم بسیار پیشرفته تجسسی از طریق صوت در این تنگه مستقر شده‌اند.

٤ـ٥ـ تأثیر وسعت بر پراکندگی گروه‌های قومی و مذهبی

با توجه به وسعت این کشور، میزان تراکم جمعیت آن ۳۳٦ نفر در هر کیلومترمربع است. چرا که تنها ٤/٧ درصد مساحت ژاپن قابل سکونت و ٦٧/١ درصد مساحت آن پوشیده از جنگل و ۳/٥ درصد پوشیده از آب است و ۱۳/۱ درصد باقی‌مانده نیز به کشاورزی اختصاص دارد. بنابراین پرجمعیت‌ترین مناطق در امتداد ساحل شرقی که بسیار توسعه یافته است یا در نواحی

جنوبی ژاپن که تعداد زیادی از بزرگ‌ترین شهرهای ژاپن در آن واقع شده‌اند، زندگی می‌کنند. تقریباً ۲۳/۸ درصد در توکیو و استان‌های مجاور آن زندگی می‌کنند. در حال حاضر ۴۳/۷ درصد کل مردم ژاپن در نواحی اطراف سه شهر بزرگ توکیو، اوزاکا و ناگویا زندگی می‌کنند.

بافت جامعه ژاپن تقریباً یکدست و از یک نژاد متجانس (مغولان) بوده و از ناهماهنگی‌هایی بافتی سایر جوامع مصون مانده است. البته قومی کهن که آنها را نژاد یاماتو می‌نامند، اجداد ژاپنی‌ها بوده‌اند.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد در ژاپن پیروان مذهب شینتو، بودا و مسیحیت وجود دارند که دین مسیحیت از طریق کیوشو و از طریق هیات‌های مذهبی اسپانیایی و پرتغالی در اواسط قرن ۱۶ وارد این کشور شد که در مقایسه با آیین بودایی که از طریق چین و کره وارد ژاپن شده است، کاملاً در اقلیت قرار می‌گیرد.[۱۰۰]

۵ـ۵ـ تأثیر وسعت بر گستردگی حاکمیت

وسعت کشور ژاپن تأثیری بر حاکمیت آن نداشته و همه نقاط این سرزمین تحت حاکمیت حکومت مرکزی قرار دارد و همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، تحت برنامه اصلاحات نخست‌وزیر، جونیچیرو کویزومی و همچنین «برنامه تمرکززدایی»، خودمختاری محلی به استان‌های مختلف داده شده که به این منظور، تا حدودی اختیارات دولت مرکزی به آنها واگذار شده است. این‌کار در جهت اجرای بهتر قانون و در راستای اهداف توسعه ژاپن است.

۶ـ۵ـ تأثیر وسعت بر فعالیت‌های اقتصادی ـ سیاسی

همانطور که گفته شد از آنجایی‌که حدود ۶۸ درصد مساحت ژاپن پوشیده از جنگل و نواحی کوهستانی است و قسمت‌های وسیعی از اراضی این کشور برای ساخت خانه و جاده مناسب نیست، اغلب مردم در ساحل شرقی که بسیار توسعه‌یافته و یا در نواحی جنوبی که

تعداد زیادی از بزرگ‌ترین شهرهای ژاپن در آن واقع شده‌اند، زندگی می‌کنند. در واقع چهارپنجم مردم در شهرها یا شهرک‌های بزرگ زندگی می‌کنند. نواحی صنعتی ژاپن در کنار بنادر آن کشور به‌وجود آمده‌اند چرا که ژاپن بسیار وابسته به واردات مواد اولیه و خام بوده و به دلیل آنکه جزیره است، مهم‌ترین راه ورود مواد خام به این کشور از طریق بنادر و کشتی است و به همین دلیل اغلب صنایع در نزدیکی بنادر ژاپن واقع شده‌اند.

از لحاظ تمرکز سیاسی ـ اداری، توکیوی مرکزی حائز اهمیت است و از لحاظ فعالیت‌های نظامی، بیشترین اهمیت مربوط به جزیره اوکیناوا است که اکثریت پایگاه‌های آمریکایی در آن منطقه واقع شده‌اند.

۷ـ۵ـ سیاست‌های توسعه‌ای دولت

از سال ۱۹۶۹، تعداد ۸۷۹ منطقه مسکونی در سراسر ژاپن ایجاد شده و توسعه منطقه‌ای براساس طرح‌های مسکونی منطقه‌ای به منظور توسعه مناطق شهری و حومه (مزارع و دهکده‌های ماهیگیری) علاوه بر ارتقای سطح زندگی ساکنان مورد توجه بوده است. به منظور توسعه مناطقی که برای ساکنان محلی مناسب است، از سال ۱۹۹۰ طرح‌های جدید مسکونی منطقه‌ای با اهداف توسعه‌ای زیر دنبال شده است؛

ـ توسعه منطقه‌ای با نظر تمرکززدایی از استفاده از زمین در سطح ملی

ـ توسعه منطقه‌ای عمومی و نظام‌مند

ـ حمایت از توسعه منطقه‌ای اصلی

ـ توسعه از راه حمایت از بهبود زندگی روزمره[۱۰۱]

کشور ژاپن در حفظ زیبایی طبیعی و سنن و فرهنگ خود تا کنون موفق بوده، گرچه مشکلاتی نیز از قبیل شکاف منطقه‌ای و تهی‌شدن مناطق مرکزی شهرها وجود دارد و تمامی مناطق نیازمند احیا هستند. سیاست‌های خانه‌سازی و زمین در راستای تشویق جایگزینی در

مناطق روستایی بوده است. به‌علاوه وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل[1] به‌طور فعالانه از توسعه در مناطقی که دارای بارش سنگین برف هستند، مناطق شبه‌جزیره‌ای و جزایر دورافتاده شامل امامی[2] و اگاساوارا[3] حمایت کرده است. این وزارتخانه مسیر اتوبوسرانی برای مناطق کم‌جمیعت و حمل‌ونقل به جزایر دورافتاده ایجاد کرده تا این مناطق از دسترسی به وسایل حمل‌ونقل که یکی از نیازهای روزانه در مناطق روستایی است، برخوردار شوند.

این وزارتخانه طرحی را برای توسعه جامع هوکایدو در دست اجرا دارد.

اهداف این طرح عبارتند از:

۱. پیشرفت بازسازی بعد از فاجعه‌ای که کوه اوسو به بار آورد و تشکیل یک جامعۀ امن

۲.بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل به منظور لجستیک مؤثرتر و ایجاد یک جامعه فناوری اطلاعاتی پیشرفته

۳. تشکیل یک جامعه بازیافتی منطقه‌ای با هدف حفظ طبیعت غنی هوکایدو

٤. توسعه شهری در قلمرو شمالی که بسیار مورد توجه سالمندان است.

۵. ایجاد صنایع جدید برای خودکفایی هوکایدو

توسعه هسته حوزۀ محلی براساس برنامه اقدام

از بین پروژه‌هایی که باید انجام شود، طرح اساسی مصوبه براساس قانون توسعه هسته حوزه محلی و تقسیمات اداری ژاپن، پروژه‌های مؤثر برگزیده شده و طرح کلی (برنامه اقدام) طبق آن تصویب می‌شود.

ساخت مجتمع صنعتی با فناوری بالا

اهداف؛ توسعه اقتصادی و ملی به‌طور یکسان در سراسر کشور، تسهیل توسعه صنعتی منطقه و بهبود شرایط زندگی ساکنان محلی. اخیراً، توسعه منطقه‌ای در سراسر کشور جهت

1. Ministry of Land, Infrastucture and Transport (MLIT)
2. Amami
3. Ogasawara

حفظ طبیعت و تاریخ اصلی و فرهنگ سنتی با موفقیت صورت گرفته است. در این راه به منظور دستیابی به منطقه‌ای موفق، وزارتخانه از هر یک از پروژه‌های منطقه‌ای با تأمین هزینه‌های سربار آن حمایت می‌کند.

پروژه حیات منطقه‌ای قرن ۲۱

به منظور ایجاد خلاقیت و ایجاد روح زندگی در منطقه‌ای که دچار رکود شده، آژانس دولتی محلی طرح‌هایی را ارائه می‌دهد و وزارتخانه این پروژه‌ها را با همکاری وزارت بازرگانی و تجارت بین‌الملل و به‌منظور دستیابی به هدف فوق انجام می‌دهد.

پروژه مشترک در مناطق مرزی

برای توسعه منطقه‌ای گسترده روی خطوط مرزی استان‌ها، وزارتخانه با همکاری وزارت امور داخلی پروژه‌هایی را انتخاب کرده و از آن حمایت می‌کند.

مشکلاتی که در مناطق روستایی وجود دارد از قبیل؛ کاهش جمعیت و مسن شدن آن، رکود کشاورزی و جنگلداری، وزارتخانه پروژه‌ها را به‌طور نظام‌مند و ترکیبی بر اساس تاکتیک‌های ادارات محلی که با استفاده از خودمختاری منطقه‌ای آنها و ابتکار و نوآوری و ایجاد هماهنگی در مورد مکان اسکان و محیط زندگی، به اجرا درمی‌آورد.

سیاست توسعه نواحی شبه‌جزیره‌ای در ژاپن

از سال ۱۹۸۵ دولت ژاپن اقدامات جامعی را به مرحله اجرا درآورده تا توسعه منطقه‌ای را در نواحی شبه‌جزیره‌ای که دچار کمبودهای جغرافیایی هستند، ترویج کند. طبق قانون توسعه، شبه‌جزایر نواحی که از سه طرف در محاصره دریا هستند و از یک طرف به سرزمین اصلی متصل هستند و همچنین جزایری که از طریق پل به سرزمین اصلی متصل هستند و دچار مشکلات جدی از قبیل کمبود جمعیت و ایستایی صنایع محلی هستند، شامل این طرح

می‌شوند (تا سال ۲۰۰۱، کل ۲۳ ناحیه مشخص شده است). نواحی که تحت قانون مشخص شده‌اند، موضوع اقدامات جامع توسعه‌ای از طریق فرمولاسیون طرح‌های عمده برای توسعه شبه‌جزیره قرار می‌گیرند. این طرح‌ها شامل؛ آماده‌سازی زیرساخت‌های جاده‌ها، بنادر دریایی و فرودگاه‌ها، بهبود کشاورزی، جنگلداری، شیلات، بازرگانی، صنعت و جهانگردی، توسعه و استفاده از منابع آبی، بهبود محیط زندگی و گسترش خدمات رفاهی برای سالمندان و بهبود وضع آموزش و فرهنگ هستند.

مناطقی که به موجب این قانون شامل توسعه می‌شوند:

ـ نواحی که متشکل از حداقل دو ناحیه شهرداری و اداری (شهر، شهرستان و روستا) بوده و دارای مقیاس اقتصادی ـ اجتماعی مشخصی هستند؛

ـ نواحی که از لحاظ دسترسی به وسایل حمل‌ونقل سریع مانند بزرگراه‌های ملی، فرودگاه و سایر تسهیلات عمومی توسعه‌نیافته هستند؛

ـ نواحی که از لحاظ توسعه صنعتی پیشرفته نبوده و نیاز به اقداماتی جهت ارتقای توسعه صنعتی به منظور گسترش اشتغال دارند؛

در این طرح وزارتخانه‌های زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل، مدیریت دولتی، امور داخله، پست و ارتباطات و کشاورزی، جنگلداری و شیلات درگیر هستند.

فصل ششم

بررسی آسیب‌پذیری‌ها و مشکلات سرزمینی کشور

۱ـ۶ـ در عرصه منابع طبیعی

منابع آبی ژاپن به‌ویژه در زمان تسویو (بارندگی‌های فصلی)، توفان‌ها و فصل آب شدن در بهار بسیار غنی است. گرچه میزان بارندگی سالانه بسیار بیشتر از میانگین جهانی است ولی این به معنای وفور منابع آبی نیست. به دلیل جمعیت متراکم ژاپن، میزان بارندگی سرانه تنها یک‌ششم میانگین جهانی است. به‌علاوه از آنجایی‌که رودخانه‌ها دارای بستر کوچک و کانال‌های پرشیب هستند، جریان آب آنها بسیار شدید است و به‌طور نسبی میزان کمی از آنرا می‌توان استفاده کرد. در مقایسه با شهرهای سایر کشورها، شهرهای عمده ژاپن دارای ذخایر اندک آب هستند و هر ساله مشکلات ناشی از کم آبی در بخش‌هایی از کشور به‌وجود می‌آید.

تأمین منابع آب (۹۹ ـ ۱۹۸۰)

جمعیت (۱۰۰۰ نفر)

سال	تأمین آب طراحی شده	آب تأمین شده	تأمین آب موثر سالانه ۱۰۰۰ متر مکعب	نرخ انتشار
۱۹۹۰	۱۲٦,۸۸۵	۱۰۸,۸۸۵	۱٤,۰۰۷	۹٤/۷ درصد
۱۹۹۵	۱۲۹,٤۵٦	۱۱۲,٤۹٦	۱٤,۵٦۰	۹۵/۸ درصد
۱۹۹۷	۱۳۰,۱۳٦	۱۱۳,۸۹۷	۱٤,۷۳۰	۹٦/۱ درصد
۱۹۹۸	۱۲۹,٦۸٤	۱۱٤,٤٤۷	۱٤,۷٤۰	۹٦/۳ درصد
۱۹۹۹	۱۲۹,۵۸۱	۱۱۵,۰۰۱	۱٤,۷۲٦	۹٦/٤ درصد

به‌طور کلی آسیب‌پذیری‌ها در مثلث Jakota ـ (ژاپن ـ کره ـ تایوان) عبارتند از: صادرات حجیم، مازاد تجاری و توسعه سریع.

ژاپن

ژاپن به لحاظ تاریخی توسط دریا جدا شده و جزایر آتشفشانی این کشور در معرض خطر زلزله قرار دارند، زمین‌های قابل سکونت و منابع طبیعی در این کشور محدود است، محصول عمدهٔ آن برنج بوده و ماهی تنها منبع کلیدی پروتئینی در این کشور محسوب می‌شود. ژاپن برای تأمین نیاز جمعیت زیاد خود به واردات و همچنین از لحاظ اقتصادی به کمربندی پاسیفیک وابسته است.

۲ـ٦ـ در عرصه منابع انرژی

انرژی نیازی اساسی برای نوع بشر در جهت توسعه است. از زمان تاریخ مکتوب بشریت، جنگ‌های بسیاری بین ملل مختلف بر سر منابع انرژی به‌وقوع پیوسته است. تضمین تأمین

باثبات انرژی همیشه در اولویت بوده است. در حقیقت یکی از دلایلی که باعث هجوم ژاپن به چین و سایر کشورهای آسیایی شد، تأمین منابع کافی انرژی بود. حتی امروزه نیز بعد از گذشت نیم‌قرن، ژاپن دارای خودکفایی بسیار شکننده‌ای در جهت تأمین انرژی است.[۱۰۲] به‌علاوه این کشور ۹۷ درصد انرژی مورد نیاز خود را از خارج وارد می‌کند. بنا به گزارش سالانه آژانس بین‌المللی انرژی[1]، انرژی ژاپن امروزه به میزان ۵۲ درصد نفت، ۱۷ درصد زغال‌سنگ، ۱۲ درصد گاز طبیعی، ۳ درصد نیروی هیدروالکتریک، ۱۶ درصد نیروی هسته‌ای تأمین می‌شود.

این گزارش دلالت بر آن دارد که ژاپن بیشتر از سایر کشورها در جهان به نفت وابسته است. در سال ۱۹۹۹ بیش از ۸۵ درصد نفت خام ژاپن از خاورمیانه وارد شد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های ژاپن، وابستگی شدید آن به نفت خاورمیانه است. این وابستگی شدید می‌تواند ۲ خطر عمده برای ژاپن داشته باشد. یکی مسدود شدن راه صدور نفت و دیگری رشد شدید قیمت نفت است. اکثر تانکرهای نفتی خاورمیانه از تنگه باریک مالاکا بین شبه‌جزیره مالای و جزیره سوماترا در اندونزی عبور می‌کنند. این نقطه ضعف ژئوپولیتیک نه تنها مربوط به دزدان دریایی می‌شود بلکه حتی یک دولت هم می‌تواند به راحتی این تنگه را مسدود و ژاپن را از این منبع انرژی محروم کند. در گزارش گروه کاری امنیت انرژی (سال ۲۰۰۱) آژانس انرژی و منابع طبیعی ژاپن، نگرانی دولت ژاپن نسبت به امکان مسدود کردن مسیر عبور این تانکرها و وادار کردن آنها به‌پیمودن مسیری غیرمستقیم چون تنگه لامبوک اندونزی عنوان شده که در این صورت قیمت نفت شدیداً افزایش یافته و این بحران نه تنها گریبانگیر اقتصاد ژاپن بلکه گریبانگیر سایر کشورهای آسیایی نیز که ذخایر نفتی کافی ندارند، خواهد شد.

نوسانات قیمت نفت خام می‌تواند تأثیر شدیدی بر توازن حساب‌های ژاپن بگذارد چرا که واردات نفت سهم بزرگی از کل واردات ژاپن را به خود اختصاص داده است.

---

1. International Energy Agency (IEA)

یکی دیگر از موارد آسیب‌پذیری ژاپن، محدودیت‌های جغرافیایی است که این کشور نمی‌تواند با قاره اوراسیا ارتباط داشته باشد چه از طریق خط لوله گاز و چه خط لوله نفت. همین محدودیت‌ها باعث شده ژاپن به فکر واردات گاز مایع طبیعی باشد. در این راه، گاز طبیعی که از جزایر ساخالین (تحت کنترل روسیه) آورده می‌شود، می‌تواند منبعی برای تأمین انرژی باثبات برای ژاپن در راستای سیاست این کشور در جهت گرایش به سوی منابع انرژی جدید باشد.

به هر حال میزان وابستگی ژاپن به نفت که بزرگ‌ترین منبع انرژی این کشور به‌شمار می‌رود از زمان بحران‌های نفتی دهه ۷۰ شدیداً کاهش یافته، یعنی از ۷۷ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. از سوی دیگر انرژی هسته‌ای و گاز طبیعی دارای نقش مهمی در تأمین منبع انرژی شده‌اند. مصرف انرژی هسته‌ای از یک درصد در سال ۱۹۷۳ به ۱۲ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته در حالی‌که گاز طبیعی از ۲ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۱۳ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است.

جدول تغییرات عرضه انرژی اولیه (درصد)

	۱۹۷۳	۱۹۹۰	۲۰۰۱
عرضه انرژی اولیه (نفت خام برابر میلیون) (KL)	٤١٤	٥٢٦	٥٨٨
نفت	۷۷	٥٨	٤٩
زغال سنگ	١٥	۱۷	۱۹
گاز طبیعی	۲	۱۰	۱۳
انرژی هسته‌ای	۱	۹	۱۳
نیروی هیدرولیک	٤	٤	۳
نیروی گرمایشی	۰	۰/۱	۰/۱
منابع جدید انرژی	۱	۱	۲

جدول تغییرات در ظرفیت و تولید الکتریسیته (درصد)

(برای تأمین‌کنندگان عمومی برق)

	۱۹۷۳	۱۹۹۰	۲۰۰۱
تولید الکتریسیته (۱۰,۰۰۰kw)	۸,۰۳۹	۱۷,۲۱۲	۲۳,۰۳۰
نیروی حرارتی نفت	٦۱	۳۱	۲۲
نیروی حرارتی زغال سنگ	٦	۷	۱۳
نیروی حرارتی گاز مایع طبیعی	۳	۲۲	۲٦
نیروی هسته‌ای	۳	۱۸	۲۰
نیروی هیدروالکتریک	۲۷	۲۱	۲۰

انرژی‌های جدید[۱۰۳]

اقدامات ویژه برای گسترش انرژی‌های جدید از سال ۱۹۹۷ آغاز شد. تعریف «استفاده از انرژی جدید»، «تکنولوژی ضروری برای معرفی انرژی جایگزین نفت است که از لحاظ فناوری در جهت کاربرد عملی موفق بوده ولی به دلیل محدودیت‌های اقتصادی کاربرد گسترده‌ای ندارد» است.

میزان استفاده از انرژی‌های جدید ژاپن در سال ۱۹۹۸ به میزان ٤/۹ درصد بوده که طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده این میزان در سال ۲۰۱۰ به ۷ درصد می‌رسد.

انرژی‌های جدید از فناوری‌های زیر تشکیل شده است:

۱. تولید برق با استفاده از نور
۲. تولید برق با استفاده از آب
۳. تولید برق با استفاده از گرمای خورشید
٤. انرژی اختلاف گرمایی
۵. تولید برق با استفاده از ضایعات
٦. استفاده گرمایی از ضایعات

۷. تولید سوخت از ضایعات
۸. تولید برق با استفاده از انباشته‌های زیستی (Biomass)
۹. استفاده حرارتی از انباشته‌های زیستی
۱۰. تولید سوخت از انباشته‌های زیستی
۱۱. استفاده از گرمای یخ برفی
۱۲. موتورهای انرژی پاک
۱۳. تولید دوگانه گاز طبیعی
۱٤. سلول‌های سوختی

باید توجه داشت که حدود دوسوم نفت صادره به ژاپن از مسیر تنگه هرمز عبور می‌کند. به همین دلیل هر خطری که متوجه این آبراه استراتژیک شود به معنای تهدید فعالیت تقریباً نیمی از صنایع ژاپن خواهد بود. بعد از بحران‌های نفتی ۱۹۷۳ و ۱۹۷٤ ژاپن کوشید که نخست بازارهای خرید دیگری جز خاورمیانه پیدا کند و دوم منابع دیگر انرژی‌زا را به جای نفت جایگزین کند. تحولات بعدی خاورمیانه و عدم ثبات کافی دولت‌های این منطقه به‌ویژه وقوع انقلاب اسلامی ایران، رشد نهضت‌های اسلامی در منطقه و جنگ ایران و عراق، زنگ‌های خطری برای امنیت اقتصادی ژاپن محسوب می‌شدند که به نوبه خود به اعمال سیاست‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی با توجه به مناطق آرام‌تر نفت‌خیز به‌ویژه در اقیانوس آرام و آمریکای لاتین و به‌خصوص تغییر در نوع مصرف انرژی و اتکای بیشتر به انرژی اتمی انجامید.[۱۰٤]

۳ـ٦ـ در عرصه مرزها

از آنجایی که ژاپن مجمع‌الجزایر است، بنابراین فاقد مرزهای زمینی مشترک با همسایگان خود بوده و مرز آبی نیز ندارد. ژاپن محدوده سرزمینی خود را در سال ۱۹۷۷ در نقطه ۱۲ مایل دریایی از ساحل بنا نهاد. روسیه، چین و جمهوری کره نزدیک‌ترین کشورها به ژاپن هستند.

همین موقعیت طبیعی و جغرافیایی ژاپن باعث شده که ژاپن به صورت یک قدرت بزرگ درآید. دور بودن از دیگر کشورها و مشکل مسافت برای قدرت‌های بزرگ جهت تدارک یک حمله بزرگ به این کشور باعث شده که از تعرضات بیگانه در امان بماند. اما به هر حال کشور چین از نظر امنیتی یکی از منابع نگرانی ژاپنی‌هاست و اخیراً این گمان برای ژاپنی‌ها به‌وجود آمده که توسعه امکانات نظامی پکن و تأکید رهبران این کشور بر زنده کردن ادعاهای ارضی، موجب بی‌ثباتی منطقه شده و این اقدامات در جهت تلاش چین برای سلطه بر منطقه آسیا در دوران پس از جنگ سرد به‌شمار می‌رود. به‌خصوص که دولت چین حاکمیت ژاپن را بر جزایر «سنکاکو» رد کرده و جزایر مذکور را متعلق به خود می‌داند. در این رابطه برخی از صاحبنظران سیاسی ژاپن متفقاً با دولت هم‌عقیده‌اند که، «اگرچه جنگ سرد پایان یافته، ولی هنوز عوامل بی‌ثباتی در مناطق نزدیک به ژاپن، مانند وضعیت حساس در شبه‌جزیره کره و بین چین و تایوان وجود دارد و تا زمانی که این بخش از جهان ثبات نیابد، صلح و آرامش برای ژاپن به‌وجود نخواهد آمد».[۱۰۵]

در سال ۱۹۷۰، آقای ناکاسونه، رئیس آژانس دفاع، سیاست نظامی ژاپن را به این ترتیب اعلام کرد که، «منطقه مداخله نظامی ژاپن، کشورهای واقع در عرض جغرافیایی ژاپن و حومه آن است». براساس تفسیر معاون وزیر امور خارجه وقت ژاپن، این منطقه کشورهای ویتنام، کره و تایوان را شامل می‌شود. کره از ۱۰۰ سال پیش تا کنون برای ژاپن اهمیت داشته، زیرا در فاصله ٤٢ کیلومتری دروازه ورود به آسیا قلمداد می‌شده است. چنانکه می‌دانیم این شبه‌جزیره به‌طور مکرر مورد هجوم نظامی ژاپن قرار گرفته است.

پس از تقسیم کره به دو بخش شمالی (تحت نفوذ چین و شوروی سابق) و جنوبی (متحد آمریکا)، روابط ژاپن و کره جنوبی از نظر نظامی در راستای سیاست آمریکا قرار گرفت.

در بیانیه «ساتو ـ نیکسون»، کره به‌عنوان «عامل عمده‌ای در امنیت ژاپن»[۱۰۶] قلمداد شد و در تمرین‌های مشترک نظامی ژاپن با آمریکا در سال‌های ۱۹۷۱ ـ ۱۹٦٤، طرح «تصرف کره جنوبی و حمله به کره شمالی» را آزمودند.

به هر حال وجود همسایه‌ای به نام کره شمالی باعث نگرانی ژاپنی‌ها در مورد احتمال برخورداری از تسلیحات هسته‌ای توسط این کشور شده است. برنامه‌های موشکی کره شمالی و به‌خصوص آزمایشات اخیر موشکی این کشور از قبیل آزمایش موشک «رودنگ یک» نشان داد که این کشور قادر است با موشک‌های دوربرد، ژاپن را مورد حملات سخت نظامی خود قرار دهد. از این روست که ژاپنی‌ها نیز به سرمایه‌گذاری بر روی ساخت و پرتاب ماهواره‌های جاسوسی به فضا دست زده‌اند تا بتوانند با دقت بیشتری تحرکات کره شمالی را زیر نظر قرار دهند.

مسئله دیگر مورد توجه ژاپن در این منطقه از نظر استراتژیک، تنگه مالاکا، واقع شده در میان اندونزی و مالزی است که محل عبور ٦۰ درصد کشتی‌های تجاری و به‌ویژه تانکرهای نفتکش از خلیج‌فارس و اقیانوس هند به اقیانوس آرام است. اهمیت حفظ امنیت این تنگه برای ژاپن حیاتی است و به همین دلیل همواره بخشی از ناوگان نیروهای دریایی ژاپن در این منطقه حاضر است.[(۱۰۷)]

در مورد روسیه باید اذعان داشت تاریخ روابط دو کشور حاکی از تخاصم بین آن دو و رقابت‌های آنان بر سر مناطق مرزی است. پیروزی نسبی روسیه در جنگ‌های بیست ماهه ۱۹۰٤ تا ۱۹۰۵ که به تصرف نیمه جنوبی ساخالین از سوی این کشور انجامید، سبب شد که ژاپنی‌ها در سال ۱۹۱۸ ـ اوج انقلاب بلشویکی ـ با خشونت و کشتار بسیار، شرق سیبری و شمال ساخالین را برای مدتی در اختیار گیرند.

تصرف مجمع‌الجزایر کوریل و جزایر چهارگانه «کوناشی ری»، «شیکوتان»، «اتوروفسو» و «هابومانی» در ۳/۷ کیلومتری هوکایدو و جنوب ساخالین از طرف شوروی براساس کنفرانس یالتا در سال ۱۹٤۵ صورت گرفت و در عهدنامه صلح سان‌فرانسیسکو (سال ۱۹۵۱) ژاپن پذیرفت که هیچ‌گونه ادعایی بر مجمع‌الجزایر کوریل و جنوب ساخالین نداشته باشد، اما از جزایر چهارگانه نامی برده نشد و بدین ترتیب دعوای ۵۰ ساله دو کشور بر سر مالکیت این جزایر آغاز شد و ادامه یافت. در

کتاب‌های جغرافی ژاپن، از این چهار جزیره به‌عنوان «سرزمین‌های شمالی تحت اشغال» نام برده شده است.

حضور دو پایگاه دریایی و یک پایگاه مهم زیردریایی در ساخالین و تأسیس یک پایگاه بزرگ جدید زیردریایی در جزایر کوریل که در نزدیک‌ترین فاصله با بخش شمالی ژاپن قرار دارد و نیز ایجاد تأسیسات و پایگاه‌های نظامی درجزایر چهارگانه مورد اختلاف، سبب هراس ژاپن و نیز بزرگ‌ترین مانع حل اختلافات مرزی بین دو کشور است.

موافقت‌نامه «ضد شوروی» ژاپن و چین نیز نیاز شوروی به مرزهای شمال شرقی خود با اقیانوس آرام را تشدید کرده است. شوروی با اعلام محدوده ۲۰۰ مایلی جزایر مذکور به‌عنوان مناطق ماهیگیری تحت اختیار خود در سال ۱۹۷۷، علاوه بر کوتاه کردن دست ژاپن از یکی از غنی‌ترین منابع غذایی دریایی جهان، از نظر استراتژیک نیز دامنه فعالیت ژاپن در مرزهای آبی شمالی و غربی را محدود کرد.

تعهد ژاپن برای محافظت از محدوده هزار مایلی مرزهای آبی خود، حوزه امنیتی تحت مسئولیت این کشور را از شمال و غرب تا داخل خاک روسیه، از جنوب تا تایوان و فیلیپین و از شرق تا حدود «گوام» گسترش داده و راه‌های ارتباط روسیه با اقیانوس آرام را تحت کنترل ژاپن قرار می‌دهد.

البته حفظ امنیت راه‌های تجاری دریایی برای اقتصاد ژاپن که حجم واردات آن در سال بسیار بالاست حیاتی است، اما محدودهٔ ۱۶۰۰ کیلومتری تنها یک‌دوم راه‌های تجاری ژاپن را شامل می‌شود. هدف اساسی این طرح، همان‌طور که آمریکا در نظر دارد، ساختن یک جزیره حفاظت شده و مستقل از روسیه است.

در مسیر اعمال این هدف، ژاپن علاوه بر اتحاد و همکاری با نیروهای آمریکایی مستقر در ژاپن و اقیانوس آرام با کشورهایی مانند کره‌جنوبی، ویتنام، تایوان، چین و حتی برخی از کشورهای عضو «مجمع کشورهای آسیای جنوب شرقی» (آسه‌آن) قراردادهای امنیتی و نظامی منعقد کرده است.

بررسی آسیب‌پذیری در عرصه آمایش سرزمینی

ژاپن در یکی از فعال‌ترین مناطق زلزله‌خیز جهان در تقاطع صفحات دریایی اوراسیا، اقیانوس آرام و فیلیپین واقع شده است. سابقه تاریخی زمین‌لرزه‌های مخرب در ژاپن به حدود ۱۳۰۰ سال می‌رسد و شامل زلزله بزرگ سال ۱۹۲۳ کانتو با شدت ۷/۹ در مقیاس ریشتر می‌شود که شدیدترین زلزله‌ای بوده که تاکنون در ژاپن رخ داده است.[۱۰۸]

طرز قرار گرفتن تکتونیکی ژاپن که شدیداً در معرض کانون فشار قرار دارد، باعث وارد آمدن خسارات بسیاری به مناطق شهری می‌شود که یک نمونه آن در سال ۱۹۹۵ در کوبه با شدت ۷/۲ در مقیاس ریشتر رخ داد.

فرورانش صفحه اقیانوس آرام و صفحه فیلیپین تحت صفحه اوراسیا نه تنها آتشفشان‌ها را در ژاپن به‌وجود می‌آورد بلکه این کشور را به صورت یکی از مناطق به شدت زلزله‌خیز جهان درآورده است. گدازه‌های بسیاری در ژاپن جریان می‌یابند که در ارتباط با مناطق فرورانش هستند و باعث وقوع بسیاری از زمین‌لرزه‌های بزرگ و تعداد بسیاری زمین‌لرزه‌های کوچک‌تر می‌شوند.[۱۰۹]

از آنجایی که منطقه کانتو که توکیو در آن قرارگرفته، در معرض خطر زلزله قرار دارد، لذا مطالعات اولیه برای جابه‌جایی توکیو و تمرکززدایی آن به‌عمل آمده است. بنابراین مقتضی است که کارکردهای توکیو به‌عنوان پایتخت ملی به جای دیگری منتقل شود که امکان وقوع زمین‌لرزه‌ها یا سایر بلایا در مقیاسی بزرگ به‌طور همزمان مانند آنچه در توکیو اتفاق افتاد، کم باشد. بنابراین جابه‌جایی باعث کاهش خطرپذیری و افزایش ایمنی در مقابل بلایا می‌شود. به این موضوع به‌طور تفصیلی در مبحث مربوط به لزوم جابه‌جایی پایتخت اشاره شده است.

برخی از تخریب‌هایی که در سالیان اخیر اتفاق افتاده شامل این موارد می‌شود؛ آتشفشانی جولای ۱۹۹۰ کوه اونزن[1] که منجر به کشته و ناپدید شدن ۴۳ نفر شد،

---

1. Unzen

زلزله جولای ۱۹۹۳ سواحل جنوب غربی هوکایدو که ۲۳۰ کشته و مفقود به‌جای گذاشت و زلزله عظیم سال ۱۹۹۵ منطقه بزرگ هانشین آواجی که بیش از ۶,۴۰۰ کشته برجای گذاشت و موجب خرابی زیرساخت‌های شهری چون منازل مسکونی، دفاتر اداری، جاده‌ها، خطوط راه‌آهن و تسهیلات بندری در کوبه و اطراف آن شد.

در ماه مارس سال ۲۰۰۰، کوه «اوسو» در جنوب غربی هوکایدو برای اولین‌بار پس از سال ۱۹۷۷ فوران کرد. کوه «اویاما» در جزیره میاکه ـ یکی از جزایر ایزو ـ فعالیت آتشفشانی خود را در جولای آغاز کرد و ساکنان آن منطقه مجبور شدند در توکیو پناه بگیرند.

٤ـ٦ـ در عرصه بلایای طبیعی

به دلیل شیب بسیار زیاد رودخانه‌ها و جریان شدید آب و کوتاهی مسیر آنها در ژاپن، امکان وقوع سیل در رودخانه‌ها بسیار زیاد است. نرخ تخلیه حداکثر سیل نسبت به وسعت بستر رودخانه نسبتاً زیاد است و از ۱۰ تا ۱۰۰ بار در مقایسه با رودخانه‌های عمده سایر کشورها متغیر است. سطح آب سریعاً افزایش و کاهش می‌یابد. ضریب رژیم رودخانه؛ نرخ تخلیه حداکثر به تخلیه حداقل بین ۲۰۰ و ٤۰۰ است، یعنی ۱۰ بار بیشتر از رودخانه‌های قاره‌ای و از دیگر سو حجم جابه‌جایی رسوب‌ها نیز بسیار بالاست.

نگاهی به سوابق تاریخی نشان می‌دهد که از دوران تایشو (۱۹۲٦ ـ ۱۹۱۲) تا آغاز دهه شوا[1] (۱۹۸۹ ـ ۱۹۲٦)، سیل بزرگی در ژاپن به‌وقوع نپیوسته است. در عین حال کارهای ساختمانی مربوط به کنترل سیل به‌طور مداوم بر طبق «برنامه دوم کنترل سیل» که در سال ۱۹۲۱ طرح‌ریزی شده بود، ادامه داشت و «برنامه سوم کنترل سیل» در سال ۱۹۳۳ طرح شد. بعد از آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹٤۵ ـ ۱۹٤۱)، کارهای مربوط به کنترل سیل از لیست

1. Showa

پروژه‌های اولویت‌دار ملی خارج شد. ولی سیل‌های عظیم همچنان بر سرزمین مخروبه بعد از جنگ خسارت وارد می‌کرد.

تعداد کسانی‌که در اثر فاجعه‌ای طبیعی (توفان و زلزله) کشته یا ناپدید می‌شوند، بعد از پایان جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۵۰، هر ساله بیش از ۱۰۰۰ نفر بوده است. یکی از مهم‌ترین آنها توفان «ایسه‌وان» در سال ۱۹۵۹ بود که بزرگ‌ترین خسارات را در اثر سیل وارد کرد و بیش از ۵۰۰۰ کشته و ناپدید بر جای گذاشت و باعث ویرانی ناحیه چوبو شده و سیلی عظیم را در سواحل خلیج ایسه به‌وجود آورد. بلافاصله بعد از وقوع این فاجعه، پیش‌نویس «قانون اتخاذ اقدامات اضطراری برای کنترل سیل و خرابی» (سال ۱۹٦۰) و اولین برنامه پنج ساله کنترل سیل، با استفاده از بودجه ملی تدوین شد. «قانون رود» نهایتاً در سال ۱۹٦٤ تدوین شد.

اقداماتی که به منظور کنترل سیل در دوران بازسازی پس از جنگ جهان دوم صورت‌گرفته، باعث کاهش طغیان رودخانه‌ها در بستر خود شده که هم شدت و هم میزان مساحت نواحی تحت تأثیر سیل را کاهش داده است. گرچه در سالیان اخیر، تورم قیمت املاک به دلیل رشد سریع اقتصادی و تداوم تمرکز بر املاک شهری در دشت‌های سیلابی باعث افزایش هزینه تخریبی سیل در نواحی شهری شده است، اما تراکم خسارات ناشی از سیل (نسبت به خسارت وارده به حوزه تحت تأثیر) شدیداً افزایش یافته و خسارت وارده به املاک به دلیل طغیان رودخانه و میزان آب جمع‌آوری شده در پشت سدها، به‌عنوان درصدی از خسارات کلی در حال افزایش است.

از آنجایی‌که کشور ژاپن محصور شده در آب است، نسبت به توفان، موج‌های سهمگین و تسونامی در سواحل بسیار آسیب‌پذیر است.

آمار سال ۲۰۰۰

	کشته یا مفقود	زخمی	تخریب کلی منازل	تخریب بخشی منازل	سیل	تخریب مزارع
زلزله یا آتشفشان	۱	۱۷٤	٤۹۳	۳/۱۳۳	–	–
تندباد	–	٤٦	۲	۵	–	–
باران‌های سیل‌آسا	۱٤	۱۲۰	۳۷	۱۷۸	۲۳,۷۹۷	٦,۳۷۸
توفان	–	۱۱	۵	۲۷	۵٦۰	۱,۱۰۰

منبع: Facts & Figures of Japan, 2002

۵ـ٦ـ در عرصه جابه‌جایی و نقل‌مکان‌های درون کشوری

همان‌طور که قبلاً دیدیم، کشور ژاپن از چهار جزیره بزرگ و تعداد زیادی جزیره کوچک تشکیل شده است. به علت این مختصات جغرافیایی، سیستم حمل‌ونقل ژاپن از مجموعه شبکه‌های راه‌های فرعی که به جاده‌های اصلی از شمال به جنوب کشور کشیده شده، تشکیل شده است.

سیستم حمل‌ونقل ژاپن در دوران رشد سریع اقتصادی، تحولات شگرفی کرد و طی سال‌های ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰، حجم حمل‌ونقل مسافر و بار پنج برابر شد. سیاست‌های دولت در زمینه حمل‌ونقل، بیشتر به منظور ایجاد سیستم حمل‌ونقل سریع، قطارهای سریع‌السیر (شینکانسن)، اتوبان و احداث و بهبود فرودگاه‌های بزرگ بوده و استفاده مؤثر از این سیستم، موجب احیای اقتصاد مناطق مختلف کشور شده است.

سیاست وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل در مورد نگهداری و بهبود جاده‌های اصلی کشور همواره در راستای سرعت و امنیت شبکه راه‌های ژاپن و سرمایه‌گذاری در زمینه ساخت قطارهای سریع‌السیر و سایر وسایل حمل‌ونقل سریع استوار بوده است. در سال‌های اخیر، تقریباً شبکه حمل‌ونقل ژاپن به بخش خصوصی واگذار شده و شرکت‌های مختلف راه‌آهن، هواپیمایی، اتوبوسرانی و تاکسیرانی توسط این بخش اداره می‌شود.[۱۱۰]

همانند اکثر خطوط راه‌آهن دنیا، خطوط راه‌آهن کشوری ژاپن درگیر کمبودهای بسیاری است. مجلس ژاپن در تلاشی برای بهبود وضعیت، قانونی را برای خصوصی‌کردن خطوط راه‌آهن ژاپن تصویب کرد و آنرا بین شش شرکت راه‌آهن مسافری تقسیم کرد.[۱۱۱] علاوه بر این شرکت‌ها، ۱٦ شرکت راه‌آهن بزرگ و بیش از ۱۰۰ شرکت کوچک، حمل‌ونقل منطقه‌ای را انجام می‌دهند.[۱۱۲]

در حال حاضر وسایل حمل‌ونقل جمعی در ژاپن بسیار پیشرفته است ولی نظام جاده‌ای تا حدودی عقب‌مانده است و کفاف تعداد اتومبیل‌ها را نمی‌دهد. ساخت جاده در ژاپن مشکل است، چرا که مناطق پرتراکم جمعیتی وجود دارد و نیز زمین قابل استفاده بسیار محدود است.

در حال حاضر ۱/۵ میلیون کیلومتر راه جاده‌ای یعنی ۳ کیلومتر جاده به ازای هر کیلومتر مربع زمین وجود دارد که این میزان به‌طور تقریبی دو برابر فرانسه یا انگلستان است.

توسعه شبکه جاده‌های اصلی باعث تسهیل فعالیت‌های گوناگون شده و زندگی مردم را غنی‌تر کرده است. گرچه گسترش شبکه جاده‌ای هنوز هم ناکافی است. به‌عنوان مثال طول بزرگراه‌های موجود در ژاپن هنوز دوسوم آنچه که در آلمان وجود دارد، است و به همین منظور بزرگراه‌ها و شاهراه‌های منطقه‌ای به منظور ایجاد شبکه حمل‌ونقل جامع در دست ساخت است.

	مجموع طول	تا پایان سال ۲۰۰۱	
		کل طول مورد بهره‌برداری	نرخ پیشرفت
بزرگراه	۱٤,۰۰۰	۸,۰۰۸	۵۷
بزرگراه ملی	۱۱,۵۲۰	٦,۹۵۹	٦۰
جاده ارتباطی هونشو ـ شیکوکو	۱۸۰	۱٦٤	۹۱
آزادراه ملی	۲۳۰۰	۳۷۸	۱٦

(واحدها: کیلومتر و درصد)

مقایسه شبکه بزرگراه‌های ژاپن و آلمان

	ژاپن (آوریل ۲۰۰۰)	آلمان (ژانویه ۲۰۰۰)
جمعیت	۱۲۶/۰۷ (میلیون نفر)	۸۲/۱۶ (میلیون نفر)
وسعت	۳۷۸,۰۰۰ (کیلومتر)	۳۵۷,۰۰۰ (کیلومتر)
تولید ناخالص داخلی	۳,۸۰۶,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (دلار)	۲,۱۶۳,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (دلار)
جاده‌ها	۷,۵۵۴ (کیلومتر)	۱۱,۴۹۴ (کیلومتر)
فاصله میانگین بین شهرها	۴۹۱ (کیلومتر)	۲۶۱ (کیلومتر)

شبکه خطوط راه‌آهن اصلی تقریباً به‌صورت شکلی تکمیل شده ولی هنوز کارهـای زیـادی در مورد خدماتی همچون سرعت واگن‌ها و تسهیلات ریلی بایـد انجـام شـود. بخشـی از ایـن اقدامات به دلیل ماهیت دوستی با اکولوژی پروژه سیبی[1] شینکانسن باید گسترش یابد. همچنین ارتباط بی‌خط شینکانسن با خطوط غیر شینکانسن جهت ایجاد یـک شـبکه شـاهراهی خطـوط ریلی در دست ساخت است.

شبکه هوایی داخلی

با افزایش تعداد مسافران در فرودگاه هاندا، ظرفیت محدود این فرودگـاه مشـکل جـدی را به‌جود آورده است. بنابراین توسعه فرودگاه هاندا و سایر فرودگاه‌های بزرگ در ژاپن به‌صورت موضوعی حائز اهمیت درآمده است.

شبکه هوایی بین‌المللی

شرایط فرودگاه‌های بین‌المللی در شهرهای بزرگ ژاپن باید به مقدار زیادی بهبود یابد. ایـن فرودگاه‌ها جوابگوی تقاضای بالا بـرای افـزایش تعـداد پروازهـا و تعـداد ورودی‌هـای بیشـتر

1. Seibi

نیستند. به منظور اجتناب از این مشکل تلاش‌هایی در زمینه‌های ذیل صورت گرفته است:

۱. توسعه فرودگاه ناریتا

۲. اختصاص ساعات کم ترافیک (صبح زود یا آخر شب) برای پروازهای چارتر بین‌المللی در فرودگاه هاندا

۳. ارتقای کارکرد فرودگاه‌های بین‌المللی با ساخت فاز دوم فرودگاه بین‌المللی کانسای و ساخت فرودگاه بین‌المللی مرکزی ژاپن (چوبو) و غیره.

حمل‌ونقل دریایی

حمل‌ونقل دریایی برای صنایع ژاپن که مواد خام وارد کرده و کالاهای تولیدی خود را صادر می‌کند، بسیار حیاتی است. بنابر آمار وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل ژاپن، کشتی‌های ژاپنی تنها ۱/۵ درصد صادرات دریایی و ۱۲/۱ درصد واردات را در سال ۲۰۰۰ جابه‌جا کردند. حمل مابقی را کشتی‌های خارجی برعهده داشته‌اند.[۱۱۳]

با توزیع جانبی نیروی کار، مراکز توزیع بار در آسیا بیش از پیش گسترده شده‌اند و فرمول تجارتی در بندرهای عمده آسیا، تبدیل به تجارت ترانزیت شده است. کانتینرهای اروپایی و آمریکایی کمتر به بنادر ژاپن مراجعه می‌کنند و این امر به دلیل تأخیر ژاپن در فراهم‌آوردن بسترهای دریایی عمیق‌تر و بزرگ‌تر برای کانتینرهای عظیم و نیز واکنش کند این کشور نسبت به تقاضاهایی چون استفاده مداوم از بنادر، ارتقای تسهیلات برای کشتی‌های با سرعت بالا و فناوری‌های اطلاعاتی پیشرفته است. در مواردی که حمل‌ونقل‌های آسیایی به‌عنوان نیمه‌محلی لحاظ می‌شوند، ژاپن نیاز دارد تا به زیرساخت‌های بندری پیچیده‌تری که توانایی فراهم آوردن خدمات لجستیکی بین‌المللی موثری را داشته باشند، دست یابد. تحت این شرایط ژاپن در حال ایجاد یک شبکه بزرگراه دریایی با پیشرفت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مرکب به منظور کسب مجدد توان رقابتی خود است.

صادرات دریایی (۱۰۰۰ تن)

صادرات	۱۹۹۰	۲۰۰۰
ناوگان تجاری ژاپنی	۳۲,۹۷۰	۳٤,۳۱۹
کشتی‌های ثبت شده ژاپنی	٤,۸٤۸	۱,٤۹۲
کشتی‌های چارتر خارجی	۲۸,۱۲۲	۳۲,۸۲۷
ناوگان تجاری خارجی	۳۷,٤٥۰	٦۷,٤۱٦

واردات دریایی (۱۰۰۰ تن)

واردات	۱۹۹۰	۲۰۰۰
ناوگان تجاری ژاپنی	٤٦۹,٦۱۲	٥۲٤,۹٦۲
کشتی‌های ثبت‌شده ژاپنی	۱۹۹,۹٤٤	۹٤,۹۹٤
کشتی‌های چارتر خارجی	۲٦۹,٦٦۸	٤۲۹,۹٦۸
ناوگان تجاری خارجی	۲۲۹,٦۹٥	۲٦۳,۰٤۰

حمل‌ونقل ترکیبی

ژاپن در حال گسترش نظام حمل‌ونقل چندمنظوره است تا وسایل حمل‌ونقل ترکیبی زمینی، دریایی و هوایی بتوانند شرایط حمل‌ونقل موثر و راحتی را برای نیازهای مشتریان فراهم کنند. در کنار تلاش برای افزایش ظرفیت فرودگاه‌ها ـ با این هدف که بتوانند پاسخگوی نیازهای فزاینده بین‌المللی باشند ـ دسترسی به فرودگاه‌ها نیاز به ایجاد شبکه راه‌ها و خطوط راه‌آهن پربازده همچون خط پرسرعت جدید ناریتا دارد.

منابع لاتین

1. Facts and Figures of Japan, Foreign Press Center, 2002
2. Hideki Yamawaki, "The Evolution & Structure of Industrial Clusters in Japan", World Bank Institute, 2001
3. Bert Edstrom, "The Japanese & Europe, Images and Perceptions", Japan Library, 2000
4. Tom Oyoshi Hisamori, "TED Case Studies", Nov. 2002
5. The CIA Fact Book, 2002
6. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002

سایت‌های اینترنتی

1. http://www.worldlywca.org/common.concern/june2000/japan.html
2. http://www.uchinanchu.org
3. http://www.cfas.navy.mil
4. http://www.globemaster.de
5. http://www.libsci.sc.edu
6. http://www jin.jcic.or.jp/stat/stats
7. http://www.1uptravel.com/international/asia/japan
8. http://www.1upinfo.com/countryguide-study/japan
9. http://www.seinan-gu.ac.jp
10. http://www.stat.go.jp
11. http://www.education.yahoo.com/reference/factbookja/transp.html
12. http://www.jlgc.org/jlgcnews/025/ainu.htm
13. http://www.kisc.meiji.ac.jp
14. http://www.kankeiren.or.jp
15. http://www.mext.go.jp

16. http://www.chijihonbu.metro.Tokyo.jp
17. http://www.ern.cao.go.jp
18. http://www.iea.org
19. http://www.nedo.go.jp
20. http://www.enecho.meti-go.jp
21. http://www.shastacollege.edu
22. http://www.rms.com
23. http://www.amphi.com
24. http://www.maff.go-jp
25. http://www.workmall.com

مراجع لاتین

1. World Geographical Encyclopedia, Volum3. Asia, Mac Grawhill Inc/1994
2. The New Encyclopedia, Birtannica, vol.6

منابع فارسی

۱. دفاع ژاپن، انتشارات آژانس دفاع ژاپن، بخش فرهنگی و اطلاعات سفارت ژاپن، تهران؛ ۱۳۷۲
۲. نگاهی به ژاپن، سفارت ژاپن در تهران، ۱۳۸۰
۳. هاشم رجب‌زاده، «تاریخ ژاپن»، چاپ اول، شهریور ۱۳٦۵
٤. ماسایویاما گوچی، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، ترجمه محمد پاسبان، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹
۵. اسکات مرتون، «تاریخ و فرهنگ ژاپن»، مترجم مسعود رجب‌نیا، نشر امیرکبیر، چاپ اول، تهران؛ ۱۳٦٤
٦. نسرین حکمی، «ژاپن و استراتژی قدرت»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳٦۷
۷. مظاهر باقری، ایجی کانو، اوکی فه، «راهنمای سفر به ژاپن»، ترجمه شهرزاد بیات موحد، انتشارات آبا، تهران؛ ۱۳۷٦
۸. ازرا ووگل، «ژاپن کشور شماره ۱»، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی، علی اسدی، انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات فرهنگ، چاپ اول ۱۳٦٦
۹. «جهان معاصر»، ترجمه غلامحسین متین، انتشارات جاویدان، تهران؛ ۱۳۵۸
۱۰. کبری گوهری تحکیمی، «شناسنامه فرهنگی ژاپن»، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اسفند ۱۳۷۸
۱۱. سهراب ستوده، «سامورایی‌های اقتصادی»، نشر رامین، تهران؛ ۱۳۷٤
۱۲. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰

پی‌نوشت‌ها

۱. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۷

2. The CTA Fact Book, 2002

۳. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۷

٤. همان

5. The Japna Book, Kodansha Int'l, 2002, p.12

٦. نگاهی به ژاپن، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۲

۷. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰

۸. ماسایو یاماگوچی، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، ترجمه محمد پاسبان، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹، ص ۱۳۳

9. http://luptravel.com/international/asia/japan

10. http://www.1upinfo.com/countryguide-study-Japan

۱۱. وزارت مدیریت دولتی، امور کشوری و پست و ارتباطات دفتر آمار، ۲۰۰۲

۱۲. «کتاب سبز ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۷٤، ص ٥

۱۳. وزارت مدیریت دولتی، امور کشوری و پست و ارتباطات دفتر آمار، ۲۰۰۲

14. The Japan Book, Kodansha Int'L, 2002, p.12

15. Ibid

۱۶. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ٦

۱۷. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ٤

18. http://www.education.yahoo.com/reference/factbook/ja/transp.html
19. http://www.1upinfo.com/countryguide-study/Japan

۲۰. بخش اداری، بنادر و لنگرگاه‌ها، وزارت راه و ترابری، ۲۰۰۳

۲۱. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۲٦

۲۲. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰

23. http://www.maff.go.jp-2003
24. The World Book Encyclopedia
25. The new Encyclopedia Britannica,vol.6

۲٦. محمود متوسلی، «توسعه اقتصادی ژاپن»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران؛ ۱۳۷٤، ص ۳۱ـ۳۰

۲۷. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۷

28. The world Book Encyclopedia

۲۹. محمود متوسلی، «توسعه اقتصادی ژاپن»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران: ۱۳۷٤؛ ص ۳۱

30. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002
31. Facts and Figures of Japan 2002

۳۲. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۵

33. The Japan Book, Kodansha Int'l, p 12

۳٤. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران، ۱۳۸۱، ص ۹

35. http://www.erri-cao.go.jp،۲۰۰۳ ماه مه سال

۳٦. «ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۷٤، ص ۱۱

37. http://www.kankeiren.or.jp
http://www.mext.go.jp

۳۸. وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل ژاپن، تاریخچه جاده‌های ژاپن

۳۹. «کتاب سبز ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۷٤، ص ۱۵۱

40. http://www.chijihonbu.metro.Tokyo.jp-2003

۴۱. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰

۴۲. وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل ژاپن، تاریخچه جاده‌های ژاپن

43. http://www.chijihonbu.metro.Tokyo.jp

۴۴. همان

۴۵. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰

46. http://www.yahoo.com/worldFactBook,Japan,Transportation

47. http://www.yahoo.com/worldFactBook, Japan, Transportation

۴۸. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰

49. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002

۵۰. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۸

۵۱. همان

52. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002

53. Facts & Figures of Japan, 2002, Foreign Press Center, p 158

۵۴. «ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۷۴، ص ۱۰

55. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002. p 118

۵۶. «کتاب سبز ژاپن»، وزارت خارجه، تهران؛ ۱۳۶۹، ص ۵

57. The world Book Encyclopedia

۵۸. «ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۷۴، ص ۱۷

59. Facts and Figures of Japan, 2002/Foreign press Center,p137

۶۰. ماسایو یاماگوچی، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، ترجمه محمد پاسبان، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹، ص ۳۶

۶۱. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، اداره هفتم سیاسی وزارت خارجه، تهران؛ ۱۳۶۱، ص ۹

۶۲. ماسیویو یا ماگوچی، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، ترجمه محمد پاسبان، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹

۶۳. ماسایو یاماگوچی، ترجمه محمد پاسبان، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹، ص ۳۷

۶۴. «ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۷۴، ص ۲۰

۶۵. «کتاب سبز ژاپن»، وزارت امورخارجه، تهران؛ ۱۳۶۱، ص ۱۴

۶۶. «کتاب سبز ژاپن»، وزارت امورخارجه، تهران؛ ۱۳۶۱، ص ۱۵
۶۷. «ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امورخارجه، تهران؛ ۱۳۷۴، ص ۳۱
۶۸. ماسایو یاماگوچی، ترجمه محمد پاسبان، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹، ص ۲۲
۶۹. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، اداره هفتم سیاسی وزارت امورخارجه، اسفند ۱۳۶۱، ص ۱۰
۷۰. ماسایو یاماگوچی، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، ترجمه محمد پاسبان، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹
۷۱. «ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۷۴، ص ۳۱
۷۲. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، وزارت امور خارجه، اداره هفتم سیاسی، ۱۳۶۱
73. Facts & Figures of Japan, 2002, Foreign Press Center, P 132
74. Ibid
75. CIA Fact Book, 2002
۷۶. ازرا ووگل، «ژاپن کشور شماره ۱»، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی و علی اسدی، انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات فرهنگ، چاپ اول، تهران؛ ۱۳۶۶
۷۷. ماسایو یاماگوچی، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، ترجمه محمد پاسبان، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹، ص ۲۳
۷۸. مظاهر باقری، ایجی کانو، اوکی فه، «راهنمای سفر به ژاپن»، مترجم شهرزاد بیات موحد، انتشارات آبا، چاپ اول، ۱۳۷۶
79. The Japan book, Kodansha Int'I, 2002, pp.27-29
80. Facts & Figures of Japan, 2002, Foreign Press Center, pp 89-90
۸۱. «مجموعه گزارشات تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ شهریور ۱۳۷۰، جلد ششم، ص ۱۶۱
۸۲. «نگاهی به ژاپن»، سفارت ژاپن در تهران؛ ۱۳۸۱، ص ۲۶
۸۳. همان، ص ۲۶
84. http://www.maff.go.jp
۸۵. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، وزارت امور خارجه، اسفند ماه ۱۳۶۱، ص ۳۴ ـ ۳۳

86. http://www.maff.go.jp-2003
87. Ibid
۸۸. «گزارش اطلاعاتی درباره تحولات ژاپن»، سفارت ایران در توکیو، بهمن ۱۳٦۷، ص ۲۲٤
۸۹. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷۹، ص ۲۱
۹۰. «کتاب سبز ژاپن»، وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳٦۹، ص ۱٤
۹۱. وزارت دادگستری، دفتر مهاجرت، آمار اتباع بیگانه
۹۲. نسرین حکمی، «ژاپن و استراتژی قدرت»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳٦۷، ص ۱۲۳
۹۳. ازرا ووگل، «ژاپن کشور شماره ۱»، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی، علی اسدی، انجمن مدیران صنایع ج.ا.ا.، نشر فرهنگ، تهران؛ ۱۳٦٦.
94. The Japan Book, Koolansha Int'l, 2002, p 16
95. Facts and Figures of Japan, 2002, Foreign Press Center, p1
۹٦. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، اداره هفتم سیاسی وزارت امور خارجه، اسفند ۱۳٦۱، ص ۱۲
۹۷. نسرین حکمی، «ژاپن و استراتژی قدرت»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳٦۷، ص ۱۱۰
۹۸. نسرین حکمی «ژاپن و استراتژی قدرت»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳٦۷، ص ۱۱۳
۹۹. براساس مقررات کنفرانس یالتا، در تقسیم جدید جهان بین آمریکا و انگلستان و شوروی (سابق) سهم شوروی (سابق) از ژاپن چنین تعیین شده است: بخش جنوبی ساخالین، همراه جزایر اطراف آن به شوروی بازمی‌گردد و مجمع‌الجزایر کوریل به شوروی واگذار خواهد شد.
۱۰۰. ماسایو یاماگوچی، «جشن‌ها و آیین‌های ژاپنی»، ترجمه محمد پاسبان، نشر میترا، تهران؛ ۱۳۷۹

۱۰۱. خلاصه و رئوس برنامه‌ریزی منطقه‌ای، وزارت زمین، زیرساخت و حمل‌ونقل ژاپن، ۲۰۰۳

102. http://www.iea.org

۱۰۳. آژانس انرژی و منابع طبیعی، ژاپن، ۲۰۰۳

۱۰۴. نسرین حکیمی، «ژاپن و استراتژی قدرت»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳٦۷، ص ۱۸۳

۱۰۵. هنری کیسینجر، «دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱»، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۱۳۸۱

۱۰٦. نسرین حکمی، «ژاپن و استراتژی قدرت»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳٦۷

۱۰۷. همان

۱۰۸. شرکت مطالعات و بررسی‌های زلزله‌شناختی اویو Oyo

109. http://www.1uptravel.com

۱۱۰. محمد واردی، «ژاپن»، وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷٤

۱۱۱. ایجی کانو، اوکی فه، «راهنمای سفر به ژاپن»، مظاهر باقری، ترجمه شهرزاد بیات موحد، انتشارات آبا، تهران؛ ۱۳۷٦

112. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002

113. Facts and Figures of Japan, 2002

بخش دوم

سیاسی

فصل هفتم

بررسی ساختار و ماهیت نظام سیاسی ژاپن

بعد از تسلیم ژاپن، ژنرال آمریکایی «داگلاس مک‌آرتور» در سمت فرماندهی نیروهای متفقین و به‌عنوان فرماندار نظامی ژاپن وارد این کشور شد و ستاد و مقر خود را در بندر یوکوهاما برپا کرد. ستاد وی اعلامیه‌ای برای صدور آماده کرده بود که به موجب آن ژاپن تحت حکومت نظامی قرار می‌گرفت، دادگاه‌های نظامی ایجاد می‌شد و حتی به جای «ین» پول دیگری رایج می‌شد. اما با توجه به درخواست مقامات ژاپنی و برای ممانعت از بروز شورش و ناآرامی که احتمال آن وجود داشت، مک‌آرتور موافقت کرد تا ساختار حکومتی ژاپن، پس از کنار گذاشته شدن و تصفیه عناصر و مقامات طراز اول حفظ شود که این تصمیم نیز اجرا شد. البته تا سال ۱۹۵۱ که اشغال ژاپن به‌طور رسمی پایان یافت، ژنرال مک‌آرتور از دفتر و ستاد خود ـ که به توکیو انتقال یافته بود ـ و از پشت صحنه، دائرمدار امور و اداره کننده واقعی این کشور بود.[۱]

قانون اساسی ۱۹٤۷ اگرچه از نظر تکنیکی و ظاهراً مطابق اصل ۷۳ قانون اساسی ۱۸۸۹، اصلاحیه آن قانون تلقی شد ولی در واقع، این سند که تحت نظارت جدی ژنرال مک‌آرتور تهیه شده و حتی گفته می‌شود بخش‌هایی از آن به انشا و قلم او نگارش یافته‌است،[۲] قانونی کاملاً متفاوت با قانون اساسی میجی است که بر پایه سه اصل اساسی حاکمیت مردم و نقش تشریفاتی امپراتور، مسالمت‌جویی و نفی جنگ و نظامیگری و در نهایت احترام به حقوق بشر، یعنی مقولاتی که دو مورد اول آن مغایر قانون اساسی میجی و شعار ایده‌آل ملی آن دوره و سومی مطلبی جدید و ناشناخته در ژاپن بود، قرار داشت.

۱ـ۷ـ بررسی رژیم سیاسی و طریقه اعمال حاکمیت

به‌طور کلی درباره اینکه در زیرساختار سیاسی دموکراتیک و سبک غربی ژاپن، نحوه تصمیم‌گیری‌ها به چه شکلی است، نمی‌توان به پاسخ و راه روشنی دست یافت، زیرا اعضای مهم پارلمان که همان اعضای حزب حاکم هستند و مطابق ترتیبات خاص در این کشور، اعضای قوۀ مجریه را نیز تشکیل می‌دهند، به حدی در حال تلاش به‌منظور حفظ موقعیت خود و احیاناً طرفداران و پیروان خویش هستند و در این راه به اندازه‌ای ارتباطات و وابستگی دارند که اصولاً در شرایطی نیستند که میزان دخالت آنان در تصمیم‌گیری‌ها را بتوان حدس زد. ژاپنی‌های عضو و یا مدافع این سیستم و کسانی که دیدی خوش‌بینانه نسبت به آن دارند، با پذیرش تفاوت وضعیت موجود با نمونه‌های مشابه و آنچه مورد انتظار است، یادآور می‌شوند که سیستم و روند تصمیم‌گیری واقعی در این کشور به‌صورت مکتوب نیست و درک و فهم آن، نه تنها برای ناظران خارجی، بلکه برای خود ژاپنی‌ها نیز مشکل است و در نهایت حدود یک‌سوم یا ۳۰ درصد این روند وابسته به سازمان‌های حکومتی، یعنی دولت و پارلمان است.[۳]

در مروری اجمالی، این حقیقت روشن و گویاست که در این جامعه شرقی که علی‌رغم پیشرفت‌های شگرف صنعتی و اقتصادی هنوز بر پایه نظام‌های سیاسی سنتی با محوریت اجماع عمومی اداره می‌شود، هرگونه حرکت انقلابی و گام بلند به جلو که بر اساس این

محوریت نبوده و وفاق عمومی صاحبان قدرت را به همراه نداشته باشد، هر قدر هم که از نظر منطقی برای اصلاحات در جامعه ضروری باشد، به‌دلیل عدم وجود کشش سیاسی در نظام موجود، بی‌نتیجه مانده و تداوم نخواهد داشت و می‌بایست سیر تدریجی خود را طی کند.

ژاپن تقریباً در تمام طول دورهٔ پس از جنگ، شاهد حضور یک نظام تک‌حزبی بوده و توسط لیبرال دموکرات‌ها اداره شده است و همچنین طی این مدت، کشور از یک نظام پارلمانی مبتنی بر دموکراسی برخوردار نبوده است. در عوض ما همواره در جامعه‌ای شاهد سازش و تبانی سیاستمداران، بازرگانان و دیوانسالاران این کشور بوده‌ایم که بر اساس نظام تدوین یافته توسط دیوان‌سالاران اداره شده است. برای رهایی از چنین وضعیتی بود که اصلاح‌طلبان در زمان زمامداری هوسوگاوا و هاتا متحد شده، دولتی ائتلافی را تشکیل دادند و با تمام توان کوشیدند نظام انتخاباتی نوینی را بنیان‌گذاری کرده و تلفیقی از سیستم تک‌کرسی و سهمیه حزبی را ارائه دهند. نظام انتخاباتی کشور به همین دلیل تغییر کرد اما باز هم احزاب مخالف نتوانستند اکثریت را در مبارزات انتخاباتی به‌دست آورند ولی با این وجود، نظام نوین می‌تواند زمینه‌ساز فضای مناسبی برای ظهور و بروز گروه‌هایی که دارای سیاست‌های روشن و تدوین شده هستند، محسوب شده و برای شخصیت پرستی دیگر جایگاهی وجود نداشته باشد.(۴)

بررسی طریقه اعمال حاکمیت

هیأت حاکمه

در حقیقت قوای حاکمه و اداره‌کننده ژاپن را می‌توان در سه طبقه و بخش طبقه‌بندی کرد که این بخش‌ها عبارتند از:

بخش خصوصی بازرگانی، صنعتی، کشاورزی، مطبوعات، بوروکراسی و سیاستمداران.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که مطبوعات و به‌طورکلی رسانه‌های همگانی معمولا در همه جا به خاطر نقشی که در تقویت افکار عمومی یا هدایت آن بازی می‌کنند، جزو عوامل

و نیروهای مؤثر در جامعه، ولی البته رقیب قوای رسمی مملکتی به‌ویژه قوای مجریه و مقننه تلقی می‌شوند. اما در ژاپن رسانه‌ها خود جزو سیستم هستند و در این مملکت که همه عوامل و نیروها درصدد جلب قدرت و ثروت مادی هستند، رسانه‌ها نیز به‌صورت واحدی یک شرکت و صنعت هستند. مثلاً گروه فوجی سانکی، کمپانی عظیمی است که هم کانال تلویزیونی و هم روزنامه دارد و هم در زمینه نوشابه‌سازی و همچنین تولید وسایل الکترونیکی و فیلم و دوربین فعالیت دارد. در داخل واحدهای مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی نیز حالت گروهی و جناحی وجود دارد. یعنی در یک روزنامه مانند آساهی یا یامیوری، خبرنگاران بر حسب وظیفه، مأمور تهیه گزارش در زمینه خاصی هستند. عده‌ای صنعت اتومبیل‌سازی را زیرنظر دارند، گروهی مأمور وزارتخانه خاصی مثل خارجه یا دارایی و نظایر آن شده و تعدادی به فرودگاه اعزام می‌شوند. این خبرنگاران با مخبران سایر جراید که مأمور شده‌اند، کلوپ‌های مطبوعاتی خاصی تشکیل می‌دهند و شغل و حرفه خود را در آن کار و با عضویت کلوپ مربوطه سپری می‌کند. روزنامه‌نگاران عضو کلوپ مطبوعاتی وزارت خارجه، دارایی یا فلان بخش کشاورزی یا صنعتی به مرور زمان عملاً جزئی از آن نهاد و سازمان می‌شوند. مثلاً خبرنگار عضو کلوپ مطبوعاتی که تحولات دیپلماسی کشورها را زیر نظر دارد، نظر و قلمش معمولاً مطالبی را مطرح می‌کند که وزارت خارجه با آن مخالفتی ندارد.

بخش خصوصی

با توجه به سیستم ارزشی و نگرشی که در خصوص اصالت مادیات در ژاپن وجود دارد، اقشار و طبقات دست‌اندرکار در کشاورزی، صنعت و بازرگانی و سایر زمینه‌ها ـ بسته به شرایط زمانی و به اقتضای موقعیت و وضعیت ـ نقش عمده‌ای در هدایت امور و سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی حکومت در سیر به سوی هدف غایی و نهایی که همانا کسب قدرت مالی است، بازی کرده‌اند. بخش کشاورزی همواره قدرتی مهم بوده و هنوز هم به همین صورت است. این بخش از پایگاه‌های مهم قدرت و از منابع مهم تأمین وجوه و

اعانات سیاسی ضروری برای فعالیت و بقای قدرت حزب لیبرال دموکرات به‌شمار رفته و می‌رود. کشاورزی ژاپن تا سال ۱۹۹۷ در اختیار بخش خصوصی بود ولی توسط نهادهای دولتی اداره می‌شد. تجربه اعمال مقررات بدنه دولتی بر کشاورزی، دستاوردی جز کنترل قیمت محصولات و فرآورده‌های بخش مزبور نداشت که البته ورشکستگی چنین سیاستی مشهود بود. به‌دنبال اجرای اصلاحات که در حمایت و پشتیبانی از بخش خصوصی از دخالت‌ها و اقدامات حکومت‌های محلی جلوگیری کرده و نیز به‌منظور تدوین قوانین اجتماعی مشخص، بدنه‌ای پی‌ریزی شده است که توانسته نظارت عالیه بر دستگاه‌های اجرایی باشد.[۵]

در بخش‌های صنعتی و بازرگانی نیز به‌طوری که از بررسی اوضاع ژاپن از زمان شروع دوران مسیحی در اواسط قرن نوزدهم برمی‌آید، تمایل به تجمع و ادغام در گروه‌های عظیم‌تر عملاً وجود داشته‌است. به عبارت دیگر وجود شرکت‌های عمده و گروه‌های انحصاری و کارتل و تراست که در سایر نقاط و جوامع مترادف انحصار و سوء استفاده و ملاحظاتی منفی از این دست تلقی می‌شود و در نتیجه این امر، ضوابطی در جهت ممانعت از تحقق آن وجود دارد، در ژاپن با وجودی که عملاً چنین تأثیراتی دارد، حضور این‌گونه شرکت‌ها و گروه‌ها، مثبت بوده و یک امتیاز به حساب می‌آید و این مؤسسات و گروه‌ها، قدرت مالی و سیاسی عظیمی و همچنین نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و دارند. در فاصله زمانی آغاز دوران رفع انزوای ژاپن و شروع عصر و دورهٔ مسیحی تا پایان جنگ جهانی دوم، سه گروه عمدهٔ صنعتی و بازرگانی میتسوبیشی، میتسویی (که بیش از سیصد سال سابقه دارد) و سومیتومو که به‌عنوان شرکت‌های کوچکی که هر یک متعلق به خانواده و فامیل خاصی بودند، ایجاد شده و توسعه پیدا کردند و به «زایباتسو»[1] موسوم شدند، نقش عمده و تعیین‌کننده‌ای در هدایت امور و سیاستگذاری برنامه‌ها و مواضع ژاپن داشتند. به‌دنبال شکست ژاپن در جنگ، آمریکا و فرماندهی نیروهای اشغالگر و اداره‌کنندهٔ ژاپن با این عنوان که این گروه‌ها عامل اصلی و قدرت پشت‌صحنه نظامیگری و میلیتاریسم مهاجم ژاپنی بوده‌اند، از مقامات و خانواده‌های

---

1. Zaibatsu

مالک و صاحب سهم خلع ید کرده و علاوه بر این با اعمال فشار، گروه‌های مزبور را وادار به تقسیم به اجزای کوچک‌تر کرد. البته این گروه‌ها دوباره فعال شده و این‌بار تحت عنوان کی‌رتسو[1] فعالیت کردند. امروزه علاوه بر سه گروه سابق‌الذکر، سه گروه دیگر نیز وجود دارند. شش گروه مزبور که عمده‌ترین گروه‌ها به‌شمار می‌آیند، عبارتند از:

۱ـ گروه میتسوبیشی

۲ـ گروه میتسویی

۳ـ گروه سومیتومو

٤ـ گروه فویو

۵ـ گروه سانوا

٦ـ گروه دایی اچی

هر یک از این گروه‌ها به اتفاق شرکت‌های معروف هیتاچی، سونی‌ماتسوشیتا، هسته مرکزی و محور اصلی بخش خصوصی ژاپن را تشکیل می‌دهند. کشوری که خود به شرکت‌های سهامی معروف شده و سیستم حکومتی‌اش به «شرکتی» موسوم شده است.

لازم به توضیح است که بخش خصوصی علاوه بر داشتن موجودیت‌های مجزا و مشخص و همچنین داشتن لابی و گروه‌های فشار متعدد در تشکل‌هایی نظیر کیدازن یا فدراسیون سازمان‌های اقتصادی، انجمن کارفرمایان، اتاق بازرگانی و صنایع و مشابه آن نیز مجتمع هستند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در بالا ذکر شد، بایستی نتیجه‌گیری کرد که دموکراسی در ژاپن صرفاً جنبهٔ، فرم، ظاهر و نما دارد و واقعیت امر این است که این کشور توسط مجموعه‌ای از مراکز قدرت

---

1. Keiretsu

غیر انتخابی یعنی بخش‌های صنایع، بازرگانی، کشاورزی و بوروکراسی اداره می‌شود که از رهبران سیاسی و نمایندگان پارلمان که علی‌الظاهر و به‌طور مناصب و سمت‌های حکومتی را عهده‌دار هستند، قدرتمندتر به‌شمار می‌آیند. در این سیستم مردم هم به‌طور نمادین، هر چند یکبار در انتخابات شرکت می‌کنند ولی نقش و اثر چندانی ندارند.

۲ـ۷ـ بررسی نقش و جایگاه هر یک از قوا در اداره کشور

۱ـ۲ـ۷ـ قوهٔ مجریه

به موجب اصل ٦٥ قانون اساسی، قوهٔ مجریه مخصوص و وابسته به کابینه است. به موجب اصل ٦٦ کابینه از نخست‌وزیر و سایر وزرا تشکیل شده است.[٦] قدرت اجرایی به کابینه تفویض شده که از نخست‌وزیر و ۱۷ وزیر تشکیل شده که مجموعاً در برابر دایت مسئول هستند.[۷] طبق همین اصل، نخست‌وزیر و سایر اعضای کابینه همگی باید غیرنظامی باشند. دلیل این تأکید، سوابق میلیتاریسم در ژاپن و تلاش برای ممانعت از وقوع مجدد آن است.

به موجب اصل ٦٧ نخست‌وزیر بایستی نمایندهٔ پارلمان باشد و توسط نمایندگان پارلمان و با رأی برگزیده شود.

رأی‌گیری برای تعیین نخست‌وزیر ابتدا در مجلس نمایندگان و سپس در مجلس مشاوران صورت می‌پذیرد. چنانچه مجلسین افراد متفاوتی را برگزینند، طبق ضوابطی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، فرد منتخب مجلس نمایندگان به نخست‌وزیری منصوب خواهد شد. در صورتی‌که مجلس نمایندگان قطعنامه‌ای مبنی بر رأی عدم اعتماد صادر کند و یا رأی اعتماد دولت را رد کند، کابینه باید استعفا دهد مگر در صورتی‌که مجلس طی ۱۰ روز پس از زمان تصویب قطعنامه منحل شود. کابینه دارای کارکردهای عمومی ـ اداری است و علاوه بر توصیه و تصویب کابینه، برای تمامی امور دولتی مربوط به امپراتور ضروری است. در چنین مواردی مسئولیت به عهدهٔ کابینه است.[۸]

البته در این خصوص دو نکته شایان ذکر است. اولاً به‌طوری که سوابق امر نشان می‌دهد، هر دو مجلس با دو استثنا همواره به شخص واحدی رأی داده‌اند و ثانیاً با وجودی که قانون اساسی فقط به عضویت کاندیدای پست نخست‌وزیر در پارلمان اشاره کرده، از آغاز تاکنون نخست‌وزیر از بین اعضای مجلس نمایندگان برگزیده شده‌است.

فرد منتخب، پس از تعیین شدن به نخست‌وزیری مبادرت به انتخاب و انتصاب وزرا می‌کند و در این راستا به موجب اصل ٦٨ که مقرر می‌دارد اکثریت وزرا بایستی از نمایندگان پارلمان باشند، تنها با این محدودیت مواجه است و در عزل و نصب آنان آزادی کامل دارد. یعنی نیاز به تأکید مجلسین ندارد و علاوه بر این کابینه نیز پس از تشکیل یا برای شروع کار، نیاز به اخذ رأی اعتماد ندارد.

در مورد انتخاب وزرا ـ به‌طوری که از سوابق امر برمی‌آید ـ در همه موارد از نمایندگان پارلمان انتخاب شده‌اند و برگزیدن فردی غیر از اعضای پارلمان، جنبهٔ نادر و کاملاً استثنایی داشته است. اکثریت قریب به اتفاق وزرا طبق عرف تثبیت شده از بین وکلای عضو نمایندگان برگزیده می‌شوند و معمولاً شش یا هفت دوره سابقهٔ وکالت دارند. حداکثر تا سه نماینده مجلس مشاوران با دو یا سه دوره سابقه وکالت نیز به عضویت کابینه درمی‌آیند.

کابینه شامل؛ دبیرخانه کابینه، دفتر کابینه، سازمان املاک سلطنتی، سازمان خدمات مالی و نیز ده وزارتخانه و کمیسیون امنیت ملی و کمیسیون دفاع است.

دفتر کابینه نیز از وزرای مأموریت‌های ویژه، شورای سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی، شورای سیاست‌گذاری علوم و فناوری، شورای مرکزی ممانعت از بروز فاجعه و شورای برابری جنسیتی تشکیل شده است.[۹]

دلایل ایجاد دفتر کابینه

تقویت کارکردهای کابینه یکی از مهم‌ترین ارکان اصلاحات اخیر در وزارتخانه‌های دولت مرکزی و سازمان‌ها بوده است. آماده‌کردن مکانیسمی ویژه که تحت لوای آن نخست‌وزیر

بتواند از تمام اختیارات خود به‌منظور ساخت یک نظام اداری که دارای توانایی تصمیم‌گیری پویا و راهبردی باشد، استفاده کند، اساسی به‌نظر می‌رسید. دفتر کابینه به‌منظور انجام وظایف فوق در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد.(۱۰)

دفتر کابینه، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف همگی به‌عنوان دفاتر دولت مرکزی[۱] شناخته می‌شوند. در حال حاضر دفاتر دولت مرکزی ژاپن بر اساس نظامی مبتنی بر ساختار هرمی از قدرت اداره می‌شوند. مسئولیت تعیین حدود و اختیارات هر یک از مناصب در هر وزارتخانه و سازمان در دست اعضای کابینه است.

یکی از دلایل ایجاد اصلاحات در کابینه و ایجاد دفتر کابینه (colinet office) یا (naikahufu) کوچک کردن حجم دفتر فعلی نخست‌وزیری به‌منظور تقویت و تحکیم کارکردهای کابینه بود که شامل ظرفیت آن در نشان دادن عکس‌العمل در شرایط و اوضاع اضطراری می‌شود. به‌منظور ارتقای بهره‌وری اداری، دفاتر دولت مرکزی به بخش‌هایی تقسیم می‌شوند که به‌طور عمده با سیاست‌گذاری سروکار دارند و سایر بخش‌ها نیز به انجام وظایف محوله می‌پردازند. برای کوچک کردن بدنه و دستگاه دولت، تصمیم بر این است که تعداد کارکنان دولت حداقل به میزان ۱۰ درصد از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۱ تقلیل یابد.(۱۱)

وظایف کابینه[۲]

دفتر کابینه در کارکردهای عمومی راهبردی دبیرخانه کابینه مساعدت کرده، هماهنگی و برنامه‌ریزی کلی را در ارتباط با سیاست‌های کلیدی کابینه انجام داده و در امور اداری که از سوی نخست‌وزیر و از منظر دولت به طور کلی برای مدیریت ضروری محسوب می‌شود، انجام وظیفه می‌کند:

وظایف عمده دفتر کابینه عبارتند از:

---

1. Chuo shocko

2. http://www.cao.go.jp/index-e/html

۱ـ رسیدگی به امور اساسی راجع به سیاست‌های اقتصادی و مالی، علمی و فناوری کشور.

۲ـ رسیدگی به امور مهمی از قبیل آینده جامعه ژاپن در قرن ۲۱ و اموری که عمیقاً به سبک و نحوهٔ زندگی مربوط می‌شوند و کمک به پیشبرد جامعه‌ای همسان از لحاظ جنسیتی، پرورش سالم نسل جوان، مدیریت نحوهٔ زندگی در سطح ملی و غیره.

۳ـ پرداختن به امور مربوط به امنیت مردم؛ به‌عنوان مثال مدیریت مواقع بروز فاجعه و امنیت هسته‌ای.

٤ـ پرداختن به اموری که نخست‌وزیر مستقیماً با آن سر و کار دارد؛ به‌ویژه اموری که به اوکیناوا مربوط می‌شود، اقدامات راجع به سرزمین‌های شمالی ژاپن، فعالیت‌های مربوط به همکاری در صلح بین‌الملل و غیره.

۵ـ روابط عمومی.

سازماندهی دفتر کابینه

نخست‌وزیر در رأس هرم دفتر کابینه قرار دارد و زیر نظر او، رئیس دفتر کابینه، وزرای مأموریت‌های ویژه، معاونان رئیس دفتر کابینه، معاونان وزرای ارشد و معاونان پارلمانی قرار دارند. از بین این مشاغل، وزرای مأموریت‌های ویژه دارای دستور کاری مجزا از سایر وزرا و سازمان‌ها هستند و به‌منظور استفاده از تمامی انرژی خود برای اجرای سریع سیاست‌های کلیدی دولت در دفتر کابینه مستقر هستند.

به‌علاوه تحت لوای دفتر کابینه چهار شورا به‌منظور بحث و مذاکره بر سر سیاست‌گذاری‌های مهم تحت رهبری و هدایت نخست‌وزیر یا رئیس دفتر کابینه ایجاد شده‌است. این شوراها متشکل از وزرای وزارتخانه‌های ذیربط و کارشناسانی هستند که در یک رشتهٔ خاص از سوی نخست‌وزیر یا رئیس دفتر کابینه تعیین شده و به‌منظور تکمیل کارکردهای دفتر کابینه و نخست‌وزیر انجام وظیفه می‌کنند و به‌عنوان یک «محل تبادل‌نظر دانش و آگاهی»[1] شناخته

1. Forum of Knowledge

شده‌اند. اعضای این شورا هم‌اکنون عبارتند از: شورای سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی، شورای سیاست‌گذاری علوم و فناوری، شورای مرکزی ممانعت از بروز فاجعه و شورای برابری جنسیتی.

سازمان دفتر کابینه متشکل از دبیرخانه وزیر، هفت مدیر کل و چهار دفتر است که همگی توسط تیمی از کارکنان اداره می‌شوند.

از بین مشاغل فوق، مشاغل مدیرکلی در روند اصلاحات دولت مرکزی، به‌تازگی ایجاد شده و شغل آنها رسیدگی به سیاست‌گذاری‌های مختلف از سوی کابینه است و باید پیش‌نویس طرح‌ها را نیز آماده کرده و هماهنگی کلی را انجام دهند.

در ژاپن کسانی که در دفاتر دولت مرکزی به کارهای اداری اشتغال دارند، شامل؛ معاونان وزرا[1] و تمامی کارکنان عادی رده‌های پایین‌تر، بر اساس آزمون‌های استخدامی کشوری گزینش شده و مشاغل آنان بر طبق مناسبات سیاسی نیست و در صورتی‌که قدرت سیاسی در سطح کابینه تغییر کند، آنها شغل خود را از دست نمی‌دهند. طبق قانون اساسی «تمامی مقامات دولتی، خدمتگزاران کل جامعه به‌شمار می‌آیند و نه قشر یا گروه خاصی».

با توجه به آنچه در بالا آمد، مشخص می‌شود که شاخهٔ اجرایی دولت ژاپن از کابینه و سازمان‌ها و وزارتخانه‌های تحت کنترل و اختیار آن تشکیل شده است. با توجه به قوانینی که در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ به اجرا درآمدند، در مورد اصلاحات اداری دولت مرکزی در ژانویه ۲۰۰۱ تعداد وزارتخانه و سازمان‌ها از ۲۲ (۱۲ وزارتخانه + ۹ سازمان و کمیسیون امنیت ملی) به ۱۲ (۱۰ وزارتخانه + سازمان دفاع و کمیسیون امنیت ملی) کاهش یافت.

وزارتخانه‌های ژاپن عبارتند از:

- وزارت مدیریت دولتی، امور داخلی، پست و ارتباطات

ـ کمیسیون تجارت عادلانه

ـ کمیسیون هماهنگی مجادلات زیست‌محیطی

---

1. Jimu Jikan

- آژانس خدمات پستی
- سازمان مدیریت فاجعه و آتش‌سوزی

● وزارت دادگستری

- کمیسیون ملی آزمون وکلا
- کمیسیون امنیت ملی
- سازمان بازرسی امنیت ملی

● وزارت امور خارجه

● وزارت دارایی

- ادارهٔ ملی مالیات

● وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری

- سازمان امور فرهنگی

● وزارت بهداشت، کار و رفاه

- کمیسیون روابط کار مرکزی
- سازمان بیمه اجتماعی

● وزارت کشاورزی، جنگلداری و شیلات

- سازمان غذا
- سازمان جنگلداری
- سازمان شیلات

● وزارت اقتصاد، تجارت و صنایع

- سازمان انرژی و منابع ملی
- دفتر اختراعات و ابداعات ژاپن
- سازمان شرکت‌های کوچک و متوسط

● وزارت زمین، زیربنا و حمل و نقل

- کمیسیون روابط کاری دریانوردی
- سازمان زمین‌شناسی ژاپن
- گارد ساحلی ژاپن
- سازمان بازرسی تصادفات و سوانح دریایی

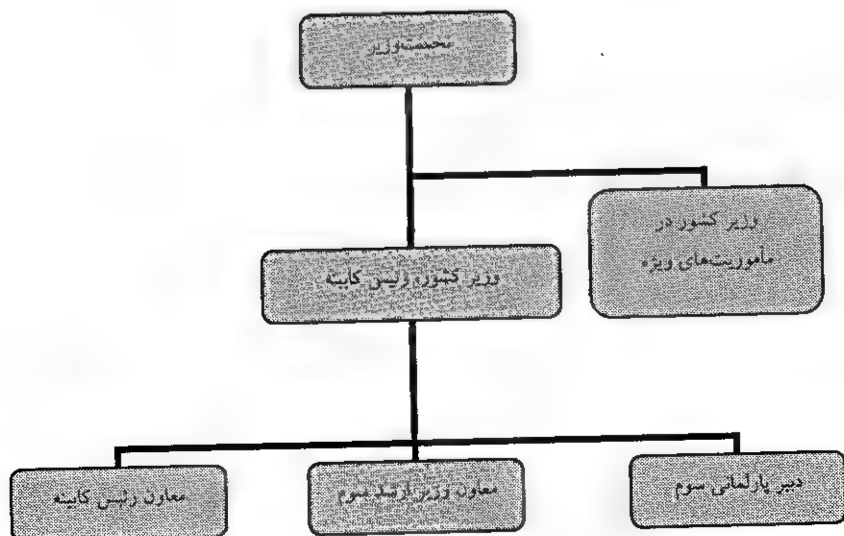
● وزارت محیط‌زیست

- کمیسیون امنیت ملی
- سازمان پلیس ملی

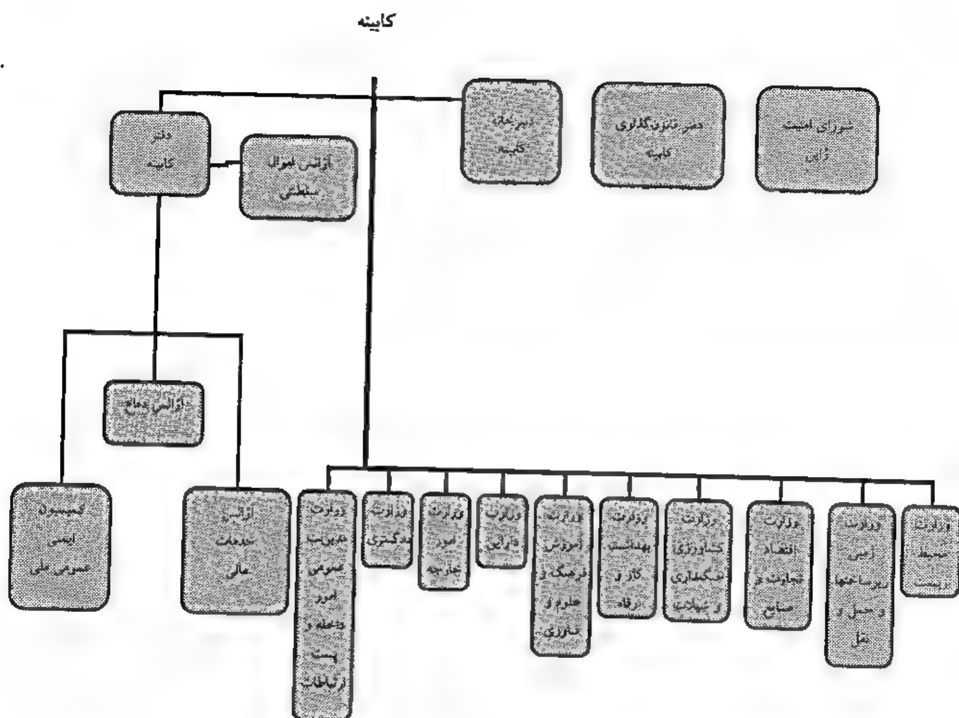
● کمیسیون دفاع

- سازمان مدیریت تسهیلات دفاعی

سازمان دفتر کابینه



سازمان دولت ژاپن

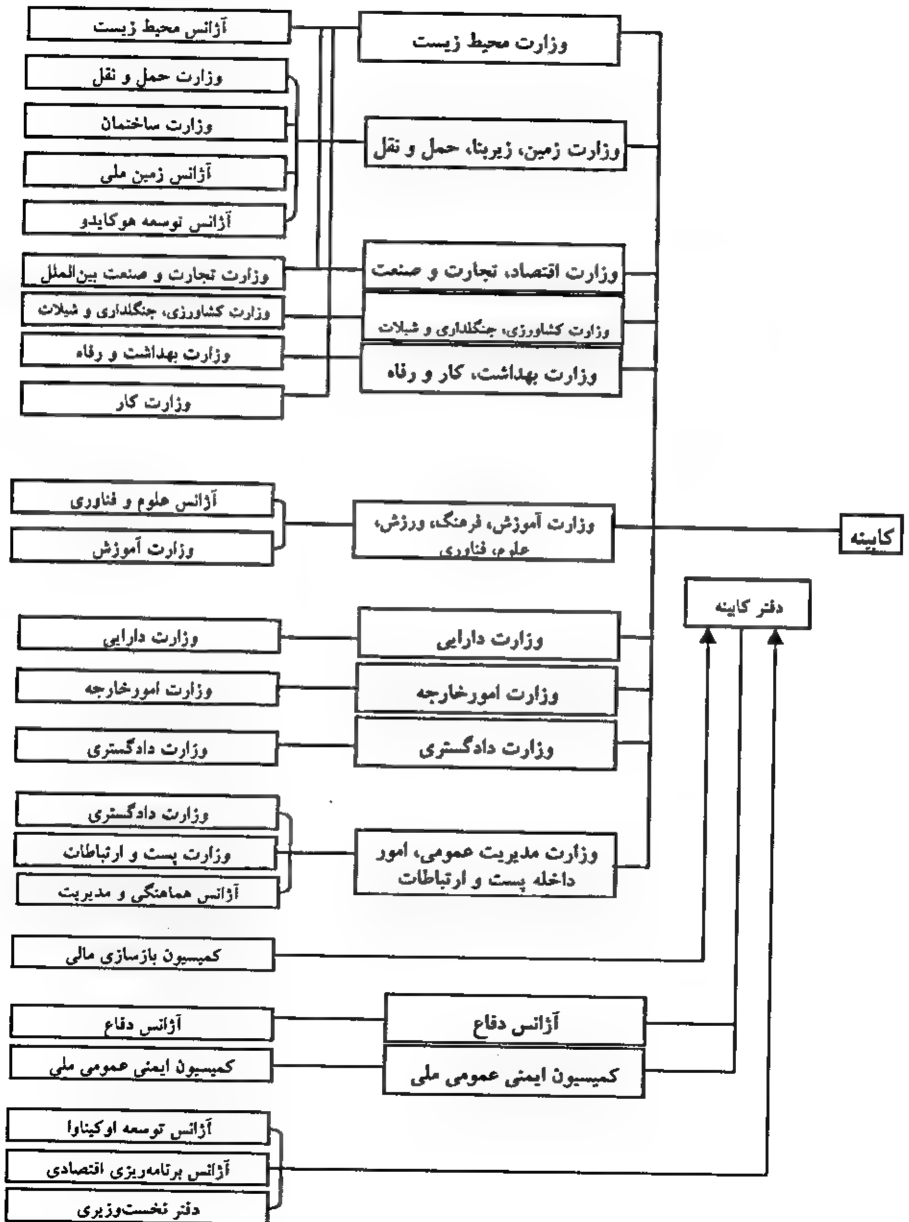


برخی اختیارات نخست‌وزیر

نخست‌وزیر علاوه بر اختیار عزل و نصب وزرا، به موجب اصل ۷۵ قانون اساسی حق دارد مصونیت هر یک از وزرا یعنی معافیت آنان را از تحت اقدام قانونی و تعقیب قضایی گرفتن، لغو کند. علاوه بر این طبق اصل ۷٤ قانون اساسی تمامی مصوبات و تصمیمات کابینه علاوه بر امضای وزیر مسئول، امضای نخست‌وزیر را نیز لازم دارد و به استناد اصل ۷۲ نخست‌وزیر به‌عنوان نمایندهٔ قوه مجریه و کابینه، لوایح را به پارلمان ارائه می‌کند. همچنین در خصوص اوضاع داخلی و روابط خارجی گزارش می‌دهد و بر دستگاه‌های اجرایی مملکتی نظارت و کنترل دارد. در جلسات هیأت وزیران، نخست‌وزیر ریاست را عهده‌دار است و چنانچه از لحاظ تداخل مسئولیت‌ها، اختلاف‌نظری بین وزرا بروز کند، نظر نهایی را نخست‌وزیر خواهد داد. سایر اختیارات مهم نخست‌وزیر عبارت است از فرماندهی کل نیروهای مسلح که به‌عنوان نمایندهٔ کابینه اعمال می‌کند و همچنین اخذ تصمیم درباره اینکه در شرایط حدوث واقعه و سانحهٔ طبیعی عمده یا وقوع ناآرامی‌های اجتماعی، اعلام وضع فوق‌العاده در کشور در چه مرحله‌ای بایستی صورت گیرد.[۱۲]

با ملاحظهٔ ضوابط قانونی مشخص می‌شود که قوه مجریه متشکل از اجزا و اعضایی است که به‌طور قانونی موجودیت و بقای خود در سمت مربوطه را مرهون و وابسته به نخست‌وزیر هستند. با این وجود طبق تجویز قانون، این جمع نابرابر قوهٔ مجریه را در اختیار دارد و اعمال می‌کند. اختیار کابینه طبق اصل ۷۳ عبارت از اجرای قوانین، اداره امور کشور، اجرا و اعمال سیاست خارجی، انعقاد عهود، تهیهٔ بودجه سالانه کشور و تصمیم‌گیری دربارهٔ عقود عمومی، عفو خاص، لغو یا کاهش مجازات‌ها و اعادهٔ حقوق مدنی است. سایر اختیارات کابینه، شامل تصویب و تأیید وظایف رسمی امپراتور به موجب اصول ۳ و ۷، انتخاب رئیس دیوان عالی کشور (اصل ٦)، انتخاب قضات دیوان عالی و سایر دادگاه‌ها (به موجب اصول ۷۹ و ۸۰)، تشکیل اجلاس فوق‌العاده پارلمان (اصل ۵۳) و تشکیل اجلاس اضطراری مجلس مشاوران (اصل ٤ و۵) و گزارش به پارلمان و ملت در مورد وضعیت مالی کشور (اصل ۹) است.[۱۳]

اصلاح ساختار دولت مرکزی ـ ژانویه ۲۰۰۱



نقش تشریفاتی امپراتور

در اصل اول قانون اساسی ژاپن، امپراتور به‌عنوان نماد مملکت و وحدت ملی معرفی شده است. امپراتور، مقامی به‌شمار می‌رود که موقعیت خود را طبق خواست ملتی که بر آن حاکمیت دارد، کسب کرده است.

به موجب اصل چهارم، حیطه وظایف امپراتور محدود به اقداماتی است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده و این نکته که وی قدرت حکومت ندارد، مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل سوم، توصیه و تصویب هیأت وزیران برای تمام اقدامات رسمی امپراتور ضروری ذکر و تأکید شده است که کابینه نیز مسئولیت و وظیفه جوابگویی اقدامات مزبور را برعهده دارد.

به موجب اصول ششم و هفتم وظایف امپراتور عبارت است از:

ـ منصوب کردن نخست‌وزیر منتخب پارلمان؛

ـ منصوب کردن رئیس دیوان عالی کشور منتخب هیأت وزیران؛

ـ توشیح قوانین و عهود، افتتاح پارلمان و انحلال مجلس نمایندگان، نصب و عزل وزرا و تفویض اختیار به سفرا و وزرا (مختار)، اعلام عفو و تخفیف مجازات‌ها و اعادهٔ حقوق مدنی، پذیرش سفرا و وزرای مختار خارجی.

اصل خودمختاری محلی

قانون اساسی جدید ژاپن که در سال ۱۹٤٦ به‌طور رسمی به اجرا درآمد، ذاتاً تمرکززدایی از اختیارات سیاسی را تضمین کرده است. این‌کار از طریق تأیید «اصل خودمختاری محلی» و تأسیس وجوه اساسی نظام جدید همچون جدایی ادارات محلی از ملی و انتخاب مستقیم فرمانداران و شهرداران، همچنین مجامع محلی تحقق یافته‌است.[۱٤]

یکی از وجوه عمدهٔ خودمختاری محلی در ژاپن این است که مقامات ارشد اجرایی با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. آنها به عنوان نمایندگان مردم، کارمندان دولتی محلی را مدیریت کرده و اموری را که قانون یا دولت ملی به دولت‌های محلی محول کرده، اداره

می‌کنند. افراد دارای ۳۰ سال سن یا بالاتر جهت انتخابات در این حوزه‌ها صلاحیت دارند. برای انتخاب شهردار در شهر یا روستا افراد باید حداقل ۲۵ سال سن داشته باشند و مدت هر دوره چهار سال است.(۱۵)

در مجموع نظام دولت محلی ژاپن بر دو اصل پایه‌ریزی شده است، اول اعطای حق ایجاد نهادهای دولت محلی خودمختار بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی که تا حدودی مستقل از دولت ملی است. دوم، در برداشتن ایدهٔ «خودمختاری شهروندان» که به این طریق شهروندان مناطق مختلف به درجات متفاوت در فعالیت‌های مربوط به نهادهای محلی شرکت می‌کنند. نظام دولت خودمختار محلی در ژاپن پیش از جنگ جهانی دوم شکل گرفت. اصول بنیادین دولت خودمختار محلی در قانون خودمختاری محلی[1]، که اعتبار قانونی خاصی به اصول خودمختاری محلی مندرج در فصل هشتم قانون اساسی ژاپن می‌دهد، تبیین شده است.(۱۶)

قانون خودمختاری محلی انواع نهادهای دولتی محلی و چارچوب سازمانی آنها را تبیین کرده و راهکارهایی را برای اداره آنها ارائه کرده، همچنین روابط اساسی بین این نهادهای محلی و دولت مرکزی را مشخص می‌سازد. وزارت امور داخله مسئول روابط اداری دولت محلی با دولت مرکزی است. این وزارتخانه مسئول ارتباط و تبادل دیدگاه‌ها بین دولت محلی و مرکزی است و برنامه‌های دولت محلی و نظام مالیاتی را تعیین می‌کند. گرچه دولت‌های محلی، نهادهای خودمختاری هستند، اما این دولت مرکزی است که از راهکارهای گوناگون اعمال کنترل می‌کند.

اواسط دههٔ ۵۰، دولت‌های محلی در روند ملی رشد اقتصادی سهیم شدند اما تا اواخر دههٔ ۶۰ و اوایل دههٔ ۷۰ بسیاری از دولت‌های محلی اولویت‌های خود را تغییر دادند. رشد اقتصادی باعث افزایش شهرنشینی شد و مشکلات جدید شهری از قبیل بیماری‌های مربوط به آلودگی، ترافیک شهری و گسترش کنترل‌نشده شهرنشینی به‌وجود آمد.

شدت این مشکلات اعتراضاتی را در اقشار پایین جامعه برانگیخت و شهروندان خواستار

---

1. Chiho Jichi Ho

اتخاذ سیاست‌های اصلاحی از سوی دولت‌های محلی شدند. در نتیجه اولویت‌های محلی به‌طور بارزی از مسائل ملی گرفته شد و با رشد اقتصادی نامحدود به سمت برقراری استانداردهای بهتر زندگی سوق پیدا کرد.[۱۷]

وجه دیگر خودمختاری این است که قدرت بارزی در اختیار مجامع محلی قرار می‌گیرد که با رأی عمومی و به‌طور مستقیم انتخاب می‌شوند. هر حوزه نمایندگی، شهر و روستا دارای یک مجلس است. این مجامع در مورد قانون‌گذاری و لغو احکام، تصویب بودجه سالانه و تصویب نهایی صورت‌حساب هزینه‌ها و درآمدها مسئول هستند.

یکی دیگر از وجوه دولت محلی آن است که به افراد محلی این حق را می‌دهد که بتوانند به طیف وسیعی از ارگان‌های دولت محلی مراجعه کنند. به‌عنوان مثال بر اساس یک روند مشخص، افراد می‌توانند خواستار تصویب یا لغو قانون، انحلال مجلس یا احضار مجلس و مدیران ارشد اجرایی شوند.[۱۸]

علاوه بر این، کارکردها و مسئولیت‌های اداری بین دولت محلی و ملی تقسیم شده دولت ملی عهده‌دار دفاع، سیاست خارجی و سایر کارکردهایی است که مسئولیت‌های دولت مرکزی به حساب می‌آیند، در حالی‌که بسیاری از امور مربوط به حفظ و توسعه زمین، جلوگیری از بروز فاجعه، کنترل آلودگی، کار، تحصیلات، رفاه اجتماعی و بهداشت از سوی دولت‌های محلی اداره می‌شوند.

فرمانداری‌ها با اموری سروکار دارند که دارای حجم زیاد است و یا بر حوزه وسیعی تأثیرگذار است و اغلب به‌عنوان رابط بین دو نهاد شهری یا بیشتر عمل می‌کنند. شهرداری، ادارهٔ اموری را به‌عهده دارد که به‌طور مستقیم با زندگی روزانه جوامع ارتباط دارد. همان‌طور که در قانون خودمختاری محلی آمده، فرمانداری‌ها را یک فرماندار[۱] اداره می‌کند، در حالی‌که شهرها و روستاها توسط شهرداران[۲] اداره می‌شوند.

---

1. Chiji

2. Cho

کوشش دولت برای اصلاحات در اواخر دهۀ ۷۰ و اوایل دهۀ ۸۰ باعث تکیه بیشتر بر مقامات محلی برای اجرای برنامه‌های ملی، اجتماعی و زیست‌محیطی شد. قانون پیشبرد تمرکززدایی در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید و باعث ایجاد برنامه پیشبرد تمرکززدایی توسط کابینه در سال ۱۹۹۸ و تصویب قانون اصلاح قوانین مربوط به برنامه پیشبرد اصلاحات در سال ۱۹۹۹ شد. این قانون حدود نقش و مسئولیت‌های دولت مرکزی را در امور دولت‌های محلی به حداقل سطح ممکن کاهش می‌دهد. به‌منظور تقویت منابع مالی و اداری در سطح محلی و کمک به دولت محلی برای انجام بهتر اختیارات محوله و پرداختن به مشکلات اجتماعی از قبیل؛ بالارفتن سن جمعیت، دفع زباله‌ها، دولت ملی درصدد یکپارچه کردن شهرها و روستاها است.

تا فوریه ۲۰۰۲ تعداد ٤۷ فرمانداری و ۳۲۲۳ شهرداری شامل ۱۲ شهرداری قانون محلی با جمعیت بیش از یک میلیون نفر در ژاپن وجود داشت.

مجامع محلی (شامل ۲۳ منطقه توکیو) از اعضایی تشکیل شده که از سوی رأی‌دهندگان انتخاب شده‌اند. کارهایی که مربوط به آنها می‌شود عبارتند از: برقراری یا لغو قوانین محلی، تعیین بودجه دولت محلی و تصویب حساب‌ها. آنها همچنین به‌طور مبتکرانه یا در صورت درخواست دولت مرکزی بر اموری که مربوط به نهادهای محلی می‌شود، نظارت می‌کنند.

به همین ترتیب دولت‌های محلی از کمیسیون‌های حسابرسی درخواست صورت حسابرسی‌ها را کرده و در انتخاب مسئولان مهم محلی (معاون فرماندار، شهردار و غیره) دخالت دارند. کار آنها به‌طور گسترده‌ای از طریق کمیته‌های کاری[1] انجام می‌شود. به‌عنوان نهادهای بحث و تصمیم‌گیری، مجامع محلی و نهادهای اجرایی در کنار دفاتر فرمانداران و شهرداران قرار دارند و این نهادها مهم‌ترین اجزای دولت‌های محلی به‌شمار می‌روند. گرچه این نکته قابل ذکر است که ابتکارات و فعالیت‌های خودمختارانه این مجامع ناکافی است چرا که عمدۀ پیشنهاداتی که آنها مورد بررسی قرار می‌دهند از سوی دفاتر شهرداران و فرمانداران واصل شده است.

---

1. Jon in emboli

شهروندان ریاست حکومت‌های محلی را مستقیماً خود انتخاب می‌کنند و این مسئله در تقابل با شیوهٔ غیرمستقیم انتخاب نخست‌وزیر یعنی توسط آرای اعضای دایت، قرار می‌گیرد. مجامع محلی که نهادهای تصمیم‌گیرنده و مشورتی هستند و ریاست دولت‌های محلی که نهادهای اجرایی هستند، هر دو بر اساس رأی و نظر شهروندان انتخاب شده و جایگاهی موازی دارند. ایجاد این الگوی دموکراتیک در راستای تحقق خودمختاری مناسب بر اساس نظارت دو جانبه‌ای است که مجامع و ریاست دولت‌های محلی بر یکدیگر اعمال می‌کنند.

در اصل ۹٤ قانون اساسی آمده: «واحدهای عمومی محلی باید از حق مدیریت بر امور اموال و امور اداری خود برخوردار باشند و در چارچوب قانون، مقررات مربوط به خود را وضع کنند». این اصل به واحدهای محلی اختیار داده‌است که به‌طور مستقل امور اداری و مالی مربوط به حوزه خود را حل و فصل کنند.

بر اساس این سیستم، همه بخش‌های اداری و شهرداری‌ها از قدرت در اختیار داشتن مجلس، واحدهای اجرایی و منابع مستقل درآمدی (وضع و اخذ مالیات‌های محلی) برخوردارند و بدین ترتیب با در اختیار داشتن ارگان فوق‌الذکر مستقل از دولت مرکزی، امور اداری محلی را در جهت منافع و علائق ساکنان آن محل اداره می‌کنند.

بر طبق سیستم فعلی استقلال محلی، دولت‌های محلی نمی‌توانند امور قضایی، اقدامات تنبیهی و انضباطی ملی، حمل و نقل و ارتباطات ملی، خدمات پستی، نهادهای آموزشی و تربیتی ملی، بیمارستان و امور پزشکی ملی، دریانوردی ملی، هواشناسی و راه‌های آبی ملی، کتابخانه و موزه‌های ملی را اداره کنند. به جز امور مربوط به دفاع و دیپلماسی که منحصراً در اختیار دولت مرکزی است، سایر امور اجرایی در ژاپن با هماهنگی و تقسیم وظایف بین دولت مرکزی و دولت‌های محلی انجام می‌شود.[۱۹]

در مورد انجام اصلاحاتی که در سال ۱۹۹۹ برنامه پیشبرد آن تدوین شد، باید این نکته را یادآور شد که مرحله نخست اجرای چنین اصلاحاتی این است که از دخالت‌ها و اقدامات حکومت‌های محلی در حمایت و پشتیبانی از بخش خصوصی جلوگیری کرده و به‌منظور

تدوین قوانین اجتماعی مشخص بدنه‌ای پی‌ریزی شود که بتواند نظارت عالیه‌ای بر دستگاه‌های اجرایی داشته باشد.[۲۰]

مرحله دوم اصلاحات مبتنی بر توسعهٔ ظرفیت برنامه‌ریزی شهری و افزایش اختیارات حکومت‌های محلی است. برای اینکه بتوان امکان ایجاد فضای سبز، مؤسسات و ادارات عام‌المنفعه را در شهرهای پر ازدحام و پرجمعیت افزایش داد، باید اختیارات و منابع مالی حکومت‌های محلی ارتقا یابد.[۲۱]

مرحله دیگر اصلاحات، مواردی است که اجرای آن مبتنی بر تمرکززدایی سیاسی و تکوین یک حاکمیت صحیح است. حکومت مرکزی باید از مسئولیت‌هایی که می‌توان آنها را به حکومت‌های محلی تفویض کرد، خود را به‌طور کامل رها سازد.

مرکز باید در مورد زمینه‌هایی تخصص یابد که توان اجرای آنرا داشته باشد. بدیهی است توزیع منابع به منظور کاهش فاصله اقتصادی مناطق مختلف، ضروری بوده ولی به‌طور اصولی حکومت مرکزی باید از ارائه تضمین‌های تبعیض‌آمیزی که برای پاره‌ای از برنامه‌ها و پروژه‌ها در نظر گرفته می‌شود، پرهیز کند. بر اساس نظام موجود، مردم به‌ویژه پیشه‌وران کشور با سبقت گرفتن از یکدیگر سعی دارند تضمین‌های لازم را به‌دست آورده، چنین درخواستی را از طریق نمایندگان مجلس و تحت فشار قرار دادن آنان محقق سازند و منافع درازمدت خود را توسط دیوان‌سالارانی که زمام کار را در دست دارند، تضمین کنند. تا زمانی که شرایط بدین منوال باشد، امیدی به اعمال حاکمیت دولت مرکزی نخواهدبود.

تمرکززدایی بیش از حد نه تنها موجب سردرگمی سیاستمداران و دیوان‌سالاران ژاپن شده بلکه موجب بی‌تفاوتی رأی‌دهندگان نسبت به مسائل حساس کشور نیز می‌شود. به همین دلیل ضروری است، اقداماتی در جهت تصحیح سیاست خارجی انجام گیرد تا کشور بتواند آن‌گونه که شایسته و در خور یک قدرت اقتصادی برتر است، عهده‌دار مسئولیت‌های بین‌المللی شده، به بقای نظم جهانی کمک کرده و در مسائل زیست‌محیطی جهان نقش خود را ایفا کند.

اگر اصل تمرکززدایی و اعطای اختیارات به حکومت‌های محلی به اجرا درآید، ملغمه

ماهیتی ساختارهای محلی ناچار می‌شوند راه را برای اجرای نظام دولتی قانونمندانه‌ای بگشایند که توجه گسترده‌تری به واحدهای منطقه‌ای داشته و بخواهد این نظام را جایگزین نظام استانی موجود سازد. در چنین وضعیتی است که حکومت مرکزی این توان را خواهد یافت که اکثر مسئولیت‌های فعلی خود را به‌عهده حکومت‌های محلی بگذارد و همچنین اکثر وظایف فعلی کشوری را می‌توان به عهده فرمانداری‌ها گذاشت. البته چنین تحولاتی یک‌شبه انجام نخواهد پذیرفت. تمرکززدایی و ایجاد حاکمیت‌های محلی توانمند در حال حاضر یکی از اساسی‌ترین اصلاحات شمرده می‌شود.[۲۲]

۲ـ۲ـ۷ـ قوه مقننه

قانون اساسی ژاپن که در سال ۱۹٤۷ به مرحله اجرا درآمد بر اساس اصول حاکمیت مردم، احترام به مبانی بنیادین حقوق بشر و دفاع از صلح است.[۲۳] این قانون که فعلاً نافذ است، زیربنا و محور قانونی ساختار سیاسی ژاپن به حساب می‌آید. به موجب این قانون ـ که با توجه به موقعیت زمانی و مکانی آن سندی پیشرفته و ایده‌آل به‌نظر می‌رسد ـ ژاپن سیستم پارلمانی دارد و دایت ملی[1] یا پارلمان، عالی‌ترین ارگان حکومتی است و هیأت وزیران در اداره کشور به‌طور جمعی در قبال آن مسئولیت دارد.

در رابطه با اصل تفکیک قوا، سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه در کشور وجود دارد.[۲٤] در قانون اساسی ژاپن دایت یا مجلس به‌عنوان هسته نظام حکومتی بر قوه مجریه برتری دارد. تعیین نخست‌وزیر که در رأس قوه مجریه قرار دارد، بنابر قطعنامهٔ صادره از سوی مجلس صورت می‌گیرد. در ژاپن نظام کابینه پارلمانی اعمال می‌شود که بر اساس آن نخست‌وزیر اکثریت اعضای کابینه را از بین اعضای دایت انتخاب می‌کند. به این ترتیب کابینه به‌طور همبسته با دایت کار کرده و در برابر آن مسئول است. از این جنبه، این نظام شبیه بریتانیا است ولی با ایالات‌متحده که ۳ شاخهٔ حکومتی بر اساس اهمیت و رتبه در یک سطح قرار دارند، تفاوت دارد.[۲۵]

---

1. National Diet

در قانون اساسی، دایت به‌عنوان «عالی‌ترین نهاد قدرت حکومت» شناخته شده است. دایت ملی[1] یا پارلمان که به موجب اصل ٤١ قانون اساسی، عالی‌ترین ارگان حکومتی و تنها مرجع قانون‌گذاری محسوب می‌شود از مجلس نمایندگان[2] و مجلس مشاوران[3] تشکیل شده است.

دایت از اعضایی تشکیل شده است که مستقیماً از سوی شهروندان دارای ۲۰ سال سن و بالاتر انتخاب می‌شوند.

احزاب سیاسی که تقریباً تمامی اعضای دایت در آنها عضویت دارند، واحدهای اصلی فعالیت‌های سیاسی به‌شمار می‌روند. به این ترتیب ژاپن دارای سیاست حزبی است. نخست‌وزیر از بین اعضای دایت انتخاب می‌شود و سپس کابینه را تشکیل می‌دهد (باز هم از میان اعضای دایت) که شاخهٔ اجرایی حکومت به‌شمار می‌رود.

دایت تنها نهاد قانون‌گذاری کشور است. روند تمامی قانون‌گذاری‌ها به تصویب نهایی دایت ختم می‌شود. همچنین دارای کارکردهای مهم اضافی دیگری نیز از قبیل؛ تصویب بودجه ملی، تصویب معاهدات بین‌المللی و ارائه پیشنهادات رسمی برای اصلاح قانون اساسی می‌شود. اگرچه مجلس نمایندگان و مجلس مشاوران از لحاظ قدرت به‌صورت سلسله مراتبی هستند اما مجلس نمایندگان در تصمیمات مربوط به قانون‌گذاری، انتصاب نخست‌وزیر، امور مربوط به بودجه و معاهدات بین‌المللی برتری دارد. به‌عنوان مثال اگر لایحه‌ای از سوی مجلس نمایندگان تصویب شود اما مجلس مشاوران خلاف آنرا تصویب کند (آنرا رد کرده و یا خواستار اصلاحات شود)، باز هم آن لایحه در صورت ارجاع به مجلس نمایندگان و تصویب دوسوم نمایندگان حاضر، به صورت قانون درمی‌آید.[٢٦]

مجلس نمایندگان ٤٨٠ کرسی دارد و دورهٔ آن چهار سال است، اما کابینه می‌تواند آنرا (به موجب اصول ۷ و ٤٥ قانون اساسی) منحل کند. از تعداد ٤٨٠ کرسی، تعداد ۳۰۰ نفر طبق نظام حوزه‌های انتخابیه کوچک که از هر حوزه فقط یک نفر برگزیده می‌شود، به مجلس راه می‌یابند

---

1. National Diet
2. House of Representatives of Upper House
3. House of counsellors or lowers House

و ۱۸۰ نفر دیگر طبق نظام نمایندگی سهمیه‌ای که تعداد کرسی‌ها بر طبق سهمیه رای به‌دست آمده از سوی حزب به نمایندگان برتر آن تعلق می‌گیرد، انتخاب می‌شوند.[۲۷]

مجلس مشاوران دارای ۲۴۲ کرسی است که ۹۶ نماینده آن توسط مردم برگزیده می‌شوند و ۱۴۶ کرسی دیگر آن به تناسب میزان آرایی که احزاب مختلف در انتخابات سراسری کسب می‌کنند، از میان کاندیداهای معرفی شده احزاب تکمیل می‌شود. دوره این مجلس شش سال است و هر سه سال، انتخابات نیمی از اعضای آن تجدید می‌شود. لازم به ذکر است که این مجلس را نمی‌توان منحل کرد.

مجلس نمایندگان می‌تواند به کابینه رأی عدم اعتماد بدهد. از سوی دیگر کابینه هم می‌تواند مجلس نمایندگان را منحل کند و هم اینکه رئیس دیوان عالی و سایر قضات را منصوب کند. بر اساس قانون اساسی، دایت مختار است یک دادگاه استیضاح از بین اعضای به‌منظور رسیدگی به دعوی برکناری هر یک از قضات تشکیل دهد.[۲۸]

جلسات مجلس نمایندگان و مجلس مشاوران شامل؛ جلسات عادی، فوق‌العاده و ویژه است. جلسات عادی دایت سالی یکبار در ژانویه برگزار شده و ۱۵۰ روز طول می‌کشد. مهم‌ترین لایحه‌ای که در جلسه عادی مطرح می‌شود، بودجه دولتی برای سال مالی بعد است که از آوریل آغاز می‌شود.[۲۹]

مجلس نمایندگان در مورد این حق را دارد که پیش‌نویس لایحه بودجه را توسط کابینه به دایت ارائه کند و همچنین می‌تواند لایحهٔ ارائه شده به مجلس مشاوران را پس از گذشت زمان مشخصی تصویب کند.

رأی مجلس نمایندگان در انتخاب نخست‌وزیر جدید و تصویب نتایج معاهدات، نسبت به مجلس مشاوران برتری دارد و این مهم‌ترین قدرت مجلس نمایندگان در سیاست‌های پارلمانی محسوب می‌شود. مجلس مشاوران فاقد قدرت قانونی برای دادن رای عدم اعتماد است.

مجلس مشاوران می‌تواند به‌طور موقت جایگزین مجلس نمایندگان شود تا وظایف دایت را

برعهده بگیرد، البته در صورتی‌که کابینه در زمان انحلال مجلس نمایندگان، اجلاس اضطراری مجلس مشاوران را تشکیل دهد.[۳۰]

مجلس نمایندگان از زمان اجرای قانون اساسی فعلی فقط یک دوره چهارساله کامل (۱۹۷٦ ـ ۱۹۷۲) داشته و پانزده دورهٔ دیگر آن قبل از انقضای دوره چهار سال ـ دوره قانونی آن ـ توسط کابینه منحل شده است.

در هر دو مجلس مقننه ژاپن، کمیته نقش اصلی را دارد و کمیته‌ها در مقایسه با جلسه علنی، عهده‌دار کارهای بیشتر و اصلی هستند و بحث‌ها و مذاکرات و تصمیم‌گیری‌ها در کمیته صورت می‌گیرد.[۳۱]

مجلس نمایندگان ۱۸ کمیته و مجلس مشاوران ۱٦ کمیته دارد. در هر مجلس علاوه بر چهار کمیته بودجه، حسابرسی اداری و انضباطی، حوزه عمل و مسئولیت سایر کمیته‌ها ـ کمابیش ـ با وظایف و حیطه کار وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مطابقت دارد.

کمیته‌های مجلس نمایندگان امور اداری و جاری را زیرنظر دارند، در حالی‌که کمیته‌های مجلس مشاوران به دلیل طول بیشتر دوره مجلس و عدم مواجهه با خطر انحلال، بیشتر به بررسی برنامه‌ها و سیاست‌های ملی می‌پردازند. در هر دوره معمولا هفت و یا هشت کمیتهٔ ویژه برای رسیدگی به اموری که در حیطهٔ مسئولیت کمیته‌های دائمی نمی‌گنجد، تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها پس از انجام کار خود منحل می‌شوند.

جدای از این کمیته‌ها، به اتفاق هم یک کمیتهٔ طرح دعاوی علیه قضات تشکیل می‌دهند و رسیدگی به دعاوی مربوط در دادگاه تشخیص کفایت قضات که به موجب اصل ٦٤ قانون اساسی، اعضای آنرا وکلای دو مجلس تشکیل می‌دهند، صورت می‌پذیرد. هر یک از علاوه بر رئیس، یک نایب رئیس دارند و مقام‌های مزبور در این دو مجلس، توسط نمایندگان انتخاب می‌شوند. آنان در اجرای وظایف خود که شامل؛ مشخص کردن برنامه و دستور کار، حفظ نظم و نظارت بر امور اداری است، بی‌طرف بوده و طبق سنت پس از احراز سمت، ارتباطات حزبی خود را قطع می‌کنند. رؤسای مجلسین (و در غیاب آنها نایب رئیسان) در رأی‌گیری شرکت

نمی‌کنند و فقط در شرایطی که آرای مخالف و موافق مساوی شود، رأی خواهند داد.

به موجب اصول ۵۰ و ۵۱ قانون اساسی، دستگیری نمایندگان پارلمان در خلال دوران تشکیل مجلسین ممنوع است و علاوه بر این موضوع، آنها را نمی‌توان به خاطر ایراد سخنرانی در مجلس و یا رأیی که داده‌اند بعداً نیز مورد تعقیب قضایی قرار داد.

مجلسین هر سال یک دوره عادی دارند که در ماه دسامبر آغاز می‌شود و ۱۵۰ روز به طول می‌انجامد[1] و قابل تمدید است.[2] علاوه بر آن طبق نظر دولت و یا بنا به درخواست یک چهارم وکلای هر مجلس، اجلاس فوق‌العاده آن مجلس تشکیل می‌شود.[32]

اختیارات پارلمان

مهم‌ترین اختیار پارلمان به‌عنوان تنها مرجع قانون‌گذاری وضع قانون است. علاوه بر آن پارلمان در مورد بودجه کشور نیز تصمیم می‌گیرد (اصول ۶۰ و ۸۶)، عهود را تصویب می‌کند (اصول ۶۱ و ۷۳)، نخست‌وزیر را تعیین می‌کند (اصل ۶۲) و به کابینه رأی عدم اعتماد یا اعتماد می‌دهد (اصل ۶۹). این اختیارات به پارلمان شأن قانونی عالی‌ترین ارگان مملکتی را اعطا کرده است. شروع اقدام در روند اصلاح قانون اساسی (اصل ۹۶) و تشکیل دادگاه رسیدگی به کفایت قضات (اصول ۶٤ و ۷۸) در شمار سایر اختیارات مهم پارلمان قرار دارد.

به موجب سایر قوانین، تصویب پارلمان برای لازم‌الاجرا بودن و قانونی شدن نظر دولت در خصوص بسیج نظامی[3] و اعلام وضع فوق‌العاده[4] ضروری است. علاوه بر این برای انتخاب و منصوب شدن در ۳ پست مهم مملکتی از جمله؛ اعضای هیأت مدیره حسابرسی (دیوان محاسبات)[5]، کمیسیونر سازمان امور استخدامی،[6] اعضای کمیسیون تجارت منصفانه،[7] اعضای

---

1. Diet Law (Article 10)
2. Diet Law (Article 12)
3. Self Defense Forces law
4. Emergency case
5. Board of Audit law
6. National civil Service Law
7. Fair Trade Commission, Antimonopoly law

کمیسیون امنیت ملی،[1] اعضای هیأت مدیره بانک ژاپن (بانک مرکزی)[2] و اعضای کمیته مرکزی امور انتخابات[3] تصویب و موافقت پارلمان ضروری است.

تفوق مجلس نمایندگان[۳۳]

قانون اساسی به‌طور مشخص در چهار زمینه، نظر مجلس نمایندگان را بر مجلس مشاوران برتری داده است که عبارتند از:

الف ـ تصویب قانون، لوایح و طرح‌ها برای قانونی شدن نیاز به تصویب هر دو مجلس دارد ولی در این راستا، چنانچه پس از تصویب مجلس نمایندگان، مجلس مشاوران نظر متفاوتی ابراز دارد، در صورتی‌که مجلس نمایندگان نظر قبلی خود را با اکثریت دوسوم آرا مورد تأکید مجدد قرار دهد، مصوبه مذکور جنبه قانونی پیدا خواهد کرد. البته مجلس نمایندگان به موجب اصل ۵۹ می‌تواند برای رسیدن به نظر مرضی‌الطرفین به تشکیل کمیته مشترک با مجلس مشاوران مبادرت کند.

ب) طبق اصل ٦۰ قانون اساسی، بودجه مملکتی ابتدا به مجلس نمایندگان تسلیم می‌شود، اگر پس از تصویب و اصلاحات احتمالی مجلس مزبور، مجلس مشاوران نظر دیگری ابراز دارد و کمیته مشترک نیز به نتیجه نرسد و یا اصولاً مجلس مشاوران ظرف ۳۰ روز اقدام نکند، مصوبه مجلس نمایندگان جنبه قانونی پیدا می‌کند.

ج) در مورد عهود نیز طبق اصل ٦۱ وضعیت به نحو ذکر شده در بند قبلی است، یعنی نظر مجلس نمایندگان بر مجلس مشاوران برتری دارد. انعقاد عهود وظیفهٔ دولت بوده ولی بسته به موقعیت، قبل یا بعد از انعقاد عهدنامه، تصویب پارلمان ضروری است. برخلاف مسئله بودجه، عهود قابل اصلاح نیست، و تصویب یا رد می‌شود.

د) به موجب اصل ٦٧ برای انتخاب نخست‌وزیر که از وظایف پارلمان است و بر هر اقدام

---

1. Public safety commission
2. Bank of Japan law
3. Central Election Administration

دیگر پارلمانی برتری دارد و مقدم است، چنانچه مجلسین نظر متفاوتی ابراز کنند و یا مجلس مشاوران به تصمیم مجلس نمایندگان ظرف مدت ده روز پاسخ ندهد، فرد منتخب به نخست‌وزیری تعیین خواهد شد. علاوه بر موارد فوق به موجب اصل ٦٩ مجلس نمایندگان می‌تواند با صدور قطعنامه (که برای رای‌گیری درباره آن امضای پنجاه تن از وکلا ضروری است) به دولت رای عدم اعتماد بدهد و یا درخواست رأی اعتماد دولت را با رأی منفی مواجه کند. در این صورت کابینه یا بایستی به‌طور دسته‌جمعی استعفا دهد و یا باید ظرف مدت ده روز مجلس نمایندگان را منحل کند. در صورت انحلال مجلس نمایندگان، بایستی انتخابات این مجلس ظرف چهل روز برگزار شود و سی روز دیگر، یعنی جمعاً ۷۰ روز پارلمان تشکیل جلسه دهد.

به موجب اصل ٥٤ در طول دورهٔ انحلال مجلس نمایندگان، مجلس مشاوران نیز جلسه نخواهد داشت ولی در صورت بروز شرایط فوق‌العاده، دولت می‌تواند اعضای آن مجلس را به اجلاس دعوت کند و مجلس مزبور در آن شرایط حق انشا و وضع قانون را نیز دارا است، ولی مصوبات مزبور بایستی در دوره بعد مجلس نمایندگان ظرف ده روز مورد تأیید قرار گیرد و الا بدون اعتبار تلقی خواهد شد.

علاوه بر آنچه که در بالا ذکر شده، باید به این نکته نیز اشاره کرد که سیستم حکومتی ژاپن پارلمانی است و قوای مقننه، مجریه و قضائیه در عین جدایی، بر یکدیگر نظارت دارند، یعنی قوهٔ مقننه که از دو مجلس تشکیل شده نخست‌وزیر را تعیین می‌کند و کابینه را تشکیل می‌دهد. قوهٔ مجریه یا کابینه در اجرای وظایف خود، در مقابل پارلمان مسئولیت دارد و در صورت رأی عدم اعتماد پارلمان بایستی استعفا دهد.

در عین حال کابینه می‌تواند حکم به انحلال مجلس نمایندگان بدهد.

دیوان عالی کشور نیز به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی طبق اصل ۸۱ قانون اساسی در خصوص مطابقت اقدامات و مصوبات قوای مجریه و مقننه با قانون اساسی اظهارنظر می‌کند.

۳ـ۲ـ۷ـ قوه قضائیه

طبق قانون اساسی مصوب ۱۹٤۷ ژاپن، تفکیک قوای سه‌گانه سیاسی از یکدیگر صورت گرفت و وظیفه رسیدگی به تظلمات و دادخواهی مردم و همچنین حراست از قانون اساسی کشور بر عهدهٔ قوه قضائیه گذاشته شد. قوه قضائیه دارای سه بخش عمدهٔ دادگاه‌ها، دفاتر دادستانی که همطراز دادگاه‌ها تشکیل می‌شوند و سرانجام فدراسیون انجمن‌های وکلای ژاپن[1] است که تشکیلاتی خصوصی محسوب شده و برای کمک به حسن جریان دادسرایی به‌وجود آمده‌است.

قبل از جنگ جهانی دوم، سیستم قضائیه کشور نیز مطابق با قانون اساسی ۱۸۸۹ «میمی» زیر نظارت عالیه امپراتور فعالیت داشت و تمامی محاکمات به نام وی انجام می‌گرفت.[۳٤]

قانون اساسی ژاپن (اصل ۷٦) اشعار می‌دارد «کل قدرت قضایی در دست دیوان‌عالی و دادگاه‌های پایین‌تر بر طبق آنچه در قانون آمده» صورت می‌گیرد. تمامی دادگاه‌ها در کلیه سطوح بخش‌هایی از یک نظام واحد به‌شمار می‌آیند که تحت مدیریت یکپارچه و منحصر دیوان‌عالی قرار دارد. ساختار قوه قضائیه به این شرح است:

دیوان عالی

هشت دادگاه عالی در هشت زیرمنطقه جغرافیایی اصلی

پنجاه دادگاه محلی در واحدهای اداری محلی

پنجاه دادگاه خانواده

و ٤۳۸ دادگاه بخش در سراسر کشور.[۳۵]

دایت به‌عنوان تنها نهاد قانون‌گذار می‌تواند سازمان دادگاه‌ها را از طریق قانون‌گذاری تغییر دهد اما اداره نظام دادگاه‌ها بر اساس قانون اساسی در اختیار دیوان عالی است. از وظایفی که به موجب قانون اساسی ۱۹٤۷ به دادگاه‌ها داده شده، نظارت بر حسن اجرای قانون اساسی است. دادگاه‌ها مختارند تا همه قوانینی را که از تصویب مجلس می‌گذرد، با قانون اساسی

---

1. Nichibenren

مطابقت دهند و در صورت مخالفت آن با قانون اساسی، به دیوان عالی کشور ارجاع دهند که پس از تصویب نهایی به «دایت» ارجاع می‌شود.[۳۶]

ریاست دیوان عالی از سوی امپراتور بعد از منصوب شدن توسط کابینه تعیین می‌شود. ۱۴ قاضی دیگر توسط کابینه منصوب می‌شوند. کلیه قضات از جنبه وجدانی مستقل و فقط مکلف به رعایت قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه هستند. هیچ‌یک از آنها را نمی‌توان برکنار کرد مگر آنکه از طرف عموم مردم مورد اعتراض و اتهام قرار گیرند یا از نظر قضایی و جسمی فاقد صلاحیت اعلام شوند.[۳۷]

سیستم دادستان‌های عمومی که قبلاً به‌عنوان دفاتری در کنار دادگاه‌ها فعالیت داشت با تصویب قانون دفاتر دادستان‌های عمومی به‌عنوان یک ارگان قانون اساسی درآمد. این دفاتر وظیفهٔ تأمین کنترل و بازرسی جریان دادرسی در دادگاه‌ها را برعهده دارند و با قضات در اجرای وظایف آنان همکاری می‌کنند. دفتر دادستان کل وظیفه هماهنگی بین تمامی دفاتر دادستان‌های عمومی را برعهده دارد.

ماده ۱۰ تا ٤۰ قانون اساسی ژاپن حقوق و وظایف مردم را مشخص می‌کند. طبق این مواد تمام شهروندان در ژاپن حق دستیابی به دادگاه‌ها را دارند. در این موارد اجرای حکم تضمین شده‌است: تعقیب و توقیف مجرمین، ممنوعیت اجرای شکنجه و یا تنبیه‌های ظالمانه و اجرای حق. قوانین عطف به ماسبق نمی‌شود و مجازات به‌طور مجدد انجام نمی‌گیرد.

از زمان اجرای قانون اساسی، دیوان عالی کشور به‌عنوان آخرین مرجع قضایی تعیین شده و دادگاه‌های فوق‌العاده همانند دادگاه قانون اساسی، دادگاه نظامی و دریایی که تا قبل از جنگ فعالیت داشتند، تعطیل شدند و دستگاه اجرایی کشور برای دادخواهی اداری نیز باید به دادگاه مراجعه کند و هیچ سازمان و آژانس قوهٔ مجریه اختیار قضایی ندارد.[۳۸]

دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور که بالاترین ارگان قوه قضائیه است، از ۱۵ نفر قاضی تشکیل شده است

که توسط ریاست دیوان اداره می‌شود. بر اساس قانون اساسی، اعضـای ایـن دیـوان بـه غیـر از رئیس دیوان، به مدت ده سال توسط کابینه منصوب شده و رئیس دیوان با تعیین کابینه و فرمان امپراتور به مدت ده سال به این مقام منصوب می‌شوند.(۳۹)

یکی از مشخصات قاضی دیوان عالی کشور که در قانون تشکیل دیوان آمـده‌است، داشـتن حداقل چهل سال سن است. اگرچه محدودیتی از نظر جنسیتی برای این قضات وجـود نـدارد اما تا این اواخر هیچ زنی به این سمت منصوب نشد و اخیراً خانم هیساکو تاکاهاشی به عنـوان اولین زن قاضی دیوان عالی منصوب شد. ۱۵ نفر قضات دیـوان عـالی شـامل؛ ۱۰ نفـر قاضـی، دادستان کل، وکلای دادگستری و استادان و یا استادیاران رشتهٔ حقوق دانشگاه‌هـا بـه عـلاوه ۵ نفر از صاحبنظران مباحث حقوقی هستند. ۵ نفر صاحبنظران مباحث حقوقی می‌تواننـد از میـان متخصصان رشتهٔ حقوق دادستان‌های عمومی سابق و «بوروکرات‌های» کشـور انتخـاب شـوند. دیوان عالی شامل دیوان و شعبات کوچک است. موضوعات مربوط به رویه‌های قضایی، تفسیر و تطبیق قانون اساسی از وظایف دیوان به‌شمار می‌رود. تمامی موارد ارجاعی بـه دیـوان عـالی استیناف هستند و این دیوان هیچ‌گونه رسیدگی بدوی انجام نمی‌دهد.(۴۰)

طبق اصل ۸۱ قانون اساسی، دیوان عالی آخرین مرجع رسیدگی بـه‌شـمار مـی‌آیـد و دارای قدرت تعیین مشروعیت هر قانون، حکم و مقررات قانونی است. بقیه امور مربوط به دیـوان در شعب کوچک رسیدگی می‌شوند. در دیوان پرونده‌های مورد رسـیدگی بایـد بـه نظـر تمـام ۱۵ قاضی دیوان برسد و اتخاذ آرا به صورت جمعی انجام می‌گیرد. دیوان دارای پنج شعبهٔ کوچک است که در هر یک سه قاضی عضویت دارند و یکی از آنان ریاسـت آنـرا برعهـده مـی‌گیـرد. رئیس دیوان نیز ریاست یکی از شعب کوچک را برعهده دارد. شعب بزرگ روزهای چهارشنبه هر هفته به ریاست دیوان عالی کشور تشکیل جلسـه مـی‌دهـد. حقـوق رئـیس دیـوان در حـد نخست‌وزیر است و دیگر قضات در حد وزرای کابینه حقوق ماهانـه دریافـت مـی‌کننـد. سـن بازنشستگی قضات دیوان هفتاد سال است. ولی به دلیل حساسیت کار، قضـات دیـوان معمـولاً بسیار مسن هستند و متوسط سن آنان بالای ۶۵ سال است.

در صورتی که قضات دیوان عالی کشور از نظر انجام کار صلاحیت لازم را نداشته باشند و یا اقدامی را مرتکب شوند که خلاف مصالح شغلی آنان محسوب شود، در کمیته استیضاح مجلس «دایت» که با شرکت نمایندگان مجلس تشکیل می‌شود، مورد محاکمه قرار می‌گیرند و در صورت تصویب این کمیته از مقام خود اخراج خواهند شد.

سازمان قضایی ژاپن

جلسات روز چهارشنبه دیوان، در واقع مجمع قضایی به شمار می‌رود که در آن به پرونده‌های مهم مربوط به رسوایی سیاسی مالی و تجاری مانند رسوایی مالی «لاکهید» که در سال ۱۹۷۶ انجام گرفت، رسیدگی می‌شود و دراین‌باره تصمیم‌گیری می‌کنند. همچنین این مجمع به امور تخلفات قضات دادگاه‌های تالی نیز رسیدگی می‌کند و در این مورد تصمیم می‌گیرد.

محققان قضایی

غیر از ۱۵ قاضی دیوان، ۲۰ نفر از محققان قضایی نیز در دیوان عالی کشور فعالیت دارند. بر اساس درخواست قضات دیوان، این محققان که از قضات مجرب به‌شمار می‌روند، به پرونده‌های مختلف رسیدگی می‌کنند و با توجه تئوری‌های قضایی و رویه‌های قضایی در ژاپن و خارج، روی پرونده‌ها نظر خود را ابراز می‌کنند. اگرچه احکام دادگاه‌ها توسط قضات دیوان رسیدگی می‌شود و احکام لازم صادر می‌شود، اما نظرات این محققان در جریان رسیدگی به پرونده و صدور حکم بسیار مهم است.

انواع دادگاه‌ها

دادگاه عالی (استیناف)[1]

1. High Court

دادگاه بخش[1]

دادگاه خانواده[2]

دادگاه جزء[3]

دادگاه استیناف

دادگاه استیناف به پرونده‌هایی که از سوی دادگاه بخش رسیدگی شده و به حکم صادره «استیناف» خواسته شده است، رسیدگی می‌کند. هشت دادگاه استیناف در سراسر ژاپن فعالیت دارند که شامل؛ توکیو، اوزاکا، ناگویا هیروشیما، فوکوئوکا، سندایی، سوپرو و تاکاماتسو می‌شود. هر یک از دادگاه‌ها دارای یک رئیس است که توسط کابینه منصوب و طی مراسم «تخفیف به امپراتور» مستقر می‌شوند. دادگاه استیناف به تمام جنبه‌های پرونده رسیدگی نمی‌کند و فقط به مورد و یا مواردی که به حکم دادگاه بخش اعتراض شده، رسیدگی می‌کند. به هر حال به علت مشکلاتی که در زمینه تشخیص و ارتباط داشتن دلایل جرم وجود دارد، گاهی اوقات رسیدگی به تمام موارد پرونده لازم است. نسبت به احکام دادگاه استیناف در صورتی که خلاف قانون اساسی و یا مخالف رویه‌های قضایی باشد و دارای اشتباه عمده تشخیص داده شود، می‌توان فرجام خواست. البته این به دلیل آن است که بتوان از تمامی احکام به دیوان عالی کشور توسل جست.

روند رسیدگی

دادگاه‌ها علنی هستند مگر در مواردی که دادگاه به‌طور یک‌جانبه تشخیص دهد که علنی بودن دادگاه مخل نظم و امنیت عمومی است، روند رسیدگی در برابر دوربین انجام می‌شود. محاکمات سیاسی، مطبوعاتی و یا مواردی که حقوق ملت بر اساس فصل سوم قانون اساسی پایمال شده، همواره باید علنی صورت گیرد.

---

1. District Court
2. Family Court
3. Summary Court

قانون اساسی ژاپن حق انجام محاکمه را طبق اصل ۳۲ تضمین می‌کند. در این اصل آمده، «هیچ فردی را نمی‌توان دستگیر یا بازداشت کرد بدون آنکه به او تفهیم اتهام شده باشد. همچنین متهم این حق را دارد که بلافاصله مشورت کند، اصل ۳۷ که در بخشی از آن آمده، «در همه زمان‌ها کسی که در موارد جنایی متهم شده دارای حق استفاده از یک وکیل با صلاحیت است و در صورتی‌که فرد متهم نتواند چنین کسی را پیدا کند، دولت باید وکیل برای او اختیار کند.[٤١]

دادگاه عالی می‌تواند به استیناف خواسته شده علیه احکام دادگاه‌های بخش یا خانواده رسیدگی کند. در موارد جنایی که مربوط به دادگاه‌های جزء می‌شود، استیناف مستقیماً به دادگاه عالی ارسال می‌شود. در موارد مدنی که در دادگاه‌های جزء رسیدگی می‌شود، استیناف اول به دادگاه بخش و سپس به دادگاه عالی ارسال می‌شود.

دادگاه عالی می‌تواند به موارد اداری از قبیل؛ انتخابات، شورش و غیره رسیدگی کند. به‌علاوه دادگاه عالی توکیو دارای اختیار انحصاری برای بازبینی تصمیمات اتخاذ شده در آژانس‌های شبه‌قضایی مانند کمیسیون تجارت عادلانه و دفتر ثبت اختراعات است موارد مطروحه در دادگاه عالی به‌طور عادی توسط دادگاهی با سه قاضی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. گرچه موارد مربوط به قیام و شورش و بازبینی تصمیمات کمیسیون تجارت عادلانه توسط محکمه‌ای با ۵ قاضی رسیدگی می‌شود.[٤٢]

دادگاه بخش

دادگاه‌های بخش دارای ۲۰۳ شعبه هستند. این دادگاه عمومی‌ترین دادگاه کشور به‌شمار می‌رود و در تمام کشور ۵۰ دادگاه بخش در مراکز استان‌های ٤٧ گانه مستقر هستند. استان «هوکایدو» به علت وسعت، چهار دادگاه بخش دارد که در شهرهای سوبو، آساهی‌کاوا، کوشیرووها کوداته قرار دارند.[٤٣]

در این دادگاه به پرونده‌های حقوقی و جزایی به‌طور مشترک رسیدگی می‌شود، مگر

آنهایی‌که به‌طور مشخص مربوط به دادگاه‌های دیگری شود. گرچه این دادگاه‌ها می‌توانند به موارد استیناف علیه دادگاه‌های جزء در موارد مدنی رسیدگی کنند. در مورد پرونده‌های ساده رأی یک قاضی کافی است ولی در مورد پرونده‌های پیچیده، سه قاضی به‌طور مشترک در جلسات دادگاه شرکت می‌کنند و نظر می‌دهند. در موارد زیر محکمه‌ای با بیش از یک قاضی تشکیل می‌شود:

- مواردی که محکمه جمعی نظر می‌دهد، «رسیدگی و صدور رأی باید توسط محکمه جمعی انجام شود»؛
- جرایمی که مجازات آنها مرگ، حبس ابد، جریمه یا زندانی‌شدن برای بیشتر از یک سال باشد گرچه استثناتاتی در موارد سرقت، دزدی یا تلاش برای ارتکاب چنین جرایمی یا جرایمی که مربوط به سرقت‌های همیشگی می‌شود و مربوط به قانون جلوگیری از سرقت است، به چشم می‌خورد؛
- تجدید نظرخواهی؛
- سایر مواردی که قانون مشخص می‌کند باید در محاکم جمعی رسیدگی شود.

نظرات فردی قضات با توجه به قضاوت آنان محرمانه می‌ماند. در صورتی که هر سه قاضی در مورد موضوعی اختلاف نظر داشته باشند و به هیچ اجماعی دست پیدا نکنند، قضاوت آنان با توجه به مدارک مورد استفاده نوشته می‌شود و باید توسط هر سه نفر امضا شود. البته اختلاف رأی در حکم ثبت نمی‌شود.

استفاده از هیأت منصفه در دادگاه‌ها در بسیاری از کشورهای غربی انجام می‌گیرد ولی با وجود قانونی بودن این نهاد در دادگاه‌های ژاپن، استفاده از آن عملاً در همهٔ محاکمات قضایی پس از جنگ جهانی دوم معلق شده‌است.

دادگاه خانواده

دادگاه خانواده و شعبات آن در همان محل دادگاه‌های بخش واقع هستند. به‌علاوه دفاتر

محلی دادگاه‌های خانوادگی در ۷۷ دادگاه جزء نیز فعال است. این دادگاه در موارد اختلاف خانوادگی که دو طرف درخواست طلاق کرده و یا خسارات روحی که به افراد وارد شده‌است، رسیدگی می‌کنند. کمیتهٔ وساطت متشکل از ریش‌سفیدان محل از سوی قاضی دادگاه برای حل اختلافات دو طرف دعوا تعیین می‌شوند و در صورتی که این کمیته مورد قبول دو طرف نباشد، می‌توانند درخواست رسیدگی از دادگاه کنند. پرونده‌های مربوط به جرایم نوجوانان بین ١٤ تا ١٩ سال به دادگاه خانواده ارجاع می‌شود. این دادگاه‌ها علاوه بر رسیدگی به جرایم نوجوانان، به جرایم بزرگسالانی که در ارتباط با نوجوانان مرتکب جرم شده‌اند نیز رسیدگی می‌کند. رسیدگی به این پرونده‌ها مثل جرایم بزرگسالان است. پروندهٔ فرد مظنون پس از دستگیری توسط پلیس به دادستانی ارسال می‌شود. به موجب قانون نوجوانان دفاتر دادستان عمومی موظف هستند، این‌گونه پرونده‌ها را به دادگاه‌های خانواده ارجاع داده و پس از بررسی دادگاه و استماع دفاعیه، مجازات متناسب صادر می‌شود.

بر اساس حکم دادگاه مذکور، فرد مجرم را به مرکز بازپروری نوجوانان یا مراکز ارشاد کودکان می‌فرستند و یا ممکن است با قید ضمانت آزاد شود. اسامی نوجوانان مجرم در مطبوعات منتشر نمی‌شود، مگر آنکه جرم بسیار سنگینی روی داده باشد که اثرات اجتماعی سوئی بر جای بگذارد.[٤٤]

مواردی که به دادگاه‌های خانواده ارجاع می‌شود، توسط یک نفر قاضی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. این افراد با استفاده از گزارش‌های علمی تهیه شده توسط کارشناسان دادگاه خانواده و نیز نتایج تشریحی کارشناسان پزشکی که روان‌پزشک هستند، رای خود را صادر می‌کنند.[٤٥]

دادگاه جزء

در دادگاه‌های جزء به پرونده‌هایی رسیدگی می‌شود که اهمیت چندانی ندارند و شامل جرم‌هایی می‌شود که مجازات آن جریمه‌های سبک دارد. تعداد ٤۳۸ دادگاه جزء در سراسر ژاپن وجود دارد. این دادگاه‌ها به جرایم حقوقی رسیدگی می‌کنند که یا در پرونده مربوط به

آنها مبلغی بیش از ۹۰۰,۰۰۰ ین مطرح نباشد و یا جرایم جزائی که مجازاتشان جریمه و یا سبک‌تر باشد و نیز در مورد سایر اتهامات جزئی مانند دزدی و یا اختلاس. دادگاه جزء نمی‌تواند در موارد معمولی حکم به زندان یا مجازات سنگین صادر کند. گرچه می‌تواند حکم کار اجباری کمتر از ۳ سال را با توجه به جرایم مندرج در قانون صادر کند. در صورتی‌که دادگاه تشخیص دهد، مجازاتی بیش از میزان تعیین شده برای این دادگاه باید صادر شود، موظف است مورد را به دادگاه بخش ارجاع دهد.

برای رسیدگی به موارد در دادگاه‌های جزء اعم از حقوقی یا جزائی، به‌عنوان مثال دادگاه می‌تواند از شخص طلبکار شکایتی وصول کند و ـ بدون حضور در دادگاه ـ به بدهکار دستور پرداخت بدهد.

در موارد جنایی دادگاه جزء نمی‌تواند جریمه‌ای بیش از ۵۰۰,۰۰۰ ین در نظر بگیرد. اگرچه این روش رسیدگی مانع از این نمی‌شود که فرد بدهکار یا متهم خواستار یک محاکمه عادی شود.

دادگاه جزء رأی به مصالحه نیز می‌دهد که هدف از آن حل اختلافات روزمرهٔ شهروندان در رابطه با قوانین مدنی است. در روند مصالحه، هزینهٔ تشکیل پرونده پایین است و کمیته مصالحه ـ که متشکل از یک قاضی و بیش از دو میانجیگر است ـ به طرفین اختلاف کمک می‌کند تا با گوش فرادادن به سخنان طرف مقابل خود، به توافق و سازش نهایی دست پیدا کنند. هنگامی‌که مصالحه انجام شد، شرایط آن در یک پروتکل درج می‌شود و همان اثر رأی لازم‌الاجرا را دارد.[۴۶]

موقعیت شغلی قضات از سوی قانون اساسی تضمین شده‌است. هیچ قاضی از مقام خود عزل نمی‌شود مگر آنکه سوءرفتار و یا اختلال روانی داشته باشد و یا عدم شایستگی جسمانی فرد موردنظر برای انجام وظیفه مربوطه اثبات شود.

رسیدگی به امور قضات توسط کمیتهٔ استیضاح قضات انجام می‌گیرد که با شرکت اعضای مجلس مشاوران و نمایندگان تشکیل می‌شود. از زمان تشکیل دیوان کشور تا کنون تنها چهار قاضی استیضاح شده‌اند.

هر شهروند ژاپنی می‌تواند درخواست اخراج قاضی را از مقام خود، مطرح کند. این درخواست توسط کمیتهٔ قضات که در «دایت» مطرح می‌شود، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و پس از تکمیل پرونده، در کمیته استیضاح عنوان می‌شود و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. به هر حال قضات در انجام وظایف خود طبق قانون اساسی (ماده ۷۶) و قوانین دیگر مستقل هستند.

انتصاب قضات

دیوان عالی کشور دارای ۱۵ قاضی است و به‌علاوه قضات هشتگانه دادگاه‌های استیناف و پنجاه‌گانه دادگاه‌های بخش و دادگاه‌های جزء در مجموع بیش از یک هزار قاضی در سیستم قضایی ژاپن مشغول به فعالیت هستند. هر قاضی ابتدا پس از انتصاب، به مدت ۱۰ سال به‌عنوان دستیار قاضی مشغول کار می‌شود که اختیارات کامل قاضی را داراست. پس از ده سال به‌عنوان قاضی کامل منصوب می‌گردد. البته در مورد دادگاه‌های جزء، وضعیت خاصی وجود دارد که قضات این دادگاه‌ها با دیگر دادگاه‌ها تفاوت دارند. این انتصاب نه تنها از بین قضات باسابقه انجام می‌شود، بلکه می‌توان از قضاتی که حداقل ۳ سال سابقه کار در دادگاه دارند و یا دادستان‌های عمومی، وکلا، استادان حقوق دانشگاه‌ها و حتی از میان افراد غیرقضایی که به مسائل قضایی آشنایی دارند، استفاده کرد. انتصاب قضات در دادگاه‌ها توسط کمیتهٔ انتصاب انجام می‌گیرد و این کمیته شامل قضات دیوان‌عالی‌کشور است. قضات دادگاه‌های جزء در سن هفتادسالگی بازنشسته می‌شوند، در صورتی که دیگر قضات در سن شصت‌وپنج سالگی به بازنشستگی می‌رسند.

وابستگی سیاسی قوه قضائیه

اگرچه قوه قضائیه در انجام وظایف خود مستقل است و دادگاه‌ها در صدور حکم، آزادی کامل دارند، اما می‌توان به نحوی ارتباط سیاسی آنرا با قوه اجرایی مشاهده کرد. از آنجایی که قضات دیوان عالی کشور توسط کابینه منصوب می‌شوند، بنابراین قابل تصور نیست فردی که

از سوی دولت مورد قبول نباشد، به این پست منصوب شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نفوذ سیاسی غیرمستقیمی وجود دارد. برای مثال پس از برقراری رویه قضایی که دیوان عالی کشور در سال ۱۹٤۰ صادر کرد و به موجب آن کارگران دولت می‌توانستند به استناد حقوق کار علیه دولت اقامه دعوی کنند، دولت قضات دیوان را در دوره بعد از میان افرادی انتخاب کرد که علیه این رویه رأی دادند.

در مقابل اختیارات دولت برای انتصاب قضات دیوان، سیستم تأیید عمومی نیز برقرار شد که طی آن مردم در انتخابات عمومی در مورد شایستگی منتخبان دولت اعلام نظر می‌کنند. این امر، روش مناسبی برای کنترل متقابل دولت نسبت به دیوان عالی کشور است. در اولین انتخابات عمومی مربوط به انتخاب نمایندگان مجلس، نمایندگان مردم به قضات انتصابی دولت رأی می‌دهند و در صورتی که اکثریت رأی‌دهندگان با انتصاب دولت مخالفت کنند، قاضی مربوطه از مقام خود عزل می‌شود. البته تاکنون هیچ‌یک از قضات در این رابطه عزل نشده‌اند.

دادسرای عمومی

دادستان کل برای دادسرای عمومی ژاپن ریاست عالیه دارد و مسئول هماهنگی تمامی دادستانی‌های این کشور به حساب می‌آید، زیرا عدم وجود هماهنگی لازم، نه تنها باعث بی‌نظمی قضایی می‌شود، بلکه عملاً اجرای عدالت را نیز متوقف می‌سازد، بنابراین دادستان‌های عمومی موظف هستند در اجرای وظایف خود از سیاست هماهنگ تبعیت نمایند.

قانون تشکیل دادستان‌های عمومی، مرجع قانونی فعالیت دادستان‌ها به‌شمار می‌رود.

طبق ماده ٤ این قانون، وظایف دادستان‌ها به شرح ذیل مشخص شده‌است. در مورد پرونده‌های جنایی، دادستان عمومی کار بازپرسی را انجام می‌دهد و متناسب با قانون مربوطه، از دادگاه درخواست اجرای مجازات می‌کند و در نهایت بر اجرای حکم نظارت دارد. در مورد پرونده‌های حقوقی ممکن است لازم باشد تا دادستان به‌عنوان حافظ منافع عمومی در دادگاه حضور یابد و توضیحاتی را به دادگاه ارائه دهد.

دادستان‌های عمومی وظیفه دارند بر اساس عدالت و بی‌طرفی، حقوق شهروندان را تأمین کنند. حفظ بی‌طرفی آنها به موجب قانون تضمین شده‌است.

دادستان‌های عمومی از سوی کابینه منصوب نمی‌شوند و نمی‌توان آنان را اخراج کرد و یا بدون علت مجازات کرد اگرچه اقدامات انضباطی علیه دادستان‌های عمومی به دلیل ناتوانی جسمی و ذهنی و یا عدم شایستگی آنان پیش‌بینی شده‌است. اما مرجع تصمیم‌گیرنده کمیته ویژه‌ای است که تحت ریاست نخست‌وزیر و با حضور ٦ نفر از اعضای مجلس «دایت» و ٥ نفر از معتمدین تشکیل می‌شود.

دفتر دادستان دیوان عالی کشور

دفتر دادستان دیوان عالی کشور با دیوان عالی کشور مرتبط است و بر تمامی دفاتر دادستان‌های عمومی در سراسر کشور، ریاست دارد. ریاست این دفتر برعهدهٔ دادستان کل است و بعد از وی، معاون دادستان کل، ریاست دفتر را برعهده دارد. دادستان کل و معاون آن توسط کابینه منصوب می‌شوند و در حضور امپراتور مراسم تحلیف را به‌جا می‌آورند.

سن بازنشستگی برای دادستان کل ٦٥ سال و برای سایر دادستان‌های عمومی ٦٣ سال است.

دفتر دادستان کل دیوان عالی شامل؛ ادارات مختلف جنایی، امور امنیت عمومی و امور دادگاه‌های اداری است.

در بخش‌های امور جنایی و امنیت عمومی ۷ تا ۸ دادستان عمومی فعالیت دارند و مسئولیت پیگیری امور جنایی و امنیت عمومی در سراسر کشور را عهده‌دار هستند.

دفتر دادستان دیوان عالی کشور، نقش هماهنگ‌کننده پیگیری پرونده‌های مربوط به نقض مقررات انتخابات و جلوگیری از اختلال و بی‌نظمی در کشور را با هماهنگی دادستان‌های بخش برعهده دارد. همچنین این دفتر دستورالعمل‌هایی را به دفاتر دادستان‌های عمومی بخش در زمینهٔ تئوری قضایی، رویه قضایی و تفسیر قانون ارسال می‌دارد. در ژاپن هشت دفتر

دادستان عمومی استیناف وجود دارد که مقر آنان در شهرهایی است که در آن دادگاه استیناف فعالیت دارد. این دفاتر وظیفه بازپرسی و تکمیل پرونده‌های استینافی را دارا هستند. ضمناً به تخلفات انتخاباتی اعضای مجلس (دایت) رسیدگی می‌کنند و اختیار و توانایی باطل کردن انتخابات در آن حوزه را دارد. در این زمینه، دادگاه استیناف توکیو تاکنون به چندین مورد تخلف رسیدگی کرده است. در مورد پرونده‌های رسیدگی به رسوایی‌های مالی سیاستمداران، در مرحله استیناف نیز در این دادسراها پیگیری به عمل می‌آید.

دفاتر دادستان عمومی بخش، وظیفه بازپرسی و تکمیل پرونده اولیه را برعهده دارد. ریاست دفتر دادستان عمومی بخش برعهده «دادستان بخش» است. مجموعاً ٥٠ دادستان عمومی بخش در سراسر ژاپن قرار دارد که در کنار دادگاه‌های بخش مشغول فعالیت هستند. در این دفاتر، ادارات ذیربط جنایی و امنیت عمومی قرار دارند.

ارتباط سیاسی دادستان‌های عمومی

در این خصوص نکته مهم و قابل توجه، چگونگی حفظ بی‌طرفی دادستان‌های عمومی در انجام وظایف خود به‌شمار می‌آید. لازم به ذکر است که دفاتر دادستانی خود جزئی از دستگاه اجرایی دولت به‌شمار می‌روند. ماده ١٤ قانون تشکیل دفاتر دادستان‌های عمومی می‌گوید که وزیر دادگستری به‌طور کلی بر دادستان‌های عمومی ریاست عالیه دارد. اما این ریاست تنها از نظر اداری اعمال می‌شود و آنان درخصوص بازپرسی و تحقیقات پرونده مستقل هستند. همچنین در همین ماده پیش‌بینی می‌شود که وزیر دادگستری در امور مربوط به پرونده بازپرسی و تحقیقات پرونده‌های قضایی فقط کار دادستان کل را کنترل می‌کند. اما تا چه حد قانون، استقلال عمل دفاتر دادستان‌های عمومی را در مقابل اعمال نفوذ دولت حفظ کرده است، خود جای تأمل است.

طبق مقررات آیین دادسرای کیفری، جریان بازپرسی به‌طور مخفی انجام می‌گیرد. در مواردی که لازم است تا پرونده متهم یا متهمان در سطح بالا مورد بحث قرار گیرد، باید وزیر

دادگستری را در جریان مراحل توقیف، تحقیقات و یا صدور قرار گذاشت. در مورد متهمی که عضو «دایت» است، طبق مقررات باید قبلاً تصویب وزیر دادگستری را اخذ کرد و دادستان‌های عمومی قبل از اخذ مجوز از وزیر دادگستری، کار بازپرسی را آغاز نمی‌کنند. البته اصل بر این است که وزیر دادگستری تصویب خود را اعلام کند.

از نظر تاریخی، وزیر دادگستری فقط از تصویب یک پرونده خودداری کرد و پرونده آن مربوط به رسوایی مالی مربوط به صنایع کشتی‌سازی ژاپن در سال ۱۹۵٦ بود. در آن پرونده، صاحبان صنایع کشتی‌سازی ژاپن برای تصویب قانون مربوط به بازسازی صنایع کشتی‌سازی که در جریان جنگ جهانی دوم ویران شده بود، به بعضی از نمایندگان مجلس هدایای سیاسی داده بودند که به نظر دادستان عمومی توکیو ارتشا تلقی می‌شد. به‌همین خاطر تعدادی از سیاستمداران و بازرگانان را دستگیر و اعلام کرد، آقای «ساتو» دبیرکل وقت حزب لیبرال دموکرات نیز در ارتباط با پرونده دستگیر خواهد شد. دادستان کل از وزیر دادگستری وقت درخواست مجوز کرد. این موضوع در کابینه مورد بحث قرار گرفت که پذیرفته نشد. وزیر دادگستری با استناد به ماده ١٤ قانون تشکیل دادستان‌های عمومی درخواست دادستان کل را رد کرد و مانع از دستگیری آقای «ساتو» شد. در نتیجه تحقیقات متوقف و پرونده بسته شد. البته استفاده از این حق، خود موجب استعفای وی از مقام وزیر دادگستری و سپس استعفای جمعی اعضای کابینه شد.[٤٧]

وزارت دادگستری

وزارت دادگستری بخشی از قوهٔ مجریه به‌شمار می‌رود که اکثر اعضای آن از دادستان‌های عمومی تشکیل می‌شود. وزیر دادگستری ریاست پرسنلی بر همه دادستان‌های عمومی را برعهده دارد. وی عضو کابینه است و می‌تواند عضو مجلس نیز باشد.

به وزیر دادگستری در اجرای وظایف خود، دو معاون وزیر شامل معاون پارلمانی و معاون اداری کمک می‌کنند. معاون پارلمانی از میان نمایندگان مجلس «دایت» تعیین و معرفی می‌شود.

ولی معاون اداری از میان بوروکرات‌های با سابقه وزارت دادگستری به این مقام منصوب می‌شود.

پس از معاون اداری که در واقع قائم‌مقام وزیر به‌شمار می‌رود، مدیران کل قرار می‌گیرند که بر ادارات کل (دفاتر) مختلف این وزارتخانه ریاست دارند. ادارات کل وزارت دادگستری عبارتند از:

ـ دبیرخانه وزیر که مسئولیت اعمال کنترل بر وزارتخانه را برعهده دارد.

ـ دفتر امور جزایی[1] که مسئولیت تنظیم لوایح قانونی و پیگیری امور مربوط به حقوق جزا در کشور ژاپن را برعهده دارد.

ـ دفتر امور حقوقی[2] که مسائل مربوط به حقوق خصوصی را پیگیری می‌کند.

ـ دفتر بازپروری[3] به امور محکومانی رسیدگی می‌کند که مدت محکومیت خود را گذرانده و یا با قید ضمانت آزاد شده‌اند. همچنین این دفتر به اموری چون عفو زندانیان و تخفیف مجازات آنان رسیدگی می‌کند. ترتیبات مربوط به تجدیدنظر در حکم محکومیت محکومان و تخفیف مجازات آنان از وظایف این دفتر است.

ـ دفتر دعاوی حقوقی[4] وظیفه مربوط به طرح و پیگیری دعاوی و مشاوره حقوقی سازمان‌های دولتی را برعهده دارد.

ـ دفتر آزادی‌های فردی به مسائل مربوط به نقض حقوق بشر و انجام اقدامات ترمیمی رسیدگی می‌کند. اداره کل مهاجرت و ورود و خروج افراد به کشور، روادید و مجوز ورود و خروج خارجیان را صادر می‌کند.

مقامات اداره مهاجرت در مدخل ورودی و خروجی کشور مستقر هستند. ریاست اداره کل مهاجرت به‌عهده یکی از مقامات وزارت خارجه است. اگرچه رؤسای دیگر ادارات وزارت دادگستری معمولاً از میان دادستان‌های عمومی انتخاب می‌شوند، اما انتخاب یکی از مقامات

---

1. Criminal 19 FFair
2. Civil Affair
3. Rehabilitation
4. Litigation

وزارت خارجه به ریاست این اداره کل، به این دلیل است که مسائل مربوط به مهاجرت، به حوزه روابط بین‌الملل مربوط می‌شود و انجام هماهنگی و ارتباط با وزارت امور خارجه الزامی است.

۳ـ۷ـ بررسی نظام گردش نخبگان

با توجه به اینکه در ساختار قانونی حکومتی ژاپن ملت دارای حاکمیت است و حاکمیت خود را به‌وسیله انتخاب نمایندگان پارلمان اعمال می‌کند و پارلمان است که افراد و عوامل قوهٔ اجرائیه، رئیس قوه قضائیه و سایر قضات را تعیین و منصوب می‌کند و به‌طور خلاصه تمامی روند حکومتی و سیستم دموکراتیک این کشور با انتخابات شروع می‌شود و به تحرک درمی‌آید، توجه و بررسی سیستم انتخاباتی ژاپن ضروری است.[۴۸]

انتخابات عمومی در ژاپن تاریخی طولانی دارد. اولین انتخابات در اول جولای ۱۸۹۰ به‌منظور مهیا ساختن زمینهٔ لازم برای تشکیل ولایت سلطنتی که در اثر قانون اساسی مسیحی پیش‌بینی شده بود، انجام شد.

قانون انتخابات فعلی در سال ۱۹٤٦ یعنی آغاز دوران اشغال و ادارهٔ ژاپن توسط آمریکا و زمانی‌که اصرار و تأیید بسیار زیادی بر دموکراتیزه‌کردن این کشور وجود داشت، از تصویب نمایندگان مجلس گذشت (هنوز مجلس مشاوران تأسیس نشده بود)، به همین لحاظ و به‌خاطر اینکه انتخابات بی‌طرفانه برگزار شود و شرایطی برای آن فراهم شود که همگان صرف‌نظر از موقعیت و قدرت و امکانات خود یا گروه و دسته و حزب سیاسی که بدان وابسته‌اند، شرایط مساوی داشته باشند، حاوی مقررات جامعی است و نسبتاً همهٔ ظرایف و دقایق امر را پیش‌بینی و تحت ضابطه درآورده است. البته دارای نقایص و مشکلاتی نیز هست که بعداً بدان‌ها اشاره خواهد شد.[٤۹]

از زمان اعلام قانون اساسی امپراتوری ژاپن در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹ تاکنون ژاپن دارای یک

نظام انتخابات ملی بوده است. گسترش این نظام که از آغاز تنها محدود به قشر خاصی از جمعیت مذکر بزرگسال بود، به‌تدریج باعث شد که در زمان کوتاهی پس از جنگ دوم جهانی به کل جامعه سرایت کند.[۵۰]

تا سال ۱۹۲۵ ـ زمانی‌که قانون انتخابات جهانی (اعم از مرد و زن) تصویب شده ـ برابری مردان و زنان محدود بود، تا بعد از جنگ که قانون حقیقی برابری زن و مرد ـ که طی آن به زنان حق رأی داده شد ـ تصویب شد.[۵۱]

سیستم فعلی انتخاباتی ژاپن یعنی حوزه‌های انتخابیه‌ای که بین سه تا پنج نماینده در آن انتخاب می‌شوند و رأی‌دهندگان فقط می‌توانند به یک کاندیدا رأی بدهند، در ۱۹٤٦ تصویب شد و برای اولین بار در انتخابات آوریل ۱۹٤۷ مورد اعمال قرار گرفت. البته باید توجه کرد که در آن موقع یعنی یک سال و نیم پس از جنگ، به‌دلیل ویرانی ژاپن، عدم اتمام برنامه بازسازی و ناچیز بودن فعالیت‌های صنعتی، بخش عمده جمعیت این کشور، در مناطق روستایی و کشاورزی متمرکز بود.[۵۲] با اتمام بازسازی اقتصادی و شروع فعالیت‌های صنعتی و به‌ویژه آغاز دوران رشد سریع ژاپن از حدود ۱۹٦۰ به بعد مهاجرت از روستا به مناطق شهری آغاز شد که این روند حتی در حال حاضر نیز ادامه دارد. چون نظام ژاپن برخلاف برخی از ممالک، فاقد مکانیسم تعدیل کرسی‌های هر حوزه با توجه و به تناسب تغییر جمعیت بوده و در این سیستم تعداد تعیینی است، در اثر مهاجرت‌ها در ارزش رأی مردم روستایی و شهری اختلاف ایجاد شد و این شکاف به‌صورت تدریجی وسیع‌تر شد. در اثر شکایات و دادخواهی‌های به عمل آمده تغییراتی در سال‌های ۱۹٦٤ و ۱۹۷۵ صورت گرفت و در حوزه‌های انتخابیه شهری که افزایش جمعیت پیدا کرده بودند، جمعاً چهل کرسی اضافه شده ولی به‌دلیل مقاومت و مخالفت LDP از کرسی‌های متعلق به مناطق روستایی و کشاورزی ـ علی‌رغم کاهش جمعیت‌شان ـ کاسته شد. البته برای رفع اشکال، دولت ژاپن برنامه‌هایی تحت عنوان اصلاح سیستم انتخابات و سیاسی را به مرحلهٔ اجرا درآورده است که بعداً در جای خود به آنها اشاره خواهد شد.[۵۳]

۱ـ۳ـ۷ـ نحوه برگزاری انتخابات

در وزارت کشور (داخله)، کمیته مرکزی انتخاباتی[1]، متشکل از پنج عضو که توسط پارلمان تعیین و از سوی نخست‌وزیر منصوب می‌شوند، رسیدگی به امور انتخابات در کشور را برعهده دارند. کمیتهٔ مزبور دارای شعباتی در سطح استان، شهر و روستاها بوده و یکی از وظایفش گردآوری و نگهداری آمار افراد واجد شرایط رأی دادن و انتخاب‌کنندگان ـ شامل تمامی اتباع زن و مرد بیست ساله یا بالاتر ـ است (اصل ۹، قانون عمومی انتخابات). آمار مزبور همه‌ساله در ماه سپتامبر و همچنین قبل از برگزاری هر انتخابات تجدید می‌شود و حاوی آخرین تغییرات است. یعنی اسامی افرادی که فوت کرده‌اند، حذف و مشخصات کسانی که به بیست‌سالگی رسیده‌اند، اضافه می‌شود. شرط اقامت در حوزه انتخابیه هم وجود ندارد.[۵۴] از جمله مقررات قابل توجه و اشاره در این زمینه، محدودیت فرصت ثبت‌نام است. داوطلبان و افراد واجد شرایط انتخاب شدن ظرف مدت دو روز پس از تعیین و اعلام تاریخ برگزاری انتخابات بایستی اعلام داوطلبی نموده و ثبت‌نام کنند. (اصل ۱۰ قانون عمومی انتخابات).

فعالیت انتخاباتی نیز فقط در محدوده زمانی اعلام تاریخ انتخابات تا روز قبل از رأی‌گیری مجاز است. این مدت برای کاندیداهای عضویت در مجلس نمایندگان، ۱۵ روز و برای نامزدهای عضویت در مجلس مشاوران ۱۸ روز است البته فعالیت سیاسی و غیرانتخاباتی در بقیه ایام سال ممنوع نیست. در خلال فعالیت انتخاباتی نیز رفتن به خانه موکلان و جمع‌آوری امضا و طومار و نظایر آن ممنوع است. پوستر، عکس و اوراق تبلیغاتی همه کاندیداها به هزینه دولت چاپ شده و در اماکن و معابر عمومی در محل‌های ویژه به‌طور یکسان در معرض دید عموم قرار داده می‌شود. بولتن حاوی عکس و مشخصات، برنامه‌ها و مواضع هر کاندیدا نیز از بودجه عمومی تکثیر و توزیع می‌شود. علاوه بر این موارد به هر یک از کاندیداها فرصت کوتاهی، به‌طور مساوی برای صحبت در رادیو و تلویزیون و تشریح مختصر برنامه‌های وی داده می‌شود. علاوه بر اینها به کاندیداها اجازه فعالیت و صرف هزینه انتخاباتی هم داده

1. Central Election Administration Committee

می‌شود ولی سقف و میزان هزینه‌های خصوصی نیز با توجه به عواملی نظیر تعیین یک رقم کلی و پایه به اضافه تعداد رأی‌دهندگان بالقوه در هر حوزه انتخابیه و تعداد کرسی‌های حوزه ضرب‌در رقم مشخصی معین می‌شود و همه کاندیداهای هر حوزه و محل ملزم به رعایت آن هستند. فعالیت و صرف هزینه به‌صورت فردی ممنوع است و احزاب سیاسی مسئولیت انجام هزینه فعالیت‌های انتخاباتی خصوصی هر یک از کاندیدهای خود را عهده‌دار هستند. در خصوص منفردین در هر مورد باید یک مسئول و جوابگوی امور مالی معرفی شود. صورت‌حساب هزینه‌های انجام شده نیز در هر مورد مطالبه و مورد بررسی قرار می‌گیرد و چنانچه مواردی وجود داشته باشد که از سقف تعیین‌شده تجاوز شده باشد و یا بی‌نظمی‌های دیگری ملاحظه شود و مأمور مالی حزب و یا مأمور مشخص مقصر تشخیص داده شود، کاندیدا نیز مسئول شناخته شده و نتیجه انتخابات وی باطل اعلام می‌شود.

نظام کنونی انتخابات به شیوه‌ای که امروزه اجرا می‌شود در آوریل ۱۹۵۰ منطبق با قانون انتخابات دولتی پایه‌گذاری شد. تمامی شهروندان ژاپنی که دارای بیست سال سن بوده و دارای سه ماه اقامت (برای رأی دادن در انتخابات محلی باشند) واجد شرایط رأی دادن شناخته می‌شوند. اعضای مجلس نمایندگان، مجامع و فرمانداران محلی باید حداقل ۲۵ سال سن داشته باشند. اعضای مجلس مشاوران و فرمانداران باید حداقل ۳۰ سال سن داشته باشند.[۵۵]

۲ـ۳ـ۷ـ قوانین مربوط به انتخابات

به موجب اصل ۱٤ قانون اساسی همه مردم صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، وضعیت اجتماعی و ریشه خانوادگی در مقابل قانون مساوی هستند.

به موجب اصل ۱۵، مردم ژاپن حق انتخاب یا عزل مقامات مملکتی را دارند که حقی غیرقابل نقض و سلب است. تمام مقامات حکومتی خدمتگزار همه جامعه هستند و نه گروه خاصی. همه افراد جامعه اعم از زن و مرد می‌توانند رأی بدهند. رأی مخفی است و رأی‌دهنده

به‌خاطر انتخاب و رأی خود به هیچ‌کس پاسخگو نیست. همچنین در تمامی انتخابات محرمانه‌بودن آرا نباید نقض شود.(۵۶)

طبق اصل ۵٤ قانون اساسی در صورتی‌که مجلس نمایندگان منحل شود، مجلس مشاوران نیز در همان زمان بسته می‌شود.

گرچه کابینه در موقعیت ویژه و خاص می‌تواند مجلس مشاوران را طی جلسه‌ای اضطراری تشکیل دهد. در صورتی‌که اعضای مجلس نمایندگان کل دوره نمایندگی را طی کنند، ماده ۳۱ قانون انتخابات می‌گوید که انتخابات عمومی باید ظرف ۳۰ روز قبل از انقضای این مدت انجام شود گرچه در صورتی‌که جلسات دایت برگزار می‌شود تا حدودی قانون آزادی عمل داده است.

به‌علاوه بر طبق ماده ۲ قانون دایت، جلسه فوق‌العاده دایت باید ظرف ۳۰ روز بعد از انتخابات برگزار شود.

مقر احزاب سیاسی در رابطه با انتخاب نامزدهای رسمی، جمع‌آوری پول برای مبارزات و جمع‌آوری آرا، دارای قدرت قابل ملاحظه‌ای می‌باشند. نرخ موفقیت نامزدهای رسمی بالاست چرا که برخلاف ایالات متحده و کشورهای دیگر، احزاب سیاسی ژاپن دارای قدرت پارتی بازی هستند.

مبارزات انتخاباتی در ژاپن بسیار شدید است. نامزدها از لحاظ جسمی و روانی شدیداً تحت فشار هستند و حتی برخی بعد از پایان انتخابات جان خود را از دست می‌دهند.

در اصل ۵٤ قانون اساسی آمده است: «هنگامی‌که مجلس نمایندگان منحل می‌شود، باید ظرف ٤۰ روز انتخابات انجام شود». این ماده و شرایطی که می‌گوید: «دایت باید ظرف ۳۰ روز پس از تاریخ انتخابات تشکیل شود» نشان‌دهنده اهمیت دایت برای جلوگیری از ایجاد خلأ سیاسی است.(۵۷)

مجلس مشاوران را نمی‌توان منحل کرد. طبق اصل ۳۲ قانون انتخابات، انتخابات عادی هر ۳ سال یکبار نباید بیش از ۳۰ روز مانده به پایان دوره شش ساله نمایندگان برگزار شود. در

صورتی‌که در مورد مجلس نمایندگان تا حدودی، انعطاف‌پذیری وجود دارد و آن نرمش، از این لحاظ است که هنگامی‌که جلسات دایت در حال برگزاری است، مدت مبارزات انتخاباتی ۲۳ روز است.

در انتخابات مجلس نمایندگان اغلب نامزدها، نامزدهای رسمی حزب هستند و با پشتیبانی فعال حزب دست به مبارزه می‌زنند. در نتیجه نامزدهای موفق مجبورند خط حزبی را به دایت گره بزنند.

طبق ماده ۱۱ قانون عمومی انتخابات، کسانی‌که فاقد صلاحیت هستند و یا به مجازاتی شدیدتر از زندان بدون اعمال شاقه محکوم شده باشند و نیز کسانی‌که به‌دلیل تخلفات انتخاباتی از رأی‌دادن و یا از کارهای دولتی محروم هستند، نمی‌توانند در انتخابات شرکت کنند.[۵۸]

طبق قانون انتخابات کنونی، اعضای کلیه نهادهای قانون‌گذاری شامل مجلس دایت و فرمانداری مجامع و شهر با رأی مردم انتخاب می‌شوند. مدیران سیاسی شامل فرمانداران و شهرداران یا سایر مقامات رسمی دولت‌های محلی، طی انتخابات عمومی انتخاب می‌شوند. اعضای مجلس و مشاوران برای یک دوره شش‌ساله که البته هر سه‌سال انتخابات برگزار می‌شود، برگزیده می‌شوند. در سال ۲۰۰۱، تعداد اعضا از ۲۵۲ نفر به ۲٤۷ نفر کاهش یافته و در سال ۲۰۰٤، این تعداد به ۲٤۲ نفر می‌رسد.

٤۸۰ نفر اعضای مجلس نمایندگان، برای یک دوره چهارساله و نوعاً در انتخاباتی که بی‌قاعده بعد از انحلال مجلس انجام می‌شود، انتخاب می‌شوند. از بین این ٤۸۰ نفر، ۳۰۰ نفر از حوزه‌های انتخابیه برگزیده می‌شوند و ۱۸۰ نفر از طریق نمایندگی سهمیه‌ای انتخاب می‌شوند. برای اغلب فرمانداری‌ها و مجامع و دفاتر اجرایی محلی، انتخابات هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود.[۵۹]

در انتخابات مجلس نمایندگان طبق روش نمایندگی سهمیه‌ای، کشور به ۱۱ بلوک تقسیم می‌شود. در روش حوزه‌های انتخابیه تک کرسی، رأی‌دهندگان کاندیدا را با اسم انتخاب

می‌کنند ولی در روش سهمیه‌ای بلوک‌ها، حزب انتخاب می‌شود.[۶۰]

یکی از مشکلات سیستم انتخابات کنونی، ترکیب دو روش حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی و نمایندگی سهمیه‌ای است که در سال ۱۹۹۶ اجرا شد و در پی آن مشکلات عدیده‌ای پیش آمد. به‌عنوان مثال اعضایی بودند که بعد از انتخاب شدن از طریق نمایندگی سهمیه‌ای از یک حزب به حزب دیگر رفتند و یا اعضایی که از این طریق انتخاب شدند، علی‌رغم کسب تنها ۱۰ درصد آرا به حوزه‌های انتخابیه تک کرسی انتخاب شدند (کاندیداتوری دوباره). به همین خاطر بخشی از قانون انتخابات عمومی تغییر کرد تا از انتقال نمایندگانی که از طریق نمایندگی سهمیه‌ای انتخاب شده بودند به حزب دیگر جلوگیری کند (البته اعضا مجازند قبل از انجام انتخابات یا بعد از تکمیل آن، حزب خود را تغییر دهند). همچنین در صورت احراز تنها ۱۰ درصد کل آرا، اعضا نمی‌توانند از طریق نمایندگی سهمیه‌ای انتخاب شوند، حتی اگر واجد شرایط باشند.

انتخابات غیرحضوری

نظام انتخابات غیرحضوری برای کسانی است که در خارج از کشور ساکن هستند. در ماه مه ۱۹۹۸، قانون انتخابات غیرحضوری که به ژاپنی‌های مقیم خارج اجازه شرکت در انتخابات را می‌داد، تصویب شد. این نظام جدید از اول ماه مه ۲۰۰۰ اجرا شد. تمامی کسانی که خارج از کشور هستند، در صورتی‌که گواهی رأی غیرحضوری قبل از اعلام رسمی انتخابات دریافت کنند، برای رأی‌دادن محق به شمار می‌آیند. هم‌اکنون این نظام تنها به سیستم نمایندگی سهمیه‌ای اختصاص دارد.

نظام انتخابات غیرحضوری برای دریانوردان

این نظام برای کسانی‌که در موقع انتخابات روی کشتی در دریا هستند، اجرا می‌شود. آنها می‌توانند رأی خود را از طریق نمابر ارسال کنند.

ارتقای تعداد آرا

در مجموع کسانی‌که در دوم سپتامبر سال ۱۹۹۹ برای انتخابات ثبت‌نام کردند، ۱۰۰,۱۵۳,۵۰٤ نفر بود. این یعنی «نسبت کاهش یا افزایش تعداد آرا تنها به میزان ۱ درصد به مثابه یک میلیون رأی است». میزان آرای انتخابات عمومی از سال ۱۹٦۹ روند نزولی داشته و از ٦۰ درصد به ۵۹۰٦۵ درصد در آخرین انتخابات کاهش یافته و نه تنها بر انتخابات محلی دایت مؤثر بوده بلکه بر انتخابات محلی نیز تأثیر گذاشته است.[٦١]

۳ـ۳ـ۷ـ مشکلات نظام انتخاباتی موجود

نظام انتخاباتی موجود که برای اولین بار در اکتبر ۱۹۹٦ در عرصهٔ عمل مورد آزمایش قرار گرفت، در ابتدا با قصد ایجاد ساختار سیاسی جدیدی طراحی شد که طبق آن قدرت بین دو حزب مقتدر سیاسی به تناوب مبادله شد ولی با بررسی وضع سیاسی موجود و آرایش جاری نیروهای سیاسی مخالف و موافق در ژاپن می‌توان با قاطعیت گفت که چنین هدفی تا به حال حاصل نشده است. در حال حاضر بازیگر اصلی و قدرتمند در صحنهٔ سیاسی ژاپن حزب لیبرال دموکرات (حزب حاکم) بوده و تقریباً سایر گروه‌های سیاسی کوچک‌تر، بازیگران ضعیف‌تر این صحنه به‌شمار می‌روند. هر چند اقتدار حزب لیبرال دموکرات نیز دارای محدودیت‌هایی است ولی می‌توان گفت که تقریباً در اکثر موارد ابتکار عمل را در دست دارد. شکل‌بندی نیروهای سیاسی در ژاپن بدون شک می‌تواند به عنوان یکی از عوامل فقدان و یا به عبارت دقیق‌تر، ضعف در کشش سیاسی در این کشور تلقی شود.

شکست در به ثمررسیدن نهضت اصلاح‌طلبی سیاسی و یا به عبارتی، عدم‌باروری نظام دگرگون شده انتخاباتی را ناشی از ضعیف بودن و ناشایستگی حزب شینتو به‌عنوان عمده‌ترین حزب مخالف دولت می‌دانند که در بدو امر با هدف استقرار حزب مخالف مقتدر همسنگ حزب حاکم تشکیل شد ولی به‌تدریج با گسترش دامنهٔ اختلافات داخلی در این حزب و کناره‌گیری ۳۰ تن از اعضای ارشد حزب که از نمایندگان مجلسین به‌شمار می‌رفتند، نه تنها

دیگر توان مقابله با حزب حاکم را ندارد، بلکه در صورت ادامه وضعیت جاری، آینده سیاسی آن نیز دچار ابهام خواهد بود. می‌توان گفت که این دیدگاه صحیح است، بدون وجود حزب مخالف مقتدر و قدرتمند که قولاً و عملاً داعیه و توان لازم را برای ادارهٔ دولت داشته باشد، نظام انتخاباتی جدید و اصلاحات سیاسی پرجنجال چند سال اخیر ژاپن بی‌ثمر خواهد بود.[(۶۲)]

اصلاح سیستم سیاسی و انتخاباتی

به اقتضای حال و هوای اجتماعی بعد از فساد مالی رکرویت[(۶۳)]، LDP برای اصلاحات سیاسی گروهی را مأمور بررسی مشکلات و موانع پیش روی کرد و گروه مزبور پس از انجام بررسی، اشکالات سیستم سیاسی در ژاپن و در واقع انتقادات مردم را به‌صورت زیر عنوان نمود:

۱. عدم پای‌بندی سیاستمداران به اصول اخلاقی
۲. به‌کارگیری مبالغ عظیم پول
۳. سیستم انتخاباتی که در آن ارزش رأی مردم مساوی نیست
۴. مذاکرات کم‌ثمر و مشکل پارلمان
۵. ساختار حزبی که بر جناح‌گرایی بنا شده است.

علاوه بر این پیشنهادهایی نظیر اینکه کرسی‌های مجلس نمایندگان کاهش پیدا کنند و حوزه‌ها تک‌کرسی شود و همچنین در روند پرداخت وجوه و اعانات سیاسی وضوح بیشتری اعمال شود و این وجوه به جای پرداخت شدن به افراد و جناح‌ها، به احزاب پرداخت شود و نظایر آن ارائه شد.

شورای سیستم انتخاباتی کشور[1] به‌عنوان ارگان مشورتی و وابسته به دفتر نخست‌وزیر متشکل از ۲۷ نفر از صاحبنظران امور در زمینه‌های مختلف (به استثنای سیاستمداران) برای بررسی بی‌طرفانه سیستم سیاسی کشور و ارائه راه‌حل برای از بین بردن مشکلات و نارسایی‌ها

---

1. Election System Council

شروع به کار کرد. اما تلقی و تصور عمومی این بود که این اظهارنظرها و اقدامات برای فرار از مخمصه است و هدف واقعی انجام اصلاحات وجود ندارد. آقای میازاوا یکی از رهبران سابق و فعلی LDP گفته است میزان عظیم پول لازم برای فعالیت، از محدوده فعالیت‌های سالم هر کسی خارج است. وی در پاسخ به این سوال که آیا می‌شود ارتباط بین پول و سیاست را قطع کرد، اظهار داشت «این کار تقریباً غیرممکن است.»[۶۴]

نقش پول در فعالیت‌های سیاسی

سیستم انتخاباتی ژاپن که خاص و منحصر به این کشور است، در اصل بدین منظور اجرا و اعمال شد که در سیستم دموکراتیک ژاپن به احزاب و گروه‌های سیاسی کوچک نیز فرصت و موقعیتی مشابه و مساوی احزاب عمده داده شود تا نظرات و مواضع خود را مطرح کنند و مردم آنچه را می‌پسندند و مطلوب تشخیص می‌دهند، انتخاب کنند. اما دو حزب عمده و به‌ویژه LDP برای کسب اکثریت پارلمانی، ناگزیر از معرفی بیش از یک کاندیدا در هر حوزه هستند و این نامزدها برای جلب نظر رأی‌دهندگان و در رقابت با کاندیدای دیگر حزب خود، چون نمی‌توانند از حربهٔ برنامه و سیاست حزبی استفاده کنند، ناچار به اقدام و فعالیت در زمینه‌هایی شده‌اند که پای پول را به صحنهٔ سیاست ژاپن کشانیده و وضعیتی به‌وجود آورده که علاوه بر تقویت فرقه و جناح‌گرایی، به قول خبرگزاری ژاپنی کیودو، پول و سیاست در ژاپن مثل دوقلوهای به هم چسبیده سیامی هستند، هر کجا یکی هست، دیگری هم می‌آید.[۶۵]

البته احزاب دیگر نیز به تناسب فاصله از کانون قدرت، در این قضایا ذی‌مدخل هستند، ولی آنچه مورد توجه و زیر سؤال و انتقاد است، عملکرد دو حزب اصلی و به‌ویژه و با تأکید بسیار زیاد، حزب لیبرال دموکرات است که قدرت را به‌طور انحصاری در دست دارد.

یکی از نخست‌وزیران اسبق ژاپن به نام میکی زمانی گفته بود، «انتخابات ریاست حزب LDP ریشه تمام بدی‌هاست». ظاهراً منظور او این بوده که برای احراز منصب ریاست حزب و سپس پست نخست‌وزیری، نامزدها باید مقادیر زیادی پول صرف کرده و حامیان زیادی

استخدام کنند. این امر در نهایت منجر به فساد سیاسی شده و باعث رشد جناح‌گرایی می‌شود.

شکی نیست که مقادیر سرسام‌آور پول در مبارزات صرف می‌شود و تحت شرایط نظام انتخابات کنونی، نظارت عامه پیشرفت زیادی کرده و تأمین بودجه برنامه‌های تلویزیونی، آگهی‌های تبلیغاتی، کارت پستال، پوستر و بروشورهای تبلیغاتی از سوی دولت بسیار چشمگیر است.[٦٦]

برای وارد شدن به این بحث، از زاویه دید یک نامزد به قضیه نگریسته می‌شود. مطابق ضوابط و مقررات ـ به‌طوری که قبلاً ملاحظه شد ـ تصور بر این است که امکانات تبلیغاتی محدودی به‌طور مساوی از بودجه عمومی در اختیار همه نامزدها قرار داده می‌شود. علاوه بر این آنها فرصت محدود چندین روزه‌ای را برای تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی با هزینهٔ شخصی که بر حسب شرایط حوزه انتخابیه، میزان آن مشخص شده است، دارند. از آنجایی‌که هزینه انتخابات با بودجه شخصی از عهده بسیاری از نامزدهای جوان خارج است، لذا با مراجعه به حزب، در صورتی‌که شانس نامزد مورد نظر با توجه به خصوصیاتش برای پیروزی در انتخابات زیاد باشد، مورد تأیید حزب قرار می‌گیرد و مبلغی پول برای فعالیت‌های انتخاباتی در اختیارش قرار می‌گیرد. اما حزب برای هر حوزه بیش از یک کاندیدا معرفی می‌کند و به آنها مساعدت مالی می‌کند و لذا نامزد به یکی از جناح‌ها متوسل می‌شود و به عضویت آن جناح درمی‌آید. قانون فعالیت انتخاباتی را در یک محدوده زمانی دو هفته‌ای مجاز تلقی می‌کند، اما فعالیت سیاسی همیشه آزاد است و کاندیدا با حمایت حزب و جناح، تماس با موکلان را پیش از انتخابات آغاز می‌کند.

در محدوده زمانی فعالیت مجاز، چون مراجعه حضوری به منازل موکلان مجاز نیست، چندین خط تلفنی که در بعضی موارد تعدادش به ۲۰۰ خط می‌رسد به‌طور موقت مورد استفاده قرار می‌گیرد، علاوه بر آن چندین دستگاه اتومبیل استیشن مجهز به بلندگو در سطح حوزه انتخابیه در تردد بوده و از این طریق به معرفی کاندیدا و تعلق حزبی وی پرداخته می‌شود.

پس از پیروزی در انتخابات و عضویت در مجلس، هر یک از وکلا، دارای یک دفتر کار و دو منشی که حقوق و مزایای خود را از پارلمان دریافت می‌کنند، خواهد شد.

منظور از تماس و ارتباط نیز حضور یا فرستادن نماینده برای شرکت در مراسم عروسی و عزا و دادن هدیه، عیادت از بیمار و بستری همراه با دادن هدیه، دادن میهمانی برای گروه‌های موکلین که به توکیو می‌آیند، ارسال کارت تبریک در مناسبت‌های مختلف و نظایر این اقدامات است که در سایر ممالک حتی اگر سابقه داشته باشد، به این حد و وسعت نیست. ولی در ژاپن مطابق عرف و رسم عمومی، مرسوم و ضروری است و مردم معمولی نیز در مناسبات و روابط خود با دوستان چنین مراسم و تکلفاتی دارند، ولی داشتن این‌گونه مناسبات و تحمل هزینه‌های آن برای یک نفر که با چند هزار نفر باید در ارتباط باشد، واقعاً طاقت‌فرساست.

لازم به توضیح است که در ژاپن نمایندگی پارلمان یک وظیفه یا رسالت اجتماعی تلقی نمی‌شود. برای یک کمونیست، ممکن است احراز کرسی نمایندگی، وظیفه و رسالتی اجتماعی را بر دوش او بگذارد، ولی در مورد سایر نمایندگان ژاپنی و به‌ویژه نمایندگان عضو حزب لیبرال دموکرات، نمایندگی یک شغل به‌حساب می‌آید و مانند سایر حرفه‌ها در این کشور مادام‌العمر است و حتی به نسل بعدی به ارث خواهد رسید. لذا پرداخت این‌گونه هزینه‌ها و مخارج ضروری، جاری و مستمر است یعنی نماینده فقط برای یک یا دو دوره به یک رأی هر یک از موکلین خود نیاز ندارد، بلکه این احتیاج درازمدت خواهد بود.

نقش رسوایی‌های مالی در جابه‌جایی مهره‌های سیاسی و تأثیر آن بر انتخابات

رویدادی که در صحنهٔ سیاسی ژاپن در سال ۲۰۰۲ روی داده، برکناری خانم «ماکیکو تاناکا»، وزیر امور خارجهٔ پیشین ژاپن از سوی کویزومی در اواخر فوریه بود که حتی تا حدودی پایه‌های دولت را سست کرد. تاناکا یکی از محبوب‌ترین وزیران دولت کویزومی محسوب می‌شد اما اختلافات وی با «مونه‌ئو سوزوکی»، یکی از نمایندگان متنفذ مجلس ژاپن که در وزارت خارجه از نفوذ زیادی برخوردار بود، سبب شد که این وزارتخانه دچار

اختلافات داخلی شده و از وظیفهٔ اصلی خود یعنی سیاست‌گذاری دور شود. کویزومی با اینکه می‌دانست برکناری «تاناکا» با توجه به محبوبیت وی میان مردم، به دولت ضربه وارد خواهد کرد، اما برای پایان دادن به اختلافات درونی در وزارت خارجه این کار را انجام داد و وزیر وقت محیط زیست را جانشین وی کرد.

در سال گذشته چهار عضو مجلس ژاپن دچار رسوایی مالی شدند که در نهایت به کناره‌گیری آنها از جهان سیاست منجر شد. «مونه‌ئوسوزوکی» نمایندهٔ متنفذ حزب حاکم لیبرال دموکرات، «کوئیچی کاتو» دبیرکل پیشین حزب لیبرال دموکرات، خانم «ماکیکو تاناکا» وزیر پیشین امور خارجه و خانم «کیومی ستو جیموتو» نمایندهٔ محبوب حزب سوسیال دموکرات، چهار عضو پیشین مجلس نمایندگان ژاپن هستند که در سال گذشته در موارد جداگانه‌ای متهم به سوءاستفاده مالی از بودجه دولت شدند. در این میان رسوایی مالی «کاتو» که احتمال تکیه وی بر مسند نخست‌وزیری ژاپن در آینده وجود داشت و میان مردم نیز به‌عنوان سیاستمدار راستگو مشهور بود، بیشتر از بقیه قلب مردم این کشور را به درد آورد. رسوایی‌های مالی پیاپی میان سیاستمداران ژاپن سبب شده که توجه و اعتماد مردم این کشور به جهان سیاست کاهش یافته و از میزان شرکت آنها در انتخابات تا حد زیادی کاسته شود.[۶۷]

۴ـ۷ـ بررسی قوانین ژاپن

قانون اساسی ژاپن که جانشین قانون اساسی امپراتوری ژاپن (میجی ۱۸۸۹) شد، در ۳ نوامبر ۱۹۴۶ به‌طور رسمی اعلام و در ۳ مه ۱۹۴۷ لازم‌الاجرا شد. این قانون دارای ۱۱ فصل و ۱۰۳ اصل بوده و از نکات قابل ذکر، این است که طی آن اعلام شده که حاکمیت متعلق به مردم است، حقوق اساسی بشر مورد تأکید قرار داده و از جنگ اجتناب می‌ورزد این قانون، یک سند کاملاً دموکراتیک به‌حساب می‌آید که نظام سیاسی ژاپن را که تحت قانون میجی بر اساس حاکمیت متعلق به امپراتور بود، متحول کرده است.

این قانون دارای ۱۰۳ اصل و یک مقدمه می‌باشد. در مقدمه آمده است:

«ما، مردم ژاپن، از طریق نمایندگان منتخب خود در دایت مصمم هستیم که از نتایج همکاری صلح‌آمیز با تمامی ملت‌ها و آزادی در سراسر سرزمین ژاپن بهره‌مند شویم و هیچ‌گاه بنا بر اقدامات دولت خود را درگیر جنگ نکنیم و اعلام می‌کنیم که قدرت حاکمه در دست مردم بوده و آنان به ایجاد این قانون اساسی همت گماشته‌اند. دولت نتیجه اعتماد مردم بوده و اختیار خود را از ملت می‌گیرد و قدرت ملت توسط نمایندگان مردم اعمال شده و منافع آن باید عاید ملت شود.

این یک اصل جهانی بشریت است که بر مبنای آن قانون اساسی قرار گرفته، تمامی قوانین اساسی، سایر قوانین مقرره و مقرراتی که در تضاد و تناقض با این قانون است، مردود هستند. ما ملت ژاپن خواستار صلح برای تمامی زمان‌ها هستیم و عمیقاً از ایده‌آل‌های عالی حاکم بر روابط انسان‌ها آگاه بوده و مصمم هستیم که امنیت و حیات خود را با اعتماد بر عدالت و تقدیر صلح و محبت مردم سراسر جهان حفظ کنیم.

ما علاقه‌مندیم جایگاهی با افتخار در جامعه بین‌الملل داشته باشیم و در جهت حفظ صلح و رفع برده‌داری و استکبار و ظلم و سرکوب در تمامی زمان‌ها از روی زمین بکوشیم. ما تشخیص می‌دهیم که تمامی مردم دنیا دارای حق زندگی در صلح و به دور از ترس هستند. ما باور داریم که هیچ ملتی تنها مسئول خودش نیست بلکه قوانین، اخلاقیات سیاسی جهان هستند و پیروی از این قوانین برای تمامی مللی که بر حفظ حاکمیت خود پا می‌فشارند و حاکمیت خود را با سایر ملل گره‌خورده می‌دانند، واجب است. ما ملت ژاپن عرق ملی خود را برای رسیدن به تمامی این ایده‌آل‌های عالی و اهداف با منابع خود به‌کار می‌بندیم».

۱ـ٤ـ۷ـ فرازهایی از فصل‌های مهم قانون اساسی

فصل اول

اصل ۱ـ در اصل اول امپراتور به‌عنوان مظهر مملکت و وحدت ملی معرفی شده، مقامی که موقعیت خود را طبق خواست ملت که حاکمیت دارد، کسب کرده است.

به موجب اصل چهارم قانون اساسی، حیطه وظایف امپراتور محدود به اقداماتی شده است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند و این نکته که وی قدرت حکومت ندارد، مورد تأکید قرار گرفته است.

در اصل سوم توصیه و تصویب هیأت وزیران برای تمام اقدامات رسمی امپراتور ضروری ذکر و تأکید شده است که کابینه نیز مسئولیت جوابگویی به اقدامات مربوطه را بر عهده دارد.

به موجب اصل ششم و هفتم وظایف امپراتور عبارت است از:

- منصوب کردن رئیس دیوان‌عالی کشور که منتخب هیأت وزیران است؛
- توشیح قوانین و عهود، افتتاح پارلمان و انحلال مجلس نمایندگان، نصب و عزل وزرا و تفویض اختیار به سفرا و وزرا (مختار)، اعلام عفو و تخفیف مجازات‌ها و اعادهٔ حقوق مدنی، پذیرش سفرا و وزرای مختار خارجی.

فصل دوم

مهم‌ترین مورد این فصل اجتناب از جنگ است که در اصل ۹ آمده است. مردم ژاپن برای همیشه از جنگ اجتناب می‌کنند و برای رسیدن به این منظور نیروهای زمینی، دریایی و هوایی و سایر امکانات بالقوه جنگ هیچ‌گاه حفظ نخواهد شد. علاوه بر تأکید در مقدمه قانون اساسی دائر بر این امر که ملت ژاپن خواهان صلح دائمی است، اصل نهم به نفی جنگ اختصاص یافته است. این اصل که به دلیل سوابق میلیتاریستی این کشور در گذشته، مقوله‌ای بسیار قابل توجه و جنجالی در داخل و خارج ژاپن بوده و به‌دنبال بحران و جنگ خلیج‌فارس و عدم مشارکت نظامی این کشور با استناد به آن اصل شهرت جهانی یافت، چنین اشعار می‌دارد:

«ملت ژاپن که خواهان صلح بین‌المللی مبتنی بر عدالت و قانون است، جنگ و تهدید به استعمال قوه قهریه به‌عنوان یکی از حقوق حاکمه خود برای حل اختلافات را برای همیشه نفی می‌کند. برای نیل به هدف مندرج در بند مزبور قوای زمینی، دریایی و هوایی و سایر استعدادهای جنگی هیچ‌گاه نگهداری نخواهد شد. حق جنگیدن مملکت به رسمیت شناخته نمی‌شود.»

منشور حقوق: فصل سوم حاوی حقوق و وظایف ملت مانند آزادی بیان است. تبعیض در روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌دلیل نژاد، جنسیت، وضع اجتماعی یا اصالت خانوادگی مردود است. مردم محق هستند که «استانداردهای حداقل برای یک زندگی کامل و مرفه» را داشته باشند و دولت باید رفاه و امنیت اجتماعی و بهداشت عمومی را تأمین کند. حق مالکیت فردی غیرقابل خدشه است.

فصل سوم

فصل سوم قانون اساسی از اصل یازدهم تا چهلم به حقوق و وظایف ملت تخصیص یافته و مطالب و نکاتی در آن مندرج است که در قانون اساسی میجی وجود نداشت و اصولاً در جامعهٔ ژاپن بی‌سابقه بوده است. مباحث عمدهٔ این فصل عبارتند از: غیرقابل‌نقض بودن حقوق اساسی بشری (اصل ۱۱)، لزوم حفظ حرمت آحاد ملت و حق حیات، آزادی و در طلب خیر و رفاه‌بودن (اصل ۱۳)، تساوی در قبال قانون و منع تبعیض (اصل ١٤)، حق غیرقابل نقض ملت در عزل و نصب مقامات حکومتی (اصل ۱۵)، حق شکایت شهروندان از مقامات یا ارگان‌های دولتی (اصل ۱۷)، آزادی افکار و وجدان (اصل ۱۹)، آزادی مذهبی (اصل ۲۰)، حق تشکیل اجتماعات، آزادی بیان، ممنوعیت سانسور و حق اختیار شغل و مسکن (اصل ۲۱ و ۲۲) و حق داشتن حداقل سطح زندگی (اصل ۲۵).[٦٨]

فصل چهارم

فصل چهارم قانون اساسی مربوط به قانون‌گذاری ملی است. در این فصل آمده که دایت، «عالی‌ترین ارگان قدرت حکومتی» است و تنها ارگان قانون‌گذار حکومتی است.

فصل پنجم

فصل پنجم به کابینه می‌پردازد. نخست‌وزیر در اثر قطعنامه دایت منصوب می‌شود و سپس

سایر اعضای کابینه را انتخاب کرده یا عزل می‌کند. کابینه به‌طور جمعی در قبال دایت پاسخگو است. اگر مجلس نمایندگان رأی عدم‌اعتماد بدهد (رأی اعتماد را رد کند) یا کابینه باید به‌طور جمعی استعفا دهد یا مجلس نمایندگان باید ظرف ۱۰ روز منحل شود.

فصل ششم

فصل ششم به موضوع محاکم می‌پردازد. دیوان عالی ژاپن، آخرین دادگاه استیناف است و دارای این قدرت است که قوانین حکومتی و سایر قوانین را مشروعیت ببخشد.

فصل هفتم

فصل هفتم مربوط به امور مالی و بودجه دولت است که کنترل دایت را بر تعیین مالیات‌ها و هزینه منابع مشخص می‌کند.

فصل هشتم

فصل هشتم به دولت محلی می‌پردازد. در این اصل حکومت محلی برای نهادهای دولتی محلی تبیین شده است.

فصل نهم

فصل نهم به اصلاحات پرداخته است.

اصل ۹۶ـ اصلاح قانون اساسی باید از سوی دایت و با دوسوم آرا یا بیشتر اعضای هر یک از مجلسین انجام شده و برای تصویب به مردم ارجاع شود و تصویب آن نیازمند رأی مثبت اکثریت آرای اتخاذ شده در یک رفراندوم ویژه یا انتخاباتی است که دایت مشخص می‌کند.

اصلاحاتی از این دست بعد از تصویب بلافاصله از سوی امپراتور و به نام ملت به‌عنوان جزء لاینفک این قانون نافذ می‌شوند.

۲ـ٤ـ۷ـ نکاتی در مورد اصلاحات قانون اساسی

ملی‌گرایانی که در ژاپن تجدید حیات یافته‌اند، خواهان تغییراتی در قانون اساسی هستند که ایجاد ارتش قدرتمندتری را اجازه می‌دهد.

اصول امنیتی برای ژاپن

صلح‌طلبی فعال و انفعال

وقتی نقش‌هایی را که باید ژاپن برای ارتقای امنیت جامعه بین‌الملل ایفا کند در نظر می‌گیریم، نقطهٔ شروع صلح‌طلبی در قانون اساسی است. تاکنون برای تفسیر قانون اساسی تمایل در جهت تأیید صلح‌طلبی انفعالی بوده است. مردم عقیده داشتند برای جلوگیری از آغاز جنگ توسط ژاپن، این کشور باید در هر شرایطی از ایفای نقش نظامی خودداری کند. آنها فکر می‌کنند این موضوع در خدمت صلح بین‌المللی خواهد بود. بر مبنای این نوع طرز تفکر تا زمانی‌که ژاپن خودش در صلح به سر می‌برد و از کشیده‌شدن به جنگ دوری می‌ورزد، می‌تواند به صلح جهانی کمک کند.

با این وجود احساس فزاینده بین‌المللی وجود دارد که بر ضرورت مشارکت ژاپن در تأمین امنیت جهانی تأکید می‌کند. برای همراهی با جامعه بین‌المللی لازم است ژاپن در مورد صلح‌طلبی قانون اساسی، جدی‌تر فکر کند و این موضوع را در نظر بگیرد که چه نقش‌هایی را باید برای حمایت فعال‌تر از صلح جهانی ایفا کند. وقتی برای مثال جامعه بین‌المللی به‌طور واحد جهت حفظ صلح پس از نقض آشکار آن اقدام می‌کند، ژاپن می‌بایست در تمام زمینه‌هایی که می‌تواند و در چارچوب قانون اساسی قابل پذیرش است، مساعدت به عمل آورد. با حرکت در این جهت، ژاپن قادر خواهد بود مسئولیت‌های وسیع‌تری را که باید یک کشور بزرگ قبول کند، پذیرا شود.

به این منظور لازم است ژاپن به مسئله صلح‌طلبی قانون اساسی عمیقاً توجه کند مقدمه قانون اساسی شامل جملات زیر است:

«ما مایلیم جایگاه با افتخاری را در جامعه بین‌المللی برای حفظ صلح و فروپاشی استبداد و بردگی، استضعاف و عدم تحمل برای تمام اوقات کسب کنیم. ما معتقدیم هیچ ملتی فقط مسئول خود نیست و قوانین اخلاقی سیاسی، جهانی بوده و اطاعت از چنین قوانینی بر عهده تمام ملل است که با حفظ حاکمیت خویش این قوانین را پذیرفته و همچنین حاکمیت سایر ملل را قبول داشته باشند».

روحی که در این مطلب نهفته شده است، یکی از دلایل عمده همکاری با جامعه بین‌المللی است؛ یعنی حمایت از صلح و نظم جهانی و ارتقای رفاه جهانی. تقریباً مشابه همین پیام دوباره در اولین جمله ماده ۹ قانون اساسی که جنگ را نفی می‌کند، بدین شرح آمده است: «با اشتیاق صادقانه به یک صلح بین‌المللی بر اساس عدالت و نظم، مردم ژاپن جنگ را به‌عنوان حق حاکمیت ملل و تهدید یا استفاده از زور به‌منظور حل منازعات بین‌المللی، برای همیشه محکوم می‌کنند. مفهوم این ماده در راستای روح مقدمه قانون اساسی است و مردم ژاپن هرگز صلح بین‌المللی را برای منافع کشورشان نقض نخواهند کرد».

با توجه به نیت ایده‌آلیستی قانون اساسی، به‌نظر نمی‌رسد که استفاده از قوۀ قهریه در مواردی که جامعۀ بین‌المللی برای حفظ و اعاده صلح همکاری می‌کند، مردود به‌حساب بیاید. به‌عبارتی مشخص‌تر، هر گاه یک اقدام بین‌المللی بر اساس توافق خانواده ملل جهان انجام می‌گیرد، برای مثال زمانی‌که ارتش ملل متحد طبق ماده ۴۳ منشور ملل متحد تشکیل می‌شود، چنین اقدامی بدون شک در راستای هدف حفظ و اعاده صلح بین‌الملل است. بر همین اساس می‌توان استدلال کرد که مغایرتی با ممنوعیت استفاده از نیروی قهریه برای حل و فصل مناقشات نخواهد داشت. تعبیری که دولت تاکنون از ماده ۹ قانون اساسی داشته است، محصول زمانی است که اجماع کافی بین‌المللی در خصوص حفظ و اعادۀ صلح بین‌الملل وجود نداشته و بر ژاپن فشاری وارد نبود که سهمی در چنین اقدامی به‌عهده گیرد و ژاپن خود نیز فاقد قدرت کافی برای ورود در چنین همکاری بود. این تعبیر در حال حاضر مصداق ندارد. در جهان و شرایط امروز باید در این برداشت تجدیدنظر کرد و تعبیر جدیدی ارائه داد که طی آن

ژاپن بتواند به طریقی همکاری کند که شامل استفاده از قوه قهریه در عملیات حفظ صلح باشد. البته مشروط بر اینکه چنین همکاری بخشی از اقدامات بین‌المللی بر اساس توافق جامعه جهانی باشد.

مفاد و قانون اساسی مانند هر قانون دیگری باید به‌طور مرتب مورد بررسی قرار گیرد تا تغییر و تعبیر آن با زمان تناسب داشته باشد. اکنون زمان آن فرا رسیده که ماده ۹ قانون اساسی با توجه به تحولاتی که در اوضاع بین‌المللی و موقعیت جهانی ژاپن روی داده است، مورد بررسی مجدد قرار گیرد.[٦٩]

۳ـ٤ـ۷ـ مراحل قانون‌گذاری در ژاپن

۱. تهیه پیش‌نویس لایحه قانونی توسط وزارتخانه صلاحیت‌دار

ابتدا پیش‌نویس لایحه قانونی که باید توسط کابینه ارائه شود توسط وزارتخانه‌ای که دارای صلاحیت است، تهیه می‌شود.

یک وزارتخانه در صورتی‌که تصمیم بگیرد قانون جدیدی را به مرحلهٔ اجرا بگذارد یا قانون موجود را اصلاح یا لغو کند تا بتواند به اهداف سیاستی که در اجرای وظایف اداری لازم است، دست یابد، پیش‌نویس لایحه را تهیه می‌کند. بر مبنای این پیش‌نویس با سایر وزارتخانه‌های مربوط و احزاب سیاسی در دولت مشورت می‌شود. به‌علاوه در صورت لزوم اقدامات لازم جهت ارجاع آن به شوراهای مشورتی یا جلسات عمومی پارلمان انجام می‌شود. هنگامی‌که تمامی این مراحل طی شد و لایحه آماده شد، وزارتخانه مربوطه لایحه را به شکل قانونی آماده می‌کند.

۲. بررسی لایحه توسط دفتر قانون‌گذاری کابینه

تمامی لوایح قانونی که توسط کابینه ارائه می‌شود، باید قبل از برگزاری جلسه کابینه توسط دفتر قانون‌گذاری بررسی شوند. در اصل بعد از آنکه وزارتخانه مربوطه درخواست خود را به

نخست‌وزیر برای برگزاری جلسه کابینه ارسال کرد، دفتر قانون‌گذاری بررسی لایحه را آغاز می‌کند. اخیراً رویه‌ای اتخاذ شده که طی آن دفتر قانون‌گذاری بعد از آنکه امور مشورتی بند ۱ صورت گرفت، بررسی ابتدایی لایحه را آغاز می‌کند و سپس درخواست برای تشکیل جلسهٔ کابینه بعد از اتمام «بررسی ابتدایی» دفتر قانون‌گذاری ارسال می‌شود.

طی بررسی دفتر مربوطه، تمامی جوانب لایحه، هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ فنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نکاتی که مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از:

ـ رابطه بین لایحه پیشنهادی از یکسو و قانون اساسی و سایر قوانین موجود از سوی دیگر، همچنین تناسب حقوقی و قانونی مفاد لایحه.

ـ آیا مقاصد مورد نظر در لایحه پیشنهادی دقیقاً در متن آن درج شده‌اند یا خیر؟

ـ آیا ساختار لایحه (ترتیب مواد) رعایت شده است یا خیر؟

ـ آیا از کلمات و واژه‌ای مناسب استفاده شده است؟

هنگامی‌که بررسی ابتدایی انجام شد، وزیر کشور که مسئول لایحه قانون‌گذاری است، مراحل لازم برای ارسال درخواست تشکیل جلسه کابینه را در مورد ارائه لایحه به دایت انجام می‌دهد. دبیرخانه کابینه که درخواست را دریافت می‌کند آنرا برای دفتر قانون‌گذاری کابینه ارسال می‌کند و سپس بررسی نهایی با توجه به نتایج بررسی ابتدایی صورت گرفته، بازنگری‌های لازم انجام می‌شود و نتیجه به دبیرخانه کابینه ارسال می‌شود.

۳. تصمیم کابینه مبنی بر ارسال لایحه به دایت

مدیر کل دفتر قانون‌گذاری کابینه توضیحات خود را در مورد لایحه پیشنهادی طی جلسه کابینه ارائه می‌کند و در صورتی‌که کابینه به نفع لایحه و بدون هیچ‌گونه مخالفتی تصمیم بگیرد، نخست‌وزیر لایحه را به دایت ارائه می‌کند (مجلس نمایندگان یا مجلس مشاوران).

کارهای اداری مربوط به ارائه لایحه پیشنهادی کابینه به دایت توسط دبیرخانه کابینه انجام شود.

٤. بررسی توسط دایت

هنگامی‌که لایحه پیشنهادی به مجلس نمایندگان یا مجلس مشاوران ارائه شد، رؤسای هر یک از مجلسین، لایحه را به کمیته مربوطه ارائه می‌کنند. سپس کمیته مربوطه لایحه را بررسی می‌کند. ابتدا توضیحات وزیر کشور در مورد دلایل ارائه چنین لایحه‌ای شنیده می‌شود. هنگامی‌که این مرحله به پایان رسید، رئیس جلسه اتمام رسیدگی را اعلام کرده و رأی‌گیری انجام می‌شود. بعد از اتمام بررسی کمیته، رسیدگی در جلسه عمومی مجلس انجام می‌شود.

بعد از اینکه لایحه در کمیته جلسه عمومی مجلس تأیید شد به مجلس دیگر ارسال می‌شود (از مجلس نمایندگان به مشاوران یا بالعکس). همین مراحل شامل تصمیمات و شنیدن توضیحات در مجلس دوم نیز انجام می‌شود.

اجرای قانون جدید

یک لایحه بعد از اینکه از تصویب مجلسین گذشت به‌صورت قانون درمی‌آید مگر آنکه در قانون اساسی مطلب دیگری مطرح شده باشد. سپس رئیس مجلس دوم، قانون جدید را از طریق کابینه برای امپراتور ارسال می‌کند (تصویب امپراتور جنبه تشریفاتی دارد).

٥. اعلام رسمی قانون جدید

قانون جدید باید ظرف ۳۰ روز پس از تاریخ تسلیم آن به‌طور رسمی به امپراتور اعلام شود. بعد از اتخاذ تصمیم از سوی کابینه مراتب در روزنامه رسمی اعلام می‌شود. (خلاصه‌ای از قانون برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی چاپ می‌شود).

ـ اعلام رسمی به‌منظور اطلاع عموم از قانون جدید است. به عبارت دیگر این قانون هنگامی اجرا می‌شود که مردم از وجود قانون جدید آگاه شوند. قبل از اجرای واقعی آن، قانون باید به‌طور رسمی اعلام شود. البته در متن قانون تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن درج شده است.

هنگامی‌که قانونی رسماً اعلام می‌شود، شماره سریال خورده و توسط وزیر کشور و نخست‌وزیر امضا می‌شود.(۷۰)

۴ـ۴ـ۷ـ قانون مطبوعات

بعد از جنگ جهانی دوم تمام قوانینی که به‌نحوی تأسیس، انتشار یا محتوای روزنامه‌ها را محدود می‌کردند، لغو شد و در حال‌حاضر هیچ‌گونه قانون محدودکننده‌ای در ارتباط با مطبوعات به غیر از مواردی که مربوط به اتهامات نادرست و یا درج اخبار کذب می‌شود، وجود ندارد.(۷۱)

در قانون اساسی ژاپن، آزادی مطبوعات به‌عنوان یکی از حقوق اساسی بشری تضمین‌شده است. به این‌ترتیب هیچ‌گونه سانسوری بر مطبوعات وجود ندارد. افراد و سازمان‌ها آزادند تا روزنامه و مجله چاپ کنند و هرگونه مطلبی را تنها در صورتی‌که در تناقض با قانون مجازات یا سایر قوانین نباشد، به چاپ برسانند. هیچ سازمان دولتی برای کنترل و نظارت مستقیم بر مؤسسات چاپ روزنامه وجود ندارد.(۷۲)

بر طبق ماده ۲۱ قانون اساسی، حق تشکیل اجتماعات، آزادی بیان و آزادی مطبوعات و سایر روش‌های ابراز عقیده و نظر تضمین شده است و هیچ نهاد دولتی برای نظارت بر عملکرد روزنامه‌ها وجود ندارد.

به‌طور کلی می‌توان گفت روزنامه‌های معروف ژاپن مانند آساهی شیمبون، یومیوری شیمبون، ماینیچی شیمبون، توکیو شیمبون، سن کسی شیمبون و روزنامهٔ معتبر اقتصادی ژاپن نیهوون‌کیزایی هیچ‌گونه ارتباط محسوس سیاسی با احزاب ژاپن ندارند و احزاب سیاسی دارای روزنامه‌های مستقل هستند.(۷۳)

فصل هشتم

بررسی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی

۱ـ۸ـ آژانس‌های امنیتی و اطلاعاتی ژاپن

- **شورای امنیت**
- دفتر پژوهش کابینه (نایچو) "Cabinet Research Office" (Noeicho)
- آژانس دفاعی؛ نیروهای دفاع از خود ژاپـن (بویچـو) "Defense Agency/ Japan Self - Defense Force" (Boeicho)
- دفتر اطلاعـات دفـاعی (جوهوهونبـو) "Defense Intelligence Office DIO" (Jouhou Honbu)
- ستاد اطلاعات دفاعی "Defense Intelligence Headquarters" (DIH)
- چوبتسو (Chobetsu)
- نیروی زمینی دفاع از خود "Ground Self - Defense Force"
- دفتر اطلاعاتی "Intelligence Office"

ـ نیروی دریایی دفاع از خود "Maritime Self - Defense Force"

فرماندهی اطلاعاتی ناوگان "Fleet Intelligence Command"

ـ نیروی هوایی دفاع از خود "Air Self Defense Force"

ـ بخش اطلاعاتی

ـ گروه گردآوری اطلاعات مقدماتی تاکتیکی

ـ کمیسیون امنیت پلیس ملی (NPSC) "National Police Safety Commission"

ـ آژانس پلیس ملی (NPA) "National Police Agency"

ـ دفتر امنیتی

ـ وزارت امور خارجه

ـ دفتر تحلیل و اطلاعات

ـ وزارت دادگستری

آژانس تحقیقات امنیت عمومی "Public Security Investigation Agency"

ـ وزارت تجارت و صنایع بین‌الملل

ـ سازمان تجارت خارجی ژاپن

برنامه‌های جمعی

ـ فانتوم RF-4Ej

ـ ماهواره‌های اطلاعاتی "U-125 Peace Krypton"

کمیسیون امنیت پلیس ملی (NPSC)

سازمان‌های پلیسی در سطح ملی، شامل کمیسیون امنیتی پلیس ملی و آژانس پلیس ملی می‌شوند. از زمانی‌که کمیسیون امنیتی پلیس ملی سیاست‌گذار اصلی است و آژانس پلیس ملی امور را اداره می‌کند، کمیسیون امنیت پلیس ملی بر آن کنترل داشته است.

NPSC یک نهاد دولتی است که مسئول نظارت اداری بر پلیس و هماهنگی امور است. همچنین بر اموری نظیر؛ آموزش پلیس، ارتباطات، تشخیص هویت، آمارهای جنایی و تجهیزات پلیسی نظارت دارد. برای تضمین استقلال و بی‌طرفی آن حتی نخست‌وزیر هم دارای این قدرت نیست که به NPSC دستور داده و یا آنها را هدایت کند.

مأموریت NPSC تضمین بی‌طرفی پلیس از طریق جداکردن آن از فشارهای سیاسی و تضمین ابقای روش‌های دموکراتیک در اداره نیروی پلیس است. کارکرد اولیه کمیسیون نظارت بر NPA است و قدرت عزل و نصب مأموران پلیس را دارد. کمیسیون متشکل از یک رئیس است که همردیف وزیر کشور است و پنج عضو که از سوی نخست‌وزیر و با اجماع مجلسین انتخاب می‌شوند. کمیسیون به‌طور مستقل از کابینه کار می‌کند ولی ارتباط و هماهنگی با آن از طریق ریاست که عضوی از آن نهاد است، صورت می‌گیرد.

پلیس ژاپن یک نهاد غیرسیاسی تحت نظارت کلی آژانس‌های مستقل است و تحت کنترل اجرایی مستقیم دولت مرکزی قرار ندارد. از سوی مقام صلاحیت‌دار قضایی مستقل نظارت شده و از سوی مطبوعات فعال و آزاد زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی میزان آشوب‌ها و برهم خوردن نظم عمومی در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی، در ژاپن پایین بوده و از اواسط دهۀ ۶۰ روند نزولی داشته است و این موضوع بیشتر به‌دلیل قوانین شدید کنترلی و نظارتی در مورد سلاح‌های گرم است مشکلات اساسی مربوط به جرایم نوجوانان، کنترل رفت‌وآمد و جنایات سازمان‌یافته است.

آشوب‌های داخلی که در اوایل دهۀ ۵۰ و به‌ویژه در توکیو اتفاق افتاد، تهدیدی جدی برای امنیت داخلی کشور نبود و از اوایل دهۀ ۷۰ به بعد کمتر چنین مواردی اتفاق افتاده و در صورت بروز هم واحدهای پلیس تربیت شده و آموزش دیده با استفاده از تکنیک‌های کنترل آشوب‌ها، با آن مقابله کرده‌اند.

آژانس تحقیقات امنیت عمومی

یک آژانس اطلاعاتی کوچک به نام آژانس تحقیقات امنیت عمومی (کوانچو) وزارت دادگستری، امور امنیت ملی را در داخل و خارج کشور تحت نظر دارد. این آژانس عموماً با موارد ضدجاسوسی سروکار دارد و فعالیت‌هایش برای عموم معلوم نیست. کوانچو در سال ۱۹۵۲ با عنوان آژانس تحقیقات و کنترل براندازی‌های داخلی تأسیس شد. این نهاد حدود ۱۸۰۰ کارمند دارد و فعالیت‌هایش به‌طور عمده بر چپ‌افراطی و راست‌افراطی و حزب کمونیست ژاپن که هدف اصلی آن در سال‌های اولیه تأسیس بود، متمرکز است. به‌علاوه، احتمالاً تنها نهاد در ژاپن است که مسئولیت نظارت بر کره‌ای‌های مقیم ژاپن را دارد. همچنین بر آئوم شینریکیو[1] در تلاش برای کسب مشروعیت نیز نظارت دارد. با لازم‌الاجرا شدن قانون جلوگیری از فعالیت‌های آشوب‌طلبانه که از ۲۱ جولای ۱۹۵۲ به اجرا درآمده، آژانس تحقیقات امنیت عمومی نیز در همان روز بر اساس این قانون به‌عنوان یک سازمان اجرایی که وظیفه‌اش اجرای جامع وظایفی است که شامل انجام بازرسی و اقدام در رابطه با کنترل سازمان‌های براندازانه بر اساس قانون مزبور می‌شود، تأسیس شد. قانون جلوگیری از اقدامات آشوب‌طلبانه با اهدافی چون کنترل فعالیت‌ها یا حتی انحلال سازمان‌ها در صورت ضرورت، تحمیل جرایم مناسب برای کسانی‌که متهم به فعالیت‌های براندازانه و خشونت شده‌اند، حمایت از دموکراسی که اساس جامعه ژاپن را برای بهره‌بردن از یک زندگی صلح‌آمیز و ایمن تشکیل می‌دهد، به اجرا درآمده است.

آژانس تحقیقات امنیت عمومی شامل؛ ادارات داخلی، یک انستیتو، دفاتر منطقه‌ای و دفاتر واقع در استان‌ها می‌شود. ادارات داخلی آن عبارتند از: اداره امور عمومی، اداره اول و دوم بازرسی، انستیتو آموزش و پژوهش و تعداد ۸ دفتر بازرسی امنیتی دولتی منطقه‌ای و ۴۳ دفتر

1. Aum Shinrikyo

تحقیقات استان‌ها در سراسر کشور به‌عنوان شاخه‌های آن فعالیت دارند.

وظایف

آژانس تحقیقات امنیت عمومی با هدف تضمین امنیت عمومی تأسیس شده است. از جمله وظایف کلیدی آن می‌توان به انجام تحقیقات بر اساس قانون جلوگیری از فعالیت‌های براندازانه در مورد سازمان‌هایی که دارای تمایلات تخریب نظام دموکراتیک کشور که در قانون اساسی ژاپن تضمین شده است، اشاره کرد که این کار را از طریق اعمال خشونت انجام می‌دهند.

آژانس تحقیقات امنیت عمومی موظف است در صورت مشاهده اقدامات تحریک‌آمیز و آشوب‌طلبانه، مورد را بررسی و گزارش مربوط را به کمیسیون امنیت عمومی به منظور تصمیم‌گیری در این مورد ارجاع کند. در صورتی‌که چنین فعالیتی برای آژانس تحقیقات احراز شود و انحلال سازمان آشوب‌طلب ضروری جلوه کند، آژانس درخواست انجام اقدامات کنترلی را برای کمیسیون تحقیقات امنیت عمومی ارسال می‌کند.

کمیسیون امنیت عمومی شامل شش نفر قاضی است. این کمیسیون به گزارش‌های ارسالی رسیدگی می‌کند و پس از شنیدن دفاعیه سازمان مظنون، رأی لازم را صادر می‌کند و می‌تواند نسبت به تعطیل‌شدن این تشکیلات حکم صادر کند.[۷۴]

قانون جلوگیری از اقدامات آشوب‌طلبانه، برای برخی کسانی‌که مرتکب جرایم مخل نظم عمومی و مرتکب قتل برای مقاصد سیاسی می‌شوند، مجازات پیشنهاد کرده است. پرونده‌های مذکور توسط پلیس و دادستان‌های عمومی مورد پیگیری قرار می‌گیرد و مجازات مربوط به آن، طبق قانون مذکور صادر می‌شود. مدیر کل آژانس تحقیقات امنیت عمومی، یک دادستان عمومی است و پست‌های حساس و کلیدی آن توسط دیگر دادستان‌های عمومی و مقاصد پلیس اشغال می‌شود.

به‌منظور اعمال کنترل بر سازمان‌هایی که مظنون به براندازی هستند، آژانس تحقیقات امنیت عمومی دارای بازرسانی است که در سراسر کشور پراکنده‌اند. این مأموران که دارای اختیار تحقیقات هستند، نمی‌توانند مدارک را ضبط کنند یا به تفتیش منازل بپردازند، آنها در این

موارد، دارای محدودیت‌هایی هستند.

آژانس تحقیقات امنیت عمومی تاکنون علیه این احزاب اقامه دعوی کرده است:[۷۵]

- حزب کمونیست ژاپن؛
- کمونیست‌های وابسته به جناح فدراسیون محلی انجمن‌های دانشجویان خودمختار؛
- اتحادیه جوانان کمونیست؛
- اتحادیه کمونیست‌ها؛
- جناح هسته میانی؛
- شورای کارگران انقلابی؛
- اتحادیه کمونیست‌های انقلابی؛
- انجمن عمومی کره‌ای‌های مقیم ژاپن (که جزو گروه‌های چپ به‌شمار می‌آید)؛
- انجمن دفاع از میهن؛
- حزب میهن‌پرستان ژاپن بزرگ؛
- اتحادیه جوانان میهن‌پرست؛
- انجمن میهن‌پرستان؛
- اتحادیه ژاپن؛
- سازمان میهنی؛
- گروه‌های دست راستی.

از اوائل دهۀ ۹۰ با از بین رفتن فعالیت‌های افراطی چپ‌گرایان داخلی، PSIA نقش عمده خود را از دست داد. این زمانی بود که فرقۀ آئوم با گاز سمی توکیو را مورد حمله قرار داد. PSIA که هیچ سابقه‌ای پیش از آن از آئوم نداشت، سریعاً دست به کار شد و در زمستان سال ۱۹۹۵، آمادۀ اعمال قانون جلوگیری از فعالیت‌های براندازانه شد. گرچه به‌دلیل عدم مدارک کافی، کمیسیون تحقیقات امنیت عمومی در نهایت درخواست آژانس تحقیقات را مبنی بر انحلال آئوم، رد کرد.

تحت اصلاحات اداری از سال ۱۹۹٦، دولت ژاپن تصمیم گرفته که آژانس تحقیقات امنیت عمومی باید از لحاظ اندازه کوچک شود و تعدادی از کارکنان آن به سایر سازمان‌ها، از جمله دفتر پژوهش اطلاعاتی کابینه و وزارت امور خارجه منتقل شوند. بعضی از کارکنان نیز به کشورهای خارج اعزام می‌شوند تا فعالیت‌های اطلاعاتی خارج کشور ژاپن را تقویت کنند. در حال حاضر حدود ۱۷۰۰ الی ۱۸۰۰ کارمند در آژانس تحقیقات امنیت عمومی وجود دارد که در نهایت به ۱۱۰۰ نفر کاهش می‌یابند. ۷۰۰، ٦۰۰ نفر باقی‌مانده به سایر آژانس‌ها منتقل می‌شوند. اداره دوم بازرسی مسئول اطلاعات خارجی است. بخش ۲ـ۲ دارای ارتباط با بیش از ۳۰ آژانس اطلاعاتی دنیا شامل؛ CIA، FBI، MI6، MOSSAD و غیره است. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا از مقامات آژانس تحقیقات امنیت عمومی دعوت به عمل آورده است تا در یک دوره تجزیه و تحلیل اطلاعاتی در واشنگتن‌دی‌سی شرکت کنند. یک «سازمان خارجی» به نام Kyundakai مسئول تجزیه و تحلیل اطلاعات (جاسوسی) در مورد تحرکات نظامی در اتحاد شوروی است. این گروه از تجاوز سال ۱۹۸۰ شوروی به افغانستان آگاه بوده و در این مورد به دولت ژاپن اطلاع داده بود.

دفتر تحلیل و اطلاعات (دفتر طرح و پژوهش تحلیل اطلاعات)

دفتر تحلیل و اطلاعات مسئولیت امور زیر را برعهده دارد:

مدیریت کلی اطلاعات در مورد اوضاع بین‌المللی، اداره کلی امور پژوهشی و بررسی کشورهای خارجی (غیر از اموری که مربوط به سایر دفاتر است) و تحلیل کلی اوضاع بین‌المللی و جمع‌آوری اطلاعات ضروری. دفتر تحلیل و اطلاعات به اداره مدیریت عمومی، اداره اول و دوم تحلیل اطلاعات تقسیم می‌شود. مطابق با نقش فزاینده بین‌المللی ژاپن، حجم فعالیت‌های وزارت امورخارجه حتی قبل از پایان جنگ سرد به‌شدت افزایش یافته بود و این روند حتی در سالیان اخیر تشدید شده است. به‌عنوان مثال به مدت ۱۵ سال، بین سال‌های ۱۹۷٦ تا ۱۹۹۲، تعداد تلکس‌های دیپلماتیک، شیوه‌های اصلی ارتباطی بین وزارت امور خارجه

و نمایندگی‌های خارج از کشور ژاپن، حدود هشت برابر شد. در سال ۱۹۹۳ وزارت خارجه برای تقویت سازمان، تعداد کارکنان و بودجه خود تلاش بسیار کرد. دفتر طرح و پژوهش تحلیل اطلاعات در دفتر پژوهش و اطلاعات سازماندهی مجدد شد که متخصص تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌منظور تقویت و بهبود کارکردهای اطلاعاتی وزارتخانه به‌شمار می‌آید. این دفتر سیاست‌های جامع را درمورد چگونگی جمع‌آوری نظام تجزیه و تحلیل، اداره و فراهم آوردن اطلاعات توسط وزارتخانه طراحی و ساختارمند می‌کند.

نظام تجزیه و تحلیل نیز با هدف پاسخگویی به اوضاع پیچیده بین‌المللی، کارکردهای تجزیه و تحلیل منطقه‌ای و تحلیل نکته به نکته مانند تحلیل اوضاع امنیتی، تقویت شده‌اند.

ماهواره‌های اطلاعاتی ـ جمع‌آوری اطلاعات تصویری

در سال ۱۹۹٤، ژاپن به‌طور جدی درصدد بازتعریف سیاست دیرینه خود یعنی اجتناب از استفاده از فضا برای اهداف نظامی بود آژانس دفاعی ژاپن، کمیسیون فعالیت‌های فضایی این کشور و مرکز پژوهشی دفاعی غیردولتی همگی متفق‌القولند که جمع‌آوری مقدماتی اطلاعاتی و عکس‌برداری در مأموریت‌های فضایی نظامی، گسترش منطقی فعالیت‌های دفاعی ملی و فضایی ژاپن به‌شمار می‌روند.

در سال ۱۹۹۸ با تصویب بودجه و علی‌رغم اعتراض آمریکا، ژاپن شروع به توسعه ماهواره اطلاعاتی خود کرد. هنگامی‌که موشک Tapodang کره شمالی در آگوست ۱۹۹۸ تست شد، ژاپن از این موضوع آگاهی نداشت و از طریق آمریکا مطلع شد. پس از آن آمریکا از طرح ماهواره اطلاعاتی ژاپن حمایت به عمل آورد و میتسوبیشی با همکاری یک شرکت آمریکایی به نام Lockheed - Martin Space Imaging Corporation - IKONOS شروع به ساخت سیستم تصویربرداری ماهواره‌ای بازرگانی با وضوح یک متر کرد. گروه میتسوبیشی درخواست ٤ ماهواره اطلاعاتی را کرده که دو تای آنها دارای سنسورهای اپتیکی با وضوح یک متر و دوتای دیگر توانایی‌های تصویربرداری را دارا هستند. این ماهواره‌ها در مداری با ارتفاع ۵۰۰

کیلومتر می‌چرخند.

این سیستم که دارای ویژگی‌های یک ماهواره جمع‌آوری اطلاعات چند منظوره است، کاربردهای هواشناسی، تشخیص فاجعه‌های طبیعی، قاچاق و مهاجرت غیرقانونی نیز دارد.

در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۸، نخست‌وزیر وقت، کیزو ابوچی اعلام کرد که ژاپن به‌زودی ماهواره اطلاعاتی خود را به‌منظور توانایی نظامی ژاپن و تسهیل نظارت بر استقرار موشک‌های کره شمالی، به‌کار خواهد انداخت و به‌دنبال آن کابینه تصمیم گرفت چهار ماهواره اطلاعاتی را تا اوایل سال ۲۰۰۳ به‌کار بیندازد.

لازم به ذکر است ژاپن در تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۰۳، دو موشک اطلاعاتی را از پایگاهی در ژاپن به فضا پرتاب کرد و در مدار زمین قرار داد که البته این اقدام باعث اعتراض شدید کره شمالی شد.

فصل نهم
بررسی احزاب و گروه‌های سیاسی

۱ـ۹ـ تاریخچه

اولین حزب سیاسی که در ژاپن به منصه ظهور رسید، Aikokukoto یا حزب عمومی وطن‌دوستان نام داشت که در سال ۱۸۷٤ تحت رهبری تایسوکه ایتاگاکی فعالیت خود را آغاز کرد. طی اعلامیه‌ای این حزب خواستار تأسیس نظام پارلمانی از طریق برگزاری انتخابات عمومی شد. در سال ۱۹۸۹ برای نخستین بار کابینه به رهبری این حزب تشکیل شد تا نظام کابینه‌های حزبی بنیان‌گذاری شود. اما جنرو (Genro) یا دولتمردان کهنه‌کار، گرچه فاقد هرگونه اختیار مشروطه بودند، اما تأثیری قاطع بر چگونگی تعیین انتقال قدرت می‌گذاردند و تنها بعد از جنگ جهانی دوم بود که به‌واقع کابینه‌های حزبی تشکیل شدند.[۷۶]

احزاب سیاسی، بنیاد سیاست پارلمانی به‌شمار می‌روند. به‌ویژه در کشوری مثل ژاپن که دارای نظام کابینه پارلمانی است، احزاب حلقه رابط بین قوه مقننه و مجریه هستند. طیف مختلف احزاب سیاسی جزء جدایی‌ناپذیر سیاست پارلمانی هستند. در عین حال سرنوشت

سیاسی پارلمانی به ماهیت احزاب گره خورده است. احزاب سیاسی دوران قبل از جنگ تا اندازه زیادی مسئول فروپاشی سیاست‌های حزبی و نظامیگری ژاپن هستند.

برای بیش از ربع قرن، حزب لیبرال دموکراتیک اکثریت را در مجلسین دایت داشته و تنها حزب حاکمه بوده است. حزب سوسیالیست ژاپن (JSP) که دارای نصف کرسی‌های متعلق به LDP بود، دومین حزب بزرگ بود و ائتلاف این دو حزب به نام رژیم ۱۹۵۵ یا 1955setup نامیده شد که از اتحاد بین احزاب سوسیالیست دست راستی و دست چپی و ادغام دو حزب محافظه‌کار (حزب لیبرال و حزب دموکراتیک ژاپن) شکل گرفت تا حزب لیبرال دموکراتیک (LDP) در پاییز سال ۱۹۵۵ به‌وجود آید.[۷۷]

در مورد دوران‌های سیاسی که طی آن احزاب در ژاپن فعال بوده‌اند، تقسیم‌بندی و نظرات مختلفی وجود دارد که در ادامه به ۳ نوع تقسیم‌بندی اشاره می‌کنیم.

بعد از جنگ جهانی دوم

احزاب سیاسی ژاپن پس از جنگ دوم جهانی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

- دوره اول بلافاصله بعد از جنگ؛
- دوره دوم بر اساس رژیم ۱۹۵۵؛
- دوره سوم که کمابیش توازن قوا بین LDP و ائتلاف مخالف وجود داشت که به فروپاشی رژیم ۱۹۵۵ منجر شد.

دوره اول

در این دوره بسیاری از احزاب قبل از جنگ در دل احزاب محافظه‌کاری چون حزب لیبرال و حزب پیشرو ژاپن و همچنین حزب سوسیالیست و تعاونی (میانه‌رو) جمع شدند.[1]

حزب تعاونی ژاپن که در گذشته و طی جنگ تحریم شده و فعالیت زیرزمینی داشت،

1. Japan Cooperation Party

به‌تدریج دارای فعالیت آشکار شد. اما احزاب سیاسی به‌طور متناوب اتحاد خود را طی این دوران تغییر می‌دادند. این تغییر روش‌ها در قلب شورش‌های بعد از جنگ، معلق شدن آن دسته از کسانی‌که مظنون به کمک‌رساندن به رژیم دوران جنگ بودند از خدمات دولتی، انعقاد پیمان صلح سان‌فرانسیسکو و پیمان امنیتی آمریکا و ژاپن، استقلال دوباره و به سرکار آمدن دوباره چهره‌های سیاسی، همه و همه دوره‌ای از سردرگمی بود.

حزب لیبرال ژاپن دارای نقش محوری در اردوی محافظه‌کاران بود. پروفسور ساساکی قائل به تفکیک سه دوره در تاریخ معاصر سیاسی ژاپن یعنی از زمان پایان جنگ دوم تاکنون است.

اول: دوره ۶۰ـ۱۹۴۵ یعنی از شکست در جنگ تا تجدید عهدنامه امنیتی با آمریکا.

دوم: از ۸۵ ـ۱۹۶۰ که وی آنرا روزگار «درون‌گرایی ژاپن و دوران رشد سریع» توصیف کرده است.

سوم: از ۹۱ـ۱۹۸۵ که به‌زعم وی، دوره مواجهه ژاپن با مسئولیت‌های بین‌المللی است.(۷۸)

به موجب دیدگاه دیگری، تاریخ سیاسی معاصر ژاپن به چهار دوره تفکیک می‌شود:

اول: سال‌های بعد از جنگ (۵۶ـ۱۹۴۶)

دوم: دوران رشد سریع و بعد از آن (۷۶ـ۱۹۵۸)

سوم: سال‌های پس از جنجال لاکهید (۸۳ـ۱۹۷۷)

چهارم: از سال ۱۹۸۶ تاکنون

ولی به نظر می‌رسد مناسب‌ترین نحوه از لحاظ بررسی احزاب سیاسی تقسیم به دو دوره ۵۵ـ۱۹۴۵ و از ۱۹۵۶ تاکنون باشد.(۷۹)

شروع دوره اول مصادف با زمان تسلیم و شکست ژاپن و ویرانی این کشور و پایان آن مقارن با خاتمه بازسازی این سرزمین و ترمیم ویرانی‌های جنگ بود. در آغاز دوره و ۱۹۴۵ که با اشغال و اداره ژاپن و در عین حال تصفیه و طرد عناصر طراز اول حکومت قبلی توأم بود، احزاب سیاسی که از ۱۹۴۰ فعالیت‌هایشان موقوف شده و منحل شده بودند، شروع به فعالیت مجدد کردند. به‌علاوه در آن فضای خاص احزاب ریز و درشت دیگری نیز تشکیل شدند

به‌نحوی که در انتخابات آوریل ۱۹٤٦ تعداد احزاب و دسته‌های سیاسی فعال شرکت‌کننده به ۲٦۷ رسید.(۸۰)

در آن دوران احزاب اصلاح‌طلب و مترقی (اصطلاح و عنوانی که رسانه‌های همگانی ژاپن برای گروه‌ها و نیروهای سیاسی غیرمحافظه‌کار و دارای مواضع واقع در چپ طیف سیاسی به کار می‌برند) که به‌دلیل اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه یعنی خرابی و ویرانی و کمبود در همهٔ شئون، برنامه‌ها و مواضعشان با اقبال مردم مواجه بود، حضوری مؤثر داشتند، به‌صورتی که در انتخابات توأمان مجلسین در آوریل ۱۹٤۷ حزب سوسیالیست توانست با کسب بیشترین تعداد کرسی (۱٤۳ از مجموع ٤٦٤ کرسی مجلس نمایندگان در آن دوران) برای اولین و آخرین بار تاکنون یک دولت ائتلافی (با دو حزب محافظه‌کار و لیبرال) تشکیل دهد. در آن دوران احزاب دسته‌راستی و محافظه‌کار نیز بین خود اختلاف و مبارزه ایدئولوژیک داشتند که مصروف و متوجه به سیاست ملی و روابط خارجی بود.(۸۱)

حزب لیبرال ژاپن به رهبری یوشیدا شیگرو[1] که بعد از هاتویاما ایچیرو[2] به قدرت رسیده بود دارای نقشی محوری در اردوی محافظه‌کار بود. شیدهارو کیجورو[3] و سایر اعضای حزب دموکراتیک به‌منظور تشکیل حزب لیبرال‌دموکراتیک در مارس ۱۹٤۸ به حزب لیبرال ژاپن ملحق شدند که بعدها با ائتلاف جناح حزب دموکراتیک به رهبری هوری شیگرو[4] به‌منظور تشکیل حزب لیبرال در ۱۹۵۰، به هم پیوستند. این حزب هدایت ژاپن بعد از جنگ را به دست گرفت و از کابینه دوم یوشیدا که در اکتبر ۱۹٤۸ تشکیل شد تا کابینه پنجم او که در دسامبر ۱۹۵٤ استعفا کرد، قدرت را به دست داشت.

حزب پیشرو ژاپن[5] که شدیدترین ضربه را از پاکسازی‌های بعد از جنگ خورده بود با «آشیدا هیتوشی» و سایرین از حزب لیبرال متحد شده و در قالب حزب دموکراتیک در مارس ۱۹٤۷ سازمان دوباره یافت و به‌عنوان حزب حاکم با کابینه‌های «کاتایاما» و «آشیدا»، قدرت را

1. Yoshida Shigeru
2. Hotoyama Ichiro
3. Shidehara Kijuro
4. Hori Shigeru
5. Japan Progressive Party

در دست گرفت. اما بنابه‌جدایی‌طلبی‌های مکرر اعضا و شکست سنگین آن در انتخابات عمومی ۱۹۴۹، حزب دموکراتیک با حزب تعاون ملی ادغام شده و ابتدا حزب تعاون ژاپن و سپس حزب دموکراتیک تعاون و دست آخر در آوریل ۱۹۵۰، حزب دموکراتیک ملی لقب گرفت.(۸۲)

حزب اصلاحات[1] در فوریه ۱۹۵۲ توسط حزب دموکراتیک ملی و یک گروه از سیاستمداران پاکسازی شده شامل «شیگما ماتسو»[2] و «ماتسو مورا»[3] تأسیس شد و سپس به حزب دموکراتیک ژاپن پیوست. این خط ضدجریان محافظه‌کاری شناخته می‌شود که با ترکیب سیاست‌های ملی‌گرایانه و اصلاح‌طلبی بر ضد خط «یوشیدا» به مخالفت برخاست.

در آن سوی طیف سیاسی، حزب سوسیالیست ژاپن از سه حزب پرولتاریایی قبل از جنگ تشکیل شده بود:

ـ شاخه دست راستی شاکایی مینشوتو Shakai Minshuto (حزب خلق سوسیالیست) مخفف Shamin به رهبری کاتایاما تتسو[4] و نیشیهو سوهیرو[5]، حزب میانه‌رو نیهون رونوتو[6] (حزب کارگری زارعان ژاپن) به رهبری آسانوما اینجیرو[7] و شاخه دست‌چپی Nihon Muoarta (حزب پرولتاریای ژاپن) به رهبری سوزوکی موسابورو[8].

هنگامی‌که حزب سوسیالیست ژاپن (JSP) بنیان‌گذاری شد، گروه دست راستی Shamin، دست بالا را داشت ولی با فروپاشی کابینه کاتایاما، جناح چپ رهبری حزب را به دست گرفت. در ژانویه ۱۹۵۰، نارضایی دست‌راستی‌ها از انتصابات حزبی باعث شکافی موقت در حزب شد. در اکتبر ۱۹۵۱، JSP به دو شاخه راست و چپ، بر اساس نظرات مختلف در مورد پیمان صلح سان‌فرانسیسکو و پیمان امنیتی ژاپن ـ آمریکا تقسیم شد.

در عین حال حزب کمونیست ژاپن نیز دستخوش تغییرات شد. تحت رهبری «توکودا

---

1. Reform Party
2. Shigematsu
3. Motsumura
4. Katayoma Tetsu
5. Nishiho Suehiro
6. Nihon Ronoto
7. Asanuma Inejiro
8. Suguki Mosaburo

کیوچی»[1]، «شیگا یوشیو»[2] و نوسا کاسانزو[3]، حزب JCP بعد از زمان جنگ، با اشاعه وحدتی یکپارچه، سیاست «انقلابی صلح‌آمیز تحت اشغال» را پایه نهادند. اما این خط مورد اعتراض Cominform در ژانویه ۱۹۵۰ قرار گرفت و حزب به یک شاخه اصلی به رهبری توکودا (که با یک چرخش عمده در خط‌مشی، خواستار انقلابی خشن شد) و یک گروه ضد این جریان تقسیم شد. با پاکسازی رهبران JCP و آغاز جنگ کره، حزب تاکتیک‌های خشنی چون استفاده از کوکتل مولوتوف را پیش گرفت. اما عضویت در حزب شدیداً کاهش یافت و در انتخابات شکست خورد.

این دوره با اتحادهای مکرر حزب با اتحاد سال ۱۹۵۵ شاخه راست و چپ احزاب سوسیالیست و ادغام نیروهای محافظه‌کار در یک حزب منفرد، دنبال شد. محافظه‌کاران امیدوار بودند به‌طور تثبیت‌شده به قدرت دست یابند و در صورت امکان دوسوم کرسی‌های دایت را که برای تجدیدنظر در قانون اساسی لازم بود، به‌دست بیاورند و این موضوع در حالی بود که JSP به‌دنبال کسب قدرت و به‌دست آوردن کرسی‌های کافی برای ایجاد کردن سد در برابر اصلاحات در قانون اساسی بود.

ملت نیز از بی‌نظمی‌های سیاسی بعد از جنگ به ستوه آمده بود و امیدوار بود که تولد دو حزب قدرتمند، سرآغازی چون نظام دوحزبی بریتانیا باشد. در حالی‌که رژیم ۱۹۵۵ تنها یک حزب و نیم بود. یعنی JSP تنها نیمی از قدرت LDP را داشت. این توازن قوا تا به امروز نیز بدون تغییر باقی مانده است.

در ۳ اکتبر ۱۹۵۵ تحول عمده‌ای روی داد و جناح‌های چپ و راست حزب سوسیالیست که در ۱۹۵۱ به‌خاطر اختلاف‌نظر پیرامون موضع‌گیری در قبال عهدنامه امنیتی منعقده بین ژاپن و آمریکا در همان سال انشعاب کرده و به دو حزب سیاسی جداگانه تبدل شده بودند و به‌طور مجدد درهم ادغام شده و حزب واحدی را تشکیل دادند و این حزب با در اختیار داشتن ۱۵٤

---

1. Tokuda Kyuichi
2. Shiga Yoshio
3. Nosaka Sanga

کرسی پارلمانی بلافاصله مبدل به عمده‌ترین نیروی سیاسی کشور شد. دو هفته بعد یعنی در ۱۵ نوامبر ۱۹۵۵ دو حزب عمده محافظه‌کار دموکراتیک ژاپن و لیبرال که هر یک در خلال سال‌های پس از جنگ از تجمع و وحدت احزاب و دسته‌های محافظه‌کار به‌وجود آمده و دربرگیرنده جناح‌ها و طرز فکرهای مختلفی بودند، ائتلاف کرده و حزب لیبرال دموکرات را تشکیل دادند. این حزب جدید با داشتن ۲۹۹ کرسی پارلمانی از حزب سوسیالیست پیشی گرفت و به‌عنوان عمده‌ترین نیروی سیاسی ژاپن تثبیت شد.

سال ۱۹۵۵ در شرایطی به پایان رسید که ژاپن بازسازی خود را به پایان رسانیده بود و از شوک و ضربه ناشی از شکست در جنگ رها شده بود. در عرصه سیاسی تشکیل دو حزب عمده جدید که مجموعاً ۹۷ درصد کرسی‌های پارلمانی را در زمان تشکیل در اختیار داشتند، این نوید را می‌داد که سیستم پارلمانی دو حزبی در ژاپن جایگزین و تثبیت خواهد شد. ظهور دو حزب مزبور که در ژاپن به برنامه یا ساختار سال ۱۹۵۵ معروف شد، مقدمه آغاز مرحله دوم در حیات سیاسی معاصر ژاپن شد و این دو حزب بازیگران عمده صحنه سیاست ژاپن شدند. اما تحول مورد نظر رخ نداد. یعنی به‌طور کلی یکی از مزایایی که برای سیستم دموکراسی پارلمانی برشمرده می‌شود دایر بر اینکه مردم و انتخاب‌کنندگان به‌دلیل وجود احزاب متعدد سیاسی، دو یا چند انتخاب دارند و بسته به نظر و سلیقه خود یا مطلوبیت برنامه‌ها و شعارهای احزاب، به نفع این یا آن حزب رأی می‌دهند، در ژاپن محقق نشد. به عبارت دیگر از آن تاریخ تاکنون علی‌رغم برگزاری انتخابات متعدد دو مجلس نمایندگان و مشاوران، همواره حزب لیبرال دموکرات حکومت را در اختیار داشته است.(۸۳)

به هر حال اوضاع سیاسی تا پایان کابینه ساتو در جولای ۱۹۷۲ ثابت بود. در این دوران شرایط بین‌المللی از حالت جنگ سرد، تدریجاً به همزیستی مسالمت‌آمیز تبدیل شد. در عین حال رویارویی چین و شوروی (سابق) شدت گرفته و ایالات متحده نیز درگیر جنگ ویتنام شد. در صحنه بین‌المللی دولت‌های LDP به حل و فصل برخی موضوعات حل‌نشده پرداختند. از آن جمله می‌توان به موضوعاتی همچون عادی‌سازی روابط با شوروی و جمهوری کره،

ورود به سازمان ملل، حل و فصل غرامت‌های مربوط به جنگ، بازنگری پیمان امنیتی ژاپن - آمریکا و بازپس‌گیری حقوق ژاپن در رابطه با جزایر اوگاساوارا و اوکیناوا اشاره کرد. در صحنهٔ داخلی، ساختار صنعتی با موجی از ابداعات فناوری مدرن، پیشرفت چشمگیری کرده و این کشور به رشد اقتصادی بالایی دست یافت.[۸٤]

اما در روند رشد اقتصادی، تورم، آلودگی زیست‌محیطی و سایر مشکلات چیره شده و شکنندگی اقتصادی بین‌المللی افزایش یافت. سیاست داخلی در مورد مسائل دفاعی و امنیتی، تحت تأثیر جنگ ویتنام ناتوان شد و مشکل عادی‌سازی روابط چین و ژاپن به بحث داغ مناظرات سیاسی تبدیل شد.

به‌طور اخص بعد از تأسیس DSP در سال ۱۹٦۰ و کومیتو در سال ۱۹٦٤، تمایل به تکثر احزاب مخالف زیاد شد که منجر به افتادن تدریجی ISP به سراشیبی سقوط شد.

در کابینه تاناکا، توازن قوا بین LDP و ائتلاف مخالف در دایت تا حدودی برقرار شد، گرچه LDP به حاکمیت بلامنازع خود تحت «نظام یک حزب و نیم» که از سال ۱۹۵۵ برقرار شده بود، ادامه داد ولی رژیم ۱۹۵۵ بی‌ثبات شده بود.

در اواخر دهه ۷۰، باشگاه لیبرال ملی (NLC) از LDP (۱۹۷٦) و حزب دموکراتیک اجتماعی متحد (USDP) از JSP (۱۹۷۸) جدا شدند. این آغاز دوره سوم فعالیت احزاب سیاسی در ژاپن بود. علی‌رغم احیای محافظه‌کاری که در پیروزی LDP در «انتخابات دوبل» مجلس نمایندگان و مشاوران در ژوئن ۱۹۸۰ به‌وجود آمده بود، هنوز حس عدم ثبات حاکم بود.

در پس این امور، نزدیکی دوباره آمریکا و چین در ۱۹۷۱، اقدامات پیشگیرانه آمریکا برای حفظ دلار در اوت همان سال و بحران نفت در پاییز ۱۹۷۳، وجود داشت. تحولات مربوط به ساختار سیاسی بین‌الملل نظام‌های پولی و اقتصادی و بحران انرژی، مردم ژاپن را که سرخوش از شکوفایی اقتصادی و برقراری صلح بودند، سردرگم و ناامید کرد. ژاپن روابط خود را با چین در سال ۱۹۷۲ عادی کرد و جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۵ پایان یافت، اما احزاب سیاسی

هنوز می‌بایست سیاست‌های روشن و واضحی را در شرایط جدید اتخاذ می‌کردند.

احزاب سیاسی ژاپن در حال حاضر عبارتند از:

۱. حزب لیبرال دموکراتیک (Liberal Democratic Party)

۲. حزب دموکراتیک ژاپن (Democratic Party of Japan)

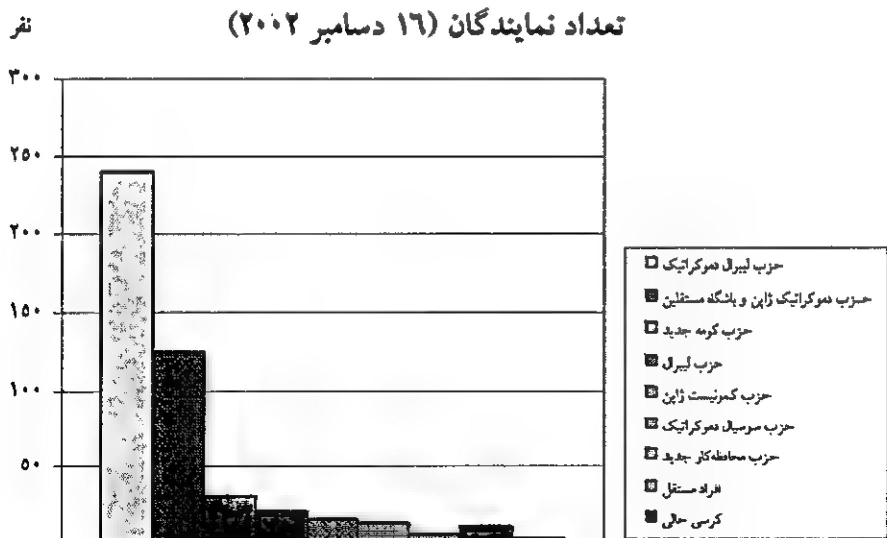
۳. کومه (Komeito)

٤. حزب لیبرال (Liberal Party)

۵. حزب کمونیست ژاپن (Japanese Communist Party)

٦. حزب سوسیال دموکراتیک (Social Democratic party)

قدرت احزاب سیاسی ـ سال ۲۰۰۳

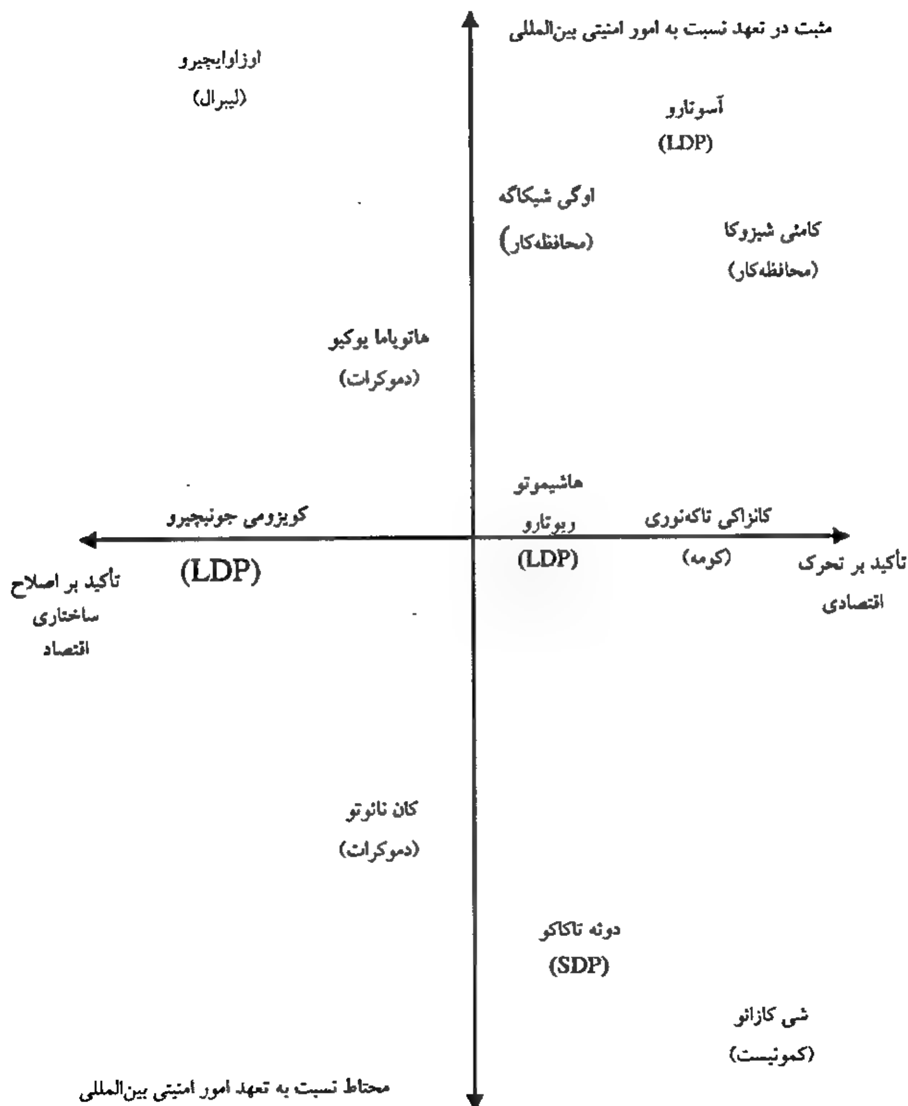


مجلس مشاوران



*مربوط به آمار سال ۲۰۰۳

سازمان دولت ژاپن



(خلاصه شدهٔ گزارش صبح ۱۵ آوریل ۲۰۰۱ روزنامه نیهون کیزای شیمبون)

۲ـ۹ـ شناسنامه احزاب مهم

۱ـ۲ـ۹ـ حزب دموکراتیک ژاپن

[Democratic Party of Japan]

حزب دموکراتیک ژاپن در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹٦ به‌عنوان «قطب سوم لیبرال» ــ غیر از اوا ـ غیر LDP با انشعاب از حزب جدید ساگی‌گاکه (ایده‌آلیست‌های منشعب از LDP) و حزب سوسیال دموکراتیک ایجاد شد. حزب تازه تأسیس منیشوتو، با گردآوری ۵۷ نفر از اعضای سایر احزاب، سومین حزب بزرگ ژاپن را در آن زمان تشکیل داد. این حزب با رهبری مشترک هاتویاما و کان که هر دو از حزب ساگی‌گاکه بودند اداره می‌شود اما در عمل «هاتویاما» رهبر حزب و «کان» دبیرکل آن به‌شمار می‌رود. در کنوانسیون افتتاحیه، ۵۲ نفر از وکلای مجلس نمایندگان و ۵ نفر از وکلای مجلس مشاوران شرکت کردند و سومین حزب بزرگ ژاپن بعد از LDP و شین‌شینتو (جبهه جدید) به‌وجود آمد. بسیار از اعضای منیشوتو اعضای لیبرالی هستند که قبلاً عضو احزاب سوسیال دموکراتیک، ساگی‌گاکه و گروه پارلمانی لیگ فعال شهروندان بوده‌اند.[۸۵] هنگامی‌که در دسامبر ۹۷، حزب جبهه جدید به رهبری «ازاوا ایچیرو»[1] از هم پاشید، حزب دموکراتیک به صورت بزرگ‌ترین حزب مخالف درآمد و در آوریل ۱۹۹۸ با جذب بخشی از اعضای حزب جبهه جدید سابق، توسعه یافت.

شناسنامهٔ حزب

تعداد نمایندگان عضو مجلس نمایندگان: ۱۱۹ نفر

تعداد نمایندگان عضو مجلس مشاوران: ٦۰ نفر

میزان حمایت عامه: بین ٦ الی ۱۰ درصد

1. Ozawa Ichiro

گرایش سیاسی: لیبرال، طرفدار دولت کوچک، بی‌طرف راجع‌به اصلاح قانون اساسی ـ راست‌گرا ـ میانه متمایل به راست، میانه‌رو ـ میانه متمایل به چپ

موضع سیاسی: ۹۸ـ۱۹۹۶: بی‌طرف ۱۹۹۸ تاکنون: مخالف

رهبر رسمی: کان نائوتو (Kan Naoto)

رهبر انتزاعی: رهبریت دوگانه توسط «کان» و «هاتویاما»

سایر چهره‌های کلیدی: هاتا تسوتومو Hata Tsutomu (نخست‌وزیر سابق)

یوکومیچی تاکاهیرو Yokomichi Takahiro (رهبر جناح چپ)

حامیان اصلی: کارگران طبقه متوسط و نسل جوان مناطق شهری، اکثریت اتحادیه‌های تجاری، مردان بیشتر از زنان، حوزه‌های فرمانداری هوکایدو Hokkaido و ناگانو Nagano

رهبران حزب (۱۳ دسامبر ۲۰۰۲)

مشاور عالی: تسوتومو هاتا (Tsutomu Hata)

شورای اعضای کمیته

رهبر: نائوتو کان (Naoto Kan)

مشاوران: هاجیمه ایشی (Hajime Ishii)

آیسی ایتو (Eisei Ito)

تتسوندو ایواکانی (Tetsundo Iwakani)

یوریکو مادوکا (Yoriko Madoka)

تاکاهیرو یوکومیچی (Takahiro Yokomichi)

دبیرکل: کاتسویا اوکادا (Katsuya Okada)

قائم‌مقام دبیر کل: کنجی کیتاهاشی (Kenji Kitahashi)

رئیس کمیته پژوهشی سیاست‌گذاری: یوکیو ادانو (Yokio Edano)

رئیس کمیته امور دایت: یوشیهیکو نودا (Yoshihiko Noda)

رئیس کمیته مبارزات انتخاباتی: هیروتاکا آکاماتسو (Hirotaka Akamatso)

رئیس کمیته سازمان: تاتسوئو کاواباتا (Tatsua Kawabata)

رئیس کمیته سازماندهی ملی و تبلیغات انتخاباتی: تومیکو اوکازاکی (Tomiko Okazaki)

رئیس کمیه روابط عمومی: هیروفومی هیراتو (Hirofumi Hirano)

رئیس کمیته برابری جنسیتی: میوکو هیدا (Miyoko Hida)

اعضای کمیته‌ها

یوکیو هاتایاما (Yukio Hatayama)

گیچی تسونودا (Giichi Tsunoda)

کازویا تاماکی (Kazuya Tamaki)

ماسایوکی نائوشیما (Masayuki Naoshima)

رئیس مجمع عمومی DPJ در دایت: کانجو ساتو (Kanjo Sato)

رئیس فراکسیون در مجلس نمایندگان: کازویا تاماکی (Kazuya Tamaki)

رئیس فراکسیون در مجلس مشاوران: گیچی تسونودا (Giichi Tsunoda)

دبیرکل فراکسیون DPJ در مجلس مشاورن: ماسایوکی نائوشیما (Masayuki Naoshima)

رئیس کمیته امور دایت، مجلس مشاوران: آزوما کوشیشی (Azuma Koshishi)

رئیس کمیتهٔ پژوهشی سیاست‌گذاری، مجلس مشاوران: توشیهیرو آساهی (Toshihiro Asahi)

رئیس کمیسیون مدیریت انتخاباتی نمایندگان: چوجی اتیو (Chuji Ito)

حسابرسان: کیمیاکی ماتسوزاکی (Kimiaki Matsuzaki)

یوکیکو کاواهاشی (Yukiko Kawahashi)

رئیس شورای اخلاق سیاسی: ایچیرو هینو (Ichiro Hino)

شناسنامه رهبر حزب دموکراتیک ژاپن

سال تولد: ۱۰ اکتبر ۱۹٤٦ در حوزه فرمانداری یاماگوچی Yamaguchi

تحصیلات: فارغ‌التحصیل دانشکده علوم، انستیتو تکنولوژی توکیو، ۱۹۷۰

مشاغل:

۱۹۷۰: دفتر حقوقی اوجاما

۱۹۷۱: شرکت در امتحان دفتر حقوقی

۱۹۷٤: تأسیس دفتر حقوقی Kan

خط‌مشی سیاسی:

۱۹۷۷: رهبر حزب شهروندان اجتماعی متحد (United Social Citizen's Party)

۱۹۷۸: معاون رهبر حزب سوسیال دموکراتیک متحد USDP

۱۹۸۰: وکیل مجلس نمایندگان دایت (برای بار اول از حوزه نمایندگی توکیو)

۱۹۹۳: رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان

ژانویه ۱۹۹٤: به حزب جدید ساکی‌گاکه پیوست

مارس ۱۹۹٤: عضو کمیته رهبری

آوریل ۱۹۹٤: رئیس کمیته پژوهشی و سیاست‌گذاری

ژانویه ۱۹۹۵: عضو کمیته انضباطی رهبری مجلس نمایندگان

ژانویه ۱۹۹٦: وزیر بهداشت و رفاه (تا اکتبر ۱۹۹٦)

سپتامبر ۱۹۹٦: تشکیل حزب دموکراتیک ژاپن، انتخاب به‌عنوان مشارکت رهبری حزب

آوریل ۱۹۹۸: انتخاب به‌عنوان رهبر حزب دموکراتیک ژاپن

اکتبر ۱۹۹۹: رئیس کمیته پژوهشی سیاست‌گذاری

سپتامبر ۲۰۰۰: دبیر کل حزب

دسامبر ۲۰۰۲: رهبر حزب

مواضع حزب

دیدگاه حزب درباره وضع موجود

ژاپن امروزه دیگر پاسخگوی تحولات زمان نیست. بدان دلیل که حمایت از صنایع داخلی

تحت لوای بوروکراسی و ساختارهای مبتنی بر تبانی به نقطه پایان خود رسیده است. قبل از آنکه ژاپن پا به عرصه‌ای بگذارد که طی آن آمار متولدین کاهش یافته و سن جمعیت در اوایل قرن ۲۱ بالا رفته باشد، باید رژیم قدیمی را که در دنیای محدود تفکرات و منافع خود دست‌وپا می‌زند کنار گذاشته، مشکلات را حل کرده و جامعه‌ای نو، انعطاف‌پذیر و پویا به‌وجود آوریم که فردیت انسان‌ها را ارج بنهد.

موضع سیاسی

ما از کسانی‌که به‌دلایل ایجاد محدودیت‌های منافع گروهی خارج از دور مانده‌اند، حمایت می‌کنیم، کسانی‌که سخت کار می‌کنند و مالیات می‌پردازند و علی‌رغم شرایط سخت برای استقلال می‌کوشند. به عبارت دیگر ما نماینده شهروندان، مالیات‌دهندگان و مصرف‌کنندگان هستیم. ما به‌دنبال داروی همهٔ دردها در بازار آزاد یا رفاه کامل نمی‌گردیم. بلکه بر آنیم که راهی نو بسازیم بر محور دموکراسی به سوی جامعه‌ای که افراد خوداتکای آن در تلاش برای زندگی و کار برای رسیدن به یک هدف مشترک هستند و نقش دولت تنها محدود به ایجاد نظام‌های ضروری برای رسیدن به این هدف است.

اهداف ما

اول؛ باید جامعه‌ای بسازیم که با قوانین عادلانه، منصفانه و شفاف اداره شود.

دوم؛ در عین حالی‌که بازار آزاد باید در زندگی اقتصادی جامعه نفوذ کند، ما رو به سوی جامعه‌ای داریم که کار و زندگی دارای یک هدف مشترک است و امنیت، فرصت‌های عادلانه و برابر برای هر یک از افراد فراهم می‌کند.

سوم؛ باید قدرت متمرکز دولت را به شهروندان، بازار و دولت‌های محلی انتقال داده و یک جامعه غیرمتمرکز را با مشارکت طیف‌های گوناگون آحاد جامعه ایجاد کنیم.

چهارم؛ باید اصول بنیادین قانون اساسی، حاکمیت عامه، احترام برای حقوق بشر بنیادین و

صلح‌جویی را متبلور کنیم و در نهایت به‌عنوان عضوی از جامعه جهانی باید روابط بین‌الملل را بر اساس روحیه خوداتکایی برقرار کرده و اعتماد دنیا را به ژاپن جلب کنیم.

تحقق فلسفهٔ ما

باید نیروی سیاسی را که قادر به کسب قدرت باشد، گردآورده و خود را به‌عنوان یک گزینه برای انتخاب به مردم عرضه کنیم و دولتی را تأسیس کنیم که فلسفهٔ ما را تحقق بخشد.

لحظه‌شمار حزب

۸ ژانویه ۱۹۹۸	مینیورن Minyuren (Mirolu-Yuai-Teiya-Kokumin-Rengo) Minshu از ٦ حزب تشکیل شد؛ حزب دموکراتیک منشیوتو، حزب برادری نو، حزب صدای مردم، حزب خورشید، حزب اصلاحات دموکراتیک و حزب پنج
٦ فوریه ۱۹۹۸	شورای استراتژیک سیاسی به رهبری نخست‌وزیر سابق، «موریهیرو هوسوکاوا» تشکیل شد.
۲ مارس ۱۹۹۸	چهار حزب مینیورن از حزب دموکراتیک، حزب حاکمیت خوب، حزب برادری نو و حزب اصلاح دموکراتیک متحد تشکیل شده و حزب جدیدی را با نام حزب دموکراتیک ژاپن ایجاد کردند.
۱٦ مارس ۱۹۹۸	شورای اتحاد در جلسه نمایندگان ٤ حزب تشکیل شده و تصمیم گرفته شد، ۳ کمیته کاری تشکیل شود؛ «فلسفه و سیاست پایه»، «سازمان قوانین و امور مالی»، «اقدامات انتخاباتی» و «کمیته مشارکت زنان»
۸ آوریل ۱۹۹۸	اولین شورای اعضای حزب دموکراتیک برای آماده‌کردن زمینه‌های اتحاد تشکیل شد.
۱۳ آوریل ۱۹۹۸	۹۷ عضو مجلس نمایندگان تقاضای عضویت در این حزب و ٤۱ وکیل مجلس مشاوران تقاضای عضویت در جناح مستقلین حزب دموکراتیک را کردند.
۲۷ آوریل ۱۹۹۸	کنوانسیون اتحاد حزب دموکراتیک تشکیل شده و «نائوتو کان» را به‌عنوان رهبر و «تسوتومو هاتا» را به‌عنوان دبیر کل برگزیدند. بنا به قانون یارانه‌ای احزاب، ٤ حزب با یکدیگر متحد شدند. ۹۳ عضو مجلس نمایندگان و ٤۸ عضو مجلس مشاوران به عضویت حزب جدید درآمدند.

۱۸ ژانویه ۱۹۹۹	اولین کنوانسیون حزب تشکیل شده و «کان» به‌عنوان رهبر و هاتا به‌عنوان دبیر کل مجدداً انتخاب شدند.
۲۷ آوریل ۱۹۹۹	دومین سالگرد حزب، ۱۵۰ عضو دایت، ۹۵ عضو مجلس نمایندگان و ۵۵ عضو مجلس مشاوران
۲۷ آوریل ۲۰۰۰	سومین سالگرد حزب، ۱۷۹ عضو دایت، ۱۲۵ عضو مجلس نمایندگان و ٥٤ عضو مجلس مشاوران
۱۸ ژانویه ۲۰۰۳	پنجمین کنوانسیون عادی حزب برگزار شد و برنامه فعالیت در سال ۲۰۰۳ اتخاذ شد.

منبع: سایت رسمی حزب دموکراتیک ژاپن http://www.dpj.or.jp

۲ـ۲ـ۹ـ حزب سوسیال دموکراتیک

Social Democratic Party

شناسنامهٔ حزب:

نام ژاپنی: شاکای مینشوتانو ـ به اختصار شامیتو[1]

تعداد کرسی‌های دایت: مجلس نمایندگان ۱۹، مجلس مشاوران ۸

حمایت عامه: بین ۱ الی ۲ درصد

گرایش سیاسی: لیبرال و اصلاح‌طلب، طرفدار دولت بزرگ، مخالف اصلاح قانون اساسی، میانه‌رو، متمایل به چپ (چپ‌گرا)

موضع سیاسی: مخالف: ٤٧ـ١٩٤٥، ۱۹۹۳ـ١٩٤٨، تاکنون ـ ۱۹۹۸

حاکم: ١٩٤٨ـ١٩٤٧، ١٩٩٤ـ۱۹۹۳، ١٩٩٤ـ۱۹۹۸

خنثی: ١٩٩٤

رهبر رسمی: خانم دوی تاکاکو

رهبر انتزاعی: خانم دوی تاکاکو

1. Shakai Minshu to. (Shaminto)

حامیان اصلی: چپ‌گرایان جدی که با سیاست‌های واقع‌گرایانه حزب دموکراتیک مخالفند، اتحادیه‌های تجاری بخش‌های مشخصی از جنبش‌های مدنی خاصه زنان، مورد حمایت «اویتا» (حوزه نمایندگی موریاما تومیجی) و اوکیناوا.

تاریخچه

گرچه اولین حزب سوسیالیست ژاپن در سال ۱۹۰۶ تشکیل شد ولی خیلی زود از هم پاشید، تا سال ۱۹٤۵ که به‌عنوان مخالف عمدهٔ حزب حاکم بعد از جنگ دوباره شکل گرفت. این حزب تا فوریه ۱۹۹۱ نام حزب سوسیالیست ژاپن را بر خود داشت و از ژانویه ۱۹۹٦ به بعد به نام حزب سوسیال دموکراتیک نامیده شد.

این حزب در سال ۱۹۲۳ با نام «حزب سوسیالیست توده‌ها» با مشی پرولتاریایی‌مارکسیستی ایجاد شد و از ۱۹۲٦ به بعد قدرت گرفت و به تصاحب کرسی در پارلمان دست یافت. اما با سرکوب ۱۹٤۰ مانند بقیه احزاب منحل شد و از فعالیت افتاد. پس از جنگ جهانی دوم، حزب سوسیالیست در دوم نوامبر ۱۹٤۵ اولین حزب سیاسی ژاپن بود که تشکیل خود را اعلام و فعالیت مجدد را آغاز کرد. یک دولت ائتلافی به رهبری سوسیالیست‌ها، بین ماه مه ۱۹٤۷ و مارس ۱۹٤۸ قدرت را به دست داشت.

در اکتبر ۱۹۵۵ جناح‌های چپ و راست آن که در ۱۹۵۱ منشعب شده و به صورت مستقل فعالیت می‌کردند در هم ادغام شدند و حزب سوسیالیست در آن زمان با تأکید بر مارکسیسم لنینیسم و با هدف استقرار سوسیالیسم در ژاپن و استقلال کامل و بی‌طرفی این کشور پا به عرصه وجود گذارد. این حزب از آغاز تاکنون به‌دلیل وجود عناصر چپ و راست، اختلافات درون حزبی داشته و هنوز هم دارد. اختلافات مزبور از سویی و بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقای سطح زندگی مردم که موجب شد به‌تدریج شعارها و تبلیغات کمرنگ و کم اثرتر شود از سوی دیگر، وضعیت این حزب را غیرمستحکم ساخت و قدرت آن به مرور سیر نزولی پیمود. علاوه بر این با انشعابات بعدی دو حزب از اعضای ناراضی آن موجودیت جداگانه پیدا کردند. عمده‌ترین وجوه اختلاف حزب سوسیالیست با حزب حاکم در مورد وضعیت قرارداد

امنیتی ژاپن با آمریکا، روابط ژاپن با دو دولت کره شمالی و جنوبی، استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای و وضعیت نیروهای مسلح ژاپن بود.

حزب سوسیالیست خواستار لغو کامل و سریع قرارداد امنیتی با آمریکا و خروج نیروها و تعطیل پایگاه‌های نظامی این کشور در ژاپن است. این حزب با کره شمالی رابطه نزدیکی دارد، در حالی‌که دولت پیونگ‌یانگ حکومتی است که ژاپن با آن رابطه سیاسی ندارد. مخالف استفاده وسیع از انرژی هسته‌ای حتی به صورت مسالمت‌آمیز و به‌منظور تولید انرژی است و توجیه این امر را وضعیت ژاپن به‌عنوان تنها کشوری که تاکنون با سلاح هسته‌ای مورد حمله قرار گرفته، عنوان می‌کند و در نهایت با استناد به اصل ۹ قانون اساسی وجود نیروهای مسلح را غیرقانونی می‌داند.

البته حزب سوسیالیست در ژانویه ۱۹۸٦ در چرخشی عمده، تفکر و خط مارکسیست لنینیستی خود را که در اکتبر ۱۹۵۵ به‌عنوان ایدئولوژی حزبی پذیرفته و اعلام کرده بود و در دسامبر ۱۹٦٤ مورد تأکید مجدد قرار داده بود، نفی کرد و طی برنامه‌ای مدون اهدافی مشابه احزاب سوسیال دموکراتیک اروپایی اتخاذ کرد.[۸٦] این حزب در اعلامیه جدیدی بیان داشت که خط‌مشی سیاسی خود را مانند احزاب سوسیال دموکراتیک اروپای غربی تغییر داده و «حزب سوسیالیست جدید» را به ملت معرفی کرد. هنوز در درون حزب اختلافاتی در مورد پیمان امنیتی آمریکا ـ ژاپن و انرژی هسته‌ای وجود داشت اما به هر حال حزب سوسیال دموکراتیک (SDP) سیاست خارجی رسمی خود را بر مبنای بی‌طرفی غیرمسلحانه بنا نهاد.[۸۷]

حزب سوسیالیست در سال ۱۹۸۹ که به‌دلیل افشای بزرگ‌ترین جریان فساد مالی و ارتشا در تاریخ پس از جنگ ژاپن، نخست‌وزیر وقت و کابینه وی مجبور به استعفا شدند و این حزب امکان احتمالی تشکیل دولت ائتلافی با سایر احزاب مخالف را یافته بود، در چرخشی دیگر اعلام کرد، اقتصاد بازار آزاد را در صورت به‌قدرت رسیدن یک مرحله گذرا تلقی نخواهد کرد، بلکه آنرا مکانیسمی ماندنی می‌داند و علاوه بر آن، قرارداد امنیتی ژاپن با آمریکا را حفظ خواهد کرد. همچنین رهبر حزب سوسیالیست با سفیر آمریکا در توکیو ـ که دیدگاه وی به‌دلیل

روابط دولت متبوعش با ژاپن در هر امری مهم تلقی می‌شود ـ ملاقات کرد و با توجیه و تشریح نظرات خود سعی کرد ضمن متقاعد کردن وی، نظر موافقش را جلب کند.

به هر حال دشمنان LDP و محبوبیت رهبر آن خانم تاکاکو باعث شد، سوسیالیست‌ها در انتخابات سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ دایت پیروزی چشمگیری کسب کنند (خانم تاکاکو اولین زنی بود که در تاریخ ژاپن توانست به بالاترین مقام یک حزب سیاسی عمده دست یابد و بعدها اولین زن سخنگوی مجلس مشاوران شد).

در انتخابات مجلس مشاوران در جولای ۱۹۸۹، SDP ٤٦ کرسی یعنی ۱۰ کرسی بیشتر از LDP به‌دست آورد و به این ترتیب دارای ٦٦ کرسی در مجلس نمایندگان شد. در فوریه ۱۹۹۰ در انتخابات مجلس مشاوران، حزب ۵۳ کرسی از مجموع ۱۳٦ کرسی به‌دست آورد. در انتخابات ۱۹۹۲ مجلس نمایندگان SDP تنها ۲۲ کرسی به‌دست آورد که برای حفظ وضع موجود کافی بود و در مجموع ۷۱ کرسی به خود اختصاص داد. در انتخابات جولای ۱۹۹۳، مجلس مشاوران SDP فقط ۷۰ نامزد برنده داشت که تنها نیمی از کرسی‌های پیش از انتخابات را به خود اختصاص دادند.

با این وجود SDP بالاترین حزب در دولت ائتلافی بود و LDP را بیرون راند و تعدادی از وزرای عضو کابینه متعلق به این حزب بودند. هنگامی‌که در آوریل ۱۹۹٤، کابینه جدید تشکیل شد، اختلافات سیاست‌گذاری با سایر احزاب ائتلافی در مورد نظام مالیاتی، روابط خارجی و سایر موارد باعث خروج SDP از ائتلاف و بازگشت به جمع مخالفان شد. اما در ژوئن ۹٤ ائتلاف جدید از SDP، LDP و ساگی‌گاکه تشکیل شد و رهبر SDP، «مورایاما» اولین نخست‌وزیر سوسیالیست ژاپن بعد از ٤۷ سال شد.[۸۸] البته این حزب بعد از تشکیل حزب جبهه جدید در ۱۹۹٤، دیگر از صورت دومین حزب بزرگ کشور درآمد و نقش سیاسی آن عملاً بعد از آنکه اکثریت اعضایش حزب دموکراتیک را در سال ۱۹۹٦ تشکیل دادند، از بین رفت.[۸۹]

در سپتامبر ۱۹۹٤، SDP خط‌مشی اساسی خود را تغییر داد و سیاست‌های جدیدی مبنی بر

پذیرش مشروعیت نیروهای دفاع از خود، حمایت از پیمان امنیتی آمریکا ـ ژاپن و تأیید تسهیلات هسته‌ای در حال کار اتخاذ کرد. در جولای ۱۹۹۸ در انتخابات مجلس نمایندگان SDP تنها ۱٦ کرسی و در مجموع ۳۸ کرسی را به خود اختصاص داد.

به هر حال این حزب اکنون با بحران موجودیت روبه‌روست. در سال ۲۰۰۲ نظام فاسد و ناکارآمد حاکمهٔ داخل حزب و گرایش آن به کره شمالی در گذشته، مورد انتقاد شدید قرار گرفت.

۳ـ۲ـ۹ـ حزب کومه جدید

New Komeito Party

کومه (حزب دولت پاک) در ۱۷ نوامبر ۱۹٦٤ تأسیس شد و بازوی سیاسی یک گروه مذهبی بودایی به نام «سوکاگاکی»، سازمانی وابسته به فرقه نیچیدن شوشو بودایی است. علی‌رغم وابستگی مذهبی حزب کومه از زمان تأسیس، استقلال خود را از مذهب اعلام داشته و مطابق اساسنامه حزبی اصلاح‌طلب و میانه‌رو است که هدف اصلی آن برقراری یک جامعه مرفه بر اساس مفهوم تازه‌ای از سوسیالیسم بشردوستانه و استقرار پایه‌های استوار دموکراسی است. این حزب از نقطه‌نظر سیاست خارجی طرفدار سیاست عدم‌تعهد و بی‌طرفی است.[۹۰] حزب کومه سابق به‌عنوان جانشین لیگ سیاسی کومه (که در نوامبر ۱۹٦۱ تأسیس شده بود) تشکیل شد. این حزب به‌هنگام افتتاح تعداد ١٤ کرسی در مجلس مشاوران و حدود ۱۲۰۰ کرسی در مجامع محلی شامل مجمع شهر بزرگ توکیو داشت.

شناسنامه حزب

مجلس نمایندگان: ۳۱ نفر
نمایندگان مجامع محلی: ۳٤۰۷
مجلس مشاوران: ۳۱ نفر
تعداد اعضای حزب: ۳۵۰,۰۰۰
میزان حمایت عامه: حدود ۳ درصد
شمارگان روزنامه ارگان حزب به‌نام کومه شیمبون: ۸۰۰,۰۰۰ نسخه

گرایش سیاسی: مذهبی و میانه‌رو، طرفدار دولت بزرگ، بی‌طرف نسبت به اصلاح قانون اساسی

موضع سیاسی: ۱۹۹۳-۱۹٦٤: مخالف ۹٤-۱۹۹۳: حاکم، ۱۹۹۹ ـ تاکنون: حاکم

رهبر رسمی: کانزاکی تاکه‌نوری (Kanzaki Takenori)

رهبر انتزاعی: ایکدا دایساکو (Ikeda Daisaku)

حامیان اصلی: پیروان سوکاگاکی ـ طبقه متوسط پایین در مناطق شهری، فرمانداری اوزاکا، تعداد زنان طرفدار کمی بیشتر از مردان ـ رقابت با حزب کمونیست.[۹۱]

تاریخچه حزب

موضع و آرمان کومه، نیل به سوسیالیسم انسانی، سیاست خارجی مستقل و مسالمت‌آمیز، حفظ و مراعات قانون اساسی و دموکراسی پارلمانی است. با وجودی که کومه در طول موجودیت خود از نظر تعداد کرسی‌های پارلمانی که در اختیار داشته، سومین حزب عمدهٔ ژاپن بوده اما سهم این حزب در انتخابات حتی در بالاترین حد خود (در سال ۱۹۸٦) هیچ‌گاه از ۱۱ درصد کل آرا فراتر نرفته است. این حزب در سال ۱۹۹۰ در کنوانسیون سالانه آمادگی خود را برای همکاری با حزب حاکم (به‌صورت مشروط) اعلام کرد.[۹۲]

این حزب در اثر شهرنشینی رو به گسترش، قدرت بزرگی طی دهه‌های ۵۰ و ٦۰ میلادی در عرصه سیاسی ژاپن به‌شمار می‌رفت. اکثریت روشنفکران با سوسیالیست‌ها همفکری کرده و در فرمانداری‌هایی چون هوکایدو و ناگانو پرقدرت بودند.

اولین رهبران حزب، «هاراجیما کوجی»[۱] و «تسوجی تاکه‌هیسا»[۲] بودند. «تاکیری یوشیکاتسو»[۳] سومین رهبر حزب در فوریه ۱۹٦۷ بود. او و دبیر کل حزب، «یانوجا نایا»[٤] بیش از ۱٤ سال حزب را رهبری کردند.

1. Harajima Koji
2. Tsuji Takehisa
3. Takeiri Yoshikatsu
4. Yano Jun'ya

کومه شدیداً متأثر از سوکاگاکی بود، همان‌گونه که در واقعهٔ «آزادی نشریات» و «سابقه ۱۰ ساله» سوکاگاکی و افتضاحاتی که رهبران سوکاگاکی به بار آوردند، این تأثیر مشهود است. یکی از این افتضاحات، این بود که کومه با هدف قرار گرفتن در هستهٔ دولت ائتلافی احزاب میانه‌رو و پیشرو، دنباله‌رو DSP و JSP شد. از زمان تأسیس و علی‌رغم فراز و نشیب‌ها، کومه سومین حزب بزرگ در هر دو مجلس بوده است. سوکاگاکی به رهبری دومین رهبر خود، «تودا جوزی»[1] بود اولین رهبر، ماکیگوچی تسونه سابورو (Makiguchi Tsunesaburo) بود که با واردکردن نامزدهای خود در آوریل ۱۹۵۵، خود را به دنیای سیاست معرفی کرد و باعث اتحاد در انتخابات محلی و انتخابات جولای ۱۹۵۶ مجلس مشاوران شد.

سپس نامزدهای زیادی را در انتخابات متحد در آوریل ۱۹۵۹ و انتخابات مجلس نمایندگان در ژوئن همان سال وارد عرصه کرد. تمامی ٦ نامزد نمایندگی مجلس نمایندگان که مورد حمایت سوکاگاکی بودند، انتخاب شدند. سرخوش از این پیروزی، سومین رهبر حزب به نام «ایکدا دایساکو»، سازمانی سیاسی را به نام لیگ سیاسی کومه (Komei Political League) در نوامبر ۱۹٦۱ تأسیس کرد. هر هفت نفر نامزد لیگ در انتخابات مجلس مشاوران جولای ۱۹٦۲ برگزیده شدند. سوکاگاکی تصمیم گرفت لیگ را مجدداً سازماندهی کرده و آنرا به صورت یک حزب سیاسی درآورد تا وارد مجلس نمایندگان شود و با این هدف کومه در نوامبر ۱۹٦٤ شکل گرفت. در آن زمان حزب با ۱۳ وکیل مجلس نمایندگان و ۱,۵۰۰ عضو مجمع محلی از سوی ۵/۳ میلیون نفر در سراسر کشور حمایت می‌شد. در انتخابات عمومی ژانویه ۱۹٦۷ کومه تعداد ۳۵ کرسی در مجلس نمایندگان به‌دست آورد.

در آن زمان کومه یک حزب سیاسی مذهبی بود که مرامنامه‌اش با هدف تحقق دموکراسی جهانی بر اساس پیوند سیاست و مذهب ملی (بودائیسم) تعیین شده بود. اما با واقعه «آزادی نشریات» که در اواخر ۱۹٦۹ برملا شد و طی آن کومه سعی کرده بود از انتشار کتاب «تبری از

1. Toda Josei

سوکاگاکی» توسط مفسر سیاسی «فوجی وارا هیروتاتسو» جلوگیری کند، حزب کمونیست ژاپن و سایرین این حزب را متهم به نقض قانون اساسی در زمینهٔ آزادی بیان و مطبوعات کردند. هویت حزب که با سوکاگاکی پیوند خورده بود و بر پایه اتحاد مذهبی و سیاست بود، مورد سرزنش واقع شد و کومه تصمیم گرفت در سیاست خود بازنگری کرده و مذهب را از سیاست جدا کند. مرامنامهٔ حزب که در کنوانسیون ژاپن ۱۹۷۰ اعلام شد، کومه را یک حزب سیاسی بر پایه اصلاح‌گرایی میانه که هدفش ارتقای رفاه آحاد مردم در این جامعه است، بیان کرد. در مرامنامه به «جامعه‌گرایی بشردوستانه» دیپلماسی مستقل مبتنی بر صلح، دفاع از قانون اساسی و حقوق بشر بنیادین و دموکراسی پارلمانی، اشاره شده بود. اما سیاست جدایی سیاست از دین؛ سریعاً بر نتایج انتخاباتی حزب تأثیر گذاشت.

در انتخابات ژوئن ۱۹۷۱ مجلس مشاوران، تعداد آرای کومه کاهش یافت و در انتخابات عمومی دسامبر ۱۹۷۲ هم آرا و هم تعداد کرسی‌ها کاهش پیدا کرد. این امر کادر رهبری کومه را لرزاند و حزب سیاست چپ‌گرایانه‌ای را اتخاذ کرده و خواستار لغو بلافاصله پیمان امنیتی آمریکا ـ ژاپن به جای لغو سریع آن شد. حتی آمادگی خود را برای همکاری با کمونیست‌ها در دایت اعلام کرد. در کنوانسیون سپتامبر ۱۹۷۳، حزب برنامه‌ای را برای ایجاد یک دولت ائتلافی میانه‌رو و بر ضد LDP، ضد واکنش‌گرایی و ضد نیروهای سرمایه‌داری بزرگ اعلام کرد. اما آتش‌بس کومه با حزب کمونیست ژاپن (JCP) چندان دوام نیافت. کومه همیشه رقیب JCP بوده و هیچ‌گاه به آن اعتماد نداشته و به‌زودی پس از اتخاذ سیاست چپ‌گرایانه، کومه حزب کمونیست را به چالش طلبیده و خواستار روشن شدن موضع آنان در مورد سه اصل تضمین‌شده در قانون اساسی شد؛ صلح‌گرایی مطلق، دفاع از حقوق بشر بنیادین و دموکراسی پارلمانی.

سپس در ماه مه ۱۹۷۵ مشخص شد که سوکاگاکی و JCP به‌طور محرمانه پیمانی ۱۰ ساله را بر سر توافق دیدگاه‌ها امضا کرده‌اند. با امضای این معاهده JCP به‌دنبال برقراری روابط دوستانه با کومه بود ولی این کار تأثیری مخالف گذاشت. کومه این امر را به‌عنوان امری مبتنی

بر مرگ یا زندگی برای حزب تلقی کرد. این معاهده ۱۰ ساله باعث شد، موضع ضدکمونیستی کومه بیشتر آشکار شود. در کنوانسیون ماه اکتبر ۱۹۷۵ حزب دوباره موضعی راست‌گرایانه اتخاذ کرد و موضع خود را نسبت به قرارداد امنیتی آمریکا ـ ژاپن از لغو بلافاصله به «لغو با توافق دوطرف بر اساس مذاکرات دیپلماتیک» تغییر داد. با توجه به دولت ائتلافی پیشنهادی، حزب تأیید کرد که سیاستی مبتنی بر میانه‌روی به‌عنوان پایه یک ائتلاف پیشرو میانه بدون JCP اتخاذ نماید. همچنین سیاست خود را در تشکیل یک دولت ائتلافی بر محور مشارکت با حزب سوسیالیست ژاپن و حزب سوسیال دموکرات بنا نهاد.

خلاصه‌ای از خط‌مشی اساسی حزب

(٤ نوامبر ۲۰۰۰)

مقدمه: ایده‌آل‌ها و اهداف سیاست بشردوستانه

۱. سیاست در بی‌نظمی در دنیای مدام در حال تغییر

۲. سیاست ناتوان از برآوردن نیازهای فردی

۳. نیاز به درآمیختن بشردوستی با سیاست

٤. اهداف سیاست بشردوستانه

۵.سیاست مشارکتی برای فرمولاسیون سیاست‌گذاری.

فصل یک

بیرون‌آمدن از بحران اقتصادی و حفظ رشد پایدار

۱. چهار هدف سیاست‌گذاری اقتصادی

۲. اقدامات اضطراری برای از میدان به در کردن بحران اقتصاد

۳. اصلاح ساختارهای اقتصادی در جهت تضمین رشد پایدار میان‌مدت و بلندمدت

٤. سیاست صنعتی جدید برای احیای اقتصاد ژاپن

۵. ارتقای کشاورزی، جنگلداری و شیلات دوست با محیط زیست

فصل دوم

ایجاد نظام‌های اداری مالی برای جامعهٔ با درصد تولد پایین

۱. مدیریت مالی صحیح در جامعه به‌منظور احیای نرخ تولد

۲. به‌کار بستن اصلاحات اداری و برقراری «خودمختاری محلی»

۳. اصلاحات سیاسی به‌منظور پاسخگویی بیشتر دایت در برابر افکار عمومی.

فصل سوم

ایجاد نظام امنیتی اجتماعی نوین قرن ۲۱

۱. ایجاد یک شبکه ایمنی سه‌لایه که کمک به خود، جامعه و دولت را وحدت بخشد

۲. ایجاد جامعه‌ای که آموزش و رفاه کودکان برای هر شهروندی در وهلهٔ اول اهمیت قرار داشته باشد

۳. ایجاد جامعه‌ای برابر و مشترک برای زنان و مردان

۴. ایجاد نظام پرداخت مستمری و بازنشستگی ملی قابل اعتمادتر

۵. ایجاد نظام تأمین‌درمانی که برای همگان خدمات ارائه دهد

۶. گوناگونی خدمات رفاهی که پاسخگوی نیازهای فردی باشد

فصل چهارم

۱. ایجاد مدارسی که متناسب با جامعهٔ با نرخ تولد پایین باشد

۲. آموزش برای تربیت شهروندانی با دید جهانی

۳. آموزش برای پرورش علم و فناوری.

فصل پنجم

تبدیل شدن به ملتی با سابقهٔ بشردوستی

۱. ارتقای آموزش بشردوستانه

۲. تضمین آزادی معنوی

۳. تضمین حقوق مدنی ابتدایی

۴. ارتقای دیپلماسی بشردوستانه

فصل ششم

ایجاد جامعه‌ای که قادر به حفظ منابع موجود در زمین باشد و بین بشر و طبیعت همزیستی ایجاد کند.

۱. ایجاد جامعه‌ای بر مبنای چرخهٔ دوباره منابع طبیعی

۲. توسعه منابع انرژی پاک و ایجاد جوامع دوست محیط زیست

۳. اقدامات قوی‌تر برای به حداقل رساندن آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از مواد سمی شیمیایی مانند؛ دی‌اکسین‌ها و آلاینده‌های هورمونی زیست‌محیطی

٤. حفظ محیط زیستی پاک و تقویت همکاری‌های بین‌المللی.

فصل هفتم

ایجاد جامعه‌ای امن، مرفه و محیطی راحت برای زندگی

۱. ایجاد جامعه‌ای بر مبنای اولویت‌های امنیتی، ایمنی و رفاهی

۲. تحقق محیط زندگی آرام

۳. بازتوسعه شهری و ایجاد جوامع قابل زندگی

فصل هشتم

ایجاد سیاست خارجی صلح‌آمیز با استفاده از قدرت ملایم

۱. محو تسلیحات هسته‌ای و پیشبرد خلع سلاح

۲. پیشبرد دیپلماسی از طریق سازمان ملل

۳. پیشبرد دیپلماسی مستقل برای ایجاد و حفظ یک محیط زیست بین‌المللی صلح‌آمیز

٤. تأکید بیشتر بر همکاری‌های بین‌المللی

فصل نهم

ارتقای امنیت ژاپن و کمک به صلح جهانی

۱. پیمان امنیتی ژاپن ـ آمریکا و مشکلات آن

۲. ایجاد قانون امنیت ملی اساسی

۳. حفظ قانونی اساسی مخالف جنگ و پیشبرد کاهش تسلیحات

٤. توسعهٔ برنامهٔ دفاعی سرزمینی بر اساس شرایط جدید بین‌المللی و ایجاد یک نظام مدیریت بحران کارآمد

۵. مشارکت فعال در عملیات حفظ صلح سازمان ملل

با توازن قدرتی که در دایت بین LDP و ائتلاف مخالف به‌وجود آمد، برنامهٔ کومه برای به دستگیری ارگان حکومت واقعیت یافت. در کنوانسیون ژانویه ۱۹۷۸ حزب در تلاشی برای کسب اکثریت، تغییری دیگر در سیاست خود در جهت حفظ پیمان امنیتی آمریکا ـ ژاپن به‌وجود آورد. با استفاده از فرصت توافق خود با JSP بر سر مشارکت بین حزبی در انتخابات ۱۹۷۷ مجلس نمایندگان، کومه از حمایت JSP در مورد خط‌مشی جدید خود برخوردار شد. نتیجه این تلاش، برنامه دولت ائتلافی کومه، حزب سوسیال دموکرات بود که در دسامبر ۱۹۷۹ انجام شد و برنامه دولت ائتلافی کومه و JSP برای ژانویه ۱۹۸۰ در پیش‌بینی «دوره ائتلاف» پیش‌رو، حزب در کنوانسیون دسامبر ۱۹۸۰ خود دستورالعمل‌های جدیدی را برای رژیم ائتلافی دهۀ ۸۰ با لحاظ سیاست‌های میانه‌روانه‌ای چون حفظ پیمان امنیتی اتخاذ کرد.[۹۳] جنگ دست در دست مردم به‌عنوان حزبی که برای مردم عادی است و ریشه مردمی دارد. این حزب سریعاً به خواست‌های مردمی از طریق دفاتر راهنمایی منطقه‌ای خود پاسخ داد. حزب قویاً مقابل انتقاداتی که از سوی سایر احزاب می‌شد مبنی بر اینکه فقط آماتور و غیرحرفه‌ای به مسئله رفاه می‌پردازند و «رفاه در سیاست‌گذاری نقشی ندارد» ایستاد. در زمانی‌که تحت رژیم ۱۹۵۵ دو حزب LDP و سوسیال دموکرات ژاپن به مقابله با یکدیگر می‌پرداختند، حزب کومه سابق رهیافت سیاسی جدیدی را بر مبنای اجتماع و مردم بنا نهاد تا رویارویی و ایدئولوژی. قطعنامه صادره دایت در مورد تسلیحات غیرهسته‌ای و کاهش پایگاه‌های نظامی آمریکا در اوکیناوا حاصل این رهیافت بود. با استفاده از درس‌هایی که ژاپن از بحران خلیج و جنگ خلیج‌فارس گرفته بود، حزب علیه استفاده از زور و پنج اصل حیاتی PKO در لایحه مشارکت

PKO که از سوی دایت در ژوئن ۹۲ صادر شد، پافشاری کرد. ژاپن و چین بیانیه تاریخی مشترک خود را صادر کرده و روابط سیاسی خود را در سپتامبر ۱۹۷۲ از سرگرفتند. این نزدیکی دوباره به‌عنوان نقطه عطفی در ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم بود. حزب کومهٔ سابق، نقشی حیاتی به‌عنوان «پل» بین دو دولت ایفا کرد.

کمک به نیروهای مخالف برای پایان دادن به کنترل بلامنازع LDP بر دولت

حزب کومه سابق تلاش‌های پیگیری را برای پایان‌بخشیدن به انحصار طولانی LDP بر دولت مرکزی انجام داد. احزاب مخالف به پیروزی چشمگیری در انتخابات عمومی جولای ۱۹۹۳ دست یافتند. LDP نتوانست اکثریت کرسی‌های مجلس نمایندگان را کسب کند. حزب کومه سابق با حزب سوسیال دموکراتیک ژاپن، حزب احیای ژاپن، حزب جدید ژاپن، حزب دموکراتیک سوسیالیست ژاپن، حزب ساگی‌گاکه جدید، حزب سوسیال دموکراتیک متحد و حزب اصلاح دموکراتیک ائتلاف کرده و به استیلای ۳۸ ساله LDP پایان دادند. چهار نفر از اعضای کومه سابق شامل رئیس «کوشیرو ایشیدا» به‌عنوان وزرای کابینه دولت ائتلافی به رهبری موریهیرو هوسوکاوا برگزیده شدند. حزب کومه سابق دست به اصلاحات سیاسی زد، روندی که برای ٦ سال به تعویق افتاده بود و اصلاحات را در بسیاری حوزه‌های سیاسی به‌عنوان بخشی از دولت ۱۱ ماهه هوسوکاوا و بعد از آن تسوتومو هاتا، ادامه داد.

تولد کومه جدید و تشکیل حزب جبهه نو (برگرفته شده از پایگاه اینترنتی حزب کومه نو)

در ۱۰ دسامبر ۹٤، حزب جبهه نو به‌منظور برآوردن انتظارات عمومی و بر اساس تز «اصلاحات» به صحنه سیاسی بازگشت. حزب جدید، اصلاحات آشتی‌ناپذیر و تحقق سیاست مسئولانه را به‌عنوان ایده‌آل‌های خود برگزید. حزب کومه قدیم آخرین کنوانسیون ملی خود را در ٥ دسامبر ۱۹۹٤ برگزار کرد و تصمیم گرفت به تاریخ ۳۰ ساله خود پایان دهد. اعضای سابق کومیتو، «حزب کومه» و حزب کومه نو را در یک روز افتتاح کردند. حزب قدیم اکثراً از

مردم و اعضای مجامع محلی تشکیل شده بود ولی برخی اعضای مجلس نمایندگان نیز در آن عضو بودند. این حزب اغلب از اعضای دایت تشکیل شده بود. حزب کومه نو، حزب جبهه را به‌طور مشترک با حزب احیای ژاپن و حزب سوسیال دموکرات ژاپن تشکیل داد. در عین حال کومه روابط دوستانه خود را با حزب جبهه نو بر اساس احترام متقابل و استقلال دوطرف حفظ کرد.

تولد حزب کومه نو

بسیاری از اعضای سابق کومیتو، به دو طریق با انحلال حزب جبهه نو روبه‌رو شدند. ۱۸ وکیل مجلس نمایندگان «باشگاه ریمی»[1] را به شرط اینکه در نهایت به کومه ملحق شوند، تأسیس کردند. در عین حال، اکثریت اعضای مجلس مشاوران که در اثر انحلال حزب جبهه نو، وابستگی حزبی نداشتند، حزب صلح نو را تأسیس کردند. باشگاه ریمی سه هفته بعد با کومه ادغام شد. کومه حضور خود را در صحنه سیاسی ملی و محلی نشان داده بود. اعضای مجلس نمایندگان و مجامع محلی به‌منظور توسعه کومه، به اشتراک مساعی پرداختند. در عین حال «حزب صلح نو» و «حزب شبکه اصلاحگران» ائتلافی را که محدود به مجلس مشاوران بود با نام «اصلاحات و صلح» تشکیل دادند. این ائتلاف ابتکار عمل را در مسائل کلیدی چون پیش‌نویس بودجه و امور مالی به‌عنوان سومین نیروی عمده در مجلس مشاوران به‌دست گرفت.

کومه و حزب صلح نو به همکاری نزدیک با یکدیگر ادامه دادند چون هر دو وارث روحیه و سنت‌های کومیتو بودند. به بیان دیگر کومه و حزب صلح نو به‌عنوان «احزاب مردمی» فعالیت می‌کردند. در هجدهمین انتخابات مجلس مشاوران که در ماه جولای برگزار شد، دو حزب به‌طور مشترک در ٤ ناحیه انتخاباتی تمامی کرسی‌ها را از آنِ خود کردند. همچنین آنها در حوزه‌های نمایندگی سهمیه‌ای نیز شرکت کرده و تعداد ۷,۷۵۰,۰۰۰ رأی کسب کردند که

1. Reimei Club

برای فرستادن ۷ نماینده به مجلس مشاوران کافی بود. به‌علاوه کومه و حزب صلح نـو، دسـت به دست هم به چالش دایت پرداختند. دو حزب با یکدیگر بر سر تحقق بخشودگی‌های مالیاتی به‌صورت گواهی‌های هدیه‌ای به ارزش ۷۰۰ میلیون ین برای بچه‌های زیر ۱۵ سال و معلـولان بالای ٦۵ سال که درآمد کمی داشتند به اشتراک مساعی پرداختند.

حزب سوسیال دموکراتیک قبل از انتخابات مجلس نمایندگان از ائتلاف کنـار رفـت. LDP در انتخابات شکست خورد. در این فضای جدید اعضـای هـر دو حـزب آرای سرنوشـت‌سـاز خود را در مجلس نمایندگان به صندوق ریختند. بعد از بحث و بررسی، کومه و حـزب صـلح نو تصمیم گرفتند ادغام شوند و نام «کومه نو» را برگزیدند.

گوشه‌هایی از پیام رهبر حزب در تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۰۲

حزب ما پیشنهاد شرکت در دولت ائتلافی محافظه‌کـار را در سـال ۱۹۹۹ پـذیرفت. حـزب کومه نو این پیشنهاد را به سه دلیل پذیرفت:

اول: شکست فاحش LDP در انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۱۹۹۸ پیام آشـکاری را مبنی بر نیاز به تشکیل دولت ائتلافی فرستاد.

دوم: در جلسات پارلمانی آشکار شد که احزاب مخـالف بـه‌شـدت درگیـر حـل اخـتلاف سیاست‌های خود هستند و ملت در برهه‌ای مهم به بن‌بست برخورده بود.

سوم: کومه نو بر آن باوراست که مشکلات رویاروی ژاپن، اقتصـاد در حـال خردشـدن و نظـام آموزشی از هم‌گسیخته بسیار مهم‌تر از آن هستند که وقت خود را با سیاست‌های حزبی تلف کنیم.

این ائتلاف و مشارکت به همان میزان ۳ سال پیش مثمرثمر و فعال است. با لوایحی کـه بـه مجلس ارائه شد در مورد نجات نهادهای بانکی و بازگرداند اعتماد به بخش مالی ژاپن، روند و اولویتی که تا به امروز بر جای مانده است. فهرست طولانی ابتکارات حزب کومۀ جدید شامل؛ پیشبرد آموزش، صلح، رفاه اجتماعی، فرهنگ و هنـر و حفـظ محـیط زیسـت دارای سـابقه‌ای مردمی است.

کابینه‌های محافظه‌کاری که به‌طور سنتی به چنین حوزه‌های سیاسی نپرداخته بودند و خواست‌های مردمی را برای مبارزه با فساد که صحنه سیاسی ژاپن را برای سال‌ها آلوده کرده بود، نادیده گرفته بودند، گرچه امروز شرکت‌ها به‌طور قانونی از اعطای هر نوع کمک به سیاستمداران به‌طور منفرد، منع شده‌اند و مقامات دولتی در صورت سوءاستفاده از قدرت خود برای کسب مستقیم یا غیرمستقیم منافع شخصی محاکمه می‌شوند، اینها همه در اثر ابتکارات حزب کومه است. به هر تقدیر ژاپن در حال تغییر است گرچه کند و بطئی و کومه جدید نقش کلیدی خود را در این اصلاحات ایفا خواهد کرد. در عین حال حزب ما فعالانه در حال رویارویی با چالش‌های جدیدی است که بعد از ۱۱ سپتامبر ایجاد شد و درصدد حل مناقشات جهانی از طریق گفتمان و کمک‌های بشردوستانه است تا با استفاده از سلاح. آیندهٔ واقعاً پایدار، در کنار پیشبرد و امنیت بشری و جامعهٔ مدنی باید در صدر اولویت‌ها باشند.

حزب در تاریخ ٤ نوامبر ۲۰۰۰ بیانیه جدیدی ارائه داد که با ورود به قرن جدید، دورهٔ جدیدی از سیاست مردم‌محوری حزب آغاز شد. در بخش‌هایی از این اعلامیه آمده است:

«در قرن پیش‌رو (۲۱) ژاپن و دنیا در نقطهٔ عطف جدیدی قرار دارند. در حالی‌که جنگ سرد به پایان رسیده ولی تهدیدهای جنگ هسته‌ای، تولید سلاح‌های اتمی و مناقشات منطقه‌ای در حال افزایش است. مشکلات جهانی از قبیل؛ گرسنگی، فقر، پناهندگان، تروریسم، آلودگی و تخریب محیط زیست و ناپایداری اقتصاد جهانی ادامه دارد.

ژاپن مستثنی نیست. تنزل فاحش ساختاری طولانی که بعد از فروپاشی اقتصاد حباب‌گونه، حادث شد، بدتر شده و با شرایطی که ژاپن دارد بیم انقباض یکباره اقتصاد می‌رود. تمامی اینها در کنار نرخ پایین تولد و جمعیت مسن باعث شده مردم نسبت به آینده کمتر امیدوار باشند.

تمامی اینها حاصل سیاست‌هایی است که نسبت به بشریت بی‌مسئولیت بوده‌اند، باید به چنین سیاست‌های فاقد ایده‌آل و فلسفه پایان دهیم.

ایده‌آل‌های سیاست مردم‌محور

قرن جدید نیازمند سیاست‌های جدید است و این سیاست‌ها باید مردم‌محور و بر مبنای بشردوستی باشند و با زندگی ابنای بشر با احترام و ملاحظه رفتار کنند. سیاستی که ایده‌آل‌های خودشناسی و همزیستی را در جامعه‌ای مشترک از زنان و مردان به پیش می‌برد.

دولت ما کوچک ولی کارآمد خواهد بود دولتی که ترکیبی است همگن از کمک به خود، جامعه و دولت و بهترین استفاده را از نظام بازار آزاد می‌برد و این در حالی است که بیماری‌هایی را که بازار آزاد می‌تواند ایجاد کند، به حداقل می‌رساند.

دولت ما دولتی است که دیدگاه‌های متحجرانه را پس زده و دارای ویژگی‌های توسعه‌ای است، برخلاف دولت‌های متعارف قبلی که دارای نظام اداری متمرکز و رهبریت بوروکراتیک بودند. در عوض به نظامی خلاق، مبدع و جدید از خودمختاری محلی به رهبری بخش خصوصی متکی خواهیم بود. با آگاهی کامل از نقش خود به‌عنوان شهروندان جامعه جهانی از منافع ملی عبور کرده و به تعقیب منافع جهانی، حسن نوع بشر و جهانی عاری از تسلیحات هسته‌ای می‌پردازیم.

نقطه عطف جدید سیاست مردم‌محور

ما خواهان آنیم که نقطه عطف جدید برای سیاست مردم‌محوری باشیم که برای قرن ۲۱ معرفی کرده‌ایم. سیاستی که پایه‌های سیاست‌های ژاپن را بازسازی کرده و ملتی جدید سرشار از امید و اطمینان خلق کند.

در قرن حاضر، ارزش‌های متنوع، نظام‌هایی که بر اساس دموکراسی و اصل حاکمیت اکثریت هستند، دیگر کافی نیستند بلکه رهیافتی جدید مورد نیاز است. ما این رهیافت را نظام «وحدت در عین کثرت» می‌نامیم که نیازمند اجماعی ملی بر سر مشکلات اساسی است.

تصور احزاب و سیاستمداران در قرن جدید

اغراق نیست اگر بگوییم کیفیت سیاست‌های ژاپن سرنوشت این کشور و ملت را در قرن ۲۱ رقم می‌زند. برای شکستن قالب سیاست‌های قدیمی و خلق سیاست‌های جدید، اصلاحات باید از سیاستمداران آغاز شود. خصوصیاتی که یک سیاستمدار در قرن جدید باید داشته باشد، شامل؛ آینده‌نگری، توانایی سیاست‌گذاری، قدرت اجرای مهارت‌های ارتباطی و استانداردهای اخلاقی بالا است.

ما عمیقاً از تعهدات خود در برابر مستمندان واقفیم و راه‌های انجام کارها را برخلاف راه‌های فاسد قبلی بر اساس سیاست‌های منصفانه، عادلانه و پاک‌بنیان می‌گذاریم.

شعار ما این است: «ما با توده‌ها ارتباط داریم، در کنار آنها می‌جنگیم و با آنها می‌میریم».

نهادهای حزب[۹٤]

کمیته دبیرخانه مرکزی

کمیته انضباطی مرکزی

کمیته حسابرسی مرکزی

مشاور ثابت

معاونان و قائم‌مقام دبیرکل

شورای پژوهشی سیاست‌گذاری

کمیتهٔ سیاست‌گذاری دایت

شورای ملی افراد مجامع محلی

دفتر برنامه‌ریزی منسجم

کمیته سازمانی

کمیته هماهنگی عمومی

کمیته روزنامه حزب

کمیته فعالیت‌های مدنی

کمیته ارتباط سازمانی

کمیته روابط عمومی

کمیته روابط بین‌الملل

کمیته امور مالی

کمیته زنان

٤ـ۲ـ۹ـ حزب لیبرال

Liberal Party

شناسنامه

تعداد نمایندگان مجلس نمایندگان: ۲۲ نفر

تعداد نمایندگان مجلس مشاوران: ۸ نفر

میزان حمایت عامه: بین ۱ الی ۳ درصد

گرایش سیاسی: محافظه‌کار، طرفدار دولت کوچک، طرفدار اصلاحات قانون اساسی، راستگرا

موضع سیاسی: ۹۹ـ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ ـ تاکنون: مخالف، ۲۰۰۰ـ۱۹۹۹: حاکم

رهبر رسمی: آقای اوزاوا ایچیرو[۱]

رهبر انتزاعی: آقای اوزاوا ایچیرو[۲]

حامیان اصلی: محافظه‌کاران ناخشنود از سیاست‌های LDP، طبقه مرفه، مردان بیشتر از زنان فرمانداری Iwate (حوزه نمایندگی آقای اوزاوا)

تاریخچه

اولین حزب لیبرال در ژاپن در سال ۱۸۸۱ پایه‌گذاری شد ولی فقط ۳ سال پابرجا بود و از

1. Ozawa Ichiro

2. Ibid

درون حزب لیبرالی که در سال ۱۹۵۰ تأسیس شد، حزب لیبرال دموکراتیک LDP پا به عرصهٔ ظهور گذارد. رهبر حزب لیبرال کنونی در سال ۱۹۹۳ پس از جدایی از LDP، نخست حزب جبهه نو و پس از انحلال آن یعنی در اول ژانویه ۱۹۹۸ حزب لیبرال را تأسیس کرد.(۹۵)

این حزب پس از تأسیس به ٦ جناح تقسیم شد و با بیرون رفتن حزب محافظه‌کار در آوریل ۲۰۰۰، اندازهٔ آن به نصف کاهش یافت.(۹٦)

حزب لیبرال به‌منظور تحقق مفاهیم اساسی مانیفیست حزب جبهه نو تشکیل شد. حزب لیبرال نام حزبی است که در ۲۹ اکتبر ۱۸۸۱ در چهاردهمین سال تأسیس میجی توسط «تای سوکه ایتاگاکی»[1] تحت لوای آزادی و حقوق مردم، تأسیس شد و اولین حزبی بود که در ژاپن دارای اساسنامه حزبی، مقررات حزبی و سازمان ملی بود.

اما حزب لیبرالی که امروزه وجود دارد، وارث مستقیم لیبرالیسمی که «تای سوکه ایتاگاکی» بنیاد گذاشت و سایر احزاب سیاسی و سیاست‌های پارلمانی که در پی آن به‌وجود آمدند، نیست. بلکه با توجه به جنبش آزادی‌خواهی مردمی که در سال ۱۸۷٤ در هفتمین سال میجی به‌عنوان اولین جنبشی در آسیا که خواستار پارلمان منتخب مردم بود و بر علیه الیگارش‌های میجی به‌پاخواسته بود، با ریشه‌های عمیق و وسیع، این حزب لیبرالی که ما امروزه پایه‌گذاری کرده‌ایم وارثان قانونی همان جنبش مردمی هستند.(۹۷)

گرچه امروزه در ژاپن زمزمه‌هایی مبنی بر ایجاد اتحاد بزرگ بین احزاب مخالف بدون حضور حزب لیبرال و کمونیست به گوش می‌رسد، این بازی قدیمی در دایت، حتی اگر قادر باشد تحولی در دولت‌های [بعدی ژاپن] ایجاد کند، تنها منجر به ایجاد یک نوع دگرگون‌شدهٔ جدید «رژیم ۱۹۵۵» خواهد شد. چنین اتحادی بین احزاب مخالف نه به اتحاد بین مفاهیم و نه به اتحاد سیاست‌ها منجر خواهد شد و تنها صورت مبهمی از دموکرات‌های لیبرال خواهد بود. اگر بخواهیم ابهامات رژیم ۱۹۵۵ را برطرف کنیم، احزاب سیاسی باید اول خود را از قالب مفاهیم مبهم خارج کنند. این یکی از دلایلی است که ما حزب لیبرال را ایجاد کردیم.(۹۸)

---

1. Taisuke Itagaki

اساسنامه حزب لیبرال

این اساسنامه مشتمل بر پنج فصل می‌باشد که سرفصل‌ها و اهم مطالب آن عبارتند از:

فصل اول

ایده‌آل‌های بنیادی

۱. نیاز به اصلاحات

۲. اصول اصلاحات «آزاد»، «عادلانه»، «آشکار»

۳. ژاپنی که هدف ماست

فصل دوم

سیاست‌های بنیادی

بخش ۱ ـ ژاپن و ملت آن (ملت ـ خانواده ـ آموزش ـ فرهنگ)

۱. خودمختاری[1] به‌عنوان مرکز اصلاحات

۲. اهمیت پیوندهای خانوادگی

۳. اصلاحات آموزشی

٤. ژاپن فرهنگی

بخش ۲ ـ حمایت از شیوهٔ زندگی ملی و فعالیت‌های اقتصادی (اقتصادی، مالی، اجتماعی، امنیتی)

۱. اصلاحات ساختاری اقتصادی

۲. اصلاحات ساختاری مالی

۳. اصلاحات بنیادی نظام مالیاتی

٤. اصلاحات سختگیرانهٔ سرمایه‌گذاری مالی و وام‌ها

٥. امنیت شغلی

٦. اصلاح نظام تأمین اجتماعی

---

1. Self Autonomy

فصل سوم

حفظ حریم زندگی مردم و محیط زیست (سرمایه‌های اجتماعی، منابع، محیط زیست، برنامه‌ریزی شهری)

۱. تأمین سرمایه‌های اجتماعی

۲.توسعه هماهنگ با طبیعت

۳. ایجاد صنایع شیلات، جنگلداری و کشاورزی نو

۴. کوشش در جهت رهبری در صحنه علم و فناوری

فصل چهارم

کمک به صلح و سعادت جهانی (روابط خارجی و امنیت)

۱. سیاست خارجی مصمم

۲. سیاست امنیتی پاسخگو

۳. محافظت از زندگی مال شهروندان با ایجاد یک نظام بین‌المللی مدیریت بحران

فصل پنجم

ایجاد تحول در ملت (سیاست‌گذاری‌ها، بوروکراسی، دولت‌منطقه‌ای، نظام قضایی، آزادی اطلاعات)

۱. اصلاحات سیاسی

۲. اصلاحات اداری منطقه‌ای و ملی

۳. اصلاح نظام قضایی

نظام اجتماعی، بوروکراتیک و سیاسی کنونی ژاپن دیگر قادر به پاسخگویی به نیازهای روز نبوده و منجر به فلج شدن از لحاظ ساختاری می‌شوند. رهبریت قوی گروهی از سیاستمداران که به‌دنبال اصلاحات واقعی هستند، نیاز است تا با این بحران مقابله شود. دولت کنونی تنها بر اریکهٔ قدرت تکیه زده و درصدد حفظ آن است و تنها نشانه‌های چندی از رهبریت را به نمایش می‌گذارد. نتیجه چنین چیزی تکرار دوبارهٔ یک دسیسه سیاسی بین سیاستمداران، بوروکرات‌ها و تجار خواهد بود.

ادامهٔ چنین الگویی ما را از «بحران ژاپن» بیرون نخواهد برد.

«ایچیرو اوزاوا» و حزب لیبرال تصمیم گرفته‌اند مصمم به انجام اصلاحات بدون هیچ‌گونه سازشی بپردازند تا کشوری ایجاد کنند که افراد در مرکزیت جامعهٔ آن قرار دارند.[۹۹]

کادر سازمانی حزب (۱۶ اکتبر ۲۰۰۲)

رهبر: ایچیرو اوزاوا (رئیس)

دبیرکل: هیروهیسا فوجی (Hirohisa Fuji)

رئیس کمیته امور مالی: هیروهیسا فوجی (Hirohisa Fuji)

رئیس شورای امور سیاست‌گذاری: هیروهیسا فوجی (Hirohisa Fuji)

رئیس مجمع مجلس مشاوران: تاکهئو نیشیوکو (Takeo Nishioka)

رئیس مجمع مجلس نمایندگان: هیروشی ناکه‌ئی (Hiroshi Nakai)

رئیس کمیته مبارزات انتخاباتی: هیدئو واتانابه (Hideo Watanabe)

رئیس کمیته امور دایت: کنجی یامائوکا (Kenji Yamaoka)

رئیس کمیته روابط عمومی: یوزورو تسوزوکی (Yuzuru Tsuzuki)

رئیس کمیته سازمان: شوزا آزوما (Shoza Azuma)

رئیس کمیته امور عمومی: سادو هیرانا (Sado Hirana)

رئیس کمیته امور دایت مجلس مشاوران: سادو هیرانا (Sado Hirana)

رئیس مجمع اعضای دایت: هیدکی تامورا (Hideki Tamura)

شناسنامه رهبر حزب لیبرال

«ایچیرو اوزاوا»[1] در آی‌وت[2] در شمال ژاپن متولد شد. پدر او «سائه‌کی اوزاوا» یک وکیل و عضو دایت بود که به‌عنوان رئیس کمیتهٔ ویژهٔ بازنگری پیمان امنیتی ژاپن ـ آمریکا در سال

---

1. Ichiro Ozawa
2. Iwate

۱۹۶۰ منصوب شد و در کمیته موفق به تکمیل بازنگری این پیمان شد. علی‌رغم تظاهرات پیش‌بینی نشده عدهٔ زیادی از دانشجویان و کارگران که با حضور نظامی آمریکا در ژاپن مخالف بودند، آقای اوزاوا برخلاف بسیاری از همکلاسان خود در دبیرستان از این پیمان جانبداری کرده و مصر بود که حق با پدرش است.

بعد از دریافت درجه لیسانس اقتصاد از دانشگاه کیو در سال ۱۹۶۷، وارد دانشکدهٔ حقوق دانشگاه نیهون شد و به فراگیری حرفهٔ وکالت پرداخت. بعد از مرگ پدر در سال ۱۹۶۸، او در انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۱۹۶۹ جانشین پدر شد و در حزب LDP، به جناح تحت رهبری «کاکوئی تاناکا» دبیرکل وقت حزب پیوست. او از سال ۷۶ـ۱۹۷۵ معاون پارلمانی وزیر علوم و فناوری و از سال ۷۷ـ۱۹۷۶ معاون پارلمانی وزیر ساختمان بوده است.

از سال ۱۹۷۸ در یک سلسله منصب‌های حزبی در ستاد LDP منصوب شد. او مدیر بخش علوم و فناوری شورای پژوهشی حزب در سال ۱۹۷۸ و مدیر بخش شیلات همان شورا از سال ۱۹۸۱ـ۱۹۷۸ بوده است. از سال ۱۹۸۲ـ۱۹۸۱ معاون رئیس شورای پژوهشی سیاست‌گذاری و در سال ۱۹۸۲ معاون رئیس کمیته امور دایت بود. در سال ۱۹۸۳ـ۱۹۸۲ او مدیر دفتر انتخابات شد. در سال ۱۹۸۵ـ۱۹۸۳ رئیس کمیتهٔ نمایندگان در امور اداری و مقررات شد و در سال ۸۶ـ۱۹۸۵ وزیر امور داخلی و رئیس کمیسیون ایمنی ملی در کابینه ناکاسونه شد.

از سال ۱۹۸۹ـ۱۹۸۷ معاون رئیس دبیر کابینه در کابینه تاکه‌شیتا بود. در این منصب موفق به امضای موافقت‌نامه‌های مهمی با همتایان آمریکایی خود در زمینه ساختمان و ارتباط شد. وی از سال ۱۹۹۱ـ۱۹۸۹ دبیرکل LDP تحت نخست‌وزیری «توشیکی کانیو» بوده است.

از سال ۹۲ـ۱۹۹۱ آقای اوزاوا قائم‌مقام رئیس کای‌سی‌کای[1]، جناح تاکه‌شیتا در LDP بوده است. سال بعد هنگامی‌که نخست‌وزیر کیجی میازاوا از انجام برنامه از پیش قول دادهٔ اصلاحات انتخاباتی و سیاسی سرباز زد، اوزاوا با سایر همکاران خود که اصلاح‌طلب بودند از

---

1. Keiseikai

LDP جدا شد و در انتخابات عمومی این حزب برای اولین بار طی ٤٠ سال از اکثریت افتاد. آقای اوزاوا به‌عنوان دبیرکل حزب تازه تأسیس احیای ژاپن، معمار اصلی اصلاحات بود.

با ائتلاف احزاب مخالف در دسامبر ۹٤ و تشکیل حزب جبهه نو، اوزاوا به‌عنوان دبیرکل حزب جدید برگزیده شد. سال بعد در انتخابات حزبی که تمامی شهروندان می‌توانستند با پرداخت ۱۰۰۰ ین، رأی بدهند، آقای اوزاوا به‌عنوان رئیس حزب به‌طور شگفت‌انگیزی اکثریت آرا را از آن خود کرد. در دسامبر ۱۹۹۷ او دوباره به رهبری حزب و این‌بار با رأی اعضای دایت و نمایندگی محلی حزب جبهه نو انتخاب شد. بلافاصله بعد از آن، حزب به شش گروه تقسیم شد و هسته اصلاح‌طلبان حزب جبهه نو در کنار اوزاوا، حزب لیبرال را به رهبری خود او در ژانویه ۱۹۹۸ پایه‌گذاری کردند. از اوزاوا اغلب به‌عنوان نخست‌وزیر آیندهٔ ژاپن نام برده می‌شود اما تا به امروز او تنها یک واسطه قدرت بوده و اغلب در پشت صحنه مانند رئیس سابق خود در حزب LDP یعنی «کانمارو میشن» فعالیت می‌کند.

۵ـ۲ـ۹ـ حزب لیبرال دموکراتیک

Liberal Democratic Party

این حزب در ۱۵ نوامبر ۱۹۵۵ از ادغام حزب دموکراتیک ژاپن (به رهبری هاتویاما ایچیرو) که حزب حاکم دولت بود و حزب لیبرال (به رهبری اوگاتا تاکه‌تورا) که بعد از استعفای کابینه پنجم یوشیدا به عنوان یک حزب مخالف دولت فعالیت می‌کرد، به وجود آمد. لیبرالیسم ایدئولوژی پایه این حزب در مقابل کمونیسم است. سیاست اصلی آن اتخاذ سیاست‌های دموکراتیک پارلمانی و نظام اقتصاد آزاد است. عمده سیاست خارجی آن روابط دوستانه با ایالات متحده است، گرچه روابط سیاسی ـ اقتصادی دوستانه‌ای نیز نه تنها با سایر ملل غربی بلکه با شوروی سابق، چین و سایر کشورهای کمونیست دارد.

به هنگام تأسیس این حزب از سوی یک کمیته رهبری چهارنفره متشکل از هاتویاما[1]،

---

1. Hatoyama

اوگاتا[1]، بعدها ماتسونو تسورروهی[2] جانشین او شد، میکی بوکیچی[3] و اونو بانبوکو[4] هدایت می‌شد.

بعدها هاتویاما اولین رهبر حزب و نخست‌وزیر شد و بعد از او ایشی باشی تانزان[5]، کیشی نوبوسوکه[6]، ایکدا هایوتو[7]، ساتو آیساکو[8]، تاناکا کابویی[9]، میکی تاکه‌ئو[10]، فوکودا تاکه‌ئو[11]، اوهیرا ماسایوشی[12] و سوزوکی زنکو[13]، روی کار آمدند.

حزب لیبرال دموکراتیک همان‌طور که ذکر شد از یک ادغام به‌وجود آمد. این ائتلاف و ادغام که شتاب‌زده صورت گرفت و پاسخ عکس‌العملی در قبال ایجاد حزب سوسیالیست در دو هفته قبل از آن بود، به دو دلیل انجام گرفت:

۱. حزب سوسیالیست به بزرگ‌ترین تشکل سیاسی کشور تبدیل شده بود و محافظه‌کاران که به جز دوره استثنائی کوتاه‌مدت از پایان جنگ تا آن موقع همواره حکومت را در دست داشتند، اقدام متقابل کرده و پس از اقدام خود مبدل به عمده‌ترین حزب شدند.

۲. توصیه و فشار بخش خصوصی ژاپن که در آن شرایط زمانی، یعنی هنگامی‌که بازسازی کشور به پایان رسیده بود و اوضاع به حالت عادی برمی‌گشت، از به قدرت رسیدن سوسیالیست‌ها احساس نگرانی می‌کرد.

شایان ذکر است که جنگ ۵۳ـ۱۹۵۰ کره نیز که در نزدیکی مرزهای ژاپن، بازاری صادراتی در اختیار بخش‌های بازرگانی و صنعتی این کشور قرار داد، موجب تسریع روند قدرت گرفتن و افزایش نفوذ بخش خصوصی ژاپن شد. در زمان ایجاد LDP دو حزب دموکراتیک و لیبرال به ترتیب از پنج و سه جناح تشکیل شده بودند. یعنی عناصر محافظه‌کار تشکیل‌دهندهٔ حزب جدید

1. Ogata
2. Matsuno Tsuruhei
3. Miki Bukichi
4. Ono Banbuko
5. Ishibashi Tanzan
6. Kishi Nobusuke
7. Ikeda Hayoto
8. Sato Eisaku
9. Tanaka Kabuei
10. Miki Takeo
11. Fukuda Takeo
12. Ohira Masayoshi
13. Suzuki Zenko

لیبرال دموکراتیک در کنار اشتراک‌نظر و عقیده ناسیونالیستی و مخالفت با کمونیسم و سوسیالیسم مبتنی بر مبارزه طبقاتی که عامل همبستگی آنان بود، از لحاظ انضباط گروهی و وفاداری فرقه‌ای به هشت جناح و دسته تقسیم شده بودند. البته جناح و فرقه‌گرایی در ژاپن و تجمع وفادارانه گروهی از مردم به دور یک رهبر، ارباب یا رئیس در تاریخ این کشور امری بسیار قدیمی است و این امر از حقایق مسلم و ضروریات اجتماعی در ژاپن است. ملت ژاپن که در نهایت یکپارچه و منسجم است، از گروه‌ها و جناح‌های بی‌شماری تشکیل شده است که اعضای هریک به‌دلیل اشتراک در وضعیت اجتماعی، تحصیلی، ورزشی، مذهبی، حرفه‌ای و نظایر آن مجتمع شده و از بقیه گروه‌ها و جناح‌ها متمایز هستند. به عبارت دیگر ژاپن را می‌توان کشور جناح‌ها و فرقه‌ها توصیف کرد. در عین حال که این کشور و این ملت در مواجهه با عامل بیگانه و خارجی یکپارچه و منسجم است. به‌علاوه از نظر وضعیت و سابقهٔ اجتماعی دو گروه مشخص بودند و از لحاظ دید و هدف و آینده‌نگری سه موضع و تفکر متمایز داشتند:

۱. اعضای حزب دموکرات را به‌طور کلی عناصری تشکیل می‌دادند که سیاستمدار و حرفه‌ای بودند و سابقه نمایندگی پارلمان و یا مشاغل طراز اول و وزارت در قبل و یا حین دوران جنگ داشتند و پس از جنگ از سوی نیروهای آمریکایی یا بازداشت و زندانی شده و یا برای مدتی از فعالیت ممنوع بودند.

۲. اعضای حزب لیبرال عموماً متخصصان اداری و بوروکرات‌های بدون سوابق سیاسی بودند.[۱۰۰]

هدف حزب لیبرال در چارچوب جنگ سرد، ایجاد یک قانون اساسی جدید، بازیابی استقلال ژاپن از طریق صلح چندجانبه با متحدین غیرکمونیست، تضمین امنیت ژاپن بر اساس پیمان امنیتی ژاپن ـ آمریکا و بازسازی اقتصاد ژاپن بر اساس دوستی با آمریکا بود.

یوشیدا، کسانی چون؛ ایکدا هایاتو، ساتو ایساکو، تاناکا کابوئی، اوهیرا ماسایوشی و سایر سیاستمداران جوان را تربیت کرد و تمرکز او بر مردانی بود که دارای سابقهٔ بوروکراتیک بودند. این گروه بعدها جریان اصلی به اصطلاح «محافظه‌کاری» را تشکیل دادند.

میکی بوکیچی، ایشی باشی تانزان، کونو ایچیرو از جمله کسانی بودند که با خط یوشیدا مخالف بودند. آنها در نوامبر ۱۹۵٤ حزب دموکراتیک ژاپن را با اعضای جناحی که مخالف یوشیدا بودند چون کیشی نوبوسوکه و فوکودا تاکه‌ئو و حزب اصطلاحات که از جمله رهبران آن شیگماتسو ماموری، ماتسومورو کنزو و میکی تاکه‌ئو بودند، تشکیل دادند. در دسامبر ۱۹۵٤ آنها موفق به برکناری یوشیدا از قدرت شده و کابینه هاتویاما را تشکیل دادند.(۱۰۱)

از لحاظ دیدگاه و نظر دموکرات‌ها دو دسته بودند و لیبرال‌ها به‌طور کلی یک نظر داشتند:

۱. ناسیونالیست‌های افراطی معتقد به تقدس امپراتور و ضد آمریکا محسوب می‌شدند که هدف فوری اصلاح و تجدیدنظر در قانون اساسی تحمیل شده از سوی آمریکا را داشتند.[۱]

۲. ناسیونالیست‌های معتدل و طرفدار افکار و نظریات اصلاح‌طلبانه که در عین حال به لزوم تجدیدنظر در قانون اساسی معتقد بودند.

۳. اعضای حزب لیبرال به طرفداری از آمریکا اعتقاد داشتند و یا به‌دلیل آنکه عافیت را در این امر می‌دانستند، بدان تظاهر می‌کردند. رهبر حزب مزبور یعنی «شیگرو یوشیدا» در زمان نافذ شدن قانون اساسی مورد نظر آمریکا در ۳ می ۱۹٤۷ به عنوان نخست‌وزیر مسئولیت اجرای مفاد آنرا یافت. البته چند روز بعد و در همان ماه به‌دلیل موفقیت سوسیالیست‌ها از نخست‌وزیری کنار رفت. لازم به توضیح است که حزب لیبرال مخالف ائتلاف و اتحاد با سایر عناصر محافظه‌کار بود و یا در این خصوص تمایل کمتری داشت. وی آنچه در نهایت موجب ادغام احزاب محافظه‌کار و تشکیل LDP شده تلقی بعضی سیاستمداران محافظه‌کار بود که تصور می‌کردند و یا در برنامه داشتند که با مبادرت به ائتلاف خواهند توانست زمینه را برای تجدیدنظر در قانون اساسی (که طبق اصل ۹٦ قانون اساسی موافقت دوسوم اعضای پارلمان را نیاز دارد) فراهم کنند.

---

۱. هر چند حال و هوای ۱۹۵۵ با دوران فعلی ژاپن و وضعیت LDP تفاوت کلی پیدا کرده، اما در بین سیاستمداران معروف و معاصر ژاپن «شینتارو آبه»، وزیر خارجه سابق و رهبر دومین جناح عمده حزب که علاوه بر امادی نوبوسکه کیشی، نماینده چنین طرز فکری بود.

پس از تشکیل حزب لیبرال دموکراتیک احساسات ضد آمریکایی برخی از اعضا نیز دیگر ظاهر نشد و موضع حزب، هماهنگ با آن نظر دولت ژاپن، همواره بر وجود روابط خوب با آمریکا استوار بوده و هست.

ایدئولوژی و اهداف حزب لیبرال دموکراتیک در زمان تشکیل طی اعلامیه ۱۵ نوامبر ۱۹۵۵ خود را چنین معرفی کرد:

ـ یک حزب سیاسی ملی و فراگیر که هدفش خدمت به همه ملت و نه به قشر و طبقه خاصی است؛

ـ طرفدار صلح و مسالمت‌جو؛

ـ حزبی که کمونیسم و سوسیالیسم طبقاتی را طرد و نفی می‌کند؛

ـ طرفدار سیستم پارلمان؛

ـ حزبی پیشرو؛

ـ خواهان ایجاد یک ژاپن مرفه.

حزب LDP در برنامه اقدام خودخواهان

۱. تقویت معنویات و آموزش

۲. انجام اصلاحات سیاسی و اداری

۳. نیل به ثبات و خودکفایی اقتصادی.

٤. ایجاد یک کشور مرفه

۵. اعمال دیپلماسی موفقیت‌آمیز

٦. اعاده استقلال ملی از جمله تقویت نیروهای مسلح و مهم‌تر از همه تجدیدنظر در قانون اساسی بود. ژاپنی‌ها در مورد دو اصل اساسی که ضوابط قانون اساسی بر آن بنا شده یعنی حاکمیت مردم و نقش تشریفاتی امپراتور و حقوق بشر با توجه به روحیه خود چون ضوابطی است که مورد اجرای سایر ممالک پیشرفته است، اعتراض و جدل زیادی نداشته و ندارند، بلکه سومین ضابطه اساسی یعنی طرد و نفی نظامیگری و داشتن استعداد و قوای نظامی که در

اصل نهم قانون اساسی متبلور شده است، مورد اعتراض و هدف اصلی از تجدید نظر بوده است.

در این خصوص دولت «هاتویاما» و «کیشی» که در سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۰ در رأس امور قرار داشتند، بر لزوم اقدام در جهت اصلاح قانون اساسی اصرار ورزیدند و LDP هم هیچ‌گاه موفق نشد اکثریت دوسوم کرسی‌های پارلمانی، یعنی شرط لازم برای مبادرت به این امر را در اختیار بگیرد.

اما این منظور بدون اقدام و تجدیدنظر در قانون عملی شد. یعنی حکومت‌های LDP با استفاده از روشی که در کتاب «دایت، انتخابات و احزاب سیاسی، ص ۷۸، اصلاحات قانون اساسی از طریق مدیریت سیاسی»[۱۰۲] توصیف شده نیروی مسلح پیدا کردند، نیروهای مسلحی که عنوان Self Defense Forces دارد ولی از نظر بودجه و هزینه پس از آمریکا و شوروی سابق در جهان رتبه سوم را داراست.

از ۱۹۶۰ به بعد LDP به‌تدریج اسنادی تحت عنوان منشور جوانان، منشور کارگر، منشور زنان و منشور اخلاقی منتشر کرد. در نوامبر ۱۹۸۵ مصادف با سی‌امین سالگرد تأسیس حزب، مانیفست و قطعنامه ویژه‌ای منتشر گردید و مفاهیمی نظیر وضع و موقعیت سرافرازانه ژاپن در جامعه بین‌المللی، اصلاح سیستم آموزشی کشور، افزایش نقش جوانان و بانوان در فعالیت‌های سیاسی و رشد اقتصادی ژاپن مورد تأکید قرار گرفت.

ارکان سازمانی حزب لیبرال دموکراتیک و فرایند سیاست‌گذاری

ارکان سازمانی

این حزب دارای ۵ رکن سازمانی است که عبارتند از:

۱. روابط عمومی

۲. ستاد سازمان حزب (مسئول تقویت قدرت حزب و اداره اعضا)

۳. ستاد برنامه‌ریزی استراتژی انتخاباتی (مسئول تجزیه و تحلیل و تدوین استراتژی انتخاباتی)

٤. کمیته امور دایت (مسئول هماهنگی مدیریت امور دایت)

۵. شورای پژوهشی سیاست‌گذاری (مسئول سنجش و ارائه خط‌مشی حزب)

فرایند سیاست‌گذاری

«شورای پژوهشی سیاست‌گذاری»[1] دارای دوازده بخش است که هر یک مسئول یک وزارتخانه و آژانس است. هر یک از اعضای حزب که در دایت هستند، می‌توانند آزادانه در مباحثات شرکت کنند. در حال حاضر قوانین، بودجه‌ها، مالیات‌ها یا بازبینی در قراردادها بدون اینکه مورد تصویب نهادهای سنجشی حزب (بخش مربوط به پژوهش‌های سیاست‌گذاری) کمیسیون سنجش خط‌مشی و شورای عمومی قرار گرفته باشند، از جانب کابینه به دایت ارائه نمی‌شوند.

گرچه هر یک از اعضای دایت به‌تنهایی و یا با تشریک مساعی با سایر اعضا می‌تواند درخواست تصویب یک قانون را بنماید، اما لایحه‌ای که به تصویب حزب آن عضو نرسیده باشد، نمی‌تواند به دایت ارائه شود.

در صورت ضرورت، مقامات وزارتخانه‌ها و آژانس‌ها در جلسات شورای سیاست‌گذاری شرکت کرده و به تبادل افکار با اعضای حزب در دایت می‌پردازند. این افکار و آرا در سیاست‌های دولت منعکس می‌شود.

شورای عمومی نهادی است که تصمیمات نهایی مربوط به ارادهٔ حزب را اتخاذ می‌کند. شورای پژوهشی سیاست‌گذاری نه تنها محلی برای تدوین خط‌مشی و مباحثات مربوطه است بلکه به‌عنوان یک نهاد مصوب نیز عمل می‌کند. تمامی سیاست‌های حزب و روش‌های مبارزاتی پس از انجام مناظرات درون‌حزبی و یکپارچه شدن عقاید و آرا بین جناح‌ها که

---

1. Policy Research Council

نهادهای اصلی در شورای پژوهشی سیاست‌گذاری (بخش‌ها، کمیسیون‌های پژوهشی و کمیته‌های ویژه) انجام می‌شود، به‌دست می‌آید.

بخش‌های مختلف شورای پژوهشی در مورد قوانین بودجه و نظام مالیاتی که مربوط به حوزهٔ کاری هر یک از وزارتخانه‌ها می‌شود، فعالیت می‌کنند. رئیس بخش توسط رئیس هیأت‌مدیرهٔ شورای پژوهشی سیاست‌گذاری منصوب می‌شود. سیاست‌هایی که از سوی هر یک از بخش‌ها در حوزه‌های کارشناسی ارائه می‌شود، باید از سوی شورای عمومی تصویب شود. قوانینی که مربوط به فعالیت‌های چند وزارتخانه می‌شود، در جلسات مشترک با بخش‌های مختلف کمیسیون‌های پژوهشی و کمیته‌های ویژه بررسی می‌شود.

کمیسیون‌های پژوهشی و کمیته‌های ویژه عموماً نهادهایی هستند که مباحثات در باب موضوعات میان‌مدت و بلندمدت یا مواردی که مربوط به چند حوزهٔ مختلف بین چند وزارتخانه و آژانس می‌شود، انجام و در نهایت توصیه‌هایی ارائه می‌دهند. اصولاً رئیس کمیسیون‌های پژوهشی و کمیته‌های ویژه کسانی هستند که قبلاً در کابینه به‌عنوان وزیر خدمت کرده‌اند.

قانون‌گذاری از سوی حقوقدانان و قانون‌گذاری توسط کابینه

قانون‌گذاری توسط حقوقدانان به لوایحی اطلاق می‌شود که توسط اعضای این کمیسیون به دایت ارائه می‌شود. قانون‌گذاری توسط کابینه به لوایحی اطلاق می‌شود که از سوی وزارتخانه‌ها یا آژانس‌ها به دایت ارائه می‌شود. در اثر سلطه طولانی‌مدت لیبرال دموکراتیک، نوعی نظام «بازنگری بدوی»[1] در حزب به‌وجود آمده که باعث همکاری نزدیک‌تر با دولت شده و از این جهت نظام قانون‌گذاری توسط حقوقدانان تا اندازه زیادی محدود شده است. گرچه در سال‌های اخیر فرمولاسیون این نوع قانون‌گذاری حالت غیرمعمول خود را از دست داده است:

1. Preliminary Review

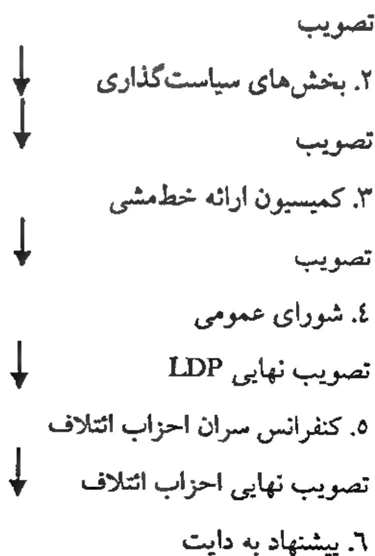
۱. به‌دلیل وجود مداوم دولت‌های ائتلافی که وسعت دیدگاه‌ها را در ادارهٔ سیاسی به‌وجود آورده است.

۲. ظهور یک حزب مخالف حزب دموکراتیک ژاپن که اعضای آن امیدوارند کنترل کابینه را به دست گیرند و در عین حال نقش حزب در حمایت از فرمولاسیون قانون‌گذاری توسط حقوقدان غیرشفاف باقی‌مانده و یک فرایند با ثبات سیاست‌گذاری غالب نیز هنوز به‌وجود نیامده است.

روند سیاست‌گذاری

قانون‌گذاری کابینه

۱. تهیه پیش‌نویس لایحه توسط دولت: در این مرحله، دولت قانون مورد نظر را برای بخش‌های مربوطه سیاست‌گذار احزاب ائتلافی توضیح داده و بر روی لایحه تبادل‌نظر صورت می‌گیرد.



۱. ارجاع به کمیته‌های منفرد (برای فرمولاسیون پیشنهاد لایحه به دولت)

۲. ارائه در جلسه ابتدایی یکی از اتاق‌های کابینه

۳. ارائه لایحه به سایر اتاق‌های دایت (تکرار مراحل ۱ و ۲)

قانون‌گذاری حقوقدانان

۱. پس از بحث و بررسی نظرات دفتر قانون‌گذاری کابینه (در مجلس نمایندگان یا مشاوران)، وزارتخانه‌ها و آژانس‌های مربوطه، حقوقدان لایحه خود را آماده می‌کند.

۲. یک پروژه تیمی[1] یا گروه کاری[2] توسط احزاب حاکمه برای استماع نظرات اعضا درباره لایحه

۳. طی جلسات استماع در احزاب حاکمه، گزارش‌های مقتضی صادر می‌شود.

تصویب



٤. هر حزب نظرات خود را نسبت به لایحه ارائه می‌دهد.

در این مرحله لایحه تسلیم احزاب مخالف می‌شود. مذاکرات بین احزاب حاکم و مخالف اغلب منجر به فرمولاسیون یک لایحه مشترک می‌شود.

تصویب



۵. کنفرانس سران احزاب ائتلاف

تصویب



٦. پیشنهاد لایحه به دولت

۱. ارائه به کمیته‌های مربوطه (برای فرمولاسیون کمیته)

۲. تصویب در جلسه بدوی یکی از اتاق‌های دایت[3]

۳. تسلیم لایحه به سایر اتاق‌های دایت (مراحل ۱ و ۲ تکرار می‌شوند).

1. Team Project
2. Work Group
3. Diet Chambers

اصولی از اساسنامه حزب

اصل ۳

۱. اعضای حزب باید شهروندان ژاپنی بوده که وظایف‌شان را با وفاداری انجام داده و به‌طور مثبت در فعالیت‌های حزب به‌عنوان خدمتگزاران عموم شرکت کنند.

اصل ٤

۱. حزب باید دارای رهبر باشد.

۲. رهبر باید مسئولیت عالی حزب را به عهده داشته و بر اعمال آن نظارت کرده و نماینده آن باشد.

اصل ٥

۱. حزب می‌تواند معاون رهبر منصوب کند.

اصل ٦

۱. رهبر حزب با آرای اعضا انتخاب می‌شود.

در مورد انتخاب رهبر هنگام تشکیل LDP بین اعضا و به‌ویژه بین دو حزب تشکیل‌دهنده ائتلاف، اتفاق‌نظر حاصل نشد و کمیته رهبری تشکیل شد. منتهی بعداً این امر تحت ضوابط درآمد و با این اعتبار که رهبر حزب به دلیل اکثریت پارلمانی LDP طبعاً پست نخست‌وزیری را نیز عهده‌دار خواهد شد و چون طبق تجویز قانون اساسی نخست‌وزیر باید نماینده پارلمان باشد لذا وکلای عضو حزب، اصلح در انتخاب رهبر هستند، مقرر شد رهبر حزب با رأی وکلای پارلمان عضو LDP انتخاب شود. این رویه تا سال ۱۹۷۸ ادامه یافت. اما به‌دلیل آنکه موجب فساد بوده تغییر پیدا کرد و انتخابات دو مرحله‌ای شد. یعنی در آن سیستم که قرار بود و تصور می‌رفت رهبر جناحی که بیشترین رأی را دارد به نخست‌وزیری برگزیده شود، بعضی از کاندیداها تلاش به عمل می‌آوردند با دادن وعده پست وزارت یا منصب حزبی و یا ریاست کمیته‌های پارلمانی و نظایر آن و یا اقدامات آسان‌تر نظیر دادن هدیه یا رشوه کلان نظر وزرای اعضای سایر جناح‌ها را به نفع خود جلب کنند و این قابل قبول نبود، لذا مقرر شد ابتدا کلیه

اعضای حزب از بین کاندیداهای رهبری بین دو تا چهار نفر را با رأی‌گیری انتخاب و در مرحله بعد نمایندگان پارلمان عضو حزب،از بین چند نفر برگزیده، رهبر را انتخاب کنند. اما این سیستم در اولین تجربه یعنی در ۱۹۷۸ موجب مشکل دیگری شد، یعنی چون هر ژاپنی می‌تواند صرفاً با پرداخت حق عضویت ناچیز کارت حزبی به‌عنوان عضو یا عضو وابسته بگیرد و حق رأی پیدا کند، به‌طور ناگهانی اعضای حزب به رقم بی‌سابقه حدود ۱/۵ میلیون نفر رسید. ضوابط و سیستم مزبور (البته با اصلاحاتی به‌منظور محکم‌کاری و حصول اطمینان) همچنان مورد اجراست. البته در کنار ضوابط مزبور، رویه دیگری یعنی مشورت و تبادل نظر زعمای حزبی و رهبران جناح‌ها که با روحیه ژاپنی مطابقت بیشتری دارد نیز مورد عمل است. اگر سابقه انتخاب رهبر را از آغاز تاکنون بررسی کنیم، هر یک از دو رویه تقریباً در نیمی از موارد به کار رفته‌اند.[۱] طول دوره رهبری دو سال است و برای یک دوره دوساله دیگر قابل تمدید است.

اصل ۷

۱. یک دبیرکل و ۱۷ معاون دبیرکل باید در حزب وجود داشته باشند. دبیرکل می‌تواند یک معاون منصوب کند که به‌عنوان قائم‌مقام عمل کند.

اصل ١٦

۱. به‌منظور تقویت و اتحاد فعالیت‌های سازمانی حزب، باید ستاد سازمان حزب تشکیل شود که دارای یک رئیس و تعدادی معاون خواهد بود. رئیس یکی از معاونین را به‌عنوان قائم‌مقام تعیین می‌کند.

اصل ۱۷

---

۱. در انتخاب سه رهبر حزب و نخست‌وزیر ژاپن از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ در اولین مورد «ناکاسونه» نه تنها «تاکه شیتا» را به رهبری حزب تعیین کرد، بلکه دو کاندیدای دیگر رهبری یعنی «آبه» و «میازاوا» طبق نظر وی به ترتیب به دبیرکلی حزب و وزارت دارایی منصوب شدند. تاکه شیتا نیز هنگام استعفا، وزیر خارجه کابینه خود یعنی «سوسوکو اونو» را به رهبری حزب تعیین کرد.

۱. ریاست ستاد از سوی رئیس حزب و با تصویب شورای عمومی منصوب می‌شود.
۲. معاون رئیس از سوی رئیس ستاد و با تصویب شورای عمومی انتخاب می‌شود.

اصل ۱۸

۱. ادارات زیر باید در ستاد تشکیل شود:
الف. اداره سیاست‌گذاری گروهی منافع
ب. کمیته امور قضایی و سازمان‌های خودمختار محلی
پ. کمیته سازمان‌هایی که با بودجه و تأمینات عمومی سروکار دارند
ت. کمیته سازمانی مربوط به آموزش، فرهنگ و ورزش
ث. کمیته سازمانی مربوط به تعلیمات اجتماعی و دینی
ج. کمیته سازمانی مربوط به بهداشت و رفاه
چ. کمیته سازمانی محیط زیست
ح. کمیته سازمانی کار
خ. کمیته سازمانی کشاورزی، جنگلداری و شیلات
د. کمیته سازمانی بازرگانی، صنایع و شرکت‌های کوچک و متوسط
ذ. کمیته سازمانی راه و ترابری
ر. کمیته سازمانی اطلاعات و ارتباطات
ز. کمیته سازمانی توسعه زمین و ساختمان
ژ. کمیته سازمانی امنیت ملی
س. کمیته سازمانی امنیت عمومی
۲. اداره سازمانی حزب (اداره ثبت و رابط برای ژاپنی‌های مقیم خارج)
۳. اداره امور زنان
٤. اداره جوانان

۵. اداره کار

٦. اداره گفتار عمومی

اصل ۲۵

۱. یک هیأت به‌منظور هماهنگی جامع بین فعالیت‌های کلیه نهادهای حزب و تبیین استراتژی جامع حزب و تصمیم در مورد امور مهم مربوط به اجرای وظایف حزب، باید تشکیل شود.

۲. این هیأت شامل؛ رئیس، نایب‌رئیس، دبیر کل، ریاست شورای عمومی، ریاست شورای پژوهشی سیاست‌گذاری ریاست مجمع عمومی، اعضای حزب وکیل در مجلس مشاوران و دبیران LDP در مجلس مشاوران می‌شود.

اصل ۲۷

کنوانسیون حزب

این کنوانسیون عالی‌ترین نهاد حزب بوده و اعضای آن باید دارای مشخصه‌های زیر باشند:

۱. تمامی اعضای حزب عضو دایت باشند.

۲. چهار نماینده از هر یک از فدراسیون‌های فرمانداری شاخه‌های حزب که یکی نماینده جوانان و دیگری نماینده امور زنان به حساب بیاید.

اصل ۳۷

یک شورای عمومی شامل ۳۱ عضو باید تشکیل شود.

شورای عمومی امور مهم مربوط به مدیریت حزب و امور دایت را تصمیم‌گیری می‌کند.

اعضا شامل:

۱٤ عضو که از بین اعضای مجلس نمایندگان انتخاب می‌شوند.

٦ عضو که از بین اعضای مجلس مشاوران انتخاب می‌شوند.

۱۱ عضو از سوی رهبر حزب نامزد می‌شوند.

اصل ۷۸

عضویت در حزب

۱. متقاضی عضویت باید با معرفی یک عضو دیگر، فرم تکمیل شده تقاضای خود را به یکی از شاخه‌های حزب تحویل دهد. شاخه مربوطه پس از بررسی می‌تواند تقاضا را رد یا آنرا قبول کند.

۲. در صورت پذیرش عضویت، شاخه مربوطه به ستاد حزب گزارش می‌دهد.

۳. سپس کمیته ممتحن شاخهٔ حزب یا فدراسیون فرمانداری، شاخه‌های حزبی متقاضی را از لحاظ معیارهای مشخص برای عضویت به هنگام تسلیم تقاضانامه یا حتی پس از تصویب آن، مورد گزینش قرار می‌دهد. ممکن است در این مرحله تقاضای عضویت رد شود.

٤. در صورت رد عضویت ستاد باید سریعاً مطلع شود.

٥. حتی ممکن است تقاضایی از سوی شاخه‌های حزب قبول شود ولی ستاد آنرا رد کند.[۱۰۳]

شایان ذکر است که هر یک از جناح‌های LDP از نظر سازمانی و ساختاری از جناح‌های دیگر حزب قابل تمایز هستند و دبیرکل جناحی دارند. در انتخابات کاندیدای مشخص را مورد حمایت قرار می‌دهند و در خصوص احاله وظایف و مسئولیت‌ها در سلسله مراتب حزبی و یا مناصب دولتی به اعضای خود تلاش می‌کنند. اما در زمینه مواضع و سیاست‌ها وجه تمایزی وجود ندارد و قابل تشخیص نیست و همه آنها و حزب به‌طور کلی ایدئولوژی واحدی که همانا طرفداری از سیستم اقتصادی سرمایه‌داری به‌عنوان زمینه‌ای برای حکومت دموکراتیک و آزادی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و مخالفت با کمونیسم و سوسیالیسم به‌شمار می‌آید، دارند.[۱۰٤]

البته بعد از شکست ۱۹۹۳، در ۵ مارس ۱۹۹۵ حزب ایدئولوژی جدیدی را به جهانیان ارائه داد. در این ایدئولوژی خواستار «سیاست‌های جدید»، «تحقق دولت کوچک» از طریق اصلاحات سیاسی، مالی و اداری، آزادسازی و تمرکززدایی از اختیارات و قدرت دولت و ایجاد «جامعه‌ای که مردان و زنان همسان مشارکت نمایند» شده بود.

ارتباطات جناحی معلول اختلاف نظر سیاسی یا موضع‌گیری‌ها نیست، زیرا نه تنها همه اعضا در حزب طرفدار آمریکا و ضد کمونیست هستند بلکه روابط بر اساس وفاداری گروهی از اعضا به یک رئیس و رهبر تنظیم‌شده و شکل گرفته است و در این راستا پول یکی از عمده‌ترین عوامل است و جناح‌ها در واقع سازمان‌های پول‌ساز به‌شمار می‌آیند.

توزیع کرسی‌های دایت (۲۲ دسامبر ۱۹۸۰)

	مجلس نمایندگان	مجلس مشاوران
حزب لیبرال دموکراتیک	۲۸۶	۱۳۵
حزب سوسیال دموکراتیک ژاپن	۱۰۶	٤۷
کومیتو	۳٤	۲۷
حزب سوسیال دموکراتیک	۳۳	۱۱
حزب کمونیست ژاپن	۲۹	۱۲
باشگاه لیبرال جدید ـ باشگاه شین سئی[1]	۱۱	۷
حزب سوسیال دموکراتیک متحد ژاپن ـ باشگاه نی ئین[2]	۳	٤
مستقلین	۸	٦
کرسی‌های خالی	۱	۳
	۵۱۱	۲۸۲

توزیع کرسی‌های دایت (February ۲۰۰۲)

۱. باشگاه Shinsei از اعضای مجلس تشکیل شده است که وابسته به باشگاه لیبرال جدید و حزب سوسیال دموکراتیک ژاپن هستند.

2. Ni ein

	مجلس نمایندگان	مجلس مشاوران
حزب لیبرال دموکراتیک	۲۴۲	۱۱۶
حزب دموکراتیک ژاپن (باشگاه مستقلین)	۱۲۵	۶۰
کومیتو	۳۱	۲۴
حزب لیبرال	۲۲ (حزب کمونیست ژاپن)	۲۰
حزب کمونیست ژاپن	۲۰	
حزب سوسیال دموکراتیک/ لیگ شهروندان	۱۹	(Goken Rengo) ۷
حزب محافظه‌کاران جدید	۷	(Kokkaikaikoku ۱۵ Renrakukai)
مستقلین	۱۳	۴
کرسی‌های خالی	۱	۱
	۴۸۰	۲۴۷

تعداد کاندیداهای منتخب از هر حزب در انتخابات عمومی از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۰

انتخابات	حزب لیبرال	حزب دموکراتیک	حزب سوسیالیست دست راستی	حزب سوسیالیست دست چپی	حزب کارگران و کشاورزان	حزب کمونیست ژاپن	سایر	مستقلین	جمع
۲۷ فوریه ۱۹۵۵	۱۱۲ (۲۶/۶)	۱۸۵ (۳۶/۵)	۶۷ (۱۳/۸)	۸۹ (۱۵/۳)	۴ (۰/۹)	۲ (۱/۹)	۲ (۱/۳)	۶ (۳/۳)	۴۶۷ (۱۰۰)
۲۲ مه ۱۹۵۸	LDP ۲۸۷ (۵۷/۸)		ISP (حزب سوسیالیست ژاپن)۱۶۶. (۳۲/۹)			۱ (۲/۵)	۱ (۰/۷)	۱۲ (۵/۹)	۴۶۷ (۱۰۰)
۲۰ نوامبر ۱۹۶۰	۲۹۶ (۵۷/۵)		۱۴۵ (۲۷/۵)		DSP (حزب سوسیال دموکراتیک ژاپن)۱۷ (۸/۷)	۳ (۲/۹)	۱ (۰/۳)	۵ (۲/۸)	۴۶۷ (۱۰۰)
۲۱ نوامبر ۱۹۶۳	۲۸۳ (۵۴/۶)		۱۴۴ (۲۹)		۲۳ (۷/۳)	۵ (۴)	۰ (۰/۱)	۱۲ (۴/۷)	۴۶۷ (۱۰۰)

انتخابات	حزب لیبرال	حزب دموکراتیک	حزب سوسیالیست دست راستی	حزب سوسیالیست دست چپی	حزب کارگران و کشاورزان	حزب کمونیست ژاپن	سایر	مستقلین	جمع
۲۹ ژانویه ۱۹۶۷	۲۷۷ (۴۸/۸)		۱۴۰ (۲۷/۸)	۳۰ (۷/۴)	کومیتو ۲۵ (۵/۳)	۵ (۴/۷)	۰ (۰/۲)	۹ (۵/۵)	۴۸۶ (۱۰۰)
۲۷ دسامبر ۱۹۶۹	۲۸۸ (۴۷/۶)		۹۰ (۲۱/۴)	۳۱ (۷/۷)	۴۷ (۱۰/۹)	۱۴ (۶/۸)	۰ (۰/۱)	۱۶ (۵/۳)	۴۸۶ (۱۰۰)
۱۰ دسامبر ۱۹۷۲	۲۷۱ (۴۶/۸)		۱۱۸ (۲۱/۹)	۱۹ (۶/۹)	۲۹ (۸/۴)	۳۸ (۱۰/۴)	۲ (۰/۲)	۱۴ (۵/۰)	۴۹۱ (۱۰۰)
۵ دسامبر ۱۹۷۶	۲۴۹ (۴۱/۷)	باشگاه لیبرال جدید۱۷ (۴/۱)	۱۲۳ (۲۰/۶)	۲۹ (۶/۲)	۵۵ (۱۰/۹)	۱۷ (۱۰/۳)	۰ (۰/۰)	۲۱ (۵/۷)	۵۱۱ (۱۰۰)
۷ اکتبر ۱۹۷۹	۲۴۸ (۴۴/۵)	۴ (۳/۰)	۱۰۷ (۱۹/۷)	حزب سوسیال دموکراتیک متحد ژاپن۲ (۰/۶)	۳۵ (۶/۷) ۵۷ (۹/۷)	۳۹ (۱۰/۴)	۰ (۰/۱)	۱۹ (۴/۸)	۵۱۱ (۱۰۰)
۲۲ ژوئن ۱۹۸۰	۲۸۴ (۴۷/۹)	۱۲ (۳/۰)	۱۰۷ (۱۹/۳)	۳ (۰/۷)	۳۲ (۶/۶) ۳۳ (۹/۰)	۲۹ (۹/۸)	۰ (۰/۲)	۱۱ (۳/۵)	۵۱۱ (۱۰۰)

برای قسمت اعظم دوران بعد از جنگ سیاست ژاپن تحت سلطهٔ حزب لیبرال دموکراتیک و سوسیالیست (اکنون حزب سوسیال دموکراتیک خوانده می‌شود) بود و هر دو در سال ۱۹۵۵ شکل گرفتند. «رژیم ۱۹۵۵» تا سال ۱۹۹۳ ادامه داشت. در جولای ۹۳ حزب لیبرال دموکراتیک اکثریت پارلمانی خود را از دست داد و ادارهٔ آن به‌طور رسمی توسط ائتلاف غیرلیبرال دموکرات هشت حزبی ادامه پیدا کرد. این پایان رژیم ۱۹۵۵ بود. در دسامبر ۱۹۹۴ بسیاری از احزابی که در کابینه ائتلافی هشت حزبی ۱۹۹۳ حاضر بودند با یکدیگر متحد شدند تا حزب جبهه را تشکیل دهند. به هر حال احزاب ائتلافی دربارهٔ مسائل اساسی کشور نظرات خاص

خود را داشتند، با این وجود در رابطه با چارچوب ذیل به توافق رسیدند:

ـ سیاست‌های موجود در امور دیپلماسی خارجی و دفاعی حفظ شود و بر اجرای نقش کلیدی ژاپن در تأمین صلح و خلع سلاح بین‌المللی تأکید شود.

ـ سیاست اقتصاد بازار و همکاری با کشورهای خارجی حفظ خواهد شد ولی در مورد تأمین مواد غذایی و انرژی، کنترل و نظارت دولت ادامه خواهد یافت.

ـ در زمینه حفظ صلح و امنیت آسیا و جهان همکاری‌های لازم به عمل خواهد آمد.

ـ دولت ژاپن همواره در تلاش‌های اجرایی سازمان ملل برای تأمین صلح مشارکت خواهد نمود.

ـ پیمان امنیتی موجود بین دو دولت ژاپن و آمریکا محفوظ خواهد شد.

ـ با توجه به توسعه منابع جدید انرژی در مورد امنیت نیروگاه‌های هسته‌ای، تأکید بیشتری به عمل خواهد آمد.

ـ با تأکید بر پیمان ژاپن و کره جنوبی در زمینه وحدت شبه‌جزیره کره همکاری‌های لازم به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

در زمینه مسائل داخلی کشور مؤتلفین توافق کردند که:

ـ در زمینهٔ بهبود وضعیت اقتصادی و جلوگیری از رکود همکاری کنند؛

ـ سیستم اداری کشور در جهت تمرکززدایی سوق داده شود؛

ـ سیستم مالیاتی موجود کشور مورد تجدیدنظر قرار گیرد؛

ـ اقدامات لازم در زمینه توسعه کشاورزی، شیلات و صنایع کوچک و متوسط اتخاذ شود؛

ـ در زمینه محافظت از محیط زیست همکاری‌های لازم به عمل آید؛

ـ سیستم آموزش و پرورش بر اساس پرورش شخصیت و استقلال فردی توسعه یابد؛

ـ به رفاه عمومی توجه بیشتری معطوف شد و مسائل و مشکلات افراد مسن و کارکنان در شهرها از نظر مسکن و امکانات پزشکی و رفاهی برطرف شد.

البته لازم به ذکر است که احزاب مذکور در مورد جزئیات این توافق‌نامه کاملاً هم‌عقیده نبودند و دولت «هرسوکاوا» در اجرای برنامه‌های خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد، که عمده‌ترین آنها نحوهٔ ایجاد اصلاحات در سیستم انتخابات کشوری بود. بالاخره در انتخابات ماه ژوئن سال ۱۹۹٤ حزب لیبرال دموکرات مجدداً اکثریت آرا را کسب کرد و یک دولت ائتلافی با احزاب سوسیالیست و ساکی‌گاکه تشکیل داد و بدین‌ترتیب آقای «مورایا» رئیس حزب سوسیالیست به نخست‌وزیری و آقای کونو به معاونت وی منصوب گردید.[۱۰۵]

در سال ۱۹۹٤ تعداد زیادی از اعضای دایت از حزب جدید ساگی‌گاکه و حزب سوسیال دموکراتیک از حزب خود کناره‌گیری کردند تا حزب دموکراتیک را تأسیس کنند. این امر منجر به تشکیل حزب جدید لیبرال و پنج حزب کوچک دیگر شد. برخی از این احزاب کوچک‌تر بعدها به حزب دموکراتیک پیوستند که بعد از حزب لیبرال دموکراتیک بزرگ‌ترین حزب ژاپن شد.[۱۰۶]

جناح‌های حزب لیبرال دموکراتیک

در حال حاضر تعداد هشت گروه سیاست‌گذار در این حزب وجود دارد. هدف اصلی از توسعه این گروه‌ها انتخاب رهبر حزب (و نخست‌وزیر ژاپن) از طریق آرای اعضای حزب می‌باشد. هدف اصلی هر یک از جناح‌ها حمایت از نامزدی رهبریت آن است.

در نظام انتخاباتی قبلی، مجلس مشاوران مناسب مناطق متوسط و دارای چند نماینده بود. در تلاش برای تشکیل اکثریت در درون حزب، جناح‌های مختلف از نامزدهای مختلف در درون حزب حمایت می‌کردند. این کار باعث شد که نامزدهای حزب لیبرال دموکراتیک بر سر کرسی‌های یک ناحیه با یکدیگر رقابت کنند.

وجود جناح‌ها، یک نظام «گروه‌های مخالف، گروه‌های حاکم» را در درون حزب لیبرال دموکراتیک ایجاد کرد که به انتقال آرام قدرت و اختیار به نسل‌های بعدی کمک کرده و تغییر سیاست‌گذاری را تسهیل نمود. در عین حال جناح‌ها همیشه از این جهت که «زمینه را برای

فساد مالی» مهیا کرده‌اند، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند و باعث شد این حزب هویت خود را به‌عنوان یک حزب از دست داده و صرفاً به صورت مجموعه‌ای از گروه‌های رقیب درآید. در پاسخ به این نگرانی‌ها، حزب یک نظام انتخاباتی جدید برای نواحی تک‌کرسی و سهمیه‌ای برای نواحی برای انتخابات مجلس مشاوران در ژانویه ۱۹۹٤ پیشنهاد کرد. در پی این پیشنهادات دفتر جناح‌ها در ماه دسامبر بسته شد. با وجود این به‌خاطر: ۱. نقش مهمی که جناح‌ها در ایجاد اتحاد بین یک حزب سیاسی بزرگ با بیش از ٤۰۰ عضو در دایت و ارتباطات آنان ایفا کرده بود و ۲. غیرقابل اجتناب‌بودن وجود آنها بنا به ماهیت روند انتخابات برای انتخاب ریاست حزب، مقر اصلاحات حزب در سال ۱۹۹۹، این جناح‌ها به‌عنوان «گروه‌هایی که از افراد همفکر برای هدف سیاست‌گذاری» به ریاست آیچی کازو[1] شناخته شدند.

این گروه‌های سیاست‌گذار، در جلسات ادواری خود، خطوط ارتباطی و فرصت‌های تبادل عقاید و آرا را در داخل حزب فراهم می‌کنند.

گروه‌های سیاست‌گذار در حزب لیبرال دموکراتیک عبارتند از:

- Heisei Kenkyukai (جناح هاشیموتو) Hashimoto
- Kochi-Kai (جناح اوزاتو) Ozato
- Kochi-Kai (جناح هوریوچی) Horiuchi
- Seiwa Seisaku Kenkyukai (جناح موری) Mori
- Shisui-Kai (جناح اتو ـ کامی) Eto-Kamei
- Kinmirai Kenkyukai (جناح یاماساکی) Yamasaki
- Bancho-Seisaku Kenkyukai (جناح کومورا) Komura

Taiyu –Kai (گروه کونو)

توضیح آنکه برخی اعضای LDP مستقل بوده و وابسته به هیچ‌یک از گروه‌ها نیستند.

دیاگرام جناح‌های حزب لیبرال دموکراتیک

---

1. Aichi Kazuo

جناح	موضع	گرایش سیاسی	تعداد اعضای دایت		اعضای با نفوذ
			مجلس نمایندگان	مشاوران	
هاشیموتو	ضد کویزومی	بدون گرایش	۵۸	۴۱	نوناکاهیرومو هاشیموتو ریاتارو آئوکی می‌کیو
موری	موافق کویزومی	ستیزگرایانه	۴۰	۱۹	شیوکا واماسایارو (وزیر دارایی) موری یوشیرو (نخست‌وزیر سابق)
اتوکامی	ضدکویزومی	ستیزگرایانه	۳۷	۲۱	کامی شیزوکا ناکاسونه یاسوهیرو (نخست‌وزیر سابق) هیرانوماتاکه‌ئو کوگاماکوتو
هیروای‌چی	ضدکویزومی	فاقد گرایش	۳۸	۱۱	میازاواکیچی (نخست‌وزیر سابق) هیروچی میتسوئو
یاماساکی	موافق کویزومی	ستیزگرایانه	۲۱	۴	یاماساکی تاکو (دبیرکل)
کومورا	خنثی	لیبرال	۱۲	۲	کومورا ماساهیکو موری یاما مایومی (وزیر دادگستری)
جناح سابق کاتو	خنثی	لیبرال	۱۰	۳	—
گروه کونو	خنثی	لیبرال	۱۱	۰	کوتویوهه‌ای (رهبر سابق حزب) آسائو تارو
مستقلین			۲۰	۹	جونیچیرو کویزومی

جناح	موضع	گرایش سیاسی	تعداد اعضای دایت		اعضای با نفوذ
			مجلس نمایندگان	مشاوران	
					(نخست‌وزیر قبلاً از گروه موری) ایشیها رونوبوته‌رو (وزیر اصلاحات اداری)

ـ انتخابات عمومی سال ۱۹۹۳ و دولت‌هایی که LDP در آنها نقشی نداشت

از سال ۱۹۹۲، زمانی‌که رابطهٔ تیره بین سیاست و پول آشکار شد، اصلاحات در سیستم انتخابات مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. نقطه تمرکز بحث، حول محور اتخاذ حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی برای مجلس نمایندگان باعث شد درها به روی یک نظام دوحزبی گشوده شده و ملت بتواند گزینش شفافی را برای راهی که سال‌ها در پیش رو دارد، انجام دهد.

«کیجی میازاوا»، لایحه‌ای را راجع به حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی در سال ۱۹۹۳ ارائه کرد ولی این ابتکار عمل از سوی مخالفان مورد تهدید واقع شد.آن‌ها مخالف انتخاب تمامی اعضای مجلس مشاوران از حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی بودند و برخی اعضای LDP هم که نمی‌خواستند پایه حمایت انتخابیه خود را از دست بدهند، به جمع مخالفان پیوستند و به این ترتیب روند اصلاح انتخابات به بن‌بحزبت رسید.

انتخابات عمومی که در جولای ۱۹۹۳ به دنبال انحلال مجلس مشاوران انجام شد، بر مبنای دو موضوع بود: اصلاحات سیاسی و ایجاد یک دولت ضد LDP و LDP هنگامی‌که اکثریت کرسی‌ها را از دست داد از اکثریت هم در پارلمان افتاد. هشت حزب با یکدیگر متحد شده و

ائتلافی را علیه LDP به رهبری «موریهیرو هوسوکاوا»[1] از حزب نوی ژاپن تشکیل دادند و برای اولین بار بعد از ۳۸ سال، LDP مجبور شد زمام حکومت را رها کند و به این طریق طومار سیستم حکومتی غالب را از سال ۱۹۵۵ در هم بپیچد. در کابینه هوسوکاوا، نیروهای محافظه‌کار، میانه‌رو و چپ‌گرا، با یک هدف مشترک یعنی همان اصلاحات سیاسی گرد هم جمع شدند. در ژانویه ۱۹۹٤، دایت نهایتاً قانونی را تصویب کرد که ترکیبی از حوزه انتخابیه تک‌کرسی و رأی‌گیری سهمیه‌ای بود.

حزب LDP در ژوئن ۱۹۹٤ دوباره قدرت را به دست گرفت. در حالی که یک ائتلاف ۳ جانبه شامل؛ LDP، حزب سوسیال دموکراتیک نام جدید ISP و ساگی‌گاکه[2] بود و «تومیجی موریاما» از حزب سوسیال دموکراتیک (SDP) به عنوان نخست‌وزیر منصوب شد. برای اینکه بتواند در مقام حزب حاکم قدرت را به دست بگیرد می‌بایست مخالفت دیرینه خود را با پیمان امنیتی آمریکا ـ ژاپن و نیروهای دفاعی، کنار می‌گذاشت. «ریوتارو هاشیموتو» به‌عنوان جانشین «مورایاما» رهبریت دولت ائتلافی LDP-SDP-Sakigake را در ژانویه ۱۹۹٦ به دست گرفت. اما در آستانه انتخابات عمومی اکتبر ۹٦، حمایت Sakigake, SDP از LDP دیگر ضروری نبود در عین همکاری در دایت، این دو حزب نقش مستقیمی در کابینه نداشته و بار دیگر عنان رهبری دولت را بعد از سه سال وقفه به LDP سپردند.

عقب‌نشینی LDP در انتخابات ۱۹۹۸ مجلس نمایندگان

کابینه «هاشیموتو» خواستار اجرای شش مورد اصلاحات بود. بوروکراسی (تجدید سازمان وزارتخانه‌ها و آژانس‌های مرکزی)، امور مالی دولت (پایان دادن به انتشار اوراق قرضه برای جبران کسری بودجه)، نظام تأمین اجتماعی (ابداع برنامه بیمه و اصلاح نظام بیمه‌ای بهداشتی)، ساختار اقتصادی (مقررات‌زدایی، نظام مالی) اجرای اصلاحات "Big Bang" و آموزش و کوشید از طریق قانونگذاری از این اصلاحات حمایت کند.

1. Mori Hiro Hosokawa
2. Sakigake

در اواخر نیمهٔ ۱۹۹۷، دولت هاشیموتو با مشکلاتی مواجه شد، تصمیمات دولت مبنی بر افزایش مالیات بر مصرف از ۳ به ۵ درصد، لغو حذف مالیات بر خریدهای دولتی به‌منظور حمایت از صنایع خصوصی و افزایش کمک‌های اعطایی تحت برنامه بیمه بهداشتی ملی که باعث شد مالیات دهندگان ۹ تریلیون ین بپردازند، در حالی‌که برخی نهادهای مالی در حال فروپاشی بودند، ایجاد خدشه عمومی در اعتبارات جاری، افزایش بیکاری و بحران مالی شرق آسیا همگی باعث ضربه‌زدن به اقتصادی شدند که از پس‌لرزه‌های یک اقتصاد حباب‌گونه منطبق بر سفته‌بازی خود آسیب دیده بود.

در اثر انتقادات شدید عمومی به دلیل سوء مدیریت‌های اقتصادی LDP در انتخابات نمایندگان در سال ۱۹۹۸ به‌طرز سختی شکست خورده و اکثریت را از دست داد. با اعلام نتایج انتخابات، هاشیموتو از نخست‌وزیری استعفا داد.

کابینه‌های اوبوچی و موری

کیزو اوبوچی با شعار کابینهٔ احیای اقتصاد روی کار آمد. دولت اوبوچی با سیاست جدید مبتنی بر هدف احیای اقتصادی و بازگشت به نرخ‌های رشد اقتصادی پایان سال مالی در آوریل سال ۱۹۹۹، دولت را تشکیل داد.

به‌منظور تقویت ثبات دولت در طی دوران رکود اقتصادی، حزب حاکم دست به ائتلاف با حزب لیبرال زد. از آنجایی‌که ائتلاف هنوز از شکست مجلس نمایندگان شرمسار بود، اما به هر حال همکاری کومیتو در هدایت امور دایت ضروری بود.

در ژانویه ۱۹۹۹، کابینه اوبوچی خواستار اقدامات مالی در بودجه مالی ۹۹ شد تا اقتصاد را تحرک ببخشد این اقدامات شامل؛ کاهش دائمی مالیات‌ها، اقداماتی در جهت ایجاد شغل و کمک به تحرک بخشیدن به اقتصاد بود. در حالی‌که اقتصاد ژاپن در حال آشکارسازی نشانه‌های لیبرال بوده تأیید عمومی از کابینه به‌طور شگفت‌انگیزی از کاهش شدیدی که بعد از روی کار آمدن اوبوچی پیش آمده بود بالا گرفت.

کومیتو به‌طور رسمی در جولای ۱۹۹۹ تصمیم گرفت به دولت ملحق شود و با این کار باعث شد ائتلاف LDP، حزب لیبرال و کومیتو اکثریتی بیش از ۷۰ درصد در مجلس مشاوران و همین حدود در مجلس نمایندگان به دست آورد.

حزب لیبرال در آوریل ۲۰۰۰ از ائتلاف بیرون رفت، به هر حال بلافاصله بعد از آن اوبوچی با مشکل مواجه شد. حزب شکاف پیدا کرد و بیش از نیمی از اعضای آن به حزب جدید محافظه‌کار پیوستند و در اتحاد حاکمه باقی ماندند. یک دولت ائتلافی جدید به رهبری «یوشیرو موری» روی کار آمد. او سیاست‌های محرکهٔ «ابوچی» را برای بازسازی اقتصادی دنبال کرد و تلاش زیادی را برای موفقیت اجلاس G8 در کیوشو، اوکیناوا که ژاپن میزبان آن بود، انجام داد. اما بنا به سایر عوامل دخیل، میزان حمایت از او کاسته شد. LDP که شدیداً نگران شکست احتمالی در انتخابات مجلس مشاوران بود، باعث شد، «موری» در مارس ۲۰۰۱ استعفا دهد.

دولت کویزومی

با انتقاداتی که به گزینش «موری» به عنوان رهبر حزب پشت درهای بسته از سوی چند تن از رهبران حزب شد، LDP تصمیم گرفت تا رهبر بعدی حزب از طریق آرای اعضای آن و اعضای LDP دایت انتخاب شود. با حمایت بی‌نظیری که از سوی اعضای حزب و عموم به عمل آمد، «جونیچیرو کویزومی»، نخست‌وزیر قبلی یعنی «هاشیموتو» و «تارو آسو»، وزیر اقتصادی و مالی را شکست داد و در انتخابات برنده شد. در آوریل ۲۰۰۱ «کویزومی» از سوی دایت به عنوان هشتاد و هفتمین نخست‌وزیر ژاپن و بیست و هفتمین پس از جنگ جهانی دوم انتخاب شد.

با حمایت قدرتمند LDP در جولای ۲۰۰۱ در انتخابات مجلس نمایندگان و حمایت بی‌شائبهٔ مردم، نخست‌وزیر «کویزومی» رهبری قاطعانه‌ای را به دست گرفت. با مقابله با نیروهای مقاومتی که از سوی سیاستمداران و بوروکرات‌ها که درصدد حفظ منافعشان بودند، او «اصلاحات ساختاری بدون هیچ‌گونه سازشی» را مطرح کرد. او علاقه خاصی به اموری از قبیل

بازسازی مالی، شامل کاهش هزینه‌های مالی و ایجاد مقررات جدید در مورد موضوعات تازه برای اوراق قرضه دولتی، اصلاح سازمان‌های خاص دولتی و نظام تأمین اجتماعی شد. لایحه بودجه در سال ۲۰۰۲ بسیار سختگیرانه بود. همچنین به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا و به دنبال آن جنگ در افغانستان، نخست‌وزیر کویزومی در ایجاد چارچوبی قانونی برای قادر ساختن ژاپن به واکنش، رهبری را به دست گرفت.[۱۰۷]

لازم به یادآوری است حزب لیبرال دموکراتیک دارای خط‌مشی محافظه‌کارانه است.

در حال حاضر (۳ فوریه ۲۰۰۳) تعداد کرسی‌های مجلس نمایندگان ۲۳۳

در حال حاضر (۳ فوریه ۲۰۰۳) تعداد کرسی‌های مجلس مشاوران ۱۱۰

رهبر این حزب جونیچیرو کویزومی (Junichiro Koizumi) است.

حامیان اصلی؛ کشاورزان، کارگران خود اشتغال ، شرکت‌های کوچک و متوسط، مناطق روستایی در قبال شهرهای بزرگ، نسل‌های قدیمی‌تر، زنان خانه‌دار در مقابل زنان شاغل، محافل بازرگانی، صنایع ساختمانی و دفاعی، اتحادیه‌های پزشکان، دندانپزشکان، پرستاران و داروسازان، مذهبیون شینتو و بودایی و سایر مذاهب مشتقه، اتحادیه خانواده‌های بازماندگان جنگ، ضعیف‌ترین حمایت در اوزاکا هستند.[۱۰۸]

از سال ۱۹۶۰ تا ژوئن ۱۹۹۳

نام	حاکم/ مخالف	گرایش سیاسی	مورد حمایت
حزب لیبرال دموکراتیک	حاکم	محافظه‌کار	—
حزب سوسیالیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب کومه	مخالف	میانه‌رو/ مذهبی	ساگی‌گاکه
حزب کمونیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب سوسیال دموکراتیک	مخالف	میانه‌رو	اتحادیه‌های تجاری
باشگاه لیبرال جدید	خنثی تا حاکم	میانه‌رو	—
فدراسیون سوسیال دموکراتیک	مخالف	میانه‌رو	اتحادیه‌های تجاری

از اوت ۱۹۹۳ تا ژوئن ۱۹۹۴

نام	حاکم/ مخالف	گرایش سیاسی	مورد حمایت
حزب لیبرال دموکراتیک	مخالف	محافظه‌کار	—
حزب سوسیالیست ژاپن	حاکم تا ختثی	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب احیا	حاکم/ نخست‌وزیر	محافظه کار	—
حزب کومه	حاکم	میانه‌رو/ مذهبی	—
حزب جدید ژاپن	حاکم/ نخست‌وزیر	لیبرال	ساکی گاکه
حزب کمونیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	—
حزب سوسیال دموکراتیک	حاکم	میانه‌رو	اتحادیه‌های تجاری
حزب ساگی‌گاکه جدید	حاکم تا ختثی	لیبرال	اتحادیه‌های تجاری
فدراسیون سوسیال دموکراتیک	حاکم	میانه‌رو	—

از دسامبر ۱۹۹۴ تا سپتامبر ۱۹۹۶

نام	حاکم/ مخالف	گرایش سیاسی	مورد حمایت
حزب لیبرال دموکراتیک	حاکم/ نخست‌وزیر	محافظه‌کار	—
حزب جبهه جدید	مخالف	محافظه‌کار	—
حزب سوسیالیست ژاپن	حاکم/ نخست وزیر	لیبرال/ اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری ـ ساکی گاکه
حزب کمونیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری ـ ساکی گاکه
حزب ساگی‌گاکه جدید	حاکم	لیبرال	اتحادیه‌های تجاری

از دسامبر ۱۹۹۶ تا دسامبر ۱۹۹۷

نام	حاکم/ مخالف	گرایش سیاسی	مورد حمایت
حزب لیبرال دموکراتیک	حاکم/ نخست‌وزیر	محافظه‌کار	—
حزب جبهه جدید	مخالف	محافظه‌کار	اتحادیه‌های تجاری ـ ساکی گاکه
حزب دموکراتیک	خنثی	لیبرال	اتحادیه‌های تجاری
حزب کمونیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب سوسیال دموکراتیک	حاکم	لیبرال/ اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب تایو	مخالف	محافظه‌کار	—
حزب ساکی‌گاکه جدید	حاکم	لیبرال	—

از مه ۱۹۹۸ تا آوریل ۲۰۰۰

نام	حاکم/ مخالف	گرایش سیاسی	مورد حمایت
حزب لیبرال دموکراتیک	حاکم/ نخست‌وزیر	محافظه‌کار	—
حزب دموکراتیک	مخالف	لیبرال	اتحادیه‌های تجاری
حزب کومه	مخالف تا حاکم	میانه‌رو ـ مذهبی	ساکی‌گاکه
حزب کمونیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب سوسیال دموکراتیک	مخالف	لیبرال/ اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب لیبرال	مخالف/ حاکم	محافظه‌کار	اتحادیه‌های تجاری
باشگاه اصلاح‌طلب	مخالف/ حاکم	محافظه‌کار	ساکی‌گاکه

از آوریل ۲۰۰۰ تا دسامبر ۲۰۰۲

نام	حاکم/ مخالف	گرایش سیاسی	مورد حمایت
حزب لیبرال دموکراتیک	حاکم/ نخست‌وزیر	محافظه‌کار	—
حزب دموکراتیک	مخالف	لیبرال	اتحادیه‌های تجاری
حزب کومه	حاکم	میانه‌رو ـ مذهبی	ساگی‌گاکه
حزب لیبرال	مخالف	محافظه‌کار	اتحادیه‌های تجاری
حزب کمونیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب سوسیال دموکراتیک	مخالف	لیبرال/ اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب محافظه‌کار	حاکم	محافظه‌کار	—

از دسامبر ۲۰۰۲ تاکنون

نام	حاکم/ مخالف	گرایش سیاسی	مورد حمایت
حزب لیبرال دموکراتیک	حاکم/ نخست‌وزیر	محافظه‌کار	—
حزب دموکراتیک	مخالف	لیبرال	اتحادیه‌های تجاری
حزب کومه	حاکم	میانه‌رو ـ مذهبی	ساگی‌گاکه
حزب لیبرال	مخالف	محافظه‌کار	اتحادیه‌های تجاری
حزب کمونیست ژاپن	مخالف	اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب سوسیال دموکراتیک	مخالف	لیبرال/ اصلاح‌طلب	اتحادیه‌های تجاری
حزب محافظه‌کار جدید	حاکم	محافظه‌کار	—

٦ـ۲ـ۹ـ حزب کمونیست ژاپن

Japan Communist Party

شناسنامه حزب

کرسی‌های مجلس نمایندگان: ۲۰

مجلس مشاوران: ۲۰

میزان حمایت عامه: ٤ـ۲ درصد

گرایش سیاسی: اصلاح‌طلب، طرفدار دولت بزرگ، مخالف اصلاح قانون اساسی، چپ‌گرا

موضع سیاسی: از زمان تأسیس ۱۹۲۲ تاکنون: مخالف

رهبر رسمی: آقای شی کازو[۱]

رهبر انتزاعی: رهبری دوگانه توسط شی کازو و فوا تتسوزو[۲]

حامیان اصلی: طبقه متوسط پایین در مناطق شهری، فرمانداری‌های کیوتو و اوزاکا، رقیب حزب کومه

روزنامه رسمی ارگان حزب: پرچم قرمز نام دارد.

تاریخچه اجمالی

حزب کمونیست ژاپن تنها حزب سیاسی در ژاپن است که از قبل از جنگ جهانی دوم تا به حال به موجودیت خود ادامه داده است.(۱۰۹) حزب با میراثی از سنن انقلابی و ترقیخواهانه ملت، در ۱۵ جولای ۱۹۲۲ به عنوان حزبی با پایه نظری سوسیالیسم علمی در بحبوحه مبارزات مردم ژاپن و جنبش‌های آزادی‌خواهانه مردم دنیا از جمله انقلاب سوسیالیستی اکتبر روسیه تأسیس شد. این حزب مخفیانه سازماندهی شد و فعالیت زیرزمینی خود را آغاز کرد ولی در بهار ۱۹۲٤ به دلایل اختلاف خط‌مشی‌ای منحل و مجدداً در سومین کنگره آن در دسامبر ۱۹۲٦ سازماندهی شد.(۱۱۰) در آن زمان ژاپن یکی از قطب‌های سرمایه‌داری عمدهٔ دنیا

---

1 Shii Kazuo

1 Mr. Fuwa Tetsuzo

بود، اما مناطق روستایی آن هنوز تحت نظام نیمه فئودالی اداره می‌شد و سیستم پلیسی نظامی ژاپن مانع از احقاق حقوق مسلم ملت و آزادی شده و درصدد تجاوز و جنگ علیه سایر کشورهای آسیایی بود. بر این اساس حزب به دنبال یک سیاست کاری در وهله اول درصدد انقلابی دموکراتیک با هدف دستیابی به ژاپنی صلح‌آمیز و دموکراتیک بود که بعدها به انقلابی سوسیالیستی و ساختن یک ژاپن سوسیالیست منجر شود.

حزب به مبارزه برای حذف نظام نیمه‌فئودالی و آزادسازی زمین‌ها برای فلاحان دست زد. همچنین در راه آزادسازی مردم، روشنفکران، زنان و جوانان از نظام بهره‌کشی انحصاری سرمایه‌داری و گسترش فرهنگ انقلابی همت گماشت. حزب کمونیست علیه جنگ‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم ژاپن در برابر انقلاب‌های چین و روسیه جنگید و در دفاع از صلح در آسیا و سایر نقاط دنیا به ایستادگی در مقابل جنگ متجاوزانه علیه چین پرداخت. همچنین از آرمان آزادیخواهانه کره و تایوان که مستعمرات امپریالیسم ژاپن بودند پرداخت و در این راه بسیاری از اعضای حزب دستگیر، تبعید یا کشته شدند. بعد از پایان جنگ و از بین رفتن «نظام تنو» Tenno System در ژاپن، حزب پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری خلق را تهیه کرد.[111]

حزب در اولین انتخابات ژاپن تحت قانون جدید در فوریه ۱۹۲۸، تمامی نامزدهای آن که تحت لوای Rodo Nominto فعالیت می‌کردند، شکست خوردند و بدتر از آن فعالیت‌های انتخاباتی حزب باعث دستگیری گسترده اعضای آن به موجب قانون حفظ صلح یکبار در ۱۵ مارس ۱۹۲۸ و بار دیگر در ۱۶ آوریل ۱۹۲۹ شد و در اثر توقیف سایر اعضای باقیمانده از جمله «میاماتو»، ضربه بزرگی به سازمان حزب کمونیست وارد شد.

بعد از جنگ حزب کمونیست فعالیت‌های عمومی خود را با برگزاری چهارمین کنگره حزب، اولین بار بعد از ۱۹ سال در دسامبر ۱۹٤٥ با اعضای جدید، آغاز کرد. رهبران حزب شامل «توکودا کیوبچی» به عنوان دبیر کل و «شیگا یوشیو» و «نوساکا سانزو» که بعد از سال‌ها تبعید از چین برمی‌گشت، بودند.

در آغاز، در رابطه با نیروهای متحد به عنوان ارتش آزادیبخش، حزب نظریه «انقلاب

مسالمت‌آمیز تحت اشغال را ارائه داد. ولی در ژانویه ۱۹۵۰، کومینفرم این نظریه را مورد حمله قرار داد. این‌کار باعث اشتقاق حزب به یک جناح به رهبری «توکودا» که متمایل به سیاست انقلاب خشن شده بود و یک جناح مخالف آن شد (ولی از سوی مردم مورد حمایت قرار نگرفت). با پاکسازی رهبران حزب و شروع جنگ کره، در خط‌مشی جدید متخذه در اکتبر ۱۹۵۱ کنفرانس ملی حزب خط‌مشی رادیکال‌تری را اتخاذ کرده و تاکتیک‌های خشنی چون استفاده از کوکتل مولوتوف را پیش گرفت اما عضویت در حزب شدیداً کاهش یافت و در انتخابات شکست خورد. در ششمین کنفرانس ملی حزب در جولای ۱۹۵۵، در نهایت خط‌مشی رادیکالی خود را اصلاح کرد و در جهت پذیرش دموکراسی پارلمانی حرکت کرد. دو جناح حزب به سازش رسیدند و در هفدهمین کنگره حزب در جولای ۱۹۵۸، اولین کنگره پس از ۱۱ سال دوباره متحد شدند. «نوساکا» به سمت ریاست کمیته مرکزی و «میاماتو» به عنوان دبیرکل برگزیده شدند.

«میاماتو» موقعیت خود را با اتخاذ خط‌مشی میانه‌روتری با تاکید بر استقلال و پارلمانتاریسم، استحکام بخشید و خط‌مشی جدید حزب در هجدهمین کنگره آن در جولای ۱۹۶۱ اتخاذ شده که البته بخشی از آن بعدها مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این خط‌مشی با تأکید بر اهمیت دایت با دیدگاه مبتنی بر ایجاد دولت بر اساس جبهه متحد دموکراتیک مردمی مجدداً به انقلاب مسالمت‌آمیز بازگشت.

در هفتمین کنوانسیون حزب در ژوئیه ۱۹۵۸ پیشنهادی برای تنظیم مرامنامه جدید مطرح شد که طبق آن، حزب می‌بایست روش مستقل و منطقی‌تری را در پیش گیرد. مرامنامه جدید در هشتمین کنوانسیون حزب در ژوئیه ۱۹۶۱ با اکثریت آرا از سوی اعضا مورد پذیرش قرار گرفت. از سال ۱۹۶۱ حزب به تدریج تلاش کرد که به عنوان نمایندهٔ توده‌های مردم پایگاه مردمی خود را گسترش دهد. حزب کمونیست ژاپن به عنوان یک حزب مستقل و متکی به خود هم با حزب کمونیست شوروی و هم با حزب کمونیست چین دچار ناسازگاری بود و به همین دلیل جناح‌های طرفدار چین و شوروی را از حزب اخراج کرد.[۱۱۲]

قبل از کنگره هیجدهم، «میاماتو»، «کاسوگا شوجیرو»[1] و سایرینی که استراتژی انقلابی مخالفی را برگزیده بودند از حزب اخراج کرد. قبل از کنگره نوزدهم در اکتبر ۱۹٦٤ «یوشیگا یوشیو»[2] و سایر اعضای موافق دیدگاه‌های مسکو را که موافق با بخشی از پیمان منع آزمایشات هسته‌ای در حمایت از سیاست‌های حزب بودند، از حزب بیرون کرد. کمی قبل از کنگره دهم در اکتبر ۱۹٦٦، «شیزاوا ریوجی» که موافق سیاست‌های چین بود نیز از حزب اخراج شد. (از زمان توقف مذاکرات در مارس ۱۹٦٦ مابین احزاب کمونیست چین و ژاپن روابط آنها رو به تیرگی گذاشته بود) در طی این اتفاقات بود که «میاموتو» توانست به تحکیم رهبریت خود بپردازد.

در کنگره یازدهم حزب در جولای ۱۹۷۰ میاماتو سازمان حزب را با اتخاذ اقداماتی چون ایجاد پست ریاست کمیته مرکزی که خود رئیس آن شد، اصلاح کرد. به این ترتیب او کنترل اسمی و رسمی حزب را با انتصاب «فوما تتسوزو»[3] به سمت دبیر کلی حزب به منظور تحکیم موقعیت رهبریش به دست گرفت. در کنگره یازدهم اساسنامه حزب بازنگری شد. عبارت «حزب خوداتکا و مستقل» که برای انقلاب ژاپن بار تعهد در بردارد. در مقدمه اساسنامه گنجانده شده و خط‌مشی حزب را مبنی بر خوداتکایی و استقلال روشن کرد. گزارش کمیته مرکزی به کنگره روشن ساخت که حتی اگر حزب کمونیست به قدرت برسد، نظام چندحزبی محترم شمرده می‌شود.(۱۱۳)

در آن زمان حزب در حد قابل قبولی رشد کرد. در سی و سومین انتخابات سراسری مجلس نمایندگان (یکی از دو مجلس و مهم‌ترین مؤلفه قانونگذاری) در دسامبر ۱۹۷۲، حزب موفق شد تعداد کرسی‌های خود را از ١٤ به ۳۸ کرسی افزایش دهد. بعد از رسیدن به نقطه اوج قدرت پارلمانی در سی و پنجمین انتخابات سراسری در اکتبر ۱۹۷۹ با ۳۹ کرسی در مجلس نمایندگان، حزب یک دوره رکود را تجربه کرد. حزب کمونیست ژاپن به ویژه بعد از

---

1. Kasuga Shojiro
2. Shiga Yoshio
3. Fuma Tetsuzo

انحلال شوروی، واقعه میدان تیان‌آن‌من در پکن در ژوئیه ۱۹۸۹ و اصلاحات در اروپای شرقی، ضربه سختی خورد و رهبری فرسوده و قدیمی آن شدیداً تحت انتقاد قرار گرفت.(۱۱٤)

در کنگره دوازدهم در دسامبر ۱۹۷۳ مرامنامه حزب با تغییر عبارت «اردوگاه سوسیالیست به رهبری اتحاد شوروی» به عبارت «اردوگاه سوسیالیست» تغییر کرد و لغت دیکتاتوری[1] از عبارت «دیکتاتوری پرولتاریا» حذف شد و واژه Shikken به معنی (اعمال قدرت) جایگزین شد.

در کنگره دوازدهم حزب برنامه دولت ائتلافی دموکراتیک را با ۳ هدف اتخاذ کرد:

۱ـ بی‌طرفی ژاپن از طریق بر هم زدن اتحاد نظامی آن کشور.

۲ـ کنار گذاشتن دولت وقت که نمایندهٔ سرمایه‌داری عمده است و جایگزینی آن با دولتی که حافظ منافع ملت باشند.

۳ـ ممانعت از تسلیح مجدد ژاپن و تلاش برای ایجاد دموکراسی در این کشور.

حزب کمونیست ژاپن به‌دلیل آنکه از نظر نفوذ سیاسی و قدرت پارلمانی تا چندی پیش از وضعیت مستحکمی برخوردار نبود کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت ولی از حدود سال ۱۹۹٤ این حزب در انتخابات سراسری مجلس نمایندگان و سپس در انتخابات انجمن شهر توکیو و در برخی از انتخابات محلی دیگر پیروزی‌های قابل توجهی به دست آورد و موفق شد که خود را در سطح چهار حزب فعال ژاپن مطرح کند.

این حزب در انتخابات سراسری مجلس مشاوران در سال ۱۹۹۵، موفق شد کرسی‌های خود را از ۵ به ۸ کرسی افزایش دهد. در انتخابات سراسری مجلس نمایندگان در اکتبر ۱۹۹٦، حزب با افزایش کرسی‌های خود از ۱۵ به ۲٦ کرسی پیروزی چشمگیری به دست آورد. در این انتخابات مجموعاً ۷/۲٦ میلیون رأی یا ۱۳/۰۸ درصد از مجموع آرای مأخوذه از سوی حزب کسب شد. این پیروزی برای حزب کمونیست ژاپن با در نظر گرفتن نسبت کرسی‌های به دست آمده از زمان تأسیس حزب تاکنون نظیر نداشته و حتی گفته می‌شود در مقایسه با آنچه حزب در دهه ۷۰ نیز به آن نایل آمده بود، بزرگ‌تر بوده است.

---

1. Dokusai

در انتخابات محلی، حزب کمونیست ژاپن در سال ۱۹۹۵ از حزب لیبرال دموکراتیک پیشی گرفت و بیشترین تعداد انجمن‌های محلی را به خود اختصاص داد و از آن زمان به طور مستمر این برتری ادامه دارد. همچنین در ژوئیه ۱۹۹۷، در انتخابات انجمن شهر توکیو، حزب کمونیست ژاپن کرسی‌های خود را از ۱۳ به ۲۶ کرسی یعنی دو برابر افزایش داد که از این نظر بعد از حزب لیبرال دموکراتیک دومین حزب متنفذ در انجمن شهر توکیو محسوب شد.

نکات کلیدی برنامه اقدام سریع حزب

حزب برای لغو پیمان امنیتی ژاپن ـ آمریکا و تمامی سایر پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌هایی که حاکمیت ملی را تنزل می‌دهد و برای تخلیه نیروهای آمریکایی از ژاپن و تخلیه کامل پایگاه‌های نظامی آمریکا، مبارزه می‌کند، حزب خواستار سیاستی در جهت تضمین یک ژاپن بی‌طرف و صلح‌جو است و برای آن می‌جنگد این سیاست خواستار لغو اتحاد نظامی ژاپن با آمریکا و عدم اتحاد نظامی ژاپن است و نیز خواستار ایجاد روابط دوستانه با تمامی کشورها است. حزب به دنبال استقلال کامل ژاپن شامل لغو مفاد پیمان صلح سانفرانسیسکو است که حاکمیت ژاپن را زیر سؤال می‌برد. همچنین حزب به تلاش‌های صلح‌جویانه دیپلماتیک برای بازپس‌گیری «هابومای»[1]، «شیکوتان»[2] و تمامی جزایر چی‌شیما[3]، به کار می‌بندد.

حزب خواستار پرهیز از جنگ هسته‌ای و نابودی تسلیحات هسته‌ای بوده و به دنبال دستیابی به توافقی بین‌المللی برای تحریم و نابودی کامل تسلیحات هسته‌ای در همبستگی با سایر ملل است. حزب خواستار پرداخت غرامت دولتی برای قربانیان بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی است.

حزب برای خلع‌سلاح عمومی، انحلال تمامی بلوک‌های نظامی و برچیدن پایگاه‌های نظامی خارجی است و درصدد ایجاد نظام امنیت جمعی و همزیستی مسالمت‌آمیز بین کشورها با نظام‌های اجتماعی متفاوت است.

---

1. Habomai
2. Shikotan
3. Chishima

حزب از حقوق ملت در خودمختاری و اینکه هر ملتی باید خود سرنوشت خویش را به‌طور مستقل تعیین کند دفاع می‌کند.

حزب با نظام اقتصادی بین‌المللی مستعمراتی نوین مخالف بوده و درصدد ایجاد حاکمیت اقتصادی برای تمامی کشورها و نظام اقتصادی بین‌المللی برابری و عدالت است.

حزب با عملیات سودجویانه و غیرمسئولانه شرکت‌های چندملیتی و سایرینی که محیط‌زیست و منابع طبیعی را در سطح جهان تخریب می‌کنند، مخالف است و برای تحت کنترل درآوردن آنها در سطح بین‌المللی و حفظ محیط زیست زمین مبارزه می‌کند.

با روح اتحاد، کارگران و مظلومان تمامی کشورهای حزب از پیشرفت انسان‌ها در همبستگی با سایر طبقات کاری و سایر مردم در نقاط دنیا که برای استقلال، صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند، حمایت می‌کند.

حزب با هرگونه تلاشی در جهت اصلاح قانون اساسی ژاپن و احتمال بدتر شدن آن مخالف است و برای اجرای کامل شرایط دموکراتیک و صلح‌آمیز قانون اساسی مبارزه می‌کند. حزب خواستار لغو نظام حوزه انتخاباتی تک‌کرسی بوده و با هرگونه بازنگری در نظام پارلمانی، نظام محلی، آموزشی و قضایی مخالف است. حزب با احیای نظامیگری شامل تقویت و اتمی کردن نیروهای دفاع از خود مخالف است و خواستار انحلال آنهاست.

حزب از آزادی مذهب و جدایی اصولی دین از سیاست حمایت می‌کند.

حزب خواستار آن است که تمامی کارگران دارای حق سازماندهی و اعتصاب بوده و در گردهمایی‌های جمعی شرکت کرده و برای آزادی و دموکراسی در کارگاه‌ها می‌کوشد. حزب با تبعیض‌گرایی، اخراج، دستمزدهای پایین و کار سخت مخالف بوده و خواستار افزایش دستمزد و پرداخت‌های برابر برای کار برابر است.

حزب با سیاست‌های بخش کشاورزی شامل آزادسازی واردات برنج و کاهش اجباری کشت برنج به عنوان پاداشی برای آمریکا و منافع سرمایه‌داران انحصارگرا مخالف است. حزب از حقوق کشاورزان حمایت می‌کند.

حزب خواستار بازپسگیری زمین‌های گرفته شده از سوی نیروهـای آمریکـایی و نیروهـای دفاع از خود است.

حزب خواستار بهبود شرایط ماهیگیری و زندگی ماهیگیران ژاپنی است و مخالف تمرینات دریایی نیروهای آمریکایی و دفاع از حقوق است.

حزب خواستار احقاق حقوق گروه آینو Ainu به عنوان یک گروه اقلیـت نـژادی در ژاپـن است.

حزب خواستار حمایت از جان روشنفکران بوده و خواسـتار پایـان دادن بـه اوضـاعی کـه آزادی پژوهش و فعالیت‌های فرهنگی را محدود کرده یا تحت فشار درآورد، است.

حزب با نابرابری‌هایی که در حق زنان مـی‌شـود مخـالف بـوده و بـرای گسترش حقـوق دموکراتیک آنان، برابری زن و مرد و ارتقای اوضاع اجتماعی زنان تلاش می‌کند.

حزب برای آزادی سازمان‌های دموکراتیک و فعالیت‌های جوانان و دانشجویان، مرد و زن و بهبود شرایط تحصیل، ورزش، فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی آنان و پر کردن مناصب بـالا در زندگی کاری و اجتماعی می‌کوشد.

حزب مدافع اجرای کامل منشور کودکان سازمان ملل است.

حزب خواستار اجرای کامل نظام تأمین اجتمـاعی و برقـراری حقـوق بیکـاری، بیمـاری و معلولیت‌های جسمی و روانی، کارگران سالمند، کشاورزان، مـاهیگیران و سـایر طبقـات مـردم است.

حزب از خواست‌های شرکت‌های کوچک و متوسط که بـا انحصـار سـرمایه‌داران ژاپنـی و استکبار مخالفند، حمایت می‌کرد.

حزب با تخریب و آلودگی محیط زیست که در اثر فعالیـت‌هـای انحصـاری سـرمایه‌داران، پایگاه‌های نظامی و غیره به‌وجود می‌آید، مخالف است.

حزب با استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد نظامی مخالف بوده و خواستار تغییر بنیادی در سیاست‌های توسعه انرژی هسته‌ای و ایجاد نظارت بر آن است.

حزب مخالف سیاست‌های اقتصادی و مالی که حافظ منافع آمریکا و سرمایه‌داران انحصارطلب ژاپنی است می‌باشد و برای توسعه صلح‌آمیز اقتصادی ژاپن تلاش می‌کند، همچنین خواستار اصلاح دموکراتیک نظام مالیاتی است. در راستای تحقق این خواست‌ها و مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی، صلح، بی‌طرفی و زندگی بهتر، حزب کمونیست ژاپن به ایجاد، گسترش و تقویت اتحادیه‌های تجاری، اتحادیه‌های کشاورزی و سایر سازمان‌های گروهی در بین همه اقشار مردم همت می‌گمارد و در ایجاد جبهه متحد دموکراتیک ملی می‌کوشد.

اساسنامه حزب کمونیست ژاپن

این اساسنامه در تاریخ ۲٤ نوامبر ۲۰۰۰ در کنگره ۲۲ حزب مورد بازنگری قرار گرفت.

اساسنامه دارای ۹ فصل و ۵۷ اصل است.

بخش‌های مهم اساسنامه

در اصل سوم آمده جناح‌ها و انشقاق درون حزبی ممنوع است.

شرایط عضویت:

هر شهروند ژاپنی ۱۸ سال یا بالاتر که برنامه و اساسنامه حزب را بپذیرد برای عضویت واجد شرایط است. بر طبق اصل ٦، فصل دوم، هر کسی که خواستار عضویت در حزب باشد باید توسط دو نفر از اعضا مورد تأیید قرار گرفته و هزینه اولیه را بپردازند.

هر کسی که دارای عقاید ضد اجتماعی بوده و موجب خدشه اعتماد عمومی به حزب شود، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. عضویت در حزب باید توسط یکی از شاخه‌های حزب تأیید شد و به تأیید نهایی کمیته برسد.

طبق اصل ۷ ـ اعضای سایر احزاب سیاسی نمی‌توانند هم‌زمان عضو حزب کمونیست باشند. متقاضی که سابقاً عضو حزب دیگری بوده، باید مورد تأیید کمیته فرمانداری یا کمیته مرکزی قرار گیرد.

اصل ۱۳ ـ تمامی نهادهای رهبری در تمامی سطوح باید از سوی کنگره حزب، کنفرانس حزب یا جلسهٔ شاخهٔ حزب و از طریق برگزاری انتخابات شوند ـ برای انتخاب به مقامات رسمی کمیته مرکزی، کمیته‌های فرمانداری یا محله‌ای، حداقل ۲ سال عضویت در حزب لازم است.

فصل ٤ ـ سازمان مرکزی

اصل ۱۹ـ عالی‌ترین نهاد حزب، کنگره است. کنگره حزب هر دو یا سه سال توسط کمیته مرکزی برگزار می‌شود در صورتی که کمیته مرکزی تشخیص دهد و قطعنامه‌ای را به تصویب برساند و یا یک‌سوم سازمان‌های فرمانداری‌ها درخواست نماینده کنگره فوق‌العاده در عرض ۳ ماه توسط نمایندگان کنگره سابق برگزار خواهد شد.

اصل ۲۱ـ نهاد هدایت‌کننده بین کنگره‌ها، کمیته مرکزی است. کمیته مرکزی مسئول انجام تصمیمات متخذه از سوی کنگره حزب بوده و عهده‌دار نمایندگی حزب و هدایت آن ـ چاپ روزنامه‌نگاران مرکزی حزب و اجرای سیاست‌ها و دستورالعمل‌های حزب بر اساس تجربیات گذشته است.

مانیفست حزب در مورد آزادی و دموکراسی[۱۱۵]

این مانیفست در تاریخ ۳۰ جولای ۱۹۷٦ در کنگره فوق‌العاده سیزدهم تدوین شد.

در ۳۰ جولای ۱۹۹٦ در کنگره بیستم در بخشی از آن اصلاحات صورت گرفت.

بخش ۱ـ بحران آزادی و دموکراسی

تجاوز به آزادی زیستن

سرکوب آزادی‌های مدنی ـ سیاسی

ترک آزادی ملت

بخش ۲ـ دموکراسی در ژاپن، گذشته و حال

بخش ۳ـ مسئله آزادی و سوسیالیسم علمی

بخش ٤ـ بررسی ایجاد، توسعه و شکوفایی آزادی و دموکراسی

۱. آزادی زیستن ـ تضمین یک زندگی سعادتمند و سالم

۲. آزادی سیاسی و مدنی ـ توسعه کامل حاکمیت و آزادی مردم

توسعه دموکراسی سیاسی

تضمین آزادی و حقوق بشر

۳. آزادی ملت ـ اساس توسعه مستقل و روابط بین‌المللی برابر برای ژاپن

تجاوز به آزادی‌زیستن

امروزه یکی از مشکلات اساسی حیات سیاسی ملت تجاوز به آزادی زیستن است. اصل ۲۵ قانون اساسی ژاپن حاکی از حق زندگی و مأموریت اجتماعی دولت در این رابطه است. با وجودی‌که قدرت اقتصادی ژاپن در دنیا مقام دوم را داراست و شرایط کافی برای تضمین آزادی‌زیستن مردم وجود دارد. اما این آزادی تحت تأثیر سیاست‌های واکنشی که تحت لوای ایالات متحده اتخاذ می‌شوند و به نفع سرمایه‌داران بزرگ، سرکوب شده است وابستگی غیرمعمول ما به سایر کشورها برای غذا و انرژی مانند نفت و نیروی هسته‌ای و کاهش میزان خوداتکایی بر آینده حیات ملت ژاپن سایه انداخته به‌علاوه افزایش بودجه دفاعی، هزینه رفاه و آموزش، درآمیخته با افزایش مالیات‌ها، زندگی و استانداردهای آنرا به خطر انداخته است.

سرکوب آزادی‌های سیاسی مدنی

فصل سوم قانون اساسی ژاپن حاکی از حقوق و وظایف ملت است و اینکه آزادی‌های سیاسی، مدنی ملت شامل؛ آزادی اندیشه و تعقل، آزادی مذهب، آزادی اجتماعات، آزادی بیان و فعالیت‌های دانشگاهی باید صددرصد تضمین شود.

در صورتی‌که به‌عنوان مثال آزادی بیان با حذف سخنرانی‌هایی که به مذاق احزاب مرتجع خوش نمی‌آید از دستور دایت حذف شده، جاسوسی مدام، عکس‌برداری‌های مخفیانه توسط

پلیس امنیتی و آژانس بازرسی و امنیت دولتی تحت لوای قانون جلوگیری از فعالیت‌های براندازانه، علیه حزب کمونیست ژاپن و دیگران به بودجه عمومی تحمیل می‌شود. به‌علاوه کارگران دولتی از حق اعتصاب و آزادی اجتماعات و اقدام جمعی که قانون اساسی آمده منع شده‌اند.

ترک آزادی ملت

آنچه به ضرر ملت ژاپن است آن است که تحت اتحاد نظامی آمریکا ـ ژاپن بر اساس معاهده سال فرانسیسکو و پیمان امنیتی ژاپن ـ آمریکا حاکمیت ژاپن مورد تعدی قرار گرفته و امپریالیسم آمریکا کنترل خود را بر امور نظامی و دیپلماتیک ژاپن اعمال می‌کند. برخلاف اراده ملت، ژاپن به‌عنوان پایگاه نظامی آمریکا در جنگ علیه کره و ویتنام به‌کار گرفته شد. اکیناوا از ژاپن گرفته شد و ۲۷ سال تحت کنترل نظامی آمریکا اداره شد. حتی اکنون بعد از بازگردان حقوق اداری اکیناوا به ژاپن، آمریکا هنوز دارای پایگاه‌های نظامی بسیاری در آنجاست و دارای حقوق فرا سرزمینی است که شأن ملت را با تعدی و تجاوزات وحشیانه و سایر اعمال خشونت‌آمیز از بین می‌برد. اتحاد نظامی آمریکا ـ ژاپن به‌عنوان ابزاری برای بسیج پایگاه‌های نظامی در ژاپن و قدرت اقتصادی و نظامی ژاپن برای اعمال استراتژی «ژاندارم جهانی» آمریکا به‌کار می‌رود.

سازمان و تعداد پرسنل کمیته مرکزی

(۲٤ دسامبر ۲۰۰۰)

رئیس کمیته مرکزی: فوا تتسوزو (Fuwa Tetsuzo)

رئیس کمیته اجرایی: شی‌ای کازو (Shii Kazuo)

رئیس دبیرخانه: ایچیدا تادای وشی (Ichida Tadayoshi)

معاونان ریاست کمیته اجرایی: هامانو تادائوا (Hamono Tadao)

ایشی ایکوکو (Ichii Ikuko)

اوئدا کویچیرو (Ueda Koichiro)

اعضای کمیته اجرایی: شامل ۲۰ نفر

کمیته اجرایی: شامل ۵۵ نفر

دبیرخانه: شامل ۱۸ نفر

کمیسیون سردبیری روزنامه حزب: شامل ۲۳ نفر به ریاست سکیگوچی تاکائو (Sekiguchi Takao)

کمیسیون رسیدگی به دادخواست‌ها: شامل ٤ نفر به ریاست هوری ای تاکائو (Hori i Takao)

کمیسیون انضباطی: شامل ۸ نفر به ریاست کامیوکا تاتسو (Kamioka Tatsuo)

کمیسیون حسابرسی: شامل ۳ نفر به ریاست کانکو تورو (Kaneko Toru)

۷ـ۲ـ۹ـ سایر احزاب

حزب محافظه‌کار جدید

New Conservative Party

وکلای مجلس نمایندگان: ٤ نفر

وکلای مجلس مشاوران: ۱۰ نفر

میزان حمایت عامه: معلوم نیست

گرایش سیاسی: محافظه‌کار، دولت بزرگ، طرفدار اصلاح قانون اساسی ـ راست‌گرا ـ راست‌میانه

موضع سیاسی: ۲۰۰۲ تاکنون: حاکمه

رهبر سیاسی: کوماگای هیروشی (Kumagai Hiroshi)

سایر چهره‌های کلیدی: خانم اوگی شیکاگه Ogi Chikage (وزیر زمین و ترابری)

خانم تایفو توشیکی Taifu Toshiki (نخست‌وزیر سابق)

تاریخچه: در دسامبر ۲۰۰۲ توسط اکثریت حزب محافظه‌کار سابق و تعدادی از اعضای

سابق حزب دموکراتیک تأسیس شد و جدیدترین حزب است که توسط ۵ نفر از اعضای حزب محافظه‌کار و ۹ نفر از اعضای دموکراتیک تأسیس شد. از لحاظ خط‌مشی نزدیک به حزب لیبرال دموکراتیک است و نیاز به کار نزدیک‌تر با اعضای ائتلاف LDP و حزب کومه نو به منظور دستیابی به کرسی‌های پارلمان دارد. باخت انتخاباتی مجلس نمایندگان در سال ۲۰۰۱ در نهایت باعث شد که هنرپیشه سابق Ogi Chikage (اوگی شیکاگه) با کوماگای هیروشی تعویض شد.

لیگ لیبرال

Liberal League

تعداد کرسی‌های مجلس نمایندگان: ندارد

تعداد کرسی‌های مجلس مشاوران: ۱ نفر

حمایت عامه: کمتر از ۱ درصد

گرایش سیاسی: محافظه‌کار

موضع سیاسی: نامعلوم

رهبر: توکودا تورائو (Tokoda Torao)

حامیان اصلی: فرمانداری کاگوشیما (حوزه انتخابیه Tokuda)

این حزب در سال ۱۹۵۵ توسط آقای توکودا، مدیر یک بنیاد پزشکی تأسیس شد و دارای روابط نزدیک با آقای ایشیهارا شینتارو (Ishihara Shintaro) فرماندار توکیو است.

حزب سوسیالیست نو

New Socialist Part

تعداد کرسی‌های پارلمان: ندارد

حمایت عامه: کمتر از ۱ درصد

گرایش سیاسی: اصلاح‌طلب، چپ‌گرا

موضع: مخالف

رهبر:یاتاکه اوسامو Yatake Osamu

حامیان اصلی: چپ جدید

تاریخچه: در سال ۱۹۹٦ توسط یک جناح چپگرای اقلیت از سوی حزب سوسیالیست که از چرخش سیاسی واقع‌گرایانه حزب راضی نبود، تأسیس شد، تمامی کرسی‌های دایت را در انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۹۸ از دست داد.

مجمع مستقلین

Association of Independents

تعداد کرسی‌های مجلس نمایندگان: ٦ یا ۷ نفر

تعداد کرسی‌های مجلس مشاوران: ٦ نفر

حمایت عامه: ۲ـ۱ درصد

گرایش سیاسی: بی‌طرف

موضع سیاسی: مخالف

رهبر: تانابو ماسامی[1]

تاریخچه: در سال ۱۹۹۸ با اسمی متفاوت توسط اعضای دایت بدون هیچ‌گونه تعلقی و با گرایش‌های مختلف سیاسی تأسیس شد تا بتواند از دولت برای فعالیت‌های سیاسی، یارانه دریافت کند. در حقیقت یک حزب سیاسی با توجه به حقوق خاصه آن نیست.

1. Tanabu Mosami

فصل دهم
بررسی سیاست‌های داخلی و خارجی

۱ـ۱۰ـ سیاست داخلی

یک نکته بسیار مهم این است که «سیاست خارجی» به میزان بسیاری به‌وسیله «سیاست داخلی» تعیین می‌شود. عکس این قضیه هم صادق است و هر دوی اینها به‌طور نزدیکی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. همان‌طور که سیاست خارجی میزان انتخاب در سیاست داخلی را محدود می‌سازد، ملاحظات سیاست داخلی نیز قدرت انتخاب در سیاست خارجی را محدود می‌کند.

در ژاپن «ساختار اقتصادی» نقش واسطه را میان این دو سیاست ایفا می‌کند. در نتیجه عنصر اصلی این است که با توجه به محدودیت‌های متقابل میان سیاست داخلی و خارجی، این دو عنصر چه تأثیراتی بر اشتغال، توزیع درآمدها و یا سایر عوامل اقتصادی بر جای می‌گذارند.[۱۱۶]

آقای یاساهیرو ناکاسونه از جمله سیاستمداران بسیار با نفوذ حزب لیبرال دموکراتیک است. مؤسسه تحقیقاتی که او بنیان‌گذارش است تحقیقی به عمل آورده ارزنده در زمینه اصلاحات و

چالش‌هایی که در آینده ژاپن با آن روبه‌رو خواهد شد. در ذیل به برخی نکته‌های این گزارش اشاره می‌کنیم:

ژاپن که در پایان دوران اقتصاد حبابی خود با مسائل و مشکلات جدید مواجه شد، نیاز دارد که اصلاحات بنیادین و اساسی در امور سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی خود به عمل آورده و دیدگاه جدیدی با توجه به تحولات روز از خود ارائه کند. در نتیجه لازم است ژاپن با چشمانی باز و با دقت هر چه تمام‌تر اهداف خود را بازنگری و طبیعی است که هزینه چنین تغییراتی را تقبل کند. البته در مقابل منافع حاصل از اجرای چنین تغییراتی، بهای این هزینه‌ها چندان زیاد نیست. به‌علاوه با انجام تغییرات، کشور قدرت کامل خود را به‌دست آورده و به ژاپن اجازه خواهد داد که به نحو شجاعانه‌ای با چالش‌های سیاسی جهانی مقابله کند و بهترین روش را برای ورود به عصر نظم نوین جهانی انتخاب کرده و مسائل جهانی در رابطه با جمعیت، انرژی و محیط زیست را حل کند. برای درک بهتر موقعیت ژاپن لازم است مسائل زیر را در نظر داشت:

شرایط ویژه ژاپن

۱. کشوری است جزیره‌ای با ملتی یکپارچه، که علی‌رغم تحولات جهانی که در جهت بین‌المللی شدن مسائل سیاسی و اقتصادی به‌وقوع پیوسته، شرایط ویژه نظیر وجود و حضور ۱۲۰ میلیون نفر مردم با زبان واحد و خصوصیات فرهنگی و قومی ویژه در یک سرزمین کوچک همچنان ژاپن را حفظ کرده است.

۲. کشوری است که تقریباً ۱۰۰ درصد نیاز انرژی و ۷۰ درصد مواد غذایی خود را از خارج تأمین می‌کند و در نتیجه صلح و شجاعت بین‌الملل برای این کشور از اهمیت خاصی برخوردار است و لازم است تا با بهره‌گیری از توان دیپلماتیک خود در حل مسائل جهانی، مشارکت فعال و مؤثری را اعمال کند. برای تحقق این هدف لازم است پیوندهای خود را با شرکای اصلی و تجاری حفظ کرده و در سازمان‌های بین‌المللی حضور فعال و مؤثر داشته باشد تا در کنار آن

امکان دستیابی به دستاوردهای علمی بین‌المللی را برای خود حفظ کرده و با استفاده از ظرفیت‌های مذکور امکان رشد مداوم اقتصادی خود را فراهم کند. پس از امنیت به معنای جامع آن اعم از امنیت نظامی، انرژی و تأمین مواد غذایی باید مورد توجه دقیق قرار گیرد.

۳. جمعیت فعال ژاپن در سال ۲۰۰۰ به بالاترین حد خود رسیده و سپس با توجه به سالمندی جمعیت از تعداد آن کاسته شده است به‌طوری‌که در سال ۲۰۲۰ سهم جمعیت بالاتر از ٦۵ سال به ۲۵ درصد خواهد رسید که باعث افزایش هزینه‌های عمومی مانند: پرداخت مستمری، هزینه‌های پزشکی و سایر امور رفاهی خواهد شد. این موضوع نه تنها مشکلات مالی بلکه مشکلات اجتماعی نیز به‌وجود خواهد آورد و لزوم اصلاحات اساسی در زمینه آموزش و پرورش، علم و تکنولوژی، اداری و سیستم سیاسی ـ اقتصادی را تشدید می‌کند.

٤. ژاپن به‌دلیل موقعیت جغرافیایی، به‌طور مستمر در معرض بلایای طبیعی است پس لازم است توکیو از حالت تمرکز اداری و تجاری خارج شود.

رئوس کلی اصلاحات پیشنهادی

۱. تغییرات مربوط به قانون اساسی

۲. تعیین جزئیات استراتژی ژاپن در قبال مسائل جهانی

۳. تدوین سیاست جامع امنیت ملی با مشخص‌کردن موقعیت نیروهای دفاع از خود

تدوین سیاست امنیت ملی جامع برای ژاپن امری ضروری است و از آنجا که هدف دولت، فراهم ساختن امکانات لازم برای زندگی سعادتمند، بر اساس اصول آزادی و عدالت بوده، لازم است از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، دفاعی و حتی در یک منابع ملی در این راستا بهره‌برداری کند. در اجرای این هدف بایستی ظرفیت دفاعی کشور فقط در حد دفع خطر در مواقع اضطراری محدود بماند و حتی استفاده از آن در شرایطی انجام بگیرد که دستیابی به صلح از راه‌های درگیر امکان‌پذیر نباشد. لازم است این دفاع در حدود جغرافیایی کشور و با استفاده از امکانات معین و محدود به قانون اساسی ژاپن باشد.[۱۱۷]

ژاپن در دهه اخیر و با تغییر آرایش قدرت در جهان می‌خواهد نقش دیگری بازی کند و به همین دلیل در سیاست خارجی و داخلی با تنش‌هایی مواجه است. با روی کار آمدن کابینه اصلاح‌طلب آقای کویزومی در آوریل ۲۰۰۱، شورای سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی نقش محوری را در اجرای «اصلاحات سازش‌ناپذیر» که توسط آقای کویزومی جهت انجام اصلاحات ساختاری ارائه شد، به‌دست گرفت. در ژوئن ۲۰۰۱، این شورا سیاستی اساسی را در مورد اقتصاد امورمالیه و اصلاحات ساختاری فرموله کرد و به این وسیله موتور «اصلاحات کویزومی» را تحرک بخشید.[۱۱۸]

برای «جونیچیرو کویزومی» نخست‌وزیر ژاپن، سال گذشته (۲۰۰۲) سال بسیار سختی بود، او از یکسو در جبهه داخلی برای پیشبرد برنامه «اصلاحات ساختاری» که خصوصی‌سازی بخش‌های دولتی از پایایه‌های آن است، نه تنها باید با مخالفان سرسخت در احزاب مخالف از جمله حزب کمونیست ژاپن، بلکه با مخالفان پرقدرت در درون حزب حاکم لیبرال دموکرات که سیاست‌های وی را نمی‌پسندیدند دست و پنجه نرم می‌کرد.[۱۱۹]

سیاست‌های اساسی مدیریت خط‌مشی مالی و اقتصادی و اصلاحات ساختاری ۲۰۰۲[۱۲۰]
(۲۱ ژوئن ۲۰۰۱)

بخش اول: اصلاحات ساختاری پیشرفته و احیای جامعه و اقتصاد

دولت اصلاحات ساختاری را از «سیاست‌های اساسی برای مدیریت اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری اقتصاد ژاپن» (۲۶ ژوئن ۲۰۰۱) آغاز کرده و اقدامات مقتضی را در رابطه با اقتصاد و اشتغال انجام داده است. این اقدامات در جهت جلوگیری از روند نزولی اقتصاد و امور مالیه عمومی مثمرثمر بوده است.

- اهداف سیاست‌های اساسی جدید:

۱. پیشبرد مستمر اصلاحات مالیاتی، اصلاحات مالی و اداری محلی و اصلاح نظام تأمین اجتماعی در جهت تقویت و احیای اقتصاد و جامعه ژاپن و ساختن جامعه‌ای برابر که همهٔ افراد مشترکاً متحمل سختی‌ها شوند.

۲. تسهیل اصلاح هزینه‌های دولت به‌منظور تحقق «دولت کوچک با کیفیت بالا»

۳. غلبه بر رکود از طریق اتخاذ اقدامات جامع که از سوی دولت و بانک ژاپن باید اجرا شود و پیشبرد «استراتژی‌های احیای اقتصادی»، شامل ایجاد «حوزه‌های اصلاحات ساختاری ویژه» و سوق دادن اقتصاد به سمت «بازیابی کامل خود بر اساس تقاضای بخش خصوصی»

بخش دوم: استراتژی‌های احیای اقتصادی

۱. اساس استراتژی‌های احیای اقتصادی

الف. اهداف

ـ تقویت قدرت رقابت صنعتی ژاپن از طریق «گزینش و تمرکز» بیشتر

ـ ایجاد بازارها از طریق گسترش امور بازرگانی بخش خصوصی از طریق اصلاحات نظارتی

۲. اصول اساسی

ـ انتقال فعالیت‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی

ـ تغییر مقررات نظارتی پیش از وقوع به بعد از وقوع

ـ تقویت بنیان‌های فناوری ژاپن

ـ ایجاد جذابیت برای امور بازرگانی

ـ ایجاد ارتباط با بسیاری از کشورها و مناطق خارجی

ب. ۱۶ استراتژی و سی برنامهٔ اقدامی[1]

۱. استراتژی منابع انسانی

---

1. Action Plan

ـ ارتقای قدرت رقابت بین‌المللی دانشگاه‌های ملی از طریق بازسازی آنها و تبدیل به نهادهای اداری مستقل (کارکنان کمتر تحت کنترل دولت قرار دارند.)

ـ فراهم کردن آموزش فناوری اطلاعاتی برای تمام مردم ژاپن

۲. استراتژی فناوری

تقویت بنیان‌های فناوری ملی با تمرکز بر علوم زیستی و سایر حوزه‌های کلیدی

ارتقای توسعه و تحقیق بر مبنای یک پروژه به‌عنوان «پلی بر روی درهٔ مرگ» (یعنی فائق آمدن بر مشکلات مالی در مرحله بین تحقیق و توسعه و جنبه تجاری‌دادن)

۳. استراتژی مدیریت

بازنگری نظام حقوقی ورشکستگی‌ها و تسهیل بازسازی صنعتی و بازرگانی از طریق تقویت قانون احیای صنعتی

تشویق فعالیت‌های کارآفرینی و حذف موانع بر سر راه امور تجاری

٤. استراتژی جدید توسعه صنعتی

ارتقای توسعه و جبهه تجاری‌دادن به فناوری‌های زیست‌محیطی، بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی و سایر تکنولوژی‌های جدید

ایجاد صنایع زیستی از قبیل «خانه‌های سالمندان» (خانه‌های سالمندان با قیمت مناسب)

٥. استراتژی استحکامات منطقه‌ای

ـ پیشبرد اصلاحات منظم از طریق معرفی حوزه‌های اصلاحات ساختاری ویژه (حوزه‌های ویژه‌ای که از برخی قوانین مستثنی هستند)

ـ احیای شهرهای کلیدی ژاپن در جهت شهرهای رقابتی بین‌المللی از طریق اجرای اقداماتی همانند گسترش فرودگاه هاندا[1]

٦. استراتژی جهانی

ـ پیشبرد توافق‌نامه‌های تجارت آزاد (FTA)

1. Haneda Airport

ـ تقویت رقابت از طریق تشویق به سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و جذب مغزها

بخش سوم: اصول اساسی اصلاحات مالیاتی

۱. ضرورت اصلاح مالیاتی

ـ بازسازی نقاط قوت اقتصاد ژاپن

ـ حمایت از تمامیت افراد و شرکت‌ها

ـ احترام به ویژگی‌ها و توانایی‌های افراد در راستای تنوع گسترده‌تر شیوه‌های زندگی

ـ احترام به ویژگی‌ها و خودمختاری جوامع محلی

ـ ایجاد ساختار مالی و نظام تأمین اجتماعی که پاسخگوی ثبات بلندمدت باشد.

۲. اهداف اجتماعی اقتصادی و اصلاح مالیاتی

اهداف اصلاحات جاری مالیاتی، در جامعه و اقتصاد آینده متبلور در چشم‌اندازهای مالی و اقتصادی میان‌مدت و اصلاحات ساختاری (۱۸ ژانویه ۲۰۰۲) ــ (که من بعد چشم‌انداز و اصلاحات نامیده می‌شود) است.

شرایط یک نظام مالیاتی مطلوب را می‌توان در سه اصل خلاصه کرد، «برابری، بی‌طرفی و صراحت»

۳. دیدگاه‌های اصلاحی مالیاتی

ـ حداکثر تأکید بر بازیابی دریایی اقتصاد

ـ تسهیل بروز چندگونه فردیت و توانایی هر فرد در به دستگیری راه زندگی خویش.

پیشبرد اصلاح مالیاتی همراه با اصلاح هزینه دولت

سازگاری با اصلاح نظام تأمین اجتماعی

اجرای اصلاحات در راستای اصلاحات مالیاتی و اداری در دولت‌های محلی.

ـ لحاظ افراد کم‌درآمد و سایر اعضای محروم جامعه، در صورت لزوم

راه‌های اجرای اصلاحات مالیاتی

ـ اصلاحات ساختاری از سال ۲۰۰۳ آغاز و باید بر اساس اصلاح کامل مالیاتی بر اساس

اصولی چون «مالیات وسیع ولی سبک» باشد.

ـ منابع مالی مورد نیاز اجرای اصلاحات در اصل نباید متکی به صدور اوراق قرضه از سوی دولت باشد.

ـ اتکا بر سطح لازم خدمات اداری و هزینه‌ها، در عین حالی‌که هم دولت‌های محلی و ملی تلاش‌های خود را به‌منظور کاهش هزینه‌ها و در نظر گرفتن پیشرفت در احیای اقتصادی و اوضاع مالی، اقدامات ضروری در مورد نظام مالیاتی در چارچوب برنامه زمانی پیش‌بینی شده در «چشم‌اندازها و اصلاحات» انجام می‌شود.

ـ مازاد توازن ابتدایی باید تا اوایل سال ۲۰۱۰ به‌دست آید.

● اصلاحات مالیاتی و مسائل مربوطه که نیاز به بررسی بیشتر دارند:

ـ چگونگی تحقق رشد اقتصادی پایدار

ـ چگونگی پشتیبانی از روش‌های زندگی گوناگون

ـ چگونگی تضمین امنیت بلندمدت

ـ چگونگی ارتقای استقلال و توانمندی منطقه‌ای

ـ جلب اعتماد عمومی برای تحمل سختی‌ها

بخش چهارم: اصلاحات ساختاری در هزینه‌های عمده دولتی

۱. بهسازی زیرساخت‌های دولتی

بهبود کارایی کارهای دولتی همان‌گونه که در «سیاست‌های اساسی» و «چشم‌اندازها و اصلاحات» آمده انتقال از دولت مرکزی به حکومت‌های محلی و از بخش دولتی به بخش خصوصی تحقق اولویت‌های مؤثر: تصمیم‌گیری از بالا به پایین و گزینش از پایین به بالا

بهبود کارایی

ـ بازنگری پروژه‌های موجود و برنامه‌های دولتی بلندمدت

۲. نظام تأمین اجتماعی

ـ اصلاح نظام تأمین اجتماعی در جهت حفظ ثبات و پایداری آن در آینده

ـ انجام اقدامات برای معکوس‌کردن نرخ تولد پایین

ـ انجام مناظرات زودهنگام در رابطه با خط اساسی اصلی برای اصلاح نظام بازنشستگی به‌منظور جلب اعتماد مردم در آستانه آماده‌سازی اجرای اصلاحات مربوطه طبق برنامه برای سال ۲۰۰۴

ـ ادامه اصلاحات نظام بهداشتی، نظام هزینه خدمات درمانی و بیمه درمانی

۳. دولت‌های محلی و دولت مرکزی

ارتقای اصلاحات مالی و اداری در دولت‌های محلی به روش یکپارچه

٤. سایر موارد

ـ اصلاحات صنایع غذایی

ـ بازنگری منابع مالی

ـ بهبود بهره‌وری در بخش دولتی

● سیاست‌های مالی و اقتصادی:

. اساس مدیریت سیاست‌های مالی و اقتصادی

۲. اقتصاد ژاپن در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳

الف. روند تجاری جاری و درونمای اقتصادی سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳

ب. مدیریت اقتصادی جاری شامل اقدامات ضدرکود

۳. مدیریت سیاست‌های مالی در سال ۲۰۰۳

(موارد اساسی)، (سرعت بخشیدن به اصلاحات هزینه‌ها)، (چهار حوزه جدید اولویتی مبتنی بر استراتژی‌های احیای اقتصادی)، (سایر هزینه‌های دولتی) و (بهبود روند تنظیم بودجه).

۲ـ۱۰ـ سیاست خارجی

می‌دانیم هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را در جهتی تنظیم می‌کند که در نهایت خواست‌ها و نیازهای امنیتی استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه‌مدت یا بلندمدت تأمین شود. بدین ترتیب که «سیاست خارجی یعنی تعقیب اهداف ملی

در صحنه‌های بین‌المللی»، مانند یک موجود زنده رشد و حرکت می‌کند و در نتیجه نباید انتظار داشت که اصول سیاست خارجی دائماً یک شکل باقی بماند، زیرا هدف‌های ملی در طول زمان و شرایط و مقتضیات گوناگون تغییر کرده و تحت تأثیر عوامل خارجی و داخلی باعث دگرگونی در هدف‌های سیاست خارجی می‌شوند.[۱۲۱]

از عصر اصلاحات میجی در سال ۱۸۶۸، ژاپن درصدد رقابت با غرب که پیشرفته‌تر از ژاپن محسوب می‌شد برآمد. این هدف در دوران پس از جنگ با شدت وحدت خاصی دنبال می‌شد، حتی هنگامی‌که ژاپن در اواخر دهه ۸۰ به یکی از بالاترین رقم‌های درآمد سرانه اسمی دست پیدا کرد، بسیار دشوار بود اهداف مشترکی برای استراتژی سیاست خارجی ژاپن شناسایی کرد با این‌حال مطمئناً برخی اهداف مشخص وجود دارد در حالی‌که توقعات مردم از دولت متفاوت است، احتمالاً کسی وجود ندارد که از دولت «تضمین ثبات اقتصادی»، «گسترش امنیت در جامعه‌مدنی» و «امنیت کشور در جامعه‌بین‌المللی» را متوقع نباشد. برای دستیابی به سه هدف یاد شده برای کشوری همچون ژاپن که از وابستگی متقابل عمیقی با دنیا برخوردار است بسیار اهمیت دارد به‌گونه‌ای با دنیا ایجاد رابطه کند که ساختارها و شرایط بین‌المللی به حصول اهداف یادشده منجر شود. این بدان معناست که ژاپن باید حضوری وسیع‌تر در جامعه بین‌المللی داشته باشد تا بتواند نظرات خود را با صدایی رساتر در جامعه بین‌المللی مطرح کرده و قادر شود بر روابط و شرایط بین‌المللی تأثیر بگذارد.[۱۲۲]

نکته بسیار مهم این است که «سیاست خارجی» به میزان زیادی توسط «سیاست داخلی» تعیین می‌شود، البته عکس این قضیه هم صادق است و هر دو ارتباط متقابل دارند. همان‌طور که سیاست خارجی میزان انتخاب در سیاست داخلی را محدود می‌سازد، ملاحظات سیاسی داخلی نیز قدرت انتخاب در سیاست خارجی را محدود می‌کند.

در ژاپن، «ساختار اقتصادی» نقش واسطه را میان این دو سیاست ایفا می‌کند. در نتیجه عنصر اصلی این است که با توجه به محدویت‌های متقابل میان سیاست داخلی و خارجی، این دو عنصر چه تأثیراتی بر اشتغال، توزیع درآمدها و سایر عوامل اقتصادی بر جای می‌گذارند.

ژاپن نیز مانند سایر کشورهای جهان از مقوله فوق خارج نیست. در دهه ۳۰ میلادی ژاپنی‌ها درصدد بودند نیازهای اقتصادی و فشار جمعیت را از طریق ایجاد «منطقه همکاری برای رونق آسیای شرقی» یعنی منطقه نیمه مستعمره‌ای که مواد اولیه ارزان قیمت را در اختیار آنها قرار دهد، تأمین کنند در نتیجه بازارها رو به گسترش نهاد و زمینه لازم برای اسکان جمعیت مازاد ژاپن در این مناطق فراهم شد. در نهایت دولت ژاپن مجبور شد به‌خاطر این اهداف ملی وارد جنگ جهانی دوم شود. اما با شکست سنگین در این جهت، اهداف ملی و سیاست خارجی این کشور تغییر کرد و ژاپن سعی کرد با درک درست از نیازهای واقعی اقتصادی، تکنولوژیک و تغییرات در ساختار سیاسی جهان نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود را از طریق نوسازی صنعتی، توسعه کشاورزی و برنامه‌های گسترش بازارهای بین‌المللی، تأمین کند و درست به همین علت «سیاست بدون چهره»[1] را انتخاب کرد. ژاپن در یک روند کلی در قرن حاضر به جایگاه ویژه‌ای برای خود فراهم کرده، به‌خصوص پس از دهه هفتاد میلادی که توانست به اهداف اقتصادی بلند مدت خود دست پیدا کرده و به‌عنوان یک ابرقدرت اقتصادی مطرح شود.

کورتازی[2] از محققان معروف و سفیر سابق انگلیس در ژاپن معتقد است که سیاست خارجی ژاپن در دو کلمه صلح (Peace) و سعادت (Prosperity) خلاصه می‌شود.(۱۲۳)

سیاست خارجی ژاپن بسته به چگونگی تأثیر مذاکرات چندجانبه تجارت جهانی یا آزادسازی منطقه‌ای بر صنعت داخلی، کشاورزی یا بخش خدمات در معرض محدودیت‌های گوناگونی خواهد بود. با توجه به اینکه تحولات خارجی بر اقتصاد داخلی ژاپن تأثیر داد، مسئله چگونگی کم‌شدن تأثیر آن بر صنعت داخلی و چگونگی ایجاد گشایش در بازارها با دیگر اهداف سیاست خارجی این کشور به میزان زیادی با هم مرتبط هستند.

سؤالی که باید بدان پاسخ داد این است که در زمینه سیاست خارجی ژاپن چه کسی

---

1. No face policy

2. Sir Hugh Cortazzi

تصمیم‌گیرنده است و استراتژی‌های بلند مدت چگونه تبیین می‌شود و این تصمیمات چگونه به مرحله اجرا درمی‌آید. آیا این تصمیمات از سوی نخست‌وزیر، کابینه دایت یا بدنه بوروکراتیک اتخاذ می‌شود؟ در این تصمیم‌گیری‌ها منافع چه کسانی تأمین می‌شود و مکانیزم اتخاذ این تصمیمات چیست؟

وظیفهٔ تدوین سیاست خارجی به‌عهده اداره سیاست خارجی وزارت امور خارجه است که طراحی و برنامه‌ریزی سیاست خارجی پایه، میان‌مدت و بلندمدت را از دیدگاهی وسیع به عهده دارد و وظیفهٔ هماهنگی سیاست‌های مدون توسط سایر ادارات را نیز عهده‌دار است و تأکید ویژه بر مسائل امنیت ملی و امور مربوط به سازمان ملل دارد.[۱۲٤]

۱ـ۲ـ۱۰ـ عوامل داخلی مؤثر در سیاست خارجی

عوامل تعیین کننده مؤثر در سیاست خارجی ژاپن را می‌توان به‌طور خلاصه به شرح زیر دانست:

ایدئولوژی: طبق قانون اساسی عامه مردم طرفدار آزادی‌های بشری، حاکمیت یک اقتصاد آزاد و وجود یک جامعه دموکراتیک و خالی از هر نوع تعصب و تبعیض هستند.

مذهب: مردم ژاپن در مورد مسائل مذهبی از آزادی کامل برخوردارند و سازمان‌های مذهبی در امور سیاستی دخالتی نمی‌کنند. به‌طور کلی مردم این کشور عمدتاً طرفدار آیین‌های بودایی و شینتو هستند و هر دو آیین خود را از مداخله در امور سیاسی مبری دانسته‌اند.

بافت جامعه: مردم ژاپن از نژاد واحد و بافت یکدستی برخوردارند و مسائلی که در بسیاری از کشورها به‌خاطر تنوع نژاد و فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت ناشی می‌شود، در این کشور به هیچ‌وجه مطرح نیست.

خلق و خوی مردم: مردم ژاپن بسیار مؤدب، صبور، پرکار و کم‌توقع بوده و به‌طور جدی طرفدار فعالیت‌های جمعی هستند. از نظر خانوادگی به افراد مسن احترام فراوان گذاشته می‌شود و برای کودکان نیز ارزش خاصی قائلند. در مجموع آداب و رسوم قدیمی که ریشه در

فرهنگ باستانی این کشور دارد هنوز طرفداران بی‌شمار داشته و مانع عمده‌ای برای رسوخ کامل فرهنگ غرب محسوب می‌شود.

موقعیت جغرافیایی: جزیره‌ای بودن ژاپن و به‌ویژه کوهستانی بودن سواحل اصلی در گذشته‌ها این سرزمین را به‌صورت قلعه‌ای در مقابل هجوم سایر اقوام درآورده و مانع تسلط خارجیان بر این کشور می‌شده است. در سال‌های اخیر نیز اهمیت یافتن راه‌های شوروی (سابق) و همجواری ژاپن با چند کشور قدرتمند کمونیستی (سابق) موقعیت حساسی به این کشور بخشیده و در عین حال آسیب‌پذیری آنرا افزایش داده است.

شرایط اقتصادی: ژاپن از نظر مواد اولیه صنعتی و کشاورزی با کمبودهای فراوان مواجه است و طبیعی است می‌باید از طریق تجارت خارجی این نواقص مرتفع شود. قدرت اقتصادی روزافزون ژاپن و داشتن نیروی انسانی فعال و کارآمد عامل اصلی در رونق و رفاه زندگی مردم این سرزمین است و طبیعتاً در سیاست خارجی هم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

موقعیت منطقه‌ای: همان‌طور که قبلاً گفته شد ژاپن از نقطه‌نظر اقتصادی باید یک ابرقدرت محسوب شود و طبیعی است در منطقه خود از این جهت کشور شاخصی است، لکن به علت ضعف قوای نظامی و اتکایی که برای حفظ امنیت خارجی خود به آمریکا دارد ناچار از حفظ تعادل در روابط خارجی است.

نقش ژاپن در سیاست جهانی

ژاپن به‌عنوان یک قدرت اقتصادی کشوری شناخته شده و بر بسیاری از بازارهای جهان مسلط است، اما از جنبه سیاسی از قدرت و موقعیت مناسبی برخوردار نیست. رهبران این کشور به‌خصوص از سال ۱۹۸۲ و با روی کار آمدن آقای «یاسوهیرو ناکاسونه» تلاش و سعی را برای کسب وجهه بین‌المللی و حضور فعال در صحنه سیاسی جهان شروع کرده و معتقدند موقعیت و شرایط ویژه اقتصادی ژاپن ایجاب می‌کند کشورشان در سطح بین‌المللی حضور سیاسی گسترده‌تری داشته و به‌عنوان وسیله‌ای جهت برقراری صلح و ثبات جهانی به کار

گرفته شود. بر همین اساس ژاپن از اوایل دهه ۸۰ بر تلاش‌های دیپلماتیک خود افزوده و به‌ویژه در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و ارگان‌های وابسته به آن حضور چشمگیرتری داشته است.[۱۲۵]

رهبران ژاپن سعی کرده‌اند به نحوی خود را در مسائل و درگیری‌های منطقه‌ای وارد و با ارائه پیشنهاد و راه‌حل در پایان دادن به مناقشات نقش ایفا کنند. البته این اقدامات در مجموع همراه با توفیق چشمگیری نبوده لکن در جهت تحقق نیست و هدف اصلی دولتمردان ژاپن مفید و قابل توجه به نظر می‌رسد.

۲ـ۲ـ۱۰ـ مبانی و اصول سیاست خارجی

هدف اصلی ژاپن در مناسبات خارجی برقراری صلح و سعادت و آزادی برای مردم کشور و کمک به تأمین صلح جهانی و رفاه تمامی بشریت از طریق توسعه همکاری‌ها و تبادل‌نظر میان کشورهای جهان ذکر شده است. کشور ژاپن سیاست خارجی خود را همواره به‌عنوان ملتی که طبق قانون اساسی مقید به حفظ صلح است رهبری می‌کند و به موجب همین قانون وارد روابط خصمانه با هیچ کشور دیگری نمی‌شود. بلکه سعی می‌کند مشکلات احتمالی را از طریق گفت‌وگو با سایر کشورها حل و فصل کند. خطوط اساسی سیاست خارجی ژاپن در چارچوب روابط دوستانه با ممالک غربی یعنی آمریکای شمالی اروپای غربی و اقیانوسیه که دارای نظام‌های مشابهی هستند تعیین می‌شود و در مسائل مهم جهانی از تصمیمات آنها پیروی می‌کند. البته باید دانست که دولت ژاپن دارای سیاست خارجی مدونی نیست و از تجارب سی سال گذشته چنین استنباط می‌شود که طرز فکر و منش سیاسی و نحوه برخورد رؤسای جمهور آمریکا با مسائل بین‌المللی خطوط کلی سیاست خارجی ژاپن را ترسیم می‌کند به‌طور کلی پس از سال‌های جنگ جهانی دوم حکومت ژاپن در حمایت آمریکا بوده و وابستگی همه‌جانبه‌ای بر این ابرقدرت داشته است و از تصمیمات جدی رهبران آمریکا در صحنه سیاست جهانی به‌طور کامل پیروی کرده، لکن در مواردی از مسائل جهانی که برای آمریکا

جنبه حیاتی نداشته، ژاپنی‌ها به‌خصوص در سال‌های اخیر تقریباً نظرهای مستقل ارائه کرده‌اند.

ژاپن تا همین گذشته نه چندان دور از سیاست دنباله‌روی آمریکا و دوری‌جستن از مناقشات بین‌المللی و منطقه‌ای پیروی می‌کرد و به قولی دارای «سیاستی بی‌چهره بوده»[1] از اواخر دهه هشتاد با برخورداری از قدرت عظیم و شگرف اقتصادی خود سعی می‌کند نقش مهم‌تری در صحنه بین‌المللی ایفا کرده و حتی در صورت لزوم در جهت حمایت از منافع خود با سایر کشورها مقابله کند.

در اجلاس سران گروه هفت در آمریکا در سال ۹۰، نخست‌وزیر وقت ژاپن آقای کایفو جهت‌گیری جدیدی را به معرض نمایش گذارد و با مطرح کردن مسائلی مانند کامبوج، جزایر شمالی ژاپن (که از پایان جنگ جهانی دوم در اشغال روسیه است) و مسائل مربوط به اروپا عملاً تصمیم کشورش را در به عهده‌گرفتن نقش سیاسی گسترده‌تر در معادلات جهانی روشن می‌ساخت. رهبران ژاپن معتقدند، نقش گسترده‌تر در اروپا موقعیتی را برای آنها فراهم خواهد ساخت که دیپلماسی جدید را به اجرا گذارند ومعتقدند با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دیپلماسی جهان به‌صورت مثلث آمریکا، اروپا، ژاپن درخواهد آمد.

در مورد افزایش نقش بین‌المللی ژاپن نیز در رسانه‌های این کشور اخبار و مقالات زیادی منتشر می‌شود اما واقعیت این است که ژاپن با توجه به قدرت عظیم اقتصادی کار چندانی در این زمینه انجام نداده و هنوز با جایگاهی که باید کسب کند فاصله زیادی دارد. به‌علاوه ژاپن برای پیشبرد سیاست خارجی، از نظر سرمایه، نیروی انسانی و پول سرمایه‌گذاری زیادی نکرده است در حالی‌که وزارتخانه‌های اقتصادی و صنعتی مورد حمایت شدید قرار گرفته و بودجه‌های کلان در اختیار آنها قرار می‌گیرد. وزارت امور خارجه مورد بی‌مهری است، مثلاً تعداد کارمندان آن ۲۵ درصد کارمندان وزارت خارجه آمریکا و حدود ۵۰ درصد کشورهایی مانند فرانسه و انگلیس است. از طرف دیگر وزارت خارجه قدرت جذب نیروهای نخبه را ندارد زیرا جذابیت سایر وزارتخانه‌های کلیدی مانند وزارت تجارت بین‌الملل و صنعت و

---

1. No face diplomacy

وزارت دارایی به مراتب بیشتر است و از همین رو معمولاً وزارت امور خارجه در تصمیمات مهم اقتصادی نادیده گرفته می‌شود و بعضاً نظر وزارتخانه‌های فوق و حتی وزارت کشاورزی بر نظرات وزارت خارجه برتری دارد که این خود ضعف سیستم است. زیرا وزارت خارجه در اکثر کشورهای جهان با طیف گسترده‌ای از مقامات اعم از سیاسی و اقتصادی در ارتباط است اما در ژاپن تنها موضوع مورد علاقه، اقتصاد و عوامل مربوط به آن از قبیل دسترسی آسان به منابع اولیه خام، صدور بیشتر کالاهای تولیدی به سایر کشورها و کمک به سرمایه‌گذاران ژاپنی در حل مشکلاتشان است. درست برعکس اروپا و آمریکا که تجارت به‌دنبال پرچم کشور است، در ژاپن پرچم به دنبال تجارت می‌رود. این موضوع در نحوه تلاش‌های ژاپن برای گسترش حضور بین‌المللی نیز کاملاً مشهود است. ژاپن در باز کردن سفارتخانه‌ها در پایتخت‌های دیگر کشورها عجله چندانی نشان نمی‌دهد و معمولاً سفارتخانه‌ها به‌دنبال حضور فعال سرمایه‌گذاران و بازرگانان این کشور و پس از اینکه حجم تجارت به اندازه کافی رسید گشایش می‌یابند.[۱۲٦]

در ذیل پاره‌ای از نظرات دولت ژاپن که در هنگام گشایش صد و بیست و ششمین دور مجلس ژاپن توسط نخست‌وزیر وقت این کشور (میازاوا) ارائه شده و حاوی مطالبی پیرامون سیاست خارجی این کشور است، آورده شده است:

«ما اکنون در آستانه انتقال از دوران گذشته و شروع مرحله جدیدی از تاریخ قرار داریم که در نوع خود بی‌سابقه است. جنگ سرد بین شرق و غرب به پایان رسیده و روند تاریخی به سوی صلح و آرامش به پیش می‌رود. البته مسائل و مشکلات جدی چندی نیز به‌وجود آمده که لازم است به طریقی حل و فصل شوند تا زمینه‌های لازم برای ایجاد ساختار نظم نوین جهانی صلح‌آمیز میسر شود.

شرایط بین‌المللی جدید بر سیاست خارجی ژاپن اثرات مهمی بر جای گذاشته است و موقعیتی پدید آمده که به ما این امکان را می‌دهد تا جایگاه خود را در جامعه جهانی تثبیت کنیم. عملکرد ما اثرات عمیقی را در جامعه جهانی بر جای خواهد گذاشت و این ضرورت

وجود دارد که ژاپن نقش مثبت و مسئولانه‌ای در ایجاد نظم نوین جهانی در جهت صلح و متناسب با مقام خود به عهده گیرد، زیرا جامعه جهانی انتظارات مهمی از ژاپن دارد.

پایان جنگ سرد، در واقع به معنی قبول ارزش‌های جهان آزاد در زمینه آزادی، دموکراسی و مکانیزم بازار آزاد است سیاست ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم همواره مبتنی بر صلح بوده است، بنابراین سازمان ملل متحد محور توجه ما قرار داشته است. ایده‌آل ما در زمینه نیروی نظامی و ارتباط آن با سیاست جهانی، همواره در جهت کاهش‌دادن این نیروها و دستیابی به نظم نوین بین‌المللی است که بتواند جایگزین تضادهای گذشته میان شرق و غرب شود.

سازمان ملل متحد پس از دوران جنگ سرد، با شدت تمام برای حفظ صلح جهانی تلاش می‌کند بنابراین لازم است که ژاپن نیز به طرق مختلف از جمله مشارکت پرسنلی، نقش فعالی در این تلاش ایفا کند.

کنترل تسلیحات و خلع سلاح جهانی روزبه‌روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در عین حال گرانی موجهی در خصوص تولید و تکثیر سلاح‌های اتمی و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی وجود دارد. در این زمینه و به‌منظور مشارکت فعال در تلاش‌های بین‌المللی برای تقویت سیستم مربوط به جلوگیری از تولید تکثیر سلاح‌های اتمی و تسلیحات امحای جمعی، ژاپن از تمامی کشورهای جهان می‌خواهد، تا به کنوانسیون مربوط به «ممنوعیت تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای N.P.T پیوندند و در برنامه ثبت‌نام نقل و انتقال تسلیحات قراردادی در سازمان ملل شرکت کنند.

در حال حاضر که اختلافات شرق و غرب به پایان رسیده، ما باید از این اصلاحات حمایت کنیم و با استفاده از امکانات اقتصادی خود، سایر کشورها را در حل مشکلات محیط زیست، امور پناهندگان، رشد جمعیت، مقابله با بیماری ایدز و مبارزه با مواد مخدر یاری کنیم.

در هر حال، سیاستمداران فعلی ژاپن نیز به خوبی این حقیقت را درک کرده‌اند که اتحاد آنها با آمریکا علاوه بر اینکه بر وجهه بین‌المللی ژاپن افزوده است، منافع بلندمدتی نیز برای آنان دارد. فراموش نکنیم که هنوز هم بزرگ‌ترین بازار برای فرآورده‌های ژاپنی، بازار ایالات

متحده آمریکاست و با وجود گسترش نقش ژاپن در آسیا کشورهای این قاره به دلایل خاص خود هنوز هم آمریکا را به‌عنوان عمده‌ترین شریک تجاری و «یاور» خود تلقی می‌کنند. بنابراین نباید انتظار داشت که تحولات فعلی ژاپن باعث ایجاد تغییراتی اساسی در سیاست خارجی ژاپن شود.

امروزه با توجه به روابط بسیار نزدیک ایالات متحده آمریکا و ژاپن و به علت اینکه هنوز این کشور عمده‌ترین شریک ژاپن در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی محسوب می‌شود، آمریکا تنها کشوری است که بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی ژاپن اعمال نفوذ می‌کند و این کشور را وادار می‌سازد در صحنه‌های بین‌المللی سیاسی مشابه و یا حداقل نزدیک به آمریکا را اتخاذ کند. به هر حال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تحولات اروپای شرقی و در نتیجه پایان جنگ سرد و ظهور آلمان متحد، موقعیتی را به‌وجود آورده که رهبران ژاپن احساس می‌کنند لازم است سیاست سابق خود را که محدود به اقیانوس آرام می‌شد، تغییر داده و دیپلماسی خود را در سطح جهانی پیاده کنند. از همین رو ژاپن با درک قدرت عظیم اقتصادی و مالی درصدد آن است که با استفاده از این عوامل به صورت ابرقدرت سیاسی در صحنه بین‌المللی ظاهر شده و به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت پذیرفته شود. از این روست که می‌بینیم در آخرین دهه قرن بیستم که دنیا شاهد دگرگونی‌های عمده‌ای بود، از قبیل پایان جنگ سرد، تسهیل فرایند جهانی‌شدن اقتصاد، انقلاب در صحنه فناوری اطلاعاتی. در حالی‌که جامعهٔ بین‌المللی با امواج جدیدی از تغییر و تحول در قرن ۲۱ روبه‌رو می‌شود، وابستگی متقابل بین کشورها افزایش می‌یابد. برای مواجهه با بسیاری از مشکلات در حال رشد که مرزهای اصلی را درمی‌نوردند ـ ملاحظات امنیتی ـ تروریسم ـ امور اقتصادی، آسیب‌های زیست‌محیطی، قاچاق مواد مخدر پناهندگان و غیره، همکاری گسترده تمامی کشورهای درگیر جنبهٔ حیاتی پیدا می‌کند. در عین حالی‌که ژاپن با تغییرات بسیار حادث به‌طور مؤثر روبه‌رو می‌شود، سیاست خارجی این کشور در قرن جدید درصدد ارتقای سطح امنیت و سعادت کل جامعه بین‌المللی است. ژاپن به این حقیقت واقف است که امنیت و سعادت این کشور با کل جامعه بین‌المللی پیوند خورده

است.[۱۲۷] در این رابطه ژاپن تلاش‌های زیادی در جهت تقویت روابط با کشورهای عضو آ.سه.آن و اقیانوسیه همچنین ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای از طریق نهادهایی چون APEC، مجمع منطقه‌ای آ.سه.آن و اجلاس اروپا ـ آسیا (ASEM) صورت داده است.

در زمینه نقش جدید برای ژاپن، از آنجا که دیوان‌سالاران نقش عمده‌ای در اداره و تصمیم‌گیری این کشور ایفا می‌کنند، وزارتخانه‌های مختلف پس از بررسی‌های کارشناسی راه‌های مختلفی را برای ورود به نظم نوین بین‌المللی پیشنهاد داده‌اند. از جمله می‌توان به گردهمایی ماه می ۱۹۹۸ وزارت تجارت بین‌المللی و صنعت ژاپن اشاره کرد که معتقدند به علت اینکه ژاپن به یک قدرت عظیم اقتصادی مبدل شده با ملت‌های دیگر در زمینه تجاری و مسائل اجتماعی اصطکاک پیدا خواهد کرد و از آنجا که برای دسترسی به ارزش‌های جدید در جامعه ژاپن تکاپوی زیادی به عمل می‌آید لازم است ژاپن با سایر کشورها، مشارکت بیشتری داشته و در جهت جهانگرایی جدید[1] قدم بردارد. برای نیل به این هدف لازم است مساعی خود را در موارد زیر به‌کار گیرد:

ـ ایجاد سیستم‌های اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی و آزادمنشانه؛

ـ ایجاد روابط دوجانبه، چندجانبه و تقویت ارگان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و کمک به ملت‌های آسیا ـ پاسیفیک؛

در همین رابطه است که می‌بینیم در ترسیم خطوط سیاست خارجی ژاپن در سال ۲۰۰۱ و با توجه به مسئولیت‌هایی که به عنوان دومین قدرت بزرگ اقتصادی جهان متوجه ژاپن است، این کشور فعالانه در حال ارتقا و توسعه اقتصادی سالم در دنیا از طریق سازمان‌هایی چون صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) است. همچنین کمک‌های فنی و مالی برای کشورهای جهان سوم از طریق برنامه کمک‌های رسمی توسعه‌ای[2]، انجام داده است.

ـ بازنمودن بیشتر دروازه‌های ژاپن جهت واردات بیشتر؛

---

1. New Globalism

2. Official Development program (ODP)

ـ توسعه همکاری‌های صنعتی و اقتصادی با آمریکا از طریق ادغام صنایع دو کشور و انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری در آمریکا؛

ـ تلاش در جهت ثبات ارزش برابری ارزها؛

ـ بیشتر بین‌المللی شدن؛

ـ گسترش بیمه‌های اجتماعی؛

ـ تأسیس مؤسسه تحقیقاتی صنعت و فرهنگ جهانی؛

ـ معاوضه پرسنل در سطح بین‌المللی؛

ـ بین‌المللی‌کردن سیستم اجتماعی ژاپن با حفظ جنبه‌های فرهنگی؛

ـ بهبود ظرفیت دفاعی کشور با به‌کارگیری اقتصاد، تکنولوژی و سایر نقاط قوت جهت تعمیق استقلال ژاپن در صحنه بین‌المللی؛

ـ گسترش همکاری‌های اقتصادی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری و ارائه کمک مالی به سایر کشورها.

طرح ناکاسونه

یاسوهیروناکاسونه[1] از جمله سیاستمدارن با نفوذ حزب لیبرال دموکراتیک است و علی‌رغم اینکه به داشتن روابط نزدیک با آمریکا معروف است ولی سیاستمداری بسیار ناسیونالیست و خوش‌فکر است که منافع ملی کشورش درصدر همه مسائل برای وی قرار دارد. یکی از جالب‌ترین تحقیقاتی که مؤسسه زیر نظر ناکاسونه به عمل آورده، تحقیقی است در زمینه اصلاحات و چالش‌هایی که در آینده ژاپن با آن روبه‌رو خواهد شد. به‌طور خلاصه در این طرح ویژگی‌ها و خصوصیات ژاپن جدید عبارتند از:

ـ بایستی کشوری صلح‌جو باشد و با اتکا به سیاست دفاعی خود مبتنی بر «سه اصل عدم توسعه سلاح اتمی» و «سه اصل منع تولید تسلیحات» در جهت تحقق هدف جهانی حفظ

---

1. Yasuhiro Nakasone

صلح، تلاش و مشارکت به عمل آورد. بر همین اساس دیپلماسی ژاپن در سال ۲۰۰۱ در سه اصل متبلور بود:

۱. تلاش در جهت حل تناقضات و رویارویی‌های پراکنده و گفتمان دو و چندجانبه و همکاری در جهت ارتقای ثبات جهانی.

۲. گفتمان‌های امنیتی و سیاسی و همکاری مانند مجمع منطقه‌ای آ.سه.آن که با هدف شفافیت سیاست‌گذاری‌های کشورهای آسیا ـ پاسیفیک و اعتمادسازی بین آنها صورت می‌گیرد.

۳. دستیابی به ثبات سیاسی عمده در منطقه از طریق حمایت و همکاری اقتصادی منطقه‌ای علاوه بر موارد فوق، دولت ژاپن عقیده دارد که حمایت فعالانه از خلع سلاح و کنترل تسلیحات به‌منظور مشارکت در عملیات حفظ صلح و اجتناب از رویارویی بسیار مهم است.

از زمان پذیرش ژاپن در سازمان ملل در سال ۱۹۵۶، ژاپن به تعهد خود به سازمان ملل به‌عنوان یکی از ارکان عمده سیاست خارجی خود نگریسته است و با پشتیبانی‌های مالی و انسانی خود از عملیات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و سایر تلاش‌های بین‌المللی ژاپن در جهت حل و فصل مناقشات منطقه‌ای گام برداشته است، همچنین به‌طور فعالانه از تلاش‌های بین‌المللی در مقابله با تروریسم و حل مشکلات در زمینه‌هایی چون حفظ محیط زیست، قاچاق مواد مخدر و رشد جمعیت حمایت می‌کند.[۱۲۸]

۳ـ۲ـ۱۰ـ جامعه بین‌المللی و دیپلماسی ژاپن در سال ۲۰۰۱

الف. شرایط بین‌المللی در سال ۲۰۰۱

با درس‌هایی که از دو جنگ جهانی گرفته، جامعه بین‌المللی یک نظام اقتصادی سیاسی با زیراساس ارزش‌های بنیادی احترام به حقوق بشر، دموکراسی، اقتصاد و بازار و تجارت آزاد بنا نهاده و این چارچوب باعث ایجاد ثبات و دستیابی به سعادت در جهان شده است. ژاپن برای تضمین صلح و ایمنی خود و تحقق سعادتی برتر، فعالانه برای توسعه این نظام سیاسی ـ اقتصادی باز به‌عنوان بازیگر کلیدی در بین دموکراسی‌های توسعه یافته کوشیده است.

طبق همین جامعه جهانی فعالانه در موضوعات جهانی از قبیل تروریسم، اقتصاد جهانی، محیط زیست جهانی بیماری‌های مسری، کنترل تسلیحات، خلع سلاح و منع تکثیر آنها درگیر شده است.

اقدامات بلاگزیر تروریستی که توسط شبکهٔ تروریستی القاعده به رهبری «اسامه بن لادن» انجام گرفت، چالشی واضح برای نظام باز اقتصادی ـ سیاسی بر مبنای ارزش‌هایی که در بالا ذکر شده بود. ۱۱ سپتامبر در واقع حمله‌ای به تمامی تمدن‌ها، نژادها و مذاهب بود که جامعه جهانی با تشکیل ائتلافی بین‌المللی به رهبری آمریکا به‌منظور اجتناب و از بین بردن تروریسم در چند جبهه تلاش‌های خود را هماهنگ کرد.

تلاش‌های ژاپن

در حالی‌که سعادت غیرمنتظره ژاپن در سال‌های بعد از جنگ مرهون تلاش‌های بی‌وقفه مردم ژاپن است، ولی بی‌شک آنرا مرهون وجود نظم بین‌المللی بر مبنای نظام اقتصادی ـ سیاسی باز با احترام به ارزش‌های فوق‌الاشاره است و برای سعادتمندی بیشتر نظم بین‌المللی باید بیشتر تحکیم و حفظ شود. به این ترتیب، به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در بین دموکراسی‌های توسعه‌یافته، ژاپن باید در جهت ثبات و سعادتمندی جامعه بین‌المللی از طریق تلاش برای حل مسائل جهانی شامل اقدامات علیه تروریسم و ثبات اوضاع منطقه‌ای که تأثیر بالقوه زیادی بر جامعه بین‌الملل دارند، نقش خود را ایفا کند. در جهت این تلاش‌ها، ژاپن باید روابط خود را با آمریکا به‌عنوان محور دیپلماسی ژاپن تحکیم کند و با سایر کشورها از جمله قدرت‌های عمده همکاری‌های خود را ارتقا ببخشد.

بر اساس این رهیافت اصلی، تلاش‌های کلیدی ژاپن در سال ۲۰۰۱ عبارت‌بودند از:

ـ تلاش برای حل معضلات جهانی؛

تصویب قانون ویژه ضد تروریستی توسط دولت و شرکت فعالانه در پشتیبانی از اقدامات آمریکا و سایر نیروهایی که علیه تروریسم می‌جنگند.

ـ اوضاع منطقه‌ای؛

روند صلح خاورمیانه تأثیری شدید بر اوضاع بین‌المللی دارد. ژاپن متناوباً از طرف‌های دیگر و کشورهای همسایه درخواست کرده به درگیری‌ها خاتمه داده و مذاکرات صلحی را از سر گیرند در حالی‌که برای رفع معضلات اقتصادی فلسطینیان اقداماتی انجام داده است. در مورد روابط هند و پاکستان، ژاپن همواره کوشیده که به دو کشور تفهیم کند بالاگرفتن تنش نه تنها ثبات منطقه را از بین می‌برد بلکه در شرایط جامعه بین‌الملل نیز تأثیر می‌گذارد و دو کشور را ترغیب به حل و فصل مسائل خود از طریق گفتمان کرده است.

در مورد اوضاع بالکان، ژاپن ناظران انتخاباتی را برای انتخابات مجمع کوزوو بر طبق قانون همکاری با عملیات حافظ صلح سازمان ملل اعزام کرده و اقدامات زیادی را در رابطه با صلح و ثبات در مقدونیه و سایر مناطق بالکان شامل کمک‌های بشردوستانه برای پناهندگان و آوارگان اختصاص داده است.

ـ تلاش در جهت تحکیم روابط با کشورها و مناطق کلیدی؛

تلاش در این جهت یکی از جنبه‌های مهم کوشش‌های ژاپن برای حل مسائل رویارویی جامعه بین‌المللی است. در پنجاهمین سالگرد امضای معاهده سانفرانسیسکو ـ ژاپن برای تحکیم روابط دوجانبه در حوزه‌های سیاسی ـ امنیتی و اقتصادی تلاش‌های زیادی انجام داده است. بر اساس تفاهم دوجانبه رهبران دو کشور تصمیم گرفتند مشاوره‌های امنیتی را در تمامی سطوح افزایش دهند. همچنین در رابطه با نیروهای آمریکایی مستقر در ژاپن و به‌کارگیری ثابت گزارش نهایی کمیته اقدام ویژه در مورد اکیناوا Special Action Committee on Okinawa (SACO) و اتحاد آمریکا ـ ژاپن ـ اهتمام ورزند.

سیاست خارجی ژاپن در حوزه‌های دیپلماتیک عمده

بخش یک

سیاست و امنیت

الف. تضمین امنیت ژاپن

منطقه آسیا ـ پاسیفیک هنوز مواجه با شرایط نامطمئن و غیرقابل پیش‌بینی است از قبیل درگیری‌های منطقه‌ای به‌دلایل گوناگون و پیچیده نژادی و اختلافات مذهبی، تکثیر موشک‌ها و سلاح‌های کشتار جمعی. به‌علاوه شرایط بین‌المللی حاوی عوامل آسیب‌پذیری بسیاری است از قبیل حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر.

با توجه به محیط امنیتی ژاپن سیاست امنیتی خود را ستون بنا نهاده که عبارتند از:

۱. حفظ ترتیبات امنیتی بین ژاپن ـ آمریکا

۲. ساخت توان دفاعی ژاپن بر اساس متوازن

۳. تعقیب تلاش‌های دیپلماتیک برای تضمین امنیت و صلح بین‌المللی

بر اساس اصول فوق، توان دفاعی ژاپن تحت برنامه دفاع ملی نوامبر ۱۹۹۵ و برنامه دفاع میان‌مدت (Fy2001-05) در دسامبر ۲۰۰۰ تعقیب می‌شود.

۱. ترتیبات امنیتی ژاپن ـ آمریکا

۱. دستورالعمل‌های همکاری دفاعی ژاپن ـ آمریکا

۲. دفاع موشکی

۳. موارد مربوط به نیروهای آمریکایی مستقر در ژاپن

۲. تلاش در جهت ارتقای محیط امنیتی منطقه‌ای

ب. ارتقای صلح و ثبات جهانی

۱. رهیافت جامع نسبت به مناقشات

۲. اجتناب از مناقشه

۳. همکاری صلح در سطح بین‌المللی

٤. کمک به پناهندگان

۳. کنترل تسلیحات ـ خلع سلاح ـ منع تکثیر سلاح‌ها
۱. خلع سلاح و منع تکثیر سلاح‌های اتمی
۲. پیمان منع استفاده از مواد شکافت‌پذیر و کنفرانس ژنو در مورد خلع سلاح
۳. خلع‌سلاح هسته‌ای آمریکا ـ روسیه و دفاع موشکی
٤. سلاح‌های شیمیایی
٥. سلاح‌های کوچک و سبک
٦. مین‌های ضد نفر
۷. ثبت تسلیحات متعارف در سازمان ملل
۸ منع تکثیر موشکی[۱۲۹]

۳ـ۱۰ـ روابط خارجی

امروزه کشورها سعی دارند با حفظ اصول، روابط خود را با سایر کشورها در جهت حفظ منافع ملی، هر چه بیشتر گسترش دهند زیرا به این ترتیب قادر خواهند بود با حفظ مسائل امنیتی خود، استراتژی خاصی را برای توسعه و رشد و ارتقای سعادت و رفاه و در نهایت صلح و آرامش به ارمغان آورند. ژاپن نیز به عنوان کشوری که اقتصاد و تجارت در آن نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، از این مقوله خارج نیست.

ژاپن تقریباً با تمامی کشورهای جهان رابطه سیاسی و اقتصادی دارد. طبق آمار وزارت‌خارجه ژاپن این کشور هم‌اکنون با ۱۸۱ کشور جهان با داشتن ۱۱۰ سفارتخانه رابطه سیاسی دارد و در ۷۱ کشور دیگر سفارتخانه موجود اکرودرتیه می‌باشند. تعداد سرکنسولگری‌ها نیز ٦۹ فقره است. به‌علاوه نمایندگی‌های دائم در نیویورک، ژنو، وین سازمان بین‌المللی کار، سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک توسعه آسیایی و غیره را به آن بیفزاییم.[۱۳۰]

در سیاست خارجی ژاپن، طبق آنچه که در کتاب آبی دیپلماتیک سال ۲۰۰۲ ژاپن آمده،

روابط خارجی این کشور با کشورهای ذیل به ترتیب از اولویت برخوردارند:

۱. ایالات متحده آمریکا

۲. چین

۳. جمهوری کره

٤. روسیه

۵. اتحادیه اروپا

۱ـ۳ـ۱۰ـ روابط با ایالات متحده آمریکا

اگرچه تاریخ روابط سیاسی دو کشور به قرارداد دوستی و مودتی که در سال ۱۸۵٤ بین ژاپن و ایالات متحده به امضا رسیده، برمی‌گردد اما در واقع بعد از جنگ جهانی دوم و تسلیم بدون قید و شرط این کشور به قوای متفقین و به خصوص آمریکاست که روابط فیمابین وارد عرصه جدید شده است.[۱۳۱]

بعد از تسلیم ژاپن در مقابل قوای متفقین در جنگ دوم جهانی و اشغال نظامی این کشور آمریکا به‌طور مستقیم و به مدت هفت سال به تمامی مقدرات ژاپن حاکم شد. ژنرال مک آرتور سرفرماندهی عالی قوای اشغالگر در این مدت در کلیه شئون سیاسی و اقتصادی ژاپن دخالت مستقیم داشت و نقطه‌نظرهای خود را که ناشی از سیاست خارجی آمریکا بود در این کشورها پیاده کرد.

به این ترتیب برای ژاپن قانون اساسی، سیاست دفاعی و خارجی نوینی تدوین شد و تحت حمایت آمریکا در سپتامبر ۱۹۵۱ پیمان صلح با ٤۸ کشور جهان امضا شد. بعد از حصول کلیه نقطه‌نظرات آمریکا بالاخره در آوریل ۱۹۵۲ استقلال و حاکمیت ژاپن مجدداً اعلام شد.

بعد از اعلام استقلال نیز ژاپن وابستگی کامل خود را به آمریکا ادامه داد زیرا به زعم زمامداران این کشور، همجواری با شوروی و همگام با آن پیشرفت سریع اقتصادی که در اندک مدتی بعد از جنگ تعجب همگان را برانگیخت برخورداری از حمایت یک قدرت بزرگ

را ضروری کرده بود، به‌خصوص که این کشور بنا به اراده متفقین که در قانون اساسی جدید منعکس شده از داشتن یک نیروی دفاعی قوی محروم بود. در سال ۱۹۵۱ هنگام امضا پیمان سانفرانسیسکو برای تحکیم موقعیت اقتصادی و جلوگیری از هرگونه تجاوز خارجی یک پیمان امنیتی هم با آمریکا منعقد کرد که بعدها در سال ۱۹٦۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت.[۱۳۲] بر اساس این پیمان بیش از ۲٦۰,۰۰۰ نیروی نظامی آمریکا در ژاپن مستقر شدند که قسمت عمده آنرا نیروی دریایی و هوایی تشکیل می‌داد. وجود این تعداد از نیروی نظامی‌خارجی، مورد اعتراض بسیاری مردم و نمایندگان مجلس قرار گرفت، اما ضرورت جلوگیری از توسعه کمونیسم و تهاجم ناگهانی به ژاپن موجب شد که به این اعتراضات چندان وقعی گذارده نشود.[۱۳۳]

اما با تشکیل نیروهای دفاع از خود و سپس با تجدید سازمان آن در سال ۱۹٥٤ و پیشرفت‌های اقتصادی کشور، مقامات ژاپنی تحت فشار افکار عمومی مذاکراتی را برای تجدید نظر در پیمان امنیتی با وزیر خارجه وقت آمریکا آغاز کردند که بالاخره منجر به امضای پیمان امنیتی و همکاری متقابل[1] بین دو کشور در ۲۳ ژوئن ۱۹٦۰ شد. خصوصیات توافقات امنیتی که بین آمریکا و ژاپن منعقد شده به شرح زیر است:

۱. مشارکت مستقیم در امنیت ژاپن

۲. مشارکت در حفظ صلح و امنیت خاور دور

۳. این قرارداد قلب و مرکز روابط دو کشور بوده و مهم‌ترین قرارداد دوجانبه برای ژاپن است

٤. پایه‌ای برای روابط خارجی ژاپن است.[۱۳٤]

با توجه به مراتب فوق طبیعی است که روابط سیاسی آمریکا و ژاپن بسیار گسترده و هماهنگ است. حزب حاکم لیبرال دموکرات طرفدار این نزدیکی بوده و توسعه روابط با آمریکا و غرب را در رأس برنامه‌های خود قرار داده نخست‌وزیران ژاپن همواره در مسائل عمده جهانی

---

1. Treaty of Mutual Cooperation and Security

با رهبران آمریکا مشورت کرده و سیاست کشورشان را با نقطه نظرات آمریکا هماهنگ کرده‌اند منافع ملی دو کشور ایجاب می‌کند که هم ژاپن و هم ایالات متحده آمریکا، مسئولیت‌ها و منافع ویژه‌ای را برای صلح، امنیت، رشد و سعادت در منطقه آسیا ـ پاسیفیک، با یکدیگر تقسیم کنند. به‌علاوه کاهش تنش در شبه‌جزیره کره، حل مسئله کامبوج، بازسازی هند و چین، پاسخ به نحوه جدید اداره روسیه و همکاری اقتصادی در منطقه آسیا ـ پاسیفیک، وظایفی هستند که باعث هماهنگی در سیاست و همکاری بین دو کشور می‌شوند و نتیجه آن «مشارکت جهانی» یا Global Partnership ژاپن و ایالات متحده، در منطقه آسیا ـ پاسیفیک است.[۱۳۵]

کوری یاما، قائم‌مقام اسبق وزارت خارجه ژاپن، تأکید می‌کند که عامل مهم دیگری که دو کشور را به یکدیگر وصل می‌کند، «رابطه اتحاد» بین دو کشور بر اساس پیمان امنیتی فیمابین است، زیرا واژه «اتحاد» نه تنها جنبه‌های نظامی پیمان امنیتی را شامل می‌شود، بلکه با توجه به ماده ۲ مفهوم وسیع‌تری از بابت همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دارد، به‌خصوص که روابط شرق و غرب از حالت مقابله به مذاکره تبدیل شده است.

دومین وظیفه‌ای که پیمان مذکور به‌عهده دارد پایه‌ای برای مذاکرات مثبت با روسیه است. به‌خصوص اینکه ژاپن هنوز نتوانسته مسئله سرزمین‌های شمالی را با روسیه حل کرده و پیمان صلحی با این کشور امضا کند. برای به ثمر رساندن چنین اهدافی وجود یک رابطه اتحاد محکم و استوار بین ژاپن و ایالات متحده ضروری و به‌عنوان یک پیش‌شرط مطرح است.

نقش سوم پیمان امنیتی، وظیفه آن به‌عنوان مهم‌ترین چارچوب برای توسعه ثبات در منطقه آسیا ـ پاسیفیک است. ترتیبات امنیتی دوجانبه و پیوندهای اقتصادی، هسته روابط ژاپن با آمریکا را در دوران بعد از جنگ تشکیل داده ولی دو کشور در تلاش‌های چندجانبه برای حل معضلات جهانی همکاری نزدیکی دارند. به‌منظور روزآمدکردن ترتیبات امنیتی ژاپن ـ آمریکا به‌منظور انعکاس واقعیت‌های دنیای بعد از جنگ، دستورالعمل‌های جدیدی برای همکاری دفاعی ژاپن آمریکا در سال ۱۹۹۷ صادر شد و قوانین مربوطه در سال ۱۹۹۹ تدوین شد. این امر باعث ثبات روابط امنیتی دو کشور شده است.[۱۳۶]

روابط ژاپن ـ آمریکا پایه بنیادی دیپلماسی ژاپن بوده و از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است، ژاپن درصدد پیشبرد گفتمان و هماهنگی سیاست‌های بین دو ملت بر اساس یک طیف گسترده است و در عین حال می‌کوشد اعتبار ترتیبات امنیتی ژاپن ـ آمریکا را تقویت کرده و اتحاد ژاپن ـ آمریکا را توسعه ببخشد. اتحادی که بنیان صلح و ثبات در منطقه آسیا اقیانوسیه است. به‌علاوه با توجه به چشم‌اندازی نامطمئن از اقتصاد جهانی، حیاتی است که گفتمان سازنده بین ژاپن و ایالات متحده را از طریق تشریک اقتصادی آمریکا ـ ژاپن برای رشد به‌منظور تضمین رشد پایدار برای اقتصاد ژاپن و ایالات متحده و اقتصاد جهانی ارتقا ببخشیم.[۱۳۷]

جیمز بیکر، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا نیز با تأکید بر روابط با ژاپن اظهار می‌دارد «سنگ بنای حضور و اشتغال ما در اقیانوس آرام و آسیای شرقی، رابطه ما با ژاپن است. هیچ چیزی برای سعادت و امنیت منطقه و در واقع برای کارایی نظام پس از جنگ سرد، اساسی‌تر از رابطه هماهنگ و مولد آمریکا و ژاپن نیست».[۱۳۸]

در سال ۲۰۰۱ ژاپن و آمریکا برای تحکیم روابط از طریق گفتمان در تمامی سطوح شامل اجلاس سران و ملاقات‌های بین وزرای خارجه تأکید کردند. در ملاقات ماه مارس ۲۰۰۱ بین نخست‌وزیر، موری و رئیس‌جمهور آمریکا ـ رهبران دو کشور هدف اساسی را برای روابط دوجانبه در قرن ۲۱، بر اساس هماهنگی سیاست‌ها از طریق گفتمان نزدیک در رابطه با طیف وسیعی از موضوعات شامل نه تنها روابط دوجانبه بلکه اوضاع بین‌المللی نهادند. همچنین به تحکیم روابط دوجانبه در حوزه امنیت ژاپن ـ آمریکا تأکید کردند و بر تلاش‌های در رابطه با بازگرداندن رشد به اقتصاد آمریکا و احیای سریع اقتصاد ژاپن، دو رهبر بر همکاری در زمینه یافتن راه‌های جدید برای تحکیم گفتمان دوجانبه در حوزه‌های تجارت و اقتصاد تأکید کردند.

با روی کارآمدن دولت جونیچیه و کویزومی و گفت‌وگوی تلفنی با پرزیدنت جورج دبلیو بوش، دو رهبر بر تحکیم روابط دو کشور تأکید کردند و در بازدید وزیر خارجه ژاپن در ماه ژوئن از آمریکا بر اهمیت اتحاد دوجانبه و تبادل دیدگاه‌ها در رابطه با برنامه دفاع موشکی امور

مربوط به اکیناوا و اقداماتی در جهت رویارویی با گرم‌شدن زمین تأکید کردند. در سالگرد امضای معاهده سانفرانسیسکو، وزیر خارجه ژاپن برنامه تفاهم دوجانبه آمریکا ـ ژاپن را Jump یا Japan - US Mutul Understanding که تحت آن ۲۵ دانش‌آموز دبیرستانی آمریکا برای مدت یک سال به ژاپن دعوت می‌شوند اعلام کرد.

تنها چند روز بعد از این مراسم، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حملات تروریستی در آمریکا صورت گرفت و ژاپن بلافاصله به‌عنوان یک متحد برنامه‌ای ۷ ماده‌ای را که این کشور را قادر می‌سازد و فعالانه و با ابتکار خود در برابر تروریسم بایستد، اعلام کرد. بعد از حمله آمریکا به افغانستان، ژاپن حمایت خود را از این حمله اعلام کرده و در ۲۹ اکتبر قانون اقدامات ویژه ضد تروریستی را به تصویب رساند که راه را برای همکاری و پشتیبانی از فعالیت‌های نیروهای دفاع از خود ژاپن برای آمریکا و سایر نیروها در جنگ علیه تروریسم باز می‌کرد.[۱۳۹]

روابط اقتصادی آمریکا ـ ژاپن

ایالات متحده آمریکا، فقط از بابت مسائل دفاع و امنیت برای ژاپن مهم نیست، بلکه از نظر اقتصادی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در واقع معجزه اقتصادی پس از جنگ ژاپن مستلزم حمایت آمریکا بود زیرا اتحاد دو کشور باعث شد که هم امنیت ملی و هم یک بازار اقتصادی عظیم برای تولیدات ژاپن فراهم گردد. بسیاری از ژاپنی‌ها به روشنی این درس را فراگرفته‌اند که ژاپن با پیروی از بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان شکوفا شد و به این ترتیب یک استراتژی مبتنی بر دنباله‌روی به‌وجود آمد که به مرور محترم شمرده شد و در نهایت به صورت نوعی قاعده کلی و امری مسلم و بدیهی درآمد.[۱۴۰]

جیمز بیک، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا عقیده دارد که بایستی برای کاستن از تنش‌های اقتصادی در تقویت رابطه به هم پیوسته فزاینده کار کرد. داد و ستد دوجانبه چندصد میلیارد دلاری در سال و سرمایه‌گذاری و شکوفایی شبکه مرتبط بخش خصوصی بین دو کشور، به‌خصوص از نظر تکنولوژی پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهانی، جایگاه خاص خود را دارد.

ایالات متحده و ژاپن به‌عنوان دارندگان دموکراسی و اقتصاد نشأت گرفته از بازار که روی‌هم ۴۰ درصد از تولید ناخالص ملی جهان را در دست دارند، در صورتی‌که خط‌مشی خارجی آنها به‌طور مؤثری هماهنگ شود، دارای این توان بالقوه هستند که در حمایت از آینده‌ای بهتر، منابع بی‌نظیر را تنظیم کنند.

دولت آمریکا قویاً از اصلاحات ساختاری دولت کویزومی حمایت کرده و به‌طور متناوب بر انتظارات والایی که از ژاپن دارد تأکید ورزیده، همچنین آمریکا اشاره کرده که با توجه به امنیت اقتصاد این کشور و اقتصاد جهان، بازیابی اقتصاد ژاپن که دومین کشور دنیا از لحاظ تولید ناخالص داخلی است (۴/۷ تریلیون دلار آمریکا در سال ۲۰۰۰)[۱۴۱]، نه تنها برای آمریکا و اقتصاد ژاپن بلکه برای ثبات و سعادت اقتصاد جهانی ضروری است.

موضع اساسی دولت آمریکا در مورد روابط اقتصادی دوجانبه، کنارگذاشتن فشارهای وارده از خارج یا همان "Gaiatsu" در شکل‌دهی روابط اقتصادی به نفع ارائه پیشنهادات در موقع ضرورت است.

با همین دید، رهبران دو کشور بر سر آغاز مشارکت اقتصادی آمریکا ـ ژاپن برای رشد موافقت کردند. بر اثر این مشارکت روابط اقتصادی دوجانبه نزدیک‌تر و در عین حال ارتقای رشد پایدار برای اقتصاد دو کشور و اقتصاد جهانی پیش‌بینی‌شده است. گفتمان اقتصادی دولت‌های آمریکا ـ ژاپن یکی از زمینه‌هایی است که برای طرح مذاکرات استراتژیک در مورد مسائل اقتصادی دوجانبه با دیدگاه میان‌مدت و بلندمدت طراحی شده است.

مذاکرات در مورد اصلاحات ساختاری و سیاست‌های رقابتی بین ژاپن و ایالات متحده در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۱ برگزار شد و گروه‌های مختلف تحت «برنامه ابتکار سیاست‌های رقابتی و اصلاحات ساختاری» یا Regulatary Reform and Competition Policy Interactive که گفتمان آزادسازی ژاپن ـ آمریکای قبلی را سازماندهی مجدد کرده و نوع متکامل آن است، در حال کار هستند Japan-US Derregulation Dialague [۱۴۲] در بعد اقتصادی آمریکا همواره مقصد شماره یک برای صادرات ژاپن و اولین تأمین‌کننده منابع برای واردات این کشور بوده.

آمریکا در سال ۲۰۰۰، ۲۹/۷ درصد صادرات ژاپن را خریداری کرده و ۱۸/۹ درصد واردات ژاپن از آمریکا بوده است.

ماشین‌آلات و تجهیزات بزرگ‌ترین بخش صادرات ژاپن به آمریکا یعنی ۸۱/۶ درصد در سال ۲۰۰۰ را تشکیل می‌داده که از این میان بیشترین سهم مربوط به صادرات اتومبیل یعنی ۲۲/۹ درصد کل صادرات به آمریکا بوده در مقایسه با کل سهم ۱۳/۴ درصد صادرات ژاپن به سراسر جهان.

در عین حال ژاپن از بزرگ‌ترین واردکنندگان محصولات کشاورزی آمریکا شامل محصولات جنگلی و دریایی است. این کشور در سال ۲۰۰۰، ۱۸/۲ بیلیون دلار محصولات کشاورزی از آمریکا وارد کرد.[1]

سهم ژاپن در کسری بودجه آمریکا که در اوایل دهه ۹۰ بیش از ۶۰ درصد بود برای سال ۲۰۰۰ به ۲۰ درصد کاهش یافت در مقابل این تنزل، شکاف تجاری بین دو کشور تبدیل به مسئله سیاسی مهمی البته نه به اندازه سابق شده است. در گفت‌وگوهای تجاری بین ژاپن و ایالات متحده هر دو دولت اقدامات آزادسازی را تحت ابتکار عمل مستحکم در مورد سیاست‌های آزادسازی و رقابتی، ارتقا بخشیده‌اند.

چشم‌انداز و چالش‌های آینده

اتحاد ژاپن ـ آمریکا به‌طور فزاینده‌ای برای صلح و سعادت در منطقه آسیا ـ پاسیفیک و به‌عنوان ابزاری مؤثر برای رویارویی با مسائل جهانی اهمیت یافته است. ادامه گفتمان دوجانبه نزدیک که در سطوح مختلف در جریان است برای دو کشور حیاتی است و اینکه آنها در همکاری سیاست‌گذاری نه تنها در رابطهٔ با روابط دوجانبه بلکه در زمینه گسترده‌ای از سایر حوزه‌ها، در چارچوب مشارکت برای صلح و سعادت که در ماه ژوئن ۲۰۰۱ مورد توافق طرفین قرار گرفت، با یکدیگر اهتمام ورزند.[۱۴۳]

1. Japan External Trade Organization

۲ـ۳ـ۱۰ـ روابط با چین

رابطه ژاپن و چین سابقه‌ای دوهزار ساله دارد که پیوندهای نزدیک تاریخی و فرهنگی را موجب شده است. در حقیقت سرزمین پهناور چین منشأ بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی مردم ژاپن به حساب می‌آید و به همین مناسبت ژاپن از قرن چهاردهم تا هفدهم میلادی زیر سلطه فرهنگی این کشور بوده است.

علی‌رغم پیوندهای فرهنگی، جنبه‌های روانی و مسائل فیمابین غالباً مشکلات و درگیری‌هایی بین این دو کشور ایجاد کرده که از آن جمله می‌توان به جنگ‌های متناوب از ۱۸۹۴ تا خاتمه جنگ جهانی دوم اشاره کرد. برای بررسی روابط دو کشور بهتر است سه دوره اساسی به شرح زیر را تفکیک کرد:

۱. درگیری مسلحانه از ۱۸۹۴ تا استقرار جمهوری خلق چین (اکتبر ۱۹۴۹)

۲. روابط ژاپن و چین از زمان استقرار جمهوری خلق چین تا برقراری روابط دیپلماتیک

با توجه به اختلاف قبلی کمونیست‌ها با دولت ژاپن روابط سیاسی دو کشور قطع شد ولی روابط بازرگانی به‌تدریج رونق گرفت و دوطرف علاقه‌مندی خود را به گسترش این قبیل روابط پنهان نمی‌کردند. چوئن لای، نخست‌وزیر چین مبتکر «بازرگانی دوستانه» بین دو کشور شد، معهذا مسائل سیاسی مخصوصاً مسئله دو چین مانع قوام‌گرفتن این تمهیدات بود و رهبران چین توسعه روابط بازرگانی ژاپن با تایوان را خصومت با خود تلقی می‌کردند.[۱۴۴]

در طرح مبتکرانه چوئن لای، اصولی برای گسترش تجاری برای شرکت‌های ژاپنی که مخالفت خود را با معاهده امنیتی آمریکا ـ ژاپن ابراز کرده و به سه اصل زیر احترام بگذارند اعلام شده بود:

۱. ژاپن باید خصومت خود را با چین کنار بگذارد.

۲. دولت ژاپن نباید شریک هیچ نوع توطئه‌ای به‌منظور جانبداری از موضع به‌اصطلاح «دوچین» شود.

۳. دولت ژاپن نبایستی مانع برقراری روابط عادی میان دو کشور شود. به این ترتیب از

سال ۱۹۶۲ به بعد، چوئن لای با اعلام روش‌های گام‌به‌گام به‌منظور توسعه روابط سیاسی و اقتصادی و اتخاذ یک خط‌مشی انعطاف‌پذیر نسبت به ژاپن و تعدیل تبلیغات ضد ژاپنی و امضای یادداشت تجارت در سپتامبر ۱۹۶۲ راه را برای گسترش روابط هموار ساخت.

از اواخر دهه ۶۰، چین با پیروی از دیپلماسی جدید، سعی کرد دولت ژاپن را مجبور به اتخاذ سیاست دیگری نسبت به خود کند و در این راه موفقیت‌هایی به‌دست آورد. به‌طوری‌که ژاپن با توجه به منابع عظیم چین و همچنین بازار گسترده‌ای که در مقابل داشت حتی قبل از سفر نیکسون به چین، سیاست خود را نسبت به تایوان در سال ۱۹۷۱ تغییر داد.[۱۴۵]

بعد از اعلام سفر نیکسون به چین، دولت ژاپن هم در موضع سخت خود تغییراتی داد و تمایل به برقراری روابط سیاسی را ابراز کرد. چینی‌ها در اواسط سال ۱۹۷۱ برای عادی‌شدن روابط با ژاپن شروطی تعیین کردند، از جمله شناسایی فقط یک چین و فسخ معاهدات با تایوان.[۱۴۶]

ناکاسونه که آن زمان رئیس دفتر اجرایی حزب لیبرال دموکراتیک ژاپن (حزب حاکم) بود قاطعانه اعلام کرد که «دولت پکن دولت قانونی چین است و تایوان به این کشور تعلق دارد» و ایساکوساتو، نخست‌وزیر وقت ژاپن تغییر مشی سیاست کشور خود نسبت به چین و تصمیم به بهبود روابط را در همین سال اعلام کرد و ژاپن هفت سال قبل از آمریکا، این روابط را عادی کرد.

۳. روابط دو کشور پس از برقراری رابطه سیاسی

روابط خصمانه چین و ژاپن که حدود چهل سال ادامه یافته بود با مسافرت تاناکا نخست‌وزیر وقت ژاپن به چین در اواسط سال ۱۹۷۲ پایان پذیرفت و در همین سفر بود که نخست‌وزیر ژاپن رسماً از سیاست میلیتاریست‌های ژاپن و تجاوز آنها به چین عذرخواهی کرد و از خسارات و زیان‌های مالی و جانی که به چین وارد شده بود، اظهار تأسف کرد و در مقابل چین ضمن چشمپوشی از طرح ادعای خسارت و گرفتن غرامت، از دولت ژاپن خواست تا جمهوری خلق چین را به‌عنوان تنها دولت قانونی چین به رسمیت شناخته و روابط سیاسی

خود را با تایوان قطع کند. ژاپن اگرچه با هر دو تقاضا موافقت کرد ولی مناسبات بازرگانی خود با تایوان را حفظ کرد و به این ترتیب در اوایل سال ۱۹۷۳، سفارتخانه‌های دو کشور رسماً افتتاح و شروع به کار کردند و بالاخره در ۱۲ آگوست ۱۹۷۸ با حضور وزرای خارجه دو کشور در پکن پیمان صلح و دوستی امضا و مانع بزرگی از سر راه توسعه روابط دو کشور برداشته شد.

عامل اساسی که رهبران چین را به عادی‌کردن روابط با ژاپن تشویق کرد، کاستن از جو تشنج در شرق و جنوب شرقی آسیا و نیز بهره‌گیری از امکانات صنعتی و فنی پیشرفته ژاپن در توسعه اقتصادی کشور بود، برای ژاپن هم علاوه بر ملاحظات بین‌المللی به دستیابی به بازار وسیع چین و بهره‌گیری از منابع و ذخایر فراوان این کشور اهمیت ویژه‌ای داشت که به‌سادگی نمی‌توانست از کنار آن بگذرد.

به هر حال روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به سرعت گسترش یافت به‌طوری که اوهیرا، نخست‌وزیر وقت ژاپن ضمن سفر به پکن موافقت ژاپن با پرداخت اولین وام بلندمدت با بهره کم به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار را اعلام کرد. چین پس از ایالات متحده آمریکا، دومین شرکت عمده تجاری ژاپن است.

البته توسعه روابط خارجی برای مدت کوتاهی و با شروع درگیری و فاجعه خونین میدان تیان‌آن‌من در ژوئن ۱۹۸۹ به مدت دو سال شدیداً تحت تأثیر قرار گرفت و فشارهای خارجی باعث شد که ژاپن وام ۸۱۰ میلیارد ینی را به حال تعلیق درآورد.

از اواسط ۱۹۹۰ توشیکی کایفو، نخست‌وزیر وقت ژاپن با موضع‌گیری در اجلاس سران هفت به نفع چین و اعلام تصمیم ژاپن مبنی به از سرگیری مذاکرات برای پرداخت وام و سفر ریوتار و هاشیموتو، وزیر وقت دارایی در ژانویه ۱۹۹۱ و به‌طور متقابل سفر وزیر خارجه وقت چین به ژاپن در تابستان ۱۹۹۱ و در نهایت سفر کایفو، نخست‌وزیر وقت در آگوست ۱۹۹۱ به‌عنوان اولین رهبر از گروه صنعتی هفت، نه تنها روابط دو کشور عادی شد بلکه راه برای سفر سایر رهبران غرب از جمله انگلیس و ایتالیا باز شد.

در سفر کایفو به چین اگرچه رهبران چین در قبال مسئله حقوق بشر، با تأکید بر اینکه حقوق بشر یک مسئله داخلی است جواب مساعدی به وی ندادند ولی اظهارات رسمی لی‌پنگ، نخست‌وزیر چین مبنی بر پذیرش اصل پیوستن چین به معاهده عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای Non Proliferation Treaty موقعیت بزرگی را برای ژاپن ایجاد کرد.

سفر جیانگ زمین، دبیرکل حزب کمونیست چین و سفر تاریخی امپراتور ژاپن به چین در اکتبر ۱۹۹۲ به‌عنوان سفر اولین امپراتور ژاپن طی ۱۸۰۰ سال تاریخ مشترک، سرفصل جدیدی را در روابط دو کشور باز کرد و زمینه را برای گسترش مناسبات دوجانبه بیش از پیش فراهم ساخت.

روابط دو کشور از جهات عدیده اهمیت دارد. تا حدی‌که هویائوباگ، رهبر حزب کمونیست چین در ملاقات با نخست‌وزیر ژاپن در سال ۱۹۸۳ گفت «وقتی با هم می‌جنگیم، هر دو طرف ضعیف می‌شویم، اما وقتی متحد می‌شویم شکست‌ناپذیر خواهیم شد».

چین از نظر امنیتی یکی از منابع نگرانی ژاپنی‌هاست و این حساسیت اخیراً برای ژاپنی‌ها به‌وجود آمده که توسعه امکانات نظامی پکن و تأکید رهبران این کشور به زنده‌کردن ادعاهای ارضی، موجب بی‌ثباتی منطقه و در جهت تلاش چین در جهت سلطه بر منطقه آسیا در دوران پس از جنگ سرد است. به‌خصوص که دولت چین حاکمیت ژاپن بر جزایر سنکاکو را رد کرده و جزایر مذکور را متعلق به خود می‌داند.

متقابلاً چین نیز از احیای نظامیگری در ژاپن نگران است، به‌خصوص که هنوز حضور نیروهای آمریکایی در ژاپن ادامه دارد و ژاپن بودجه نظامی خود را افزایش داده و تصمیم گرفته طبق منشور سازمان ملل متحد نیروهای خود را به‌عنوان حافظ صلح به مناطق مختلف اعزام کند.[۱۴۷]

دیدگاه کلی ژاپن نسبت به روابط با چین

پیشرفت‌هایی چون پذیرش در سازمان تجارت جهانی در دسامبر ۲۰۰۱ که دارای سابقه‌ای

طولانی برای چین بود. برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ در پکن و توسعه با ثبات اقتصادی همه تأثیر و نفوذ بین‌المللی چین را گسترش می‌دهند. روابط چین و ژاپن یکی از مهم‌ترین روابط دوجانبه برای ژاپن است چراکه چین یکی از همسایگان کلیدی آن به‌شمار می‌رود. چینی که نقشی سازنده در جامعه بین‌المللی ایفا کند، نه تنها برای ثبات و سعادت ژاپن و چین لازم است بلکه برای منطقه آسیا ـ پاسیفیک و در کل جهان ضروری است. در همین رابطه ژاپن به ارتقای همکاری با چین در حوزه‌های مختلف اهتمام کرده و مشوق مشارکت فعال چین در چارچوب بین‌المللی است.[۱۴۸]

ب. روابط چین و ژاپن در سال ۲۰۰۱ با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو شد که مربوط به متن درسی کتاب‌های تاریخ، بازدید نخست‌وزیر کویزومی از «معبد یاسوکونی» و بازدید رئیس‌جمهور سابق تایوان لی تنگ هوئی (Lee Teng Hui) از ژاپن بود. گرچه با بازدید کویزومی از چین در ۱۸ اکتبر ۲۰۰۱ روابط رو به بهبود گذاشت. همچنین اتخاذ اقدامات محدودکننده روی ۳ نوع از تولیدات کشاورزی باعث شکاف تجاری غیرمنتظره‌ای شد ولی مسئله از طریق گفتمان در پایان دسامبر حل شد.

نگرانی‌های عمده

سفر رئیس‌جمهور سابق تایوان مرتبط با اهداف بشردوستانه و سایر دلایل از جمله قرار گرفتن تحت مداوای پزشکی بود. چین قویاً پاسخ داده و بازدید برخی چهره‌های کلیدی را از ژاپن لغو کرده یا به تأخیر انداخت، از جمله بازدید رئیس کمیته کنگره ملی خلق، آقای لی‌پنگ.

همچنین چین درخواست کرد، ۱۶ نکته خاص در کتاب درسی تاریخ دبیرستان ژاپن حذف شود. گرچه وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علو و فناوری ژاپن پس از بررسی اعلام کرد قادر به انجام تغییرات نیست به هر حال دولت چین از ژاپن درخواست کرده است که مسئله را به هر صورت حل کند.

همچنین هنگامی‌که ژاپن تصمیم به اعزام نیروهای دریایی دفاع از خود، در پی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر گرفت تحت قانون اقدامات ویژه ضد تروریستی، چین یادآوری کرد که «بنا به دلایل تاریخی، نقش ژاپن در حوزه نظامی از حساسیت بالایی برخوردار است» و از ژاپن خواست با احتیاط عمل کند.

بازدید نخست‌وزیر کویزومی از چین

در ۱۸ اکتبر ۲۰۰۱، این بازدید انجام شد و در طی مذاکرات با رئیس‌جمهور وقت چین آقای جیانگ زمین و نخست‌وزیر و بازدید از «پل مارکو پولو» که محل شروع درگیری چین و ژاپن بود و بازدید از موزه خاطرات جنگ مردم چین علیه ژاپن. نخست‌وزیر کویزومی، تأسف ژاپن را از آنچه در تاریخ گذشته ابراز کرد و تأکید کرد ژاپن اکنون یک کشور صلح‌طلب است. رئیس‌جمهور وقت چین ابراز عقیده کرده که دوران تنش بین ژاپن و چین به سر آمده است. این دیدار باعث نزدیکی رهبران دو کشور شد. در اجلاس رهبران اقتصادی اپک APEC که اواخر اکتبر همان سال برگزار شد، دو کشور با انعقاد موافقت‌نامه‌ای همکاری‌های دوجانبه را در حوزه‌هایی گسترش دادند که نشانی از پیشرفت روابط دو کشور دارد.

عملیات تحقیقاتی دریایی چین

در ماه فوریه ۲۰۰۲، چارچوب آگاهی پیش از موقع در مورد انجام عملیات تحقیقاتی توسط کشتی‌های چینی در منطقه اقتصادی انحصاری ژاپن، بدون توافق قبلی، ژاپن تعیین شد. اساساً این چارچوب مؤثر بود ولی به‌دلیل انجام اعمالی خارج از چارچوب مزبور توسط کشتی‌های چین، ژاپن شکایتی را تسلیم چین کرد که توسط وزیر خارجه وقت ژاپن در اجلاس وزرای خارجی تسلیم وزیر خارجه وقت چین شد که او نیز بر حمایت چین از چارچوب توافق فوق تأکید کرد.

روابط اقتصادی ژاپن ـ چین

در حمایت از اصلاحات و سیاست درهای باز چین، ژاپن کمک‌های اقتصادی توسعه‌ای[1] به آن کشور ارائه می‌دهد این کمک‌ها علی‌رغم معضلات اقتصاد داخلی ژاپن و شرایط مالی و توسعه اقتصادی چین، دولت ژاپن به این کار ادامه می‌دهد و برنامه همکاری اقتصادی را برای چین در ماه اکتبر ۲۰۰۱ به‌عنوان دستورالعملی برای تضمین ODA با هدف حمایت و تفاهم دولت و اینکه کمک‌ها بر اساس این طرح ادامه می‌یابد، تنظیم شده است.(۱۴۹)

کل تجارت در سال ۲۰۰۱ به بالاتر از ۹/۲ تریلیون ین (حدود ۸۵/۷ میلیارد دلار) رسید یعنی حدود ۱۰/۷۹ تریلیون ین یا ۸۹/۱ میلیارد دلار. چین دومین شریک تجاری ژاپن بعد از ایالات متحده است. در حالی‌که ژاپن اولین شریک تجاری چین به‌شمار می‌رود. میزان صادرات به چین در سال ۲۰۰۰، ۶/۳ درصد و واردات از چین ۱۴/۵ درصد بوده است.(۱۵۰) میزان واردات تولیدات ساخته شده از چین اخیراً رو به گسترش نهاده. میزان سرمایه‌گذاری ژاپن در چین پس از سال مالی ۱۹۹۵ کاهش یافت ولی دوباره در سال مالی ۲۰۰۰ به ۹۱/۹ بیلیون ین (۷۶۵ میلیون دلار) در نیمه اول ۲۰۰۱ بالغ شد، یعنی بیش از دو برابر همان مقدار در سال پیش از آن.

در مورد روابط اقتصادی دوجانبه، به هم وابستگی متقابل در حوزه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در حال تعمیق است ولی با مسائلی چون شکاف‌های تجاری نیز درگیر بوده‌اند. برخی نگرانی‌ها در حوزه‌های روابط اقتصادی، شامل اعمال محدودیت‌های تجاری، بازرسی‌های محافظتی از صادرات حوله، از سرگیری ادعاها از سوی شرکت‌های سرمایه‌گذاری تراست‌های بین‌المللی در حوزه‌های منطقه‌ای چین و بازرسی‌های ضد دامپینگ توسط چین برانگیخته شده است. ژاپن برای تحکیم گفتمان دوجانبه با هدف توسط مناسبات اقتصادی که به منفعت هر دو طرف منجر شود، تلاش خواهد کرد. شکاف تجاری که در اثر اقدامات محدودکننده بر روی ۳ نوع از اقلام تولیدات کشاورزی ژاپن از جمله پیاز، قارچ و

1. Official Development Assistance (ODA)

گوجه‌فرنگی انجام شده، باب جدیدی را در تعمیق رابطهٔ وابستگی دو کشور به‌وجود آورد. ژاپن در پاسخ به محدودیت‌های اعمال شده از سوی چین متوسل به برخی اقدامات محدودکننده بر اساس موافقت‌نامه WTO راجع به این موارد شد. چین نیز در پاسخ تعرفه گمرکی ویژه‌ای را بر اتومبیل‌ها، تلفن، ماشین و تهویه مطبوع وارداتی از ژاپن بنا کرد ولی با ملاقات‌های انجام شده بین وزیر اقتصاد و تجارت و صنایع، وزیر کشاورزی، شیلات و جنگلداری ژاپن از چین توافقات به‌عمل آمده باعث حل مشکلات موجود شد.

چشم‌انداز آینده

سال ۲۰۰۲، سی‌امین سال عادی‌سازی روابط چین و ژاپن بود که به‌عنوان سال ژاپن و در ژاپن به‌عنوان سال چین اعلام شد. تبادلات در سطوح مختلف به‌ویژه بین نسل جوان، گسترش خواهد یافت تا به تفاهمی عمیق‌تر و اعتمادسازی بین دو کشور منجر شود. ژاپن و چین هر دو کشوری هستند که دارای تأثیر بر منطقه آسیا ـ اقیانوسیه هستند و نقش منطقه‌ای مشترک آنان در حال رشد است.

۳ـ۳ـ۱۰ـ روابط با روسیه

ژاپن و روسیه از نظر جغرافیایی همسایه محسوب می‌شوند و طی قرون متمادی دارای ارتباط‌های تجاری و فرهنگی بوده‌اند. البته روابط دو کشور به علت جدایی خاک آنها توسط دریای ژاپن و دریای اخوتسک فاقد گرمی و چندان قابل توجه نبوده‌است. به‌علاوه ژاپن طی چند قرن در انزوای کامل به سر می‌برد و علاقه‌ای به برقراری و گسترش روابط با دنیای خارج نشان نمی‌داد و قاعدتاً با روسیه نیز روابط خاصی برقرار نمی‌کرده است.[۱۵۱]

این روابط نوعاً باعث شد که در ۷ فوریه ۱۸۵۵ اولین عهدنامه تجاری بحرپیمایی، بین دو کشور به امضا برسد که بر اساس آن به‌طور صلح‌آمیز حدود و و ثغور دو کشور مشخص شد و جزایر اتوروفو (Etorofu)، کوناشی‌ری (Kunashiri) شیکوتان (shikotan) و هابومای

(Hobomai) به ژاپن و جزایر اوروپو (Uruppu) و تمام جزایری که در شمال آن قرار داشت به روسیه واگذار شد. به‌علاوه بر اساس عهدنامه ۷ می ۱۸۷۵ مجدداً به‌طور صلح‌آمیز مقرر شد که تمام حقوق ژاپن در ساخالین به روسیه تعلق گیرد و در مقابل جزایر اوروپووشی موشو (Shimuohu) به ژاپن واگذار شود. بالاخره طی عهدنامه‌ای که در ۸ ژوئن ۱۸۹۵ بین دو کشور به امضا رسیده عهدنامه ۱۸۵۵ ابطال و در مقابل هر اعتبار عهدنامه ۱۸۷۵ در مقابله با جزایر ساخالین و کوریل (Kurilei) تأیید شد.[۱۵۲]

پس از شروع توسعه اقتصادی و نظامی در ژاپن در اواخر قرن نوزدهم و به‌خصوص با کسب امتیازهای ارضی در چین که با پیروزی عظیم سال ۱۸۹۵ به‌دست آورده بود با روسیه تزاری تضاد منافع پیدا کرد زیرا روسیه که مانند سایر قدرت‌های استعماری زمان یعنی انگلیس، فرانسه و آلمان درصدد چپاول و دست‌اندازی به چین بود، از حضور ژاپن و اشغال قسمتی از خاک چین توسط این کشور ناراضی و نگران بود. به‌همین جهت فشارهای زیادی به ژاپن وارد می‌کرد که از متصرفات خود در منچوری خارج شود که طبیعتاً مورد پذیرش امپراتوری ژاپن واقع نمی‌شد. در نتیجه این فشارها ژاپن با انگلیس در سال ۱۹۰۲ یک پیمان اتحاد منعقد نمود که به موجب آن دوطرف در آن منطقه در مقابل حملات خارجی از همدیگر دفاع می‌کردند. این پیمان موجب خشم بیشتر تزار روسیه شد به‌طوری‌که بالاخره بین دو کشور جنگ سختی درگرفت که هرچند برای ژاپن متضمن خسارت جانی و مالی فراوانی بود اما به پیروزی این کشور انجامید. پیروزی ژاپن سال ۱۹۰۵ بر روسیه که یکی از ممالک قدرتمند جهان به‌شمار می‌رفت و به‌ویژه نابود شدن ناوگان بالستیک تزار واقعه بسیار مهمی است که موج عظیمی از شادی و مقاومت در کشورهای آسیایی برانگیخت.

پیروزی مذکور اثر بسیار مهمی در کشورهای آسیایی گذارد و به‌عنوان اولین پیروزی یک قدرت آسیایی بر یک قدرت اروپایی مورد استقبال قرار گرفت و در پی آن از نفوذ ناوگان دریایی روسیه در منطقه بالستیک به شدت کاسته شد.

روابط سرد مذکور تا جنگ جهانی اول ادامه یافت. پس از آن به‌علت تحولاتی که در

ساختار حکومتی روسیه انجام شده بود و همچنین نیاز به محصولات ژاپنی و تغییر در سیاست خارجی دولت بلشویک جدید و عدم تمایل به دخالت در امور داخلی سایر کشورها، باعث شد که در ۲۰ ژانویه ۱۹۲۵ ژاپن و اتحاد جماهیر شوروی، کنوانسیون اصول اساسی روابط مشترک را امضا و بر اساس آن روابط سیاسی بین دو کشور برقرار شود و اتحاد شوروی موافقت کرد که عهدنامه ۱۹۰۵ به قوت خود باقی بماند.[۱۵۳]

پس از پیروزی لنین و انقلابیون شوروی به مشکلات داخلی خود پرداخت، هرچند اثر انقلاب اکتبر و زیر و رو شدن طبقه حاکمه در بسیاری از کشورهای همجوار از جمله ژاپن افکار جدید و چپگرایی را تشویق کرد و در بین مردم و نمایندگان پارلمان ژاپن نیز طرفدارانی پیدا کرد و حزب کمونیست ژاپن که اکنون ۸۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد مولود همین دوره است.

اما شروع جنگ جهانی دوم و شرکت فعال ژاپن باعث تغییراتی شد و متفقین برای تشویق اتحاد جماهیر شوروی به شرکت در جنگ علیه ژاپن در ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ موافقت‌نامه یالت را امضا کرد که طی آن سران ایالات‌متحده آمریکا، انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی موافقت کردند، که جزایر کوریل به شرطی که شوروی علیه ژاپن وارد جنگ شود به آن کشور تعلق گیرد. در نتیجه دولت شوروی در ۹ آگوست ۱۹۴۵ رسماً به ژاپن اعلام جنگ داد و در واقع موافقت‌نامه یالتا از آن زمان تاکنون باعث سردی روابط دو کشور شده است.

روسیه معتقد است که بر اساس آن موافقت‌نامه از نظر حقوقی، حق انتقال جزایر کوریل شامل اتوروفو، کوناشی‌ری شیکوتان و هابومالی را یافته است، اما مقامات ژاپنی معتقدند که این موافقت‌نامه توافق نهایی برای حل اختلافات ارضی نبوده و از آنجا که ژاپن در تنظیم و انعقاد آن شرکت نداشته از نظر حقوقی و سیاسی هیچ‌گونه تعهدی بدان ندارد و به‌علاوه مخالف اعلامیه قاهره مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ و منشور آتلانتیک مورخ ۱۴ آگوست ۱۹۴۱ هستند.

در اعلامیه (Potsdam Declaration) که در ۲۶ جولای ۱۹۴۵ منعقد و اتحاد جماهیر

شوروی نیز بعداً در ٨ آگوست ١٩٤٥ بدان ملحق شد، آمده است که حاکمیت ژاپن محدود به جزایر هونشو هوکایدو، کیوشو شیکوکو و سایر جزایری است که توسط متفقین تصمیم گرفته می‌شود. در ٩ آگوست ١٩٤٥ با اعلام رسمی جنگ علیه ژاپن توسط شوروی این کشور به سرعت عملیات نظامی انتقام‌جویانه خود علیه ژاپن در مناطقی از چین و قسمت‌های اشغال شده در ساخالین را تدارک و در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم، مجمع‌الجزایر کوریل را به اشغال خود درآورد.

اشغال این جزایر فصل جدیدی در روابط ژاپن و شوروی به حساب می‌آید، زیرا مقامات و مردم ژاپن مدعی حاکمیت خود بر این جزیره هستند و خواستار استرداد آنها می‌باشند ولی روسیه به هیچ‌وجه حاضر به مذاکره در این‌باره نبوده و اصولاً منکر هرگونه مشکل ارضی بین دو کشور است. به استناد پیمان صلح سانفرانسیسکو که در سال ١٩٥١ بین این کشور و ٤٨ کشور جهان بدون حضور شوروی منعقد شد جزایر شمالی به شوروی واگذار و مقرر شد جزایر کوریل به ژاپن مسترد شود اما رهبران شوروی سابق معتقدند که جزایر کوریل نیز متعلق به شوروی سابق و در حقیقت جزوی از جزایر شمالی است. از آنجایی‌که شوروی پیمان صلح سانفرانسیسکو را امضا نکرده بعداً مذاکراتی بین این کشور و ژاپن برای امضای پیمان صلح جداگانه آغاز شد که به‌علت اختلاف نظر در مورد مالکیت جزایر کوریل تاکنون به نتیجه نرسیده، هرچند که منجر به مبادله یادداشت تفاهمی در ٢٩ سپتامبر ١٩٥٦ بین نمایندگان تام‌الاختیار دو کشور شد و بر اساس آن موافقت شد پس از برقراری روابط سیاسی، مذاکراتی جهت نهایی‌کردن عهدنامه صلح از جمله حل و فصل اختلافات ارضی انجام گیرد. (کل مساحت جزایر موردنظر ٥,٠٠٠ کیلومتر مربع و جمعیت آن در هنگام اشغال شوروی حدود ١٧,٠٠٠ نفر بوده‌است).

بالاخره در ١٩ اکتبر ١٩٥٦ دو کشور طبق اعلامیه مشترکی به حالت جنگی فیمابین خاتمه داده و روابط سیاسی و کنسولی بین آنان برقرار شد و دولت شوروی موافقت کرد که پس از امضای پیمان صلح، حاکمیت جزایر هابومای و شیکوتان را به ژاپن انتقال خواهد داد.

توسعه روابط با شوروی با گسترش جنگ سرد و افزایش اختلافات بین دو بلوک و تجدید پیمان امنیتی آمریکا و ژاپن در سال ۱۹۶۰ متوقف شد و دولت شوروی پیش‌شرطی برای استرداد جزایر اعلام کرد و آن خروج تمام نیروهای خارجی از خاک ژاپن بود. در ملاقات سران دو کشور در اکتبر ۱۹۷۳ و صدور اعلامیه مشترک اعلام شد که «حل مسائل باقیمانده از جنگ جهانی دوم و نهایی کردن پیمان صلح به تأسیس روابط دوستانه بین دو کشور کمک خواهد کرد». به‌دنبال سفر گورباچف به ژاپن در ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ اعلامیه مشترکی صادر و اعلام شد که دوطرف مسائل مختلف و کلی در مورد نهایی کردن قرارداد صلح را مورد مذاکره قرار داده و بر اهمیت انعقاد آن تأکید کردند.[۱۵۴]

با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و ظهور فدراسیون روسیه روابط ژاپن و روسیه وارد دوره جدیدی شد. در سال ۱۹۹۳، نخست‌وزیر وقت ژاپن هوسوکاوا و بوریس یلتسین، رئیس‌جمهور روسیه اعلامیه توکیو را امضا کردند. در اعلامیه بر اهمیت انعقاد سریع معاهده صلح از طریق حل مناقشات ارضی تأکید شده بود.

از آن زمان ژاپن و روسیه مدام نیت خود را برای پیشبرد روابط دوجانبه بر اساس این اعلامیه ابراز کرده‌اند. خاصه آنکه در سالیان اخیر، تعدادی ملاقات‌ها در سطح رهبران با هدف انعقاد معاهده صلح و ارتقای روابط اقتصادی فرهنگی و سایر زمینه‌ها انجام شد.[۱۵۵]

در سفر هاشیموتو، نخست‌وزیر وقت ژاپن به روسیه در سال ۱۹۹۳، دیپلماسی جدید این کشور در قبال روسیه متشکل از سه عامل کلیدی سیاست اوراسیا (اروپایی ـ آسیایی)، یک‌سری اصول راهبردی روابط ژاپن و روسیه (اطمینان متقابل، منافع متقابل، نگرش درازمدت) و دو پیشنهاد مشخص جهت تحکم روابط دوجانبه میان ژاپن و ترکیه (همکاری در طرح‌های توسعه انرژی روسیه در منطقه سیبری و شرق دوره آموزش بازرگانی مدیران آتی روسیه) اعلام شد.

اصول سه‌گانه راهبردی روابط دو کشور با در نظر گرفتن تغییر وضعیت بین‌المللی (تمایل ناتو به کشورهای شرق) و شرایط داخلی روسیه اهمیت بیشتری در روابط ژاپن و روسیه ایفا

می‌کند.

علاوه بر دیپلماسی هاشیموتو، وزارت خارجه ژاپن نیز هفت زمینه را برای توسعه تحکیم روابط دوجانبه مهم و ضروری عنوان کرد که عبارتند از:

- مذاکره در خصوص انعقاد پیمان صلح میان دو کشور
- گفت‌وگوهای سیاسی میان رهبران و وزرای دو کشور
- حمایت ژاپن از بازسازی اقتصاد روسیه
- رفت و آمد میان ژاپن و خاور دور روسیه
- مذاکرات امنیتی
- موضوعات بین‌المللی
- توافق جهت فراهم کردن و حفظ ثبات در شمال شرقی آسیا

سیاست جدید ژاپن در قبال روسیه، افزایش گفت‌وگو در سطوح بالا در همه زمینه‌ها شامل امنیت و موضوعات بین‌المللی به‌جای فقط تمرکز بر روابط سیاسی و اقتصادی از مهم‌ترین موضوعات مشاجرات ارضی محسوب می‌شود. همچنین ژاپن بر مذاکرات و تبادلات امنیتی با روسیه به‌عنوان اقدامی اطمینان ساز اهمیت قائل است که شامل مذاکرات دوجانبه امنیتی، تبادل کارشناسان دفاعی، توافق در خصوص جلوگیری از وقوع حادثه در دریای پشت آب‌های جزایر و فضای بالای آنها، اجلاس سه‌جانبه امنیتی شمال پاسیفیک توسط، ژاپن روسیه و آمریکا می‌شود.[۱۵۶]

به‌هر حال دیده می‌شود که موضع ژاپن در قبال روسیه تغییر کرده زیرا پیش‌تر ژاپن هرگونه همکاری و ارتباط به‌ویژه تحکیم روابط اقتصادی با روسیه را وابسته به پیشرفت در حل مشاجرات ارضی کرده بود ولی اکنون به‌دنبال آن است که هم‌زمان با مذاکرات پیرامون مشکلات ارضی جزایر شمالی، مذاکره میان رهبران دو کشور، گفت‌وگوهای امنیتی به‌علاوه همکاری در زمینه موضوعات بین‌المللی را پیش ببرد.

بر اساس آنچه که در کتاب ژاپن چاپ سال ۲۰۰۲ در مورد رابطه ژاپن و روسیه آمده، ژاپن

واقف است که بنای روابط با ثبات با روسیه به صلح و ثبات نه تنها برای ژاپن و روسیه بلکه برای کل منطقه آسیای شرقی کمک می‌کند. ژاپن برای پیشبرد روابط دو جانبه در حوزه‌های وسیع با هدف پیشبرد سه موضوع خاص به‌طورهم‌زمان تلاش می‌کند، این سه موضوع عبارتند از:

ـ انعقاد پیمان صلح با روسیه

ـ همکاری در حوزه‌های اقتصادی

ـ همکاری در صحنه بین‌المللی

در رابطه با اولین موضوع سیاست ثابت ژاپن همواره حل مسائل مربوط به سرزمین‌های شمالی و انعقاد معاهده صلح بوده. همچنین فعالیت‌های مختلفی تاکنون برای ارتقای روابط اقتصادی شامل بازدید یک هیأت اقتصادی از روسیه که به تبادل آرا در زمینه‌های اقتصادی پرداخت، در ماه ژوئن ۲۰۰۱ از جمله این کوشش‌هاست. ژاپن همچنین از تلاش‌های روسیه برای انجام اصلاحات حمایت کرده و برای تقویت همکاری و روابط بر روی یک طیف وسیع شامل سیاست، اقتصاد، امنیت، دفاع و فرهنگ تلاش می‌کند.

در سال ۲۰۰۱، ژاپن و روسیه گفتمان خود را در سطوح عالی ادامه داده و بر روی تقویت و تحکیم روابط دوجانبه بر اساس یکسری توافقات و اظهارات بین رهبران ژاپن و روسیه، کار کردند. متعاقباً روابط سازنده ژاپن ـ روسیه شاهد تداوم پیشرفت در زمینه سیاست، اقتصاد، امنیت، تبادلات شخصی و همکاری در مورد مسائل بین‌الملل بوده است. در خلال این مذاکرات رهبران دو کشور اعلامیه ایرکوتسک[1] را صادر کردند که نتایج تلاش‌های دو طرف برای انعقاد معاهده صلح بر اساس توافق‌نامه کراسنویارسک (Krasnoyarsk) که باعث ایجاد بنیانی نو برای آینده مذاکرات مربوط به معاهده صلح شده به اثبات می‌رساند. در طی اجلاس رهبران اقتصادی APEC در اکتبر ۲۰۰۱، رهبران دو کشور در مورد مذاکرات معاهده صلح تبادل نظر کرده و توافق کردند به تبادل اطلاعات و سایر تماس‌های نزدیک در رابطه با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ادامه دهند. آنها همچنین در مورد کمک‌های بازسازی افغانستان

---

1. Irkutsk

به تبادل نظر پرداختند.(١٥٧)

با این‌حال نگرانی ژاپن نسبت به تهدید روسیه علی‌رغم پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی هنوز وجود دارد. مقامات وزارت دفاع ژاپن رسماً اعلام کرده‌اند که هرچند فعالیت‌های نظامی روسیه به ویژه واحدهای دریایی و هوایی در مناطق نزدیک ژاپن تقلیل یافته ولی نیروهای مذکور دارای ظرفیت نظامی بالایی است که شامل نیروهای اتمی نیز می‌شود.(١٥٨)

به‌هر حال نگرانی مقامات ژاپنی را مسائل زیر تشدید می‌کند:

١ـ درجه اعتبار و اطمینان نسبت به فرماندهی و کنترل تسلیحات شوروی سابق

٢ـ توسعه تسلحیات نظامی روسیه در شرق

٣ـ عدم حل اختلافات ارضی(١٥٩)

روابط اقتصادی

یک هیأت اقتصادی به رهبری رئیس کیدانرن[1] (فدراسیون سازمان‌های اقتصادی ژاپن) که به تنظیم و هماهنگی سیاست‌های بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، زیربنایی، مالی در داخل و نیز مسائل اقتصادی بین‌المللی می‌پرداخت. این فدراسیون با دادن عطایای سیاسی کلان به احزاب و سیاستمداران به‌خصوص حزب HDP نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی این کشور ایفا کرده. آقای تاکاشی اینزای[2]، همراه با ٢٥ نفر عازم روسیه شد که به بازدید از حوزه‌های منطقه‌ای پرداخته و در میزگردی با پرزیدنت پوتین و سایر مقامات دولتی به مذاکره با دست‌اندرکاران تجارت روسیه پرداختند. این اولین بازدید «کیدانرن» پس از ٢٥ سال بود که باعث پیشبرد روابط بر حسب ارتقای درک بخش خصوصی ژاپن از روسیه شد.

به‌منظور حمایت از اصلاحات در روسیه، دولت ژاپن به پشتیبانی فنی شامل اعزام

1. Kidanern
2. Takashi Insai

کارشناسان ژاپنی و پذیرش کارآموزان روسی پرداختند و وام متحد را از طریق بانک همکاری بین‌المللی ژاپن برای آن کشور اعطا کرد.[۱]

تبادل و همکاری در زمینه‌های مختلف

در کنار پیشبرد گفتمان سیاسی و همکاری‌های اقتصادی در زمینه تبادل اشخاص و تبادلات دفاعی نیز بین دو کشور همکاری‌هایی صورت گرفته است. بر حسب گفتمان امنیتی و تبادلات دفاعی، فرمانده نیروهای زمینی روسیه یوری بوکروف[۲]، از ژاپن بازدید به‌عمل آورد.

در زمینه‌های فرهنگی و روابط عمومی ـ فوروم ژاپن ـ روسیه در ماه مه ۲۰۰۱ در مسکو با میزبانی مشترک انستیتوی ملی پیشبرد پژوهش[۳] و مرکز مطالعات استراتژیک روسیه برگزار شد. شرکت‌کنندگان از متفکران برجسته دو کشور در زمینه‌های اقتصادی، روابط ژئوپولیتیک و تبادلات اشخاص و فرهنگی به تبادل‌نظر پرداختند. تحت برنامه تبادل جوانان روسیه ـ ژاپن، بیش از ۱,۳۰۰ نفر از جوانان هر دو کشور در پروژه‌های مشترک از جولای ۱۹۹۹ تا پایان برنامه سال ۲۰۰۱ شرکت کرده‌اند.

عملیات ماهیگیری توسط طرف ثالث در آب‌های نزدیک چهار جزیره شمالی

اواخر سال ۲۰۰۰، روسیه برای کره‌جنوبی، کره‌شمالی و سایرین در حوزه‌ای به وسعت ۲۰۰ مایل دریایی نزدیک چهار جزیره شمالی، بودجه‌ای را اختصاص داده و عملیات ماهیگیری در ماه اوت ۲۰۰۱ آغاز شد.

موضع ژاپن در این رابطه این است که چهار جزیره به‌طور موروثی، سرزمین ژاپن هستند و

---

۱. در سال ۱۹۹۸ ژاپن اعلام کرد که ۱/۵ میلیارد دلار وام به‌صورت وام متحد با پشتیبانی مالی بانک جهانی، پرداخت می‌کند. قراردادهای پرداخت وام به میزان ۸۰۰ میلیون دلار برای تأمین مالی مشترک بخش ذغال‌سنگ Coal Secal II و ۷۰۰ میلیون دلار برای سومین مرحله وام‌های تعادلی (SAL3) منعقد شد.

2. Yuri Bukrev

3 National Institute for Research Advancement (NIRA)

عملیات ماهیگیری توسط قایق‌های ماهیگیری طرف‌های ثالث در نزدیکی این منطقه بدون تأیید ژاپن بر حسب حقوق حاکمیتی آن کشور، پذیرفتنی نیست. برای تعدادی از کشورهای ذیربط، شکایاتی ارسال شده و با روسیه و کره جنوبی رایزنی‌هایی صورت گرفته است.

در نتیجه روسیه تصمیم گرفت، از سال ۲۰۰۲ قایق‌های ماهیگیری طرف‌های ثالث مجاز به انجام عملیات در آب‌های نزدیک ٤ جزیره کره‌شمالی نباشند و در این رابطه طی نامه‌ای از طرف آقای پوتین به آقای کویزومی اعلام شد که روسیه بهترین راه‌حل را بدون لطمه زدن به موضع اساسی دو طرف یافته‌است.[۱۶۰]

٤ـ۳ـ۱۰ـ روابط با شبه جزیره کره

شبه‌جزیره کره به علت موقعیت خاص استراتژیکی از اهمیت ویژه‌ای برای ژاپن در اعصار گوناگون برخوردار بوده این شبه‌جزیره نزدیک‌ترین همسایه ژاپن است و یکی از نقاط مهم توجه سیاست خارجی ژاپن به شمار می‌رود به خصوص که این شبه‌جزیره دروازه ورودی ژاپن به آسیا به‌شمار می‌رود.

ارتش امپراتوری به هنگام اشغال شبه‌جزیره آنچنان جنایاتی مرتکب شد که حتی پنجاه سال پس از جنگ جهانی دوم و تخلیه کامل نیروهای ژاپنی از منطقه و علی‌رغم کمک‌های اقتصادی فراوانی که ژاپن به توسعه و بازسازی کره‌جنوبی به‌عمل آورده هنوز خاطرات آن از اذهان مردم کره محو نشده است. پس از شکست ژاپن و خروج نیروهای ژاپنی از شبه‌جزیره کره، علی‌رغم شروع جنگ‌های انفصالی در شبه‌جزیره کره که به ایجاد دو کشور کره‌جنوبی و کره‌شمالی منجرشد، به‌علت خاطرات تلخ و ناگوار دوران استعماری با وجودی‌که کره‌جنوبی‌ها نیاز به حمایت نظامی داشتند اما با این حال طی سال‌های جنگ (۵۳ ـ ۱۹۵۰) با ایده هرگونه کمک، ژاپن برای یاری و مساعدت نیروهای سازمان ملل در کشورشان مخالفت کردند.[۱۶۱]

معاهده ژاپن و کره برای عادی‌سازی روابط و اسناد ضمیمه آن در ۲۲ جولای ۱۹۶۵ توسط نمایندگان تام‌الاختیار دو کشور از طرف وزیر خارجه ژاپن، شینا و از طرف وزیر خارجه کره «لی

دونگ ون» در حضور «اسیاکوساتو» نخست‌وزیر وقت ژاپن امضا شد. این معاهدات عبارت بودند از:

عهدنامه روابط ابتدایی بنیاتی ژاپن و جمهوری کره؛[1]

مهار موافقت‌نامه در مورد محدودیت‌های ماهیگیری؛

وضعیت حقوقی کره‌ای‌هایی که در ژاپن زندگی می‌کنند.

ادعاهای مالکیت کره‌جنوبی علیه ژاپن و پروتکل‌های همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی که بعداً توسط قوه مقننه دو کشور تصویب و تأیید شد.

روابط با کره‌جنوبی

ذکر این نکته شایان توجه است که علی‌رغم انعقاد معاهدات با جمهوری کره، مخالفت با آن در کره همچنان ادامه داشت شاید بتوان گفت یکی از عوامل تحریک‌کننده این تظاهرات ماده ۳ عهدنامه بوده که جمهوری کره را به‌عنوان تنها حکومت قانونی کره شناسایی کرده و در نتیجه این واقعیت را که جمهوری دموکراتیک خلق کره واقع در ۳۸ درجه عرض شمال قرار دارد نادیده گرفته‌است. عامل دیگر «خط ری» (Rhea line) در مورد حق ماهیگیری بر اساس موافقت‌نامه امضا شده بین دو کشور در این زمینه است. علی‌رغم اینکه کره‌ای‌ها ویژگی‌های دریای آزاد را پذیرفته بودند ولی ماهیگیران کره با آن موافق نبوده و معتقد بودند ژاپنی‌ها با داشتن وسایل پیشرفته و ناوگان مدرن ماهیگیری می‌توانند ماهی بیشتری صید کنند و بالاخره مشکل جزیره تاکشیما که همچنان لاینحل مانده بود را باید نام برد.

ذکر این نکته ضروری است که در ژاپن نیز حزب سوسیالیست مخالفت خود را با عهدنامه مذکور اعلام کرده بود. زیرا اعتقاد داشتند با برقراری روابط با کره جنوبی، دولت ژاپن بر تقسیم شبه‌جزیره صحه گذارده و به اتحاد نظامی شمال شرق آسیا پیوسته و به‌علاوه با کمک اقتصادی ۸۰۰ میلیون دلاری که به کره جنوبی کرده‌است یک تجاوز جدید را آغاز کرده است.[۱۶۲]

---

1. The Treaty of the basic Relations Between Japan and the Republic of Korea

سران دو کشور مسائل مورد علاقه خود را معطوف به شبه‌جزیره کره، آینده کره‌شمالی و جزایر مورد اختلاف کرده‌اند. به اعتقاد ژاپن مهم این است که همگام با اتخاذ مواضع مناسب در رابطه با موضوعات دوجانبه، دو کشور در جامعه بین‌المللی نیز همکاری کنند. نظارت بر وضعیت کره‌شمالی با توجه به از سرگیری مذاکرات عادی‌سازی روابط و برقراری روابط دیپلماتیک میان ژاپن و کره شمالی از دیگر زمینه‌های مشترک دوطرف است. در این زمینه ژاپن با کشورهای کره‌جنوبی و آمریکا در تماس مستقیم است. همچنین ژاپن در نظر دارد نقش فعالی را در فعالیت‌های سازمان توسعه انرژی شبه جزیره کره (KEDO) ایفا کند.[۱۶۳]

دیدگاه وزارت امور خارجه ژاپن نسبت به کره جنوبی

جمهوری کره دارای ارزش‌های اساسی مشترکی چون دموکراسی، لیبرالیسم و اقتصاد مبتنی بر بازار با ژاپن بوده و کشوری است همسایه که از لحاظ سیاسی و اقتصادی برای ژاپن دارای اهمیت است. بعد از دیدار سال ۱۹۹۸، رئیس‌جمهوری کره‌جنوبی از ژاپن و دیدار سال ۱۹۹۹ رئیس‌جمهور ژاپن از کره، دو کشور تصمیم گرفتند مسائل گذشته را کنار گذاشته و مشارکتی نو بین ژاپن و کره‌جنوبی در قرن ۲۱ برقرار کنند، گرچه در سال ۲۰۰۱ مسائل کتاب‌های درسی تاریخ، دیدار آقای کویزومی از معبد یاسوکونی و مسئله کشتی‌های ماهیگیری کره در نزدیکی چهار جزیره ژاپن تبدیل به مسائل سیاسی بین دو کشور شدند.

مسئله حاکمیت ژاپن بر جزیره تاکه‌شیما[۱] از مسائل موردبحث بین دو کشور است و ژاپن با استدلال بر ادلهٔ تاریخی و قوانین و اصول حقوق بین‌الملل تأکید دارد که تاکه‌شیما جزو لاینفک ژاپن است البته ژاپن این مسئله را از طریق گفتمان با کره‌جنوبی پیگیری می‌کند.

روابط اقتصادی ژاپن ـ کره‌جنوبی

1. Takeshima

به‌هر حال با شروع همکاری‌های سیاسی، روابط تجاری توسعه پیدا کرد، به‌طوری که حجم روابط در سال ۱۹۹۳ میلادی به ۱۷ میلیارد دلار رسید و ژاپن پس از آمریکا مهم‌ترین منبع واردات کره‌جنوبی است.

به‌علاوه ژاپن نقش مهمی در توسعه صنایع کره جنوبی به‌خصوص صنایع کشتی‌سازی و موتورسازی داشته و شرکت‌های ژاپنی با انتقال دانش فنی و تکنولوژی سهم عمده‌ای در افزایش تولید و بهبود کیفیت کالاهای ساخت کره‌جنوبی داشته‌اند.[۱۶۴]

دو کشور گفت‌وگوهای گوناگونی را در مورد ارتقای روابط تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه انجام داده‌اند و از این طریق سعی کرده‌اند به تحکیم مشارکت اقتصادی دو کشور، بر اساس دستور کار اقتصادی بین کره‌جنوبی و ژاپن که از جانب رهبران دو کشور طی دیدار نخست‌وزیر وقت اوبوچی در مارس ۱۹۹ از کره‌جنوبی انجام شده، در سپتامبر ۲۰۰۰ رهبران دو کشور موافقت کردند، فوروم بازرگانی FTA [1] را بین دو کشور ایجاد کنند که شامل نمایندگان بخش‌های خصوصی دوطرف است. طبق گزارش این فوروم رهبران دو کشور برای تأسیس یک گروه پژوهشی دانشگاهی ـ دولتی ـ صنعتی در رابطه با توافق‌نامه تجارت آزاد، موافقت خود را اعلام کردند.

در مورد مسائل هوانوردی نیز ظرفیت حمل و نقل هوایی برای میزبانی مشترک بازی‌های جام جهانی ۲۰۰۲ افزایش یافت.

روابط با کره‌شمالی

بعد از جنگ جهانی دوم برقراری روابط دیپلماتیک با کره‌شمالی یکی از موضوعات مهم در سیاست خارجی ژاپن بوده است. عادی‌سازی روابط و برقراری روابط دیپلماتیک میان ژاپن و کره‌شمالی مسائل و مشکلات متعددی را پیش رو داشته و خواهد داشت که از برخی از آنان می‌توان به عدم خوش‌بینی و احساس مناسب مردم ژاپن نسبت به کره شمالی اشاره کرد.

---

1. Free Trade Agreement

علی‌رغم نزدیکی ژاپن و کره‌شمالی از لحاظ موقعیت جغرافیایی، احساس و افکار عمومی مردم ژاپن نسبت به کره‌شمالی بسیار سرد و بی‌تفاوت است.[١٦٥]

روابط با کره‌شمالی به علت حضور یک دولت تندرو و قوی کمونیستی به‌عنوان یک عامل پیچیده در روابط با کره‌جنوبی مطرح بوده است. ژاپنی‌ها در مورد احتمال داشتن تسلیحات هسته‌ای توسط کره‌شمالی بسیار نگران هستند.

برای این منظور مایلند با گسترش روابط تجاری و کمک به کره‌شمالی این تهدید را به حداقل برسانند. البته ژاپنی‌ها همان‌طور که در مورد کره‌جنوبی اقدام کرده‌اند، سعی در عادی‌سازی روابط با کره‌شمالی نموده‌اند و حتی پرداخت غرامت برای بی‌عدالتی‌های دوران استعمار را پذیرفته‌اند. در سال ۱۹۹۰ یک هیأت ژاپنی به‌طور غیررسمی از پیونگ یانگ دیدار و با کیم ایل سونگ، رهبر وقت کره‌شمالی ملاقات و طی نامه‌ای به‌طور رسمی از خشونت و خساراتی که طی دوران حکومت ژاپنی‌ها به‌وجود آمده، عذرخواهی کردند. مذاکرات دوجانبه برای گسترش روابط، پرواز مستقیم و حتی احتمال شناسایی دیپلماتیک آغاز شد ولی بعداً معلق ماند، زیرا کره شمالی‌ها ترجیح دادند به‌جای مذاکره با ژاپنی‌ها، مذاکره با آمریکایی‌ها را آغاز کنند و به پیش برند که منجر بر نعقاد قرارداد بین دولتین آمریکا و کره شمالی در ۲۱ اکتبر ۱۹۹٤ شد.

به‌هر حال سیاست ژاپن در رابطه با کره‌شمالی، عادی‌سازی روابط از راه انجام مذاکرات و حفظ هماهنگی نزدیک در این چارچوب با آمریکا و کره‌جنوبی است. در روند این گفت‌وگوها، کار برای حل مسائل امنیتی و مربوط به حقوق بشر در کره‌شمالی، دارای اهمیت حیاتی است.

در ماه آوریل ۲۰۰۱، در پیونگ یانگ، مذاکرات عادی‌سازی روابط ژاپن ـ کره‌شمالی برای اولین بار پس از هفت سال و نیم از سر گرفته شد. موضع ژاپن این است که درک و پشتیبانی مردم ژاپن به‌منظور تحقق عادی سازی روابط باید جلب شود و یکی از راه‌حل‌های این امر برطرف کردن نگرانی‌ها مانند اتباع ژاپنی ربوده شده در کره شمالی و برنامه موشکی آن کشور است[١٦٦]، به‌خصوص که کره‌شمالی با انجام آزمایش موشک «رودتگ یک» نشان داده که

می‌تواند با موشک‌های دوربرد این کشور را مورد حملات سخت نظامی خود قرار دهد.[۱۶۷]

۵ـ۳ـ۱۰ـ روابط با کشورهای آ.سه.آن

منطقه آ.سه.آن و کشورهای آن از جمله مناطقی است که در سیاست خارجی ژاپن در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و امنیتی از جایگاه خاصی برخوردار است. بنابراین زمامداران ژاپن همواره کوشیده‌اند با تدوین سیاست‌های درازمدت جای پای خود را در کشورهای این منطقه به‌گونه‌ای محکم کنند که ضمن دور ساختن و محو خاطرات دوران استعماری ژاپن در این کشورها، همچنان به حضور خود در جنبه‌های مختلف در این کشورها تداوم بخشیده و نقش سیاسی فعالی را در رابطه با این منطقه و کشورهای آن ایفا کنند.[۱۶۸] ژاپن در این رابطه به توسعه چندلایه همکاری‌های منطقه‌ای در حمایت از روابط دوجانبه اهتمام ورزیده است. در سفرهاشیموتو، نخست‌وزیر وقت ژاپن به کشورهای عضو آ.سه.آن در سال ۱۹۹۰، وی به آنان قول داد که برای حفظ روند توسعه کشورهای منطقه از برنامه اصلاحات اقتصادی اجتماعی آنان پشتیبانی کند. میزان صادرات ژاپن به کشورهای عضو آ.سه.آن ۱۴/۳ درصد کل صادرات این کشور را در سال ۲۰۰۰ تشکیل می‌داد و واردات از این کشورها ۱۵/۷ درصد بوده است. ژاپن به‌طور سنتی از این کشورها مواد خام وارد کرده و کالاهای ساخته شده صادر می‌کرده است در حالی‌که اکنون واردات کالاهای ساخته شده به‌ویژه تولیدات نساجی و لوازم الکتریکی از این کشورها رو به تزاید است. ژاپن به میزان زیادی نفت خام از اندونزی وارد می‌کند و کسری تجاری این کشور با اندونزی در سال ۲۰۰۰، ۸/۸ میلیارد دلار بوده است.[۱۶۹]

در اجلاس ژاپن ـ آ.سه.آن، آ.سه.آن + ۳ (ژاپن ـ چین ـ کره‌جنوبی) و اجلاس ژاپن ـ چین، کره‌جنوبی که در ماه نوامبر ۲۰۰۱ برگزار شد، اعضا توافق کردند به مسائل فرامرزی از قبیل تروریسم، جاسوسی و مواد مخدر بپردازند.

به‌علاوه همکاری اقتصادی آسیا ـ پاسیفیک (APEC)، رهبران اقتصادی بر سر پیشبرد آزادسازی و تسهیلات فنی و اقتصادی و همچنین ارتقای همکاری‌ها تأکید کردند. در فوروم منطقه‌ای آ.سه.آن در اجلاس وزرا مسائل مربوط به شبه‌جزیره کره، اندونزی و سایر اوضاع

منطقه و مسائل جهانی از قبیل خلع سلاح و منع تکثیر سلاح‌ها مورد بحث قرار گرفت.[۱۷۰]

۶ـ۳ـ۱۰ـ روابط با اتحادیه اروپا

در سال‌های اخیر ژاپن و اتحادیه اروپا علاقمندی خود را برای گسترش مناسبات دوجانبه فیمابین در مذاکرات گسترده و چندسویه مورد تأکید قرار داده و توافق کرده‌اند که از طریق «گفت‌وگوی مستمر» این مناسبات را هرچه بیشتر بهبود بخشند. همکاری اتحادیه با KEDO (سازمان توسعه انرژی شبه جزیره کره)، تعهد ژاپن به همکاری با کشورهای اتحادیه در جهت برقراری چارچوب مناسب برای ایجاد صلح و ثبات در یوگسلاوی سابق و دیگر کشورهای اروپایی از جمله زمینه‌های مشترک میان دو طرف به‌شمار می‌رود. تبادل نظر پیرامون خاورمیانه، توسعه و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی، لزوم همکاری دوطرف برای تقویت صلح و ثبات و ایجاد اعتماد در صحنه بین‌المللی، منافع مشترک در تأمین و استمرار صلح و ثبات در آسیا و اروپا از دیگر زمینه‌های گفت‌وگو و همکاری میان ژاپن و اروپا محسوب می‌شود.[۱۷۱]

از نظر وزارت امور خارجه ژاپن که متولی امر سیاست خارجی است، اروپا دارای تأثیری عمده بر قاعده‌سازی بین‌المللی و سایر تلاش‌های جامعه جهانی در مواجه با مسائل جهانی است و با تعمیق و گستردگی اتحادیه اروپا، برای دیپلماسی ژاپن رهیافتی فعال‌تر نسبت به ایجاد روابط با اتحادیه اروپا، با وقوف به سنگینی کفه ترازو به نفع این اتحادیه در جامعه بین‌المللی بسیار حیاتی است. در عین حال بهبود و توسعه روابط دوجانبه سنتی با هر یک از کشورهای اروپایی به‌صورت یک موضوع کلیدی باقی خواهد ماند.[۱۷۲]

طی سال‌های دهه ۹۰، سیاست چندجانبه ژاپن ابعاد جدیدی به خود گرفت و توانست به نحو بهتر و مؤثرتری توانایی‌ها و پیشرفت‌های خود را به جهانیان به‌خصوص اروپاییان نمایان سازد.

در ۱۸ جولای ۱۹۹۱ ژاپن و جامعه اروپا (اتحادیه اروپایی) در لاهه، هلند اعلامیه مشترکی را امضا کردند که بر اساس آن اعلام شد ارزش‌های سیاسی مانند؛ آزادی، دموکراسی، حکومت

قانون، حقوق بشر و ارزش‌های اقتصادی مانند؛ اصول بازار، ارتقای تجارت آزاد و توسعه و گسترش رفاه و اقتصاد جهانی موفق را ارج می‌نهند. همچنین بر اساس اعلامیه مذکور قرار شد مشاور نهایی برای هماهنگی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و همچنین مسائل عمده بین‌المللی بین ژاپن و جامعه اروپایی برقرار شود.[۱۷۳]

ژاپن روند دیپلماتیک ذیل را با توجه به اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی در سال ۲۰۰۱ در راستای تلاش‌های آن کشور در جهت تحکیم روابط، دنبال کرده است. به‌ویژه از زمان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر همکاری با دموکراسی‌های توسعه یافته و بقیه اعضای جامعه بین‌المللی دارای اهمیتی حیاتی شده و ژاپن اشاره کرده که با انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا (اعضای گروه G8) و سایر کشورهای اروپایی عضو اتحادیه در پیکار علیه تروریسم همکاری خواهد کرد.

دهه همکاری ژاپن ـ اروپا و اجلاس ژاپن اتحادیه اروپایی

سال ۲۰۰۱ دهمین سال اعلامیه مشترک ژاپن ـ اتحادیه اروپا که سند اساسی روابط ژاپن و اتحادیه اروپا به شمار می‌رود بود. در ماه ژانویه، وزیر خارجه وقت ژاپن در دیدار خود از سوئد که در آن زمان رهبری اتحادیه را به عهده داشت آغاز دهه همکاری ژاپن ـ اروپا را اعلام کرد.

در این اجلاس رهبران برنامه اقدام را برای همکاری ژاپن و اتحادیه اتخاذ کردند، همچنین آنها اعلامیه مشترک ژاپن اتحادیه اروپا را در مورد تروریسم و مبارزه علیه آن در پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر صادر کرده و تأیید کردند که در همبستگی با آمریکا و جامعه بین‌المللی، ژاپن و اتحادیه اروپا با اراده‌ای مصمم و تعهد مبنی بر از بین بردن تروریسم اقدامات لازمه را اتخاذ خواهند کرد.

برنامه اقدام همکاری ژاپن ـ اتحادیه اروپا

در این برنامه چهار هدف عمده:

ـ پیشبرد صلح و امنیت

ـ تحکیم مشارکت تجاری و اقتصادی با استفاده از پویایی جهانی‌شدن برای منفعت همگانی

ـ مواجهه با چالش‌های جهانی و جوامعی

ـ نزدیک کردن مردم و فرهنگ‌ها

برای هر یک از ۲۱ حوزه این بخش‌ها، اقدامات یا به‌عنوان «ابتکاراتی که سریعاً انجام شوند» یا سایر اقداماتی که باید دنبال شوند، عنوان شده‌اند.

توافق‌نامه، شناخت دوجانبه[1] بین ژاپن و اتحادیه اروپا که در ژانویه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد، روابط تجاری ژاپن ـ اتحادیه اروپا را ارتقا داده و اجرای آن به‌عنوان اقدامی که سریعاً باید انجام شود، پیگیری می‌شود.

۷ـ۳ـ۱۰ـ روابط با جمهوری اسلامی ایران

روابط رسمی ایران و ژاپن گذشته از سوابق تاریخی با انعقاد قرارداد مودت در سال ۱۳۰۸ شمسی برقرار شد. البته قابل یادآوری است که در حوالی سال ۱۲۵۹ شمسی امپراتور ژاپن به‌منظور ایجاد رابطه تجاری نماینده‌ای ویژه به ایران گسیل داشت که اقداماتی در جهت گسترش مناسبات به‌عمل آورد، اما با توجه به تحولات سیاسی دو کشور یعنی شروع فعالیت‌های آزادی‌خواهانه ایرانیان و تلاش‌های توسعه‌طلبانه ژاپن در خاور دور که به جنگ با چین و روسیه منجر شده این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند.

دولت ژاپن در سال ۱۳۰۵ شمسی (١٩٢٦) به تأسیس یک نمایندگی تجاری در ایران و متعاقب آن تمایل خود را برای برقراری روابط سیاسی به اطلاع مقامات ایرانی رساند که با توجه به پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی و به‌خصوص با پیروزی ژاپن در جنگ جهانی اول،

1. Mutual Recognition

این پیشنهاد مورد استقبال ایران واقع شد.

در حال حاضر تعداد اتباع ژاپنی مقیم ایران ۴۳۵ نفر است. آمار وزارت امور خارجه ژاپن تا تاریخ اول اکتبر ۲۰۰۰)

تعداد ایرانیان مقیم ژاپن طبق همین آمار ۶,۶۵۴ نفر است. (تا دسامبر ۱۹۹۹)

نام سفیر ژاپن در ایران: آقای تاکه‌هازو کاوامورا

نام سفیر ایران در ژاپن: آقای محمد حسین ماجدی

تعداد دیپلمات‌های سفارت ژاپن در تهران: ۲۶ نفر

تعداد دیپلمات‌های سفارت ایران در ژاپن: ۲۶ نفر

در تیرماه ۱۳۰۹ سفارت ایران در توکیو گشایش یافت و آوانس خان مساعدالسلطنه با مقام وزیر مختاری عازم توکیو شد.

در مهرماه ۱۳۱۱ عهدنامه مودت و تجارت و یک پروتکل بین دوطرف در تهران به امضا رسید که در مجموع متضمن منافع متقابلی برای هر دو کشور به‌شمار می‌رفت.

روابط دو کشور با وقوع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۱ قطع شد و با فشاری که از سوی متفقین به دولت ایران وارد می‌شد در ۹ اسفند ۱۳۲۳ به‌طور رسمی به ژاپن اعلام جنگ داده شد. در حقیقت خصومت و تضاد منافعی بین ایران و ژاپن وجود نداشته و این اقدام ایران یعنی اعلام جنگ به ژاپن ناشی از فشار قدرت‌های غالب در جنگ بوده که ایران را در اشغال خود داشتند به‌علاوه عملاً بین ایران و ژاپن به‌علت شرایط خاص جغرافیایی و عدم نفوذ به این منطقه از جهان، درگیری و جنگی روی نداد.

بعد از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، ایران نیز مانند بسیاری از کشورهایی که با ژاپن در حال جنگ بودند در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت و با این کشور عهدنامه صلح امضا کرد. این اقدام راهگشای تأسیس مجدد نمایندگی‌های سیاسی دو کشور شد و سفارت ژاپن در تهران در ۱۳۳۲ و سفارت ایران در توکیو در سال ۱۳۳۳ بازگشایی شد.

در سال ١٣٣٤ قرارداد مودت دو کشور که به علت جنگ بدون اقدام مانده بود به‌طور رسمی به‌مرحله اجرا درآمد و اسناد پذیرش متقابل آن در توکیو بین وزیر امور خارجه ژاپن و سفیر ایران مبادله شد.

به‌طور کلی روابط سیاسی ایران و ژاپن همواره بر پایه دوستی و تفاهم استوار بوده و به‌علت بعد مسافت هیچ‌گونه مشکلی که بر روابط این دو کشور اثر نامطلوب بگذارد، وجود نداشته است. برای ایران که در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول تلاش‌هایی در جهت توسعه اقتصادی و صنعتی شروع کرده بود، ژاپن همواره یک الگو ایده‌آل به‌شمار می‌رفت و در نتیجه اخبار و اطلاعات مربوط به این کشور با علاقه بررسی و دنبال می‌شد. این توجه مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم بیشتر و با استفاده از تجارب ژاپن و رسیدن به مرحله توسعه صنعتی تجویز شد. لذا سازمان‌های مختلف دولتی و بخش خصوصی ایران قراردادهای گوناگون تجاری و اقتصادی با این کشور منعقد کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ژاپن سعی در ادامه و گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران کرد و با اعزام نماینده‌ای علاقه‌مندی خود را در این زمینه اعلام کرد. به‌طور کلی دولت ژاپن نسبت به انقلاب اسلامی ایران موضع دوستانه‌ای در پیش گرفت و برای آرای مردم احترام قائل شد. به همین جهت از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ژاپن یکی از معدود کشورهایی بود که روابط سیاسی با آن در سطح سفارت حفظ شده است.

با واقعه اشغال سفارت آمریکا در تهران، دولت ژاپن خواستار آزادی فوری کارکنان سفارت آمریکا بود و به طور اصولی این اقدام را مغایر با عرف دیپلماتیک اعلام و آنرا محکوم کرد.

با تیره‌شدن روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، ژاپن به تدریج میزان خرید نفت از ایران را کاهش داد و سپس در تحریم اقتصادی ایران شرکت کرد، اما با توجه به حساسیت و نیاز شدید ژاپن به نفت و نیز لزوم دنبال کردن و یا حل و فصل پروژه‌های صنعتی دوجانبه، پس از آزادی گروگان‌های آمریکایی، بلافاصله تحریم اقتصادی را لغو کرد.

دولت ژاپن از ابتدای جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، بی‌طرفی خود را

اعلام داشت و از اوایل سال ۱۹۸۳، همواره سعی می‌کرد که با میانجیگری، این جنگ را خاتمه دهد ولی این اقدام توفیق چندانی نداشت. اوج روابط سیاسی ژاپن و جمهوری اسلامی ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی را باید در دیدار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ریاست وقت مجلس شورای اسلامی از ۱۰ تا ١٤ تیرماه ١٣٦٤ از ژاپن دانست. طی این دیدار مقامات و مردم ژاپن به‌طور وسیعی از نقطه‌نظرها و مواضع جمهوری اسلامی آگاه شدند.

در سفر آقای دکتر کمال خرازی به ژاپن در تاریخ ٢٤ ـ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۸، بیانیه مشترکی صادر شد که طی آن دوطرف به اهمیت ارتقای روابط سیاسی ـ اقتصادی، فرهنگی، پارلمانی و سایر حوزه‌ها تأکید کردند.

نکات مهم این بیانه به‌شرح زیر است:

ـ دوطرف بر اهمیت تقویت روابط از راه گفتمان و همکاری در تمام سطوح تأکید کردند. همچنین توافق شد سمیناری در سال ۱۹۹۹ با عنوان همکاری ایران ـ ژاپن در قرن ۲۱، که یکی از راه‌های تعقیب سیاست‌های ایران مبنی بر گفت‌وگوی تمدن‌هاست، برگزار شود.

همچنین در مورد خاورمیانه و بر اهمیت تحقق صلحی جامع، پایدار و عادلانه در منطقه که حقوق مشروع فلسطینیان را محترم بشمارد، تأکید شد.

ـ در زمینه کشت مواد مخدر؛ دو طرف آنرا خطری برای جامعه بین‌المللی دانسته و به‌خصوص طرف ژاپنی اظهار داشت آماده ارسال کمک‌های نقدی به برنامه‌های عمران سازمان ملل بوده که به نفع دوطرف است.

ـ دو طرف بر اهمیت توسعه صنعتی و اقتصادی کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی به منظور حفظ صلح و ثبات در منطقه و همچنین اهمیت همکاری‌ها در این زمینه تأکید کردند.

ـ دوطرف در مورد انجام اصلاحات در شورای امنیت سازمان ملل شامل گسترش اعضا و روش‌های کاری آن همچنین مسائل مربوط به کنترل تسلیحات و خلع سلاح به ویژه سلاح‌های کشتارجمعی تأکید کردند و تعهد خود را به NPT ابراز داشتند.

ـ در زمینه سرمایه‌گذاری، ایران سمیناری در این رابطه در سال ۱۹۹۸ در اوزاکا برگزار کرد

که شرایط سرمایه‌گذاری در ایران را تشریح می‌کرد. همچنین هیأتی از کیدازن در جولای ۱۹۹۸ به ایران سفر کرد که باعث آشنایی تجار ژاپنی با فرصت‌های تجاری در ایران شد.

ـ دوطرف بر اهمیت تبادلات فرهنگی و همکاری دو کشور تأکید و از برگزاری هفته فرهنگ در پایتخت‌ها استقبال کردند.

ـ طرف ژاپنی آمادگی خود را برای اعطای ۵۰ بورس تحصیلی به دانشجویان ایرانی اعلام کرد. همچنین طرف ژاپنی تمایل خود را به ادامه حمایت از فعالیت‌ها در جهت حفظ میراث فرهنگی ارزشمند در ایران نیز ابراز نمود.

ـ در مورد پشتیبانی‌های علمی و مالی از دانشگاه سازمان ملل، سمینارهایی راجع به توسعه اقتصادی ایران و کشورهای همسایه به‌عنوان تلاشی ارزشمند در جهت ارتقای همکاری بین‌المللی، مذاکراتی به‌عمل آمد.

طرف ژاپنی در مورد همکاری‌های فنی دو کشور، اعلام کرد آماده است ۳۰۰ کارآموز ایرانی را برای سه سال (۲۰۰۱ ـ ۱۹۹۸) تحت برنامه جایکا JICA آموزش دهد.

همچنین در زمینه تبادلات جهانگرد و امکان همکاری در این زمینه ابراز امیدواری شد.

همکاری‌های اقتصادی ایران ـ ژاپن

سابقه همکاری‌های فنی و اقتصادی ایران و ژاپن به سال‌های قبل از انقلاب برمی‌گردد. در ۱۸ آذر سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸ میلادی) یک موافقت‌نامه همکاری اقتصادی و فنی بین دوطرف به امضا رسید که پایه‌ای برای همکاری‌های دو کشور محسوب می‌شود و در حال حاضر نیز اعطا کمک‌های ODA ژاپن (بخش همکاری‌های فنی) در چارچوب این قرارداد صورت می‌گیرد.

برای توضیح بیشتر ذکر این نکته ضروری است که یکی از بخش‌های مهم کمک‌های رسمی عمرانی ژاپن پرداخت وام‌های ینی به کشورهای در حال توسعه است و متاسفانه این بخش از همکاری‌ها علی‌رغم گشایش حاصله در اوایل دهه ۹۰ و انعقاد و قرارداد پرداخت یک فقره وام ینی به ارزش ۳۸,٦١٤ میلیارد ین برای

اجرای پروژه احداث سد و نیروگاه جریانی گذار ـ لندر به‌دلیل وجود فشارهای سیاسی و عدم آمادگی ژاپن برای پذیرش ریسک‌های ناشی از ادامه این‌گونه همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران در مرحله ایستا قرار گرفته و حتی به‌طور غیرمستقیم بر سایر بخش‌های همکاری نیز تأثیر منفی گذاشته است.[۱۷٤]

به‌طور کلی باید گفت که ژاپن دارای یکی از بزرگ‌ترین بازارهای وارداتی در جهان محسوب می‌شود، میزان واردات این کشور در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۲۹۲/۱ میلیارد دلار بوده است.[۱۷۵] اعمال سیاست‌های مقررات‌زدایی در بخش‌های مختلف اقتصادی این کشور زمینه‌های توسعه و افزایش واردات را فراهم آورده، هرچند که با توجه به ساختار اقتصادی ژاپن و ارتباطات درون گروهی شرکت‌های ژاپنی، رقبای تجاری آن از بسته بودن بازار ژاپن و وجود موانع غیرتعرفه‌ای مکرراً شکایت می‌کنند، البته با در نظر گرفتن حتی این نکته کماکان بازار ژاپن همچنان یکی از مهم‌ترین بازارهای کشورهای صنعتی قلمداد می‌شود که در دسترس صادرکنندگان ایرانی قرار دارد. درآمد سرانه بالای جمعیت ۱۲٦/٤ میلیون نفری، کمبود منابع داخلی، اتکا به واردات برای تأمین بخش عمده مواد غذایی موردنیاز، اجرای سیاست‌های تشویق واردات، اعمال تعرفه‌های ترجیحی و معافیت‌های گمرکی برای تولیدات کشورهای در حال توسعه، تأمین فرصت‌های رایگان نمایشگاهی برای کشورهای در حال توسعه، وجود شبکه عظیم اطلاعاتی در خصوص بازار داخلی، سهولت دسترسی به آمار و اطلاعات بازرگانی و مصرف داخلی و موارد مشابه از امکانات بالقوه و بالفعلی هستند که فرا روی صادرکنندگان ایرانی برای توسعه صادرات غیرنفتی به ژاپن قرار دارند.

به‌طور کلی ایران و ژاپن به‌عنوان شرکای تجاری، هیچ وقت با هم مشکلی نداشته‌اند. همکاری ایران و ژاپن تا همین اواخر همیشه یک نوع همکاری تجاری (به‌معنای صرف آن) بوده، که دو طرف کمبودها و نیازهای تجاری خود را به‌طور متقابل جبران می‌کرده‌اند. در چند

سال اخیر، این همکاری تجاری در مرحله ارتقا به همکاری اقتصادی بوده است. همکاری اقتصادی به معنای نه تنها خرید و فروش کالا، بلکه تا حدی قبول ریسک به‌صورت تأمین مالی پروژه‌ها (البته از طرف ژاپن) بوده است.[۱۷٦]

به‌عنوان آخرین نکته‌ای که در گسترش روابط اقتصادی دو کشور اهمیت به سزایی دارد، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی ژاپن است و از آنجایی‌که ژاپن هر ساله مقادیر فراوانی مواد غذایی وارد می‌کند، اخیراً برخی شرکت‌های ایرانی کوشیده‌اند در نمایشگاه‌های مواد غذایی ژاپن شرکت کنند. برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی توسط شرکت‌ها و ارگان‌های داخلی با هماهنگی نمایندگی ایران در ژاپن به‌طور عمده در ارتقای سطح روابط تجاری می‌تواند بسیار موفقیت‌آمیز باشد.

همکاری‌های فنی

تاکنون در چارچوب همکاری‌های فنی جایکا طرح‌های زیر در ایران به مورد اجرا درآمده‌اند؛ (۸ پروژه اول متعلق به قبل از انقلاب و بقیه مربوط به سال‌های بعد از آن هستند.)

۱ـ کمک به مرکز آموزش صنایع کوچک و متوسط

۲ـ طرح مبارزه با بیماری فلج اطفال

۳ـ کمک به بخش پزشکی دانشگاه تهران

(تأمین آزمایشگاه زبان دانشگاه تهران ـ ۳۰ جولای ۲۰۰۱ ـ مبلغ ۳ میلیون ین) مربوط به آمار سال ۲۰۰۱

٤ـ کمک به بخش دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

٥ـ کمک به مرکز آموزش الکترونیک و ارتباطات

٦ـ کمک به مرکز کارآموزی کرج

۷ـ انجام مطالعات کشاورزی زابل

۸ـ پروژه درمان صنعتی (پزشکی هسته‌ای) شروع قبل از انقلاب

۹ـ پروژه توسعه کشاورزی حوزه آبریز اهواز

۱۰ـ طرح جامع انرژی

۱۱ـ پروژه کارگاه علائم راه‌آهن یزد

۱۲ـ مطالعات جامع توسعه بنادر

۱۳ـ کنترل آلودگی تهران بزرگ

۱۴ـ تجزیه و تحلیل انرژی و کاربرد منطقی آن در بخش‌های اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

۱۵ـ بررسی اثرات زیست‌محیطی نیروگاه‌ها در شمال و شمال غرب کشور

مهم‌ترین پروژه همکاری فنی که قبل از انقلاب اسلامی بین دو کشور وجود داشت، پروژه پتروشیمی ایران و ژاپن بود که در دوران بعد از انقلاب با مشکلات گوناگون مواجه شد و بالاخره دو کشور در سال ۱۳۷۳ توافق کردند که این قرارداد به‌صورت «مفارقت دوستانه» پایان پذیرد و در این مورد کنسرسیوم ژاپنی درگیر و در این پروژه مبلغ یک میلیارد دلار را به‌عنوان غرامت به ایران پرداخت کرد. با پایان یافتن مشکلات ناشی از جنگ نیروهای چندملیتی با عراق به منظور آزادسازی کویت و سیاست بی‌طرفی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با این جنگ زمینه‌های گسترش همکاری‌های فنی با ژاپن مهیا شد. سایر پروژه‌های فنی مشترک با ژاپن عبارتند از:

ـ پروژه پتروشیمی تبریز

ـ نیروگاه‌های شهید رجایی و غرب

ـ ماشین‌آلات پروسسی معدن چادرملو (یزد)

ـ پروژه نفتی ابوذر

ـ قالب‌های بزرگ صنعتی ایران

ـ کود شیمیایی خراسان

- پتروشیمی اراک
- پروژه شیشه شناور ایران
- پروژه فولاد اهواز
- پالایشگاه اراک
- پالایشگاه بندرعباس
- ذوب آهن اصفهان
- سیمان کارون
- ماشین‌آلات ابزار برشی
- فولاد آلیاژی یزد
- پروژه سیمان اردبیل
- فولاد مبارکه
- آلیاژ مس (ورق مس کرمان)
- سیمان سفید نیریز
- تایر کرمان
- پروژه آرتاویل تایر
- پروژه نیروگاه قم
- پروژه ساخت ٦ واحد توربین گازی (نیروگاه منتظر قائم)
- پروژه ساخت ١٤ واحد توربین گازی برای توانیر (نیروگاه‌های مشهد و شیراز)
- تایر یزد
- انتقال تکنولوژی ساخت بویلر
- پالایشگاه کنگان و نیروگاه برق ١٣٠ مگاواتی چابهار
- آهن اسفنجی قشم

حجم صادرات ژاپن به ایران

توضیحات	٢٠٠١	شش ماه اول ٢٠٠٢ (دلار آمریکا)	نرخ (درصد)	سهم (درصد)	نرخ رشد (درصد)
مواد غذایی	٥٤٨ ،٥٢٨	٣٤٤ ،٦٥٣	٠ ،١	٠	٧٥ ،٩٩
مواد خام	١٩ ،٠٧٥ ،٤٢٤	١١ ،٥١٠ ،٧٥٣	٣ ،٩	٠ ،٦	١٣ ،٤٥
سوخت‌های معدنی	٢٠٥،٠٨٥	٤١ ،٧٩١	٠ ،٠	٠ ،٠	ـ٧٧ ،٢
تولیدات ساخته شده	٧٧٥ ،٠١٢ ،٢٣٧	٢٧٩ ،٣١٠ ،٢٣٢	٩٥ ،٥	٠ ،٢	٩ ،٦٠
مواد شیمیایی	٥٣ ،٨٣٩ ،٠٨٣	١٧ ،٧٧٩ ،٠١٥	٦ ،١	٠ ،١	٠ ،٠٢
ماشین‌آلات و تجهیزات	٥١١ ،٤١٤ ،٧٩٠	١٧٨ ،٨٤٠ ،٨٢٩	٦١ ،٢	٠ ،١	٣١ ،٤٧
مواد نساجی	٥ ،٠١٤ ،٩٩٥	١ ،٩٣٦ ،٥٨١	٠ ،٧	٠ ،١	ـ١٨ ،٦٥
تولیدات فلزی	١٥٣ ،٢٦٨ ،٨١٥	٥٠ ،٢٦٦ ،٧٤٦	١٧ ،٢	٠ ،٤	ـ٣١ ،٩٢
تولیدات غیرفلزی	٤ ،٢٣٣ ،١٦١	١ ،٣٤٣ ،٧٢٠	٠ ،٥	٠ ،٤	ـ٣٩ ،٠٧
تولیدات طبقه‌بندی شده از روی مواد به‌کار رفته	٢٦ ،٣٩٠ ،١٤٣	١٥ ،٤٧٩ ،٣٩٥	٥ ،٣	٠ ،٤	١٢ ،٢٤
تولیدات ساخته شده متفرقه	٢٠ ،٨٥١ ،٢٥٠	١٣ ،٦٦٣ ،٩٤٦	٤ ،٧	٠ ،٢	٥٤ ،٧٥
کالاهای خاص	٢ ،١٧٨ ،٠٠٨	١ ،٢٠٨ ،٣٤٩	٠ ،٤	٠ ،٠	٩ ،٣٩
جمع کل	٧٩٧ ،٠١٠ ،٢٦٢	٢٩٢ ،٤١٥ ،٧٧٨	١٠٠	٠ ،٢	٩ ،٧٣

حجم واردات ژاپن از ایران

توضیحات	٢٠٠١	شش ماه اول ٢٠٠٢ (دلار آمریکا)	نرخ (درصد)	سهم (درصد)	نرخ رشد (درصد)
مواد غذایی	٢٠ ،٧٢٣ ،٥٥٦	٦ ،٦٧٠ ،٨٠٩	٠ ،٣	٠ ،٠	ـ٢٧ ،٨٦
مواد خام	٣ ،٤٦٢ ،٤٣٥	٣ ،٨٣٠ ،٩٧٥	٠ ،٢	٠ ،٠	٥٨ ،٥٧
سوخت‌های معدنی	٦٠٥ ،٤ ،٩٧٦ ،٩٠٨	١ ،٦٩٧ ،٨٥٨ ،٥٤٧	٩٨ ،٧	٦ ،٦	ـ٢٥ ،٦١

توضیحات	۲۰۰۱	شش ماه اول ۲۰۰۲ (دلار آمریکا)	نرخ (درصد)	سهم (درصد)	نرخ رشد (درصد)
تولیدات ساخته شده	۳۸،٤۷۰،۳۹۰	۱۲،۸۷۳،۷۸۰	۰،۷	۰،۰	-٤۰،۷٦
مواد شیمیایی	۹،۲۰۳،۸۳٤	۱،۱۳٦،۰٦۷	۰،۱	۰،۰	-۷۱،۲۵
ماشین‌آلات و تجهیزات	۱،۵۲٦،۳۸۹	۸٤،٤۱۷	۰،۰	۰،۰	-۸٦،۲۸
مواد نساجی	۲۵،۵۹۵،٤۰٦	۱۱،۱۷۹،۷۳٤	۰،٦	۰،۱	-۲٦،۱۱
تولیدات فلزی	۹٤۹،۸۲۷	۹۱،۸۲۷	۰،۰	۰،۰	-۷٤،۹۵
تولیدات غیرفلزی	۳٤۷،۳۹٤	۱۱۷،٦۰۷	۰،۰	۰،۰	-۵۵،۸۳
تولیدات طبقه‌بندی شده از روی مواد به‌کار رفته	۹،٤۰۹	۲،۲۰۵	۰،۰	۰،۰	،۹۹ ۹۹۹۹
تولیدات ساخته شده متفرقه	۸۳۸،۱۳۱	۱٦۱،۹۰۳	۰،۰	۰،۰	-۷۸،۸۳
کالاهای خاص	۱،۱۲٤،٦۵۲	۷٤٤،٤۲٦	۰،۰	۰،۰	۹٤،۸۹
جمع کل	۵،۰٤۰،٦۹۹،٦۳۸	۱،۹۲۱،۹۷۹،۵۳۷	۱۰۰	۱،۲	-۲۵،۸۵

مهم‌ترین همکاری‌های ODA با ایران

وام ینی جهت احداث پروژه سد کارون ٤ (گدار ـ لندر)

بر اساس قرارداد منعقده، طرف ژاپنی تا مبلغ ۳۸,٦۱٤ میلیارد ین وام با بهره ۳ درصد و بازپرداخت ۲۵ سال (با احتساب ۷ سال دوره تنفس) در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. بر اساس این قرارداد برنامه بازپرداخت وام دریافتی از ۲۰ ژوئن سال ۲۰۰۰ لغایت ۲۰ ژوئن سال ۲۰۱۸ تعیین شده است.

همکاری‌های جایکا (آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن)

۱ـ ارزیابی اثرات زیست محیطی نیروگاه‌های تبریز و ایران

اهداف مشترک عبارتند از:

ـ تهیه استراتژی مکانیابی نیروگاه‌ها در استان‌های مورد مطالعه

ـ ارزیابی و ارائه روش‌های کاهش آلودگی

ـ صرفه‌جویی انرژی

ـ آموزش پرسنل ایرانی

ـ انتقال دانش فنی روش‌های EIA و EIS

۲ـ *طرح جامع کنترل آلودگی هوای تهران*

در سال ۱۳۷۱ شهرداری تهران خواستار همکاری مطالعاتی با جایکا در خصوص کنترل آلودگی هوای تهران بزرگ شد. نخستین مرحله از فعالیت‌های میدانی در شهریور ـ مهر ۱۳۷۵ با حضور تمامی اعضا گروه مطالعاتی ژاپنی پروژه و کارشناسان همکار ایرانی در زمینه‌های اندازه‌گیری ساده از آلاینده‌های هوای تهران آغاز شد.

زمان نتیجه‌گیری از طرح‌های پیشنهادی، سال ۱۳۸۹ اعلام شده است.

۳ـ *طرح توسعه کشاورزی حوزه آبریز هراز*

مذاکرات مربوطه با هدف توسعه کشاورزی منطقه با محوریت کشت برنج در سال ۱۳۶۲ بین وزارت کشاورزی و جایکا آغاز شد.

٤ـ *مرکز آموزش علائم راه‌آهن یزد*

راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ درخواست همکاری با جایکا در زمینه‌های آموزش و تجهیزات مرکز آموزش علائم الکتریکی ناحیه جنوب شرق را تسلیم سفارت ژاپن در تهران کرد. در سال ۱۳۷۲ قرارداد مربوطه امضا و در سال ۱۳۷۵ به پایان رسید. این طرح و پروژه کنترل آلودگی هوای تهران از نمونه‌های موفق همکاری‌ها هستند.

٥ـ *طرح تجزیه و تحلیل ذخیره انرژی و کاربرد منطقی آن در بخش‌های مختلف اقتصادی و جمهوری اسلامی ایران*

سازمان برنامه و بودجه به‌منظور افزایش بهره‌وری از انرژی در بخش‌های مختلف اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران طرح مطالعاتی جامع انرژی را با آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن (جایکا) از سال ۱۳۷۱ آغاز و در سال ۱۳۷۳ به پایان رسید. با توجه به نتایج مثبت این مطالعات و درخواست طرف ایرانی به منظور استمرار مطالعات مذکور، قرارداد همکاری مطالعاتی اجرای مطالعات توسعه‌ای تجزیه و تحلیل ذخیره انرژی و کاربرد منطقی آن در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ایران بین جایکا و سازمان برنامه و بودجه در مهر ۱۳۷۳ به امضا دوطرف رسید.

٦ـ دوره آموزشی کشور ثالث

یکی از انواع همکاری‌های آموزشی جایکا برگزاری دوره‌های آموزشی کشور ثالث در کشورهای در حال توسعه با شرکت کارآموزان کشورهای همسایه است.

همه ساله تعدادی کارآموز در قالب دوره‌های مختلف آموزشی به ژاپن اعزام می‌شوند. مؤسسه‌های ژاپنی عبارتند از:

جایکا ـ آئوتس (این انجمن همه ساله سمینارهای کوتاه مدتی را در کشورهای مختلف برگزار می‌کند) ICCP و APO

۷ـ پروژه ریز پهنه‌بندی لرزه‌ای تهران بزرگ

این پروژه که مجری ایرانی آن سازمان طرح مطالعات زلزله تهران بزرگ (معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران) است در سال ۱۳۷۵ با سفارت ژاپن در تهران در میان گذاشته شد و متعاقب پیگیری‌های به عمل آمده هیأتی از انستیتو توسعه زیرساختاری ژاپن (IDI) جهت بررسی درخواست و انجام مذاکرات کارشناسی با طرف ایرانی به جمهوری اسلامی ایران مسافرت کرد.

۸ـ طرح سیستم فاضلاب‌سازی و بازیافت آن

یک تیم کارشناسی از انستیتو توسعه زیرساختاری ژاپن در سال ۱۳۷۵ جهت بازدید از تأسیسات فاضلاب تهران و ساری به ایران سفر کرد و گزارش کار خود را به طرف ایرانی و سفارت ژاپن ارسال کرد.

همکاری‌های نفتی ژاپن و ایران

جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از تأمین‌کنندگان باثبات نفت خام وارداتی ژاپن به شمار می‌رود و این موقعیت طی سال‌های پس از جنگ نفت در خلیج‌فارس از استحکام بیشتری برخوردار شده است.

ژاپن از نظر ذخایر زمینی نفت کاملاً فقیر و وابسته به واردت از خارج و بالاخص منطقه خاورمیانه است. سهم خاورمیانه از صادرات نفت به ژاپن ۸۷ درصد است.[۱۷۷] درصد وابستگی این کشور به نفت منطقه مزبور در سال‌های مختلف نوساناتی داشته ولی سنگینی حضور تولیدکنندگان نفت در خاورمیانه در بازار واردات نفت خام ژاپن به‌خوبی محسوس است و جمهوری اسلامی ایران که یکی از صادرکنندگان عمده نفت خام در منطقه خلیج‌فارس به‌شمار می‌رود دارای حضوری مستمر در این بازار بوده است.

عمده‌ترین کالای صادراتی ایران به ژاپن را نفت خام با اختصاص سهم بیش از ۹۰ درصد ارزش صادراتی به خود تشکیل می‌دهد. محصولات غیرنفتی شامل پسته، خاویار، فرش و صنایع دستی می‌شود. ژاپن از گذشته به عنوان واردکننده انرژی در منطقه خاورمیانه و کشورمان مطرح بوده و پس از انقلاب نیز کماکان به برداشت نفت خام از پایانه‌های نفتی جمهوری اسلامی ایران ادامه داده است. به طور کلی میانگین برداشت نفت خام ژاپن از ایران حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز بوده و تقریباً ۸ درصد از مایحتاج نفتی خود را از ایران تأمین می‌کند.

به صورت مشخص در سال‌های دهه ۹۰ جمهوری اسلامی ایران، پس از امارات متحده عربی و عربستان به عنوان سومین صادرکننده به ژاپن یا به مفهومی دیگر تأمین‌کننده تقریباً ۱۰ درصد از نفت مصرفی این کشور به شمار رفته است. بر اساس پیش‌بینی METI یا MITI، میزان تقاضا تا سال ۲۰۰۵ برای واردات انواع فرآورده‌های نفتی به‌جز نفت و گاز، سوخت نوع B و C افزایش خواهد یافت و میزان تقاضای کلی ۲۴۳٫۸۴۴ هزار کیلو خواهد بود. رشد وزنی واردات نفت خام ژاپن از ایران در سال ۱۹۹۶ بیانگر سیاست کلی این کشور مبنی بر حفظ روابط خوب نفتی با ایران است.

علی‌رغم تلاش‌هایی که طی سال‌های اخیر از سوی بعضی از شرکت‌های نفتی ژاپنی جهت کاهش وابستگی به نفت خام وارداتی از منطقه خاورمیانه و افزایش جایگزین‌هایی نظیر نفت آلاسکا و کشورهای همسایه آسیایی صورت می‌گیرد، هنوز سنگینی سهم خاورمیانه در کل واردات نفت خام ژاپن کاملاً مشهود است. ولی ذکر این نکته ضروری است که به هر حال کاهش وابستگی به نفت وارداتی از منطقه خاورمیانه جزو سیاست‌های اصولی MITI و شرکت‌های واردکننده نفتی به شمار می‌رود که از آن نباید غافل شد.

البته در سفر وزیر نفت ایران، آقای بیژن زنگنه در تاریخ نوامبر ۲۰۰۰ به ژاپن یک بیانیه مشترک همکاری در بخش انرژی بین ایشان و وزیر تجارت بین‌المللی و صنایع ژاپن امضا شد.

نکات این بیانیه به شرح ذیل است:

۱. تثبیت بازار انرژی بین‌المللی

دوطرف بر ضرورت ارتقای همکاری‌های چندجانبه و دوجانبه و گفتمان به منظور تثبیت بازار انرژی جهانی تأکید کردند و به ضرورت ادامه گفتمان بین ایران به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در تولید نفت و ژاپن به عنوان دومین مصرف‌کننده نفت جهان به عنوان عنصری حیاتی و مؤثر برای مدیریت بازار انرژی جهانی و ملاحظات زیست‌محیطی تأکید کردند.

۲. مشورت در مورد سیاست‌گذاری انرژی

۳. آموزش و نظایر آن.

وزارت تجارت بین‌المللی و صنایع ژاپن، تمایل خود را به آموزش کارشناسان ایران در حوزه گسترده‌ای از بخش انرژی با هدف تقویت همکاری‌ها اعلام کرد.

۴. راه‌اندازی خودروهای با سوخت گاز مایع

وزارت تجارت بین‌المللی و صنایع ژاپن تمایل خود را به انجام مطالعات امکان‌سنجی در مورد امکان استفادهٔ خودروها از گاز مایع به‌عنوان سوخت با اهداف زیست‌محیطی اعلام کرد.

۵. جلوگیری از اتلاف انرژی

دو طرف بر ضرورت جلوگیری از اتلاف انرژی در بخش صنایع در ایران تأکید کردند.

٦. تقویت استفاده از گاز مایع

۷. همکاری در زمینه‌های توسعه نفتی

۸. فراهم آوردن تسهیلات

مقرر شد بانک همکاری‌های بین‌المللی ژاپن مبلغ ۱ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۱ برای شرکت نفت ایران اختصاص داده و در هر سال بعدی مبلغ ۱ میلیارد دیگر نیز بپردازد.[۱۷۸]

واردات نفت خام از ایران

۲۰۰۰		۱۹۹۹		۱۹۹۸		۱۹۹۷		۱۹۹٦	
درصد		درصد		درصد		درصد		درصد	
۱۱/۵	۲۹/۲۲۹	۱۱/۵	۲۸/۵٦۰	۱۱/۳	۲۸/٦۹٤	۹/۳	۲٤/۹۸۵	۱۰/۵	۲۷/۷۱۰

منبع: MITI

۸ـ۳ـ۱۰ـ روابط با اسرائیل

از جمله نقاط مورد علاقه سیاست خارجی ژاپن، خاورمیانه و خلیج‌فارس هستند. در راستای سیاست خارجی آمریکا، ژاپن به گفت‌وگو با طرف‌های ذیربط با مشارکت جامعه بین‌المللی ادامه می‌دهد تا مذاکرات صلح پیش رود. ژاپن تلاش‌های دیگری را هم در این راه انجام داده است، از جمله ایجاد نیروهای دفاع شخصی و دیگر پرسنل مورد نیاز نیروهای ناظر بازدارنده سازمان ملل (UNDOF) در ارتفاعات جولان، ادامه کمک به فلسطینی‌ها و مشارکت فعال در گفت‌وگوهای چندجانبه.

در حقیقت دولت ژاپن بدون آنکه به‌طور جدی درگیر مسائل اعراب و اسرائیل شود، با فراهم آوردن حداقل مساعدت مالی، در چارچوب سیاست‌های غرب به‌ویژه آمریکا در این مناقشه ایفای نقش می‌کند و از این رهگذر به طور گسترده و در ابعاد بین‌المللی و با آهنگی نه چندان پرشتاب سیاسی، ایجاد اعتماد منطقه‌ای و بین‌المللی خود را به پیش می‌برد. ژاپن در سال ۱۹۹٦ بعد از آمریکا دومین شریک تجاری اسرائیل با ۲/۲ میلیارد دلار حجم روابط تجاری به حساب می‌آمد.[۱۷۹]

با پایان یافتن جنگ سرد و بحران خلیج‌فارس روابط ژاپن و اسرائیل به طور برجسته‌ای در چند سال اخیر همراه با روند صلح خاورمیانه گسترش یافته است. رشد روابط را می‌توان در رشد تجارت دوجانبه دید. در دیدار رهبران دو کشور در سال‌های ۹٤، ۹۵ و ۹۷ رهبران اسرائیل ابراز علاقه کرده‌اند که ژاپن در روند صلح نقش فعال‌تری ایفا کند.[۱۸۰] در بازدید نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت اسرائیل از ژاپن در سال ۱۹۹۷، وی خواستار همکاری ژاپن در ساخت نوعی موشک شده بود، اما ژاپن با طرح این موضوع که ارسال فنون و تسلیحات نظامی به خارج از کشور، با قانون اساسی و تعهدات امنیتی این کشور مغایر است، آنرا نپذیرفت. همچنین یادآور می‌شود که رژیم صهیونیستی بیشتر خواهان پیوستن ژاپن به طرح ضد موشک شده بود که با همکاری تل‌آویو، واشنگتن در حال اجرا است.[۱۸۱]

در چارچوب مذاکرات چندجانبه در روند صلح، ژاپن نقش مثبتی را در حوزه‌هایی چون محیط زیست، توسعه اقتصادی و مدیریت منابع آب ایفا کرده است. در کنار پشتیبانی از مردم فلسطین، کمک‌های ژاپن هم از جانب اسرائیل و هم از جانب اعراب مورد ستایش بوده است. تبادلات نه تنها در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی توسعه گسترش یافته بلکه در مورد تبادلات فرهنگی و علمی نیز همکاری‌هایی در زمینه علوم و فناوری صورت گرفته است. ژاپن در سال ۱۹۵۲ اسرائیل را به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۵۵ در تل‌آویو دفتر نمایندگی تأسیس کرد که در سال ۱۹۶۳ به سطح سفارت ارتقا یافت. در سال ۱۹۹۳ بین ژاپن و اسرائیل کنوانسیون اجتناب از مالیات دوگانه امضا شد. در سال ۱۹۹۵ قرارداد همکاری در زمینه علوم و فناوری و در سال ۲۰۰۰ در مورد خدمات هوایی بین دو کشور قراردادهایی امضا شد.

تعداد اتباع ژاپنی مقیم اسرائیل: ۷۸۰ نفر (اکتبر ۱۹۹۹)

تعداد اتباع اسرائیلی مقیم ژاپن: ٦۰٤ نفر (دسامبر ۱۹۹۸)

صادرات اسرائیل به ژاپن: ۰/۸۵ میلیارد (الماس صیقلی، مواد شیمیایی، ماشین‌آلات، لوازم الکتریکی و مرکبات)

واردات اسرائیل از ژاپن: ۱/۲ میلیارد دلار (اتومبیل، ماشین‌آلات، لوازم الکتریکی و مواد شیمیایی)

در مورد کمک‌های ODA ژاپن، از آنجایی‌که تولید ناخالص داخلی اسرائیل بالا است، شامل کمک‌های ژاپن نمی‌شود ولی برای فلسطینیان کمک‌هایی را در اختیار حکومت خودگردان از قبیل مواد بهداشتی، دارویی، مسکن و غیره ارائه می‌دهد. از لحاظ علمی تبادل استاد بین دو ملت و تبادلات علمی بین دانشگاه‌ها بسیار بالاست.[۱۸۲]

فصل یازدهم
بررسی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های کشور

۱ـ۱۱ـ در عرصه منابع طبیعی

۷۰ درصد مساحت ژاپن را کوهستان‌های جنگلی تشکیل می‌دهند و لذا برای زیست و زراعت مساعد نیست. این کشور معادن و ذخایر طبیعی عمده‌ای نیز ندارد.

ژاپن کشوری است که سالانه مقادیر قابل توجهی مواد غذایی وارد می‌کند، چرا که به لحاظ کمبود زمین و منابع طبیعی، این کشور قادر به تأمین نیازهای غذایی جمعیت ۱۲۰ میلیونی خود نیست. به طور کلی باید گفت که ژاپن دارای یکی از بزرگ‌ترین بازارهای وارداتی در جهان است. میزان واردات این کشور در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۲۹۲/۱ میلیارد دلار بوده است.[۱۸۳] عمده‌ترین واردات مواد غذایی ژاپن از ایران پسته و خاویار است. این کشور در شش ماهه اول سال ۲۰۰۲، میزان ۶,۶۷۰,۸۰۹ میلیون دلار از ایران واردات مواد غذایی داشته است. ژاپن یکی از واردکنندگان عمده پیاز، قارچ و گوجه‌فرنگی از چین است که با اعمال تعرفه‌های محدودکننده از سوی چین در دسامبر ۲۰۰۱، باعث ایجاد و شکاف تجاری غیرمنتظره‌ای در

حجم روابط بازرگانی دو کشور شد که نگرانی شدید ژاپنی‌ها برانگیخت ولی به هر حال مسئله در پایان دسامبر ۲۰۰۱ حل شد.

همچنین اسرائیل یکی از صادرکنندگان عمده مواد غذایی به ژاپن نیز به‌شمار می‌رود.

۲ـ۱۱ـ در عرصه انرژی

ژاپن از لحاظ انرژی کشوری بسیار وابسته است. این کشور تقریباً ۸۰ درصد نیاز انرژی خود را از خارج تأمین می‌کند. ژاپن بخش عمده نیازهای نفتی خود را از منطقه خاورمیانه تأمین کرده و یکی از مشتریان عمده نفت ایران به‌شمار می‌رود. به این ترتیب تغییراتی که در روند صدور نفت خام به ژاپن روی دهد برای آن کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است.

شوک اول نفتی که در سال ۱۹۷۳ ناشی از جنگ چهارم خاورمیانه به ژاپن وارد شد و در اثر آن اعراب استراتژی نفتی خود را تغییر داده و جریان صدور آنرا کند کردند، به این صورت که ابتدا حمل محموله نفتی به کشورهایی که از موضع آنها حمایت نمی‌کردند را به حالت تعلیق درآوردند و سپس قیمت نفت را پنج برابر کردند، این امر ضربه سختی برای ژاپن به‌شمار می‌رفت که باعث تغییر نرخ برابری ین در مقابل دلار شد یعنی ابتدا هر ۳٦۵ ین معادل یک دلار شد و سپس از ۱۹۷٤ تا ۱۹۷٦ هر ۳۰۰ ین برابر یک دلار شد.

شوک بحران دوم نفتی از اواخر سال ۱۹۷۸ با افزایش قیمت نفت آغاز شد ولی با توجه به وضعیت اقتصادی در جهان، ژاپن خیلی سریع توانست مشکلات را برطرف و اقتصاد خود را با آن تطبیق داده و مجدداً اقتصاد آن رو به رشد گذارد.

البته دولت ژاپن با تجربه‌اندوزی از بحران اول نفتی توانست با اجرای سیاست‌هایی نظرات دقیق بر تقدم و ادوار تجاری به حفظ و تقویت رشد اقتصادی کمک کند. به علاوه با حمایت از فناوری پیشرفته ساختار جدید صنعتی را شکل دهد که ضمن کاهش مصرف انرژی توانست سرمایه‌گذاری‌ها را از صنایع سنگین و شیمیایی به سوی صنایع سبک با سود زیاد مانند الکترونیک و کامپیوتر سوق دهد. به هر حال نباید فراموش کرد که سرزمین ژاپن را نیروی

هسته‌ای و غیرهسته‌ای (نیروهای کلاسیک) آمریکا حفظ و حراست کرد و در نتیجه ژاپن توانست تمام توانایی‌های ملی خود را صرف رشدی مداوم، به خصوص در ایجاد بازارهای صادراتی کند.[١٨٤]

البته ژاپن سیاست امنیت انرژی را برای کاهش میزان آسیب‌پذیری آن در این بخش اتخاذ کرده است. این سیاست شامل ترتیبات کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شود که ترتیبات کوتاه‌مدت شامل؛ اقداماتی از قبیل احداث ذخایر و انبارهای نفتی جهت مقابله با وقفه در عرصه و محدودسازی مصرف است.

ترتیبات بلندمدت نیز شامل موارد زیر می‌شود:

١. کاهش میزان وابستگی به عرضه انرژی خارجی

٢. کاهش وابستگی به نفت (توسعه انرژی‌های جایگزین)

٣. کاهش میزان وابستگی به نفت خاورمیانه (گسترش واردات از سایر نواحی)

٤. کاهش سهم نفت در کل انرژی وارداتی

٥. صرفه‌جویی در انرژی[١٨٥]

البته در صورت تحقق پروژه‌های ژاپن برای کاهش وابستگی به نفت خام، این کشور تا سال ٢٠٠٣ یک‌سوم نیاز انرژی خود را از منابع جدید از جمله انرژی هسته‌ای و الکتریکی تأمین خواهد کرد.[١٨٦]

٣ـ١١ـ در عرصه اقتصادی

اقتصاد ژاپن علی‌رغم رشد سریع آن در دهه ٧٠، ٨٠ و اوایل دهه ٩٠ میلادی، با رکود مواجه شده است. طی ٣٠ سال گذشته آسیا «معجزه اقتصادی» دنیا قلمداد می‌شد. اما با بروز بحران مالی سال ١٩٩٧ در آسیا که از هنگ‌کنگ شروع شد، ببرهای اقتصادی آسیا با سقوط پول رایج و بازار سهام مواجه گردیدند. حتی ژاپن دومین قدرت بزرگ اقتصادی دنیا نیز در بعضی موارد آسیب‌پذیر به‌نظر می‌رسد.[١٨٧]

بحران از زمانی آغاز شد که در اواخر سال ۲۰۰۰ رشد صادرات کاهش یافته و بدهی‌ها افزایش یافت. کاهش رشد صادرات این کشور در اثر این بحران برای ژاپن که اقتصاد آن کاملاً وابسته به «صادرات» است باعث شد تا بانک‌های آن کشور در آستانه ورشکستگی قرار گیرند.

در سال‌های اواخر دهه ۹۰، اقتصاد در حال رشد آمریکا و اشتهای فوق‌العاده آن برای تولیدات ژاپنی عاملی کلیدی در گذر ژاپن از مرحله رکود بود اما در اواخر سال ۲۰۰۰، حباب فناوری اطلاعاتی در آمریکا، ترکیه و تقاضا برای قطعات الکترونیک، نیمه‌رساناها و طیف وسیعی از کالاهای مصرفی رو به کاهش گذاشت. کاهش تقاضا باعث تأثیر عمیق بر اقتصادهای مبتنی بر صادرات کشورهای جنوب شرق آسیا که سودهای کلانی از این راه به‌دست می‌آوردند، از جمله ژاپن شد.[۱۸۸]

نرخ بیکاری در سال ۲۰۰۰ در ژاپن ٤/٧ درصد و تعداد بیکاران ٣/٢ میلیون نفر یعنی بیش از هر زمان دیگری بود.[۱۸۹] این نرخ از زیر ۲ درصد در دهه ٦٠ و ٧٠ میلادی به ٥/٥ درصد در نوامبر ۲۰۰۱ رسید.[۱۹۰]

همچنین افزایش سن جامعه ژاپن که بسیار سریع‌تر از هر جامعهٔ دیگری در دنیا صورت می‌گیرد، مشکلات جدی را به‌وجود آورده است. در دهه ٧٠، تنها ٧ درصد جامعه بالای ٦٥ سال سن داشتند ولی در سال ۱۹۹٥ این میزان به ١٤/٦ درصد رسید و در همین زمان نرخ باروری از ٢/١٣ به ١/٣٤ کاهش یافت. کهولت جامعهٔ ژاپنی بار سنگینی بر دوش درمان پزشکی و نظام بازنشستگی وارد می‌کند و در سال‌های پیش‌رو، جمعیت در حال کار باید هزینه فزاینده این بار سنگین را بر دوش بکشد.[۱۹۱]

رکود اقتصادی در ژاپن باعث شد، بانک ژاپن تحت فشارهای شدید سیاسی نرخ‌های بهره پایین خود را باز هم پایین‌تر برد تا به این ترتیب باعث افزایش فعالیت‌های اقتصادی شود. در فوریه ۲۰۰۱ نرخ بهره را از ٠/٥ درصد به ٠/٣٥ درصد کاهش داد ولی حتی این تمهیدات نیز انگیزه سرمایه‌گذاری را تشویق نکرد. حتی با کنار رفتن «موری» و روی کار آمدن «کویزومی» و برنامه اصلاحات ساختاری او، دولت تمایل چندانی به اعمال اصلاحات نشان نداد چراکه منجر

به افزایش ورشکستگی و بیکاری می‌شد. علی‌رغم تلاش کویزومی کماکان تصویری ضعیف از اقتصاد ژاپن و آمریکا ترسیم می‌شود و کاهش صادرات ژاپن نیز روند معمولی به خود گرفت. در اوت ۲۰۰۱، شاخص نیکی Nikkei (بازار سهام توکیو) با ۱۸ درصد کاهش روبه‌رو شد.

حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا شاخص نیکی را به پایین‌ترین نرخ خود را طی ۱۷ سال رساند.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که تنها افزایش تقاضا در آمریکا باعث بهبود اقتصاد ژاپن می‌شود، تأثیرات اولیه حملات در داده‌های ماه سپتامبر ۲۰۰۰ مشخص شد. تولید صنعتی از ماه آگوست به ۲/۹ درصد در سپتامبر افت کرد و نسبت به سال قبل ۱۲/۷ درصد کاهش نشان داد که بدترین میزان از سال ۱۹۹۵ بوده است. بانک ژاپن پیش‌بینی‌های اقتصادی خود را برای مارس ۲۰۰۲ براساس رشد ۰/۹ تا ۱/۲ گذاشت. برای سال مالی منجر به مارس ۲۰۰۳، بانک مرکزی نرخی بین ۱/۱ تا ۰/۱ درصد را پیش‌بینی کرده است.[۱۹۲]

به هر حال در آستانه قرن ۲۱، اقتصاد و بازار صادراتی کلیدی ژاپن یعنی آمریکا به‌نظر کند شده و مصرف سرانه نیز که ٦۰ درصد تقاضای داخلی بود، روند نزولی یافته، به این ترتیب اقتصاد ژاپن که بسیار وابسته به اقتصاد آمریکاست بسیار آسیب‌پذیر شده و نگرانی از عدم احیای اقتصادی در کوتاه‌مدت وجود دارد.[۱۹۳]

واقعیت امر آن است که اقتصاد ژاپن هم مانند اقتصاد سایر کشورهای صنعتی، پس از طی دوران شکوفایی و نضج گریبانگیر یک حالت رکود نسبی شده که در کوتاه‌مدت رهایی از آن امکان‌پذیر نیست. معهذا بخش دولتی و خصوصی ژاپن تلاش می‌کنند با ایجاد تغییرات لازم در ساختار اداری ـ صنعتی کشور شرایط لازم جهت انطباق با وضعیت فعلی و آتی داخلی و بین‌المللی را فراهم کنند.

اما ملاحظاتی را نیز نباید از نظر دور داشت و آن اینکه تقریباً در نیم‌قرن گذشته آمریکا رضایت داد که علی‌رغم عدم حضور نظامی ژاپن در جنگ خلیج‌فارس در سال ۹۱ به‌عنوان متحد آن کشور، سهم ژاپن از هزینه‌های فوق را تقبل کند و چنانچه ژاپن به پرداخت این

هزینه‌ها مجبور می‌شد مسلماً دیگر نمی‌توانست به رفاه و رونق اقتصادی که امروزه از آن بهره‌مند است دست یابد. اما با سقوط شوروی دیگر آمریکا دلیلی برای تقبل این‌گونه هزینه‌ها به جای ژاپن ندارد و چنانچه ژاپن از قبول این هزینه‌ها و مسئولیت‌هایی مربوط به حفظ تجارت آزاد و ثبات صلح و امنیت جهانی طفره رود، این خطر جدی وجود خواهد داشت که صلح و رفاه خود را از دست بدهد.

۴ـ۱۱ـ در عرصه مسائل ارضی

ظهور چین، هراسی را در دل ژاپنی‌ها زنده کرد و انگیزهٔ کاملاً جدیدی را به ملاحظات راهبردی آنان بخشیده است. یکی از شخصیت‌های برجسته ژاپنی در اواخر دهه ۹۰ توضیح داد که ژاپن باید در مسیر تدوین راهبرد خود، احتمال و رویداد متناقض را در نظر داشته باشد. تجزیه چین در نتیجه ناتوانی این کشور در جذب پیامدهای روند نوگرایی و افزایش قدرت این کشور در صورت موفقیت روند نوگرایی است.[۱۹۴]

امروزه می‌بینیم که چین در روند نوگرایی موفقیت چشمگیری پیدا کرده که باعث افزایش قدرت تدریجی این کشور در صحنه رقابت جهانی خواهد شد. چین از نظر امنیتی یکی از منابع نگرانی ژاپنی‌هاست و این حساسیت اخیراً برای ژاپنی‌ها به‌وجود آمده که توسعه امکانات نظامی پکن و تأکید رهبران این کشور بر زنده کردن ادعاهای ارضی، موجب بی‌ثباتی منطقه و در جهت تلاش چین برای سلطه بر منطقه آسیا در دوران پس از جنگ سرد است. به‌خصوص که دولت چین حاکمیت ژاپن را بر جزایر «سنگاکو» رد کرده و جزایر مذکور را متعلق به خود می‌داند. در این رابطه برخی از صاحبنظران سیاسی ژاپن متفقاً با دولت هم‌عقیده‌اند که «اگرچه جنگ سرد پایان یافته، ولی هنوز عوامل بی‌ثباتی در مناطق نزدیک ژاپن، مانند وضعیت حساس در شبه‌جزیره کره و بین چین و تایوان وجود دارد و تا زمانی‌که این بخش از جهان ثبات نیابد، صلح و آرامش برای ژاپن به‌وجود نخواهد آمد».

آقای هاشیموتو، نخست‌وزیر ژاپن قبل از دیدارش از چین در سال ۱۹۹۷، نکات اساسی

سیاست خارجی کشورش را در رابطه با چین، چنین مطرح کرد او گفت: «ژاپن کشور صلح‌طلبی است که می‌خواهد راه را برای وصول به آرامش و صلح‌خواهی هموار سازد. به هر حال باید از بروز هرگونه عدم اعتماد در ملل آسیایی نسبت به این هدف ژاپن جلوگیری شود». چین نیز یکی از این کشورها شمرده می‌شود. به‌خصوص که در مورد مسئله پیمان امنیتی ژاپن و ایالات متحده که بدنه امنیتی ما را تشکیل می‌دهد، دیدگاه متفاوتی دارد. سند پیمان نشان می‌دهد ژاپن و ایالات متحده بر این اعتقادند که در نظر گرفتن نقش چین در این مورد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این کشور باید به منظور تحقق صلح و ثبات آسیا، نقش سازنده خود را در این زمینه ایفا کند. به‌همین دلیل است که ما علاقه‌مند گسترش و تعمیق روابط با چین هستیم. از سوی دیگر مسئله بازسازی نظامی چین موضوعی است که حکومت چین در مورد آن اظهار می‌دارد که این امر تنها به دلیل مسائل دفاعی کشور صورت پذیرفته، به هیچ‌وجه هدف از آن تحقق سلطه‌جویی و برتری طلبی نیست. همچنین این اصل مطرح است که تحقق چینن خواستی، یعنی افزایش توان نظامی چین، تهدید بالقوه‌ای شمرده می‌شود. به‌هر حال چون چین به‌طور سنتی همواره معتقد به توازن نیروها بوده برای کشورهای دیگر یک تهدید شمرده می‌شود.[۱۹۵]

ژاپن در هر حال باید اقدامات خود را در زمینه ایجاد مانع در برابر آرمان‌خواهی‌های سلطه‌طلبانه احتمالی چینی‌ها آغاز یا از ایفای نقش نظارتی صرف در برابر بروز فاجعه‌ای داخلی در چین اجتناب کند. آنچه بی‌تردید پای قدرت‌های خارجیِ را بهَ میَان بخواهد کشید.[۱۹۶]

کره شمالی

مسئله دیگر وجود همسایه‌ای به نام کره شمالی است که ژاپنی‌ها در مورد احتمال داشتن تسلیحات هسته‌ای توسط کره بسیار نگران هستند و برای این منظور مایلند با گسترش روابط تجاری و کمک به کره شمالی این تهدید را به حداقل برسانند. برنامه‌های موشکی کره شمالی

و به‌خصوص آزمایشات موشکی آن کشور از قبیل آزمایش موشک «رودنگ یک» که در ماه‌های اخیر صورت گرفت، نشان داد که می‌تواند با موشک‌های دوربرد، ژاپن را مورد حملات سخت نظامی خود قرار دهد. از این روست که ژاپنی‌ها به سرمایه‌گذاری بر روی ساخت و پرتاب ماهواره‌های جاسوسی، فضا دست زده‌اند که اخیراً یک ماهواره جاسوسی ساخت ژاپن به فضا پرتاب شد و در مدار قرار گرفت تا ژاپن بتواند با دقت بیشتری تحرکات کره شمالی را زیرنظر قرار دهد.

به هر حال پیمان امنیتی آمریکا ـ ژاپن، مدت طولانی به‌عنوان یک مکانیزم بسیار مؤثر برای دفاع از ژاپن خدمت کرده است و از آنجایی که هنوز بسیاری از عدم اطمینان‌های سیاسی و نظامی در شرق دور و سایر نقاط آسیا همچون تهدید هسته‌ای کره شمالی وجود دارد، لازم است این پیمان برای سال‌های آینده همچنان معتبر باقی بماند.[۱۹۷]

فهرست منابع فارسی

۱ـ اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰.

۲. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو، ۱۳۷٦.

۳ـ محمد واردی، «ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷٤.

٤ـ کتاب سبز ژاپن، وزارت امورخارجه، ۱۳٦۹.

۵ـ کتاب سبز ژاپن، وزارت امورخارجه، ۱۳٦۱.

٦ـ مجموعه گزارشات تحولات ژاپن، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو، ۱۳۷۰.

۷ـ علی بشردوست و محمد واردی، «گسترش نقش رهبری ژاپن در آسیا»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷۲.

۸ـ حمید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷٤.

۹ـ نگاهی به ژاپن، سفارت ژاپن در تهران، ۱۳۸۰.

۱۰ـ هفته‌نامه گسترش صنعت، سال سیزدهم، شماره ٦۳۷، ۱۳۸۱/۱۰/۳۰.

۱۱ـ کیسینجر هنری، «دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱»، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۱.

فهرست منابع لاتین

1. Kishimoto Koichi, "Politics in Modern Japan", Japan Echo Inc 2nd Revised, 1982.
2. The Japan Book, Kodansha Int'l, First Edition 2002.
3. Japan, A Pocket Guide, Foreign Press Center, Tokyo, 2002 Edition.
4 Diplomatic Blue Book of Japan, Ministry of Foreign Affairs, 2002
5. Saijiu Hosegawa, "Japan in Current World Affairs", Japan Times ltd, Tokyo, 1970-72.
6. Far Eastern Economic Review, Asia 2002 Year book.
7. Hugh Borton, "Japan's Modern Century, "The Ronald press Company, NewYork, 1955, pp 399 – 407.

فهرست پایگاه‌های اینترنتی

1. http://www.odci.gov./cia/publication,factbook,geos.ja.html
2. http://www.fas.org/irp/world/japan/npsc.htm
3. http://www.meti.go.jp
4. http://www.komei.or.jp
5. http://www.dpj.or.jp
6. http://www.Japanesepoliticians.com
7. http://www.jimin.jp
8. http://www.shugiin.go.jp
9. http://www.jin.jcic.or.jp
10. http://www.ndl.go.jp
11. http://www.cao.go.jp
12. http://www.mofa.go.jp
13. http://www.courtsgo.jp
14. http://www.infoseek.com
15. http://www.newkomeito.jp
16. http://www.fjaj/jp
17. http://www.japan-zone.com
18. http://www.kogutek-hp.infoseek.co.jp
19. http://www.japanomnibus.jp
20. http://www.jiyuto.or.jp
21. http://www.oefre.unibe.ch/law/icl.ja0000.html

پی‌نوشت‌ها

1. Japan unmeshed, p.22
2. Saudi Hageman, “Japan in cement world affairs,” 1970-73, Japan times Ltd. (1972), Tokyo, p.97

۳. مجید رئیسی نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷۲، ص ۹۸

٤. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ١٣٧٦، صص ٢٧ و ٦٧

٥. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ١٣٧٦، ص ٥٨

٦. مجید رئیسی نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷۲، ص ۱۹

7. Japan Pocket Guide, 2002 Edition, Foreign Press Center, p.20
8. Ibid
9. The Japan book, Kodansha Int’ & Ltd, 2002, p- 42
10. http://www.cao.go.jp/index-e.html
11. http://www.jin-jcic.or.jp

۱۲. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷۲، صص ۲۱ـ۲۰

۱۳. همان، ص ۲۲

14. The Japan Book, "Kodansha Int’l First Edition 2002, P.44
15. Japan, A pocket Guide, 2002 Edition, P.24

16. http://www.jin.jcic.or.jp/acess/local,relation.html-12.2.2003
17. The Japan Book, Kodansha Int'l Ltd, First Edition, 2002, p.44
18. Japan, A Pocket Guide, 2002 Edition, p.24-25

۱۹. محمد واردی، «ژاپن» مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷٤، صص ۱۷۷_۱۷۸

۲۰. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷۹، ص ٥۸

۲۱. همان، ص ٦۱

۲۲. همان، صص ٦۳_٦۲

23 http://www.yahoo.com/countrieS, Japan, Governmental Structure of Japan, html.20.1.03
24. Ibid
25. Ibid
26. http://www.yohoo.com/lounthes/Japan/Gonenmental strategy of Japan, htm.20.1.03
27. Japan pocket Guide/2002 Edition Foreign Press Center
28. http://www.yahoo.com/countries, Japan, Governmental Structure of Japan.html. 20.1.03
29. Japan, A pocket Guide, 2002 Edition / Foreign Press Center
30. Ibid

۳۱. مجید رئیسی نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷۲، ص ۱٤

۳۲. همان، ص ۱٥

۳۳. همان، ص ۱٦

۳٤. محمد واردی، «ژاپن» مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷٤، صص ۱۷۸

35. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002 Edition, p-46

۳٦. محمد واردی، «ژاپن» مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷٤، صص ۱۷۸

۳۷. «کتاب سبز ژاپن»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳٦۹

۳۸. محمد واردی، «ژاپن» مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ۱۳۷٤، صص ۱۷۹

۳۹. قضات دیوان عالی کشور که از سوی کابینه منصوب می‌شوند، باید در اولین انتخابات عمومی مجلس نمایندگان به آرای عمومی گذاشته شوند و این کار با زدن علامت × در مقابل نام آنان انجام می‌گیرد. در صورت عدم موافقت عمومی با عضویت فرد در دیوان، وی از این مقام اخراج می‌شود و کابینه فرد

جدیدی را برای این سمت منصوب می‌کند که باید همان تشریفات را برای تأیید نهایی طی کند.

40. The Japan book, Kodansha Int'l, 2002 Edition, p.45
41. Japan, A Pocket Guide, Kodansha Int'l Ltd, 2002 Edition, p.29
42. http://www.courts.go.jp/english/sochikie_3html

٤٣. محمد واردی، «ژاپن» مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، صص ١٨٤

٤٤. همان

45. http://www.courts.go.jp/english/soshikie-3.html
46. Ibid

٤٧. محمد واردی، «ژاپن»، مؤسسهٔ چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، صص ١٨٦ـ١٩٢

٤٨. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، ص ٢٥

٤٩. همان، ص ٢٦

50. The Japan Book, Kodansha Int'l Ltd, First Edition 2002
51. Kishimoto koichi, politics in Modern Japan, P. 70

٥٢. حزب LDP اگرچه در واقع و نفس امر حافظ منافع و نماینده بخش خصوصی یا به‌اصطلاح « Big Business» است ولی از آغاز تاکنون رابطهٔ ویژه‌ای با بخش کشاورزی دارد.

٥٣. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، ص ٢٥

٥٤. مجید رئیسی‌نیا، همان، ص ٢٥

55. The Japan Book, Kodansha Int'l Ltd, First Edition 2002
56. http://www.oefre.urribe.ch/low/icl/ja0000-.html, 14 Feb 2003
57. Kishimoto Koichi, "Politics in Modern Japan", P.70
58. Oefre.urribe.ch/low/icl/ja0000-.html, 14 Feb, 2003
59. The Japan Book, Kodansha Int'l Ltd, First Edition 2002, P. 41-44
60. Japan, Apoebet Guide, 2002 Edition, P.16
61. http://www.Fpaj.jp/e/shiryo/jb/0020.htm-14 Feb 2003

٦٢. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ١٣٧٦، ص ١٥ـ١٤

٦٣. در ژوئن ١٩٨٨ افشا شد که معاون شهرداری کاوازاکی در قبال دادن اجازه ایجاد بنا از مدیر کمپانی رکرویت مقداری سهم سودآور گرفته است.

64. Japanese Power Game, p.146

65. Japan Times, P.18, 12th Oct. 1989
66. Kishimoto Koichi, politics in Modern Japan, p.70

٦٧. هفته‌نامه گسترش صنعت، سال سیزدهم، شماره ٦٣٧، ٣٠ دی ١٣٨١، ص ١٢

٦٨. مجید رئیسی‌نیا «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، صص ١١ـ٨

٦٩. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ١٣٨٠، صص ٩٧ـ٩٦

70. http://www.Kyushu-u.ae.jp.Nlube.japanese law links.html March 2003

٧١. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤

72. The Japan Book, Kodansha Int'l Ltd, First Edition 2002, p.105

٧٣. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، ص ٧٠

٧٤. محمد واردی، «ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، ص ٢٠٩

٧٥. همان

76. Japan, A pocket Guide, 1996 Edition, pp12-18, Foreign Press Center
77. Kishimoto Koichi, "Modern Politics in Japan", Japan Echo Inc. Second Edition 1985, P. 83
78. Takeshi Sasaki, "Postwar Japanese Politics at a Turning Point", Japan Foundation Newsletter, May 1991, PP 1-7

٧٩. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه؛ ١٣٧٤، ص ٣٥

80. The Diet, Election and Political Parties, P 35

٨١. همان، مجید رئیسی‌نیا، ص ٣٦

82. Kishimoto Koichi, "Politics in Modern Japan", Japan Echo Inc. Second Edition, 1982 P.84

٨٣. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، صص ٣٨ـ٣٥

84. Kishimoto Koichi "Politics in Modern Japan" Japan Echo Inc. Second Edition, 1985, p.85
85. Japan, Pocket Guide, 1996, P 14-20, Foreign Press Center

٨٦ مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، صص ٤٣_٤٢

87. http://www.japan-zone.com/omnibus/political-party.html. 1st March 2003
88. Japan, Apocket Guide, Kodansha Int'l Ltd, 1996 Edition, p 12-18
89. http://www.kogutek.hp.infoseek.ca.jp/politics.html

٩٠. «کتاب سبز ژاپن»، وزارت امور خارجه، ١٣٦٩، ص ٥٤

91. http://www.infoseek.com./political/parties/Japan, Feb.2003

٩٢. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٢، ص ٢٠_١٩

93. Kishimoto Koichi, Politics in Modern Japan, Japan Echo Inc, 2nd Revised 1982, P 93-95
94. http://www.newkomeito.jp. March 2003
95. http://www.Japan omnibus.politics.politicalparties. March 2003
96. http://www.Japanzone.political parties in Japan. March 2003

٩٧. فرازهایی از سخنان اوزاوا در کنگره افتاحیه حزب لیبرال، ٦ ژانویه ١٩٩٨

٩٨. همان

99. http://www.jiyuto.or.jp March 2003

١٠٠. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤. صص ٥١_٥٠

101. Kishimoto Koichi, "Modern Politics in Japan", Japan Echo Inc. ,Second Edition 1985, P 85
102. The diet Election Political Parties, P 78, Constitutional Amendment (Thought Practical Administration)
103. The Constitution of the Liberal Democratic Party (Revised March 13, 2001), Official Web Site Of LDP http://www.jimin.jp

١٠٤. مجید رئیسی‌نیا، «ساختار سیاسی ژاپن»، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٢، ص ٥٨

١٠٥. محمد واردی، «ژاپن»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛ ١٣٧٤، صص ١٦٩_١٧٠

106. The Japan Book, Kadonsha Int'l Ltd, First Edition 2002, PP 30-40
107. Japan Apocket Guide, Kodansha Int'l Ltd, 2002 Edition, pp. 15-20
108. http://kogutek.hp.infoseek.co.jp/politics.html-1 march, 2003

١٠٩. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران _ توکیو؛ ١٣٧٦، ص ٣٣

110. http://www.jcp.or.jp

۱۱۱. بخش‌هایی از برنامه حزب کمونیست ژاپن، تهیه اولیه ۲۷ جولای ۱۹۶۱، اصلاحات ۲۳ جولای ۱۹۹٤

۱۱۲. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۳۵

۱۱۳. بخش‌هایی از برنامه حزب کمونیست ژاپن، اصلاح شده در ۲۳ جولای ۱۹۹٤

۱۱٤.«بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۳٦

۱۱۵. برگرفته از سیاست رسمی این حزب در اینترنت به آدرس http://www.jcp.or.jp

۱۱٦. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۷٤

۱۱۷. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۱۰ـ۱۰۸

118. Japan, A pocket Guide, Foreign Press Center, Edition 2002, P 67

۱۱۹. روزنامه گسترش صنعت، سال سیزدهم، شماره ٦۳۷ ـ ۳۰ دی ۱۳۸۱، ص ۱٤

۱۲۰. برگرفته از سایت اینترنتی وزارت امور خارجه ژاپن (مارس ۲۰۰۳)، http://www.mofa.or.jp

۱۲۱. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۳۷

۱۲۲. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۷۳

۱۲۳. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۵۰

124. http://www.mofa.or.jp/organization&Function

۱۲۵. «کتاب سبز ژاپن»، وزارت امور خارجه، ۱۳٦۹، ص ٦۲

۱۲٦. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛۱۳۸۰، صص ۱۲۱ـ۱۲۰

127. The Japan Book, Kodonsha Int'l, First Edition 2002, P 47-48, 5

128. Ibid. P 47-59

129. http://www.mofa.or.jp/japanBlueBook

۱۳۰. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۵۸

۱۳۱. همان

۱۳۲. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، وزارت امور خارجه، اداره هفتم سیاسی، ۱۳٦۱، ص ٥۲

۱۳۳. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱٥۹

۱۳٤. همان، ص ۱٦۰

۱۳٥. همان

136. The Japan Book, Kodonsha Int'l, 2002, P 59

137. Japan, A Pocket Guide, 2002 Edition, Foreign Press Center, P 33

۱۳۸. «آمریکا در آسیا ـ بنای در حال ظهور برای یک جامعه اقیانوس آرام»، جیمز بیکر، فارین افرز، زمستان ۱۹۹۱

139. Diplomatic Blue Book, 2002

۱٤۰. «ژاپن و نظم نوین جهانی»، ترجمهٔ گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، بهمن ۱۳۷۰

141. Japan, A Pocket Guide, Foreign Press Center, 2002 Edition, P 102

142. Japan Diplomatic Blue Book, 2001

143. Ibid

۱٤٤. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، وزارت امور خارجه، اداره هفتم سیاسی، ۱۳٦۱، ص ٥٦

۱٤٥. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۸۰

۱٤٦. اطلاعاتی درباره ژاپن، وزارت امور خارجه، اداره هفتم سیاسی، ۱۳٦۱، ص ٥٦

۱٤۷. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۸٥ـ۱۸۳

148. Japan Diplomatic Blue Book, 2001

149. Ibid

150. Japan, A pocket Guide, Foreign Press Center, 2002 Edition, P 106

۱٥۱. «اطلاعاتی درباره ژاپن»، وزارت امور خارجه، اداره هفتم سیاسی، ۱۳٦۱، ص ٥۸

۱٥۲. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۷۲

۱٥۳. همان

۱۵٤. همان

155. The Japan Book, Kadonsha Int'l Ltd, 2002, p.50-51

۱۵٦. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۸۲

157. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002,p. 50-51

158. Defense of Japan 1993, Japan Defense Agency, pp.7-13

۱۵۹. سماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۷۷

160. Japan Diplomatic Blue Book, 2002

161. Milton. Meyer, Japan a consice History, Row man a little field publisher, 1993 USA, pp 261-262

۱٦۲. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۸٦

۱٦۳. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۸٤

۱٦٤. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۸۷

۱٦۵. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۸٦

166. Japan Diplomatic Blue Book, 2002

۱٦۷. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۸۸

۱٦۸. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۸۸

169. Japan, Apocket Guide, Foreign press center, 2002 Edition, p.106

170. Japan, Diplomatic Blue Book 2002

۱۷۱. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦، ص ۹۰

172. Japan Diplomatic Blue Book, 2002

۱۷۳. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰، ص ۱۹۹

۱۷٤. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦

175. CIA – The world fact book 2002 - Japan

۱۷٦. مصاحبه سفیر ایران در ژاپن با خبرنامه انجمن فارغ‌التحصیلان ایرانی، آذر ۱۳۸۱

177. PAJ, Annual Review, 2001.

178. http://www.mofa.or.jp.

۱۷۹. «گزارش تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦

180. Japan Diplomatic Blue Book, 2002.

۱۸۱. «گزارش تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦ ص ۱۰۳

182. http://www.mofa.or.jp

183. CIA - The world Fact Book 2002 - Japan

۱۸٤. اسماعیل نواب صفوی، «جایگاه ژاپن در جهان معاصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛ ۱۳۸۰

۱۸۵. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦

186. Japan Book, Kodansha Int'l, 2002

۱۸۷. «بررسی تحولات ژاپن»، سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦

188. Far Eastern Economic Review, Asia 2002 yearbook

189. Ibid

190. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002

191. Ibid

192. Far Eastern Economic Review, Asia 2002 yearbook

193. The Japan Book, Kodansha Int'l, 2002

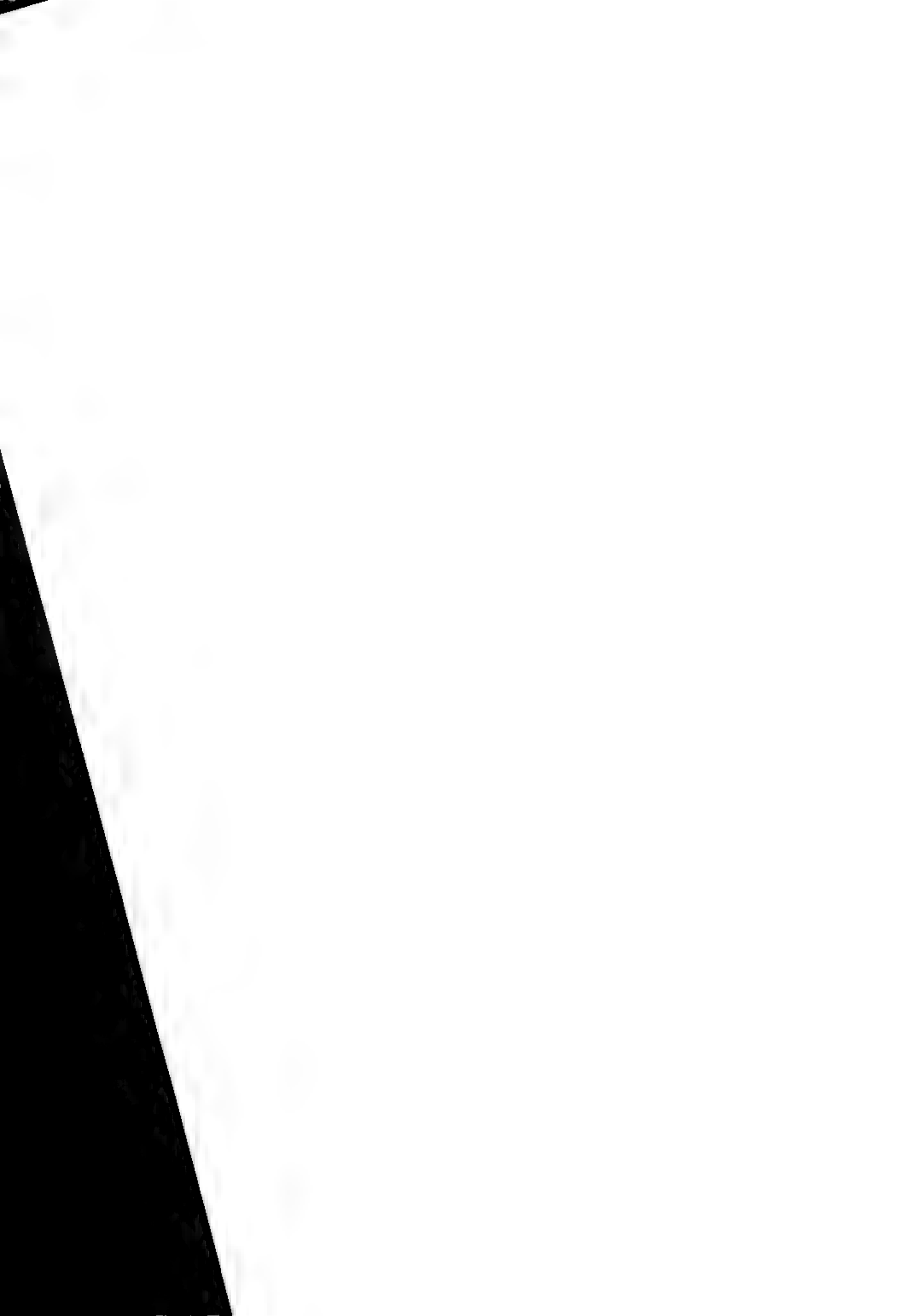
۱۹٤. هنری کسینجر، «دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱»، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۱۳۸۱، ص ۱۸٦

۱۹۵. «بررسی تحولات ژاپن»، گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ توکیو؛ ۱۳۷٦

۱۹٦. هنری کسینجر، «دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱»، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی، مؤسسه فرهنگی مطاالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۱۳۸۱، ص ۱۸۷

۱۹۷. طرح کمیته اوزاوا (Ozawa Committee)، Japan's Role in InI'l Community, LDP, 1992 ترجمه اسماعیل نواب صفوی

نمایه‌ها



نمایه اشخاص

نمایه احزاب، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و غیره

نمایه‌ها

نمایه اشخاص

نمایه احزاب، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و غیره

نمایه اماکن جغرافیایی

